











هذا کتاب مکارم الاخلاق من کلام رسول

بسم الله الرحمن الرحیم

ابتدا میکنم بنام خدای سزاوار پرستش یکتا بخشنده بر خلق بوجود وحیات و
بخشاینده برایشان ببقاء و محافظت از آفات هر شیء که از ازل تا ابد موجود
و معلوم بوده است و خواهد بود وجمله ان مر خدای که مسمی و موصوف است
بهمه اسما وصفات کمال آن خدا که یکتا بذات و یگانه است بصفات بی
نیاز است از همه چیز و اوست پناه نیازمندان و حاجتمندان نه زاده کسی
او را و زاده نشد از کسی و نیست و نبوده مر او را همتا و محمد صلی الله علیه
و آله که بنده و رسول اوست و برگزیده اوست که فرستاده او را بتمام
آفریدگان مژده دهنده مومنان و مطیعان را به بهشت و رحمت خدای تعالی
و بیم کننده بر کافران و عاصیان از دوزخ و عقوبت او و خواننده است مر

بندگان را به پرستش خدای بفرمان و توفیق او و دلیل ظاهر بر وجود او و بر اهل
بیت او که پیشوایان راه راستند و بپیروی ایشان از ظلمت و تاریکی جهالت و
ضلالت نجات می توان یافت در تاریکی و ظلمت شب بچراغ نور دهنده
راه بمقصود می توان بردن چنان اهل بیتی که خدای تعالی دور گردانیده
است از ایشان هر چیز را که منکر و ناشایسته است و معصوم و پاک گردانیده
است ایشان را از جمیع گناهان و سلام بر کسی باد که متابعت کرد راه راست را
اما بعد از حمد خدا و صلوات بر رسول و آل او پس بدرستیکه حقتعالی
گردانیده است پیروی حضرت پیغمبر را کلید خوشنودی خود و راه بسوی بهشت چنانکه
گفته است لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة یعنی بدرستیکه مر شما را در رسول
خدا پیشوای نیکوست لِمَن کانَ یَرجوا اللهَ وَالیَومَ الآخِر یعنی هر کسی را که
امید میدارد ثواب خدای تعالی و نعمتهای آخرت را و گردانیده است متابعت
آنحضرت و پیروی کردن سنت او را و آنچه از او روایت کنند سبب محبت
و وسیله رحمت خود چنانکه گفته است قُل اِن کُنتُم تُحِبّونَ اللهَ فَاتَّبِعونی
یعنی بگو ای محمد که اگر دوست میدارید شما خدای تعالی را پس متابعت کنید

مرا تا دوست دارد شما را خدای تعالی باعث شد این رستگاری عظیم بجمع کردن
کتابی که مشتمل باشد بر اخلاق کریمه حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله و آداب
حسنه آن حضرت و آنچه فرموده است بآن امت را پس گفتن حضرت که
انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق یعنی خدای تعالی مرا فرستاده است
به بندگان برای آنکه تمام کنم مکارم اخلاق را که به پیغمبران دیگر تمام نشده وجه
کردن کتاب مذکور برای آنست که دانستن هر چیزی مقدم است بر عمل کردن
بآن چیز پس باشم در کلام امیر المومنین علیه السلام چیزی که مشتمل است بر حقیقت روش
پیغمبران و آن پرهیز و دوری است از مردمان و متوجه شدن بخدای تعالی
در حالت امید و ترس و قطع نظر کردن از دنیا و زینت او و توجه کردن
باحوال آخرت و علیه السلام خاص گردانیدن از میان پیغمبران پیغمبر ما را هم بکمال این
سیرت و روش و مبالغت و ترغیب کرده است بر اقتدا کردن بآنحضرت
بعد از کلام طویل و کسی را که دعوی دروغ میکرد که امید میدارد بخدا پس
گفته است که دعوی میکند بگمان خود که امید میدارد بخدا بحق خدا که دروغ
میگوید چیست حال او که ظاهر نمیشود امید او در عمل او که امید داشتن بخدا

که این عمل از او ظاهر نمیشود امید او در عمل او که امید داشتن بخدای تعالی
زیرا که هر که در امید خود صادقست عمل میکند که بسبب آن عمل بمطلوب خود
برسد و بنده امید و آنچه خدای تعالی بهشت را و گناه میکند پس امید او در کفر او
ظاهر نمیشود و هر ترسی که هست تحقق و معلوم است مگر ترس از خدای تعالی بزرگ
این معلوم نیست زیرا که اگر ترس بنده از خدای تعالی تحقق میبود مرتکب معاصی نمی
شد امید میدارد بنده از خدای تعالی امر بزرگ را که آن بهشت است و نعمتهای
آخرت و امید میدارد از بندگان خدا چیزی بی اعتبار که آن امور دنیوی است
و با وجود این صرف میکند بسیاری از مال خود را و خدمت میکند بنده را
تا آنکه بمطلوب صغیر خود برسد و عبادت نمیکند پروردگار را و تصدق
نمیکند اندکی از مال خود را تا آنکه بمطلوب بزرگ خود برسد پس چیست
حال خدای تعالی جل ثناؤه که تقصیر کرده میشود با او از آنچه کرده میشود به بندگان
آیا میترسی که باشی در امید داشتن خود از خدای تعالی کاذب و دروغگوئی
یا نمیدانی خدای تعالی را محل امید و همچنین اگر کسی بترسد بنده از بندگان خدای
تعالی را میدهد با او از آنچه ترس خود آن چیز بیرا که نمیدهد پروردگار خود را

پس ترسیدن اکمل از بندکان ظاهر میشود نترسیدن او و از او فریبنده ایشان
و هم چنین هرکه دنیا در چشم او بزرگ است و وضعی دارد در دل او اختیار
میکند و برمیکزیند دنیا را بر خدا پس ترک میکند خدا تعالی را و متوجه دنیا
میکردد و بنده دنیا پرستی که رسول خدا مر ترا کافیست در مقتدا بودن
و دلیلست مر تورا و مذمت دنیا و عیبها و بسیاری رسوائیها و بدیهای
او زیرا که آنحضرت متوجه دنیا و زینتهای و لذتهای حق سبحانه و تعالی دنیا را
و آرایشهای او را با آنحضرت نداد و بغیر آنحضرت داد و اکر خواهی از احوال
داود ع بیان کنم که زنبیل می بافت از برک خرما بدست خود و میکفت
مصاحبان خود را که آیا کدام یک از شما میفروشید از برای من و میخورد
قرص جو از بهای آن و خورش او همان بود و بر روی خاک میخوابید و مینشست و
اکر خواهی بکویم بعضی از حالات برادرم حضرت موسی ع وقتی که کفت رب
انی لما انزلت الی من خیر فقیر والله که درخواست نان میکرد که در آن
محل تناول کند از جهت آنکه کیاه میخورد و از غایت لاغری سبزی کیاه از
درون شکمش ظاهر میشد و اکر خواهی اقتدا به سیوم کنی که داود پیغمبر است ع

که صاحب او از خورش بود و او قاری اهل جنت است و از برک خرما بدست
خود چیزها می بافت و با هم نشینان خود میکفت که این از شما این را از برای
من میفروشید و نان جوین از بهای آن میخورد و اکر خواهی بکجارم که عیسی بن مریم
علیه السلام اقتدا کنی بدرستیکه او خشت زیر سر مینهاد و جامهای درشت می
پوشید و نان خورش کرسنکی بود و چراغش در شب مهتاب بود و پناهش در زمستان
آفتاب بود و میوه و ریحان او آنچه از زمین میرست جهت حیوانات و او را زنی
نبود که مفتون او شود و فرزندی نداشت که بجهت آن محزون کردد و مالی نه
که بدان روی کند و طمعی نه که بسبب آن خوار کردد و ذلیل شود و مرکب
او پایش بود و خدمت کارش دستش بود پس اقتدا کن به پیغمبر خود که پاک تر
و پاکیزه تر است محمد مصطفی ص بدرستیکه نیکوست اقتدا بر او و تسلی است در
موافقت او و دوسترین بندکان نزد الله تعالی آنست که اقتدا به پیغمبر خود کرده
از دنیا اندکی خورد و نکاه دنیا نمیکرد و از همه کس از دنیا پهلو تهی تر و شکم
خالی تر بود و دنیا بر او عرض کردند از قبول آن ابا نمود و آنست که حق سبحانه
و تعالی دوست ندارد و پس او نیز دنیا را دشمن داشت و هرچه خدا و تعالی

حصیر درکوچک داشت او بر حصیر کوچک مینداشت و تحقیق که حضرت رسول ع
می نشست بر روی زمین نشستن بندکان و غلامان و نعلین خود را بدست
مبارک خود در فش میزد و مید وخته و جامه خود را بدست خود پینه میکرد
و بر دراز کوش بی پالان سوار می شد و دیکری را در عقب خود سوار میکرد
واکر پرده در خانه دیدی که تکلفی داشتی بحرم خود کفتی که ان را از برابر چشم من
دور کردان که هرگاه که نظر من بران می افتد زخارف و آرایش دنیا بخاطرم
میکذرد و بیادم می آید پس بدل از دنیا اعراض کردی و از نفس خود یاد دنیا
محو ساختی و دوست میداشتی که از نظر مبارکش دور شود همچنانکه از دل ایشان
دور بودی تا از ان زینت قبول نفرماید و اعتقاد قرار و امید اقامت دراو
نکند پس دنیا را از خاطر بیرون کرده و از دل خود کوچانید و از مقابل چشم
دور ساخت و هم چنین است هر که هرچه را دوست ندارد و هرگز نخواهد
که او را ببیند و یاد او نخواهد که پیش او کنند و یقین که در افعال آنحضرت
خبر ظاهر است که دلالت بر عیوب دنیا و بدیهای او کند مثل اینکه آنحضرت
در دنیا کرسنکی کشید او و خواص او و از او نکوشه داشتند زخارف و زینت

دنیا با وجود قرب او و علو منزلتش نزد الله تعالی پس نظر کند نظر کننده
عاقل که از کرامت پیغمبر صلی الله علیه و آله بود نزد الله تعالی که او را دنیا نبود
یا از اهانت بود اکر کسی کوید که از جهة اهانت و ذلت بود دروغ کو باشد بخدا
تعالی و اکر کوید جهة تکریم و تعظیم بود یقین داند که غیر او را اهانت کرده که دنیا
داده و دور کرده دنیا را از نزدیکان خود پس باید که اقتدا کند به پیغمبر خود و پیروی
او بجا می آورد و به دامن او درآید و اکر نه از هلاک ایمن نکردد پس بدرستیکه الله تعالی
پیغمبر ما را نشانه قیامت و بشارت دهنده بهشت و بیم کننده از عقوبت
کردانیده بیرون رفت از دنیا شکم تهی باخرت رسید و هرکز خشتی بر روی
خشتی ننهاد تا بعالم آخرت پیوست و دعوت حق را اجابت فرمود چه بزرگست
نعمت خدای تعالی بر ما و نزد این که ما انعام و احسان بما فرموده بود بوجود مبارک
او که پیشوا شده و ما تابع او شدیم و او رهبر است و ما در عقب او میرویم و بخدا
سوکند خورد که چندان پینه کردم این جامه خود را که شرم میدارم از دوزنده اش
و کوینده بمن کفت که دور نمیکنی این جامه را از خود کفتم دور رو از من که هر که
شبکیر کند صباح که بمنزل رسد ستایش رفتن خود کند و این خطبه کافیست در

فصل اول ۱۵ در صفات ظاهری و باطنی حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله

و روش آن حضرت با همنشینان خود منقول از کتاب محمد بن ابراهیم
ابن اسحاق الطالقانی که او روایت کرده است از جماعتی
که ایشان معتمد و راست گویند و ایشان روایت کرده اند

که روایت کرده اند از حضرت امام حسن بن علی علیهما السلام که پرسیدم از خالم
هند بن ابی هاله تمیمی از صورت و شکل حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله و
او مردی بود که نیکو وصف میکرد چیزها که من آرزو داشتم که صفت کند
از برای من بعضی از حلیهٔ آنحضرت اگر بیابم و حفظ کنم آنرا پس گفت
خال من که بود رسول خدا صلی الله علیه وآله عظیم و بزرگ در دلها
و چشمها روی مبارکش میدرخشید بمچو درخشیدن ماه شب چهارده
و آنحضرت دراز تر از میانه بالا و کوتاه تر از بلند بالا بود و سر مبارکش
بزرگ بود و مویش جعد و کشیده و وقتی که موی سر آنحضرت بخود
دو بخش میشد میگذاشت بهمان طریق و درین حال در میگذشت
از نرمهٔ گوشش و اگر بخود دو بخش نمیشد آنحضرت جمع میکرد و در هم
نمیچید او را و نمیگذشت از نرمهٔ گوشش رنگ بدن مبارکش درخشنده
و نورانی بود و پیشانی نورانیش پهن بود ابروانش باریک و خم دار
و تمام کشیده بود و پیوسته نبود و در میان دو ابرو رگی داشت
که در وقت غضب بر میشد بینی آنحضرت کشیده و بلند بود و طرف

یعنی که نزدیک بابروست باریک بود یعنی آنحضرت نوری بود که کسی که
فکر و تامل میکرد در ان گمان می برد که پشت یعنی مبارکش بلندست
محاسن آنحضرت انبوه بود و روی انورش هموار بیاض چشمش
بغایت سیاه و سفیدی بغایت سفید بود و دهانش فراخ و
دندانهایش سفید و تابدار و گشاده بود از سینه تا شکم آنحضرت
خطی باریک از موی کشیده بود گردنش گویا گردن صورت بود از نقره
خام ریخته درخشنده و سفید در غایت اعتدال و نهایت حسن و جمال
اعضایش معتدل و متناسب و بزرگ و درهم بسته بود سینه و شکمش
بهم راست بود و سینه بی کینه اش پهن بود دوشهایش از هم دور بود
و استخوانش بزرگ بود و هرگاه آنحضرت برهنه شدی بدنش سفید و نورانی
بود از سر سینه تا ناف خط باریکی از موی کشیده بود سینه و شکمش
موی نداشت بغیر آن موی باریک و دستها از مرفق تا سر دست
و دوشها و بالای سینه اش موی بسیار داشت استخوان سر دست
آن حضرت درست دراز بوده و کف دست فراخش کشاده و استخوان بازویش

دراز بود

دراز بوده و دو پستها و پایهایش پرگوشت بود و انگشتهایش
دراز بود و زیر قدمش بر داشته بود بوجهی که در حالت راه رفتن
بزمین نرسیدی پشت پایش نرم و هموار بود بحیثیتی که زود
از انجا در میگذشت در حالتی سیر پایهای را درست از زمین
برداشتی و میل به پیش کردی و قدمها را بر زمین نهادی برفق
و نرمی و از یکدیگر دور نهادی و تند رفتی گویا از بالا بنشیب
آمدی و هرگاه متوجه بکسی شدی بتمام بدن خود متوجه شدی چشم
خود را فرو خوابانیدی و متوجه باطراف و جوانب نشدی نظر در زمین
پیش تر بودی که در آسمان نظر در چیزها بگوشه چشم کردی بحالت
رفتن پیش داشتی اصحاب را و خود در عقب ایشان رفتی و پیش
کردی بسلام کسی را که ملاقات کردی امام حسن علیه السلام فرمود
که گفتم هند ابی هاله را که صفت کن از برای من سخن کردن حضرت
پیغمبر را صلی الله علیه و آله گفت هند ابی هاله که بود رسول خدا
صلی الله علیه و آله همیشه حزین و اندوهناک بجهت امت دایم الفکر

بود در امور آخرت بود مر او را راحتی بجهت طاعت و عبادت بغیر
حاجت سخن نگفتی بیشتر اوقات خاموش بودی افتتاح سخن و ختم
آن بگوشه لب کردی و تکلم کردی بکلام که لفظ او اندک بودی و معنی
بسیار داشتی و سخن او چنان روشن گفتی که حاضران همه میدانستند
که آنحضرت چه میگوید زیادتی و نقصان در سخن آنحضرت نبود و خوش
خلق بود و جفا کننده و اهانت کننده نبود بزرگ داشتی نعمت
را واگرچه اندک بودی و مذمت نکردی هیچ نعمت را و عیب نکردی
و مدح نگفتی مزه هیچ خوردنی را و در غضب نیاوردی آنحضرت را
امور دنیوی پس هر گاه کسی بکسی ظلم کردی آنحضرت در غضب شدی
بوجهی که هیچکس آنحضرت را نشناختی و هیچ چیز تسکین ندادی
غضب آنحضرت را تا آنکه انتقام کشیدی و وقتی که اشارت کردی
چیزی بتمام دست خود اشارت کردی و گاهی که تعجب کردی دست
خود را گردانیدی و چون قهر کردی روی بطرف دیگر کردی و چون
شاد شدی چشم مبارک بزیر انداختی بیشتر خنده او تبسم بودی

و دندان

آنحضرت هر کسی که حاضر است در مجلس من آنچه می شنود باید که بغایب
برساند و میفرمود که برسانید بمن حاجت آنکسی را که استطاعت
و قدرت ندارد که برساند بمن حاجت خود را پس بدرستی که آنکسی که
برساند بسلطان حاجت کسی را که استطاعت و قدرت ندارد
که برساند حاجت خود را بسلطان ثابت و محکم میگرداند خدای
تعالی قدمهای او را در روز قیامت بر پل صراط ذکر کرده نمی
شد نزد آنحضرت مگر حاجت آنکسی که استطاعت رسانیدن حاجت
خود با آنحضرت نداشت و قبول نمیکرد از کسی غیر آنرا می آمدند مردمان
نزد آنحضرت و طلب حاجت خود میکردند و بیرون نمیرفتند مگر آنکه بمطلوب
خودها میرسیدند و علم و دانش اقتباس میکردند از انوار نبوت
و بیرون میرفتند راهنمایان دین تا گفت حضرت امام حسین علیه السلام
که پرسیدم از پدر خود که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در حالتی که
بیرون بود از خانه خود چه کار میکرد گفت امیر المؤمنین علیه السلام
که بود رسول خدا صلی الله علیه و آله که نگاه میداشت زبان خود را مگر

درچیزی که ضرورت داشتی و اقامت باید کرد گفت دادی و مصاحبت
و معاونت فرمودی و ایشان را از یکدیگر متفرق نساختی و اکرام و تعظیم
کردی و بزرگ هر قومی او را والی ساختی بر ایشان و ترسانیدی مردمان را
از عذاب خدا و خود را نگاه داشتی از ایشان بی آنکه روی خود را دریغ
کند و خلق خود را نماید و چون یکی از اصحاب غایب بودی پرسش و
جست و جوی او فرمودی و پرسیدی مردمان را از احوال مردمان نیک
داشتی و تقویت فرمودی و بد را بد داشتی و بی اعتبار گردانیدی احوال
آنحضرت مختلف نبود بلکه بر یک منوال و در حد اعتدال بود غافل نشدی
از اصلاح حال مردمان از ترس آنکه ایشان غافل شوند یا میل کنند
و بگردند از حق در هر حال اسباب جمیع عبادات نزد آنحضرت مهیا
بود تقصیر نکردی و در نگذشتی از حق آنهایی که نزدیک آنحضرت بودند
بهترین امت بودند و فاضلترین مردمان نزد آنحضرت آنکسانی بودند
که بیشتر نصیحت میکردند مردمان را و بزرگترین مردمان نزد آنحضرت از
روی قرب و منزلت آنها بودند که مواسات و معاونت ایشان مومنان را

بهتر بود

بهتر بود گفت حضرت امام حسین علیه السلام پرسیدم از پدر خود را از
کیفیت نشستن حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت امیر المومنین علیه السلام
که رسول خدا صلوات الله علیه و آله نمی‌نشستی و برنخاستی مگر بذکر خدای
و وطن نساختی جایها را و نهی فرمودی امت را از آن یعنی معین نساختی
جای را برای خود بلکه هر جا اتفاق افتادی نشستی و نهی فرمودی
امت را از وطن ساختن جاها چون رسیدی بقومی نشستی جایی که
که مجلس آنحضرت منتهی گشتی و امر فرمودی امت را باین طریق دادی
هر یک از همنشینان خود را آنچه در خور او بودی و گمان نبردی از همنشین
آنحضرت که هیچکس بزرگتر از او باشد نزد آنحضرت هر کس که نزد آنحضرت
نشستی یا ایستادی بجهت حاجتی آنحضرت صبر کردی تا آنکس برخاستی
و آنکس طلب حاجت کردی از آنحضرت حاجت او را برآوردی یا جوابی
از نرمی و مرحمت گفتی لطف و مرحمت آنحضرت بهمه مردمان بودی
که گویا پدر ایشان بود و همه مردمان در حق نزد آنحضرت یکسان بودند
مجلس آنحضرت مجلس شرم و حیا و صبر و امانت بود در مجلس آنحضرت آواز

بلند نشدی و ظاهر نشدی در مجلس شریفش چیزهای حرام و اگر از کسی
در مجلس آنحضرت امر ناخوشی واقع شدی در جای دیگر مذکور نشدی
و شایع نگشتی اهل آنحضرت رعایت تعادل میکردند و با یکدیگر موافق
بودند تفضیل ایشان بر یکدیگر در مجلس آنحضرت بتقوی بود نه بچیزی
دیگر و با یکدیگر تواضع و فروتنی می نمودند تعظیم میکردند در مجلس
شریفش پیران را و رحم میکردند صغیران را و اختیار میکردند صاحب
حاجت را و محافظت و رعایت احوال غریبان میکردند و گفت
حضرت امام حسین علیه السلام که پرسیدم پدر خود را که چگونه بود سیرت
و روش حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله با همنشینان خود امیر المومنین
علیه السلام فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله گشاده روی و خوش خلق
و ملایم بود درشت خو و بلند آواز و دشنام دهنده و عیب کننده
و مدح کننده نبود تغافل کردی از آنچه نخواستی و ناامید نساختی
کسی را از آنچه و آنحضرت سه چیز ترک کرده بود و دور داشته بود از
نفس خود اول جدل کردن دوم بسیار گفتن سیم آنچه را که نخواستی

ترک کرده بود

و ترک کرده بود نسبت بمردمان سه چیز را یکی مذمت هیچکس نکردی و عیب
دیگری را نگفتی پس سرزنش نکردی دیگر آنکه ظاهر نکردی عیب کسی را
و آنحضرت سخن نگفتی مگر در چیزی که امید ثواب داشتی و وقتی که آنحضرت
سخن گفتی اهل مجلس خاموش می شدند و سر خود را در پیش می افکندند
که گویا بر سر ایشان مرغی نشسته بود و هرگاهی که آنحضرت خاموش شدی
اهل مجلس خاموش شدی سخن میگفتند و نزاع و جدال در سخن نمیکردند
چون کسی نزد آنحضرت سخن کردی اهل مجلس تمام خاموش می شدند
تا آنکسی فارغ شدی سخن ایشان نزد آنحضرت مثل سخن اول ایشان بود
یعنی آنحضرت در آخر مجلس نیز گوش میکرد بسخنان ایشان و ملول نمی شد
چنانچه در اول مجلس خنده کردی از آنچه اهل مجلس می خندیدند و
تعجب مینمودند از غریب جفائی که بآنحضرت میرسید بجهت سخن کردن
و چیزی پرسیدن صبر میفرمودی تا آنکه اصحاب آنحضرت از مجلس آنحضرت
بیرون میرفتند و آنحضرت میگفت باصحاب که چون ببینید کسی را که طلب
حاجت کند پس یاری کنید او را و سعی نمایند در برآوردن حاجت

او و قبول نمودی بیش از آنکه زیاده از مرتبه آنحضرت بودی بلکه
ثنای که در خور و لایق آنحضرت بودی قبول نمودی و قطع نکردی سخن کسی را
مگر آنکه از حد در گذشتی پس منع کردی آنکس را از سخن کردن یا از
مجلس برخواستی و گفت حضرت امام حسین علیه السلام که پرسیدم پدر خود را
از کیفیت خاموشی حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت امیر المومنین
علیه السلام که در خاموشی آنحضرت چهار فایده بود حلم و حذر و تقدیر
و تفکر اما تقدیر آن بود که به همه کس برابر نظر کردی و سخنان همه کس را برابر
استماع نمودی اما فکر کردن آنحضرت در چیزی بود که باقی می ماند که آن امور
آخرت و علوم است و در چیزی که فانی میشود که آن بعض امور ضروری
دنیویست و جمع شده بود مر آنحضرت را حلم و صبر پس در غضب نیاوردی
و سبک نکردی هیچ چیزی آنحضرت را و جمع شده بود مر آنحضرت را
حذر در چهار چیز اول فرا گرفتن چیزهای نیکو را تا مردمان اقتدا کنند
بآنحضرت دوم ترک کردن چیزهای قبیح را تا دیگران باز ایستند از آنها
سیم جهد کردن و فکر کردن در چیزی که بصلاح امت باشد چهارم

سعی کردن

سعی کردن در چیزی که دنیا و آخرت امت است فصل دوم در بیان بعضی از عادات
و صفات معنوی حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله منقول
از کتاب شرف النبی و غیر آن روایت است از انس بن مالک که گفت رسول
خدا صلی الله علیه و آله بیمار پرسی میکرد و از عقب جنازه میرفت
و دعوت مملوکی که آنحضرت را بطعام میطلبید قبول میفرمود و بر دراز گوش
سوار شد و در روز جنگ خیبر و در روزی که با کفار بنی قریظه و بنی النضیر
جنگ میکرد بر دراز گوشی سوار بود که افسار و پالان از لیف خرما بود
و هم روایت است از انس بن مالک که گفت هیچ کسی نزد اصحاب رسول دوست تر
نبود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و چون میدیدند آنحضرت را بر نمیخاستند
بتعظیم آنحضرت بجهت آنکه میدانستند که آنحضرت را بد می آید روایت است
از ابن عباس که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر زمین می نشست
و بر زمین طعام میخورد و خود علف میداد گوسفند را و روایت است
از ابن مالک که پیغمبر صلی الله علیه و آله گذشت بر جماعت کودکان و
بر ایشان سلام کرد و حالا اکثر شتابان میرفت روایت است از ابا صامت

بدید که پیغمبر صلی الله علیه و آله گذشت بر جماعت زنان و سلام کرد
بر ایشان روایت است از ابن مسعود که آمد مردی بنزد حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله و سخن گفت با آنحضرت و از هیبت آنحضرت در لرزه
آمد پس گفت پیغمبر صلی الله علیه و آله با آن مرد که آسان گردان و مترس
که من پادشاه نیستم من پسر زنی ام که گوشت قاق میخورد روایت
از ابی ذر غفاری که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان
اصحاب می نشست و غریبی که می آمد نمی دانست که آنحضرت کدام است
تا آنکه می پرسید پس طلب کردیم از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که بسازند
از برای خود جایی که اگر غریبی بیاید نزد آنحضرت بشناسد آنحضرت را
پس قبول فرمود و بنا کردیم صفه از گل و آنحضرت در آنجا می نشست
و ما بر دو جانب وی می نشستیم روایت است که پرسیدند از عایشه که
پیغمبر صلی الله علیه و آله چه کار میکرد در خانه خود چون تنهایی بود گفت
عایشه که میدوخت جامه و نعل خود را و میکرد آنچه میکنند مردان
با اهل خانه خود روایت است که دو ستمگار را نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله

بخرد و فرمی

چیزی وحشی بود منقولست از کتاب النبوة که گفت ابی عبدالله علیه السلام
که حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله که گذشت زنی بی شرم و آنحضرت
نشسته بود و طعام میخورد آن زن گفت یا محمد چیزی میخوری مثل چیز
خوردن بندها و می نشینی مثل نشستن ایشان پس آنحضرت فرمود
که وای بر تو ای زن کدام بنده از من بنده تر است پس آن زن گفت
که یک لقمه از آن طعام که میخوری بمن ده آنحضرت یک لقمه از آن طعام
باو داد آن زن گفت بحق خدا نمیخواهم مگر آن لقمه را که در دهان است
آنحضرت لقمه را که در دهان داشت بیرون آورد و بآن زن داد و آن زن
آن لقمه را خورد حضرت امام علیه السلام میفرماید که ببرکت آن لقمه طعام
صفت بی شرمی از آن زن زایل شد و بعد از آن بی شرمی نکرد تا از
دنیا برفت و روایتست از انس مالک گفت که خدمت کردم پیغمبر را
صلی الله علیه و آله نه سال و درین مدت هر خدمتی که کردم هرگز نگفت
بمن که چرا این کار کردی و هرگز هیچ کار مرا عیب نکرد و هم روایتست
از انس مالک که گفت که ده سال با آنحضرت بودم و هر بوی خوشی که در دنیا

هیچ بوییده ام هیچ بوی خوشی مثل بوی آنحضرت نبود و چون با یکی از
اصحاب ایستادی برنگشتی تا آنکس برگشتی و چون یکی از اصحاب دست
آنحضرت را گرفتی دست خود را نکشیدی تا آنکس دست خود را نکشیدی
و چون با جماعتی نشستی زانوهای آنحضرت پیش از زانوهای ایشان نبودی
و هرگز پیش از آنکه اهل مجلس برخیزند برنخواستی و روایتست از انس که
حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله براهی میرفت از عقب آنحضرت
اعرابی آمد و ردای آنحضرت را محکم کشید تا آنکه دیدم گردن آنحضرت را
که اثر کرده از کناره ردا از محکم کشیدن او و گفت که یا محمد امر کن تا از
مال خدا که نزد تست چیزی بمن دهند پس آنحضرت روی بآن کرد و در
خنده شد و امر کرد تا با او چیزی بدهند از مال خدا و روایتست از
ابی سعید خدری که گفت که هیچکس هیچ چیز از آنحضرت سوال نکردی
مگر آنکه بدادی از غایت شرم که داشت و روایتست از ابی سعید
خدری که حیا و شرم حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله بیشتر
بود از شرم و حیای دختران بکر و چون چیزی مکروه داشتی از روی

انور آنحضرت

انور آنحضرت معلوم شدی و روایتست از ابن مسعود که گفت که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که نرساند هیچیک از شما چیزی بدست
بمن از اصحاب من بدیی که من دوست میدارم که بیرون آیم از خانه
بسوی شما و من سلیم الصدر باشم یعنی خاطر من بهمه کس صاف باشد
و از هیچکس رنجشی نداشته باشم و بیان جود حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
روایتست از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام که فرمود که رسول خدا
صلی الله علیه و آله بخشنده ترین مردمان بود و بزرگترین قبیلها بود هر کس
با آنحضرت اختلاط میکرد قدر و منزلت آنحضرت میدانست و دوست
میداشت آنحضرت را و منقولست از کتاب النبوة که گفت ابن عباس
که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هرچه حق سبحانه و تعالی امر کرده است
مرا بآن من بجای آرم و هرچه من علی را امر کرده ام علی آنرا بجای آرد
امر کرده است مرا خدای تعالی بسخاوت و نیکوی کردن و نهی کرده است
مرا از بخیلی و جفا کردن و نیست هیچ چیز بدتر نزد خدای تعالی از بخیلی
کردن و بدخلقی نمودن و بدرستی که بدخلقی فاسد و ضایع میگرداند عمل را

همچنانکه میکردند کل عمل او و در حدیث صحیح است هم از امیر المؤمنین
علیه السلام که چون وصف کردی رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتی
که رسول خدا بخشنده ترین و باجرأت ترین مردم و راستگوترین و باوفاترین
و خوش خلق ترین مردم بود و قبیله آنحضرت بزرگترین قبیله ها بود و
هرکس اول مرتبه آنحضرت را بدیدی بترسیدی از هیبت آنحضرت و
چون با آنحضرت اختلاط کردی و بشناختی دوست داشتی او را ندیدم
مثل آنحضرت نه پیش از آن و نه بعد از آن صلی الله علیه و آله و روایتست از
ابن عمر که گفت که ندیدم هیچ کس سخی تر و بزرگتر و دلیرتر و نورانیتر
از رسول خدا صلی الله علیه و آله و روایتست از جابر بن عبد الله که
گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز در جواب سوال هیچ کس
نی نگفت و روایت است از ابن عباس که مسلمانان نظر با بو سفیان
نمی کردند و با او نمی نشستند پس ابو سفیان نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
آمد و گفت که یا رسول الله سه حاجت دارم میخواهم که قبول فرمایی یکی آنکه
ام حبیبه که دختر منست و خوش شکل ترین زنان عرب است بنکاح خود

درآری حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که چنین باشد دیگر آنکه امر کنی
مرا که با کافران جنگ کنم همچنانکه با مسلمانان جنگ کردم حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله فرمود که چنین باشد دیگر آنکه معاویه که پسر منست
کاتب خود سازی حضرت فرمود که چنین باشد ابن زمیل که یکی از راویان
حدیث است گفته که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله هیچ یک ازین مدعیات
ابو سفیان را تجویز نمیکرد و رد نمیداشت اگر او نمی طلبید و چون طلب کرد
آنحضرت قبول فرمود زیرا که عادت آنحضرت بود که هر کس از آنحضرت چیزی
التماس میکرد قبول میفرمود و روایتست از عمر که مردی نزد رسول صلی الله علیه و آله
آمد و چیزی از آنحضرت طلب کرد آنحضرت هیچ چیز حاضر نداشت فرمود که
چیزی نزد من نیست اما هر چیز که میخواهی بخر و بهای آنرا بمن حواله کن هرگاه
چیزی بدست آید ما آنرا ادا کنیم عمر میگوید که گفتم یا رسول الله تکلیف نکرده است
خدای تعالی بر تو چیزی را که قادر نیستی بر آن یعنی خود را بتکلیف
می اندازی و بدین طریق این شخص را چیزی میدهی حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
از سخن عمر بسیار بد نمود پس آن مرد سایل گفت یا رسول الله چیزی بده

وبترس از این که خدای تعالی ترا در آتش کند پس رسول خدا صلی الله علیه وآله
بخنده در آمد و خوشحال شد از سخن آن شخص چنانچه اثر خوشحالی
از روی آنحضرت معلوم شد در بیان شجاعت حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه وآله روایتست از امیر المومنین علیه السلام که در روز جنگ
بدر پناه میگرفتیم ما بحضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله و آنحضرت نزدیکتر
بود بدشمنان از ما و در آن روز آنحضرت از همه بیشتر جنگ کرد با کافران
و هم روایتست از امیر المومنین علیه السلام که در روز جنگ چون جنگ
بسیار می شد و لشکر ما بهم میرسیدند ما پناه می بردیم برسول خدا
صلی الله علیه وآله و هیچکس بدشمن نزدیکتر از آن حضرت نبود و روایتست
از انس که گفت که رسول خدا صلی الله علیه وآله دلیرتر و خوبتر و بخشنده
تر بود از همه مردمان و یک شبی بحوالی مدینه بعضی از کفار آمدند و مردم
مدینه چون خبر یافتند در فریاد شدند و مدد طلبیدند جمعی دیگر از مردم
متوجه آن جماعت شدند بهمان طرف که آواز ایشان می آمد چون حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله خبر یافت اسب ابو طلحه حاضر بود و آن اسبی بود

بغایت کاهل

بغایت کاهل و کند روی فی الحال آنحضرت بران اسب سوار شد و شمشیر
برو حمایل ساخت و از آن جماعت که متوجه شده بودند در گذشت
و بآن جماعت که در فریاد آمده بودند رسید و شفقت با ایشان کرد و گفت مترسید
و فریاد مکنید و آنحضرت فرمود که این اسب دریاست یعنی در غایت
قوت و تندی شده در علامت خشنودی و غضب حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
روایتست از ابن عمر که خشنودی و غضب حضرت رسالت پناهی
صلی الله علیه وآله از روی او معلوم می شد چون خوشحال شدی روی
آنحضرت در نهایت درخشندگی شدی بمرتبه که دیوار را در روی آنحضرت
نمودی و چون در غضب شدی رنگ و روی آنحضرت تیره شدی و روایتست
از کعب بن مالک که چون چیزی حضرت پیغمبر را صلی الله علیه وآله خوشحال
ساختی روی آنحضرت درخشنده شدی چون ماه شب چهارده و گفت
امیر المومنین علیه السلام که چون رسول خدا صلی الله علیه وآله چیزی
دیدی که او را دوست داشتی میفرمود که الحمد لله الذی بنعمته تتم الصالحات
یعنی سپاس و ستایش مر خدای را که بنعمت او تمام می شود و کمال

می باید چیزهای خوب و در روایت است از عبد الله بن مسعود که مقداد ابن اسود
گفت که چون رسول خدا صلی الله علیه و آله در غضب شدی روی
آنحضرت سرخ می شد و در روایت است از انس که گفت که چون یکی از اصحاب
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله سه روز بخدمت آنحضرت نرسیدی
حضرت احوالش پرسیدی و اگر در سفر بودی دعا فرمودی از برای
او و اگر در حضر بودی بدیدن او رفتی و اگر مریض بودی بعیادت او رفتی
روایت است از جابر بن عبد الله که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله
بیست و یک جنگ بانفس نفیس خود با کفار کرد و من در نوزده جنگ
حاضر بودم در بعض غزوات شتر من مانده شد و پس مانده در آمد و رسول
خدا صلی الله علیه و آله در عقب مردمان بود و ردیف می ساخت
ضعیف را و دعا میکرد از برای مردمان پس رسید بمن و من میگفتم
ای شیر یا در بن آمده است مارا شتر بی قوت و ضعیف است آنحضرت گفت
کیست این گفتم منم جابر پدر و مادر من فدای تو باد یا رسول الله آنحضرت
گفت که چیست حال و کار تو گفتم شتر من مانده شده آنحضرت گفت که

آیا با تو

آیا با تو عصائی هست گفتم بلی پس بزد شتر مرا بآن عصا و بر انگیخت شتر مرا
پس از آن فرمود بنشین بر شتر و پای مبارک خود بر دست شتر نهاد و گفت
سوار شو پس سوار شدم و با آنحضرت رفتم و شتر من پیش از شتر
آنحضرت میرفت و آنحضرت استغفار و طلب آمرزش کرد از برای
من در آن شب بیست و پنج نوبت پس گفت بمن که پدر تو چند فرزند
که از خود گذاشت گفتم هفت دختر گذاشته است گفت از پدر تو قرض
مانده است گفتم بلی گفت وقتی که بیایم بمدینه مقاطعه کن با قرض
خواهان پدر خود و اگر ابا کنند و قبول ننمایند مقاطعه را پس چون وقت
خرما بریدن شود دانا گردان و آنحضرت گفت ای جابر نکاح کرده
و زن خواسته گفتم بلی گفت بکه وصلت کرده گفتم بفلانه دختر فلان
که زنان بی بود در مدینه حضرت گفت چرا زن جوان نخواستی که
با تو بازی کند گفتم یا رسول الله خواهران من بیکاره بودند نخواستند
کرد نخواستم که جوانی نزد ایشان زن که هیچ کار نشواند کرد گفتم
این زن بهتر است جمع کردن کارهای من حضرت گفت خوب

کردی پس گفت ای جابر شتر خود را بچند خریدی گفتم بوزن دویست
درهم از طلا حضرت گفت میخرم ما شتر ترا چون پیغمبر صلی الله علیه و آله
بمدینه رسید شتر را بخدمت آنحضرت بردم فرمود که ای بلال بهای
شتر را باو بده که بقرض پدر خود بدهد و بوزن صد و بیست درهم از طلا
زیاده کن و شتر او را باو ده پس حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت که آیا
مقاطعه کردی با قرض خواهان پدر خود گفتم نه یا رسول الله گفت آیا مقدار
چیزی مانده از پدر تو که قرض او وفا کند گفتم نه گفت چون برسد وقت
خرما بریدن اعلام کن چون وقت رسید اعلام کردم آنحضرت را
پس آمد و دعا کرد از برای ما و ما بریدیم خرما پس وفا کرد آن خرما به
قرض خواهان و قرض ایشان ادا شد و باقی ماند از برای ما آنمقدار که
دایم بریدیم و حاصل میکردیم و بیشتر از آن پس گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
که بردارید خرما را و کیل مکنید پس برمیداشتیم و میخوردیم از آن خرما
بسند معتبر روایت از ابن عباس که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه
سخن میکرد با کسی یا میپرسید از چیزی سه بار میگفت تا مردم بفهمند روایت

از دین هر که بدی دعا کرد حضرت پیغمبر را صلی الله علیه و آله باین طریق که
گفت یا رسول الله پس آنحضرت در جواب او گفت لبیک روایت
از زید بن ثابت که هرگاه می‌نشستیم نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله اگر
سخن آخرت میکردیم آنحضرت موافقت می‌نمود با ما و اگر ذکر طعام و شراب
میکردیم موافقت میکرد با ما و اگر سخن دنیا میکردیم موافقت مینمود با ما
پس این چیزها که مذکور شد حکایت میکنم از رسول خدا صلی الله علیه و آله
روایت از عبدالله بن ابی الحمسا که متابعت کردم پیغمبر را صلی الله علیه و آله پیش
از آنکه آنحضرت مبعوث شود و دینی وعده کردم من آنحضرت را که فلان روز
در فلان مکان شما را ملاقات خواهم کرد و فراموش کردم آن روز و
روز دیگر و روز سیم آمدم گفت پیغمبر صلی الله علیه و آله که ای جوان در مشقت
انداختی مرا سه روز است که من اینجا ساکنم روایت از جریر بن عبدالله
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در آمد بخانه از خانه‌های خود پس آن خانه پر شد
از مردم و جای کسی دیگر نماند پس من در آمدم و چون جای نبود در گذشتم
و در بیرون خانه نشستم چون دید آنحضرت مرا که بیرون خانه بر روی زمین

در خنده و مزاح روایت است از انس بن مالک که گفت که دیدم رسول خدا را
صلی الله علیه و آله که تبسم کرد تا آنکه ظاهر شد دندانهای آنحضرت
روایت است از ابو هریره که گفت که چون حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
سخن کردی تبسم نمودی در حالت سخن کردن روایت است از یونس
شیبانی که گفت که از من پرسید ابو عبدالله علیه السلام که چگونه است
مزاح کردن بعضی از شما با بعضی گفتم کم است ابو عبدالله علیه السلام
گفت چنین مکنید زیرا که مزاح کردن با یکدیگر از حسن خلق است و تو خوش
حال میکردانی بسبب مزاح کردن برادر مؤمن را و حضرت پیغمبر صلوات الله علیه و آله
مزاح میکرد با مردم و قصدش آن بود که آنکس خوشحال شود در گریه آنحضرت
روایت است که گفت که دیدم ابراهیم پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله
در حالت نزع پس آنحضرت میگریست و میگفت چشم اشک میریزد و دل
محزون و اندوهناک و نمیگوییم مگر آن چیزی که راضی است پروردگار من بآن
و ما بمصیبت تو ای ابراهیم محزونیم روایت است از خالد بن سلمه
مخزومی که گفت که چون زخم خورد زید بن حارثه رفت رسول خدا صلی الله علیه و آله

نشسته ام جامه خود را در هم پیچید و پیش من انداخت و گفت که بر بالای
این جامه بنشین پس بر این جامه آنحضرت اگر قسم و بر روی خود مالیدم و بوسیدم
و روایت است از سلمان فارسی که گفت که رفتم نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله
و آنحضرت تکیه کرده بود بر بالشی پس انداخت آن بالش را جانب من
و گفت یا سلمان هر مسلمانی که بیاید نزد او مسلمانی دیگر پس بیندازد از برای
بجهت اکرام برای در پهلو البته او را خدای بیامرزد در مزاح و تبسم آنحضرت
که رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت من مزاح میکنم و نمیگویم در مزاح مگر سخن
حقی و روایت است از ابن عباس که مردی پرسید از و که آیا حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله مزاح میکرد ابن عباس گفت بلی مزاح میکرد و روایت است
از حسن بن علی علیهما السلام که گفت که پرسیدم خال خود هند را
از صفت رسول صلی الله علیه و آله پس گفت وقتی که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
در غضب شدی اعراض کردی و روی گردانیدی و مبالغه کردی در غضب
و گاهی که فرح داشتی میخوابانیدی چشم خود را بیشتر خنده آنحضرت تبسم
بودی و در حالت خنده کردن ظاهری دندانهای آنحضرت مثل ژاله

برگشتی تا آنکس باز گشتی و نزاع نمیکرد آنحضرت در سخن کسی تا آنکه آنکس
خاموش شدی و هرگز کسی ندید که آنحضرت پای خود را پیش کسی دراز کرده
باشد و عوض نمیکردند با آنحضرت دو چیز را مگر آنکه آسانتر را اختیار میکرد آنچیزی
که مشقت آن زیاده بودی و یاری نمیکرد بنفس خود را و انتقام نکشیدی
بجهت ظلم که با آنحضرت واقع شدی تا آنکه از آن ظلم امر حرامی صادر شدی
پس این هنگام غضب آنحضرت برای خدا بودی و در مقام انتقام
شدی و هرگز تکیه کرده آنحضرت چیزی نخورد در مدت عمر و هیچ چیز از آنحضرت
طلب نمودند که گفته باشد نه و هرگز حاجت هیچ سایل را رد نکردی بلکه
حاجت او را بر آوردی یا جوابی از روی مرحمت و ملایمت گفتی و نماز
آنحضرت سبکتر بود از نماز مردمان دیگر با آنکه تمام اجزا در نماز معتبر بود
بجا آوردی و خطبهٔ آنحضرت کوتاهتر از خطبهٔ مردمان دیگر بودی و سخن
پیچیده در سخنان آنحضرت نبود و هرگاه آنحضرت متوجه جایی شدی
از بوی خوش آنحضرت میدانستند توجه آنحضرت را و هرگاه آنحضرت طعام
خوردی با قومی پیشتر از ایشان ابتدا بطعام خوردن کردی و بعد از همه

دست از طعام کشیدی و هرگاه طعام خوردی از پیش خود خوردی و هرگاه خرما
خوردی از سمت چپ خوردی و هرگاه آب خوردی بسه مرتبه خوردی و اندک اندک
آب خوردی نه بسیار و دست راست آنحضرت برای طعام خوردن و آب
خوردن و چیزی گرفتن و چیزی دادن بود میگرفت و نمیداد چیزی مگر
بدست راست و دست چپ آنحضرت از برای غیر اینها بود از بدن و دوست
میداشت که ابتدا بجانب راست کند در هر کاری در جامه و نعلین پوشیدن
و شانه کردن و هرگاه دعا کردی سه بار دعا کردی و وقتی که سخن گفتی یک
سخن را سه بار گفتی و هرگاه رخصت طلبیدی بجهت در آمدن بخانهٔ کسی
سه بار رخصت طلبیدی و سخنان آنحضرت ظاهر بود بمرتبه که هر کسی که شنیدی
دانستی و فهمیدی و وقتی که سخن کردی میدیدند که نوری بیرون می آمد
از میان دندانهای پیش آنحضرت و میگفتند که دندانهای پیش آنحضرت
گشاده است و حال آنکه گشاده نبود و نظر آنحضرت بچیزها بگوشهٔ چشم بود و
نگفتی بکسی سخنی که آنکس را بد آید از آن سخن و وقتی که راه رفتی بطریق رفتی
که گویا که از بالا بنشیب آمدی و آنحضرت میگفت با اصحاب که بهترین شما کسانند

که خلق ایشان بهتر باشد و هیچ خوردنی را عیب نکردی و هیچ
ونزاع نمیکردند اصحاب نزد آنحضرت در سخن و کسی که صفت کردی آنحضرت
را گفتی که ندیدم بچشم خود مثل آنحضرت نه پیش از آن حضرت و نه بعد از آن
حضرت صلی الله علیه و آله روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت
رسول خدا را صلی الله علیه و آله وقتی که میدیدند در شب تاریک نوری
از آنحضرت ظاهر شدی که گویا که پارهٔ از ماه بود و هم روایتست از ابی عبد الله
علیه السلام که جبرئیل فرود آمد نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و گفت که
بدرستی که حضرت حق سبحانه و تعالی بتو سلام میرساند و میگوید که اینک سنگ
ریزه رودخانه مکه را از برای تو طلا کنم ابی عبد الله گفت علیه السلام
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله باز نظر بجانب آسمان کرد و گفت
که نمیخواهم ای پروردگار من لیکن میخواهم که یک روز سیر باشم
تا حمد و ثنا گویم ترا و یک روزی گرسنه باشم تا چیزی طلب کنم از تو
و هم روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که رسول خدا
صلی الله علیه و آله میدوشید بزی را که در خانهٔ آنحضرت بود و هم

روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود که عار نمی آید مرا از سواری درازگوش پالان دار و طعام خوردن
بر روی زمین با بندگان و چیزی دادن سایل را بدست خود و روایتست
از جابر بن عبد الله که گفت که در رسول خدا صلی الله علیه و آله چند خصلت
بود یکی آنکه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله هر راهی که رفتی و کسی در عقب آن
رفتی دانستی که آنحضرت از این راه رفته است از بوی خوش آنحضرت
دیگر آنکه آنحضرت هیچ سنگی و درختی نگذشتی مگر آنکه آن سنگ و درخت
آنحضرت را سجده کردی و روایتست از ثابت بن انس ابن مالک
که گفت که رنگ رسول خدا صلی الله علیه و آله سفید و روشن و
درخشنده بود و بجز از رنگ مروارید خوشاب و نبوییدم هیچ مشک
و عنبر را که خوشبوتر بوده باشد از بوی آنحضرت و مس نکردم هیچ
دیبا و جامهٔ ابریشمی را که نرم تر بوده باشد از دست آنحضرت و نماز
آنحضرت سبکتر بود از نماز همه مردمان با آنکه آنچه معتبر بود در نماز
تمام بجا آوردی روایتست از جریر بن عبد الله که گفت که چون حضرت

پیغمبر صلی الله علیه و آله مبعوث شد به پیغمبری آمدم نزد آنحضرت تا بیعت
کنم پس آنحضرت گفت ای جریر بچه کار آمدی گفتم که آمدم که مسلمان شوم
بدست تو یا رسول الله پس آنحضرت انداخت ردای خود را بجهت آنکه
بنشینم بر آن پس آنحضرت متوجه شد باصحاب و گفت هر گاه که بزرگ قومی
نزد شما بیاید اکرام کنید او را و روایتست از ابی عبد الله علیه السلام
که گفت که بدرستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وعده کرده مردی را بموضع
معین و گفت من اینجا باشم تا تو بیایی ابی عبد الله علیه السلام گفت که
که بجهت آفتاب بآنحضرت مشقت بسیار رسید بعضی از اصحاب گفتند
یا رسول الله کاشکی به سایه بیایی آنحضرت فرمود که من اینجا وعده کرده‌ام با کسی
چون بجای دیگر روم و روایتست از عایشه که گفت که گفتم یا رسول الله
هرگاه بخلا جا میروی و بیرون می آیی و من در عقب تو میروم هیچ
بول و غایطی نمی بینم بلکه بوی مشک می شنوم آنحضرت گفت ای عایشه
ما گروه پیغمبرانیم مثل اهل بهشتیم هر فضله که از ما جدا شود زمین آنرا فرو می برد
و روایتست از ابن عباس که گفت که عمر نزد رسول صلی الله علیه و آله

از برای من

آمده

آمد و آنحضرت بر روی حصیری تکیه فرموده بوده و اثر حصیر در پهلوی
مبارک آنحضرت ظاهر شده بود پس عمر گفت که یا رسول الله کاشکی فرشی
چند از برای پس آنحضرت گفت که چکار است مرا با دنیا همین است مثل من و مثل دنیا
مگر چو سواری که سوار باشد و میرفته باشد در روز تابستان و ساعتی از
راه در سایه درختی خواب کند و بعد از آن برود و بگذارد آن سایه را و روایتست
از ابن عباس که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله وفات کرد و زره
آنحضرت در گرو بود نزد مردی از یهود پس صاع جو که گرفته بود از برای
معیشت عیال خود و روایتست از ابی رافع که گفت که شنیدم که
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله میگفت که هر گاه شما فرزند خود را محمد نام
کنید با او خوش سلوکی کنید و عزیز کنید او را برکت هست خانه که در و محمد نام باشد
و مجلسی که در آن محمد نام باشد و برکت اند جماعتی از رفیقان که در میان
ایشان محمد نام باشد **بیان نشستن آنحضرت صلی الله علیه و آله**
که طفل صغیر را نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله می آوردند که آنحضرت دعا
کند از برای آن طفل برکت یا نام نهد آن طفل را پس آنحضرت میگرفت

آن طفل را در کنار خود می‌نهاد بجهت اکرام اهل آن طفل و گاهی بول میکرد
آن صغیر در کنار آنحضرت پس فریاد میکردند بعضی که میدیدند آن حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله میگفت که قطع مکنید بول صبی را و بگذارید که بول را
تمام کند پس آنحضرت فارغ می‌شد از دعا کردن برای آن طفل یا از نام نهادن
و بسبب این اهل آن طفل خوشحال میشدند و بر ایشان ظاهر نمی‌شد که
آنحضرت ایذا یافته باشد از بول طفل و چون اهل آن صبی از خدمت
آنحضرت بر میگشتند آنحضرت جامهٔ خود را میشست و در روایتست که آمد
مردی بمسجد نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و آنحضرت تنها نشسته بود
پس دور شد آنحضرت از جای خود و آن شخص را جا داد و آن شخص گفت یا
رسول الله جا گشاده است حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت که حق مسلمان
بر مسلمان اینست که چون ببیند مسلمانی را که میخواهد که نزد او بنشیند دور شود
از جای خود برای او و او را جا دهد و در روایتست که حضرت رسالت
پناهی صلی الله علیه و آله گفت که کسی که دوست میدارد که مردم از برای
او برخیزند یا بایستند و تعظیم کنند او را جای او در دوزخ است و گفت رسول

خدا صلی الله علیه و آله باصحاب که بر مخیزید از برای یکدیگر چنانکه عجمان
برمیخیزند بعضی از برای بعضی و باکی نیست اگر حرکت کنید از جای خود
که کسی را در میان خود جا دهید و در روایتست از ابی عبد الله علیه السلام
منقولست از کتاب محاسن که گفت که هرگاه که رسول خدا صلی الله علیه و آله
داخل منزلی می‌آمدی می‌نشست در پائین مجلس و هم در روایتست از ابی عبد الله
علیه السلام که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله [illegible]
و هم در روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که رسول خدا صلی الله
علیه و آله باصحاب گفت که وقتی که یکی از شما بمجلسی بیاید باید که بنشیند آنجا که
مجلس باو منتهی شود و هم در روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که رسول خدا
صلی الله علیه و آله گفت باصحاب که وقتی که برخیزد یکی از شما از مجلس
بقصد بیرون رفتن باید که اهل مجلس را سلام کند پس نیست سلام
اول بهتر و برتر از سلام دوم یعنی سلامی که در وقت در آمدن مجلس
میکنند نیست بهتر و برتر از سلامی که در وقت بیرون رفتن میکنند
و هم در روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت

باصحاب که وقتی که برخیزد یکی از شما از مجلس بیرون رود و باز بیاید
پس او اولی است که همان جایی که نشسته بود بنشیند و در روایت
از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله باصحاب گفت که بدهید حق مجالس پس کسی
پرسید که چیست حق مجالس یا رسول الله آنحضرت فرمود که حق مجالس
آنست که بپوشید چشمهای خود را و نظر در عیب مردم نکنید و چشم بپوشید
از عیب مردم و جواب سلام بگوئید و راه نمائید نابینا را و امر کنید
بمعروف و نهی کنید از منکر و در روایت از ابی امامه که گفت که رسول خدا
صلی الله علیه و آله می نشست باین طریق که کفهای پای خود را بر زمین می نهاد
و هر دو ساق پای خود را راست میداشت و هر دو دست خود را پیش هر دو
بساق می آورد و بیک دست محکم میگرفت ساق دست دیگر را و منقولست
از کتاب محاسن که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله سه نوع می نشست یک نوع
بطریق که گفته شد و دیگر آنکه دو زانو می نشست و دیگر آنکه یک
پا را بر بالای پای دیگر می نهاد و ندیدند آنحضرت را هرگز که چهار زانو نشسته
باشد و دو زانو می نشست و تکیه میکرد در وقت دو زانو نشستن

[illegible] در صفت اخلاق آنحضرت صلی الله علیه و آله در طعام خوردن
از کتاب مواهب الصادقین که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله از جمله انصاف
طعام میخورد بر روی زمین و انگشت خود را میلیسید و تعظیم و اجلال کرده است
در برای او میخورد و با اهل بیت و خدمتکاران خود و با آن کسی که دعوت
کردی آنحضرت را از مسلمانان بر روی زمین و بر آن چیزی که مسلمانان
طعام میخوردند بر آن و از آن چیزی که ایشان میخوردند مگر وقتی که مهمانی
برسیدی پس آن وقت طعام با مهمان میخورد و دوست ترین طعامها
نزد آنحضرت طعامی بود که با اتفاق میخوردند و در روایتست که روزی اصحاب
آنحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله حاضر بودند آنحضرت گفت که اللهم انا نسئلک
[illegible] یعنی بار خدایا طلب میکنیم از تو
فضل و رحمت ترا [illegible] فضل و رحمتی که مالک نیست آن را هر دو را بغیر تو
پس آنحضرت [illegible] بود که شخصی گوسفند بریانی بر سبیل
هدیه نزد آنحضرت آورد با اصحاب گفت که [illegible] گوسفند بریان را
بگیرید [illegible] انتظار میکشیم رحمت او را

روایتست که هرگاه خوان طعام پیش آنحضرت می آوردند میگفت که
بسم الله اللهم اجعلها نعمة مشکورة تصل بها نعمة الجنة یعنی بار خدایا بگردان
این خوان طعام را نعمت شکر کرده شده که برسد بسبب آن نعمت بهشت
بجاو بسیار بود که وقتی که آنحضرت می نشست بطعام خوردن از پیش خود
طعام میخورد و جمع میکرد زانوها و قدمهای خود را همچنانکه کسی در وقت
نماز گزاردن می نشیند یعنی دو زانو می نشست اما یک زانو را بر بالای
زانوی دیگر می نهاد و قدم را بر بالای قدم دیگر و میگفت من بنده ام
از بندگان خدای تعالی طعام میخورم همچنانکه بندگان طعام میخورند و می نشینم
همچنانکه ایشان می نشینند روایتست از ابی عبد الله علیه السلام
که گفت که چیزی نخورد رسول خدا صلی الله علیه و آله تکیه کرده از آن زمان
که فرستاد خدای تعالی آنحضرت را به پیغمبری تا آنکه از دنیا رفت جهت
تواضع مر خدای تعالی را و در حدیثست که آنحضرت هرگاه دست خود را بر طعام
نهادی گفتی بسم الله بارک لنا فیما رزقتنا و علیک خلفه یعنی بار خدایا
برکت ده ما را در آن چیزی که روزی ما کردی و بر تو است که ما بعد از این

چنانچه خوب نیست حکایت کتاب مکارم میگوید که منقولست از کتاب
فرع کرده است پدر من که امام جعفر صادق علیه السلام روایت
کرده است از پدران خود علیهم السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله
وقتی که روزه میگشودی گفتی اللهم لک صمنا و علی رزقک افطرنا فتقبله منا ذهب
الظماء و ابتلت العروق و بقی الاجر یعنی بار خدایا از برای تو روزه
داشتیم و بر روزی تو روزه گشودیم پس قبول کن این روزه را از ما رفت
تشنگی و تر شد رگها و باقی ماند اجر و در روایتست از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله طعام خورد نزد قومی
و گفت که افطر عندکم الصائمون و اکل طعامکم الابرار یعنی روزه گشودند نزد
شما روزه داران و خوردند طعام شما را نیکان و آنحضرت گفت دعای روزه
دار مستجاب میشود نزد روزه گشودن و در روایتست که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله روزه می گشود بخرما و اگر خرما نمی یافت روزه میگشود بآب
و در روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله
روزه می گشود بشیرینی و اگر شیرینی نمی یافت روزه می گشود بآب

کند پسرد بوده نه گرم و میگفت که روغن کشودن با این آب پاک میکند جگر
و معده را و خوش بو میکند دهن را و قوت میدهد دندانها و چشمها و تیز میکند
نظر را و می برد کثافت را و تسکین میدهد رگها را که حرکت میکنند و صفرا
که غالب باشد و قطع میکند بلغم را و می نشاند حرارت معده را و می برد
درد سپرز را و گفت پیغمبر صلی الله علیه و آله می خورد طعام گرم را اما زمانیکه خنک
می شد و میگفت که خدای تعالی طعام نکرده ما را آتش بدرستی که طعام
گرم بی برکت است پس خنک کنید طعام را و گفت پیغمبر صلی الله علیه و آله
هرگاه چیزی میخورد نام خدای برد و به سه انگشت طعام میخورد و از پیش
خود میخورد و از پیش غیر خود نمیخورد و طعامی که نزد آنحضرت می آوردند پیش
از همه قوم شروع در طعام خوردن میکرد و بعد از آن قوم شروع در طعام
خوردن میکردند و به سه انگشت طعام میخورد انگشت بزرگ و انگشت
شهادت و انگشت میانه و گاهی چهار انگشت نیز طعام میخورد و گاهی
تمام دست طعام میخورد و به دو انگشت طعام نمی خورد و میگفت که
طعام خوردن به دو انگشت عمل شیطان است و منقول است که روزی

میکرداند

بعضی از

بعضی از اصحاب برای آنحضرت پالوده آوردند آنحضرت میل کرد
از آن پالوده و گفت که از چه چیز است این ای عبد الله انس گفت که
جدر و مادر من فدای تو باد روغن و عسل را با هم یک میکنیم و دیگ را بر
بالای آتش می نهیم و میجوشانیم او را و آرد گندم در میان روغن
و عسل می اندازیم و تخته می پزانیم با یکدیگر تا آنکه پخته میشود
این طعام را [illegible] آنحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible]
و نان می گشت و میخورد و نوبتی گشت و میخورد و همه انبیا را آنحضرت
رسالت پناهی صلی الله علیه و آله میل میفرمود در کتاب [illegible]
[illegible] واقع است که گفت حفص [illegible] گفتم امام جعفر صادق
علیه السلام که [illegible] میکنند از برای تو علیه السلام و این حدیث
آنست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله هرگز نان گندم سیر نخورد آیا این
حدیث صحیح است حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گفت که این
حدیث صحیح نیست بلکه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله نان گندم هرگز
نخورده و از نان جو سیر نخورده و روزی [illegible] خبر است

گفتار در بیان طعامهای [illegible]

و در حدیث است که رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی نخورد بر خوان تا آنکه
از دنیا رحلت فرموده و نان تنک نخورد تا آنکه از دنیا برفت گفت
عایشه که همیشه دینار بر ما دشوار بود و اوقات ما بعسرت میگذشت
تا آنکه قبض روح حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم شد و چون قبض روح
آنحضرت شد دنیا بر ما بسیار شد و منقولست از کتاب النبوه که ابا
عبدالله علیه السلام گفت که همیشه طعام رسول خدا صلی الله علیه و آله
از جو بود تا آنکه بجوار رحمت حضرت حق پیوست و در حدیث است
از انس که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله قبول میکرد دعوت بنده را
و ردیف خود می پسندید بنده را و طعام خود را بر روی زمین می نهاد
و میخورد و خیار را با خرمای تر و خیار را با نمک میخورد و دوست ترین
میوه ها نزد آنحضرت خربوزه و انگور بود و خربوزه را با نان میخورد و
گاهی خربوزه را با شکر میخورد و گاهی خربوزه با خرمای تر میخورد و در
حالی که میخورد بهر دو دست خود و در حدیث است که روزی حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله نشسته بود و خرمای تر میخورد در دست راست

و خسته خرما

و خسته خرما را نگاه میداشت بدست چپ و نمی انداخت بر زمین
پس گوسفندی نزد آنحضرت گذشت آنحضرت اشارت کرد بآن گوسفند
بخستهای که در دست مبارک آنحضرت بود گوسفند نزد آنحضرت آمد
و از دست چپ آنحضرت آن خستها را میخورد و آنحضرت بدست راست
خرما میخورد و خستها را بدست چپ می انداخت از برای
آن گوسفند تا آنکه آنحضرت فارغ شد از خرما خوردن و آن گوسفند
از آنجا برگشت و در حدیث است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وقتی که
روزه میگشود افطار میکرد بخرمای تر در وقتی که خرمای تر بود و گاهی
[illegible] انگور را [illegible] و گاهی [illegible] انگور را [illegible]
تا آنکه دیده شد [illegible] انگور بر محاسن مبارک آنحضرت
[illegible] و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله میخورد طعامی را که از
[illegible] و میخورد خرما را و آب بر بالای آن
می آشامید و [illegible] طعام آنحضرت خرما و آب بود و [illegible]
[illegible] میکرد و میخورد و [illegible] میکرد شیر و خرما را [illegible]

دو چیز که بهترین چیزها پست و میخورد شوربای که از آرد جو می پختند
با چیزی که آخته کنند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله حریسه را بسیار میخورد
از چیزهای دیگر و تحفه میخورد [illegible] که وقتی جبرئیل علیه السلام
آورد حریسه را برای آنحضرت از بهشت پس آنحضرت در سحر خورد آنرا و
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله میل میفرمود در خانه خود آنچه هر طعامی میخوردند
یعنی هیچ تکلف نبود و هر چه میسر می شد میل میفرمود و حضرت رسالت
پناهی صلی الله علیه و آله میخورد گوشت پخته را با نان و بی نان هم
میل میفرمود و گوشت بریان را با نان میخورد و گوشت قاق را تنها
میخورد و با نان نیز میل میفرمود و دوست ترین طعامها نزد آنحضرت
گوشت بود [illegible] است که گوشت زیاده میکند شنیدن و دیدن را و حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله میگفت گوشت بهترین طعامهاست در دنیا و
آخرت و اگر مطلبیدم از پروردگار خود که هر روز گوشت اطعام کند
مرا هر آینه میکرد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله میکشید را با گوشت
و کدو میخورد و دوست میداشت کدو را و میگفت کدو زیاد میکند دماغ را

من یونس علیه السلام و حضرت پیغمبر را صلی الله علیه و سلم دوست میداشت
کدو را بر مجیه کدو را از ظرفهای که در آن طعام میخوردند و حضرت رسالت
پناهی صلی الله علیه و آله میخورد گوشت مرغ خانگی و گوشت شکاری و کوت
[illegible] را که صید میکردند و آنحضرت میخوردند گوشت صید را و خود صید
نمیکرد و دوست میداشت که صید کنند از برای او و بیارند نزد او و پخته
پس بخورد و آنرا با نان پخته بیارند پس آنحضرت امر کرد به پختن آن و میل
میفرمود و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله هرگاه گوشت میخورد سر خود را در
پیش نمی انداخت و گوشت را بر میداشت و به پیش دهن خود می آورد
و به دندان میگرفت آن گوشت را و میخورد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
نان و روغن را دوست میداشت و [illegible] شانه گوسفند را و از زمان
قورمه [illegible] دوست میداشت و از سبزیها کاسنی و بادروج و کرفس
[illegible] از ریحانست و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله میوه و پیاز
و کندنا می خورد و پیشی را که در آن مغافیر بود میخورد و مغافیر آن
[illegible] است که باقی می ماند [illegible] نخورد آنرا از خوردن

در عسل می نهاد و بعد از خوردن آن عسل بوی انجیر باقی می ماند در دهن و
دعوت میکرد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله هیچ طعامی را هرگز هرگاه
طعامی آنحضرت را خوش می آمد میل میفرمود و هرگاه کراهیت میداشت
از طعامی میل نمی کرد آنرا و رسول خدا صلی الله علیه و آله آنچیزی را اگر
کراهت داشت حرام نمیکرد و نبید بر غیر خود و دشمن نمی ساخت کسی را
بر آن چیز و حضرت پیغمبر صلی الله علیه بعد از طعام خوردن انگشت
خود را بر طرف می مالید و بدهان خود می برد و می گفت که برکت در
طعام آخر کاسه بیشتر است و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله چون از
طعام خوردن فارغ می شد انگشتهای که بآن طعام خورده بود بدهن
خود می برد و پاک میکرد و نبید از طعام پس اگر چیزی باقی می ماند باز بدهن
می برد تا آنکه پاک می شد انگشتها و پاک میکرد که نفس زند طرف را
دور میکرد از دهن خود و نفس میزد و گاهی حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
می آشامید آب را بیک نفس تا آنکه فارغ می شد و حضرت رسالت
پناهی صلی الله علیه و آله از قدحهای شیشه که از شام می آوردند

و آب می

و آب میخورد از قدحی که می ساختند از چوب و آب میخورد از ظرفی
که از پوست می ساختند و از ظرف سفالی نیز آب میخورد و از هر دو دست
خود نیز آب میخورد با این کیفیت که آب را در دستهای خود میریخت
و میخورد و میگفت که هیچ ظرفی پاکتر از دست نیست و آب میخورد از
دهن مشک و مطهره و نهی میکرد و نبید دهن مشک را اگر از آنجا آب خورد
و میگفت که این نوع آب خوردن بد بوی می سازد مشک را و حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله ایستاده آب میخورد و گاهی سواره آب
میخورد و گاهی می ایستاد و از دهن مشک یا سبو یا مطهره آب
میخورد و در هر ظرفی که می یافت آب میخورد و بهر دو دست خود نیز آب
میخورد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله می آشامید آبی را که بر روی شیر
دوشیده بودند و گاهی خرما در میان آب میکرد و میخورد و دوست تر
شربتها نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله شربت شیرین بود و در روایت
واقع است که دوست ترین شربتها نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله شربت
شیرین خنک بود و حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله می آشامید

آب بر بالای حیس و نان را داده ترید میکرد و میخورد و رسول خدا
صلی الله علیه و آله میگفت که بهترین شربتها در دنیا و آخرت اینست
و گفت انس بن مالک که حضرت پیغمبر را صلی الله علیه و آله شربتی بود که بآن روزه
میگشود و شربتی دیگر بود که بحری میآشامید آنرا و گاهی جز یکی بود
و گاهی شربت آنحضرت شیر بود و گاهی شربت آنحضرت آب بود که در آن
ترید میکرد و انس میگوید که یک شب مهیا کردم از برای حضرت رسالت
پناهی صلی الله علیه و آله شربتی پس آنحضرت دیر آمد گمان بردم که
بعضی از اصحاب آنحضرت را دعوت کردند و خوردم آن شربت را که از
برای آنحضرت مهیا کرده بودم پس حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بعد از
خفتن بیکساعت آمد پرسیدم از بعضی که با آنحضرت بودند که آیا حضرت
رسالت پناهی صلی الله علیه و آله روزه گشود در جای یا کسی
دعوت کرد آنحضرت را آنکس گفت نی شبی بر وفق آوردم که [illegible]
آن شب را اگر خدای تعالی از غم اینکه آنحضرت شربت را طلب نماید
از من و نیابد آنرا و آن شب گرسنه باشد و روزش روزه دارد

آنحضرت

آنحضرت نطلبید آن شربت را و ذکر آن هم نکرد تا این ساعت [illegible] که
روزی نزدیک حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله ظرفی آوردند که در آن شیر بود
و ابن عباس بجانب راست آنحضرت نشسته بود و خالد بن ولید بجانب
چپ پس آنحضرت آشامید از آن شیر و گفت عبد الله عباس را که این
شربت از تست آیا رخصت میدهی که این شربت را بدهم بخالد بن ولید
ابن عباس گفت نه بحق خدا که نمیدهم بهم خورده رسول خدا صلی الله علیه و آله
بکسی دیگر پس ابن عباس گرفت قدح را و آشامید آن شربت را
و روایتست که ابن خولی نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله ظرفی آورد
که در آن عسل و شیر بود آنحضرت ابا کرد از آشامیدن آن و گفت که
دو شربت را یکی ساخته‌اند و چیزی که در دو ظرفی بایست کرد در یک ظرف
کرده‌اند پس آنحضرت گفت که حرام نمیکردانم این را و لیکن کراهت میدارم
فخر و حساب روز قیامت را بزیادتی دنیا و دوست میدارم تواضع
و فروتنی را بدرستی که هر کس تواضع کند از برای خدا بلند میگرداند
خدای مرتبه او را فصل پنجم در صفت اخلاق حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله

در بوی خوش بکار بردن و روغن مالیدن و پوشیدن جامه و غیر آن

در بیان پرشیدن حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله روایتست که
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله چون سر و محاسن خود را شستی با آب
سدر شستی در بیان روغن مالیدن حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
در روایتست که حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله دوست میداشت
روغن مالیدن هم و اندوهنا و آنحضرت روغن می مالید بهمه اصناف
روغنها و چون آنحضرت روغن مالیدی ابتدا بسر مبارک خود کردی
و بعد از ان محاسن خود را روغن مالیدی و گفت که بسر را پیش از
محاسن روغن می باید مالید و آنحضرت بیشتر روغن بنفشه می مالید
و میفرمود که روغن بنفشه بهترین روغنهاست و آنحضرت چون مالیدی
ابتدا بابروهای خود کردی و بعد از ان شارب خود را روغن مالیدی
و بعد از آن روغن را در بینی خود ریختی و بوئیدی و بعد از آن بسر خود
روغن مالیدی و آنحضرت ابروهای خود را روغن مالیدی بجهت درد
سر و شارب خود را روغن مالیدی بغیر روغن که در محاسن مالیده

روغن

بود یعنی بجهت شارب خود علی حده روغن برمیداشت و اکتفا نمی
نمود چنان روغن که در محاسن مالیده بود در بیان فرو گذاشتن
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله موی خود را روایتست که حضرت
رسالت پناهی صلی الله علیه و آله شانه کردی و فرو گذاشتی موی
سر خود را بشانه و زنان آنحضرت فرو میگذاشتند موی آنحضرت را
و زنان آنحضرت متعهد شانه کردن آنحضرت بودند و وقتی که آنحضرت
شانه میکرد سر و محاسن خود را میگرفتند زنان آنحضرت آن مویها
که جدا می شد در وقت شانه کردن و برمیداشتند و نگاه میداشتند
و میگویند که موی آنحضرت که در دست مردم است از ان مویهاست
اما موی سر آنحضرت که تراشیده بود در وقت عمره جبرئیل علیه السلام
فرود آمد و گرفت آن موها را و باسمان برد و بسیار بود که آنحضرت
محاسن خود را در روزی دو بار شانه کردی و آنحضرت چون شانه
میکرد می نهاد شانه را در زیر بالش خود و میگفت شانه کردن می برد
وبا را و آنحضرت چون محاسن خود را شانه کردی شب محاسن را چهل

نوبت شانه کردی و بالای از آنست نوبت و میفرمود که شانه کردن
زیاده میکند ذهن را و قطع میکند بلغم را در بیان بوی خوش بکار بردن
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله روایتست که حضرت رسالت پناهی
صلی الله علیه و آله مشک بکار می برد بمقداری که ظاهر می شد
درخشندگی در فرق مبارک آنحضرت و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
ذکور طیب بکار می برد و مراد از ذکور طیب مشک و عنبر است
و آنحضرت خوش میکردانید خود را ببوی خوشی که زنان آنحضرت بدست
خود بآنحضرت می مالیدند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بخور میکرد
بعود قماری و عود قماری بوی خوشیست که از جانب هند می آورند
و حضرت رسالت پناهی را صلی الله علیه و آله می شناختند در شب
تاریک پیش از آنکه ببینند از بوی خوش آنحضرت و میگفتند اینجا
که این رسول خداست صلی الله علیه و آله و روایتست از امام جعفر صادق
علیه السلام که فرمود که خرج حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بیشتر بود
از خرج آنحضرت للطعام و گفت امام محمد باقر علیه السلام که رسول الله

بعود

بوی خوش

را صلی الله علیه و آله خصلتی بود که در غیر آنحضرت نبود یکی آنکه آنحضرت
سایه نبود دیگر آنکه آنحضرت بهر راهی که رفتی و کسی بعد از دو سه روز
بآن راه رفتی دانستی که آنحضرت باین راه رفته است از بوی خوش
آنحضرت دیگر آنکه نگذشتی هیچ سنگی و درختی مگر آنکه آن سنگ و درخت
آنحضرت را سجده کردی و هیچ بوی خوش بآنحضرت عرض میکردند
مگر آنکه خوشبو میساختی خود را بآن و میگفت که بوی این خوبست
و برداشتن این سبک و آسانست و اگر خوشبو نمیساخت خود را
بآن بوی خوش می نهاد انگشت خود را بآن و بعد از آن انگشت
مبارک را بر زبان خود می نهاد و آنحضرت میگفت که لذت من در زنان
و بوی خوش است و روشنی چشم در نماز و روزه است و آنحضرت
وقتی که میخواست که از خانه بیرون آید و موجب بیرون آمدن میشد
پیش از آنکه از خانه بیرون می آید و میدانستند اصحاب که آنحضرت
میخواهد از خانه بیرون آید بجهت بوی خوش آنحضرت و حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله بوی خوش بکار می برد در هر روز جمعه

واگر بوی خوش نمی یافت و میسر نمی شد معجر یعنی ازار زنان خود را میگرفت
و آنرا تر می ساخت با آب و بآن بیت و روی خود می مالید آنرا بجهت
بوی خوشی که در آن معجر بودی در بیان سرمه کشیدن حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
روایتست که حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله سرمه میکشید در
چشم راست خود سه میل و در چشم چپ خود دو میل و گفت اگر کسی که خواهد
چهار بار سرمه بکشد و هرگاه خواهد بکشد و اگر کسی کمتر از سه نوبت یا
زیاده سرمه بکشد باکی نیست و گاهی در وقتی که روزه داشتی سرمه
کشیدی آنحضرت را سرمه دانی بود که سرمه میکشید بآن شب
و سرمه آن سرمه اصفهانی بود در بیان نظر کردن حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله در آینه روایتست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
نظر کردی در آینه و فرو گذاشتی موی خود را و شانه کردی و گاهی
در آب نظر کردی و موی خود را راست کردی و آنحضرت را از زینت
دادن خود را بجهت اصحاب خود زیاده بر زینت دادن بجهت اهل بیت
خود و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله این مضمون را گفت بعایشه در وقتی

که عایشه در

که عایشه در حجره خود بود و دید که آنحضرت نظر میکرد در ظرفی که در آن
آب بود و راست میکرد موی خود را و میخواست که بیرون رود نزد
اصحاب خود پس گفت عایشه بآنحضرت که پدر و مادر من فدای تو باد نظر در
ظرف آب میکنی و موی خود را راست میکنی و حال آنکه تو رسول خدایی
و بهترین خلق آنحضرت فرمود که خدای تعالی دوست میدارد که چون
بنده از بندگان او خواهد که بیرون رود نزد برادران مومن آراسته
کند خود را او زینت دهد در بیان روغن مالیدن حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
روایتست که هرگاه کسی آنحضرت را روغن مالید تا چون میرسید
کف آنحضرت خود روغن می مالید باقی بدن او حضرت رسالت
پناهی صلی الله علیه و آله جدا نمی ساخت از خود در سفرها شیشه روغن
و سرمه دان و مقراض و آینه و مسواک و شانه را و در روایتی
واقع است که با آنحضرت می بود ریسمان و سوزن و مصحف و تسمه
که میدوخت بآن جامه خود را و بدان تسمه پیوند میکرد نعل خود را
و رسول صلی الله علیه و آله چون مسواک کردی عرضا مسواک کردی

در بیان لباس حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله و روایتست که حضرت رسالت
پناهی صلی الله علیه وآله می پوشید شمله را و لنگ نیز می ساخت او را
و می پوشید گلیم ابریشمین را و لنگ نیز می ساخت و آن گلیم آنحضرت را
خوب می نمود بجهت سیاهی از گلیم بر سفیدی که ظاهر بود از ساقها
و قدمهای آنحضرت و روایت کرده اند که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله از
دنیا رحلت نمود و او را گلیمی بود که در قبیله بنی عبد الاشهل بافته بود و
بجهت آنکه آنحضرت میپوشید آنرا و گاه بود که آنحضرت نماز میکرد با
مردمان و لباس آنحضرت شمله بود و گفت انس که گاهی میدیدم آنحضرت را
که نماز پیشین با ما میگزارد و لباس آنحضرت شمله بود که اطراف آنرا در
میان دو شانه خود می انداخت در بیان عمامه و طاقیه حضرت پیغمبر صلعم
روایتست که حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه وآله طاقیه با دستار
و بی دستار می پوشید و دستار بی طاقیه می پوشید و برطله می پوشید
و برطله نوعیست از طاقیه و طاقیههای یمنی می پوشید و طاقیههای
سفید مصری می پوشید و طاقیههای که گوشها داشت در وقت جنگ

می پوشید

می پوشید و بعضی از آن طاقیهها از طیلسان سبز بود
پناه خدای تعالی باشد مادام که آن مسلمان آن جامه را پوشیده باشد
خواه آن کسی که جامه داده است زنده باشد و خواه مرده و حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
چون جامه پوشیدی و بایستادی پیش از آنکه از خانه بیرون رود گفتی اللهم
لک شکرت و الیک توجهت و بک اعتصمت و علیک توکلت اللهم
انت ثقتی و انت رجائی اللهم اکفنی ما اهمنی و ما لا اهتم به و ما انت اعلم
به منی عز جارک و جل ثناؤک و لا اله غیرک اللهم زودنی التقوی و اغفر لی
ذنبی و وجهنی للخیر اینما توجهت و بعد از آنکه این دعا خواندی متوجه
حاجت خود شدی و حضرت پیغمبر را صلی الله علیه وآله دو جامه بود که در روز
جمعه پوشیدی و آن دو جامه را در غیر جمعه نپوشیدی و آنحضرت را خرقه
مندیل بود که خشک میکرد روی خود را از وضو و گاه بود که با آنحضرت مندیل
نبود پس خشک میکرد روی خود را بطرف ردا که با آنحضرت بود در بیان
انگشتری حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله روایتست که حضرت رسالت
پناهی صلی الله علیه وآله انگشتری نقره را انگشت میکرد و نگین آن سیاه

رنگ بود پس میکرد اند نگین از دیگر بکف دست مبارک و در انگشت
میکرد انگشتری نقره که نگین آن فولاد بود که از طریق هدیه معاذ جبل نزد
آنحضرت فرستاده بود و بران انگشترین نقش کرده بودند محمد رسول الله
و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله انگشترین را در دست راست میکرد و بعد از آن
نقل میکرد بدست چپ و انگشتری که در دست آنحضرت بود در وقتی که از
دنیا رحلت می فرمود از نقره بود و نگین آن انگشترین نیز از نقره بود و در آن
انگشترین کرده بودند محمد رسول الله و آنحضرت انگشترین را در انگشت میکرد
هم چنانکه مردمان در انگشت میکنند و آنحضرت استنجا میکرد بدست چپ که
انگشترین دران نبود و در روایت که انگشتری آنحضرت همیشه در دست راست
میکرد تا وقتی که از دنیا رحلت فرمود و گاهی آنحضرت انگشتری را در انگشت
میانه میکرد در بند دوم و گاهی در انگشت میکرد که در پهلوی انگشت
بزرگ است که آنرا انگشت شهادت میگویند بهمین طریق و گاهی آنحضرت
بیرون می آمد نزد اصحاب و در انگشتری آنحضرت چیزی بسته بود
تا بیاد آورد بآن ریسمان چیزی را و آنحضرت مهر میکرد بانگشتری خود

کتابی را که بکسی میفرستاد و میگفت مهر بر کتابت بجای دارد کتابت
را از تهمت در بیان نعلین حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله روایتست
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله می پوشید نعلین را ابدا ولی که نعلین را
بآن می بندند و نعلین آنحضرت باریک میان بود و نزدیک باشنه
او هموار بود و بلندی نداشت و بسیار می پوشید نعلینی را که از پوست
دباغت کرده میدوختند و آنحضرت چون نعلین پوشیدی ابتدا
بپای راست کردی و چون بیرون کردی ابتدا بپای چپ کردی
و امر میکرد ما را بپوشیدن هر دو نعل و ترک کردن هر دو و کراهت اکه
مکروه میداشت که کسی یک نعل بپوشد و دیگری را ترک کند و آنحضرت
موزها را پوشید از هر نوعی در بیان فراش حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
روایتست که فراش حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در وقت رفتن از
دنیا فراش کهنه بود که درو ادی اقطری ساخته بودند و پر بود از پشم
و بعضی گفته اند که درازی آن دو گز بود یا نزدیک بآن و پهنای
آن یک گز و یک وجب بود و روایتست از امیر المؤمنین علی علیه السلام که

جامه خواب حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله یک نوع گلیمی بود که آنرا می پوشیدند
و بالش آنحضرت پوست بود که پر کرده بودند از لیف خرما و در روایتست
که امیر المؤمنین علی علیه السلام گفت که آن گلیم را دو ته کردم یکشبی
و در زیر حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله انداختم چون صباح شد آنحضرت
منع کرد مرا ازین شب این جامه خواب از نماز و بعد ازان امر فرمود که
یک ته کنند آن گلیم را و عایشه گفت پیغمبر را صلی الله علیه وآله جامه
خوابی بود از پوست که پر ساخته بودند آنرا از لیف خرما و آنحضرت را گلیم
بود که فراش خود می ساخت هر جا میرفت و گاهی دو ته میکرد آنرا و در
زیر خود می انداخت و حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله بسیار از اوقات
بالین خود می ساخت بالشی را که پوست بود و پر کرده بودند آنرا از لیف
خرما و می نشست بران و آنحضرت را قطیفه بود که در فدک بافته بودند
می پوشیدند آنرا و تواضع و فروتنی می نمود بران و آنحضرت را قطیفه
مصری بود و آنحضرت را بساطی از موی بود که بران می نشست و گاهی
بران میگذارد در بیان خواب کردن حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله روایتست

که حضرت

که حضرت رسالت صلی الله علیه وآله بر حصیر خواب میکرد و در زیر آنحضرت
غیر ازان حصیر چیزی نبود و چون حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله میخواست
که خواب کند مسواک میکرد و بعد ازان بجامه خواب میفرمود و آنحضرت
چون بجای میرفت بجامه خواب بر پهلوی راست میخوابید و دست
راست خود را در زیر رخسار راست می نهاد و این دعا میخواند اللهم
قنی عذابک یوم تبعث عبادک یعنی بار خدایا نگاه دار مرا از عذاب
خود روزی که بر می انگیزی بندگان خود را در بیان دعاهای که حضرت پیغمبر
صلی الله علیه وآله میخواندند نزد آمدن بخوابگاه در روایتست که حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه وآله دعاهای بسیار در وقت خوابیدن میخواندند از
جمله آنها این دعاست اللهم انی اعوذ بک بمعافاتک من عقوبتک
و اعوذ برضاک من سخطک و اعوذ بک منک اللهم انی لا استطیع ان
ابلغ فی ثناء علیک ولو حرصت انت کما اثنیت علی نفسک و
آنحضرت در وقت خواب کردن این دعا میخواندند بسم الله اموت
و انا الله المصیر اللهم آمن روعتی و استر عورتی و اد عنی امانتی

در بیان آنچه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله میگفت نزد خواب کردن
روایتست که حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله آیة الکرسی
میخواند و میگفت که آمد جبرئیل علیه السلام نزد من و گفت که ای محمد
عفریتی از جن میخواهد که ضرری بتو برساند وقتی که در خواب باشی پس تو
باید که آیة الکرسی بخوانی در وقت خواب کردن در بیان آنچه حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله بجا می آورد در وقت بیدار شدن از خواب
روایتست از ابی جعفر علیه السلام که گفت که هر گاه حضرت رسالت
پناهی صلی الله علیه و آله از خواب بیدار می شد سجده میکرد حضرت
حق سبحانه و تعالی را روایتست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله هر گاه
خواب میکرد مسواک نزد سر آنحضرت حاضر می بود چون از خواب بر میخواست
ابتدا بمسواک میکرد و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که امر کرد
حق تعالی مرا بمسواک کردن تا آنکه می ترسم که مسواک کردن واجب
شود بر من در بیان دعاهای که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله میخواند در
وقت بیدار شدن از خواب این بود که الحمد لله الذی احیانی بعد موتی

ان ربی

ان ربی لغفور شکور و این دعا نیز میخواند اللهم انی اسئلک
خیر هذا الیوم و نوره و اعوذ بک من شره و شر ما بعده در بیان
مسواک کردن حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله روایتست که حضرت
رسالت پناهی صلی الله علیه و آله مسواک میکرد هر شب سه نوبت
یک نوبت پیش از خواب کردن و نوبتی دیگر چون بر میخواست
از خواب بجهت وردی که داشت در شب و نوبتی دیگر پیش از
بیرون رفتن بنماز صبح و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مسواک میکرد
بچوب درخت اراک و جبرئیل علیه السلام امر کرده بود آنحضرت را
باین روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت مکروه دارم
که شخصی فوت شود و باقی ماند از سنت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که بجا نیاورده باشد باب دوم در آداب پاک کردن
بدن و لباس و بوی خوش بکار بردن و سرمه کشیدن و روغن
مالیدن و مسواک کردن و درین باب سه فصل است فصل اول
در آداب پاک گردانیدن بدن و لباس و بوی خوش بکار بردن

و مانند آن در بیان پاک گردانیدن بدن و لباس روایتست از
ابی عبد الله علیه السلام که امیر المومنین علیه السلام گفت که پاکی
نمایید با آب از بوی بد بدرستی که خدای تعالی دشمن میدارد از
بندگان ناپاکی را روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که
شستن جامه می برد غم را و پاکی است از برای نماز روایتست
که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله انس را که ای انس بسیار طهارت
کن تا زیاده کند خدای تعالی عمر ترا اگر قدرت و استطاعت داشته
باشی که شب و روز با طهارت باشی بر طهارت باش چه بدرستی که وقتی
که میری و بر طهارت بوده باشی شهید مرده منقولست از کتاب
روضة الواعظین که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که آنکسی که وضو بسازد
و اعضای وضو را خشک کند بر و مال و مانند آن یک حسنه دارد و اگر
وضو بسازد و اعضای وضو را خشک نکند تا آنکه بخود خشک شود
سی حسنه دارد روایتست از علی بن اسباط که گفت که شنیدم از ابو الحسن
علیه السلام که میگفت که چهار خصلت از اخلاق پیغمبر است خو

خوشبو کردن و پاکیزه بودن و نوره کردن و بسیار جماع کردن در بیان
بوی خوش بکار بردن روایتست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت که
بوی خوش قوت میدهد دل را روایتست از امام شیخ ابو جعفر طوسی
رحمة الله علیه که امام جعفر صادق علیه السلام گفت که خدای تعالی
دوست میدارد شکل خوب و تجمل و زینت را و مکروه میدارد که
سختی را و اینکه کسی خود را بسختی دارد و هرگاه حضرت حق سبحانه و تعالی
به بنده خود نعمتی دهد دوست میدارد که اثر آن نعمت دیده شود
بر آن بنده تحفی پرسید از امام جعفر صادق علیه السلام که چگونه اثر
آن نعمت دیده می شود بر بنده حضرت امام علیه السلام گفت که
جامه پاکیزه پوشد و بوی خوش بکار برد و خانه خود را گچ سفید کند و
جاروب کند در سرای خود را تا آنکه چراغ روشن کردن پیش از
فرو رفتن آفتاب درویشی را می برد و روزی را زیاده میکند روایتست
از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که چهار چیز از سنتهای پیغمبران
مرسل است مسواک کردن و حنا بستن و بوی خوش بکار بردن

دوست داشتن وهم روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که رسول
خدا صلی الله علیه وآله بوی خوش بکار می برد در هر روز جمعه و هرگاه
بوی خوش نمی یافت میگرفت معجر بعضی از زنان خود را و آب میزد
بران و بر روی خود می مالید روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام
که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که تصرف نکردم از دنیا مگر زنان
و بوی خوش و در روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که چیزی
که آنچه تصرف میکنی در بوی خوش اسراف نیست روایتست از امام
جعفر صادق علیه السلام که گفت که چون بیارند نزد یکی از شما ریحانی
باید که بو کند آنرا و بنهد بر چشمهای خود بدرستی که ریحان از بهشت
و منقولست از کتاب روضة الواعظین که ملک جهنی گفت دادم
ابی عبد الله علیه السلام چیزی از رياحين حضرت امام علیه السلام
گرفت آنرا و بوئید و بر چشم نهاد و گفت هر کسی که بگیرد ریحانی را و ببوید
و بر چشم بنهد و بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد هنوز آن ریحان در
دست او باشد که آمرزیده شود و در روایتست از حضرت پیغمبر

صلی الله علیه وآله

صلی الله علیه وسلم که گفت که وقتی که بدهد یکی از شما برادر مومن
ریحانی باید که رد نکند آن ریحان را چه بدرستی که ریحان از بهشت
و منقولست از صحیفة الرضا که امام رضا علیه السلام روایت
کرده است از پدران خود و ایشان روایت کرده اند از امیر المومنین
علی علیه السلام که گفت امیر المومنین صلوات الله علیه که بوی
خوش تعویذ است و غسل تعویذ است و نظر کردن در سبزه تعویذ است
و سواری تعویذ است و در روایتست از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام
که گفت که مردمان میدانستند جای امام جعفر صادق علیه السلام
در مسجد به بوی خوش آنجا و موضع سجده آنحضرت و گفت امام رضا علیه السلام
که از اخلاق پیغمبران بوی خوش بکار بردن است و گفت امام جعفر
علیه السلام که دو رکعت نماز که با بوی خوش بگذارند که فاضلتر است
از هفتاد رکعت نماز که بی بوی خوش بگذارند روایتست از امام جعفر
صادق علیه السلام که سه چیز سنت پیغمبرانست نوره کردن و
بوی خوش بکار بردن و بسیار مجامعت کردن بزنان و در روایتست

که پرسیدند از ابی عبد الله و ابی الحسن علیهما السلام از حال مردی
که رد میکنند بوی خوش را ایشان فرمودند که اگر کسی رد میکند بوی
خوش را رد کرده می شود کراهت از و وگفتند که رد نمیکند کرامت را
مگر کسی که بی عقل بوده باشد و روایتست از ابی عبد الله علیه السلام
که بوی خوش در شارب بکار بردن از اخلاق پیغمبرانست و کرامت
کاتبین انست دو فرشته که موکل آدمی اند و روایتست از امام رضا
علیه السلام که گفت علی بن الحسین علیه السلام ظرفی داشت
که می آویخت آنرا از پهلوی خود و در ان ظرف مشک بود چون میخواست
که از منزل بیرون رود جامهای خود را می پوشید و میگرفت آن ظرف را
و بوی خوش از ان ظرف بیرون می آورد و بر روی خود می مالید
و منقولست از کتاب عیون الاخبار که روایت کرده است صولی
از جده خود و جده او زنی بود که بسیار از وی می پرسیدند احوال امام
رضا علیه السلام چیزی غیر اینکه میدیدم که بخور میکرد بعود هندی
و استعمال میکرد بعد از ان گلاب و مشک را و منقولست از مکوعات

پرسید ناصح الدین ابو البرکات که رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت که
بر شما باد که استعمال کنید عود هندی را بدرستی که در ان هفت نوع منفعت است
و نیز گفت که بهترین بوهای خوش مشک است و گفت حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام که خرج رسول خدا صلی الله علیه و آله بوی خوش
بیشتر بود از خرج آنحضرت بطعام و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
امیر المومنین علی را علیه السلام یا علی بر تو باد که بوی خوش بکار بری
در هر جمعه که این سنت منست و خدای تعالی می نویسد از برای تو
حسنات مادام که بوی خوش از تو می آید و روایتست از حضرت رسالت
پناهی صلی الله علیه و آله که گفت که باید که کسی هر روز چیزی از بوی خوش
بکار برد و اگر هر روز بکار نبرد و میسر نشود یک روز در میان این کار کند
و اگر آن نیز میسر نشود باید که هر جمعه بوی خوش بکار برد و در روایتست
از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت که هر زنی که بوی خوش بکار
برد و بعد از ان از خانه بیرون رود لعنت کرده می شود بر و تا آنکه
باز گردد بخانه خود هر گاه باز گردد و در بیان خوش بوی کردانیدن

روایتست از مرازم که گفت که رفتم با ابی الحسن علیه السلام بحمام چون از
حمام بیرون آمد و بجامه کن آمد مجمری طلبید و بوی خوش بخور کرد
از برای مرازم مرازم میگوید که پرسیدم که اگر کسی دیگر خواهد که بگیرد نصیب
بود از این بوی خوش بگیرد حضرت امام علیه السلام گفت آری و
روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که باید که کسی بخور کند از
برای جامهٔ خود وقتی که قدرت داشته باشد روایت میکند عمیر بن
مامون و دختر او زوجهٔ امام حسن علیه السلام بود که دختر من گفت که
ابن زبیر حضرت امام حسن را علیه السلام بطعامی که از برای عروسی
مهیا ساخته بود حضرت امام علیه السلام رفت بضیافت او و روزه داشت
ابن زبیر گفت با امام حسن علیه السلام که چون روزه داری تحفهٔ روزه
داران برای تو بیارم پس روغن آورد و محاسن مبارک حضرت امام
را از روغن غالیه و بخور کرد جامهٔ آنحضرت را و حضرت امام حسین علیه السلام
گفت که تحفهٔ زنی که روزه داشته باشد شانه کردن است و بخور
کردن جامهٔ او است و روایتست از پدران خود علیهم السلام که رسول خدا صلعم

فرمود

فرمود که بوی خوش زنان آنست که ظاهر شود رنگ او و پنهان باشد
بوی او و بوی خوش مردان آنست که مخفی باشد رنگ او و ظاهر باشد
بوی او تا اینجا ازین باب اختیار کرده شده است از کتاب لباس
که منسوب است بعیاشی رحمة الله علیه بیان گل و گلاب و منقولست
از کتاب طب الائمه بروایت حسین بن منذر که گفت که چون حضرت
پیغمبر را صلی الله علیه و آله باسمان بردند زمین حزین و اندوهناک شد
از مفارقت آنحضرت و رویانید کبر را و چون مراجعت فرمود بزمین
زمین خوشحال شد و رویانید گل سرخ را پس آنکسی که میخواهد که ببوید بوی
حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله باید که ببوید گل سرخ را و در جای
دیگر واقع شده که چون حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله باسمان
رفت و عرق کرد و عرق آنحضرت بزمین چکید و رویانید زمین از عرق
آنحضرت گل سرخ را پس گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که آنکسی که بخواهد
ببوید بوی مرا باید که ببوید گل سرخ را و منقولست از کتاب فردوس
بروایت انس که رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت که گل سفید مخلوق

شده است از عرق من در شب معراج و گل سرخ از عرق جبرئیل و گل زرد از
عرق براق و در روایتست که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گلاب
گل سفید زیاده میکند تازگی رو را و می برد درویشی را روایت کرده
ابی حمزه ثمالی از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت که هر کسی که مسح کند
روی خود را بگلاب نرسید باو در ان روز سختی و درویشی و هر کسی که خواهد
که مسح کند بگلاب باید که مسح کند بآن و بر دو دست خود را و صلوات بر
نبی و آل او علیهم السلام بفرستد و در روایتست از امام حسن بن علی
علیهما السلام که گفت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گل سرخ بمن داد
بهر دو دست خود و گفت این سید ریحان دنیا و آخرتست در بیان
نرگس روایت کرده است حسن بن منذر که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرمود که در بوییدن نرگس و روغن او فضایل بسیار است و چون افروخته
شد آتش نمرود برای حضرت ابراهیم علیه السلام خدای تعالی گردانید
آن آتش را بر حضرت ابراهیم علیه السلام خنک و رویانید در ان آتش
نرگس و اصل نرگس از ان نرگسیست که رویانیده است خدای عز و جل

دران زمان

در بیان مرزنگوش

در ان زمان در روایتست از انس که رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت که بر شما
باد که بوی کنید مرزنگوش را بدرستی که نیکوست از برای گرفتگی دماغ
در روایتست از انس که سر ریحان که میدانند بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
می بوییده و دوست میکرد و آن را مگر مرزنگوش که او را دشمن میکرد در روایتست از امام
موسی کاظم علیه السلام که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که
نوبتی گیاهیست مرزنگوش که میروید در زیر ساق عرش و آب او شفای چشم است
فصل دوم در بیان سرمه کشیدن و روغن مالیدن در بیان سرمه کشیدن
منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه بروایت امام محمد باقر علیه السلام
که گفت که سرمه کشیدن میرویاند مژه چشم را و تیز میکرداند بصر را و یاری
میدهد بر بسیاری سجده کردن روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که آمد بنزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله اعرابی که نام او قلیب بود
و چشمهای او آب میریخت گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله یا او که می بینم
که از چشمهای تو آب میریزد ای قلیب بر تو باد که سرمه بکشی بدرستی
که سرمه سبب حسن چشم است منقولست از طب الائمه که امام جعفر صادق

علیه السلام گفت که مسواک کردن جلا میدهد چشم را و سرمه کشیدن می برد
بوی دهن را روایت از امام رضا علیه السلام که گفت که هر کسی که چشم
او ضعیف شود باید که هفت میل سرمه بکشد چهار میل در چشم راست و سه میل
در چشم چپ بدرستی که سرمه میرویاند مژه چشم را و جلا میدهد چشم را و نفع
میدهد بخدای تعالی بیک سرمه کشیدن تا یک سال روایت است
از امام رضا علیه السلام که گفت که آنکسی که ایمان دارد بخدای تعالی
و بروز قیامت باید که سرمه بکشد و گفت حضرت امام رضا علیه السلام
بشخصی که بر تو باد که سرمه کشی بدرستی که سرمه جلا میدهد چشم را و میرویاند
مژهای چشم را و خوشبو میکند دهن را و زیاده میکند قوت جماع را و هم روایت
از امام رضا علیه السلام که گفت که کسی که چشم او ضعیف شود باید که هفت
میل سرمه بکشد نزد خواب کردن چهار میل در چشم راست و سه میل
در چشم چپ روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
که سرمه کشیدن میرویاند موی مژه را و برطرف میکند آب زدن چشم
و خوش مزه میکند آب دهن را و جلا میدهد چشم را و هم روایت

از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که سرمه کشیدن زیاده میکند
قوت جماع را روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که سرمه
کشیدن خوشبو میکند دهن را و هم روایت از امام جعفر صادق علیه السلام
که سرمه کشیدن در شب خوشبو میکند دهن او و منفعت آن می ماند تا چهل
روز و هم روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که چشم آنحضرت
سرمه در شب میکشید و سه میل میکشید در هر چشمی و هم روایت از امام
جعفر صادق علیه السلام که سرمه کشیدن در محل خواب امانست از آب
که نزول میکند در چشم و منقولست از کتاب لباس که گفت که امام
جعفر صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله سرمه میکشید
وقتی که میخواست در جامه خواب جا گیرد و روایت از ابن فضال
که گفت که حسین ابن جهم نمود بمن میلی از آهن و گفت این میل از
ابی الحسن علیه السلام و آن سرمه کشید با آن میل و من نیز سرمه کشیدم
با آن میل روایت از نادر الخادم که ابو الحسن علیه السلام گفت
ببعضی از آن کسان که با او بودند که سرمه بکش آنحضرت گفت دو [illegible]

نمیرد و هم زحمت درد سر از منزل خود حضرت علیه السلام فرمود که بترس از خدا
و سرمه بکش و دست مدار از سرمه کشیدن و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
که آنکسی که سرمه میکشد باید که عدد سرمه کشیدن او طاق باشد آنکسی که این
کار کند نیکو کرده است و آنکسی که این کار نکند بر او چیزی نیست و روایت
امام جعفر صادق علیه السلام از پدر خود علیه السلام که رسول خدا صلعم
گفت که آنکسی که سرمه میکشد باید که عدد سرمه کشیدن او طاق باشد
و آنکسی که بوی خوش بخور میکند باید که عدد بخور کردن او طاق باشد
و آنکسی که استنجا میکند باید که عدد آنچه بدو استنجا میکند طاق باشد
و آنکسی که استخاره میکند بخدای تعالی باید که عدد استخاره کردن او طاق
باشد و روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که بر شما باد
که سرمه بکشید بدرستی که سرمه کشیدن خوشبوی میکند دهن را و بر شما باد
که مسواک کنید بدرستی که مسواک کردن جلا میدهد چشم را اوی میگوید
که گفتم چگونه است که سرمه کشیدن خوش بو میکند دهن را و مسواک
میدهد چشم را امام جعفر صادق علیه السلام گفت که هرگاه کسی مسواک

کند بلغم

کند بلغم فرو می آید از دماغ پس جلا می یابد چشم و هرگاه سرمه کشند بلغم
میرود پس خوشبوی می شود دهن و روایت است که نزد سرمه کشیدن
می باید گفت اللهم انی اسالک بحق محمد و آل محمد ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان
تجعل النور فی بصری و البصیرة فی دینی و الیقین فی قلبی و الاخلاص
فی عملی و السلامة فی نفسی و السعة فی رزقی و الشکر لک ابدا ما
ابقیتنی در بیان روغن مالیدن منقولست از کتب شیخ سعید ابی جعفر
بن بابویه رحمة الله علیه که امام جعفر صادق علیه السلام گفت که هرگاه
روغن بر دست خود بگوید اللهم انی اسالک الزین و الزینة فی الدنیا
و اعوذ بک من الشین و الشنان فی الدنیا و الاخرة و روایت است
از امام جعفر صادق که گفت که روغن نرم میکند پوست بدن او و قوت
میدهد دماغ را و پنهان مجاری آب و می برد درشتی را و صافی و درخشنده
می سازد رنگ بدن او و هم روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت هر که روغن مالد مسلمانی را بنویسد خدای تعالی از برای او بعدد
هر موئی نوری در روز قیامت و هم روایت است از امام جعفر صادق

بریزی

میکردرند

از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که روغن مالیدن می برد سختی
و شقاق را و هم روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت روغن
بنفشه بهترین [illegible] و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در
وصیتی که بحضرت امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه کرده بود که یا علی
بخور روغن زیت را و بمال بر بدن خود بدرستی که آنکسی که بخورد روغن
زیت را و بمال بر بدن خود نزدیک نمی شود او را شیطان چهل روز
و گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله
گفت که بر شما باد که روغن بنفشه بکار برید بدرستی که او خنک است در
تابستان و گرم است در زمستان و روایتست از امیر المؤمنین علی
علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت که فضل روغن بنفشه
بر روغنهای دیگر همچو فضل اسلام است بر باقی ادیان و روایتست
از امام جعفر صادق علیه السلام که فضل روغن بنفشه بر باقی روغنها همچو فضل
همچو فضل منست بر باقی خلایق و هم روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت روغن بمالید یک روز در میان و پس مرد بکشید بعد طاق

فصل سیم

فصل سیم در مسواک کردن منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه
که رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت که همیشه جبرئیل وصیت میکرد مرا بمسواک
کردن و من همیشه مسواک میکردم تا آنکه ترسیدم که دندانهای من
سوده شود یا بریزد همیشه جبرئیل وصیت میکرد مرا در رعایت حال
همسایه تا آنکه گمان بردم که میراث خواهد برد و همیشه جبرئیل وصیت میکرد
مرا برعایت حال مملوک تا آنکه گمان بردم که تعیین میکند از برای مملوک
مدتی که آزاد شود بعد از آن مدت و گفت موسی بن جعفر علیهما السلام که
خوردن اشنان میگدازد بدن را و خشت پخته مالیدن بر بدن کهنه و سستی
صفا میکند بدن را و مسواک کردن در آنجا نه بدبوی میکند دهن را و روایتست
از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت که مسواک کردن زیاده میکند فصاحت
و بلاغت مرد را و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که وقتی که روزه
میدارید مسواک کنید در صباح و مسواک کنید در آخر روز بدرستی که روزه
داری که خشک باشد لبهای او در آخر روز نوری در میان دو چشم او خواهد بود
در روز قیامت و نیز گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که خوب مسواکیست

کفت

مسواکی که از چوب زیتون باشد زیرا که زیتون درخت مبارک است و مسواک
کردن زیتون می برد بوهای دندان را و از زیتون مسواک من و مسواک پیغمبرانست
که پیش از من بوده اند و نیز گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که چهار چیز
از سنتهای پیغمبران مرسل است ختنه کردن و بوی خوش بکار بردن
و جماع کردن و مسواک کردن و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که
چهار چیز از سنتهای پیغمبران مرسل است بوی خوش بکار بردن
و مسواک کردن و زنان و نعلین منقولست از کتاب روضة الواعظین
که ابو الحسن علیه السلام گفت احتیاج دارد شیعه ما بچهار چیز سجاده
نماز کنند بر آن و انگشتری که در انگشت کنند و مسواکی با آن مسواک کنند و تسبیحی
از خاک قبر ابی عبد الله الحسین علیه السلام که آن تسبیح سی و سه دانه باشد
هرگاه بگرداند آن تسبیح و ذکر حضرت حق سبحانه و تعالی بگوید می نویسد
خدای تبارک و تعالی بعدد هر دانه چهل حسنه از برای او و هرگاه بگرداند آن
تسبیح را از روی سهو و عبث و ذکر خدای تعالی نگوید می نویسد خدای تعالی
بعدد هر دانه بیست حسنه از برای او و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله

و در عیبی که کرده است امیر المؤمنین را علیه السلام که یا علی بر تو باد که مسواک
کنی نزد هر وضو و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که مسواک کردن جزو
وضو است و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که چون مردمان در آمدند
بدین گروه گروه پس آمدند ازدیین آمدند که ایشان را از همه بیشتر شد رقت
قلب ایشان بیش از همه مردمان بود و دهن ایشان خوشبوتر بود
از دهن مردمان دیگر پس شخصی گفت که یا رسول الله رقت قلب ایشان شناختیم
پس چرا دهن ایشان خوشبوتر است حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت
بجهت آنکه ایشان مسواک میکردند پیش از آنکه مسلمان شوند و نیز گفت
امام جعفر صادق علیه السلام هر چیز را پاک کننده ایست و پاک کننده دهن
مسواک است و گفت ابو جعفر علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله
بسیار مسواک میکرد و مسواک کردن واجب نیست پس ضرر نمیکند اگر
کسی ترک آن کند در بعضی از روزها و باکی نیست که مسواک کند کسی که روزه
داشته باشد در ماه رمضان در هر وقت از روز که خواهد و همچنین باکی
نیست کسی که احرام بسته باشد از برای حج و مکروه است مسواک

کردن در تمام بجهت آنکه موجب بوی بد دهان است و در روایتست
که امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام فرموده‌اند که دو رکعت نماز
بمسواک فاضلتر است از هفتاد رکعت بی مسواک و گفت امام محمد باقر
علیه السلام بجعفی که وا مگذار مسواک کردن در هر سه روز و اگرچه یکبار
مسواک در دهن کنی و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که پیر مرد
بکشید بعد دهان و مسواک کنید بعرض و روایتست که امام جعفر صادق
علیه السلام مسواک کردن را ترک کرد پیش از آنکه از دنیا برود بدو سال
و این بنا بر آن بود که دندانهای مبارکش ضعیف شده بود و روایتست
که پرسید علی بن جعفر از برادر خود موسی بن جعفر علیهما السلام از حال
مردی که مسواک میکرد بانگشت خود وقتی که برخیزد ست بنماز شب و او
قادر بود بمسواک کردن موسی بن جعفر علیهما السلام گفت که اگر می ترسید
که صبح شود باکی نیست و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که اگر در مشقت
می افتاد امت من هر آینه امر میکردم ایشانرا بمسواک کردن نزد
وضوی هر نمازی و روایتست که خانه کعبه شکایت کرد بخدای تعالی



از نجم رسید باو از بوی دهان نفس مشرکان پس وحی کرد خدای تعالی
بخانه کعبه و گفت که قرار گیر ای کعبه بدرستی که تبدیل کنم این قوم را
بقومی که پاکی نمایند دندانها را بشاخهای درخت پس حضرت حق سبحانه و تعالی
چون فرستاد پیغمبر خود محمد را صلی الله علیه وآله بخلقان فرود آمد بر او جبرئیل
و آورد مسواک و خلال را و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که در مسواک
کردن دوازده خصلت است سنت پیغمبر است و پاک میکند دهن را و
جلا میدهد چشم را و خشنود میکند خدای تعالی را و سفید میکند دندانها را
و می برد تباهی دندانها را و محکم میکند گوشت بیخ دندانها را و اشتهای
طعام می آورد و می برد بلغم را و زیاده میکند حفظ را و مضاعف میکند
حسنات را و خوشحال میکردند فرشتها را و روایتست که امام رضا را علیه السلام
خریطه بود که در آن پنج مسواک بود و نوشته بود بر هر مسواکی نام نمازی
از نمازهای پنج گانه که مسواک میکرد بآن نزد آن نماز و منقولست از کتاب
طب الائمه که امام رضا علیه السلام گفت که مسواک کردن روشن میکند
چشم را و میرویاند موی را و می برد آب زدن چشم را و منقولست در وصیت



حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله امیر المومنین علی صلوات الله علیه که یا علی
بر تو باد که مسواک کنی و اگر استطاعت و قدرت داری که کم کنی مسواک
کردن الکم عن هر پستی که هر غازی که بکند اری مسواک فاضلترا است از
چهل روزه غازی که بکند اری بی مسواک منقولست از کتاب لیث کبیر مراة
نصر عیاشی روایت کرده است که ابی عبد الله علیه السلام
گفت فرود آورد خلال و مسواک و حجامت را روایت کرده است از
ابی عبد الله علیه السلام از پدر خود و پدر او روایت کرده است
از پدران خود علیهم السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت که پاک گردانید
راه قرآن را اصحاب گفتند یا رسول الله چیست راه قرآن آنحضرت
گفت دهنهای شما اصحاب گفتند بچه چیز پاک کنیم آنحضرت فرمود که
بمسواک و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که پاک کنید دهنهای خود را
بمسواک بدرستی که دهن شما راه تسبیح است و منقولست از کتاب
تهذیب الاحکام که ابی عبد الله علیه السلام گفت که خوردن اشنان
میکند زرد بدن را و خشت پخته مالیدن در بدن کهنه و بی صفا میکند بدن را

آمد بر زیل و

و مسواک کردن در بیتخانه بد بوی میکند دهن را دروایت از امیر المومنین
علیه السلام که گفت که مسواک کردن موجب خشنودی خدای عز و جل
و سنت حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله و خوش بو میکند
دهن را و روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که مسواک کردن
در بیتخانه بوی دهن می آورد و روایت کرده است امام جعفر صادق
علیه السلام از پدر خود او روایت کرده است که گفت امیر المومنین
علی صلوات الله علیه که سه چیز است که بلغم می برد و حفظ را زیادت
میکند مسواک کردن و روزه داشتن و قرآن خواندن باب چهارم
در آداب حمام رفتن و آنچه متعلق است بآن و درین باب شش فصل است
فصل اول در کیفیت در آمدن بحمام منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه
که روایت کرده است که محمد بن حمران که امام جعفر صادق علیه السلام گفت
که وقتی که خواهی که در آیی در حمام در وقتی که میکنی جامه خود را اللهم انزع عنی ربقة
النفاق و ثبتنی علی الایمان و هر گاه در آیی بخانه اول از حمام بگو اللهم
اعوذ بک من شر نفسی و استعیذ بک من اذاه و وقتی که در آیی بخانه

دوم بگو اللهم اذهب عنی الرجس النجس وطهر جسدی وقلبی وبعد از ان
آب بردار و بریز بر میان سر خود و بر هر دو پای و اگر میتوانی از آب
گرم جرعه بخور بدرستی که پاک میکند مثانه را و ساعتی در خانه دوم درنگ
کن و چون در آیی بخانه سیم بگو نعوذ بالله من النار نسأله الجنة و بگو این
دعا را تا وقتی که بیرون رفتن از گرم خانه و پرهیز از خوردن آب
خنک و فقاع بدرستی که این فاسد میکند معده را و بر خود آب
خنک مریز بدرستی که آب خنک ضعیف میگرداند بدن را و بریز آب
خنک را بر پاهای خود در وقت بیرون آمدن از حمام بدرستی که آب
خنک ریختن بر پا در وقت بیرون رفتن از حمام میکشد درد را از بدن
و چون بیرون آیی از حمام و بپوشی لباس خود را بگو اللهم البسنی التقوی
وجنبنی الردی و چون این کار کنی که گفته شد ایمن میشوی از هر دردی
و باکی نیست قرآن خواندن در حمام مادام که تحریر نکنی و لنگ داشته
باشی روایتست که پرسید محمد بن مسلم از امام جعفر صادق علیه السلام
که آیا امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه منع میکرد از قرآن خواندن

حمام

در حمام امام جعفر صادق علیه السلام گفت نی منع میکرد امیر المؤمنین
علیه السلام از قرآن خواندن در حمام وقتی که برهنه بودی مگر وقتی که
بر کسی لنگ بوده باشد باکی نیست و در روایت است که گفت علی بن یقطین
با امام موسی کاظم علیه السلام که قرآن بخوانم در حمام و جماع میکنم یا قضای
حاجت در او حضرت علیه السلام گفت که باکی نیست و گفت امیر المؤمنین علی
علیه السلام که خوب خانه ایست زیرا یاد می آید در وی آتش دوزخ و حیا را
می برد و هم امیر المؤمنین علیه السلام گفت بد خانه ایست حمام زیرا که
می درد پرده را و می برد شرم و حیا را و گفت میدرد پرده را و ظاهر میسازد عورت
و هم نیز گفت که خوب خانه ایست حمام زیرا که یاد می آورد حرارت جهنم را
و بد خانه ایست که کسی زن خود را با خود بحمام ببرد تا نظر در عورت او
کند و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که کسی که ایمان دارد بخدای تعالی
و بروز قیامت باید که زن خود را بحمام نفرستد و منقولست که حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله منع میکرد زنان امت خود را از حمام رفتن و گفت امام
موسی کاظم علیه السلام که بحمام مروید بر ناهار تا آنکه چیزی بخورید

حمام

از کتاب محاسن از ابی عبدالله علیه السلام منقولست گفت که مرو در حمام
مگر وقتی که در اندرون تو چیزی باشد که بنشاند حرارت معده را و این
قوت میدهد بدن را و حمام مرو وقتی که طعام خورده باشی و روایتست از
ابی عبدالله علیه السلام که گفت که باکی نیست قرآن خواندن در حمام
وقتی که از برای خدا باشد و قصد نکرده باشد که ببیند که آواز او چگونه است
و روایتست از ابی یعقوب که گفت که پرسیدم از ابی عبدالله علیه السلام
که آیا اگر برهنه شود مرد و آب بر بدن و عورت او مردمان ببینند یا آن
بر رو بریزد و عورت مردمان ببیند تصوری ندارد گفت حضرت امام
علیه السلام که بدن من مکروه میدانست این الائمه کس و گفت امام جعفر
صادق علیه السلام که باید که بر پشت نخوابد یکی از شما در حمام زیرا که
پشت خوابیدن در حمام میگدازد پیه گرده را و روایتست که گفته
بعضی مردمان که بیرون آمد امام جعفر صادق علیه السلام از حمام و جامه
پوشید و عمامه بر سر نهاد و گفت که ترک نکردم عمامه بر سر نهادن بعد از
بیرون آمدن از حمام در زمستان و تابستان و گفت موسی بن جعفر علیهما السلام

که حمام رفتن یک روز در میان بسیار میکند گوشت بدن را و هر روز
حمام رفتن میگدازد پیه گرده را و گفت عبد الرحمن بن مسلم که در
حمام در خانه نشسته بودم پس آمد ابو الحسن موسی بن جعفر علیهما السلام
لنگی بسته بود بر بالای نوره پس گفت السلام علیکم و من جواب سلام
گفتم و رفتم در خانه که در حوض بود و غسل کردم و پس بیرون رفتم و روایتست
از امام رضا علیه السلام که گفت که باکی نیست و اگر نشوید هم باکی نیست
و روایتست که امام حسین بن علی علیهما السلام از حمام بیرون آمد گفت مر او را
مردی که طاب استحمامک یعنی خوش باد ترا گرمابه شستن تو حضرت امام حسین
علیه السلام گفت که ای مرد چکار داری با است اینجا پس آن مرد گفت
طاب حمامک یعنی خوش باد حمام تو امام حسین علیه السلام گفت که وقتی که
حمام خوش باشد پس چه پسندد راحت بدن آن مرد گفت طاب حمیمک امام
حسین علیه السلام گفت که وای بر تو نمیدانی که حمیم عرق است میگوید
آن مرد گفت که یا امام چه بگویم امام حسین علیه السلام گفت بگو طاب ما طهر
منک و طهر ما طاب منک یعنی خوش باد آنچه پاک شد از تو و گفت امام جعفر صادق

علیه السلام که چون بیرون آمده باشی از حمام و بگوید کسی ترا برادر مومن تو که طاب
حمامک یعنی خوش باد حمام تو پس بگو من او را که انعم الله بالک یعنی خوش
حال کرداند خدای تعالی ترا دل رسول خدا صلی الله علیه و آله که درد سه است
دوا سه ماده و خون صفرا و بلغم است و دوای خون حجامت است و دوای
جعفر صادق علیه السلام که سه چیز فربه میسازد بدن آدمی را و سه
چیز است که لاغر میسازد اما آنچیزهائی که فربه میسازد مداومت حمام
و بوئیدن بوی خوش و پوشیدن جامه نرم اما آنچیزهائی که لاغر میسازد
مداومت تخم مرغ است و ماهی و هر روز بحمام رفتن و در بستی که اگر کسی
هر روز بحمام رود کم میشود گوشت بدن او و در حدیث است از
امام محمد باقر علیه السلام که گفت که آب حمام پاکی نیست یا و یعنی نجس
نیست که او را ماده بوده باشد که گر باشد یا زیاده و مراد از آب حمام
آن آبی است که در حوضهای خورد نیست که کمتر از کر باشد و گفت
داود بن سرحان که گفتم ابی عبدالله را علیه السلام که چه میگوئی
در آب حمام آنحضرت گفت که آن مثل آب روانست و مراد حضرت امام

علیه السلام

علیه السلام آن آب ها نیست که او را ماده بوده باشد که گر باشد یا زیاده
و گفت محمد بن مسلم که گفتم ابی عبدالله را علیه السلام که غسل میکنم جنب
و غیر جنب در حمام غسل بکنم در آب و ابی عبدالله علیه السلام گفت غسل بکن
در آب آن پاکی نیست که غسل کند جنب از آب حمام پس غسل کردم در آب
حمام و بعد از آن شستم پاهای خود را بجهت آنکه گل چسپیده بود بر پاهای
من نه بجهت چیزی دیگر و در حدیث از زراره که گفت که دیدم امام محمد باقر را
علیه السلام که بیرون آمد از حمام و رفت همچنانکه بود و پای خود را شست
و نماز کرد و در حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که نشوئید
پاهای خود را بعد از آنکه از حمام بیرون آمدید بدرستی که شستن پا
بعد از حمام بیرون آمدن می برد درد نیم سر را و هرگاه بیرون آمدید از حمام
عمامه بر سر بنهید و در حدیث از محمد بن موسی که گفت که امام محمد باقر
و امام جعفر صادق علیهم السلام وقتی که بیرون می آمدند از حمام عمامه بر
سر می نهادند در زمستان و تابستان در وقت بیرون آمدن از حمام
اما نیست از ... و در حدیث که چون بدر آید کسی بحمام و حرارت [illegible]

[illegible]

کند باید که آب خنک بر خود بریزد تا حرارت او تسکین یابد منقولست
از کتاب طب الائمه که روایتست از ابی الحسن علیه السلام که گفت که بگیرید ناخن
خود را روز سه شنبه و روز چهارشنبه و حجامت کنید و بحمام روید پنجشنبه و
و بهترین بویها خوش بکار برید در روز جمعه منقولست از کتاب خصال
که گفت که ابی الحسن علیه السلام که بگیرید ناخنهای خود را روز سه شنبه و بحمام
روید روز چهارشنبه و حجامت کنید روز پنجشنبه و بهترین بویهای خوش
بکار برید روز جمعه منقولست از کتاب لباس که گفت سعدان بن مسلم که آمد نزد
ما امیر المومنین علی علیه السلام و ما در حمام بودیم آنحضرت سلام کرد پس بر
خاستیم و غسل کردم و بیرون رفتم روایتست از حنان بن سدیر از پدر
خود که گفت که در آمدم من و پدرم و جدم و عمم من در حمام مدینه مردی در
جامه کن حمام بود گفت که شما از کدام قومید گفتیم ما از اهل عراقیم گفت
از کدام شهر عراقید گفتیم از اهل کوفه ایم گفت که خوش آمدید ای اهل کوفه
شما لنگ نمی بندید در حمام و چه چیز است که منع میکند شما را از لنگ بستن
بدرستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت که دیدن عورت مسلمان بر

مسلمان حرامست

مسلمان حرامست پس عمم من پارچه که با من بود پاره کرده و هر کدام از ما یک
پاره در کمر بستیم و لنگی کردیم چون بیرون آمدیم از حمام پرسیدیم که آن
مرد که بود گفتند علی بن الحسین بود علیهما السلام و پسر او محمد با ایشان
علیه السلام با او بود منقولست در پوشیدن عورت منقولست
از کتاب من لا یحضره الفقیه که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که کسی که ایمان
دارد بخدای تعالی و بروز قیامت باید که در نیاید در حمام مگر آنکه لنگ بسته باشد
روایتست که منع کرد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله از در آمدن در آب
مگر با لنگ و گفت بدرستی که در حمام تماشاچیها ساکنند روایتست که روایت کرده
از ابی عبدالله علیه السلام از پدران علیهم السلام و ایشان روایت
کرده اند که گفت امیر المومنین علی علیه السلام که وقتی که برهنه شوید شما نظر میکند
شیطان در شما و طمع میکند در شما که بپوشانید خود را روایتست از ابی
علیه السلام که گفت که منع کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله از در آمدن
مردان در حمام بی لنگ روایتست از امام محمد باقر علیه السلام که نقل کرده
... علیه السلام که کسی گفت با امیر المومنین علی علیه السلام که سعدان

میکنند

عبد الملک در حمام آید با کنیزان خود امیر المؤمنین صلوات الله علیه گفت که
باکی نیست وقتی که او و کنیزان پیش باشند و برهنه نباشند چه
که بعضی نظر میکنند بر عورت بعضی روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که مکروه است نظر کردن بر عورت مسلمان اما نظر کردن بعورت
کسی که مسلمان نباشد مانند نظر کردن است بر عورت دراز گوش
روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که باید که کسی نظر نکند
بعورت برادر مؤمن در حمام و اگر مخالف او باشد در مذهب باکی نیست
روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که ران از جمله عورت
نیست روایت است که ابی بصیر گفتم ابی عبد الله علیه السلام که آیا
غسل بکنند مرد برهنه حضرت امام علیه السلام گفت وقتی که او را هیچ کسی
نه بیند باکی نیست منقول است از کتاب تهذیب الاحکام که گفت حذیفه
بن منصور که گفتم ابی عبد الله علیه السلام که مردمان میگویند که عورت
مؤمن بر مؤمن حرام است حضرت امام علیه السلام گفت که چنین نیست
که مردمان بران رفته اند و گمان برده اند و مراد بعورت مؤمن است

که سری یا لغزشی از مؤمن واقع شود یا سخنی بگویند که عیب کنند او را یا کسی آنچه را
یا آن سخن را حفظ کند بجهت آنکه آن مؤمن را سرزنش کند روزی روایت است
از عبد الله بن سنان که گفت که ابی عبد الله را علیه السلام از این
حدیث که عورت مؤمن بر مؤمن حرام است گفت ابی عبد الله علیه السلام
که آیا چنین گفت که مراد من بعورت مؤمن پس و پیش او است حضرت
امام علیه السلام گفت که چنین نیست که تو گمان برده بلکه فاش
کردن سر مؤمن بر مؤمن حرام است روایت کرده است زید شحام که
گفت که ابی عبد الله علیه السلام که مراد از این حدیث که عورت مؤمن
بر مؤمن حرام است این نیست که برهنه کند خود را و عورت او دیده
شود بلکه مراد این است که خوار داری مؤمن را یا عیب کنی او را فصل
سیم در مالیدن خشت پخته و روغن زیتون و آرد و غیر اینها در بدن
منقول است از کتاب من لا یحضره الفقیه که گفت امیر المؤمنین علیه السلام
که باید که بر پشت نخوابید شما در حمام بدرستی که بر پشت خوابیدن میگدازد
پیه گرده را و باید که نمالد خشت پخته را بپای خود بجهت آنکه جذام

می آورد و گفت امام جعفر صادق علیه السلام کسی که حمال خشت پخته را
در بدن خود بجهت نکه برص می آورد و حمال نوطه را که لنک کرده بر رو
خود زیرا که گرد صفا و طراوت روی را ببرد و آمده است که گل مصر و خشت پخته
شام است که برص و جذام می آورد و گفت امام جعفر صادق علیه السلام
حذر کنید از خشت پخته بر بدن مالیدن زیرا که بدن را کهنه و بی طراوت
میکند و برشما باد که سبوس بر بدن بمالید و روایت از امام رضا علیه السلام که
گفت که باکی نیست که بمالد کسی در حمام تخمان و آرد و سبوس را در بدن خود
و باکی نیست که بمالد در بدن خود آرد که تر کرده باشند از برای روغن زیتون
و اسراف نیست در آن چیزی که نفع میدهد به بدن را اسراف آنست که کسی
مال خود را تلف کند و ضرر رسد بر بدن او و گفت که امام جعفر صادق علیه السلام
که باکی نیست که بمالد کسی خلوق را بر بدن خود در حمام و بر دست خود بجهت
شکافی که خلوق او را دوا میکند و خلوق نوعی است از بوی خوش و سنت
نیست بکار بردن خلوق دایم و همچنین سنت نیست که خلوق را بخود
بمالند که اثر او برانگشت ظاهر باشد منقولست از کتاب لباس که گفت علیه السلام

ابی الحسن

ارش

خود

و نشان مردی که نوره مالیده بود در حمام و روغن زیتون و آرد مالید بر
بدن خود بعد از نوره که باکی نیست و گفت ابی السفاتج از بعضی اصحاب
خود که پرسیدند از ابی عبد الله علیه السلام که ما در راه مکه بودیم و اراده احرام
کردیم و سبوسی نبودیم فاما که بعد از نوره در بدن بمالیم پس آرد بمالیدیم در بدن
پس پرسیدم ما بجهت این آرد مالیدن چیزی که خدا با آن خدا نا تر است گفت
ابی عبد الله علیه السلام که آن چیز اسراف بود گفتم بلی آنحضرت
گفت که اسراف نیست در چیزی که اصلاح بدن میکنند بسیار است که امر میکنم
کاردو حیته را تر کنند بروغن زیتون و می مالم بر بدن خود اسراف آنست
که مال تلف شود و ضرر بر بدن برسد گفتم که تنگی و معیشت کدام است
گفت که خوردن نان و نمک و حال آنکه تو قادر باشی بر غیر آن گفتم که میانه
روی در معیشت کدام است گفت که خوردن نان با گوشت یا با شیر
یا با روغن زیتون یا با روغن یعنی هر بار یکی از اینها را با نان بخورد روایت
که گفتند نزد ابی الحسن علیه السلام که مردی نوره مالیده بود و آرد را که
کرده بود و می مالید در بدن خود بعد از نوره تا بوی نوره ببرد گفت که

ابی الحسن علیه السلام که باکی نیست این کار کردن فصل چهارم در
تراشیدن موی سر و زهار و زیر بغل منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه
که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله مر وی را که تراش سر خود را که زیاد
می شود جمال تو و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که سر تراشیدن در
غیر حج عقوبت است دشمنان شما را و جمال و زینت است شما را پس
گفت امام علیه السلام که بیرون میروند دشمنان از دین چنانکه بیرون
میرود تیر از کمان و علامت ایشان آنست که سر می تراشند و ریش
نمی مالند منقولست از کتاب نوادر الحکمه که امام جعفر صادق علیه السلام
که روایت کرده است از پدران خود علیهم السلام و ایشان روایت کرده‌اند
از امیر المؤمنین علی علیه السلام که منع فرمود تراشیدن سر طفلان را باین طریق که
بعضی از سر ایشان را بتراشند و بعضی را بگذارند و روایتست از کتاب
تهذیب الاحکام که گفت ابی عبد الله علیه السلام که نزد حضرت پیغمبر صلعم
طفلی آوردند که آنحضرت دعا کند از برای آن طفل و موی دو قسمت بود که نتراشیده بودند
سر آن طفل را آنحضرت فرمودند که تراشیدند سر آن طفل را و روایتست که امر کرد رسول خدا

صلی الله علیه و آله بتراشیدن موی شکم و روایتست از امام محمد باقر
علیه السلام که گفت که ختنه کرد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله حضرت امام
حسن و حضرت امام حسین را علیهما السلام در روز هفتم از ولادت ایشان
و سر ایشان را تراشید در همان روز و نقره تصدق کرد بوزن موی سر
پسران ایشان و عقیقه کرد از برای ایشان در همان روز و بدایه داد
ران گوسفند را روایتست که چون کسی خواهد که سر خود را بتراشد باید که
ابتدا کند از پیشانی و بگوید که بسم الله و بالله و علی الله و علی ملة رسول الله
صلی الله علیه و آله اللهم اعطنی بکل شعرة نورا یوم القیمة و چون فارغ شود از
سر تراشیدن باید که بگوید اللهم زینی و بالتقوی و جنبنی الردی منقولست
که امام جعفر صادق علیه السلام گفت که در هفته سر می باید تراشید و هر دو
هفته نوره می باید کرد و منقولست از کتاب لباس که گفت که امام رضا علیه السلام
که ده چیز است که هر کس که بجا آورد فایدت آنرا ترک نمیکند گرفتن موی زنخدان
زنان و بالا گرفتن دامن جامه روایتست از امام رضا علیه السلام
که گفت که سه چیز از سنتهای پیغمبرانست بوی خوش بکار بردن

وگرفتن موی وبسیار حمام کردن روایت کرده است عمرو بن عثمان
از کسی که خبر داد باو که گفتیم ما با امام رضا علیه السلام که مردمان گمان میبرند
که موی تراشیدن در غیر منی عیب است حضرت امام علیه السلام گفت
که سبحان الله پدر من وقتی باز گشت از حج ورسید بعضی از املاک خود
کرد بیرون مدینه بود در نیامد بمدینه تا آنکه سر خود را تراشید روایت
که پرسیدند امام جعفر صادق را علیه السلام از گذاشتن موی سر که دراز
شود آنحضرت گفت که اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وآله تراشیدند
موی سر را و نمی گذاشتند که دراز شود روایت از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت که گرفتن موی از چیزی نیکو میگرداند روی او را روایت
از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که گفت که گفت که آنکسی که ایمان دارد بخدای
تعالی و بر روز قیامت باید که موی زهار را نگذارد زیاده از چهل روز و حلال
نیست زنی را که ایمان داشته باشد بخدای تعالی و بر روز قیامت
که بگذارد موی زهار را زیاده از بیست روز روایت از امام جعفر
صادق علیه السلام که گفت که آنکسی که ایمان دارد بخدای تعالی و بر

روز قیامت باید که نگذارد موی زهار را زیاده از هفت روز و ترک کند
نوره کردن را بیشتر از یک ماه و آنکسی که ترک کند بیشتر از یک ماه نماز
او درست نیست و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که باید که تراشند
مردان موی شکم را و گفته اند از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
خدای تبارک وتعالی مر ابراهیم را علیه السلام که پاکی نمای حضرت ابراهیم
علیه السلام موی زهار را تراشید روایت که حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام نوره می مالید زیر بغل خود را در حمام و میگفت که کندن موی
زیر بغل ضعیف ولی قوت می سازد کتفها را و سست و ضعیف میکند
چشم را و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که تراشیدن زیر
بغل فاضلتر و بهتر است از کندن او و نوره مالیدن فاضلتر است
از تراشیدن روایت کرده است از زراره از امام جعفر صادق هم
که گفت که کندن موی زیر بغل فاضلتر است از تراشیدن آن و
نوره کردن از هر دو فاضلتر است و گفت امیر المومنین علی
علیه السلام که کندن موی زیر بغل می برد بوی بد را و پاک

کننده است و از جمله پستهاست که امر کرده بآنحضرت پیغمبر صلی الله علیه
و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که باید که نگذارید شما موی زیر بغل را که
دراز شود چه پستی که شیطان در آنجا پنهان می شود و باکی نیست که جنب
نوره کند زیرا که نوره زیاده میکند پاکی را روایتست از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت که میان نوح و ابراهیم علیهما السلام هزار سال
بود و شریعت ابراهیم علیه السلام توحید و اخلاص بود و شریک نگردانند
بخدای تعالی هیچ چیز را و مردمان مخلوق شده اند بر شریعت ابراهیم
علیه السلام و شریعت او دین اسلام است و عهد گرفت خدای تعالی
بر ابراهیم که پرستش نکند غیر او را و شریک نگرداند با او هیچ چیز را و امر
کرد او را بنماز و امر معروف و نهی منکر و حکم نکرد بر او احکام فرض میراث
و زیاده کرد در دین او ختنه کردن و شارب گرفتن و موی زیر بغل کندن
و ناخن گرفتن و تراشیدن زهار را و امر کرد او را به بنای خانه کعبه
و حج و مناسک حج و اینها همه که مذکور شد شریعت حضرت ابراهیم است
علیه السلام و روایتست از امام جعفر صادق که خدای عز و جل گفت

مر ابراهیم را

مر ابراهیم را علیه السلام که پاکی نمای آنحضرت شارب خود را گرفت باز
باز خدای تبارک و تعالی امر کرد بپاکی آنحضرت کندن موی زیر بغل را باز
امر کرد بپاکی آنحضرت ناخن گرفت باز امر کرد بپاکی آنحضرت تراشید
زهار را باز امر کرد بپاکی آنحضرت ختنه کرد فصل پنجم در شستن سر بخطمی
و سدر منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه که گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که شستن سر بخطمی می برد درویشی را و زیاده میکند روزی را
و در روایتی دیگر آمده است که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که شستن سر
بخطمی تعویذ است و گفت امیر المومنین علی علیه السلام که شستن سر
بخطمی می برد چرک را روایتست که رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی بسیار
غمناک بود جبرئیل علیه السلام بآنحضرت گفت که بشوید سر خود را بسدر
و آن سدر که آنحضرت سر خود را بآن شست آن سدرة المنتهی بود و گفت
امام جعفر صادق علیه السلام که بشوید سرهای خود را ببرگ سدر بدرستی
که پاکی یاد کرده است سدر را هر فرشته مقربی و پیغمبر مرسلی و کسی
که بشوید سر خود را ببرگ سدر دور میگرداند خدای تعالی از او وسوسه

شیطان ممنا در روز گناه نمی کند و انکسی کہ گناه نکند بهشت میرود روایت
از امام جعفر صادق در تهذیب الاحکام که انکسی که بگیرد شارب و ناخن
خود را و بشوید سر خود را بخطمی در روز جمعه حکم آن دارد که بنده آزاد
کرده باشد منقولست از طب الائمه که امیر المومنین علی علیه السلام
گفت در وصیتی که کرده است اصحاب خود را که شستن سر بخطمی می
جرک او برطرف میکند شپش را روایت از جابر جعفی که گفت که شکایت
کردم نزد ابی جعفر علیه السلام از چرکی که در سر من بود آنحضرت گفت
که بکوب سدر را و بگیر آب آنرا و نیک بتابان آنرا بسر که خوب بی
آنقدر که میخواهی و بشوی بآن سر و محاسن خود را بهر قوتی که ترا
هست و بعد از آن بمال بر سر و محاسن خود روغن شیره تازه
را بدرستی که چون چنین کنی خلاص میشوی از چرک انشاء الله تعالی
فصل ششم در نوره مالیدن و منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه
که گفت جعفر صادق علیه السلام که انکسی که خواهد که نوره کند باید که
بگیرد اندک نوره و بر سر بینی خود بمالد و بگوید که اللهم ارحم سلیمن

بن داود علیهما السلام کما امر بالنوره بدرستی چون چنین کند نوره
نسوزاند بدن او را انشاء الله تعالی روایت که انکسی که بنشیند
در حالتی که نوره مالیده باشد در بدن خود فتق آبرو و منقولست
از کتاب محاسن که گفت حکم بن عیینه که دیدم امام جعفر صادق ع
که حنا بر ناخنهای خود می مالید گفت که یا حکم چه میگوئی در حق این گفتم
چه توانم گفت و حال آنکه تو میگوئی این کار را و نزد ما جوانان این کار
میکنند پس گفت ای حکم هرگاه نوره بناخنها رسید تغییر میدهد
ناخنها را حنا که می ماند بناخنهای مرده پس باکی نیست تغییر دادن
ناخنها بحنا و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که انکسی که نوره بنهد
و بعد از نوره حنا بمالد بر بدن خود ایمن میکرداند خدای تعالی او را از
سه چیز جذام و برص و خوره باد تا نوره کردن و حنا مالیدن دیگر و گفت
امیر المومنین علی علیه السلام که چه اوار است که بر هنه از نوره
کردن در روز چهارشنبه بدرستی شنبه روز نحس است و قصوری دارد
نوره کردن در باقی ایام روایت که نوره کردن در روز جمعه برص

یکی

نوره کند در روز جمعه و برص پیدا کند باید که ملامت نکند مگر خود را و
امام جعفر صادق علیه السلام که حنا مالیدن بعد از نوره امانست از جذام
و برص و منقولست از کتاب روضه که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
که پنج چیز است که برص می آورد نوره کردن در روز جمعه و روز چهار
شنبه و وضو ساختن و غسل کردن بآبی که در آفتاب گرم شده باشد
و چیز خوردن در وقتی که جنب باشد و جماع کردن با زن در حال
حیض و چیزی خوردن در حال سیری و روایتست از امام رضا
علیه السلام که گفت که دور کنید موی را از خود بدرستی که مو نجس است
و مراد مبالغه است در پاکی منقولست از کتاب محاسن که روایت
کرد کسی که نوره کند و بعد از نوره حنا بمالد از سر تا قدم خود برطرف میکند
خدای تعالی از وی درویشی را و منقولست که امام جعفر صادق علیه السلام
نوره میکرد در حمام چون بزهار خود میرسید میگفت آنکسی را که نوره کرد
مالید دور شو و می مالید روایتست که امام جعفر صادق علیه السلام
بحمام در می آمد و نوره می مالید زیر بغل را و پس اگر مو میداشت

وگفته‌اند که گاهی بعضی خدمتکاران امام جعفر صادق علیه السلام
تمام بدن آنحضرت را نوره می مالیدند و گفت از قطعه که آمدم نزد امام
جعفر صادق علیه السلام بجهت حاجت پس یافتم آنحضرت را در
حمام که نوره مالیده گفتم خود با آنحضرت پس گفت که تو نوره نمی کنی
گفتم کردی روز نوره کرده‌ام گفت که نوره کن که نوره پاک کننده است
روایتست روایتست که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که امیر المؤمنین
علی صلوات الله علیه وقتی نوره می مالید زهار را خود نوره می مالید
روایتست از لیس المرادی که گفت که پرسیدم از امام جعفر صادق علیه السلام
از نوره کردن جنب گفت باکی نیست روایتست از امام رضا علیه السلام
که گفت که چهار چیز از اخلاق پیغمبرانست بوی خوش بکار بردن و برداشتن
موی و نوره کردن و بسیار جماع کردن باب چهارم در گرفتن
شارب و ناخن و محاسن و پیشانه کردن و فرو گذاشتن موی و نظر
در آئینه کردن و حجامت کردن درین باب چهار فصل است فصل اول
در ناخن گرفتن روایتست از کتاب لباس که روایت کرده است

وکره ساختن

سلیمن بن خالد که گفتم ابی عبد الله را علیه السلام که آیا هر روز جمعه ناخن
خود را بگیرم گفت بگیر اگر چه از شده باشد روایت از موسی بن بکر
گفتم ابی الحسن را علیه السلام که اصحاب ما میگویند که می باید گرفتن شارب
در جمعه ابی الحسن علیه السلام گفت که سبحان الله بگیر اگر میخواهی در
روز جمعه و اگر میخواهی باقی روزها روایت از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که گرفتن ناخن و شارب و شستن سر بخطمی می برد درویشی او را و زیاد
میکند روزی را روایت کرده است ابی عبد الله علیه السلام از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت کسی که بگیرد ناخنهای خود را در روز جمعه
بیرون کند خدای تعالی از سرهای انگشتان او درد را و داخل کرداند
شفا را و روایت از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که گرفتن
ناخن و شارب از جمعه تا جمعه امانیست از جذام و در روایت از عبد الله
علیه السلام از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که کسی که بگیرد ناخنهای
خود را در روز جمعه نمی ترقد انگشتان او و در روایت از ابی عبد الله
علیه السلام که گفت که بگیر ناخن و شارب خود را در هر روز جمعه و هر گاه

وناخن را

ناخن

ناخن کوتاه باشد بخراشد او را ابدا پس که نرسد بتو جذام و برص و جنون
از کتاب محاسن که گفت که حسین بن العلا که گفتم ابی عبد الله
علیه السلام که چیست ثواب آن کسی که بگیرد شارب و ناخنهای خود را
در هر روز جمعه آنحضرت گفت که همیشه پاک باشد تا روز جمعه دیگر روایت
کرده است ابی کهمس از مردی که گفت که گفتم عبد الله بن الحسن گفت که
بگو اللهم تول امری ولا تولہ غیرک آن مرد گفت که خبر دادم این را اباعبد الله
علیه السلام حضرت امام علیه السلام گفت آیا تعلیم کنم ترا بجهت طلب
روزی که فایده این بیشتر باشد گفتم بلی گفت که بگیر شارب
و ناخنهای خود را در هر روز جمعه روایت از ابی خلف که گفت که دید مرا
ابو الحسن علیه السلام و من درد چشم داشتم پس گفت آیا دلالت کنم ترا
بر چیزی که هر گاه که بکنی آنرا چشم تو درد نکند گفتم بلی گفت بگیر ناخنهای خود را
هر روز پنجشنبه گفت چنین کردم چشم من دیگر درد نکرد و روایت از ابی عبد الله
علیه السلام که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر کسی که بگیرد
ناخن خود را روز شنبه و روز پنجشنبه عافیت یابد از درد دندان و درد چشم

روایتست از ابی جعفر علیه السلام که گفت که هر که بگیرد ناخن و شارب
خود را هر روز جمعه و بگوید در محل گرفتن بسم الله و بالله و علی سنة محمد
و آل محمد نیفتد از و ناخنی و موئی مگر آنکه بنویسد خدای تعالی از برای
او بعدد هر یک ثواب آزادی بندهٔ و بیمار نشود مگر بیماری که در آن
بمیرد و روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که مردان را که بگیرید
ناخنهای خود را و گفت زنان را که بگذارید ناخنهای خود را بدرستی که
ناخن زینت میدهد شما را و منقولست از طب الائمه که ابی عبد الله علیه السلام
گفت که هر کسی که بگیرد ناخنهای خود را در روز چهارشنبه و ابتدا کند بانگشت
خورد دست راست و ختم کند بانگشت خورد دست چپ ایمن شود از درد
چشم و روایتست از امام محمد باقر علیه السلام که هر کسی که بگیرد ناخنهای
خود را در روز جمعه باید ابتدا کند بانگشت دست چپ و ختم کند بانگشت
خورد دست راست و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که هر کسی که بگیرد
ناخنهای خود را در روز پنجشنبه و یک ناخن را بگذارد که روز جمعه بگیرد
دور گرداند خدای تعالی از و درویشی را و منقولست از روضة الاخبار که

گفت رسول

گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که هر کسی که میخواهد که امان یابد از درویشی
و درد چشم و برص و دیوانگی باید که بگیرد ناخنهای خود را در روز پنجشنبه
بعد از عصر و ابتدا کند بانگشت خورد دست چپ و منقولست از کتاب
محاسن که امام جعفر صادق علیه السلام گفت که وحی نیامد بحضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله چند وقت کسی گفت بآنحضرت که وحی بر طرف شد
از تو یا رسول الله آنحضرت گفت که چگونه بر طرف نشود وحی از من و حال آنکه
شما ناخن نمیگیرید و بوی بد را از خود بر طرف نمیکنید و گفت امام محمد باقر
علیه السلام که گرفتن ناخنها بجهت اینست که ناخنهای خوابگاه شیطانست
و دوری ناخن فراموشی آورد و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
بمردان که بگیرید ناخنهای خود را و بزنان گفت که بگذارید ناخنهای خود را
بدرستی که ناخن زینت دهنده است شما را و گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که چون کسی موی و ناخن خود را بگیرد باید که دفن کند و این سنت است
و منقولست از کتاب محاسن که این سنتی است واجب یعنی سنت
موکد است و روایتست که از جمله سنتهاست دفن کردن موی

وناخن وخون روایتست که رسیدند ابی الحسن سیم را علیه السلام
از حال مردی که بگیرد موی وناخنهای خود را وبر چیند و بیندازد بی آنکه بپوشاند
موی ناخن را از جامه خود حضرت امام علیه السلام گفت که باکی نیست
و در روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که آنکسی که بگیرد ناخنها
وشارب خود را در روز جمعه وبگوید که بسم الله وعلی سنة محمد وآل محمد
بریده اورا خدای تعالی بعدد هر ناخنی که بچیند اورا ثواب آزادی بنده از
فرزندان اسماعیل علیه السلام روایتست که علی بن الحسین علیهما السلام
چون می تراشید سر خود را در منا میفرمود دفن کنند آن مو را
فصل دوم در بیان گرفتن شارب و گرد ساختن محاسن و نظر کردن
در موی سفید وغیر آن در بیان گرفتن شارب منقولست از کتاب
من لا یحضره الفقیه که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که گرفتن شارب
از جمعه تا جمعه امانست از جذام و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
که باید که نگذارید که شارب شما دراز شود بدرستی که شیطان پنهان
می شود در آن و نیز گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که آنکسی که نگیرد

شارب

شارب خود را از ما نیست و نیز گفت حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه وآله
بگیرید شارب خود را و بگذارید محاسن خود را و موافقت مکنید با
یهودان و نیز گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله که مجوس میگیرند
محاسن خود را و میگذارند شارب خود را و ما میگیریم شارب را
و میگذاریم محاسن را و همچنین می باید وقتی که بگیرد کسی شارب خود را
می باید که بگوید که بسم الله وبالله وعلی ملة رسول الله صلی الله علیه وآله
منقولست از کتاب محاسن که گفت که امام جعفر صادق که گرفتن شارب
سنت است روایتست از سکونی که رسول خدا صلی الله علیه وآله
گفت که از جمله سنتها آنست که بگیرد شارب را تا آنکه برسد بکناره
لب روایتست که عبد الله عثمان دیده است ابی عبد الله را علیه السلام
که گرفته شارب خود را تا آنجا که شارب میروید فصل سیم در بیان
محاسن گرفتن و گرد ساختن آن روایتست که نظر کرد حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله بمردی محاسن درازی پس گفت که چه ضرر است
این کاشکی محاسن خود را اصلاح کند این سخن رسید بآن مرد وان

مرد اصلاح کرد محاسن خود را الطریق بطریقی که نه دراز بود و نه کوتاه پس آمد
بنزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و آنحضرت چون دید آن مرد را باین
گفت که همچنین اصلاح کنید محاسن خود را روایتست از محمد بن مسلم
گفت دیدم امام محمد باقر را علیه السلام که میگرفت از محاسن خود
وگفت با کسی که اصلاح میکرد محاسن آنحضرت که گرد ساز محاسن مرا
وگفت امام جعفر صادق علیه السلام شخصی که بگیرد بدست خود محاسن
خود را و ببرد آنچه زیاده است از یک مشت و منقولست از کتاب
محاسن که گفت علی بن جعفر که پرسیدم برادر خود را از حال مردی
که میگرفت از محاسن خود گفت اگر بگیرد از عارض خود باکی نیست
اما باید که از پیش محاسن نگیرد و روایتست از سدیر الصیرفی که گفت
که دیدم ابی جعفر را علیه السلام که میگرفت موی عارض خود را و روایتست
از حسن زیاد که گفت که دیدم ابی جعفر را علیه السلام که سبک می ساخت
محاسن خود را و روایتست از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که آنچه
که زیاده باشد محاسن او از یک قبضه جای آن در دوزخ است روایتست

از ابی عبدالله

از ابی عبدالله علیه السلام که سعادت مرد بود در سبک بودن محاسن
اوست وگفت امام جعفر صادق علیه السلام که آزموده می شود عقل مرد
در سه چیز در درازی محاسن و در نقش انگشتری و در کنیت روایت
کرده است ابو ایوب از محمد که گفت که دیدم که سرتراش اصلاح میکرد
محاسن ابی جعفر را علیه السلام و آنحضرت میگفت که گرد ساز محاسن
مرا و بیان سفیدی موی منقولست از کتاب لباس که گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله که سفیدی موی پیش سر مبارک و نجیبت سگی است
و سفیدی در موی عارض دلیل سخاوت است و در گیسوها شجاعت
و در پس سر شوم است روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام
گفت که آمد مردی نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله آنحضرت سفیدی
در محاسن آن مرد دید گفت که سفیدی محاسن نور است و آنکسی
که یک موی او سفید شود در اسلام نوری باشد او را در روز قیامت
و گفت امام محمد باقر علیه السلام که حضرت ابراهیم علیه السلام دید
یک صباحی در محاسن خود یک موی سفید پس گفت الحمد لله الذی

بلغنی به المبلغ ولم اعص الله طرفة عین یعنی سپاس و ستایش
مر خدای را که رسانید مرا باین سن و عاصی نشدم خدای تعالی را
یک چشم بر هم زدن روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که
موی مردمان سفید نمی شد پس دید حضرت ابراهیم علیه السلام موی
سفیدی در محاسن خود گفت بارخدایا چه چیز است این حضرت
حق سبحانه و تعالی گفت که این وقار و آهستگی است حضرت ابراهیم
علیه السلام گفت بارخدایا زیاده کن وقار مرا و روایتست از امام
جعفر صادق علیه السلام که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت
که موی سفید نور است پس مکنید او را و منقولست از کتاب محاسن
که ابی عبدالله علیه السلام گفت باکی نیست بریدن موی سفید را که
آمیخته است بموی سیاه و کندن او اما بریدن او دوستر است
نزد من از برکندن او و روایتست از ابی عبدالله علیه السلام که امیر المؤمنین
علیه السلام مکروه نمی داشت بریدن موی سفید را و مکروه میداشت
کندن موی سفید در بیان فروگذاشتن موی و روایتست از ابی عبدالله

علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله منع میکرد از دوبار شانه
کردن در یک روز و هم روایتست از ابی عبدالله علیه السلام که حضرت
رسالت پناهی صلی الله علیه و آله فرو میگذاشت موی خود را و پیشتر
در وقت فروگذاشتن موی در آب نظر میکرد و موی را ترمی ساخت
باب در بیان نظر کردن با آینه منقولست از کتاب نجات
که کسی که خواهد که نظر در آینه کند باید که بگیرد آینه را بدست چپ
و بسم الله بگوید و دست راست خود را در میان نهد و فرو آورد
بر روی و بگیرد محاسن خود را و نظر کند در آینه و بگوید الحمد لله الذی
خلقنی بشرا سویا و زاننی و لم یشننی و فضلنی علی کثیر من خلقه و من
علیّ بالاسلام و رضیته دینا پس هر گاه که بنهد آینه را از دست
خود باید که بگوید که اللهم لا تغیر ما بنا من نعمتک و اجعلنا لانعمک من
الشاکرین و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در وصیت که کرده است
مر امیر المؤمنین علی را علیه السلام که یا علی چون نظر کنی در آینه
بگو که اللهم کما حسنت خلقی فحسن خلقی و رزقی و روایتست از امام

جعفر صادق علیه السلام که گفت که در وقت نظر کردن در آینه این دعا
می باید خواند الحمد لله الذی خلقنی فاحسن صورتی الحمد لله الذی زان منی
ما شان من غیری واکرمنی بالاسلام فصل بیستم در شانه کردن سر
و محاسن منقولست من لا یحضره الفقیه که پرسیدند امام رضا را علیه السلام
از تفسیر قول خدای تعالی که خذوا زینتکم عند کل مسجد آنحضرت گفت که از
جمله زینت نزد هر مسجد شانه کردن است در آن مسجد نزد هر نمازی و معنی
این آیت اینست که ای بنی آدم فرا گیرید و بپوشید نیکوترین و پاکیزه
ترین لباسهای خود را و شانه کنید محاسن خود را نزد هر مسجدی که در آن
نماز میگزارید و گفت امام جعفر صادق علیه السلام در تفسیر قول خدای
تعالی که خذوا زینتکم عند کل مسجد که زینت شانه کردنست بدرستی که شانه
کردن زیاده میکند روزی را و نیکو میکند موی را و بر میآورد
حاجت را و زیاده میکند قوت پشت را و می برد بلغم را و نیز گفت
امام جعفر صادق علیه السلام که شانه کردن سر می برد وبا را و شانه
کردن محاسن محکم میکند دندانها را گفت ابو الحسن موسی بن جعفر

علیهما السلام که چون شانه کنی محاسن و سر را بگیر زان شانه را بر سینه
خود بدرستی که می برد غم و وبا را و گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که کسی که شانه محاسن خود را هفتاد بار و بشمرد نزدیک نشود او را شیطان
چهل روز و منقولست از کتاب روضة الواعظین که رسول خدا صلی الله علیه وآله
شانه میکرد زیر محاسن خود را چهل بار و بالای محاسن را هفت بار و
میگفت که این کار کردن زیاده میکند ذهن را و می برد بلغم را و روایتست
از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که گفت که کسی که بکند شانه را بر سر
و محاسن و سینه خود هفت بار نزدیک نشود او را دردی هرگز و گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که کسی که شانه کند ایستاده قرض
بسیار شود او را و روایتست از امام موسی کاظم علیه السلام که گفت که
شانه کنید بشانه عاج بدرستی که می برد وبا را و عاج استخوان فیل است
و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که شانه کردن می برد تب را و گفت
که باکی نیست که شانهها و پیرهها و روغن دانها از عاج باشد و
روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله

گفت که موی نیکو از پوششهایست که خدای تعالی داده است
پس گرامی دارید او را و هم روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که آنکسی که موی سر بگذارد باید که نیکو نگاه دارد آنرا یا بتراشد
و هم روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که آنکسی که
موی سر بگذارد و دو بخش نکند آن موی را دو بخش کند خدای تعالی
موی او را از آتش و روایت است که موی رسول خدا صلی الله علیه و آله
تا نرمه گوش بود و نمی‌رسید بمرتبه که دو بخش توان کرد و روایت است
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که دور کنید موی را از بدن خود
بدرستی که مو خبیث است و مراد مبالغه است در پاکیزگی و منقول است
از کتاب لباس که ایوب بن هارون گفت که پرسیدم از ابی عبدالله
علیه السلام که آیا حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله دو بخش میکرد موی
سر خود را گفت نه موی سر رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی که دراز
می‌شد تا نرمه گوش می‌رسید و روایت است از عمرو بن ثابت که
امام جعفر صادق که مردمان گمان می‌برند که دو بخش کردن سنت است

ونیست

و نیست چنین گفتم که مردمان گمان می‌برند که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
موی سر خود را دو بخش میکرد حضرت امام علیه السلام گفت که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله موی سر خود را دو بخش نکرد و پیغمبران
دیگر علیهم السلام موی سر خود را نمیگذاشتند و روایت است
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که شانه مکن در حمام بدرستی که
ضعیف میکند موی را و هم روایت است از زید بن مسلم که گفت ابو عبدالله
علیه السلام که شانه کردن می‌برد وبا را و روغن مالیدن می‌برد بدبختی را
و روایت است از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که کشیدن شانه را
بر سینه می‌برد غم را روایت است از عبدالله بن سلیمان که گفت که پرسیدم
ابی عبدالله را علیه السلام از عاج گفت باکی نیست و مرا شانه ایست از عاج
روایت است و لکیه گفت که پرسیدم ابی عبدالله را از شانه و روغندان
که از عاج باشد گفت که باکی نیست روایت است که ابی عبدالله علیه السلام
مکروه میداشت که روغن بمالند از روغندان نقره یا نقره کوفت
و شانه نیز چنین است روایت است از محمد بن عیسی که گفت پرسیدم

از قاسم بن

ابی جعفر علیه السلام از ظرف طلا و نقره حضرت امام علیه السلام
مکروه داشت پس کلیم که روایت کرده اند بعضی از اصحاب ما که بود
مر ابی الحسن علیه السلام آینه نقره پوشی گفت نه بدرستی که بود
آن آینه احلقه نقره و گفت که چون عباس ساخته میکردند ساخته شد
از برای او چوب نقره پوشی مقدار ده درهم پس عباس امر کرد بشکستن
آن و شکسته شد از او روایت از ابی جعفر علیه السلام که گفت که باکی
نیست که بپاشاند کسی از وقیح نقره کوفت وقتی که دور دارد دهن
خود را از موضع نقره روایت از امام جعفر صادق علیه السلام منقول
از کتاب نجات که گفت که وقتی که خواهد یکی از شما شانه کند باید که بگیرد
بدست راست خود و نشسته باشد و نهد شانه را بر میان سر خود و
شانه کند پیش سر را و بگوید اللّهم حَسِّن شَعری و بَشَری و طَیِّبهما و اصرف
عَنّی الوَباء بعد از آن شانه کند پس سر را و بگوید اللّهم لا تَرُدَّنی علی
عَقِبی و اصرف عَنّی کَیدَ الشَّیطانِ و لا تُمَکِّنهُ مِن قِیادی فَیَرُدَّنی علی
عَقِبی بعد از آن شانه کند ابروهای خود را و بگوید اللّهم زَیِّنّی

بزینة الهدی بعد از آن شانه کند موی محاسن را از بالا و بگذراند شانه را
از سینه خود و بگوید در هر دو حال اللهم سرّح عنّی الغموم و الهموم و وحشة الصدور
و وسوسة الشیطان بعد از آن مشغول شود بشانه کردن موی و ابتدا کند
از شیب محاسن و از لسانه فی لیلة القدر بخواند در روایت از یحیی بن حماد
بن سلیمن بن یحیی که گفت که جامه پوشید حضرت امام رضا علیه السلام
روزی از برای آنکه سوار شود و بخانه مامون رود و من در میان خدمتکاران
آنحضرت بودم پس شانه طلبید و شانه میکرد و گفت که ای یحیی هر از
پدر خود صلوات الله علیهم که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که کسی که
بگذراند شانه را بر سر و محاسن و سینه خود هفت بار نزدیک نشود
او را هیچ دردی و منقول است از کتاب طب الائمه که روایت از ابی الحسن
العسکری علیه السلام که گفت که شانه کردن بعاج میرویاند موی سر را
و دور میکند کرم را از دماغ و فرو می نشاند صفرا را و پاک میکند گوشت
بن دندان و گوشتهای میان دندانها را و روایت از ابی الحسن
موسی علیه السلام که گفت که شانه مکن ایستاده که ضعف دل

می آورد و شانه کن نشسته بدرستی که نشسته شانه کردن قوت میدهد
دل او فربه میکند پوست بدن او و روایتست از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت که شانه کردن می برد بلغم را و ابرو شانه کردن
امانیست از جذام و شانه کردن عارض محکم میکند دندانها را روایتست
که پرسیدند از امام جعفر صادق علیه السلام از سر تراشیدن گفت که
نیکوست و روایتست از ابن عباس که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
گفت که شانه کردن سر و محاسن دور میکند درد را از بدن و روایتست
که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که شانه کردن محاسن در عقب
هر وضوئی برد درویشی و روایتست از امیر المومنین علی علیه السلام
که گفت که ایستاده شانه کردن درویشی می آورد و روایتست که گفت
امیر المومنین علی علیه السلام که وقتی که شانه کنی محاسن خود را شانه کن
از شیب ببالا چهل بار و سورهٔ انا انزلناه فی لیلة القدر بخوان و از
بالا بشیب هفت بار و سورهٔ والعادیات بخوان پس بگو اللهم
سرح عنی الهموم والغموم و وحشة الصدور و وسوسة الشیطان

فصل چهارم

فصل چهارم در حجامت کردن منقولست از کتاب طب الائمه که
گفت امام جعفر صادق علیه السلام که بسیاری خون را پنج علامتست
جوشش بدن و خارش بدن و حرکتی که در بدن ظاهر شود که بدان ماند
که جنبنده بر تن میرود و در حدیث دیگر واقع شده که بسیاری خواب
علامت بسیار خونست و روایتست که چون یکی از اهل منزل امام
جعفر صادق علیه السلام بیمار شدی آنحضرت با اهل منزل میگفت
که نظر کنید در روی پس اگر میگفتند که روی او زرد است میگفت که
کار صفراست و میفرمود که آب سیب هندبا دهند و اگر میگفتند که روی سرخ است
میگفت که از خون است و میفرمود که او را حجامت کنند روایت
کرده اند از ائمه معصومین صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین که امیر المومنین
علی علیه السلام گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که حجامت
کنید بدرستی که بسیار باشد که خون غالب شود و آنکس را بکشد و روایت
کرده است انصاری که حضرت امام رضا علیه السلام بسیار بود که خون
غلبه میکرد و پس حجامت میکرد در میان شب روایتست از جعفر بن محمد

علیهما السلام که گفت که اگر خواهد حجامت روزه دار در غیر ماه رمضان
هرگاه خواهد حجامت کند اما در ماه رمضان باید که حجامت نکند مگر انکه
خون غالب شود فاما ما که اهل بیتیم حجامت کردن در ماه رمضان
می باشد و حجامت کردن در روز یکشنبه می باشد و حجامت
کردن دوستان و موالیان ما در روز دوشنبه می باشد و روایتست
از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که حجامت بناشتا می باید کرد
و روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که حجامت مروید در حالت
سیری و حجامت مکنید تا انکه چیزی نخورید بدرستی که حجامت
کردن بعد از چیزی خوردن میکشد خون را از رگها و آسان تر می شود
بیرون آمدن خون و زیادت میکند قوت بدن را و روایتست از
امام موسی کاظم علیه السلام که گفت که حجامت بعد از چیزی خوردن
می باید کرد بجهت انکه چون کسی سیر شود و بعد از ان حجامت کند خون
جمع می شود و درد بیرون میرود و چون حجامت کند پیش از
چیزی خوردن خون بیرون میرود و درد می ماند و روایتست از

زید حجام که گفت که بودم نزد ابی عبد الله علیه السلام که طلبید
حجام را و گفت که بشوی شیشه خود را که بآن حجامت میکنی
و مشغول شو بحجامت کردن و انار طلبید و خورد و چون فارغ شد
از حجامت انار دیگر طلبید و خورد و گفت که انار خوردن بعد از
حجامت تسکین میدهد صفرا را و روایتست از ابی عبد الله علیه السلام
که گفت مردی را از اصحاب خود که چون خواهی که حجامت کنی و بیرون
آید خون از شیشه که بآن حجامت کنی بگو پیش از انکه فارغ شوی
از حجامت کردن در حالتی که خون میرفته باشد بسم الله الرحمن الرحیم
اعوذ بالله الکریم فی حجامتی هذه من العین فی الدم و من کل سوء پس
گفت که چون بخوانی این دعا را خیر بسیار شود ترا و خیر بسیار جمع می با
کرد زیرا که خدای تعالی در کتاب خود میگوید که و لو کنت اعلم الغیب
لاستکثرت من الخیر و ما مسنی السوء یعنی اگر من غیب میدانستم خیر بسیار
جمع میکردم از مال و منفعت و فتح و غنیمت و بدی بمن نمیرسید از فقر
و مرض و رنج و مصیبت و روایتست از ابی بصیر که گفت که ابو جعفر علیه السلام

اگر جبر پیر میخورید شما بعد از حجامت گفتم کاسنی و سپرک گفت که
باکی نیست روایتست که ابی عبد الله علیه السلام حجامت کرد
و گفت کنیز خود را که بیاور از برای من شکر و گفت که شکر بعد از
حجامت باز میگرداند خون تازه را و زیاده میکند قوت را و روایتست
از امام موسی کاظم علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت
هر کس از شما خواهد که حجامت کند باید که روز شنبه حجامت کند و گفت
امام جعفر صادق علیه السلام که حجامت کردن در روز یکشنبه شفاست
از هر دردی و روایتست که امام جعفر صادق علیه السلام گذشت بقومی
که حجامت میکردند پس گفت که چه بود شما را اگر تعجیل کردید در حجامت کردن
کاشکی تاخیر میکردید تا آخر روز یکشنبه بدرستی که حجامت کردن
در آخر روز یکشنبه فرو میکشد درد را از بدن و روایتست از امام جعفر
صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله حجامت میکرد در روز
دوشنبه بعد از عصر و روایتست از ابی سعید خدری که گفت رسول خدا
صلی الله علیه و آله که آنکسی که حجامت کند در روز سه شنبه هفدهم ماه یا

نوزدهم یا بیست و یکم شفا یابد از درد در تمام سال و گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله حجامت کنید روز پنجشنبه دهم و هفدهم و بیست و
یکم تا خون غالب نشود بر شما و بکشد شما را و در حدیثی واقع است که منع
کرد پیغمبر صلی الله علیه و آله از حجامت کردن در روز چهارشنبه وقتی که
آفتاب در برج عقرب باشد و در حدیث کرده است زید بن علی از پدران
خود و ایشان روایت کرده اند از امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه
که حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله فرمود که آنکسی که حجامت
کند در روز چهارشنبه برص پیدا کند باید که ملامت نکند مگر خود را و روایت
کرده است امام جعفر صادق علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که رسول
خدا صلی الله علیه و آله گفت که جبرئیل فرود آمد بر من و گفت که حجامت کن
و گفت که روز چهارشنبه نحس است و هم روایتست از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت که آنکسی که حجامت کند در آخر روز پنجشنبه آخر درد
از بدن او بیرون رود و روایتست از مفضل بن عمر که گفت که رفتم
نزد امام جعفر صادق علیه السلام و آنحضرت حجامت میکرد در روز جمعه

گفت بحجام که آیا آیة الکرسی خواندی و منع کرد از حجامت کردن بعد از
زوال در روز جمعه روایتست از ابی الحسن علیه السلام که ترک مکن
حجامت کردن در روز هفتم از حزیران و حزیران نام ماهی است از
ماههای قدیم پس اگر در روز هفتم میسر نشود باید که حجامت کنی در روز
چهاردهم ازین ماه روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
که آیة الکرسی بخوان هرگاه که خواهی حجامت کن و روایتست از شعیب
عن قوقی که گفت که رفتم نزد ابی الحسن علیه السلام و آنحضرت حجامت
میکرد در روز چهارشنبه پس گفتم که روز چهارشنبه روز نیست که مردمان
میگویند که هرکه درین روز حجامت کند برص پیدا شود حضرت امام علیه السلام
گفت که این حال کسی راست که آبستن شده باشد مادر او باو در حال حیض
و روایتست روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت گاه که
خون غالب شود یکی از شما را باید که حجامت کند زیرا که چون خون غالب شود
میکشد آدمی او هرگاه که یکی از شما خواهد که حجامت کند باید که آخر روز
حجامت کند و منقولست از کتاب فردوس که گفت انس بن مالک که

رسول خدا

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که حجامت کردن بر ناشتا دواست
و بر سیری دردست و در هفتم و نهم ماه شفاست و در روز سه شنبه
صحت بدن است و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که وصیت کرد مرا
جبرئیل علیه السلام بحجامت کردن تا آنکه گمان بردم که ناچار است از
حجامت کردن و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که حجامت در روز
سه شنبه هفدهم ماه دواست درد یکساله را و گفت حضرت پیغمبر صلعم
که حجامت کردن در روز یکشنبه شفاست و نیز گفت حضرت رسالت
پناهی صلی الله علیه و آله که حجامت کردن سر را شفاست از هفت چیز
دیوانگی و جذام و برص و خواب و درد دندان و درد سر و تاریکی چشم
روایتست از انس که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که حجامت می افزاید
عقل و حافظه را و هم روایتست از انس که گفت حضرت رسالت پناهی
صلی الله علیه و آله که حجامت کردن در نقره فراموشی آورد مغاک پس سر
و روایتست از انس که گفت که حجامت کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله
در اخدعین و میان هر دو کتف و پس سر و نام کرد یکی ازین جاها را نافعه

یعنی فایده دهنده و دیگر یا مغیث یعنی بفریاد رسنده و سیم منقذه
یعنی رهاننده از مرض و در غیر این حدیث واقع شده است که آن
که حجامت که در سر است منقذه است و آنچه در مغاک پس سر است
مغیثه است و آنچه در میان دو شانه است نافعه است و در روایت در حجامت
مغیثه از امام جعفر صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله اشارت
کرد بدست بسر خود و گفت که بر شما باد بحجامت مغیثه بدرستی که نفع میدهد
دیوانگی و جذام و برص و خوره و درد دندان را و در روایت از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت که چون طفل بچهار ماهگی برسد حجامت کنید او را
هر ماه در مغاک پس سر او بدرستی که کم میشود لعاب دهن او و فرو می آید
حرارت از سر و بدن او و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که در دست
و دوا سه اما در صفرا و بلغم و خون است و دوای خون حجامت و دوای
صفرا پیاده رفتن و دوای بلغم حمام و در روایت از معاویة بن حکم که
ابو جعفر علیه السلام طبیب طلبید برای او فصد کرد رگی را از کف دست خود
و در روایت از حسن الوشاء که گفت که شکایت کردم نزد ابی عبدالله

علیه السلام از درد جگر آنحضرت طلبید فصادی را و فرمود فصادی را
که فصد کرد از قدم من و گفت ابی عبدالله علیه السلام که بیاشامید
کاشم را بجهت درد تهیگاه و کاشم گیاه است و در روایت که شکایت
کرد مردی نزد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از خارش بدن
گفت حضرت امام علیه السلام که سه بار حجامت کن هر دو پا را میان
ساق و کعب و آن مرد چنین کرد و رفت از او خارش بدن و در روایت
که شکایت کردم نزد امام جعفر صادق علیه السلام از خارش بدن حضرت
امام علیه السلام گفت که حجامت کن پاشنه پاهای خود را سه نوبت
خلاص میشوی انشاء الله تعالی و گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که شکایت کردند بعضی مردمان نزد ابی الحسن علیه السلام از بسیاری
جرب پس ابی الحسن علیه السلام گفت بدرستی که جرب از بخار صفرا است
برو فصد کن از پای راست خود و بگیر دو درهم روغن بادام شیرین و در آن
نمک بریز و بخور و پرهیز از ماهی و سرکه پس آن مرد چنین کرد و خلاص
شد باذن خدای تعالی و در روایت از مفضل بن عمر که گفت که شکایت

کردم نزد ابی عبد الله علیه السلام گفت بآن مرد که آشامیدی دوا را
گفت بلی حضرت امام علیه السلام گفت فصد کردی آن مرد گفت بلی
فصد کردم و فایده نیافتم گفت ابی عبد الله علیه السلام بآن مرد که چپ
کن سه نوبت با پای خود را در میان پی ساق و کعب این چنین کرد و رفت
از وی این تشویش باب پنجم در آداب رنگ کردن و زینت دادن
و انگشتری و آنچه متعلق است بآنها در این باب شش فصل است فصل اول
در ترغیب برنگ کردن و فضل آن و منقولست از کتاب من لا یحضره
الفقیه که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله رنگ کنید محاسن خود را
بدرستی که رنگ کردن جلا میدهد چشم را و میرویاند موی او خوشبو
میکند دهن را و آرمیده میشوند زنان و گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که حنا میبرد بوی ناخوش را از آدمی آید وقت عرق کردن و طراوت
میدهد برو را و خوشبو میکند دهن را و نیکو میکرداند فرزند را و گفت
امیر المؤمنین علی علیه السلام که رنگ کردن سیرت و روش پیغمبر ماست
صلی الله علیه و آله و از جمله سنتهاست و گفت امام جعفر صادق علیه السلام

که باعث زینت رنگ کردن محاسن بهر رنگ که باشد دوم در زینت
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که مردی آمد نزد رسول الله
صلی الله علیه و آله و زرد کرده محاسن خود را حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
گفت بآن مرد که چه نیکوست این رنگ بعد از آن همان شخص نزد حضرت
رسالت پناهی صلی الله علیه و آله و محاسن خود را سیاه کرده بود آنحضرت
خندید و گفت این رنگ از آن هر دو بهتر است و گفت رسول خدا صلعم
امیر المؤمنین علی را علیه السلام که یا علی یک درهم که صرف شود جهت
محاسن رنگ کردن فاضلتر است از هزار درهم که در غیر رنگ صرف شود
در راه خدا و در رنگ کردن چهارده فایده است می برد باد را از گوشها
و جلا میدهد چشم را و ملایم می سازد دماغ را و خوشبو میکند دهن را
و محکم میکند بن دندانها را و می برد مرض را و کم میکند وسوسه شیطان را
و خوشحال میشوند فرشتها بسبب آن و شاد میشوند مومنان و خشمناک
میشوند کافران و رنگ کردن زینت و خوشبوی است و شرم میکنند
از و منکر و نکیر و عذاب نمیکنند او را در قبر و در وقت از شستن ما

که گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله که دوسترین رنگها نزد خدای
تعالی رنگیست که بسیار سیاه باشد منقولست از کتاب لباس
که گفت که وردان مدائنی که رفتم نزد ابی الحسن علیه السلام واو رنگ
میکرد محاسن خودرا گفتم که فدای تو گردم تو رنگ میکنی آنحضرت
گفت بلی در رنگ کردن اجر و ثوابی هست و گفت آیا نمیدانی که خود
زینت زیاده میکند پرهیزکاری زنانرا آیا خوش می آید ترا که نزد اهل
خانهٔ خود روی و ببینی اهل خانهٔ خودرا بی زینت گفتم نه حضرت امام
علیه السلام گفت که خانه را خوش نمی آید که تو زینت باشی و گفت
ابو الحسن دوم علیه السلام که بود حضرت سلیمانرا علیه السلام هزار زن
در قصر سیصد از انجمله کابین داشتند و هفتصد کنیز بود و حضرت سلیمان
علیه السلام در هر شب و روزی پیش همهٔ اینها میرفت فصل دوم در بیان
رنگ سیاه منقولست از کتاب لباس ابو نصر عیاشی که گفت
ابی عبد الله علیه السلام که آمد مرد نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
آنحضرت سفیدی در محاسن آن شخص دید گفت این نورست و انکسی

که در اسلام موی سفید شود آن سفیدی مر اورا نور خواهد بود در روز
قیامت گفت ابی عبد الله علیه السلام که همان شخص رنگ کرد محاسن
خودرا بحنا و بعد از ان آمد بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله چون دید
آنحضرت که آن شخص محاسن خودرا رنگ کرده است گفت که نور و اسلامست
بعد از ان همان شخص محاسن خودرا سیاه کرد آنحضرت گفت که نور
و اسلام و ایمان و دوستی زنان و ترس در دلهای دشمنان است
روایتست از ابن فضال که حسن بن جهم که رفتم نزد ابی الحسن علیه السلام
و او محاسن خودرا سیاه میکرد گفتم فدای تو گردم محاسن خودرا سیاه
میکنی گفت در رنگ کردن اجر و حسنه است بدرستی که رنگ کردن
محاسن خودرا زینت دادن زیاده میکند پرهیزکاری زنانرا و بدرستیکه
که ترک کرده اند زنان پرهیزکاریرا از جهت آنکه شوهر ایشان خودرا
زینت نداده اند از برای ایشان روایتست از ابی عبد الله علیه السلام
که گفت که امام حسین سر خودرا رنگ میکرد بوسمه و میکشود سر خودرا
و نزد ما خبری بود که آنحضرت می جنبید پس سر خودرا و نیز گفت که سیاه کردن

محاسن موجب ترسیدن دشمنان است و خوشحالی زنان
روایت از جابر که گفت ابی جعفر علیه السلام که جماعتی آمدند نزد علی
بن الحسین علیهما السلام و دیدند که آنحضرت محاسن خود را سیاه
کرده است پرسیدند از آنحضرت که سیاه کردن محاسن چیست
حضرت امام علیه السلام دست بر محاسن خود کشیدند و گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود اصحاب خود را در جنگی از جنگها که محاسن
خود را سیاه کنید تا آنکه قوت یابید بسبب این و غالب شوید بر
مشرکان و کافران روایت از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که
زنان دوست میدارند که زینت کنند مردان همچنانکه مردان دوست
که زنان بجهت شد زینت بدارد ایشان فصل پنجم در رنگ کردن
حنا و وسمه و زردی و رنگ کردن زنان دست را روایت از کتاب
لباس که گفت حلبی که پرسیدم از ابی عبدالله علیه السلام از رنگ کردن
موی حضرت امام علیه السلام گفت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و
امام حسین و ابوجعفر علیهما السلام رنگ کرده اند بوسمه روایت از حماد

منقول است هم

بن عمار

بن عمار که گفت که دیدم ابوجعفر را علیه السلام که رنگ کرده بود بحنا روایت
از ابی الصباح که گفت که دیدم اثر حنا در هر دو دست ابوجعفر علیه السلام
روایت از محمد موذن که گفت که ابی عبدالله علیه السلام رنگ
زرد کرده بود محاسن خود را بخطمی و حنا روایت از محمد بن الموذن که
گفت که حنا بسیار موی سفید میکند و زیاده میکند طراوت و تازگی
روایت از ابی عبدالله بن مسکان که گفت که حسن زیات
که نشسته بود نزد من مردی از اهل بصره و همیشه من با او بودم تا آنکه
داخل شدم درین امر که حکایت میکنم و من صفت میکردم از برای
آن مرد ابوجعفر را علیه السلام پس من و آن مرد رفتیم بمکه و مناسک
حج بجای آوردیم و متوجه مدینه شدیم و چون بمدینه رسیدم رفتیم نزد
ابی جعفر علیه السلام و آنحضرت در خانه نشسته بود و بر بالای آنحضرت
چادر شب گلگون بود و رنگ کرده بود محاسن خود را و سر را کشیده
بود و اصلاح کرده بود محاسن خود را مصاحب من نگاه کرد بابی جعفر
علیه السلام و با آن خانه و چیزی در دل او گذشت چونکه بر خود بستیم

حضرت امام علیه السلام گفت که ای حسن چون فردا شود تو با مصاحب
خود هر دو نزد من بیایید چون فردا شد گفتم مصاحب خود را اگر ببردم
نزد حضرت امام علیه السلام مصاحب من گفت تو برو و مرا بگذار
گفتم سبحان الله از آنکه گفت حضرت امام که تو و مصاحب هر دو با هم
بیایید باز مصاحب من گفت که تو برو و مرا بگذار بحق خدای که از او جدا
نشدم تا او را همراه خود بردم نزد حضرت امام علیه السلام پس حضرت
امام در خانه بود که در آن خانه نبود مگر بوریای پس بیرون آمد و جامهٔ
درشت پوشیده بود و گرد آلوده بود و پس میل کرد بما و گفت که آن
خانه که دی روز دیدی که من در آنجا بودم از زن من بود و از من نبود و دی
روز دید که من در آنجا بودم از زن من بود و من نبود وی روز نوبت
آن زن بود و آن زن زینت کرده بود و واجب بود بر من که زینت
کنم از برای او چنانکه او زینت کرده بود از برای من و این خانه که امروز
دیدیم خانهٔ منست چیزی در دل خود مگذران ای برادر بصری پس گفت
آن شخص که از بصره بود گفتم که فدای تو گردم پیش از این چیزی در خاطر من

بگذشت

تا حالا خدای تعالی آنچه از خاطر من بیرون برد منقولست از
کتاب محاسن که گفت اسماعیل بن بزیع که گفتم امام رضا را علیه السلام
که من زن جوانی دارم و خون حیض از او طرف شده است حضرت امام
علیه السلام گفت که بفرما که پس خود را حنا رنگ کند بدرستی که خون
حیض باز میگردد چنین کردم باز گشت بآن زن خون حیض روایت
از ابی الحسن علیه السلام که رنگ کردن سه خصلت است مهیا شدن
برای جنگ و دوستی زنان و زیاده کردانیدن در جماع و روایت
از حسن بن جهم که گفت که گفتم یا علی بن موسی الرضا علیهما السلام که
آیا رنگ کردی تو آنحضرت گفت آری رنگ کرده ام بحنا و وسمه آیا نمیدانی
که در رنگ کردن اجر و ثوابی هست بدرستی که زن دوست میدارد که
ببیند از تو مثل آنچه تو دوست میداری که ببینی از او و از بیماری
فاحشه و زینت کردن و بدرستی که بیرون رفتند زنان از بی هنرکاری
کردند و فسق و فجور کردند و بیرون نبرد ایشان از بی هنرکاری مگر کم
زینت کردن شوهران و گفت علی بن موسی الرضا خود علیهما السلام

کر آیا رنگ کردی تو آنحضرت گفت که زنان دوست میدارند از تو مثل آنچه
تو دوست میداری از ایشان روایتست از ابی عبد الله علیه السلام
که گفت که رنگ کردن سر و محاسن سنت است روایتست از عبد الله
بن عثمان که گفت حسن زیات که رفتم روزی نزد ابی الحسن علیه السلام
و آنحضرت در خانهٔ آراسته بود و یک روز بعد از آن رفتم و آنحضرت
در خانهٔ بود و در آن خانه نبود مگر بوریای پس بیرون آمد و جامهٔ درشت
پوشیده بود و گفت که آن خانه که دیروز دیدی خانهٔ من نبود خانهٔ زن
من بود و دیروز نوبت آن زن بود حدیث کرده است محمد بن مسلم
از امام محمد باقر یا از امام جعفر صادق علیهما السلام که گفت که سزاوار
نیست زن را که دست او خالی باشد و اگرچه دست خود را بحنا مالد و اگرچه
آن زن مالدار باشد منقولست از کتاب فردوس که گفت رسول خدا
صلی الله علیه و آله که حنا سید ریحان بهشت است و کسی که رنگ کرده باشد
بحنا مثل کسی است که شهید شده باشد در راه خدا و گفت رسول خدا
صلی الله علیه و آله که حنا رنگ اسلام است و زینت سید مومن را و

درو پیر را

درو پیر را و جلا میدهد بچشم را و زیاده میکند قوت جماع و یک حبه
که با حنا بوده باشد برابر ده حبه است که بی حنا بوده باشد و یک
درهم که بحنا صرف شود برابر هفتصد درهم است که در راه خدا صرف شود
روایتست از مولای نبی صلی الله علیه و آله که گفت که بر شما باد بسیاه
رنگها بدرستی که زیاده میکند قوت جماع را و نیکو میگرداند بدن را گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که فاضلترین چیزهای که آنرا تغییر دهند بآن
سفیدی موی را حناست و در روایتست از امیر المومنین علی علیه السلام
که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که رنگ کنید بحنا بدرستی که می افزاید
در جوانی و جمال و قوت جماع و حسن تفاخر میکنند فرشتها با کسانی
که رنگ میکنند و یک درهم صرف کردن در راه خدا برابر هفتصد درهم است
و یک درهم که صرف کنند در رنگ برابر هفت هزار درهم است و هرگاه که یکی
از شما بمیرد و آنرا بقبر نهند و منکر نکیر بیایند چون نگاه کنند که رنگ کرده است
یکی از منکر و نکیر بدیگری بگوید که بیرون رو از قبر که نیست مارا باوه سختی
روایتست کرده است جعفر بن محمد علیهما السلام از پدران خود علیهم السلام

فرموده

که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده که زنان سر خود را سپید کنند و گفت
امام جعفر صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله زنان شوهردار
و غیر شوهردار را که رنگ کنند اما شوهردار از زینت کند از برای شوهر خود
اما غیر شوهردار از زینت کند بجهت آنکه دست او بدست مردان ماند
روایت از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که اگر رنگ کنند زنان در حالت حیض
باکی نیست روایت کرده است ابی عبد الله علیه السلام از پدر
خود علیه السلام که منع کرده است امیر المومنین علی علیه السلام از رنگ
کردن موی حوالی سر و پیشانی و از نگار بستن فصل چهارم در بیان
کراهیت رنگ کردن جنب و حایض و روایات که واقع شده است در
ترک کردن رنگ و کراهیت پیوند کردن مو منقولست از کتاب لباس
که گفت علی بن موسی علیهما السلام که مکروه است رنگ کردن مرد را در حالتی
که جنب باشد و نیز گفت علی بن علیهما السلام که آنکسی که رنگ کند در
حالتی که جنب باشد یا آنکه جنب شود در حالتی رنگ کردن ایمن نیست
از بهر رسانیدن شیطان باو روایت از جعفر بن محمد علیهما السلام

که گفت که رنگ مکن در حالتی که جنب باشی و جنب مشو در حالتی که رنگ
میکنی و رنگ مکن در حالتی که حایض باشی بدرستی که شیطان حاضر شود نزد زن
حایض در وقت رنگ کردن و باکی نیست رنگ کردن در حالت نفاس
و روایت از ابی الحسن اول علیه السلام که گفت که باید که رنگ نکند
زن حایض و روایت کرده است حنان سدیر از پدر خود که گفت که
رفتیم من و پدر و جد و عم من بحمام مدینه و مردی در جامه کن بود پرسید
که شما از چه قومید گفتیم از اهل عراقیم گفت از کدام شهر عراق گفتیم از شهر
کوفه ایم گفت خوش آمدید ای اهل کوفه شما لنگ نمی بندید در حمام و چه چیز است
که منع میکند شما را از بستن [illegible] بدرستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله
گفت که دیدن عورت مسلمان بر مسلمان حرامست پس عم من کرباسی
گرفت و چهار پاره کرد و هر کدام ما یک پاره را گرفتیم و لنگ کردیم و در آمدیم بحمام
و رفتیم در گرم خانه و در گرم خانه بودیم که آن شخص آمد و متوجه جد من شد
و گفت چه چیز است که ترا منع میکند از رنگ کردن محاسن پس گفت
او را جد من که دریافتم من آنکسی را که بهتر از تو و من بود و او رنگ نکرده

لنگ

بود محاسن خود را حضرت امام علیه السلام در غضب شد از این سخن
تا آنکه یافتیم ما غضب او را و گفت که کیست آنکس که بهتر از من است
جد من گفت دریافتم علی بن ابی طالب را علیه السلام و او رنگ
نکرده بود پس حضرت امام علیه السلام سر خود را در پیش افکند
و عرق ریخت از جبین مبارک آنحضرت و گفت که راست و درست
گفتی بعد از آن گفت که ای پیر اگر میخواهی رنگ کن هر آینه که رسول صلی
الله علیه و آله رنگ کرد و او بهتر از امیر المؤمنین علی بود و اگر میخواهی
رنگ مکن و اقتدا کن بامیر المؤمنین علی علیه السلام چون بیرون
آمدیم از حمام پرسیدیم که آن مرد که بود گفتند علی بن الحسین بود علیهما السلام
و پسر او امام محمد باقر علیه السلام بود منقولست از سلیمان بن
هارون العجلی که گفت که پرسیدم از ابی عبد الله علیه السلام که رسول
خدا صلی الله علیه و آله رنگ کرده بود محاسن خود را گفت نه امیر المؤمنین
علی علیه السلام نیز رنگ نکرده بود اما پدر و جد من رنگ کرده بود
پس اگر رنگ کنی نیکوست و اگر نکنی نیز نیکوست و در روایت از [illegible]

بن محمد که گفت که پرسیدم ابی جعفر را علیه السلام از رنگ کردن گفت که
رسول خدا صلی الله علیه و آله رنگ میکرد و این موی آنحضرت است که
نزد ماست در روایت از حفص الاعور که گفت که پرسیدم ابی عبد الله
را علیه السلام از رنگ کردن سر و محاسن حضرت امام علیه السلام گفت که
سنت است گفتم که امیر المؤمنین علی علیه السلام رنگ نکرده است گفت
بجهت آنکه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بامیر المؤمنین علی صلوة الله علیه
گفته بود که باشد که رنگ شود این باین محاسن امیر المؤمنین علی
علیه السلام زود باشد که رنگین شود بخون او روایت از عبد الله علیه السلام
که گفت که ترک کردن رنگ درویشی می آورد در بیان که آیا جایز است پیوند کردن
موی روایت از سلیمن بن خالد که گفت که گفتم مر یکی از ائمه علیهم السلام
آیا پیوند کردن زن موی بهار را بگیسوی خود مکروه است گفت اگر بشم باشد
تا از موی خود مکروه نیست که پیوند کنند از موی غیر خود در روایت از عمار
ساباطی که گفت که گفتم مر ابی عبد الله را علیه السلام که مردمان روایت
میکنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله لعنت کرده است پیوند کننده

وپیوند کرده شده آنحضرت گفت که بلی گفتم که آیا لعنت کرده است آنحضرت
زنی را که شانه کند و پیوند کند موی را بگیسوی خود گفت نه باکی نیست این
که گفتم که بیست پیوند کنند و پیوند کرده شده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
ایشانرا لعنت کرده است گفت زنی که زنا دهد و قوادگی کند حدیث
از ابی بصیر که گفت که پرسیدم از ابی عبد الله علیه السلام از کندن موی از
پیشانی که زنان بجهت زینت برای شوهران خود میکنند و از کندن
موی روی و از پیوند کردن موی و پیوند کردن پشم بگیسو و مانند این
حضرت امام علیه السلام گفت که باکی نیست باینها و گفت محمد که
یکی از راویان حدیث است که گفت یونس که باکی نیست پیوند کردن گیسو
وقتی که پشم باشد اما باید که پیوند نکنند موی را بموی که مکروهست
روایت کرده است ابی عبد الله علیه السلام از پدران خود علیهم السلام
که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که حلال نیست زن را اگر در محل حیض
بکند موی پیشانی و موی بنا گوش فصل پنجم در بیان انگشترین
و آنچه متعلق است بآن در بیان انواع انگشترین و انگشت کردن

دکر آنست آن

دیگر آنست آن منقولست از کتاب لباس که گفت که ابی الحسن
علیه السلام که قیمت کردند انگشتری ابی عبد الله علیه السلام پس رفت
از او بدرمن بهفت دینار روایت از عبد الله بن سنان که گفت
که پرسیدم از ابی عبد الله علیه السلام که انگشتری رسول خدا صلعم
از چه چیز بود آنحضرت گفت از نقره بود و پرسیدند بعضی از اصحاب ما
از ابی عبد الله علیه السلام که انگشتری رسول خدا صلی الله علیه و آله
از چه چیز بود گفت از نقره بود و حضرت نقش کرده بودند محمد رسول الله
نقش آن انگشتری انگینی بود گفت نه روایت از سکونی که گفت
ابی عبد الله علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت که پاک نمیگرداند
خدای تعالی دستی را که در او انگشتری از آهن بوده باشد روایت
کرده است ابی عبد الله علیه السلام از پدر خود و پدر او روایت کرده است
از امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه که گفت که امر کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله
بهفت چیز و منع کرد از هفت چیز منع کرد از انگشتری طلا و آشامیدن
در ظرف طلا و نقره و نشستن در زینی که برو بالش سرخ باشد و از رنگ

از خوانی و از ابریشم و از دیبای نرم و سبز و امر کرد بپرسیدن
بیمار و در عقب جنازه رفتن و آشکارا سلام کردن و یاری دادن مظلوم
و قبول دعوت کردن و سوگند خود را راست کردن و یرحمک الله گفتن
کسی اگر عطسه کند روایت از ابی عبد الله علیه السلام که گفت رسول خدا
صلی الله علیه و آله امیر المومنین علی را علیه السلام که پرهیز از انگشترین طلا
در دست کردن بدرستی که انگشتری طلا زینت توست در بهشت روایت
از امیر المومنین علی علیه السلام که گفت که منع کرد مرا رسول خدا صلعم
از انگشتری طلا در دست کردن و نمیگویم که منع کرد شما را ازین روایت
از داود بن سرحان که گفت که پرسیدم ابی عبد الله را علیه السلام
از طلا که زینت میکنند با آن اطفال را آنحضرت گفت که پدر من زینت
فرزند و زنان خود را بطلا و نقره و باکی نیست با آن روایت کرده اند
محمد بن علی علیهما السلام از پدران خود علیهم السلام که روزی رسول خدا
صلی الله علیه و آله انگشتری طلا در دست کرده بود پس مردمان نگاه میکردند
با آن آنحضرت دست خود را با آن انگشت بنا د که انگشترین در بوده

بازگشت

بازگشت بمنزل خود و انداخت انگشتری را روایت از کتاب طب الائمه
که موسی بن جعفر علیهما السلام روایت کرده است از پدر خود که منع کرده است
که در انگشت کنند انگشتری را اگر نگینش بجازی باشد و مجازی مهره است
و گفت حضرت امام علیه السلام که زید بن علی علیه السلام در روی کشته
شد در انگشت او چنین انگشتری بود روایت که امیر المومنین علی علیه السلام
چهار انگشتری داشت انگشتری که نگین او یاقوت سبز بود و او را در انگشت
میکرد بجهت بزرگی و شرف و انگشتری که نگین او از عقیق سرخ بود و
او را در انگشت میکرد بجهت حرز و نگاه داشتن از بلا و انگشترین که نگین
او فیروزه بود و او را در انگشت میکرد بجهت ظفر یافتن بر دشمن و انگشتری
که نگین او آهن چینی بود و آنرا در انگشت میکرد بجهت قوت و منع کرد امیر
المومنین علی علیه السلام شیعه خود را از انگشتری آهن در دست کردن
و گفت امیر المومنین علی علیه السلام در وقت که وصیت میکرد اصحاب
را انگشتری که اسماء الله در انگشتری خود نقش کنند باید که در وقت استنجی
کردن آن انگشتری را از دست چپ بیرون آورد و در دست راست کند

گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله که انگشتری عقیق در دست کنید بدرستی
که نرسید بشما غمی مادام که در دست شما باشد و نیز گفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه وآله که انگشتری عقیق در دست کنید که جبرئیل علیه السلام
آورد این عقیق را از بهشت و گفت یا محمد انگشتری عقیق در دست
خود کن و بفرما امت خود را که انگشتری عقیق در دست کنند در بیان
نگینهای انگشتری منقولست از کتاب لباس حسین بن عبدالله که پرسیدم
یکی از ائمه را علیه السلام از نگین که از سنگ زمزم باشد که در انگشت میتوان
کرد گفت بلی اما هرگاه که خواهد وضو سازد باید که از دست خود بیرون کند
روایتست از احمد بن محمد که گفت که دیدم یکی از ائمه را علیهم السلام که در دست
خود انگشتری عقیق کرده بود و گفت بمن که چگونه می بینی این انگشتری را
و بیرون آورد از دست خود و گفت که نظر کن برین انگشتری پس نظر کردم
و گفتم که چه نیکوست این انگشتری گفت که همیشه از خدای تعالی نعمت
میرسد از آن زمان که این انگشتری در دست منست و خدای تعالی مخصوص
ساخت مرا برین انگشتری پس هرگاه که میخواهم که وضو سازم او را از

انگشت بیرون میکنم بدرستی که شبی رفتم بطواف خانه کعبه و در میان
طواف بودم که شغفت برین انگشتری باعث این شد که او را از انگشت
بیرون آوردم و در کف خود نهادم پس ناگاه از دست من افتاد بجزع آمدم
که گم انگشتری من افتاد آن شخص دست خود را بزمین برد و گفت بگیر انگشتری
خود را پس گرفتم انگشتری خود را از او روایتست از ابی عبدالله علیه السلام
که گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که در انگشت کردن انگشتری
که نگین او یاقوت باشد درویشی را می برد و آنکسی که در انگشت کند انگشتری
که نگین او عقیق باشد زود بر آورده می شود حاجت او نیکوی منقولست
از طب الائمه که روایت کرده است معاذ که امیر المومنین علی علیه السلام
گفت که آنکسی که در انگشت کند انگشتری که نگین او عقیق باشد خاتمه کار او
امن و ایمان باشد روایتست از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که
در انگشت کردن انگشتری که نگین او عقیق باشد و عقیق از اول
اوکوهیست که اقرار کرده است بخدای تعالی و به پیغمبری محمد صلی الله علیه وآله
و بوصی بودن امیر المومنین علی علیه السلام و عقیق از کوهی است که در

سخن گفته است خدای تعالی با موسی علیه السلام و کسی که انگشتری که نگین
او عقیق باشد در انگشت کند و نماز کند نماز او چهل درجه ثواب بیشتر
دارد از نماز کسی که انگشتری غیر عقیق از انواع جواهر در انگشت کند و
نماز کند روایت است از سلیمان بن اعمش که گفت که بودم با جعفر بن محمد
علیهما السلام بر در خانهٔ ابی جعفر منصور دوانقی پس بیرون آمد از
پیش منصور شخصی که او را تازیانه زده بودند گفت جعفر بن محمد علیهما السلام
پس که ای سلیمان نظر کن در نگین انگشتری او گفتم یا ابن رسول الله
نگین انگشتری او عقیق نیست حضرت امام علیه السلام گفت که ای
سلیمان اگر نگین انگشتری او عقیق می بود او را تازیانه نمیزدند
گفتم یا ابن رسول الله زیاده گردان بیان فایدهٔ عقیق را برای من گفت
که عقیق امانیست از بریدن آن دستی که عقیق در وست گفتم
یا ابن رسول الله زیاده گردان بیان گفت عقیق امانست از خون
ریختن کسی که عقیق در دست اوست گفتم زیاده گردان بیان گفت
خدای تعالی دوست میدارد که برداشته شود بسوی او در دعا دستی

در و نگین او عقیق باشد گفتم زیاده گردان بیان گفت بسیار
عجب است از دستی که در و نگین عقیق باشد که چگونه خالی باشد
از طلا و نقره گفتم زیاده گردان بیان گفت عقیق حرز است از جمیع
بلاها گفتم زیاده کن بیان گفت عقیق امانست از درویشی گفتم که نقل کنم
اینها را که فرموده اید از جد شما حسین بن علی علیهما السلام که آنحضرت
روایت کرده است از امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه آنحضرت گفت بلی
منقولست از کتاب ثواب الاعمال که گفت امام رضا علیه السلام
که ابو عبد الله علیه السلام فرمود که کسی که در انگشت کند انگشتری که
نگین او عقیق باشد هرگز درویش نشود و بر آورده شود حاجت او به نیکوترین
وجهی روایت است از امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه که گفت که در
انگشت کنید انگشتری که نگین او عقیق باشد تا خدای تعالی زیاده گرداند
برکت شما را و ایمن باشید از جملهٔ بلاها روایت کرده است جعفر بن محمد
علیهما السلام که شکایت کرد مردی نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
از راه زنان که غارت کرده بودند او را آنحضرت گفت که چرا انگشتری

عقیق در انگشت نکردی بدرستی که عقیق نگاه میدارد از همه بلاها و گفت ابو جعفر علیه السلام که انگشتی که در انگشت کند انگشتری عقیق را همیشه باو نیکوی رسید مادام که آن انگشتری در دست او باشد و همیشه خدای تعالی او را نگاه دارد روایتست از عبد الرحمن قصیر که گفت که فرستاد ... کی بسوی مردی از آل ابی طالب بجهت گناه که کرده بود و او را طلبید پس آن شخص گذشت بابی عبد الله علیه السلام آنحضرت گفت که انگشتری عقیق باین شخص برسانید پس رسانیدند انگشتری عقیق را باین شخص هیچ مکروهی باو نرسید روایتست از عبد المؤمن انصاری که گفت که شنیدم از ابا عبد الله علیه السلام که میگفت که درویش و محتاج نمی شود دستی که در وی انگشتری بود که نگین او فیروزه باشد روایتست از علی بن مهزیار که گفت که رفتم نزد ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام دیدم در دست آنحضرت انگشتری که نگین او فیروزه بود و بر آن نگین نقش کرده بود الله الملک و من همیشه نظر میکردم در آن انگشتری آنحضرت گفت که چیست ترا که نظر میکنی درین انگشتری این سنگیست که

جبرئیل علیه السلام بهدیه از برای رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده از بهشت و رسول خدا صلی الله علیه و آله آنرا بامیر المؤمنین علی علیه السلام بخشید گفت حضرت امام علیه السلام بمن که میدانی که چه چیز است نام این نگین گفتم فیروزه است آنحضرت گفت این نام او بفارسی میدانی که نام او را بعربی گفتم نه گفت ظفر است روایتست از امیر المؤمنین علی علیه السلام که گفت که در انگشت کنید انگشتری که نگین جزع یمانی باشد بدرستی که باز میدارد کید شیطان را و جزع یمانی مهره ایست سیاه و سفید روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت خوب نگینی است بلور منقولست از کتاب مناقب الرضا امام رضا روایت کرده است از پدران خود علیهم السلام که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله همه کارها بر او آسان شود و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که انگشتری زمرد در انگشت کردن می برد درویشی را و نیز گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که انگشتی که در انگشت کند انگشتری که نگین او یاقوت زرد باشد درویش نشود بیان نقش نگین انگشتری منقولست از کتاب

بنابر آنکه گفت ابی عبدالله علیه السلام که نقش نگین انگشتری حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله محمد رسول الله بود و نقش نگین انگشتری امیر المؤمنین
علی علیه السلام الله الملک بود و نقش نگین انگشتری ابی جعفر علیه السلام
العزة لله بود روایت کرده است محمد بن علی از صفوان که گفت آورده
نزد ما انگشتری ابی عبدالله علیه السلام و نقش نگین او نقشی فاعصمنی
من خلقک بود روایت از ابراهیم بن عبدالحمید مثل این گفت
آورده اند نزد ما انگشتری ابی الحسن علیه السلام و نقش نگین او
حسبی الله بود و در پایین نوشته صورت برگ گلی و در بالا نوشته
صورت هلالی روایت کرده است امام جعفر صادق علیه السلام از
از پدر خود و پدر او روایت کرده است که نگین انگشتری امیر المؤمنین
علی صلوات الله علیه نقره بود و نقش آن این بود که نعم القادر الله
روایت از حسین بن خالد که گفت که گفتم با بی الحسن دوم علیه السلام
که روایت کرده شده است با ما در حدیث که نقش نگین حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله محمد رسول الله بود حضرت امام علیه السلام گفت

این روایت صحیح است و راویان ما است گفته اند پس گفت پس که
سید ابی که نقش نگین آدم علیه السلام چه چیز بود گفتم نه گفت نقش
نگین آدم علیه السلام لا اله الا الله محمد رسول الله بود و گفت ابن خالد
که گفت پس ابو الحسن علیه السلام که حضرت حق سبحانه و تعالی
وحی کرد بنوح علیه السلام که وقتی که تو و آنکسانی که بتو ایمان آورده اند در
کشتی بنشینید هزار بار لا اله الا الله بگویید و بعد از آن حاجت خود
از من طلب کنید چون حضرت نوح علیه السلام در کشتی نشست
و بادبان کشیدند باد سختی برخاست و ترسید نوح علیه السلام
از غرق شدن بجهت اضطراب کشتی پس گفت پس گفت که اگر من هزار
بار لا اله الا الله میگویم می ترسم که کشتی غرق شود پیش از آنکه فارغ شوم
پس مضمون لا اله الا الله را بزبان سریانی ادا کرد و گفت هزار بار هو هو
هو یا ماری یا اتقن پس کشتی قرار گرفت و سلامت داشت
خدای تعالی نوح را علیه السلام گفت نوح علیه السلام که بدرستی کلامی که من
و آنکسی که با من است نجات یافتیم از غرق شدن بسبب آن سزاوار

آنست که نقش نگین کنم و انگشتری را از خود جدا نکنم گفت حسین بن خالد
که گفتم ابی الحسن را علیه السلام که چیست معنی سخن نوح علیه السلام ابی الحسن
علیه السلام گفت که این سخن نوح بزبان سریانست و تفسیر آن
بعربی هزار بار لا اله الا الله هست یا الله اصلح و گفت ابی الحسن
علیه السلام که نقش نگین ابراهیم علیه السلام شش کلمه بود که جبرئیل
علیه السلام وقتی که آنحضرت را در منجنیق نهادند پس گفت جبرئیل ع
که ای ابراهیم خدای تعالی بتو سلام میرساند و میگوید که خوشحال باش
که هیچ باکی نیست ترا و فرمود جبرئیل علیه السلام حضرت ابراهیم را
علیه السلام که آن انگشتری که در نگین آن این شش کلمه نقش کرده
بودند در انگشت خود کند چون آن انگشتری را در انگشت کرد خدای تعالی
کرد اینجا آتش را بر وی خنک و آن کلمه اینست لا اله الا الله محمد رسول الله
توکلت علی الله اسندت ظهری الی الله فوضت امری الی الله
لا حول و لا قوة الا بالله این بود نقش حضرت ابراهیم علیه السلام
و نقش نگین سلیمان بن داود علیهما السلام این بود که سبحان

من لها

بن الجم الجن بکلمته و نقش نگین عیسی علیه السلام دو کلمه بود از انجیل
بیرون آورده بود و آن دو کلمه اینست که طوبی لعبد ذکر الله من اجله
والویل لعبد نسی الله من اجله و نقش نگین موسی علیه السلام دو کلمه بود
که از توریت بیرون آورده بود و آن دو کلمه اینست اصبر توجر اصدق
تنج روایت کرده است حسین بن خالد از ابی از ابی الحسن دوم
علیه السلام که گفت نقش نگین حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله محمد رسول الله
بود و نقش نگین امیر المومنین علی صلوات الله علیه الله الملک بود و
نقش نگین حسن بن علی علیهما السلام العزة لله بود و نقش نگین امام
حسین علیه السلام ان الله بالغ امره بود و نقش نگین علی بن الحسین
علیهما السلام و ابو جعفر کبیر علیه السلام همان نقش نگین امام حسین
علیه السلام بود و نقش نگین امام جعفر صادق علیه السلام ولی عصمتی
من خلقی بود و نقش نگین ابو الحسن علیه السلام حسبی الله بود و نقش نگین
ابو الحسن دوم علیه السلام ما شاء الله لا قوة الا بالله بود و گفت حسین
بن خالد که ابو الحسن دوم علیه السلام دراز کرد دست خود را بجانب من

وگفت نقش نگین انگشتری من و انگشتری پدر من و انگشتری ابوجعفر
دوم علیهما السلام حسبی الله حافظی بود و همچنین بود نقش نگین ابوجعفر
اول علیه السلام و نقش نگین ابوالحسن بیم علیه السلام الله الملک
بود روایت است از عبدالله بن سنان که گفت که پرسیدم از
ابی عبدالله علیه السلام که آیا مکروه است در انگشت کردن انگشتری
که در نگین او نام خدای تعالی باشد و یا بخانه رفتن و جنب شدن در حالتی
که این انگشتری در انگشت باشد حضرت امام علیه السلام گفت نه و نقش
نگین حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله محمد رسول الله بود و نقش نگین امیر
المومنین علیه السلام الملک لله بود و نقش نگین ابی جعفر علیه السلام
العزة لله بود و نقش نگین امیر المومنین علی صلوات الله علیه که آن
نگین از آهن چینی مشبک بود این بود که اعددت لکل هول لا اله الا الله
و لکل کرب لا حول و لا قوة الا بالله و لکل مصیبة نازلة حسبی الله
و لکل ذنب کبیرة استغفر الله و لکل هم و غم فارج ما شاء الله و لکل نعمة
متجددة الحمد لله ما لعلی بن ابی طالب من نعم الله ممن الله و این روا

ست سطر نقش کرده بودند در دو نگین و حضرت امیر المومنین علی
علیه السلام این انگشتر را در انگشت میکرد در جنگها نرد تحفها روایت
از اسماعیل بن موسی که گفت که انگشتری جد من جعفر بن محمد علیهم السلام
تمام او از نقره بود و نقش نگین او این بود که یا ثقتی قنی شر جمیع خلقک
در وقتی که پدر من با برادر خود عبدالله بن جعفر قسمت میراث میکردند
قیمت آن انگشتری به پنجاه دینار رسید بجهت زیاده کردن پدر من
قیمت آنرا پس پدر من قبول کرد آن انگشتری را به پنجاه دینار روایت
از امیر المومنین علی علیه السلام که گفت که آنکسی که نقش نگین او ما شاء الله
لا قوة الا بالله استغفر الله باشد او را ثواب بسیار خواهد بود روایت
از امام محمد باقر علیه السلام که گفت که آنکسی که نقش نگین او آیتی از قرآن
باشد خدای تعالی بیامرزد او را و گفت امام محمد باقر علیه السلام که نقش
نگین قاسم وربک فکبر بود روایت کرده است امام رضا علیه السلام
از جد خود امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که نقش نگین پدر من
محمد این بود علیه السلام این بود که ظنی بالله حسن و بالنبی المؤتمن

بالوصی ذی المنن وبالحسن والحسین روایت از محمد بن عیسی کرده

نزد ابی جعفر دوم علیه السلام و نشود بین انگشتری که در دست او بود

و گفت که می شناسی این انگشتری را گفتم که میدانم که نقش و در اما نمی

که آن نقش چه چیز است و چه صورت است پس معلوم شد که آن انگشتری

تمام او از نقره بود و نگین آن مدور بود و بر آن نگین حسبی الله نقش کرده

بودند و در بالای آن نقش صورت هلالی بود و در مابین آن نقش صورت

گلی بود پس گفتم با آن که از کیست این انگشتری گفت این انگشتری الحسن

علیه السلام پس گفتم با او که این انگشتری چگونه در دست تو افتاد گفت

وقتی که آنحضرت را وفات نزدیک شد این انگشتری بمن داد و گفت که

این انگشتری را از دست خود بیرون مکن مگر برای علی نقی علیه السلام

بده این انگشتری [illegible] پسر من علی نقی علیه السلام و بیان کیفیت انگشتری

ساختن کردن منقولست از کتاب لباس که گفت هرکه پرسیدم ابی

عبد الله علیه السلام از انگشتری راست در دست کردن و گفتم که من دیدم

بنی هاشم را که انگشتری در دست راست میکردند پس گفت ابی عبد الله

علیه السلام که پدر من انگشتری در دست راست میکرد و پدر من فاضلتری

قریش و داناترین و پرهیزکارترین ایشان بود روایت از حسین بن خالد

که گفت که گفتم با ابو الحسن دوم علیه السلام که این روایت کرده اند

بما حدیث که رسول خدا صلی الله علیه وسلم استنجا میکرد و انگشتری

در دست آنحضرت بود و امیر المومنین علی علیه السلام نیز چنین میکرد

و نقش نگین پیغمبر صلی الله علیه وآله محمد رسول الله بود گفت ابو الحسن

دوم علیه السلام که این روایت صحیح است و روایان راست گفته اند

گفتم که سزاوار است ما را که چنین کنیم گفت نه بجهت آنکه ایشان انگشتری را بدست راست

میکردند و شما در دست چپ میکنید پس من خاموش شدم روایت

کرده است ابن قداح از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است

از پدر خود علیه السلام که امیر المومنین علی و امام حسن و امام حسین علیهم السلام

گاهی انگشتری در دست چپ میکردند و روایت کرده است محمد بن علی

علیه السلام از پدر خود و پدر او روایت کرده است از پدر خود علیهم السلام

که امام که گفت که امام حسن و امام حسین علیهم السلام گاهی انگشتری

در دست چپ میکردند روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
که رسول خدا صلی الله علیه و آله میگفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله میگفت
منع میکنم امت خود را ازین که انگشتری در انگشت شهادت و انگشت میانه
کنند دعائی که می باید خواند در وقت انگشتری در انگشت کردن روایت است
اللهم سومنی بسیماء الایمان و توجنی بتاج الکرامة وقلدنی حبل الاسلام
ولا تخلع ربقة الایمان من عنقی در بیان نقش نگینی که نیکوست از برای
دفع هر بیماری منقولست از طب الائمه که نقش می باید کرد اول جمعه از ماه
رمضان بر نگینی که از آهن چینی باشد این صورت را در دو سطر کعسلهون
لاهر لا الا الاول بالله فصل ششم در زینت کردن زنان بزیور و آنچه
در بر دست میکنند و غیر اینها در بیان زینت کردن زنان بزیور معجر و آنچه
مکروه است ایشان را منقولست از کتاب لباس که روایت کرده است
فضل که گفت ابوجعفر علیه السلام که حضرت فاطمه علیها السلام سینه بند از
بهشت است در معجر او تا میان بازوی او بود بیرون نکرد ابوجعفر
علیه السلام کسی را ازین حکم یعنی می باید که معجر زنان چنین باشد روایت

از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که نیکو نیست زن مسلمان را که بی زیور بود
نزد و سینه آویزه که تا نمایان باشد چیزی از بدن او و در روایت است از ابی جعفر
علیه السلام مثل این روایت کرده است محمد بن مسلم از امام محمد باقر
یا از امام جعفر صادق علیهما السلام که پرسیدم از زیور طلا مر زنان را حضرت
امام علیه السلام گفت که باکی نیست و سزاوار نیست زن را که بی زیور
باشد و اگر چه قلاده ای زیور کرده نباشد و سزاوار نیست زن را که دست
او خالی باشد و سزاوار نیست زن را اگر دست او خالی باشد از رنگ
اگر چه مالیدن دست باشد بحنا و اگر چه آن زن پیر باشد در بیان آنچه در
بر دست میکنند از طلا و غیر آن روایت است از زراره که گفت امام جعفر
علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی که میخواست که سفر کند
سلام میکرد و وداع میکرد از اهل بیت خود آنکسی که میخواست وداع
کند کسانی که آنحضرت سلام میکرد بر و وداع میکرد او حضرت فاطمه
علیها السلام و آنحضرت هرگاه از سفر باز میگشت اول بخانه حضرت فاطمه
علیها السلام میرفت پس نوبتی با امیر المومنین علی علیه السلام چیز

از غنیمت در سفر امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه آنچه را بحضرت فاطمه
علیها السلام داد و بیرون رفت بسفر همراه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
فاطمه علیها السلام از آن مال غنیمت که امیر المؤمنین علی صلوات الله
باو داده بود دو دستینه ساخت از نقره و پرده خرید و آویخت
بر در خانه خود چون حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله از سفر بازگشت داخل شد
بمسجد و بعد از آن متوجه خانه حضرت فاطمه علیها السلام شد چنانچه
عادت حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله بود حضرت فاطمه
چون دید آنحضرت برخاست و شادان و متوجه آنحضرت شد از روی
شوق و شعف آنحضرت نظر کرد در هر دو دست حضرت فاطمه علیها السلام
دو دستینه از نقره در دست او دید و بر در خانه پرده آویخته دید پس نشست
رسول خدا صلی الله علیه و آله و نظر کرد بحضرت فاطمه از روی غضب و بعد از آن
آنحضرت برخاست و بیرون رفت پس حضرت فاطمه علیها السلام گریست
و اندوهگین شد و گفت که هرگز این نوع کاری نکرده بود پدرم پیش
از این پس حضرت فاطمه علیها السلام طلبید حضرت امام حسن و امام حسین

را علیهم السلام و برداشت پرده را از در خانه خود و بیرون کرد دستینها
از دست خود و دو دستینها را بیکی از ایشان داد و پرده را بدیگری داد و گفت
بایشان که ببرید نزد پدر من و سلام من برسانید و بگوئید باو که فاطمه
میگوید که بعد از آن که شما بسفر رفته بودید کاری غیر از این نکردم هر چه
میخواهید بکنید این پرده و دستینها پس حضرت امام حسن و امام
حسین علیهم السلام آمدند و گفتند بآنحضرت آنچه حضرت فاطمه علیها السلام
گفته بود حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بوسید ایشانرا و دست در
گردن ایشان کرد و ایشانرا در کنار خود نشاند و بعد از آن فرمود که
دستینها را شکسته شد و قطعه قطعه کردند و بعد از آن طلبید اصحاب
صفه را که طایفه از مهاجرین بودند که ایشانرا خانه و منزلی و مالی نبود و قسمت
کرد آن دستینه را بایشان و بعد از آن طلبید مردی از اهل صفه را که برهنه
بود و ستر پوشی نداشت و این پرده را بآن شخص داد این پرده را در ران
بود و پنهان داشت پس آن هر دو مقدار لنگی برداشت و باقی را آنحضرت
بر اصحاب صفه قسمت کرد و بهر یک مقدار لنگی داد و بعد از آن فرمود

زنان را که پسر خود از رکوع و سجود بر دارند پس از آنکه مردان بر دارند
و این حکم جهت آن بود که تنگ اصحاب صفه کوتاه بود هرگاه در رکوع
و سجود میکردند عورت ایشان ظاهر میشد از پس پشت ایشان
پس سنت شد که زنان سر خود را از رکوع و سجود بر ندارند پیش از مردان
و بعد از آن گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که رحمت کند خدا
تعالی فاطمه را و خواهد پوشانید او را بسبب این پرده از جامهای
بهشت و زیور خواهد داد او را از زیورهای بهشت بسبب این دستنبند
روایتست از امام موسی کاظم علیه السلام که گفت که رسول خدا صلی الله
علیه و آله نزد فاطمه علیها السلام آمد و گردن فاطمه گردن بندی بود
پس آنحضرت اعراض کرد از حضرت فاطمه پس حضرت فاطمه برید آن گردن بند را
و انداخت پس رسول خدا صلی الله علیه السلام خشنود گشت و گفت ای
فاطمه تو از منی بعد از آن سائلی آمد و چیزی طلبید حضرت فاطمه علیها السلام
آن گردن بند را بآن سایل داد در بیان در آوردن طلا با دندان عیبی
بجای دندان شکسته یا افتاده روایتست از حلبی که گفت که پرسیدم از ابی

عبد الله علیه السلام از دندان پیش که شکسته شده باشد و جدا شده
باشد که آیا محکم می توان آنرا بطلا گرد و اگر افتاده باشد بجای او دندان
گوسفند میتوان نهاد گفت بلی و اگر خواهد که بجای آن دندان دندان
گوسفند بنهد میتوان نهاد بشرط آنکه گوسفند را ذبح کرده باشند
و بمضمون این حدیث را عبد الله بن سنان نیز روایت کرده است
از ابی عبد الله علیه السلام و روایتست از زراره که گفت که پرسید
پدرم از ابی عبد الله علیه السلام و من حاضر بودم از حال مردی که دندان
او افتاده بود که آیا میتوان که دندان آدمی مرده را بجای او بنهد ابی
عبد الله علیه السلام گفت باکی نیست **باب ششم** در بیان
لباس و منزل و آنچه متعلق بآن هر دو و درین باب ده فصل است
و آنچه مذکور درین باب اختیار کرده ایم از کتاب لباس که ذکر خواهیم کرد در محل
خودش فصل اول در بیان تجمل ملبس و کیفیت پوشیدن آن و دعایی
که می باید خواند در وقت پوشیدن لباس در بیان تجمل ملبس روایتست
از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که چون امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه

فرستاد او ابن عباس را پس خروج ابن عباس پوشید بهترین جامه‌های
خود را و بهترین بوی خوش بکار برد و سوار شد مرکبهای خود را و رفت
بسوی ایشان و با ایشان جنگ کرد پس خوارج گفتند ای ابن عباس
تو بهترین مردمانی و آمدی بنزد ما بلباس جباران و مرکبهای ایشان
پس ابن عباس خواند بر ایشان این آیت را قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ
الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ یعنی بگوی ای محمد که کی حرام
کرده است آرایشی که خدای تعالی مقرر فرموده یعنی جامه‌های رنگارنگ
آن آرایش که بمحض قدرت بیرون آورده برای بندگان خود از نباتات
چون کتان و پنبه و از حیوانات چون پشم و حریر و از معادن و کی حرام
کرده است روزی حلال لذیذ را از خوردنی و آشامیدنی پس گفت ابن
عباس که بپوش لباسهای خوب و تجمل کن بآن بدرستی که خدای تعالی
نیکوست و دوست میدارد نیکو تمامی باید که این لباس از وجه حلال باشد
روایت است از اسحاق بن عمار که گفت که پرسیدم یکی از ائمه را علیهم السلام
از حال مردی که مال داشته باشد و جامه‌های بسیار و پیراهن بسیار داشته

باشد و تجمل کند بآن که آیا این شخص مسرف است حضرت امام علیه السلام
گفت که خدای تعالی میگوید که لینفق ذو سعة من سعته یعنی که می باید که صرف کند
کسی که مال بسیار داشته باشد از مال خود روایت کرده است از ابی
عبد الله علیه السلام از پدر خود و پدر او روایت کرده است از امیر المؤمنین
علی صلوات الله علیه که گفت که روغن مالیدن آشکارا میکند جمال او و نیکو
کردن با بندگان خود خوار میگرداند دشمنان را روایت کرده است امام جعفر
صادق علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که مردی بر در خانهٔ حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد و رخصت طلبید که در آید نزد آنحضرت پس خواست
آنحضرت که بیرون آید بدیدن آنکس در حجرهٔ آنحضرت ظرفی بود پر آب آنحضرت
ایستاد و اصلاح کرد محاسن خود را و نظر کرد در ان ظرف آب و بعد از آن
بیرون رفت و چون بازگشت در آمد بخانه گفت عایشه بآنحضرت که یا رسول الله
تو بهترین فرزند آدمی و رسول پروردگار عالمی چرا ایستادی و نظر
کردی در ظرف آب و اصلاح کردی محاسن و موی سر خود را حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله گفت که ای عایشه خدای تعالی دوست میدارد که هرگاه

پیرون رود بنده مومن بنزد برادر مومن زینت کند خود را و تجمل
کند بلباس روایت از ابوالحسن علیه السلام که گفت که زینت کردن
از برای زن زیاده میکند پرهیزکاری زنان لباس نیکو در روایت
از سفیان ثوری که گفت که گفتم بابی عبد الله علیه السلام که روایت
میکنی که علی بن ابی طالب علیه السلام لباس درشت می پوشید و تو
لباس سفید خوب می پوشی حضرت امام گفت که وای بر تو بدرستی که
امیر المومنین علی علیه السلام در زمان عسرت و دشواری بود پس وقتی که
زمان وسعت باشد نیکان زمان سزاوارترند بچیزهای خوب روایت
کرده است امام حسن عسکری از امام رضا علیهما السلام که گفت که حضرت یوسف
علیه السلام دیبای پوشید و تکمه زر بافت می بست و بر تخت می نشست
و عدالت میکرد و در روایت علی بن الحسین علیهما السلام دو جامه می پوشید
در زمستان که خریده بودند آن دو جامه را برای آنحضرت بپانصد دینار یا
بپانصد درهم و می پوشید در تابستان جامه که پنبه علم دار و می فروخت
آن جامه را در تابستان به پنجاه دینار و تصدق میکرد بهای او را و در روایت

از عبد الله

از عبد الله علیه السلام بن سنان که گفت که شنیدم از ابی عبد الله علیه السلام
که گفت که من در طواف بودم که مردی کشید جامه مرا چون متوجه شدم عباد
بصری بود و گفت ای جعفر بن محمد می پوشی مثل این جامه را و حال آنکه تو بجای
امیر المومنین نشسته گفتم با او که وای بر تو این جامه سفید را خریدم بیک
دینار و کسری و امیر المومنین علی صلوات الله علیه در زمانی بود که نیکو
بود او را پوشیدن آن جامه در زمان و اگر آن نوع لباس در این زمان بپوشم
مردمان میگویند که این کس ریا میکند مثل عباد روایت از امیر المومنین
علی صلوات الله علیه که گفت که زینت کند یکی از شما برای برادر مومن
وقتی که بیاید آن برادر نزد او چنانکه زینت میکند از برای غریبی که دوست
میدارد که ببیند او را در بهترین صورتی و در روایت از ابی
خداش المهری که گفت که گذشت با در بصره غلام امام رضا علیه السلام
که نام او عبید بود و گفت که آمدند طایفه از اهل خراسان نزد ابوالحسن
علیه السلام و گفتند با او که مردمان منکرند این لباس که بپوشید
حضرت امام علیه السلام با ایشان گفت که یوسف بن یعقوب پیغمبر بود

و پدر و جد او پیغمبر بودند و دیبا می پوشیدند و لنگ از لبوت می
وی نشست بجای آل فرعون و مرتبهٔ او پست نشد نزد خدای تعالی
و عدالت میکرد و واجب است بر امام که وقتی که حکم کند عدل نماید و
هرگاه وعده نماید و بآن وعده وفا کند و هرگاه سخن گوید راست گوید
و خدای حرام کرده است حرام اگر خواه کم باشد خواه بسیار و حلال
کرده است حلال اگر خواه کم باشد و خواه بسیار و روایت کرده
محمد بن عیسی که یکی از ائمه علیهم السلام گفت آنهای که خشنت میکنند از
دوستان من دوست میدارند که بزنند نشینم و لباس زشت بپوشم
و زمان تقاضای او میکنند در بیان بسیاری جامه روایت از اسحق بن عمار
که گفت که گفتم بابی عبد الله علیه السلام که آیا میتواند بود که مومن را ده پیراهن
باشد گفت بلی گفتم بیست تواند بود گفت بلی و این اسراف نیست
اسراف آنست که جامه که با آن تجمل کنی همیشه بپوشی او را روایت کرده
ابی اسحاق از ابی عبد الله علیه السلام مثل این و گفت که گفتم ابی عبد الله علیه السلام
که آیا می تواند بود مومن را صد هزار جامه گفت بلی روایت از اسحق بن عمار

که گفت

که گفت که گفتم بامام موسی کاظم علیه السلام که اگر مردی ده پیراهن داشته
باشد اسراف است گفت نه بلکه پیراهن بسیار داشتن نگاه میدارد جامها
لیکن اسراف آنست که بپوشی جامهٔ تجمل خود را در جای که باک نباشد در بیان
دعای که می باید خواند در محل جامه پوشیدن روایت از معویة بن عمار که
گفت که ابو عبد الله علیه السلام در وقت جامه پوشیدن این دعا خواند
اللهم اجعل ثوب یمن و برکت اللهم ارزقنی فیه شکر نعمتک و حسن
عبادتک والعمل بطاعتک الحمد لله الذی رزقنی ما استر به عورتی
و اتجمل فی الناس روایت از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که اگر کسی
که بپوشد جامهٔ نوی و سی و شش بار انا انزلناه بخواند و چون برسد تنزل
الملائکة تنزل الملائکة بگوید و بعد ازان اندکی آبی بردارد و بعضی بپاشاند
ازان آب را در ان جامه و بعد ازان در ان جامه دو رکعت نماز بگزارد و
دعا کند پروردگار خود را و در دعا کردن بگوید الحمد لله الذی رزقنی ما اتجمل
به فی الناس و اواری به عورتی و اصلی فیه لربی و محمد گوید خدای تعالی [illegible]
فرزندی باشد تا آنکه جامه کهنه شود و روایت که پرسیدند از ابی

جعفر صادق علیه السلام که چون شخصی خواهد که جامهٔ نو بپوشد چه دعا بخواند
گفت که این دعا بخواند که بسم الله و بالله اللهم اجعله ثوب یمن و تقوی
و برکة اللهم ارزقنی فیه حسن عبادتک و عملا بطاعتک و اداء شکر نعمتک
الحمد لله الذی کسانی ما اواری به عورتی و اتجمل به فی الناس منقولست
از کتاب زهد امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه که روایت کرده است
ازرزاق از جد خود عمران که گفت که ندیدم هرگز مردی که زهد و پرهیزکاری
او در دنیا بیشتر باشد و قیمت کردن او لبوس پیشتر باشد از
امیر المؤمنین علی علیه السلام بحق خدا که نپوشید هرگز دو جامه را تا آنگاه از
دنیا رحلت کرد و نمی پوشید در آن زمان دو جامه را مگر هر دو [illegible]
روایتست از علی بن ابی رجبه که گفت که دیدم در بدن امیر المؤمنین علی
علیه السلام جامه ها گفتم با امیر المؤمنین که چیست این گفت کدام جامه پوشنده
راست عورت او و خشک کننده راست عرق او از این جامه روایت کرده
امام جعفر صادق علیه السلام از پدران خود علیهم السلام و ایشان روایت
کرده اند از امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه که هر کسی که قناعت کند به

دنیا بآنچه

دنیا بآنچه کفایت کند اندک چیزی کافیست در دنیا او را و کسی که قانع نباشد
از دنیا بآنچه کفایت کند او را هیچ چیز در دنیا کفایت کند او را روایت
از عبد الاعلی مولای آل سام که گفت که گفتم با ابی عبد الله علیه السلام که
مردمان میگویند که نزد ما مال بسیار است ابی عبد الله علیه السلام گفت که
بدی آمد مرا این سخن بدرستی که امیر المؤمنین علی علیه السلام بر جماعت
مردمان از قریش پیراهن پوشیده بود که بسیار پاره بود و آن جماعت
گفتند علی را مال بیت امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه شنید این
سخن پس فرمود آن کسی که مال او بصدقه میداد که جمع کند خرماهای
و یکبس زنان خرما نه بدو بفروشی خرما را و بهای او را [illegible]
چنین کرد و آن زن نزد امیر المؤمنین علیه السلام آورد امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه
آن زن خرما را بجای خرما نهاد و گفت [illegible] بالا رود این
پای خود را بران زن [illegible] که گویا تو قصد آن زن کردی تا آنکه پراکنده شود
بعد از آن امیر المؤمنین علی علیه السلام مردی از جماعت الطیبه و بعد از آن
خرما الطیبه پس آن مرد رفت و پای خود را بران زن زد و پراکنده کرد آن

بدهکار را انجا نخست گفتند این جبه نزد است یا ابو الحسن امیر المومنین صلوات الله علیه
گفت این مال انکسی است که گمان شما این بود که او را مالی نیست چون
بیرون رفتند امیر المومنین علی علیه السلام فرمود با اصحاب خود که بهر اهل
که من نخواستم که با ایشان شما این رو را بر سانید گفت ابو عبد الله علیه السلام
که دوست نمیدارم که بگویند مردمان غیر این را و حدیث از مختار تمار که گفت که
شب بروز می آوردم در مسجد کوفه و نانی میگرفتم از دقاقی که از اهل بصره بود روز
بیرون رفتم پس آواز کرد مرا مردی و گفت که لنگ خود را بالا کش بدرستی که
جامه تو پاک تر می ماند و بتقوی و پرهیزکاری تو زیاده میشود گفتم که کیست
این مرد گفتند که علی بن ابی طالب صلوات الله علیه پس در عقب آنحضرت
رفتم و متوجه بود ببازار شتر چون بآن بازار رسید ایستاد و گفت
ای جماعت بازرگانان بپرهیزید از سوگند دروغ بدرستی که سوگند دروغ
کم متاع را می برد برکت را و بعد از آن از آنجا گذشت و ببازار خرما فروشان
رسید پس کنیزی میگریست نزد خرما فروشی امیر المومنین علیه السلام
بآن کنیز گفت که چیست ترا آن کنیز گفت که من بنده مردم ام و ایشان

یکدرهم داده اند و فرستاده اند مرا که از برای ایشان خرما بخرم
چون خرما خریدم و نزد ایشان بردم قبول نکردند باز آوردم خرما را
نزد خرما فروش و او قبول نمیکند امیر المومنین علی علیه السلام گفت
بخرما فروش که بگیر این خرما را و زر کنیز بازده خرما فروش قبول نکرد
کسی بخرما فروش گفت که این علی بن ابی طالب است پس خرما فروش
خرما را گرفت و گفت که نشناختم ترا یا امیر المومنین عفو کن مرا پس
امیر المومنین علی صلوات الله علیه گفت ای جماعت بازرگانان
بترسید از خدای تعالی و پرهیزکاری کنید و نیکو کنید خرید و فروخت
را تا آمرزیده شویم ما و شما و بعد از آن امیر المومنین علی صلوات الله علیه
از آنجا گذشت و باران شد نزدیک خانه رسید و اذن طلبید که بآن
که بآن خانه در آید صاحب خانه رخصت نداد و دور کرد امیر المومنین را
از خانه خود امیر المومنین صلوات الله علیه بقنبر گفت که بیرون آر صاحب
خانه را و تازیانه بزن قنبر چنین کرد و بعد از آن امیر المومنین علی علیه السلام
گفت بصاحب خانه که ترا بجهت آن زدم که مرا بخانه خود راه ندادی

و لیکن بجهت آن زدم که مسلمانی ضعیف را منع نکنی و دور نکنی از خانهٔ
خود و بعد از ان از آنجا کذشت و آمد ببازار کرباس فروش پس رسید
بمردی که دراع داشت و کفت بان مرد که آیا نزد تو دو جامه هست که بهای
او پنج درهم باشد آن مرد برجست و کفت یا امیر المؤمنین نزد من هست
آنچه تو میخواهی چون آن مرد شناخت امیر المؤمنین را امیر المؤمنین علی
صلوات الله علیه ازو درکذشت و رسید بغلامی و کفت ای غلام
نزد تو دو جامه هست که بهای او پنج درهم باشد غلام کفت بلی امیر المؤمنین
علی صلوات الله علیه دو جامه خرید ازو غلام یکی را به سه درهم و دیگری را
بدو درهم آن جامه را که به سه درهم خریده بود بقنبر داد قنبر کفت که یا امیر المؤمنین
تو باین جامه سزاوارتری بجهت آنکه تو بر بالای منبر میروی و خطبه میخوانی
امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود که ای قنبر تو جوانی و ترا حرص جوانی
هست و من شرم میدارم از پروردکار خود که تفضیل جویم بر تو و جامهٔ
بهتر را بپوشم و من شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله که میکفت که
از آنچه تمامی بپوشید بندکان خود را بپوشانید و از آنچه تمامی بخورید بایشان

بدهید چون امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه جامه را پوشید دست خود را
دراز کرد آستین جامه دراز تر بود از انکشتان آنحضرت امیر المؤمنین
کفت بان غلام که این زیادتی را ببر پس زیادتی را ببرید و کفت غلام
بانحضرت که بیار که بدوزم آستین ترا امیر المؤمنین علی علیه السلام کفت که
بگذار که همچنان باشد چه پستی کار دنیا زود میکذرد و باین چیزها متوجه نمی باید شد
[illegible] از ابی بصیر که کفت که شنیدم از ابی جعفر علیه السلام که میکفت که امیر المؤمنین
علی صلوات الله علیه پیراهنی خرید بچهار درهم و پوشید او را و دست خود را
دراز کرد آستین دراز تر بود از انکشتان آنحضرت کفت بچینیا که مقراض
[illegible] مقراض آورد پس آنحضرت برید آستین پیراهن را آنچه زیاد از انکشتان بود
و بعد از آن این دعا خواند که الحمد لله الذی کسانی من الریاش ما استر به
عورتی و اتجمل به فی الناس اللهم اجعله ثوب یمن اتبرک به واسعی فیه لمرضاتک
عمری و اعمر فیه مساجدک بعد از آن کفت که شنیدم که از حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله که هر که نو بپوشد و این دعا بخواند خدای تعالی کناهان
او را بیامرزد که منقول است از نجات که می باید خواند نزد پوشیدن زیر جامه

اینست که اللهم استر عورتی و آمن روعتی و اعف فرجی و لا تجعل للشیطان
فی ذلک نصیبا و لا له الی ذلک وصولا فیصنع الی المکاید و یهیجنی لارتکاب
محارمک و روایت کرده است امام جعفر صادق علیه السلام از امیر المؤمنین
علی صلوات الله علیه که گفت که پیغمبر صلی الله علیه و آله و پیغمبران دیگر علیهم السلام
پیراهن ایشان زیر جامه می پوشیدند و در روایت آمده است
که زیر جامه را ایستاده و روی بقبله و روی بمردم نمی باید پوشید و روایت
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه
روزی غمگین شد پس گفت این غم از کجا آمد میدانم که نشسته باشم بر آستانه
دری و رفته باشم در میان گوسفندان و ایستاده زیر جامه پوشیده باشم
و دست و روی خود بدامن خود خشک کرده باشم و روایت از حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله که گفت که وقتی که جامه بپوشید و وضو کنید ابتدا بدست
راست کنید و روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام که امیر المؤمنین
علی صلوات الله علیه گفت که هرگاه بپوشاند خدای تعالی مومنی را جامه
نوی باید که وضو کند و دو رکعت نماز بگزارد و در هر رکعتی فاتحه و قل هو الله

و آیة الکرسی

و آیة الکرسی و انا انزلناه بخواند و بعد از آن حمد بگوید خدای تعالی را که پوشانید
عورت او را و زینت داد خدای او را در میان مردمان و بسیار بگوید لا حول
و لا قوة الا بالله بدرستی که چون چنین کند مادام که این جامه را پوشیده
باشد گناه نکند و از برای او بعدد هر رشته که در این جامه است فرشته
طلب آمرزش و رحمت کند روایت از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که
وقتی که وضو کند یکی از شما تا چیزی بیاشامد یا طعامی بخورد یا چیزی بپوشد
و هر کاری کند سزاوار آنست که بسم الله بگوید و اگر بسم الله نگوید شیطان
شریک او می شود در آن کار و در روایت آمده است که [illegible] جامه
نوی بپوشد باید که بگیرد قدحی او در آن آب کند و بر آن آب انا انزلناه
سی و پنج بار بخواند و آن آب را بپاشاند بر جامه خود و بعد از آن بپوشد
بدرستی که هر کسی که چنین کند همیشه فراخ روزی باشد تا آن جامه کهنه
شود و در روایتی دیگر آمده است که امام رضا علیه السلام در جامه پوشیدن
ابتدا بدست راست میکرد و هر گاه جامه نوی پوشید قدحی آبی میطلبید
و بر آن ده بار انا انزلناه و ده بار قل یا ایها الکافرون و ده بار قل هو الله احد

بیچو اندو آن آب باران جامه می باشید و بعد از ان آن جامه را می پوشید
و گفت که انکسی که چنین کند همیشه در فراخی و خوشی باشد مادام که از ان
جامه رشته باقی باشد در روایتست از زراره که گفت که شنیدم از ابو جعفر
علیه السلام که گفت که امیر المومنین علی صلوات الله علیه خرید در عراق
پیراهن درشتی بچهار درهم و بریدا ستینهای آن تا رسید بسر انگشتان
و کوتاه ساخت آن پیراهن را تا نصف ساق چون پوشید آن پیراهن را
حمد و ثنای خدای تعالی گفت در روایتست از ابن عباس که گفت حضرت رسالت
پناهی صلی الله علیه و آله که انکسی که لنگ نیابد باید که زیر جامه بپوشد و انکسی
باید که موزه بپوشد فصل دوم در بیان بالا کشیدن جامه پاک نگاه
داشتن آن در روایتست از اسحاق بن عمار که گفت که ابو عبد الله علیه السلام
که کمترین اسراف آنست که بریزد آب اگر مانده باشد در ظرف و جامه
تجمل را همیشه بپوشند و بیندازند چیزها خرما را و هم روایتست از اسحق
که گفت ابو عبد الله علیه السلام که اسراف آنست که جامه تجمل خود را همیشه
بپوشی در روایتست از حسن بن علی یقطین که گفت ابو جعفر علیه السلام

که بالا کشیدن جامه

که بالا کشیدن جامه راست جامه است و بیشتر می ماند در روایتست از
ابو جعفر علیه السلام که جامه پاکیزه خوار میکرداند دشمن را و روغن مالیدن
می برد سختی را و سر شانه کردن می برد و با را و مجالس شانه کردن محکم
میکرداند دندانها را در روایتست از ابو جعفر علیه السلام که گفت امیر المومنین
علی صلوات الله علیه که شستن جامه می برد اندوه و غم را و پاک کننده است
از برای نماز و گفت خدای تبارک و تعالی که و ثیابک فطهر یعنی جامهای خود را
پاک گردان امیر المومنین علی علیه السلام فرمود که مراد از پاک گردانیدن
جامه آنست که بالا کشند جامه را و روایت کرده است ابو جعفر از پدر خود
علیهما السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که انکسی که جامه بپوشد
باید که پاک نگاه دارد جامه را و روایتست از ابو جعفر علیه السلام که گفت که
قول خدای تعالی و ثیابک فطهر یعنی دارد که جامهای خود را بالا کش و بر زمین
مکش و هم روایتست از ابی جعفر علیه السلام که قول حضرت حق سبحانه
و تعالی که و ثیابک فطهر یعنی دارد که جامهای خود را کوتاه کن فصل سیم
در بیان پوشیدن انواع لباس و اختلاف رنگهای آن در بیان پوشیدن

جامهٔ سفید را روایت از ابی عبد الله علیه السلام که گفت امیر المؤمنین
علی صلوات الله علیه و آله که بپوشید جامهٔ که از پنبه باشد چه
این لباس رسول خدا صلی الله علیه و آله و لباس ماست و نمی پوشیم ما که
از اهل بیتیم جامهٔ که از پشم و مو ساخته باشند مگر بجهت علتی و گفت
امیر المؤمنین علی علیه السلام که خدای تعالی صاحب جمالست و دوست
میدارد صاحب جمال را و دوست میدارد که ببیند اثر نعمت را بر بندهٔ
خود و در روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که کتان لباس
پیغمبرانست علیهم السلام و روایت کرده است جابر از ابی جعفر
علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که نیست از لباس شما چیزی
بهتر از جامهٔ سفید پس بپوشید جامهٔ سفید را و کفن کنید بآن مردهای
خود را در بیان لباس سیاه روایت کرده است سلیمن بن رشید
از پدر خود که گفت که دیدم ابو الحسن را علیه السلام که ردای سیاه و ردای
کبود بر دوش خود انداخته بود روایتست از ابی طیبان الحسنی که
که آمد نزد ما امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه و ما در صحن مسجد بودیم و او

خمیصه جامهٔ سیاه چهار گوشه است که دو علم دارد روایتست از حسین
بن مختار که گفت که گفتم با ابی عبد الله علیه السلام که آیا احرام میتوان
بست در جامهٔ سیاه حضرت امام علیه السلام گفت که جایز نیست
احرام بستن در جامهٔ سیاه و کفن کردن میت را بآن در بیان پوشیدن
لباس زرد و زعفرانی روایتست از ابی الطیبان الحسنی که آمد نزد ما امیر المؤمنین
صلوات الله علیه و ما در صحن مسجد بودیم و او لنگی زردی بسته بود و خمیصه
سیاهی و نعلین پوشیده بود و در دست او عنزه بود و در روایتست
از زراره که گفت که ابو جعفر علیه السلام بیرون آمد که نماز گزارد و بر بعضی از
اطفال خود پوشیده بود جبه و دستار و مطرفی که هر یک از کجینه زرد بود
و مطرف ردای است که از خز و ابریشم بافته باشند و بران علمهای
منقش باشد و در روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که هیچ
چیز نیکوتر نیست بر کعبه از چادر یک پارهٔ تنگ عود که بزعفران رنگ
کرده باشند در بیان لباس که بجل کار بزر رنگ کرده باشند روایتست
از عبد الله بن عطا که گفت که دیدم که ابی جعفر علیه السلام که

بالاپوشی سرخ رنگی پوشیده بود که از رنگین شده بود بدن مبارک
آنحضرت گفتم باآنحضرت که چه چیز است این گفت که بالاپوش زوجه
مینست و روایتست از حکم بن عتیبه که گفت که رفتم نزد ابی جعفر
علیه السلام و آنحضرت بالاپوشی پوشیده بود که رنگ کرده بودند آنرا بگل
کاربزه و میان دو دوش و گردن آنحضرت از آن رنگین شده بود پس
نظر کردم با آن بالاپوش حضرت امام علیه السلام گفت ای حکم چه میگوی
در حق این بالاپوش گفتم که ما عیب میکنیم جوانان را اگر مثل این کار
کنند پس چگویم و حال آنکه تو پوشیده بر خود حضرت امام علیه السلام
گفت که ای حکم کیست که حرام کرده است زینت خدای تعالی را که او داده است بر
بندگان خود روزی حلال را ای حکم من نو کدخدا شده ام و کسی که نو کدخدا
شود می باید که زینت کند خود را روایتست از ابی جعفر علیه السلام
و او بالاپوشی پوشیده بود که بسیار سرخ بود وقتی که در آمدم نزد آنحضرت
تبسم کردم حضرت امام علیه السلام گفت دانستم که چرا خندیدی بجهت
آنکه این بالاپوش پوشیده ام خندیدی بدرستی که ثقفیه بزور پوشانید

این بالاپوش را بمن و ثقفیه نام زنی است که آنحضرت بنکاح خود آورده
بودند بعد از آن حضرت امام علیه السلام گفت که ما نماز میکردیم در این
جامه پس باید که تمام نماز بگذارید در جامه سرخ بعد از این در نقد نزد
امام علیه السلام رفتم بچند روز و احوال ثقفیه پرسیدم آنحضرت گفت که
او را طلاق دادم بجهت آنکه وقتی با او خلوت کرده بودم معلوم شد
که آن دشمن امیر المومنین علی صلوات الله علیه بود و نخواستم که
نگاه دارم او را و حال آنکه او دشمن امیر المومنین علی علیه السلام باشد
روایتست از حکم بن عتیبه که گفت که دیدم ابی جعفر را علیه السلام
که رنگ سرخی بسته بود پس تیز نظر کردم در آنحضرت حضرت امام علیه السلام
گفت که ای ابومحمد پوشیدن باکی نیست و بعد از آن این آیت را
خواند قل من حرم زینة الله التی اخرج لعباده والطیبات من الرزق
یعنی بگو ای محمد که کی حرام کرده است آرایشی که خدای تعالی مقرر فرموده
یعنی جامهای رنگارنگ آن آرایشی که بمحض قدرت بیرون آورده برای
بندگان خود از نباتات چون کتان و پنبه و از حیوانات چون پشم

وحریر و کی حرام کرده است روزی حلال لذیذ را از خورد سینه
وآشامیدنی در بالا پوشیدن لباس گلگون و عدسی و کبود و سرخ
و سبز روایتست از حسن بن زیات که گفت که دیدم ابی جعفر را علیه السلام
که بالاپوشی گلگون پوشیده بود روایتست از محمد بن علی که گفت که دیدم
ابو الحسن علیه السلام جامهٔ عدسی پوشیده بود روایت کرده است
سلیمان بن رشید از پدر خود که گفت که دیدم بر دوش ابی الحسن علیه السلام
ردای کبودی روایتست از ابی العلا که گفت که دیدم ابی عبد الله علیه السلام
که جامهٔ سبزی پوشیده بود در وقتی که احرام حج بسته بود روایتست
از ابان بن تغلب که گفت که رفتم نزد ابی عبد الله علیه السلام در روز
آخر ماه رمضان بعد از عصر حضرت امام علیه السلام گفت بمن که ابان
جبرئیل علیه السلام فرود آمد نزد پیغمبر صلی الله علیه وآله در روز آخر از ماه
رمضان بعد از عصر وچون متوجه آسمان شد حضرت رسالت پناه صلعم
طلب کرد حضرت فاطمه علیها السلام وحضرت فاطمه علیها السلام هرگاه
که می شنید که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله او را طلب کرده قبول میکرد

پس حضرت فاطمه علیها السلام رفت نزد آنحضرت و بر و خوط بود که نصف
او بر میان بسته و نصف دیگر را بر سر خود انداخته بود پس گفت حضرت
رسول خدا صلی الله علیه وآله بحضرت فاطمه علیها السلام که طلب کن امیر
المؤمنین علی را صلوات الله علیه حضرت فاطمه علیها السلام طلبید امیر المؤمنین
علی را صلوات الله علیه پس حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله نشاند امیر المؤمنین
علی را علیه السلام بر دست راست خود و بعد از ان دست امیر المؤمنین
علی را گرفت و در کنار خود نهاد و نشاند حضرت فاطمه را بر دست چپ
خود و دست او را گرفت و در کنار خود و بعد از ان با امیر المؤمنین و حضرت
فاطمه علیهم السلام گفت که آیا خبر دهم شما را از انچه خبر داد بمن جبرئیل
علیه السلام گفت بلی آیا رسول الله آنحضرت گفت که خبر داد بمن جبرئیل
علیه السلام که من از جانب راست عرش خواهم بود در روز قیامت
و خدای تعالی خواهد پوشانید مرا دو جامه که یکی سبز باشد و دیگری
سرخ و تو هم یا علی از جانب راست عرش خواهی بود و خدای تعالی
بتو نیز دو جامه خواهد پوشانید یکی سبز و دیگری سرخ ابان بن تغلب

میگوید که گفتم بابی عبد الله علیه السلام که فدای تو گردم چه چیز است که مردان
کراهت میدارند جامهٔ سرخ را حضرت امام علیه السلام گفت که ای
ابان حضرت حق سبحانه و تعالی چون که حضرت عیسی را بآسمان برد او را
در بهشت بجای برد که در و معشاد غرفه بود و پوشانیده دو جامه یکی سبز
و دیگری گلگون گفت ابان که فدای تو گردم خبر ده مرا مثل این از قرآن
حضرت امام علیه السلام گفت ای ابان خدای تعالی میگوید که فاذا
انشقت السماء فکانت وردة کالدهان یعنی وقتی که آسمان شکافته شود
برای فرود آمدن فرشتها پس برنگ گل سرخ مانند ادیم سرخ فصل
چهارم در بیان پوشیدن جامهٔ خز و حله و غیر آن در بیان پوشیدن جامهٔ
خز و جامهٔ خز حیوانیست که در دریا می باشد و از موی او جامه میسازند
و بعضی اینرا خز میگویند روایتست از عبد الله بن سلیمان که گفت که
شنیدم از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که علی بن الحسین را علیهم السلام
زود بزمستان می یافت و او میخرید جامهٔ خز را بهزار درهم یا پانصد درهم
چون زمستان بیرون میرفت می فروخت آن جامه را و بهای او

تصدق

تصدق میکرد و هیچ جامه نبود که نمی فروخت غیر خز روایتست
از قتیبه بن محمد که گفت که گفتم بابی عبد الله علیه السلام گفت که باکی
نیست بپوشیدن جامهٔ ابریشمین وقتی که با ابریشم چیز دیگر باشد
روایتست که رسید شخصی بحضرت امام حسین علیه السلام و آنحضرت
جامهٔ خز پوشیده بود که تار آن ابریشم بود و گفت یا حضرت که ما
می پوشیم این لنگ بربر او پشم آن میته است و بربر طایفه از مردم اند
حضرت امام علیه السلام گفت که در پشم روح نمی باشد آیا نمی بینی که پشم را
می برند و میفروشند و آن حیوان زنده است و بربر طایفه از مردم اند
روایت کرده است امام حسن عسکری که گفت امام علی نقی که امام زین العابدین
علیهم السلام دو جامه می پوشید در تابستان و آن دو جامه را میخریدند
از برای آنحضرت بپانصد درهم و می پوشید در زمستان ردای از خز
و میفروخت آنرا در تابستان به پنجاه دینار و تصدق میکرد بهای آنرا
روایتست از محمد بن مسعده که گفت ابی عبد الله علیه السلام که پدرم محمد
می پوشید جامهٔ خز که بپانصد درهم میخرید هرگاه سال بر آن جامه میگذشت

تصدق میکرد آن جامه را شخصی گفت بحضرت امام علیه السلام که کاشکی
آن جامه را بفروشی و بهای او را تصدق کنی حضرت امام علیه السلام
گفت چون بفروشم جامه را که نماز گزاردم در آن روایتست از عبد الرحمن
بن حجاج که گفت که پرسید مردی ابا عبد الله را علیه السلام از پوست
خز و من حاضر بودم ابو عبد الله علیه السلام گفت که باکی نیست پوشیدن
آن گفت آن مرد بابی عبد الله علیه السلام که فدای تو گردم این خز جانور
مائی باشد و آن سگ آبی است که از آب بیرون می آید گفت ابی عبد الله
علیه السلام که هرگاه بیرون می آید زنده می ماند در خشکی آن مرد گفت بلی
حضرت امام علیه السلام گفت که باکی نیست با آن منقولست از کتاب
امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه که روایت کرده است علی بن عمران که
گه بیرون رفت حسین بن علی علیهما السلام و امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه
در صحن مسجد بود و حضرت امام حسین علیه السلام پیرهنی از خز پوشیده بود
و طوق طلا در گردن داشت گفت امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه که این
پسر منست گفته اند امیر المؤمنین علی علیه السلام طلبید حضرت امام حسین را

علیه السلام و پاره کرد پیراهن او را بر تن او و گرفت طوق را و پاره
پاره کرد در بیان پوشیدن حله روایتست از معلی بن خنیس که ابو عبد الله
علیه السلام گفت که آوردند نزد امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه
چند حله و در میان آنها یک حله نیکوئی بود حضرت امام حسین علیه السلام
گفت که این حله را بمن ده امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه قبول
نکرد و گفت بجای او دو حله بتو بدهم امام حسین علیه السلام
قبول نکرد و گفت [illegible] آن هر دو است امیر المؤمنین علی
گفت بجای او سه حله بتو بدهم امیر المؤمنین علی [illegible] السلام
که چهار حله بتو بدهم تا آنکه به پنج حله رسانید امام حسین علیه السلام
قبول کرد امیر المؤمنین صلوات الله علیه آن پنج حله را بامام حسین
علیه السلام داد و گفت بامام حسین علیه السلام که می پوشی این پنج
حله را و مردمان بگویند که لبس امیر المؤمنین علیه السلام پنج حله را پوشید
و ضایع و جبر کین میکنند پنج حله را و حال آنکه پنج حله را به پنج سلمان
می پوشانم در بیان پوشیدن جامه ابریشمین روایتست کرده است

امام جعفر صادق از پدر خود علیهما السلام که گفت که آمد اسامة بن زید
نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله ابریشمین پوشیده بود حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله فرمود که این لباس کسی است که او را نصیب نیست
از آخرت و بعد از آن آنحضرت فرمود که پاره کن آنجا اسامه پاره کرد آن
جامه را و مقنعه زنان خود ساخت روایتست از ابی عبد الله علیه السلام
که گفت که نیکو نیست پوشیدن جامه ابریشمین و دیبا اما فرو خفتن
آن باکی نیست و روایتست که پرسیدند ابا عبد الله یا ابو الحسن را
علیهما السلام از پوشیدن جامه ابریشمین و دیبا آنحضرت گفت پوشیدن
او در جنگ باکی نیست و اگرچه در وصورتها باشد و منقولست از کتاب
امیر المؤمنین صلوات الله علیه که گفت علی بن عمران که بیرون رفت
حسین بن علی علیهما السلام و امیر المؤمنین علی صلوات علیه در صحن
مسجد بود و امام حسین علیه السلام پیراهن خز پوشیده بود تا آخر
روایت که از پیش گذشت و غرض از نقل درین روایت درین مقام آنست
که پوشیدن جامه خز جایز است روایتست از عمرو یا از عمرو بن جمیع

السکونی

السکونی که گفت که آوردند نزد امیر المؤمنین صلوات الله علیه اسپ سیفی را
تا آنکه آنحضرت سوار شود چون امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه پای خود را
در رکاب نهاد گفت بسم الله چون دست خود را بر زین نهاد دست آنحضرت
لغزید گفت که آیا میان این زین دیباست شخصی گفت بلی پس امیر المؤمنین
علی علیه السلام سوار نشد چون دانست که دیباست در بیان پوشیدن
جامهای مصری که در آن ابریشم باشد و غیر آن روایتست از داود بن سرحان
که گفت ابی عبد الله علیه السلام که امیر المؤمنین علی صلوات الله فرمود که
منع کرد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مرا از پوشیدن جامهای مصری
که در او ابریشم و یا انگشتری طلا در انگشت کردن یا سوار شدن بر زینی که بر رو
بالش سرخ باشد یا قرآن خواندن در رکوع و سجود منع کرد شما را از اینها
فصل تجسم در بیان تکبر و تواضع کردن بجهت جامها و بو دادن جامها
و پوشیدن جامهای میانه و پوشیدن جامه درشت در بیان تکبر کردن
بجهت پوشیدن جامها روایتست از عبد الله بن هلال که گفت که
فرمود مرا ابی عبد الله علیه السلام که بخرم از برای او فوطه که لنگ کند.

گفتم با آنحضرت که بی امام مکروه دارند گفت ابو عبد الله علیه السلام
گفت چه من فرموده که آنچه از جامه در گذرد از کعبین در دوزخ است
روایت کرده است عبد الله بن هلال از عبد الله علیه السلام مثل این
روایت که گذشت و گفت که آنچه در گذرد از کعبین از دو جامه در دوزخ است
و گفت ابو اسحاق السبیعی که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که
بپوش لنگی که تا نصف ساق باشد تا تا کعبین و پس من از فرو گذاشتن
لنگ آنقدر که بگذرد از کعبین بدرستی که فرو گذاشتن لنگ از تکبر است
و خدای تعالی دوست نمیدارد تکبر را و گفت حضرت رسالت صلی الله علیه و آله
که فرو گذاشتن دزدیر جامه پیراهن و دستاری باشد و آنکسی که بکشد یکی
از اینها را بر زمین از روی تکبر نظر نمیکند خدای تعالی با او در روز قیامت
منقولست از کتاب زهد امیر المومنین علی صلوات الله علیه که گفت
ابی مطر که امیر المومنین علی صلوات الله علیه روزی گذشت بر من و پسر
عم من و زد مرا بچوب و گفت که بالا کش جامه خود را یا لنگ خود را تا که
نشود و بیت کشیدن بر زمین پس گفت پسر عمم که چیست این کس که

پسر عمم مرا امیر المومنین علی علیه السلام گفت که من میگویم بالا کش جامه
خود را یا لنگ خود را تا سوده نشود پس امیر المومنین علی صلوات الله علیه
بتغیر گفت که چرا حمایت نکردی مرا چنانکه این شخص حمایت کرد پسر
عم خود را روایت از جابر که گفت ابو جعفر علیه السلام که حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله فرمود که بوی بهشت را درمی یابند از هزار ساله راه
و در نمی یابد بوی بهشت را کسی که بکشد بر زمین لنگ خود را از روی
تکبر و بزرگواری زیرا که بزرگواری لایق و سزاوار نیست مگر حق تعالی
که پروردگار عالم و عالمیانست روایت از ابی عبد الله علیه السلام
که گفت که حق سبحانه و تعالی دشمن میدارد کسی را که تکبر کند و کسی که فرو
گذارد لنگ خود را بمقداری که از کعبین بگذرد و کسی را که رویج دهد
متاع خود را بسوگند روایت کرده است ابی عبد الله از پدر خود علیهم السلام
که گفت که سه کس اند که سخن نمیگوید خدای تعالی با ایشان در روز قیامت
و پاک نمیکند ایشان را از عملهای بد که کرده اند و مر ایشانراست
عذاب دردناک یکی آنکس که فرو گذارد دامن خود را از روی عظمت

وبزرگی دیگر انکسی که هیچ کوید متاع خودرا بدروغ دیگر انکسی که اظهار محبت
وصفای خاطر کند ودلش پر از عداوت وکینه باشد روایت کرده اند از
ابی عبدالله علیه السلام وان از پدران خود علیهم السلام که حضرت پیغمبر
صلی الله علیه وآله فرموده که انکسی که راه رود از روی تکبر لعنت میکنند
زمین روایتست از بشیر نبال که گفت که روزی در مسجد بودم با ابو جعفر
علیه السلام پس بگذشت مردی سیاهی کرده وحله پوشیده بود ودامن حله را
النک کرده بود ودو کریبانرا از روی تکبر میرفت گفتم ابو جعفر
علیه السلام را که فدای تو کردم که این مرد جبار است من گفتم بابی جعفر علیه السلام
باز گفت این مرد جبار است از جمله چیزهای که وصیت کرده است حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه وآله ابو ذر غفاری را رحمة الله علیه انست
که ابو ذر بیشتر کسانی که بدوزخ میروند متکبرانند مردی گفت یا رسول الله
آیا هیچکس باشد که از تکبر خلاص شود حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود که
بلی انکسی که پشمینه پوشد وبر ازکوش سوار شود وکوسفند بدوشد
وبا مسکینان ودرویشان بنشیند از تکبر خلاص میشود ای ابو ذر انکسی

که بردارد

متاع خودرا اگر از بازار خریده است از تکبر خلاص میشود ای ابو ذر انکسی که
جامه خودرا بکشد بر زمین از روی تکبر نظر نمیکند خدای تعالی باو روز
قیامت ای ابو ذر لنگ مرد تا نصف ساق ادمی باید وباکی نیست
اگر تا میان ساق وکعب باشد وانچه پایین تر است از کعبها در آتش
دوزخ خواهد بود ای ابو ذر انکسی که کوتاه کند جامه خودرا از برای رضای
خدا اخلاص میشود از تکبر ودر بیان تواضع کردن در لباس روایتست
از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که علی بن الحسین علیهم السلام روزی
بیرون آمد وجامهای نیکو پوشیده بود پس زود بازگشت وبمنزل
خود رفت وگفت کنیزکی را اگر جامهای مرا که پیشتر پوشیده بودم بیار
که بپوشم که چون درین جامهای نیکو راه رفتم گویا من علی بن الحسین نبودم
روایتست که هرگاه علی بن الحسین راه میرفت سر خودرا در پیش می انداخت
ودمی جنبانید وکفهای خودرا بسر نمی جنبانید روایتست از ابی عبدالله
علیه السلام که گفت که هرگاه کسی جامه نرم بپوشد از حد خود در میگذرد
روایتست از حسن الصیقل که گفت که اورد بسوی ما ابو عبدالله علیه السلام

جامه را که امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه آن جامه ابو شیده بود
در حالت وفات ابن امن او را وجب کردم دوازده وجب بود
و آستینهای او سه وجب بود و میان او شش وجب روایتست
از ابی جعفر علیه السلام که گفت بجا حق که صاحب شما امیر المؤمنین علی
علیه السلام مخرید دو پیراهن درشت و بعد از ان میگفت بغلام خود
که هر کدام را میخواهی بردار یکی را غلام برمی داشت وی را پوشید و دیگری
را آنحضرت در میگذشت و از [illegible] کی گذشت میگذاشت
آن را بحال خود روایتست از زراره که گفت که شنیدم از ابی جعفر علیه السلام
که میگفت که امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه خرید در عراق پیراهن
درشتی بچهار درهم و برید آستینهای او را تا برابر سر انگشتان و آن پیراهن
تا نصف ساق آنحضرت بود و چگونه پوشید آن پیراهن حمد و ثنای
حضرت حق سبحانه و تعالی گفت و فرمود که آیا نجام این جامه را بخیا کشتم
بلی یا امیر المؤمنین پس آنحضرت طلب نمود آن جامه را آستینهای او
وجب بود و میان او سه وجب و دو ازی آن شش وجب مشکوست

از کتاب زهد امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه که روایت کرده است
اصبغ بن نباته که رفتیم با امیر المؤمنین علی علیه السلام تا آنکه ببازار
کرباس فروشان رسیدیم امیر المؤمنین علی صلی الله علیه و آله با اهل آن بازار
گفت که بر یکدیگر میرزید که از یک نوع بپیشند و بعد از ان از آنجا گذشت
و ببازار برده فروشان رسید و گفت که بخرید بجهت ولی کردن
کنیزان فروخته او و بعد از ان از آنجا گذشت تا آنکه رسید ببازار
ماهی فروشان و گفت [illegible] نفروشید از انواع ماهی جری
و مارماهی و طافی را و جری و مارماهی نوعیست از ماهی که فلوس
ندارد و طافی ماهی است که در آب مرده باشد و بعد از آنجا گذشت
و رسید ببازار بزن و در این نام محله است در بحرین و دو جامه خرید از کرد
از مردی و قنبر با آنحضرت بود امیر المؤمنین علی علیه السلام گفت که بفروش
دو جامه بمن آن مرد گفت که یا امیر المؤمنین چون آنحضرت دانست
که آن مرد شناخت او را بازگشت و از وجامه نخرید و رفت تا آنکه
آمد نزد غلامی و گفت با آن غلام که دو جامه بمن بفروش آن غلام

مضایقه کرد در بهای جامه تا آنکه بهای هر دو جامه را بهفت درهم
رسانید یکی را بچهار درهم و دیگری را بسه درهم پس گفت امیرالمومنین
علی صلوات الله علیه بقنبر که یکی از این دو جامه اختیار کن قنبر برداشت
آن جامه را که بچهار درهم خریده بود و آنحضرت پوشید آن جامه را
که بسه درهم خریده بود و گفت الحمد لله الذی کسانی ما اواری به عورتی
واتجمل به فی خلقه و بعد از آن آمد بمسجد اکبر و توده کرد پاره ریگ را و
پشت خود را بآن ریگ نهاد پس آمد پدر آن غلام که امیرالمومنین علی
علیه السلام از و جامه خریده بود و گفت که پسر من ترا نشناخت دو
درهم سود کرده است از بهای آن دو جامه که بشما فروخته است بگیر
این دو درهم را امیرالمومنین علی صلوات الله علیه گفت نمیگیرم این دو
درهم را بجهت آنکه مبالغه و مضایقه کردیم در خرید و فروخت و هر دو
باین بها راضی شدیم روایتست از ابی مسعده که گفت که دیدم امیرالمومنین
علی را علیه السلام که بیرون رفت از شهر پس نزدیک او رفتم و سلام
کردم بر آنحضرت و آنحضرت دست مرا گرفت و رفت با هم از فرات

خریده از انجا

خریده از انجا پیرهنی درشت بسه درهم یا بچهار درهم و پوشید آنرا و آستین
آن پیرهن برابر دست آنحضرت بود روایتست از سویدیکه که گفت که
دیدم امیرالمومنین علی علیه السلام که لنگ خود را بر بالای ناف بسته
بود و آن لنگ تا نصف ساق آنحضرت بود و در دست آنحضرت دره
بود و میگردید در بازار و میگفت پرهیزکاری کنید و بترسید از خدای تعالی
و کم مفروشید و نصیحت میکرد ایشان را بروجهی که گویا که تعلیم اطفال مینماید روایتست
از مجمع که گفت که امیرالمومنین علی علیه السلام بیرون آورد شمشیر خود را
و گفت که کیست که بخرد و بگیرد این شمشیر را و اگر مرا پیرهنی میبود شمشیر را
گرو نمیکردم شمشیر را بسه درهم و گرو کرد و خرید پیرهن کرباسی که آستین
آن پیرهن تا نصف ساق آنحضرت بود و دامن آن تا نصف ساق پای آنحضرت
بود روایتست از عبد الله بن ابی الهذیل که گفت که دیدم امیرالمومنین علی را
علیه السلام که پیرهن پوشیده بود که هرگاه که میکشید طرف آستین را
بناخن آنحضرت میرسید و هرگاه که میگذاشت تا سر دست آنحضرت
بود روایت کرده است ابی الاشعث العبری از پدر خود که گفت که دیدم

بیکرد

امیر المؤمنین علی را علیه السلام که در آب فرات روز جمعه غسل کرد و بعد
خرید برای من پیراهنی کرباسی به سه درهم و نماز جمعه گزارد با مردمان و در آن پیراهن
و تا دو جستر بوده که گریبان آن پیراهن [illegible] روایت کرده است سالم بن
مکرم از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه
پیراهن خرید به یک دینار و یک دینار عبارت از مثقال طلا است
که تا بالای کعب آنحضرت بود و لنگی که تا نصف ساق بود و ردای که از
پیش تا سینه بود و از پس تا پشت گاه در پوشید و بعد از آن حمد میگفت
خدای تعالی را تا آنکه بمنزل خود در آمد پس گفت باهل منزل که این لباسی است
که سزاوار است که بپوشیم ما فاما نمی توانیم پوشید درین زمان بجهت
آنکه اگر بپوشیم مردمان میگویند که دیوانه است یا بجهت ریا پوشیده است
و هرگاه صاحب الزمان ظهور کند این نوع لباس خواهد داشت [illegible]
از هشام بن سالم که گفت از ابو عبد الله علیه السلام که میگفت در راه
مکه بر رفیقان خود که هرگاه که فرود آید یکی از شما بمنزل باید که بپوشد
جامهای کهنه خود را یا جامهای درشت خود را بدرستی که هرگز که فرود آید

آن جامه را

بوادی مکه و در دل او هیچ کبر و تکبر نباشد خدای تعالی بیامرزد او را عبد الله
بن یعفور گفت حد کبر چیست حضرت امام علیه السلام گفت که حد کبر
آنست که کسی نظر کند بخود وقتی که جامه خوب پوشیده باشد و خواهد که
مردمان ببینند آن جامه را در بدن او و بعد از آن حضرت امام علیه السلام
خواند این آیه بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ یعنی آدمی بر آنچه
در نفس اوست داناست باید که آنچه داند که بدست نکند روایت است
از ابن سنان که گفت ابی عبد الله علیه السلام که بود پدر مرا دو جامه
درشت که در آن نماز میگزارد و هرگاه میخواست از خدای تعالی حاجتی
بطلبید آن دو جامه را می پوشید و از خدای تعالی حاجت خود میطلبید
در بیان پیوند کردن جامه روایت است از طلحه بن زید که گفت که ابی عبد الله
علیه السلام که روزی خطبه خواند امیر المؤمنین علی علیه السلام و پوشیده
بود لنگی که از کرباس درشتی بود که پیوند کرده بود آنرا پس شخصی
گفت بآنحضرت که این چه چیز است امیر المؤمنین علی علیه السلام گفت
پوشیدن این جامه موجب تواضع و فروتنی است و با جهت آن

پوشیده‌ام این جامه را که مؤمنان متابعت و پیروی ما کنند روایتست
که چون عبدالله بن عباس باز گشت از بصره و آورد مالی و در آمد بکوفه
و امیرالمؤمنین علی علیه السلام را دریافت در بازار و آنحضرت ایستاده بود
و منادی میکرد بنفس نفیس خود میگفت که ای جماعت مردمان اگر کی
خواهم ما که بعد امروز حبری و دیباج و طافی و مارماهی بفروشد میزنم او را
باین دره حبری و دیباج و مارماهی نوعی است از ماهی که فلوس ندارد و طافی
ماهی است که در آب مرده باشد ابن عباس گفت که سلام کردم بر
امیرالمؤمنین علی علیه السلام پس آنحضرت جواب سلام من داد و گفت
که ای ابن عباس چه کردی مال را گفتم یا امیرالمؤمنین علی علیه السلام نزد
من آیی و مرحبا گوی مرا که مال آوردم بعد از آن شخصی آمد نزد امیرالمؤمنین
علی علیه السلام و با آن شخص شمشیری بود که امیرالمؤمنین علی علیه السلام
باو داده بود که بفروشد آن شخص گفت که کیست که این شمشیر را بهفت درهم
بخرد پس امیرالمؤمنین علی علیه السلام گفت که مرا در بیت المال مسلمانان
کرباسی سوا کی می بود نمی فروختم این شمشیر را پس فروخت آن شمشیر را بهفت

درهم و خریدم پیراهنی بچهار درهم که گریبان او را فراویزی بود و دو درهم را
تصدق کرد و یک درهم سه روز مهمانی کرد مرا منقولست از زید بن
کریب که گفت روزی امیرالمؤمنین علی علیه السلام شمشیر خود را بیرون
آورد و گفت که کیست که بخرد شمشیر مرا و اگر مرا عبایی لنگی می بود نمی فروختم
این شمشیر را روایتست از فضل بن کثیر که گفت که دیدم ابی عبدالله علیه السلام
جامه کهنه پوشیده بود که پیوند کرده بود و آنرا کسی گفت که چیست این
آنحضرت گفت بمن که چه نظر میکنی من نظر کن درین کتاب و آنجا کتابی
بود پس نظر کردم نوشته بود که جامه نو نیست کسی را که جامه کهنه ندارد
روایتست که امیرالمؤمنین علی علیه السلام لنگی کهنه پوشیده بود که پیوند
کرده بودند آنرا کسی گفت که چیست این آنحضرت گفت که پوشیدن این جامه
موجب تواضع و فروتنی است و خوار میکرداند نفس را و ما بجهت این می
پوشیم این جامه را که مؤمنان متابعت ما نمایند در جهان پوشیدن جامه
میانه منقولست از معاویة بن وهب که گفت که گفتم ابی عبدالله را علیه السلام
که مردی بود که مال بسیار داشت و جامهای نیکو می پوشید و او را اصحاب

بسیار بود و بعد از آن مال او تمام تلف شد و حال او متغیر گشت و نمی‌خواست
که دشمنان خوشحال شوند و مشقت اسباب بهم میرسانید حضرت امام علیه السلام
گفت که باید که نفقه کند آنکسی که مال دارد بقدر وسع و آنکسی که تنگ روزی است
باید که نفقه کند از آنچیزی که خدای تعالی باو داده است بقدر حال خود و مشقت
نکشد در بهم رسانیدن اسباب در بیان پوشیدن جامهٔ پشمینه و جامهٔ درشت
روایتست از محمد بن حسین بن کثیر که گفت که دیدم ابی عبد الله علیه السلام
که جبهٔ پشمینه پوشیده بود میان دو بر من درشتی گفتم با آنحضرت که این
چیست آنحضرت گفت که دیدم پدر خود را علیه السلام که پوشیده بود
جبهٔ پشمینه با این لسیرق و ما هرگاه میخواهیم که نماز کنیم می‌پوشیم درشت‌ترین
جامه‌های خود را روایتست از معمر بن خلاد که ابو الحسن علیه السلام که بحق
خدای که اگر من مرتکب این امر خلافت می‌شدم دایم طعام نیکو نمی‌خوردم
و دایم جامهٔ نیکو نمی‌پوشیدم و دایم راحت و خوشی نمی‌بودم گفت
رسول خدا صلی الله علیه و آله در وصیتی که کرده است ابی ذر غفاری را که ای
ابی ذر غفاری بدرستی که لباس درشت می‌پوشم و می‌نشینم بر روی

زمین و می‌لیسم انگشتان خود را در وقت طعام خوردن و سوار می‌شوم
بر دراز گوش بی زین و کسی را ردیف خود می‌سازم پس آنکسی که نخواهد سنت مرا
و متابعت و پیروی من نکند از دوستان و محبان من نیست و از پی
روان من نیست و گفت گاهی جامه‌های درشت بپوش و گاهی جامه‌های
نرم نازک تا فخر او نیاید بتو روایتست از امالی شیخ ابو جعفر بابویه رحمة الله
علیه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده است که پنج چیز را نمیگذارم
تا آنکه از دنیا رحلت کنم تا آنکه اینها سنت باشد مرا بعد از من چیزی خوردن
بر روی زمین با بندگان و سوار شدن بر دراز گوش بالان دار و دوشیدن
بز بدست خود و پوشیدن پشمینه و سلام کردن بر طفلان بیان آنست
از کتاب فردوس که گفت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که پوشیده بود
جامهٔ پشمینه را و گفت که بر مخورید بدرستی که جزو نیست از پیغمبری و نیز
گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله جامهٔ پشمینه و جامهٔ کوتاه بپوشید و
و سیر مخورید تا آنکه مرتبهٔ شما بلند شود و مردم که ذکر کردند نزد ابی عبد الله علیه السلام
کراهتی گفته است که لباس پشمینه شبیه‌تر است بلباس اهل معصیت

بزرگترا است از معصیت در دین روایتست از کتاب فردوس که گفت که
حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که بر شما باد که لباس پشمینه بپوشید تا بیابید
حلاوت ایمان را و کم چیزی بخورید تا آنکه در آخرت معروف و مشهور شوید
بدرستی که نظر در لباس پشمینه موجب تفکر است و تفکر موجب حکمت است
و حکمت روان میشود در دل شما مانند فصل ششم در کراهیت لباس
شهرت و آنکه جبد در لباس پس روایتست از ابی عبد الله علیه السلام
که گفت که کافیست مرد را در رسوائی آنکه بپوشد لباس شهرت را که
موجب شهرت او شود منقولست از ابی عبد الله علیه السلام که
گفت که خدای تعالی دشمن میدارد لباسی را که موجب شهرت شود
روایتست که عباد بن کثیر البصری نزد ابی عبد الله علیه السلام آمد و
لباس شهرت پوشیده بود حضرت امام علیه السلام گفت که بلی زیرا که
حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه وآله فرموده است که آنکسی که لباس
شهرت بپوشد در دنیا بپوشاند خدای تعالی او را لباس خواری در
روز قیامت گفت عباد که راحتی داد درین حدیث حضرت امام علیه السلام

گفت که عباد

گفت که عباد شک درین سخن داری بحق خدای که خبر دادند مرا بااین حدیث
پدران من از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقلست از امیر المؤمنین علی علیه السلام
که گفت که نیست چیزی دشمن تر نزد خدای تعالی از پوشیدن لباس
شهرت روایتست که امیر المؤمنین علی علیه السلام می فرمود که جامه نو را
در آب فرو می بردند و بعد از آن می پوشید در بیان پوشیدن قناع
و قناع روپاکی بزرگیست که مردان بر سر می انداختند روایتست از
عبد الله وضاح که گفت که دیدم موسی کاظم علیه السلام را که نشسته بود
در پس خانه کعبه و قناع بدست انداخته بود و بیرون آورده بود که بما
خورد و ازان روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که فرمود که پوشیدن
قناع در شب غیبت است روایتست از عبد الله بن ولید بن صبیح
که گفت درخواست کرد از من کتاب بن عبد ربه که طلب رخصت کنم
از برای او که در آید نزد ابی عبد الله علیه السلام پس رفتم نزد آنحضرت
و طلب رخصت کردم و آوردم او را نزد آنحضرت و او قناع بر سر خود را
داشت و آوردم بالش و از برای او انداختم و او بران بالش نشست

وابو عبد الله علیه السلام گفت باو که چند از قناع خود را ای شهاب بدرستی
که قناع در شب زینت است و در روز مذلت و خواریست ابن شهاب
انداخت روایت از ابو عبد الله از پدران خود علیهم السلام که علی بن
ابی طالب گفت که قناع در شب زینت است و در روز خواری و مذلت
در بیان حمایل کردن گفت مردی حمایل کرده بود لنگی را بر بالای پیرهن یکی از
ائمه معصومین صلوات الله علیه فرمود که چنین مکن بدرستی که این تکبر است
روایت از محمد بن مسلم که ابی جعفر علیه السلام مکروه میداشت که حمایل
کند لنگ را بر بالای پیراهن وگفت که این کار متکبرانست روایت
از ابی عبد الله علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه وآله گفت که منع میکنم
امت خود را از اشتمال صما و مراد از اشتمال صما آنست که لنگ را
بر دوش خود بیندازند و هر دو طرف آنرا از زیر بغل بیرون آورند و هر دو را
بر یک کتف اندازند روایت ابو عبد الله علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه وآله
میگفت که منع میکنم امت خود را از گشودن بندهای قبا و از برهنه
کردن رانها و از پوشیدن لباس شهره روایت از کتاب مجمع البیان

که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که آمد رسول خدا صلی الله علیه وآله
نزد فاطمه علیها السلام جامها پوشیده بود از پشم شتر و بدست خود آرد
میکرد و شیر میداد فرزند خود را پس حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
چون حضرت فاطمه را چنان دید بگریه در آمد و گفت دختر من زود باشد
که تلخی دنیا بشیرینی آخرت مبدل شود بدرستی که فرو فرستاد بمن
این آیت را خدای تعالی در شان من که وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى
یعنی زود باشد که بخشد پروردگار تو کمال نفس و مرتبه عالی تا از آن خشنود
شوی یعنی چندان نعمتها ارزانی دارد که گوئی بس است و راضی شدم روایت
از کتاب عیون الاخبار که گفت ابی عباد که امام رضا علیه السلام در
تابستان بر حصیری مینشست و در زمستان بر پلاس و جامهای درشت
می پوشید و هر گاه بیرون می آمد از برای مردم جامهای زینت می
پوشید از برای ایشان که تشبیه مردان بزنان در لباس پوشیدن
سماعة بن مهران که مردی جامه خود را بزمین میکشید ابی عبد الله علیه السلام
گفت با آن مرد که مکروه میدارم که مشابه شوی بزنان روایت

کرده است ابی عبد الله علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که رسول
خدا صلی الله علیه و آله منع میکرد مردان را که مشابه شوند بزنان در لباس
و منع میکرد زنان را که مشابه شوند بمردان در لباس گفت رسول خدا
صلی الله علیه و آله که بهترین جوانان آنست که خود را مشابه سازند به پیران
و بدترین پیران آنست که خود را مشابه سازند بجوانان در پوشیدن
پوستین سنجاب و غیر آن روایتست از یونس بن یعقوب که گفت
که رفتم نزد ابی عبد الله علیه السلام و آنحضرت بیمار بود و در خرگاهی بود
و قبای پوشیده بود و بر بالای خود جبه خزی پوشیده بود و پیش
آنحضرت طغاری بود که در ان طغار ریحان بود و جبه خز پوشیده
بود که نه کهنه بود و نه تنک بود و بر بالای خود لحاف پوست روباه
پوشیده بود و دوست است آنحضرت ظاهر بود گفتم باو که فدایت گردم
چه میگوئی در پوست روباه آنحضرت گفت که این از برای گوشش است
نه از برای نماز پیانست از سماعة بن مهران که گفت که پرسیدم
ابی عبد الله را علیه السلام از گوشت درندها و پوست ایشان گفتند

که گوشت درنده خواه مرغ باشد خواه غیر مرغ مکروه میدانیم اما پوست
ایشان را می توان بر بالای زین انداخت و سوار شد بر ان و میپوشید
پوست درنده را که نماز گزارید در ان روایتست از عبد الله بن سنان
که گفت که شنیدم از ابی عبد الله علیه السلام که میگفت که تحفه آورد
از برای پدر من پوستینی بطریق جبه از عراق و هر گاه که میخواست
که نماز بگذارد و می انداخت آنرا روایتست از عبد الله بن سنان که
ابی عبد الله علیه السلام گفت که آنچه چادر ندارد میتوان از پوستینهای
یمنی نماز بگزارد و در ان هیچ پس از ان منقولست که پرسیدند امام رضا را
علیه السلام از پوست روباه و سنجاب و سمور آنحضرت گفت که دیدم پدر
خود را که سنجاب پوشیده بود در نماز و منع کرد مرا از پوشیدن پوست
روباه و سمور در نماز فصل هفتم در بیان پوشیدن طاقیه و عمامه و در پوشیدن عمامه
روایت کرده است سکونی که ابی عبد الله که روایت کرده است از
پدران خود علیهم السلام که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله که عمامه افسر
عربست هرگاه عمامه را نهند از سر خود بردارد خدای تعالی عزت را

از ایشان و نیز گفت که عمامه بر سر نهید تا زیاده شود حلم شما روایت
از ابی اسحق که گفت که شنود پدر من علی بن ابی طالب را علیه السلام
پس آن حضرت خطبه میخواند و لنگی بسته بود و ردائی بر دوش انداخته
و عمامه بر سر داشت روایت از اسمعیل بن همام که ابو الحسن علیه السلام
گفت که مراد از مسومین که در قول خدای تعالی واقع است که یمددکم
ربکم بخمسة آلاف من الملائکة مسومین فرشتگانند خدای تعالی را
و معنی این آیت اینست که مدد میکند شما را پروردگار شما بپنج هزار سوار
از فرشتگان که نشان کنند کانند خود را و این عادت مشرک است
میان مبارزان که در روز جنگ علامتی بر خود یا بر مرکب خود می بندند
و آن روز فرشتگان خود را نشان کرده بودند بعمامهای سفید طرهای
او در میان دو دوش فرو گذاشته روایت که حضرت رسالت
پناهی صلی الله علیه و آله عمامه بر سر خود بست و علاقه از پیش و پس
گذاشت و جبرئیل نیز چنین کرد روایت از معاویة بن عمار که گفت
شنیدم از ابی عبد الله علیه السلام که میگفت که در آمد رسول خدا

صلی الله علیه و آله

صلی الله علیه و آله در حرم کعبه روزی که فتح آمد بمکه و عمامه سیاهی بر سر
داشت و سلاح بسته بود و بعد از آن بیرون رفت از مکه بجانب
حنین بجنگ کافران چون فارغ شد از جنگ ایشان رسید بموضعی
که آنرا اوطاس میگویند و بقیه کافران که آنجا مانده بودند بقتل در آورد
چون از جنگ ایشان نیز فارغ شد رسید بموضعی که آنرا جعرانه
میگویند و در آن موضع قسمت کرد میان مسلمانان غنیمتی را که از کافران گرفته
بود و بعد از آن احرام عمره بست و در آمد بمکه روایت که حضرت
رسالت پناهی صلی الله علیه و آله عمامه بر سر خود بست و گفت که دو رکعت
نماز که با عمامه بگذارند فاضلتر است از چهار رکعت نماز که بی عمامه بگذارند
روایت از ابی جعفر علیه السلام که گفت که فرشتگان که بمدد حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله آمده بودند در روز جنگ بدر عمامهای سفید بر سر
داشتند و علاقها گذاشته بودند روایت از عبد الله بن سلیمان
که گفت که بودم با پدر خود در مسجدی پس در آمد علی بن الحسین علیهما السلام
در آن مسجد بود و شناختم من او را و عمامه سیاهی بر سر داشت و از

دو طرف آن عمامه علاقه گذاشته بود در میان دو دوش خود پرسیدم
از مردی که نزدیک من نشسته که کیست این پیری که می بینم او را آن مرد گفت
که چیست ترا اگر نپرسیدی از هیچ کس از کسانی که درین مسجد در آمده غیر
این پیر گفتم که ندیدم هیچ کس را از کسانی که درین مسجد در آمده اند که صورت
ایشان بهتر باشد از صورت این پیر پس ازین جهت پرسیدم آن
مرد گفت که علی بن الحسین است علیهم السلام در بیان عمامه بر سر بستن روایت
کرده است ابی عبدالله علیه السلام از پدر خود که گفت که رسول خدا
صلی الله علیه و آله عمامه بر سر امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه بست
بدست مبارک خود و علاقه از پیش و از پس گذاشت و علاقه پس را
کوتاه تر کرد از علاقه پیش بمقدار چهار انگشت بعد از ان آنحضرت
گفت یا امیر المؤمنین علی علیه السلام که برگشت بجانب من کن امیر المؤمنین
علی علیه السلام چنین کرد بعد از ان گفت که رو بجانب من کن چنین کرد
بعد از ان آنحضرت گفت که چنین است عمامهای فرشتگان روایت
از ابو الحسن علیه السلام گفت که کسی که بسفر بیرون رود و عمامه بر سر داشته

باشد وازان

باشد و از ان عمامه تحت الحنک بسته باشد من ضامنم که دزد مال او را نبرد
و او غرق نشود و نسوزد منقولست از کتاب نجات که در وقت عمامه
بر سر بستن این دعا می باید خواند اللهم سومنی بسیماء الایمان و توجنی
بتاج الکرامة و قلدنی حبل الاسلام و لا تخلع ربقة الایمان من عنقی
و باید که عمامه را ایستاده بر سر ببندد و تحت الحنک نیز ببندد بیان
طاقیها روایتست از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که رسول خدا صلعم
می پوشید طاقیه سفید مصری و می پوشید در جنگ طاقیه دو گوشه
که گوشهای آنحضرت را می پوشید روایتست از محمد بن علی که گفت که
دیدم ابو الحسن را علیه السلام که طاقیه خزی بر سر داشت که آستر آن
سمور بود روایت کرده است امام جعفر صادق علیه السلام از پدر خود که
که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله می پوشید از طاقیها طاقیه
یمنی و سفید و مصری و طاقیه که دو گوشه داشت در جنگ می پوشید
و عمامه آنحضرت را سحاب میگفتند و آنحضرت را طاقیه دراز بود که بر سر
می نهاد روایتست که پرسیدند امام رضا را علیه السلام از مردی

ازطاقیه

که بر طاله بوشیده بود و بر طاله نوشته است آنحضرت گفت که بود ابی عبد الله
علیه السلام طاقیه که سایه میکرد بر رو و او را از آفتاب نگاه میداشت
روایتست از زید بن خلیفه که گفت که دیدم ابی عبد الله علیه السلام
که طواف میکردم در گرد خانه کعبه و من طاله بر سر داشتم پس گفت
پس که میپوشی این طاقیه را وقتی که طواف میکنی بدرستی که این طوف
یهود است روایتست از حسن بن بشار که گفت که امیر المومنین علی
علیه السلام پس گفت که از برای من طاقیه بدوز و می باید که آن طاقیه
بسیار رنگین نباشد بدرستی که سیدی مثل من نمی پوشد طاقیه را
که بسیار رنگین باشد فصل هشتم در بیان پوشیدن موزه و نعل
روایت کرده است ابی الصباح از ابی عبد الله علیه السلام که گفت
که امیر المومنین علی صلوات الله علیه در سفری بود و عادت آنحضرت این بود
که در سفر شبگیر میکرد پس وقتی که شروع کرد در شبگیر کردن پس پوشید
جامهای خود را چون فارغ شد از جامه پوشیدن یک موزه خود را
برداشت و پوشید و بعد از آن قصد کرد که موزه دیگر بردارد که ناگاه

مرغی فرود آمد از آسمان و زد خود را بر آن موزه و گرفت آن موزه را
پس امیر المومنین علیه السلام در عقب آن مرغ رفت که بگیرد موزه را
از آن مرغ پس آن مرغ سبقت گرفت و متوجه آسمان شد و میگردید
در هوا تا صباح چون صباح شد موزه را انداخت و از آن موزه ماری
بیرون آمد منقولست از مسموعات ناصح الدین ابو البرکات که گفت
ابو جعفر علیه السلام که پوشیدن موزه زیاده میکند قوت چشم را روایتست
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که مداومت کردن به پوشیدن
موزه امانست از جذام کسی گفت که در زمستان یا در تابستان حضرت
امام علیه السلام گفت که خواه در زمستان و خواه در تابستان
روایتست از ابی الجارود که گفت که رفتم نزد ابی عبد الله علیه السلام
پس گفت پس که آیا نمیدانی که موزه سرخ را متکبران و گردن کشان
می پوشند و موزه سفید را بادشاهان می پوشند و موزه را
سیاه سنت ماست و سنت بنی هاشم است روایتست که گفت ابی
الجارود که در خدمت ابی عبد الله علیه السلام بودم در راه مکه و آنحضرت

موزهٔ سرخ پوشیده بود گفتم با آنحضرت که یابن رسول الله صلی الله علیه و آله
تو خبر دادی مرا که موزهٔ سرخ را متکبران می پوشند حضرت امام علیه السلام
حضرت امام علیه السلام گفت که در سفرها کی نیست بدرستی که موزهٔ
سرخ بهتر است از برای آب و گل آنها و غیر سفر پوشیدن او خوب نیست
روایت کرده است ابی عبدالله علیه السلام از پدر خود که گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله انگسی که نعلین مخصر دارد باید که نعلین نو بخرد روایت
از ابی عبدالله علیه السلام که وقتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله خواست
که نعلین بپوشد مردی [illegible] است و نعلین را پیش پای آنحضرت نهاد آنحضرت
در حق آن مرد دعا کرد و گفت که اللهم ان عبدک تقرب الیک فقربه یعنی
بارخدایا بندهٔ تو نزدیکی جست بتو پس نزدیک گردان او را بخود روایت
که گفت ابی عبدالله علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله مضمضه
کرد و ریخت آب را از دهن خود مردی برجست و گرفت آن آب را و خورد
حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله در حق آنکس دعا کرد و گفت اللهم
ان عبدک تحبب الیک فاحبه یعنی بارخدایا بندهٔ تو دوستی نمود بتو

پس دوست دار او را روایت از ابی عبدالله علیه السلام که گفت
امیرالمومنین علی علیه السلام که نو ساختن نعلین نگاه دارندهٔ بدن است
و یاری دهندهٔ نماز و پاکیزگی است روایت از ابی عبدالله علیه السلام
که گفت که در تفسیر قول خدای تعالی که فاخلع نعلیک انک بالواد المقدس طوی
که نعلین که حضرت موسی علیه السلام پوشیده بود از پوست دراز گوش بود
و معنی آیت اینست که بکن ای موسی نعلین خود را بدرستی که تو در وادی مقدسی
روایت آنکه پوشیدن نعلین میانه باریک باشند در سنت است
روایت از مصباح الحفظ که گفت که آورد نزد [illegible] حلبی نعلین و گفت
مثل این نعلین از برای من مهیا کن بدرستی که این نعلین رسول خداست
صلی الله علیه و آله گفتم یاد که این نعلین از کجا بدست تو افتاد گفت که
ابی عبدالله علیه السلام گفت بمن که آیا بنمایم تو نعلین رسول خدا را
صلی الله علیه و آله گفتم بلی پس بیرون آورد این نعلین را گفتم ببخش این را
بمن گفت از تو باشد صباح که مهیا ساختم از برای حلبی نعلینی مثل آن
نعلین و از برای اصحاب خود نیز مثل آن مهیا ساختم گفت ابو احمد

که من گفتم دیدم آن نعلین را و آن میان باریک بود و پاشنه
داشت روایتست از ابی جعفر علیه السلام که گفت که من دشمن
میدارم مردی را که نعلین او پاشنه نداشته باشد روایتست
از صباح الحذاء که گفت که مهیا ساختم نعلینی از برای ابی عبد الله علیه السلام
مثل آن نعلینی که ترتیب ساده بود نزد من و آن نعلین باریک بود از
میان تا پاشنه روایتست از منهال که گفت که بودم نزد ابی عبد الله
علیه السلام و پوشیده بود نعلینی هموار ابو عبد الله علیه السلام
گفت که این نعلین یهود است برگرد از این نوع نعلین و کاردی
بگیر و باریک ساز میان او را روایتست از علی الشاری که گفت دید
ابو الحسن علیه السلام که من نعلینی پوشیده بودم که باریک میان
نبود گفت بمن که ای علی تو کی یهود شدی در کراهیت بستن بند
نعلین منقولست که ابی عبد الله علیه السلام مکروه میداشت بستن
بند نعلین را روایتست که ابو عبد الله علیه السلام گرفت نعلین
بعضی را و گشود بند او را و گفت اول کسی که بند نعلین را بست شیطان

بود در بیان کیفیت پوشیدن نعلین روایتست از ابی جعفر علیه السلام
گفت که سنت است که در محل نعلین پوشیدن ابتدا بپای راست
کنند و در محل کندن بپای چپ کنند منقولست از کتاب نجاة
که موزه و نعلین را نشسته می باید پوشید و در وقت پوشیدن این دعا
می باید خواند که اللهم صل علی محمد و آل محمد و وطّئ قدمی فی الدنیا والآخرة
وثبتهما علی الصراط یوم تزل فیه الاقدام و هرگاه بکنند موزه و نعلین را
باید که نشسته بکنند و بگوید که بسم الله الحمد لله الذی رزقنی ما اوقی
به قدمی من الاذی اللهم ثبتهما علی صراطک ولا تزلهما عن صراطک السوی
روایتست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که مراد از زینتی است که در
قول خدای تعالی است که خذوا زینتکم عند کل مسجد نعلین و انگشتری است
و معنی آیت اینست که بگیرید ای بنی آدم زینت خود را نزد هر نمازی
و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که پاک گردانید نعلین خود را
از نجاست نزد در آمدن در مسجد گفت بند نعلین وقتی که گسسته شود روایتست
از یعقوب السراج گفت که رفتیم ما با ابی عبد الله علیه السلام و

که تعزیت گوید عبد الله بن الحسین را بجهت آنکه دختر یا پسر او فوت
شده بود و پس گسسته شد بند نعلین آنحضرت بعضی از مردمان کندند نعلین
خود را و گشودند بند آنرا و بحضرت امام علیه السلام دادند آنحضرت
گرفت آنرا و چون رسید باهل تعزیت گفت که صاحب تعزیت
بصبر کردن بر مصیبت روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت
که کسی که پیوند کند گریبان خود را و پینه زند نعلین خود را و بردارد متاع
خود را خلاص میشود از تکبر راه رفتن در یک نعل و یک موزه روایتست
از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که امیر المؤمنین علی علیه السلام یک
نعل پوشیده بود و راه میرفت و اصلاح میکرد نعل دیگر را روایتست
از ابی جعفر علیه السلام که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که
کسی که ایستاده آب بیاشامد و یک نعل راه رود بی شیطان و بوسه
کند او را جدا نشود شیطان از و مگر وقتی که خدا خواهد باید کندن نعلین
و موزه وقتی که نشسته باشد روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که
گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که بکنید نعل خود را بدرستی که

کندن نعلین

کندن نعلین سنتی نیکوست و راحت قدمهاست در خبر آمده است
که هرگاه که چیزی میخورید بکنید نعلین خود را بدرستی که کندن نعلین راحت
قدمهای و سنتی نیکوست منقولست از کتاب طب الائمه در بیان رنگ
نعلین که گفت ابی عبد الله علیه السلام که کسی که نعلین زرد بپوشد
کهنه نشود آن نعلین تا آنکه مال یابد بر بسیار و بعد از آن این آیت را خواند
که صفراء فاقع لونها تسر الناظرین یعنی زردی که بسیار زرد باشد رنگ
او خوشحال میکرداند ناظران را روایتست از ابی عبد الله علیه السلام
که گفت که کسی که بپوشد نعلین زردی همیشه خوشحال باشد تا آنکه کهنه شود
روایتست از حنان بن سدیر که گفت که رفتم نزد ابی عبد الله علیه السلام
و پوشیده بودم نعلین سیاهی پس گفت که چیست که ترا که نعلین
سیاه پوشیده آیا نمیدانی که در آن سه خصلت است گفتم کدام است
آن سه خصلت گفت که ضعیف میسازد چشم را و سست میکرداند
ذکر را و غم می آورد و با وجود این لباس متکبرانست و بر تو باد که نعلین
زرد بپوشی بدرستی که در و سه خصلت است گفتم بکدام است گفت

تیز میکند چشم را و محکم میسازد ذکر را و می برد غم را و با وجود این لباس
پیغمبرانست روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که پوشیدن
موزه و نعلین زرد سنت است روایتست از ابی عبد الله علیه السلام
که گفت پوشیدن موزه می افزاید قوت چشم را روایتست از ابی
الحسن العسکری علیه السلام که گفت که انگشت کوچک پای او از موزه
و نعلین باید که بگیرد گل از دیواری و نرم کند آنرا و بساید بآب
دهن بر پشت کی و بعد از آن بنهد بر آن جراحت میرود آن جراحت

فصل پنجم در بیان خانه و منزل و آنچه جایز است از آن و آنچه جایز
نیست و آنچه متعلق است باو در بیان منزل گشاده و غیر آن روایتست
از هشام بن الحکم که گفت ابو عبد الله که از نیک بختی است گشاده منزل
که راحت است مومن را در گشادگی منزل و آنچه که پرسیدند ابو الحسن را
علیه السلام از بهترین عیشهای دنیا گفت بهترین عیشها گشادگی منزل است
و بسیاری دوستان پرسیدند از ابو الحسن علیه السلام که گفت
که عیش در گشادگی منزل است و در بسیاری خدمتکار روایتست

از معمر بن خلاد که گفت که ابو الحسن علیه السلام که گفت که عیش در گشادگی
منزل است و در بسیاری خدمتکار روایتست خرید منزلی و امر کرد
غلام خود را که برود بآن منزل و گفت که این منزل تست پس او غلام
گفت که باجارت دادی این منزل را پس گفت ابو الحسن علیه السلام
بآن غلام که اگر پدر تو احمق بود پس سزاوار نیست که تو هم مثل او باشی
روایت کرده است سکونی از ابی جعفر علیه السلام و ابی جعفر روایت
کرده است از پدران خود علیهم السلام که گفت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرمود که از سعادت مرد است که زن صالح داشته باشد و منزلی
گشاده و مرکب خوبی و فرزند صالحی روایت کرده است ابی
عبد الله علیه السلام از پدران خود علیهم السلام و ایشان روایت
کرده اند از امیر المومنین علی صلوات الله علیه که گفت که منزل شرفی را
و شرف او آنست که میان سرای او وسعتی داشته باشد و ساکنان
او صالح باشند و منزل را برکتی است و برکت او آنست که نیکو باشد
جای نشستن او و وسعتی داشته باشد میان سرای او و همسایهای

خوب داشته باشد گفت امام جعفر صادق علیه السلام که از سعادت
مرد است که نیکو باشد جای نشست او و وسعتی داشته باشد در سرای
او و پاکیزه باشد الخانه او گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که چهار چیز
از نیک بختی است زن صالح است و منزل گشاده و همسایه صالح و مرکب
خوب و اما آن چهار چیز که از بدبختی است همسایه بد است و زن بد و منزل
تنگ و مرکب بد گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که مومن نیست
بنده که ایمن نباشد همسایه او از بدیهای او گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که حرمت همسایه می باید داشت همچو حرمت مادر خود میدارید مقدار بلندی
سقف خانه روایت کرده است محمد بن مسلم از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که ای محمد می باید که بلندی خانه تو هفت گز باشد و آنچه از آن بلند
تر است جای شیطان است بدرستی که شیاطین نه در آسمانند و نه
در زمین بلکه ایشان در هوا ساکنند روایت از ابی عبدالله
علیه السلام که گفت بلند خانه می باید که هفت گز باشد یا هشت
گز و یا هشت گز و آنچه بلندتر از این باشد شیطان است روایت

از ابی عبدالله

از ابی عبدالله علیه و سلم که گفت که آنچه بلندتر است از نه گز از سقف
خانه‌ها جای شیاطین است روایت از امام جعفر صادق علیه السلام
که هرگاه که بلندی خانه بیشتر از هشت گز باشد آیة الکرسی در آن خانه بنویس
روایت از عبد بن سنان که گفت که شنیدم از ابی عبدالله علیه السلام
که میگفت که آنچه بلندتر می باشد از هفت گز از سقف خانه جای شیاطین است
روایت کرده است ابی عبدالله علیه السلام از پدران خود علیهم السلام
که مردی از انصاری شکایت کرد نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله از
سرماهای که در کرد سرای او بود آنحضرت گفت بلند کن خانه خود را آنقدر
که میتوانی و سوال کن از خدای تعالی که گشاده کرداند خانه ترا منقول است
از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که هر کسی که بنا کند خانه که بلندتر از
هشت گز باشد شیطان جا میکند در آنجا زیاده باشد از هشت
گز واجب است که بنویسید در آن خانه آیة الکرسی تا آنکه در دو جا بگیرد
روایت از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که هر بنایی که بلندتر باشد
از قدر کفایت و بال است بر صاحب در روز قیامت روایت

ازابی عبدالله علیه السلام که گفت که بنائی کند کسی خانه که بلندتر باشد از
هشت گز اگر منادی ندا کند از آسمان ومیگوید که تا کجا میخواهی که بلند کردی
خانه خود را ای فاسق منقولست از کتاب جامع الجوامع که گفت که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله که هر خانه که بنا کند کسی وبالیست بر صاحب آن
خانه در روز قیامت مگر خانه که ضروری باشد فصل دهم
در بنا کردن آنچه سنت است نزد بنا کردن منزل روایت کرده است ابی
عبدالله علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که گفت که رسول خدا صلی الله علیه وآله
که هرکسی که بنا کند منزلی باید که میشی بکشد وگوشت او را بدرویشان وفقیران
تصدق کند اللهم ادحر عنی وعن اهلی وولدی مردة الجن والشیاطین
وبارک لی فیه بیتی وبلی بدرستی که چون این کار کند خدای تعالی میدهد باو آنچه
سوال کرده است انشاء الله تعالی روایتست ازابی عبدالله علیه السلام
که گفت هر بنائی که زیاده از کفایت باشد وبالیست بر صاحب آن بنا
در روز قیامت روایتست ازابی عبدالله علیه السلام که هرکسی که کسب
کند مالی حلال نباشد صرف شود آن مال در گل وآب در جاروب کردن

منزل روایتست ازابی عبدالله علیه السلام که گفت که رسول خدا صلی الله علیه وآله
فرمود که جاروب کنید در سرای خود را ومشابهت مجوئید بیهود
گفت امام جعفر صادق علیه السلام که شستن ظرف وجاروب کردن
در سرای افزاید روزی را هروقت درآمدن بخانه روایتست ازامام جعفر
صادق علیه السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله هرگاه بیرون میرفت
ازخانه در تابستان روز پنجشنبه بیرون میرفت ووقتی که میخواست که بخانه
درآید در زمستان بجهت سرما روز جمعه درمی آمد روایتی واقعست که
گفت ابن عباس که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله چون تابستان می شد
شب جمعه ازخانه بیرون میرفت وچون زمستان میشد شب جمعه
بخانه درمی آمد بیان بستن در سرا وخانه وغیر آن روایتست از سماعة
بن مهران که گفت که پرسیدم ازابی عبدالله علیه السلام یا ابی الحسن
علیه السلام از بستن در ها وسرنگون نهادن ظرفها وکشتن چراغ
حضرت امام علیه السلام گفت که ببندید خانه را بدرستی که شیطان
نمیگشاید در بسته را وکشتن چراغ را تاموش نسوزاند خانه را وسرنگون

بنه ظرف ابد مستی که شیطان برقی دارد آن ظرف را گفت رسول خدا
صلی الله علیه و آله که مگذارید آتش را در خانهای خود وقتی که بخواب
روید روایتست از امام رضا علیه السلام که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود که بکشید چراغها را در وقت خواب تا آنکه موش نسوزاند
خانهای شما را آنچه در خانهای شماست و چیزی که تعلق بمنزل دارد
روایتست که آمد مردی و شکایت کرد نزد ابی جعفر علیه السلام و گفت که
جن بیرون کردهاند از منزلهای ما حضرت امام علیه السلام گفت که بگیرید
سقف خانهای خود را هفت گز و نگاه دارید کبوتر را در اطراف منزل
خود پس آن مرد گفت که چنین کردیم پس هیچ مکروهی ندیدیم روایتست
از ابی داود البرقی که گفت که دیدم که کبوتری از زیر تخت ابی عبد الله
علیه السلام بیرون آمد گفتم که فدای تو گردم یا بن رسول الله چیاور
بعد ازین برای تو کبوتری چند که نزد ما هست که دو رنگ است
و آواز خوبی دارد و خوب می سراید ابو عبد الله علیه السلام گفت که
کبوتر را گفتو داری از جمله مستوخانه هر گاه کبوتر نگاه میداری شا

این کبو

این کبوتر سیاه مدار چه دوستی که این بقیه کبوتر اسماعیل است روایت
از کتاب من لا یحضره الفقیه که شکایت کرد مردی نزد حضرت پیغمبر صلعم
از تنهائی آنحضرت فرمود که نگاه دارید جفت کبوتر در خانه خود روایت
روایتست از امیر المؤمنین علی علیه السلام که از صدای کبوتر شیاطین
میگریزند و هم روایتست از امیر المؤمنین علی علیه السلام که بر هر کاری که بکنید
در آنچه خدای تعالی بشما داده است و در عالمهای عجم خود بر سیدند از امیر
المؤمنین علیه السلام که عجم کدام است آنحضرت فرمود که گوسفند
و گربه و کبوتر و مانند آن ها روایتست از کتاب فردوس که گفت
انس که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که نگاه داشتن گوسفند
در خانه می برد هشتاد نوع درویشی را و گفت حضرت رسالت پناهی
صلی الله علیه و آله که گوسفند در خانه برکت است و نگاه داشتن گربه
در خانه برکت است و دو بیت آیس در خانه برکت است و یک گوسفند
یک برکت است و دو گوسفند دو برکت است و سه گوسفند برکت
بسیار است روایتست حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گوسفند

از چهار پایان بهشت است روایت از ابی عبد الله علیه السلام که گفت
هر مومنی که در منزل او بز شیر دار باشد پاک گردانیده میشوند اهل آن منزل
و برکت نازل میشود بر ایشان پس اگر دو بز باشد پاک گردانیده میشوند
اهل منزل هر روزی دو بار مردی گفت که چگونه پاک گردانیده میشوند
حضرت امام علیه السلام گفت که میگویند با ایشان که بورک علیکم و طبتم
ما طاب ادامکم یعنی برکت داده خدای تعالی شما را و خوش باد حال
شما مادام که خوش باشد نان خورش شما روایت از ابی عبد الله علیه السلام
زنی عذاب کرده شد بجهت آنکه گربه بسته بود تا وقتی آن گربه مرد از
تشنگی و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که منع میکنند فرشته دوک
را از جا گرفتن در خانهای شما و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که شب
مروید بگرفتن مرغهای که در آشیانه خود ند بدرستی که شب امان است
ایشان را و امان بودن از جهت اینست که گردانیده است خدای تعالی
شب را بر مرغان روایت از کتاب طب الائمه که گفت رسول خدا
صلی الله علیه و آله که نگاه دارید در خانهای خود گوسفند دست آموز

خدا بدرستی که مشغول میشود با او شیطان و متوجه طفلان شما نمیشود
روایت از ابی جعفر علیه السلام که گفت که هر که دوست می دارد ما
که اهل بیت پیغمبریم باید که دوست دارد کبوتر را روایت از ابو الحسن
علیه السلام که سزاوار نیست که خالی باشد خانه شما از گربه و کبوتر و خروس
بدرستی که این سه چیز معمور می سازد خانه شما را پس اگر با خروس ماکیان
باشد باکی نیست کسی را اگر کراهت نداشته باشد از نگاه داشتن
ماکیان روایت امام رضا علیه السلام که در خروس پنج خصلت است
از خصلتهای پیغمبران علیهم السلام شناختن اوقات نماز و غیرت
و سخاوت و بسیار جماع کردن روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله
که هرگاه آواز خروس بشنوید بدانید که آن خروس فرشته را دیده است
پس در این وقت طلب کنید حاجت خود را از خدای تعالی و هرگاه آواز
خر از گوش بشنوید بدانید که شیطان را دیده است روایت
از انس که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که خروس سفید
دوست منست و دشمن او دشمن خداست و او نگاه میدارد [illegible]

خودرا و صفت برای گزند دیگر او باشد روایتست که حضرت پیغمبر صلعم
شب بروز می آورد با خروسی در خانه او گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
هر خانه که خروس سفید در وی باشد امنست و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
که دشنام مدهید خروس را بدرستی که دلالت میکند شما را بر اوقات
نماز و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که دشنام مدهید خروس را
بدرستی که او دوست منست و من دوست اویم و دشمن او دشمن منست
بحق خدای که فرستاد مرا بخلق که اگر بنی آدم بدانند آن چیزی را که در
خلقت خروس است هر آینه بخرند پر و گوشت او را بطلا و نقره
و بدرستی که خروس دور میکند طایفه از جن که بدند گفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله که انکسی که نگاه دارد خروس سفیدی در منزل خود
نگاه داشته می شود از شر سه طایفه کافر و کاهن و ساحر روایتست
از کتاب روضة الواعظین که گفت امام محمد باقر علیه السلام که خدای
تعالی آفریده است خروس سفیدی که گردن او در زیر عرش است
و پایهای او تا طبقه هفتم از زمین و یک پر او تا آفتاب برآمدن

و پری دیگر تا آفتاب فرو رفتن این خروسها آواز میکنند تا آواز کند
پس هرگاه او آواز کند بر هم میزند بالهای خود را و میگوید که سبحان الله
العظیم الذی لیس کمثله شیء پس جواب میدهد خدای تعالی و میگوید که
آنکسی که سوگند دروغ بخورد ایمان نیاورده است بمن بآنچه این خروس
میگوید روایت کرده است جعفری که دیدیم که در خانه ابوالحسن علیه السلام
یک جفت کبوتر بود اما کبوتر نر بود و کبوتر ماده سیاه و دیدم ابی
الحسن علیه السلام که نان ریزه میکرد از برای آن کبوترها و میگفت
که اینها شب حرکت میکنند و جنبنده اند و آواز ایشان دور میکنند
جانورانی را که از زمین بیرون می آیند روایتست از ابی عبد الله علیه السلام
که گفت که نبود هیچ خانه پیغمبری مگر آنکه در آن خانه کبوتری بود بجهت آنکه
سفیهان جن بازی میکنند با طفلانی که در خانه اند پس هرگاه در خانه کبوتر
باشد صبیان با او بازی میکنند و میگذارند طفلان را فصل دهم
در زینت کردن خانه و متاع خانه و فرشها و فروتنی نمودن در آنها
روایتست از عبد الله بن عطا که گفت که رفتم نزد ابی جعفر علیه السلام

دیدیم که در منزل او متاع عباره است چیده بود و بعضی درهم ریخته بوده
بساطها و بالشها بود پس گفتیم که چیست این آنحضرت گفت که متاع زنانست
روایت کرده است جابر بن عبد الله از امام محمد باقر علیه السلام
که گفت که در آمدند جماعتی نزد حسین بن علی علیهم السلام پس گفتند یا ابن
رسول الله می بینیم در منزل تو چیزهای مکروهی را که دیده بودند در منزل
آنحضرت بساطی بود و بالشها پس گفت حسین بن علی علیهم السلام که
ما نکاح میکنیم زنان را و کابین ایشان را بایشان میدهیم و ایشان هرچه
میخواهند میخرند اینها که شما دیدید هیچ کدام از ما نیست روایتست
از جابر که گفت ابی جعفر علیه السلام که چون نکاح کرد امیر المومنین علی علیه السلام
حضرت فاطمه را علیها السلام بساط خانه ریگ بود و فراش ایشان پوست
میش بود که دباغت نکرده بودند و بالش ایشان پر بود از لیف خرما و نصب
کرده بودند چوبی و مشک را بر آن نهاده بودند و پوشیده بودند بر آن
مشک گلیمی روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که فراش
امیر المومنین علی علیه السلام و حضرت فاطمه را علیها السلام پوست میش

بود

بود که دباغت نکرده بودند و ایشان بر میگردانیدند آن پوست را
و میخوابیدند بر موی او روایتست از حسین بن نعیم که گفت که شنیدم از
ابی عبد الله علیه السلام که نکاح کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت
فاطمه را علیها السلام با امیر المومنین علی صلوات الله علیه و پوشش
حضرت فاطمه گلیمی بود و فرش آنحضرت پوست میشی بود و بالشی او پوستی
بود که پر کرده بودند از لیف خرما روایتست از موالید الصادقین
آورده است که گفت محمد بن ابراهیم الطالقانی که کسی خبر داد مرا که
رسول خدا صلی الله علیه و آله عزلت اختیار کرد از زنان خود دو ماه و
رفت در غرفه مسجد نشست پس عمر نزدیک آنحضرت آمد و در خانه آنحضرت
پوستی بود که دباغت نکرده بودند آنرا و بوی بد میکرد و در آن خانه برگ
درختی بود که بآن دباغت میکنند پوست را و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
خوابیده بود بر حصیری که اثر کرده در پهلوی آنحضرت پس عمر دریافت بوی آن
پوست و گفت یا رسول الله این چه بوییست آنحضرت گفت که ای عمر این
متاع کسانی است که زندگانی میکنند در دنیا چون نشست حضرت پیغمبر صلعم

عمر دید که حصیر اثر کرده است در پهلوی مبارک آنحضرت عمر گفت که من گواهی
میدهم که تو رسول خدای و بزرگتری نزد خدای تعالی از قیصر و کسری و ایشان
این همه اسباب دنیوی داشته باشند و تو بر روی حصیر باشی اثر کرده
باشد در پهلوی تو پس گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که آیا راضی
نیستی که دنیا از ایشان باشد و آخرت از ما روایتست از فضل که گفت
که پرسیدم از ابی عبدالله علیه السلام که نگینی که در و طلا باشد صورت حیوان نگاه داشتن
در خانه آنحضرت گفت که اگر طلا باشد نه و اگر آب طلا نقش کرده باشند باکی
نیست روایتست از حلبی که ابی عبدالله علیه السلام که گفت که برخاستم
که نماز کنم و پیش روی من بالشی بود که در آن صورت مرغها بود پس جامه
بر بالای او انداختم روایتست که گفت ابی عبدالله علیه السلام که بهدیه
آورده بودند بالشی برای من از شام که در آن صورتها مرغان بود پس
فرمودم که تغییر دادند سر آن صورتها را و آن صورتها گردید بصورتی
درختی روایتست که گفت ابی عبدالله علیه السلام که شیطان بیشتر
قصد آدمی میکند وقتی که آدمی تنها باشد روایتست از ابو الحسن

علیه السلام

علیه السلام که گفت که آمدند جماعتی نزد ابی جعفر علیه السلام و او بر
بساطی نشسته بود که در آن صورتها بود پرسیدند که این چیست
گفت میخواستم که بخشم این بساط را روایتست از محمد بن مسلم که گفت
ابی جعفر را علیه السلام که باکی نیست نقش کردن صورتها در خانه وقتی
که تغییر داده شود آن صورت بروجهی که موافق صورت اصلی نباشد
روایتست از محمد بن مسلم که گفت که پرسیدم ابا عبدالله را علیه السلام
از نقش کردن صورتهای درخت و آفتاب و ماه ابی عبدالله علیه السلام
که گفت باکی نیست مادام که آن صورتها صورت حیوان نباشد روایتست
از ابی العباس که گفت که پرسیدم از ابی عبدالله علیه السلام که مراد چیست
از تماثیل که در قول خدای تعالی است که یعملون له ما یشاء من محاریب
و تماثیل آنحضرت گفت که آن تماثیل صورت آدمی نبود اما صورت درخت
و مانند آن بود و معنی آیه اینست که عمل میکردند جنیان از برای حضرت
آنچه میخواست از محرابها و صورتها روایتست که گفت از ابی بصیر از ابی
عبدالله علیه السلام که می آمد از نزد از برای ما بالشهای که در و صورتها

و عا فرا موش می سازیم آن با لشهار از ابی عبد الله علیه السلام گفت
که جای نیست نشستن و راه رفتن بر زیبائی و فراشی که در و صورت
باشد آنچه مکروه است آنست که صورت بکشد بر دیوارها یا بر تخت منقوش
زیرا امیر المومنین علی علیه السلام که روایت کرده است عقیل بن عبد الرحمن
الخولانی که من زوجهٔ عقیل بن ابی طالب بود پس رفتم نزد زوجه
امیر المومنین علیه السلام بکوفه آنحضرت نشسته بود بر جلاسی کهنه که بر بالای
دراز کوش می اندازند پس رفتم نزد آنحضرت که از قبیله بنی تمیم بود و گفتم
او را که وای بر تو بدرستی که خانهٔ تو پر از متاع است و امیر المومنین
علی علیه السلام نشسته است بر چنان جلاسی آن زن گفت که ملامت
مکن مرا بحق خدا که امیر المومنین علی علیه السلام نمی بیند هیچ چیزی خوب
مگر آنکه میگیرد و می اندازد در بیت المال روایت کرده است ابن عبد الله
از شعبی و او شیخ روایت کرده است از مادر خود که گفت که دیدم نان
امیر المومنین علی علیه السلام در زیر فراش او یا در فراش او باب
[illegible] در بیان خوردن و آشامیدن و آنچه متعلق است بآن هر دو در آن

باب

باب سیزده فصل است فصل اول در بیان فضیلت طعام دادن و نیکوئی
کردن و روزه سنت داشتن منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه
که گفت حضرت حق سبحانه و تعالی که و ما انفقتم من شیء فهو یخلفه و هو خیر الرازقین
یعنی آنچه نفقه میکنید شما در راه خدا عوض میدهد خدای تعالی و او بهترین
روزی دهندهاست و مدح کرده است خدای تعالی در نفقه کردن کسی را
که چیزی اندک داشته باشد و نفقه کند و گفته است که و یوثرون علی انفسهم
و لو کان بهم خصاصة و من یوق شح نفسه فاولئک هم المفلحون یعنی آنها
که اختیار میکنند دیگران را بر خود در دادن چیزهای که نزد ایشانست و اگرچه
احتیاج داشته باشند بآن چیزها و آنکسانی که نگاه دارند نفس خود را از بخیلی
پس ایشان رستگارانند و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که ایمان
نیاورده است بخدای تعالی آنکسی که سیر باشد و برادر مومن او گرسنه باشد
و همچنین ایمان نیاورده است بخدای تعالی آنکسی که پوشیده باشد و برادر مومن
او برهنه باشد و بعد از آن آنحضرت این آیت خواند که و یوثرون علی
انفسهم و لو کان بهم خصاصة و معنی این آیت از پیش گذشت و گفت

حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که آنکسی که یقین میداند که خدای تعالی عوض میدهد
آنچه را که نفقه میکند سخی میشود نفس او در نفقه کردن که شنید
امیر المومنین علی علیه السلام مردی را که میگفت که بخیل عذر او مقبولتر
تر است از عذر ظالم امیر المومنین علیه السلام گفت بآن مرد که دروغ گفتی
بدرستی که گاه هست که ظالم توبه و استغفار میکند و آنچه بظلم گرفته است
بصاحب باز میدهد و کسی که بخیل است زکوة و صدقه نمیدهد و صله رحم
بجای نمی آرد و مهمانی نمیکند و نفقه نمیکند در راه خدا و نیکوی نمی نماید
و حرام است بهشت بر بخیل روایتست از امام جعفر صادق که گفت
که آنچه نجات میدهد از آتش دوزخ طعام دادن و بر همه کس سلام کردن
و نماز شب گزاردن وقتی که مردم در خواب باشند و هم روایتست
از امام جعفر صادق که گفت که بدرستی که اگر مردی خرج کند در طعامی
هزار درهم و بخورد از آن طعام یک مومن آنکس اسراف نکرده است
و گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله که آنکسی که ایمان دارد بخدای تعالی
و روز قیامت باید که اکرام کند مهمان خود را و آنکسی که ایمان دارد بخدای تعالی

و بروز قیامت باید که سخنی خیری بگوید یا خاموش باشد گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله که باید که آزرم نکرد آنکسی بر مهمان چیزی که دشوار
باشد برو روایتست از امیر المومنین علی علیه السلام که گفت اول عملی که
ابتدا باو میکنند در روز قیامت بثواب دادن تصدق کردنست
روایتست از امام محمد باقر علیه السلام که گفت که بدرستی که خدای تعالی
دوست میدارد آب دادن تشنه را و آنکس که آب میدهد از چهار
پا و غیر آن خدای تعالی او را در سایه عرش جا میدهد در روزی که
هیچ سایه نباشد مگر عرش خدای تعالی روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام
گفت که آنکسی که آب دهد تشنه را در جایی که آب یافت نشود همچنانست که
بنده آزاد کرده باشد و همچنانست که زنده کرده باشد تمام مردمان را
روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که از جمله دوستترین
عملها نزد خدای تعالی سیر گردانیدن مومن است و بردن غم او و ادا کردن
قرض او و روایتست از ابی الحسن موسی بن جعفر علیهم السلام که گفت که آنکسی که
شوند که ملاقات کنند ما را باید که ملاقات نماید شیعه ما که فقیر باشد

وانکسی که نتواند زیارت کند قبر ما را باید که زیارت کند قبر برادران صالح ما را

روایت است از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله

فرمود که یک دینار صدقه دادن ده ثواب دارد و یک دینار بقرض دادن

هژده ثواب دارد و نیکوی کردن با برادران مومن بیست چندین دارد

روایت است از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که خدای تعالی گفته است

هیچ چیزی که هست تعیین کرده ام دیگری را که بگیرد او را مگر صدقه را

بدرستی که من میگیرم تا انکه اگر مردی تصدق کند بیک خرما یا بنصف

خرما تربیت میکنم او را همچنانکه تربیت میکنند اسپ کره خود را یا فرزند

خود را که از غیر باشد پس میشود ان صدقه در روز قیامت برابر کوه احد

و بزرگتر از ان روایت از ابی عبد الله که گفت که خدای تعالی دوست

میدارد انکسی را که طعام دادن را در راه خدا او دوست میدارد انکسی را که

طعام میدهد در راه خدا و برکت در خانه که طعام میدهد از برای خدا زود

تر در می آید از کارد در کوهان شتر گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله

اول کسی که به بهشت میرود و عوض میرسد نیکوی هست وانکسی که

بذر کرده

نیکوی کرده

نیکوی کرده است روایت است از امام جعفر صادق که گفت که هر مومن که نیکوی

کند به برادر مومن خود پس ان نیکوی بهمان خود نیکوی است و

نیست چیزی فاضلتر از نیکوی مگر ثواب او و مراد از نیکوی ثواب است

و نیست چنین که هر که دوست دارد که نیکوی کند بمردمان نیکوی کند

و نیست چنین که هر که رغبت کند در نیکوی کردن قادر باشد بر ان

و نیست چنین که هر که قادر باشد بر نیکوی کردن توفیق یابد بر نیکوی

پس هرگاه جمع شود رغبت و قدرت و توفیق این هنگام تمام

میشود سعادت و نیک بختی طالب او انچه مطلوب او است روایت

از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که نیکوی بصلاح نمی آید مگر به سه

خصلت خورد شمردن ان و پنهان داشتن ان و تعجیل کردن در ان

بدرستی چون خورد شماری نیکوی را بزرگ میشود نزد انکسی که با او نیکو

کردی و هرگاه پنهان داشتی نیکوی را تمام کردی او را و هرگاه

تعجیل کردی در نیکوی گوارنده ساختی او را بانکس و اگر نیکوی این

سه خصلت نداشته باشد بی منت و نابود میشود روایت است از

امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که هر گاه که بخواهی که بدانی
که کسی بدبخت است یا نیکبخت به بین که نیکوئی بکه میکند پس اگر
بکسی میکند که سزاوار نیکوئیست بدان که او در نزد خدای تعالی خیری
هست و اگر نیکوئی بکسی میکند که سزاوار نیکوئی نیست بدان که او را
بر خدای تعالی خیری نیست روایت از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که بهترین شماها سخی ترین شماست و بدترین شما بخیل ترین شماست
و از ایمان خالص است نیکو کردن به برادران مومن و سعی کردن در
حاجتهای ایشان روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که
جوان بخشنده که گناه بسیار داشته باشد دوست تر است
نزد خدای تعالی از پیر عابدی که بخیل باشد و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که آنکسی که ادا کند آنچیزی که واجب کرده است خدای تعالی
بر او پس او سخی ترین مردمان است و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که نیست و نابود میکند هیچ چیز اسلام را چون بخل و بعد از ان گفت
بخل نرم میرود و سرایت میکند در آدمی و او را بر چیزهای بد میدارد

بجو نرم رفتن مورچه و بخل شاخها دارد بجو شاخهای گفته گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله که یک تا نان بصدقه دادن بهتر است از عبادت
کسی که لاغر شده باشد از عبادت کردن روایت از امام محمد باقر
علیه السلام که گفت که نیکوئی کردن و صدقه دادن می برد درویشی را
و زیاد میکند عمر را و دفع میکند هفتاد نوع مردن بد را روایت
از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که صدقه دادن بدست خود نگاه
میدارد کسی را از مردن بد و دفع میکند هفتاد نوع بلا را و خلاص
میکند از هفتاد شیطان که کدام از اینها وسوسه میکند او را
که طاعت نکند روایت از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت
که صدقه دادن پنهان می نشاند غضب پروردگار را روایت
از امیر المومنین علی علیه السلام که گفت که پیروی کنید بحق حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله بدرستی که آنحضرت گفته است که هر کس که
بگشاید بر خود یک در سوال و طلب و بگشاید خدای تعالی بروی در فقر
و درویشی روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که

هر بنده که سوال کند از کسی بی حاجت نمیرد تا آنکه محتاج گردد و خدای تعالی
او را و نا بهت کرده اند او را بجهت این سوال فراش دوزخ روایت
گفت بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که یا رسول الله تعلیم کن بر چیزی
که گاه بکنم آنرا دوست دارد خدای تعالی و اهل زمین مرا حضرت پیغمبر صلعم
گفت که رغبت کن در آنچه نزد خدای تعالی تا آنکه دوست دارد خدای
تعالی ترا و رغبت مکن در آنچه نزد مردمانست تا دوست دارند
ترا مردمان روایتست از امام محمد باقر علیه السلام که اگر بدانند مردمان
که چه قدر بداست سوال کردن هرگز هیچکس از هیچکس سوال نکند و اگر
بدانند حق که چه نیکوست بخشندگی رد نکنند هیچکس سوال هیچکس روایتست
از علی بن الحسین علیهم السلام روزی که روزه میداشت می فرمود
که در ان روز گوسفندی بکشند و پاره پاره کنند اعضای آن گوسفند را
و بپزند چون شب میشد نزد یک دیگ می آمد تا آنکه در می یافت بوی
شوربا را و در روزه می گشود با آن طعام و میگفت که قدحها بیارند و قدحها
بیارند و پر کنند و برای فلان جماعت ببرند و قدحی پر کنند و برای

فلان

فلان جماعت ببرند و بعد از ان نان و خرما میطلبید و با و روزه
میگشود و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که مومن نیست آنکسی که
شب سیر باشد و همسایه او گرسنه باشد روایتست از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت که آنکسی که بگشاید روزه روزه داری را پس او را ثواب
مثل آن روزه دار است گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که آنکسی که بگشاید
روزه مومنی را در ماه رمضان او را بجهت این نزد خدای تعالی ثواب
آزادی بنده است و می آمرزد خدای تعالی گناهان گذشته او را پس
کسی گفت یا رسول الله همه ما قادر نیستیم که بگشاییم روزه روزه دار را
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت که حضرت حق سبحانه و تعالی
کریم است میدهد این ثواب را بآنکسی که بگشاید روزه روزه داری را
بآنکه شیری یا شربت آبی یا بخرمای چندی قادر نباشد بر زیاده
ازین روایتست از امام رضا علیه السلام که گفت که روزه برادر مومن را
گشادن فاضلتر است از روزه داشتن گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
باصحاب خود که آیا خبر دهم شما را بچیزی که اگر بکنید آنچیز را دور میشود شیطان

از شما چنانکه دور است مشرق از مغرب اصحاب گفتند بلی یا رسول الله
آنحضرت گفت روزه داشتن سیاه میکند روی شیطان را و صدقه
دادن می شکند پشت شیطان را و دوستی کردن از برای خدا
و یاری کردن کسی را بر عمل صالح نیست و نابود میکند شیطان را و استغفار
کردن قطع میکند رگ شیطان را و هلاک می سازد او را و بعد از آن آنحضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت که هر چیزی را زکوتیست و زکوة بدن روزه
داشتن است و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که روزه دار در عبادت است
و اگرچه در خواب باشد بر فراش خود مادام که غیبت نکند مسلمانی را و گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که خدای تعالی فرموده است که روزه
داشتن از برای منست و من جزا میدهم روزه دار را بجهت روزه
داشتن و روزه دار را دو فرح است یکی در محل افطار کردن و دیگر در
محل ملاقات کردن بحضرت حق سبحانه و تعالی و بحق آنکسی که نفس محمد در قبضهٔ
قدرت اوست که بوی دهن روزه دار نزد خدای خوشتر است از
بوی مشک روایتست از امام جعفر صادق که گفت که رسول خدا

صلی الله علیه و آله در اوایل پیغمبری بعضی از اوقات روزه میداشت
بر وجهی که میگفتند مردمان که دایم روزه خواهد داشت و گاهی
روزه نمیداشت بر وجهی که میگفتند که دیگر روزه نخواهد داشت و بعد از آن
یک روز میداشت و یک روز نمیداشت و بعد از آن روز دوشنبه
و پنجشنبه روزه میداشت و بعد از آن [illegible]
روز روزه دارد پنجشنبه اول ماه و چهارشنبه میان آن ماه و پنجشنبه آخر
ماه گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که اینچنین روزه دارد
بمنزله آنست که تمام عمر روزه دار باشد روایتست از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت که هرگاه که یکی از شما سه روز روزه دارد از ماهی
باید که جدال و نزاع نکند با کسی و جفا نکند با کسی و شتاب نکند بسوگند
خوردن بخدای تعالی و اگر کسی نسبت با و جفای کند از روی نادانی
تحمل کند روایتست از امیر المومنین علی علیه السلام که گفت که
روزه داشتن از صبر است و سه روز روزه داشتن از هر ماهی
برد غم و وسواس و سه روز روزه داشتن از هر ماهی مثل روزه داشتن

تمام عمر است بدرستی که خدای تعالی میگوید که من جاء بالحسنة فله عشر
امثالها یعنی هر که یک نیکوی کند پس مر او را ده نیکوی است پس سه
روز روزه داشتن در ماهی برابر روزه داشتن تمام ماه است پس
پس سه روز روزه داشتن از هر ماهی برابر روزه داشتن تمام عمر است
منقولست که پرسیدند امام جعفر صادق علیه السلام از کسی که سه
روز روزه ندارد از هر ماهی بجهت آنکه دشوار باشد بر او روزه
داشتن که آیا بدل دارد این روزه گفت بلی بدل هر روز یک طعام بده
روایت از امیر المومنین علی علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود که هر کس که یک روز روزه سنت بدارد خدای تعالی او را بهشت
می برد روایت از ابی عبد الله که گفت که افطار کردن در منزل برادر
مومن فاضلتر است از هفتاد بار یا نود بار از روزه داشتن روایت
از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که هر که نزد برادر مومن در آید و روزه داشته باشد
و آن برادر او را مهمانی کند و او افطار کند نزد برادر مومن و نگوید که روزه
دارم و منت ننهد بر آن برادر بنویسد خدای تعالی از برای او ثواب

روزه یکساله روایت از پیغمبر صلی الله علیه و آله وقتی که افطار میکرد و میگفت
که اللهم لک صمت و علی رزقک افطرت فصل نهم در بیان آداب دست شستن
روایت از کتاب من لا یحضره الفقیه و غیر آن که گفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله که آنکسی که میخواهد که بسیار شود خیر او باید که دست
خود را بشوید نزد حاضر شدن طعام گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که جمع است دست شستن را تا جمع کند خدای تعالی پریشانی شما را
گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله دست شستن پیش از طعام و بعد
درویشی را بعد از طعام می برد و دیوانگی را و صحت میدهد چشم را روایت
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که آنکسی که بشوید دست خود را
پیش از طعام و بعد از طعام برکت میدهد خدای تعالی او را اول طعام و آخر
طعام و بفراغت میگذراند مادام که زنده است و عافیت می یابد
از رحمتی که در بدن او است روایت از امام جعفر صادق علیه السلام
که بگیرید بینهای خود سعد را بدرستی که خوشبو میکرداند دهن را
و زیاده میکند قوت جماع را و سعد گیاهی است خوشبو

از امام جعفر صادق که گفت که انگشتی که بشوید دست خود را پیش از طعام باید که
خشک نکند بر دستمال که مانند او به بهشتی که همیشه در طعام برکت است مادام
که دست تر است روایت از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت که وقتی
که طعام خورید باید که پاک نکنید دست خود را به دستمال تا آنکه بلیسید
دست خود را روایت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت باید پیش از طعام
اول صاحب منزل دست بشوید و بعد از آن انگشتی که بجانب راست او است
و بعد از طعام ابتدا کنند از انگشتی که بر جانب چپ منزل است بدرستیکه
صاحب منزل سزاوارتر است به صبر کردن بر بوی طعام و دست خود را
پاک کنند بعد از آن دست شستن به دستمال و مانند آن روایت
که امام جعفر صادق علیه السلام پاک کرد دست خود را از طعام پیش از
دست شستن مالید دست خود را بر سر و روی خود پیش از آنکه پاک
کند به دستمال و گفت که اللهم اجعلنی ممن لا یرهق وجوههم قتر و لا ذلة
روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت دست شستن
پیش از طعام و بعد از طعام می برد درویشی را تا جائیکه دهم آنگران

می برد و کپی یافت ایمن او بفراغت میکند مادام که زنده است و در شستن
طلب آمرزش میکنند از برای آنکس که میلیسد انگشت خود را در آخر طعام
روایت که امام جعفر صادق علیه السلام مکروه میداشت نزد دست
شستن بر داشتن طشت را پیش از آنکه پر شود و چون پر میشد آب آنرا
میریختند گفت امام جعفر صادق علیه السلام که انگشتی که دو دست میدارد که
بسیار شود خیر در منزل او و باید که دست خود را بشوید پیش از طعام و بعد از
طعام بدرستیکه انگشتی که چنین کند بفراغت بکند اند مادام که زنده است
و عافیت یابد از هر چیزی که در بدن او است روایت از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت که وقتی که دست خود را بشوید بعد از طعام باید که بمالید
بر چشمهای خود دست تر را بدرستیکه امانست از درد چشم روایت از
صفوان جمال که گفت که بودیم ما نزد ابی عبدالله علیه السلام که خوردن طعام آوردند
پس خادم آمد در آب دست شستن آورد و آنحضرت دست شست و خادم
خواست که مندیلی بآنحضرت بدهد که دست خود را خشک کند آنحضرت
قبول نکرد و گفت که ما دست خود را میشستیم از آن جهت که او دست ما تر

شود در وقت طعام خوردن روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که
گفت که شستن دست پیش از طعام و بعد از طعام می برد درویشی را و زیاد
میکند روزی را روایتست از کتاب تهذیب الاحکام که گفت ابو جعفر
علیه السلام که دست شستن پیش از طعام و بعد از می برد درویشی را و [illegible]
از یونس که گفت که یکنوبتی ابو الحسن علیه السلام بمنزل من آمد چون طعام
حاضر شد طشتی آوردند که آنحضرت دست بشوید و آنحضرت در صدر مجلس بود
گفت بمن که ابتدا کن باکسی که در جانب راست تست چون یکی دست
شست خواست غلام که بردارد طشت را آنحضرت گفت که بگذار
طشت را تا دیگران هم دست بشویند روایتست از عدار که گفت که
دیدم ابو الحسن را علیه السلام که وقتی که دست می شست پیش از
طعام دست خود را خشک نمیکرد بدستمال و وقتی که دست می شست
بعد از طعام دست خود را خشک میکرد منقولست هو الیه الصادقین
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وقتی که فارغ می شد از دست شستن بعد از
طعام می مالید دست تر را بر روی خود و میگفت الحمد لله الذی جعل لنا

واطعمنا وسقانا وکل بلاء حسن ابلانا متصل در ادب چیزی خوردن و آنچه
متعلق است بآن روایتست از کتاب طب الائمه که امیر المومنین علی
علیه السلام گفت یاد کنید خدای تعالی را نزد طعام خوردن و سخنان بیهوده
مگوئید در وقت طعام خوردن بدرستی که طعام نعمتی است و واجبست بر
شما حمد و شکر گفتن بر نعمتهای خدای تعالی و نیکو عمل کنید با نعمت پیش
از آنکه فانی شود بدرستی که چون نعمت برطرف شود گواهی میدهد
بر صاحب خود بآن عملی که کرده است باو روایت کرده است
امیر المومنین علی علیه السلام که وقتی که بنشیند بطعام خوردن باید که بنشیند
بنحو نشستن بنده و طعام بخورید بر روی زمین و چهار زانو منشینید بدرستی
که خدای تعالی دشمن میدارد چهار زانو نشستن را و خشم میکند بر کسی که چهار
زانو می نشیند روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که بسیار
مکث بکنید در طعام خوردن بدرستی که این ساعتی است که حساب نمی شود
از عمر شما منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه که روایت کرده است
امام جعفر صادق علیه السلام از پدران خود علیهم السلام و ایشان روایت

کرده اند از حسن بن علی علیهم السلام که گفت در مایده دوازده خصلت است
که واجبست بر مسلمانی که بدانند آنها را چهار از آن خصلتها واجبست
و چهار از آن سنت و چهار ادب اما آنچه واجبست شناختن آن
اینست که این نعمت از خدای تعالی است و راضی شدنست بآنچه خدای
تعالی داده است و بسم الله گفتن است و شکر کردن بعد از طعام
و اما آن چهار که سنت است دست شستن است پیش از طعام و نشستن
بر جانب چپ و طعام خوردن به سه انگشت و لیسیدن انگشتان و اما
آنچه ادبست طعام خوردنست از پیش خود و لقمه خورد برداشتن و بسیار
خاییدن و کم نظر کردن در روی مردمان در حالت طعام خوردن
روایتست از عمرو بن قیس که گفت که رفتم نزد ابی جعفر علیه السلام بمدینه
و در پیش آنحضرت خوانی بود و آنحضرت طعام میخورد پرسیدم که چه عمل
باید کرد با خوان طعام آنحضرت گفت که هرگاه خوان نهی بسم الله بگو و
هرگاه برداری او را حمد بگو خدای تعالی و بخور از گرد خوان اینست
آن عملی که میباید کرد بخوان طعام روایتست از محمد بن ولید که گفت که

طعام خوردن

طعام بخوردم نزد ابی جعفر علیه السلام تا آنگه فارغ شدم از طعام خوردن و خوان را
برداشتند پس برخواست غلام که آنچه ریخته بود از طعام بر زمین بردارد
حضرت امام علیه السلام گفت که آنچه در صحرا میفتد از طعام بگذار اگر چه
ران گوسفندی باشد و آنچه در خانه میفتد پیروی کن و بردار او را که گفت
رسول خدا صلی علیه و آله که آنکسی که بیابد ریزه از طعام یا خرمای و بخورد
آنرا هنوز در شکم او باشد که خدای تعالی بیامرزد او را روایت کرده
امام رضا علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله
گفت که آنچه می افتد از خوان طعام کابین حور عین است روایتست
که امام جعفر علیه السلام مکروه میداشت بدست چپ چیزی خوردن
و آشامیدن و بدست چپ چیزی گرفتن و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
با امیر المومنین علی علیه السلام که یا علی در وقت طعام خوردن ابتدا کن بنمک
و ختم کن بنمک بدرستی که درین کار شفاست از هفتاد درد که از جمله آنها
دیوانگی و جذام و برص و درد حلق و درد دندان و درد شکم است
منقولست از ابن عباس که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که

سه بار انگشت نمک زدن و خوردن پیش از طعام و بعد از طعام دور
میکند از بنی آدم هفتاد نوع بلا را که از جمله دیوانگی و جذام و برص است
روایتست از امیر المومنین علی علیه السلام که ابتدا کنید نمک در طعام خوردن
پس اگر مردمان بدانند که چه خاصیت است در نمک اختیار کنند نمک را
و بگذارند تریاک فاروق را روایتست از ابی عبدالله علیه السلام که گفت
که ما ابتدا میکنیم نمک در طعام خوردن و ختم میکنیم بسرکه گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که خوب نان خورشی است سرکه محتاج نمیشود
اهل خانه که در آن سرکه باشد روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هرگاه نهند مایده را چهار
فرشته در گرد او در می آیند پس وقتی که بنده بسم الله بگوید آن فرشتها
میگویند که بیرون رو ای فاسق که دست نیست ترا بر اهل این طعام و هرگاه
فارغ شدند از طعام خوردن و گفتند الحمد لله آن فرشتها میگویند
که این قومی اند که خدای تعالی نعمت داد با ایشان و ایشان شکر آن نعمت
بگفتند و هرگاه بنده بسم الله نگوید آن فرشتها میگویند که ای فاسق

نزدیک شو و طعام بخور با ایشان و هرگاه خوان طعام برداشته شد
و حمد نگفتند خدای تعالی با ایشان نعمت داد و ایشان فراموش
کردند از پروردگار خود و شکر آن نعمت نگفتند گفت حضرت پیغمبر صلعم
با امیر المومنین علی علیه السلام که یا علی هرگاه میخواهی که طعام بخوری
بسم الله بگو و بعد از آن شروع کن در طعام خوردن و چون فارغ شوی
از طعام خوردن الحمد لله بگو بدرستی که آن دو فرشته که موکل تواند حسنات
می نویسند از برای تو تا وقتی که طعام تمام شود روایتست از امیر المومنین
علیه السلام که هر که بسم الله بگوید نزد طعام خوردن من ضامنم او را که ضرر نکند
پس گفت ابن الکوا که یا امیر المومنین دوش من طعام میخوردم و بسم الله
گفتم و ضرر کرد آن طعام مرا امیر المومنین علی علیه السلام گفت که چند
نوع طعام خوردی و بر بعضی بسم الله گفتی و بر بعضی نگفتی ازین جهت ضرر یافتی
ای لکع روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که اگر کسی که
چند نوع طعام نزد او حاضر شود و فراموش کند بسم الله گفتن را
نزد خوردن هر یک از آن طعام چون یادش آید باید بگوید بسم الله علی اوله

واحتره روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که هر که طعام
در معده من فاسد نشد بجهت آنکه هرگاه طعام خوردم ابتدا ببسم الله
کردم و چون فارغ شدم از طعام الحمد لله گفتم دوم روایت از امام جعفر
صادق علیه السلام که وقتی که کسی سیر شود نفس طغیان میکند پس باید که
کسی آنقدر طعام بخورد که سیر نشود روایت از امیر المؤمنین علی علیه السلام
که گفت بسر خود امام حسن علیه السلام که ای پسر من هر لقمه از طعام که
بخوری خواه گرم و خواه سرد و هر شیرینی و جرعه که بیاشامی باید که بگوئی
پیش از آنکه اللهم انی اسألک فی اکلی و شربی السلامة من وعکه
والقوة به علی طاعتک وذکرک وشکرک فیما بقیته فی بدنی وان
تشجعنی بقوتها علی عبادتک وان تلهمنی حسن التحرز من معصیتک
بدرستی که اگر این کار بکنی ایمن میشوی از مشقت و سختی دیگر گفت
که چون خوان طعام نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله می نهادند میگفت
اللهم اجعلها نعمة مشکورة تصل بها نعمة الجنة وقتی حضرت پیغمبر
صلی الله علیه وآله که دست خود بر طعام می نهاد میگفت بسم الله

بارک

بارک لنا فیما رزقتنا وعلیک خلفه منقولست که چون علی بن الحسین علیهم السلام
طعام میخورد میگفت الحمد لله الذی اطعمنا وسقانا وکفانا وایدنا وآوانا
وانعم علینا وافضل الحمد لله الذی یطعم ولا یطعم روایت سوم روایتست از امام
محمد باقر علیه السلام که گفت حضرت سلیمان وقتی که فارغ میشد
از طعام خوردن میگفت اللهم اکثرت واطیبت فزد و اشبعت و
ارویت فهنه روایت امام جعفر علیه السلام وقتی که طعام میخورد میگفت
الحمد لله الذی اطعمنا فی جائعین وسقانا فی ظامئین وکسانا فی عارین
وفضلنا علی کثیر من العالمین گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که وقتی که برداشته
شود خوان طعام بگو الحمد لله رب العالمین اللهم اجعلها نعمة مشکورة روایت
از کتاب نجاة که این دعا را نزد طعام خوردن می باید خواند الحمد لله الذی
یطعم ولا یطعم ویجیر ولا یجار علیه ویستغنی ویفتقر الیه اللهم لک الحمد علی
ما رزقتنی من ادام وادام فی یسر وعافیة من غیر کد منی ولا مشقة
بسم الله الذی لا یضر مع اسمه داء بسم الله الذی لا یضر مع اسمه
وهو سمیع علیم اللهم اسعدنی من مطعمی هذا بخیره واعذنی من شره

وأشبعني بشبعه وسلمني من ضره وگفت که نزد فارغ شدن طعام باید خواند
الحمد لله الذی اطعمنی فأشبعنی وسقانی فأروانی وصاننی وحمانی الحمد لله
الذی عرفنی البرکة والیمن بما أصبته وترکته منه اللهم اجعله هنیئا مریئا
ولا وبیا ولا دویا وابقنی بعده سویا قائما بشکرک محافظا علی طاعتک
وارزقنی رزقا دارا واعشنی عیشا قارا واجعلنی ناسکا بارا واجعل ما یلقانی
فی المعاد مبهجا سارا برحمتک یا ارحم الراحمین حدیث از کتاب بصایر
که روایت کرده است محمد بن جعفر العاصم از پدر خود و پدر او روایت کرده است
از پدر خود که گفت که حج کردم و با من جماعتی از یاران من بودند پس آمدیم
بجوانب مدینه و قصد کردیم که جائی فرود آییم پس استقبال کرد ما را غلام
ابی الحسن موسی بن جعفر علیهم السلام و سوار بود بر دراز گوشی سبزی و
از عقب او طعام آوردند و ما فرود آمدیم در نخلستانی و آمد ابو الحسن
علیه السلام و فرود آمد در ان منزل و فرمود که آوردند طشتی و آب
که دست بشویند پس آنحضرت اول هر دو دست خود را بشست و فرمود
که گردانیدند طشت را بجانب راست حضرت امام علیه السلام تا آنکه

رسید بآخر مجلس و بعد از ان گردانیدند طشت را بجانب چپ حضرت
امام علیه السلام تا آنکه رسید بآخر مجلس و بعد از ان طعام پیش آوردند
و آنحضرت ابتدا بنمک کرد و گفت بسم الله الرحمن الرحیم بگوئید و طعام
بخورید بدرستی که این طعامی است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
دوست میداشت این را و بعد از ان فرمود که سرکه و روغن زیتون
آوردند و گفت بسم الله الرحمن الرحیم بگوئید و بخورید بدرستی که حضرت
فاطمه علیها السلام دوست میداشت این طعام را و بعد از ان
فرمود که سکباج آوردند و گفت بسم الله الرحمن الرحیم بگوئید و بخورید بدرستی
که امیر المؤمنین علی علیه السلام دوست میداشت این طعام را و سکباج
که از سرکه و گوشت و پیاز و ادویه حاره می پزند و بعد از ان فرمود که
گوشت بریانی که در ان بادنجان بود آوردند و گفت بسم الله الرحمن الرحیم
بگوئید و بخورید بدرستی که حضرت امام حسن علیه السلام دوست
میداشت این طعام را و بعد از ان فرمود که دوغ ترشی آوردند که در ان
ترید کرده بودند و گفت بسم الله الرحمن الرحیم بگوئید و بخورید بدرستی که

امام حسین علیه السلام دوست میداشت این طعام را و بعد از ان
فرمود که گوشت یخنی آوردند و گفت بسم الله الرحمن الرحیم بگوئید
بخورید بدرستی که علی بن الحسین علیهم السلام دوست میداشت این
طعام را و بعد از ان فرمود که پهلوی گوسفندی آوردند که با دارو ماب
گرم پخته بودند و گفت که بسم الله الرحمن الرحیم بگوئید و بخورید بدرستی
که محمد بن علی علیه السلام دوست میداشت این طعام را و بعد از ان
فرمود که خاگینه آوردند و گفت که بسم الله الرحمن الرحیم بگوئید و بخورید
بدرستی که دوست میداشت این طعام را ابی جعفر علیه السلام و بعد از ان
فرمود که حلوا آوردند و گفت که بسم الله الرحمن الرحیم بگوئید و بخورید بدرستی
که من دوست میدارم این را و بعد از ان فرمود که خوان طعام را برداشتند
پس خواست یکی از ما برچیند آنچه ریخته بود از خوان طعام حضرت امام
علیه السلام منع کرد او را و گفت آنچه در خانهها می افتد از خوان طعام بر
می باید داشت اما در مثل اینجا که صحراست آنچه می افتد از خوان طعام از
برای مرغان و حیوانات می باید گذاشت و بعد از ان فرمود که

خلال آوردند

خلال آوردند و گفت که طریق خلال کردن آنست که اول بگردانید
زبان خود را در دهن خود پس آنچه جدا شود بزبان فرو برید آنرا و
آنچه بزبان جدا نشود بخلال جدا کنید و بیرون آورید از دهن و بیندازید
و بعد از ان طشت و آب دست شستن طلبید و اول از جانب چپ
آنکسی که بجانب چپ آنحضرت نشسته بود دست شست پس تا
آخر مجلس از جانب چپ دست شستند بعد از آنحضرت امام علیه السلام
دست شست و بعد از ان آنکسی که بجانب راست آنحضرت نشسته بود
دست شست پس تا آخر مجلس از جانب راست دست شستن و بعد
از ان حضرت امام علیه السلام گفت که اگر یکی از شما در محل تنگی بمنزل برادر مومن
خود بیاید و بگوید که کیسه او را بیرون آورید پس بیرون آورند
و انگشت برآرد در آن کیسه او و آن مقدار زر که احتیاج دارد بردارد آیا این برادر
مومن ساید می آید گفت عاصم که آری حضرت امام علیه السلام گفت که
ایمن پس شما نیست به نیکوترین وجهی منقولست از کتاب طب الائمه
که گفت ابی عبدالله علیه السلام که چیزی مخور در وقت راه رفتن

مگر آنکه ضرورت باشد روایتست از عمرو بن ابی شعبه که گفت که دیدم
ابی عبد الله علیه السلام را علیه السلام که تکیه کرده چیزی میخورد و گفت
رسول خدا صلی الله علیه و آله تکیه کرده چیزی نخورد تا آنکه از دنیا رحلت
فرمود روایتست امیر المؤمنین علی علیه السلام که هر چه می افتد از خوان
طعام هر چیزی که در وی شفاست از هر دردی مر آنکس که طلب شفا کند بر آن
منقولست از کتاب فردوس که گفت انس که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرمود که آنکس که بخورد آنچه می افتد از خوان طعام بفراغت کند از آن
مادام که زنده کافی کند و عافیت یابد از جذام فرزند و فرزند فرزند او
گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که یاد کردن طعام در دهن می برد برکت
طعام روایتست که دید حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله ابو ایوب انصاری را
که برچید آنچه از خوان طعام ریخته بود حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت
برکت مر ترا باد گفت ابو ایوب که اگر غیر من این کار کند برکت
هست او را حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله گفت بلی آنکس
که این کار کند که تو کردی آنچه در حق تو گفتم در حق او نیز هست و آنحضرت

گفت که آنکس که این کار کند نگاه میدارد خدای تعالی او را از دیوانگی و جذام
و برص و درد آب و بیعقلی روایتست از عالم آل محمد که آن امام محمد باقر است
علیه السلام که گفت که سه چیز است که حساب نمیکنند آنرا بر مؤمن طعامی
که بخورد و جامه که بپوشد و زن صالحه که یاری کند او را و نگاه دارد سبب
آن زن دین او را روایتست از امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه و آله
که بگذارید طعام گرم را که سرد شود تا با شما توان خورد و هر چیزی که نزد
رسول خدا صلی الله علیه و آله طعام گرم آوردند آنحضرت گفت که بگذارید
تا سرد شود تا با ساقی توان خورد که خدای تعالی آتش را طعام نکرده است
ما را و برکت در طعام سرد است و برکت در طعام گرم نیست گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله که آنکس که بلیسد کاسه را صلوات فرستد بر وی فرشتها
و دعا کنند برای آنکه روزی فراخ شود و بنویسند از برای او حسنات
بسیار و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که آنکس که طعام بخورد در وقت
که معده او خالی باشد از طعام و نیکو بخاید طعام را و ترک طعام خوردن کند
و هنوز میل داشته باشد و نگاه ندارد غایط را وقتی که تقاضا شود بیمار

فشود مگر بیماری موت روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
که هرگاه که می آوردند از برای حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله میوه نوباوه
آنحضرت می بوسیدند آنرا و بر چشم خود می نهاد و میگفت که اللهم ارینا
اولها فی عافیة فارنا آخرها فی عافیة یعنی بار خدایا نمودی بمن اول
این میوه را بعافیت بمن بنما آخر او را نیز بعافیت روایتست
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که سزاوار نیست خواب کردن
هر کسی را که بسیار پر باشد مگر اگر کسی پر باشد بدرستیکه هر پری که بسیار
بفراغت تا خواب میکند و خوش خوشتر میشود و من او و گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله که نجیبست از کسی که خود را نگاه میدارد از طعام از
ترس درد بیماری که چون نگاه نمیدارد خود را از ترس آتش دوزخ منقول
از کتاب تهذیب الاحکام که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که وقتی
بطلبند شما را بطعامی که نبرید فرزند خود را با خود همراه بدرستیکه اگر
چنین کنند آنچه میخورید حرام است و با آن منزل گنهکار و عاصی میروید
روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که رسول خدا صلعم

طعام خوردن در حالت بسیری برص می براورد روایتست از امام جعفر
صادق علیه السلام که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود
که کسی که بیشتر از وقع زند بجهت بسیار طعام خوردن که گرسنگی او
بیشتر خواهد بود در روز قیامت دوم روایتست از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت که وقتی که حاضر شود خوان طعام نزد جماعتی
و یکی از آن جماعت بسم الله بگوید کافی است از همه روایتست
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که وقتی که خوان طعام نهاده
شود بسم الله بگو و وقتی که طعام بخوری بگو بسم الله علی اوله و آخره
و چون خوان طعام برداشته شود الحمد لله بگو روایتست از امام جعفر
صادق علیه السلام که گفت هرگاه چند رنگ طعام حاضر شود بسم الله
بگو نزد خوردن هر طعامی اوی میگوید که گفتم که اگر فراموش کنم
حکم آنحضرت گفت هرگاه بیاد تو آید بگو علی اوله و آخره روایتست
از امام رضا علیه السلام که گفت هرگاه که طعام بخوری بعد از آنکه فارغ
شوی از طعام خوردن باید که بر پشت بخسپی و پای راست را بر بالای

بسم الله

حب بنی گفت امام جعفر صادق علیه السلام که بسیار چیزی خوردن مکروه است
و دیگر روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که آنکسی که بخورد
طعامی که او را نطلبیده باشند با آن طعام پس گویا که این طعام پاره از آتش است
روایتست از کتاب زهد امیر المؤمنین علی علیه السلام که روایت کرده است
ابی عبد الله علیه السلام از پدران خود علیهم السلام و ایشان روایت
کرده اند از امیر المؤمنین علی علیه السلام که گفت که نگاه دارید خود را از گناهان
که هیچ بلیه و محنت و روزی نیز از گناه نیست و محروم نمیشود کسی از روزی
مگر بگناه و گناه سبب حزن و اندوه و مصیبت و نکبت میشود چنانکه
خدای تعالی گفته است که وما اصابکم من مصیبة فبما کسبت ایدیکم ویعفوا
عن کثیر یعنی آن مصیبتی که بشما میرسد بجهت کسب شماست و حال
آنکه خدای تعالی عفو میکند بسیاری از گناهان شما را روایتست
از امیر المؤمنین علی علیه السلام که بسیار یاد کنید خدای تعالی را نزد طعام
خوردن و نافرمانی مکنید در حقی که طعام نعمتیست از نعمتهای
خدای تعالی و روزیست از روزیهای او و واجب است بر شما حمد گفتن

و شکر کردن خدای تعالی و نیکو عمل کنید بنعمت پیش از آنکه فارغ شوید
از نعمت بدرستی که چون نعمت برطرف شود گواهی میدهد بر صاحب
که کرده است یاد و آنکسی که خشنود باشد باندکی از روزی خشنود
می شود خدای تعالی از او باندک از عملی و پرهیز کنید در تقصیر کردن در عملی
با حسرت نخورید در محل حسرت خوردن فایده ندهد و هرگاه برسید بر
دشمن در جنگ کم سخن کنید و بسیار یاد کنید خدای تعالی و پشت
بدشمن مکنید و مگریزید تا غضب نکند خدای تعالی بر شما و مستوجب غضب خدای
تعالی نشوید و آنکسی که خواهد بداند که چگونه است قدر و منزلت او نزد
خدای تعالی باید که نظر کند که چگونه است قدر و منزلت خدای تعالی
نزد او در محل گناه کردن پس بهمانست منزلت او نزد خدای تعالی
منقولست از کتاب تهذیب الاحکام گفت مروک عبید که گفتم با امام
جعفر علیه السلام که اگر مردی بگذرد و برزند اعتق چنانست که خوشه از آن اعتق
تصرف کند آنحضرت گفت نی گفتم که چه چیز است خوشه که جایز نباشد
تصرف کردن آنحضرت گفت که اگر کسی که بگذرد و برزند اعتق و خوشه

غضب

بکبیر و باقی از آن زراعت چیزی روا نیست از کتابی که جمع کرده است
پدر من او را در آداب که گفت فضل بن یونس که روزی در منزل
خود بودم خادم من آمد و گفت که در در سرا مردی است که کنیت او ابو الحسن است
و نام او موسی بن جعفر پس گفتم ای غلام اگر این مرد آنکس است که من گمان
می برم تو آزادی تو را بیخشیدم بس پیش رفتم آنکس بود که من گمان
برده بودم گفتم فرود آی ای سید من آنحضرت فرود آمد و در آمد
در مجلس خواستم آنحضرت را در صدر مجلس بنشانم گفت بمن که ای فضل
صاحب منزل سزاوارتر است بصدر مجلس مگر آنکه در میان قوم مردی
از بنی هاشم باشد پس گفتم فدای تو گردم تو از بنی هاشمی چون نشست
گفتم فدای تو گردم خدای تعالی مرا حاضر شده است طعامی از برای اصحاب
اگر بخواهی بیارم حضرت امام گفت که ای فضل مردمان میگویند که این
طعامی است که بخبر رسیده است و مکروه میدارند خوردن این طعام را
اما نزد من قصوری ندارد پس امر نمودم غلام را که طشت آورد و نزد یک
حضرت امام رفت آنحضرت گفت که الحمد لله الذی جعل لکل شئ حدا یعنی

سپاس و ستایش مر خدایرا که تعیین کرده است از برای هر چیزی
حدی و قاعده پس گفتم که فدایت گردم قاعده دست شستن چیست
آنحضرت گفت که قاعده دست شستن پیش از طعام آنست که ابتدا
کند بآن صاحب منزل تا آنکه خوش حال شوند مهمانان پس وقتی که نهاد
طشت پیش حضرت امام علیه السلام آنحضرت بسم الله گفت و چون طشت را
برداشت آنحضرت گفت حمد خدای تعالی را و بعد از آن طعام آورد پس
گفتم که چیست قاعده این آنحضرت گفت که بسم الله گفتن وقتی که نهند خوان
طعام را و حمد گفتن خدای تعالی را وقتی که بر دارند خوان طعام و بعد از آن
خلال آورد گفتم که قاعده خلال کردن چیست آنحضرت گفت که شکستن
در خلال تا آنکه گوشت بن دندانها خونین نکند پس کوزه آب آورد
گفتم که قاعده آب خوردن چیست آنحضرت گفت که قاعده آنست
که از پیش دسته و از آنجا که شکسته باشد آب نخورند بدرستی که این
هر دو جای نشستن شیطانست و هر گاه خواهی که آب بخوری بگو بسم الله
و چون فارغ شوی از طعام خوردن ای فضل باید که صاحب خانه بعد

از همه دست بشویید پس گفت حضرت امام علیه السلام که خلیفه وعده داد
کرده هزار درهم به فلان جماعت بدهی و من میخواهم که تو این مبلغ را نقد
بایشان بفرستی پس گفتم که فدای تو گردم اگر این از دست من بیرون
رود باز بمن نخواهد رسید حضرت امام علیه السلام گفت که تو نقد بفرست
بایشان که بایشان نخواهد رسید و اگر برسد بتو عوض خواهد کرد انتهی قال
گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که چیزی خوردن در بازار از دنائت
و پستی است روایت که گفت مردی برسول خدا صلی الله علیه و آله که
یا رسول الله ما طعام میخوریم و سیر نمیشویم آنحضرت گفت که بیکجا جمع
شما جدا جدا طعام میخورید بجهت آن سیر نمیشوید بیک جا جمع شوید
در طعام خوردن و بسم الله بگویید تا خدای تعالی شما را برکت دهد
روایت از ابن عمر که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت
هرگاه که خوان طعام پیش کسی بیارند باید آنکس از پیش خود بخورد
و از پیش آنکسی که با او طعام میخورد نخورد و از میان طعام نخورد بدرستی که
برکت در میان طعام است و باید که کسی با کسی طعام میخورد دست

از طعام باز نگیرد و اگرچه سیر باشد بدرستی که اگر چنین کند آنکسی که با او
میخورد خجل میشود و شاید که هنوز سیر نشده باشد روایت از انس که گفت
که رسول خدا صلی الله علیه و آله طعام نخورد بر خوان و نه در پیاله خورد
و نان تنک نخورد پس گفت بانس که بر چه چیز طعام میخورد بر سفره
منقولست از کتاب روضة الواعظین که روایت کرده است امیر المؤمنین
علی صلوات الله علیه از ابی جحیفه که گفت که شبی بودم در خدمت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و من آروغ میزدم بجهت آنکه طعام بسیار خورده
بودم آنحضرت گفت که یا ابا جحیفه طعام کمتر بخور بدرستی که آنها که سیرترند
در دنیا گرسنه‌تر خواهند بود در روز قیامت گفت حضرت پیغمبر صلعم
که نور حکمت در گرسنگی است و دوری از خدای تعالی در سیری است
و نزدیکی بخدای تعالی در دوستی مسکینان و درویشانست و نزدیک شوید
بایشان گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که باید که نمیرانید دلهای
خود را به بسیار خوردن طعام و آب بدرستی که دلها میمیرند بجهت بسیاری
طعام و آب همچنانکه زراعتها میشود بجهت بسیاری آب گفت حضرت

پیغمبر صلی الله علیه وآله که سیر نخورید به درستی که نماند نور معرفت
در دلهای شما و کسی که شب برود آورده و نماز گزارده و اندرون او خالی
باشد از طعام شب بروز می آورند حور عین در گرد او روایت
که پرسیدند از رسول خدا صلی الله علیه وآله که چه چیز است که بیشتر
مردمان را بدوزخ می برد آنحضرت گفت که شکم و فرج گفت حضرت
رسالت پناهی صلی الله علیه وآله که آنکسی که طعام حلالی بخورد می ایستند
بر سر او فرشته او در وقت طعام خوردن و استغفار میکنند از برای
او تا آنکه فارغ شود از خوردن طعام وگفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
که هرگاه کسی لقمه حرامی بخورد لعنت میکنند بروی هر فرشته که در آسمان
و زمین است مادام که آن لقمه در اندرون اوست حضرت حق سبحانه و تعالی
در وی نظر نکند و آنکسی که لقمه بخورد از حرام سزاوار است بغضب خدای
تعالی را و اگر توبه کند خدای تعالی توبه او را قبول میکند و اگر بمیرد بی
توبه دوزخ سزاوارتر است باو منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله گفت که ظرف طلا و نقره متاع آنجماعتی

که یقین ایشان بخدای درست نیست روایت از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت سزاوار نیست آشامیدن از ظرف طلا و نقره
روایت که ابی عبد الله علیه السلام مکروه میداشت در ظرف
نقره و قدحی نقره کوفت مکروه میداشت که روغن بمالند از روغنها
دان نقره کوفت و شانه کنند بشانه نقره کوفت پس اگر کسی را که
ناچار باشد که بیاشامد از قدح نقره کوفت باید که دور گرداند
دهن خود را از نقره خبر وگفت امام محمد باقر علیه السلام که چیزی
نخورید در ظرف طلا و نقره روایت که ابی عبد الله علیه السلام آب طلبید
از برای آنحضرت قدحی از روی آوردند که در آن آب بود پس گفتند
بعضی از اهل مجلس بعضی که عباد بصری مکروه میدارد آب خوردن را
از قدحی که از روی باشد حضرت امام علیه السلام گفت که بپرسید
از وکه این قدح از طلاست یا نقره مکروه میداری آب خوردن از او
روایت که پرسیدند از امام جعفر علیه السلام از آب خوردن بیکدم
حضرت امام علیه السلام گفت که شوا ب میدید اگر بنده الست آب را

بسه دم بخورد و اگر از دست یکدم بخورد در روایت دیگر آمده است
و این روایت اصح است که حضرت امام علیه السلام گفت که به سه
دم آب خوردن بهتر است از یکدم و حضرت امام علیه السلام
مکروه میداشت آب خوردن بر الطریق پس این دعای که می باید خواند
بعد ازان آب خوردن الحمد لله الذی منزل الماء من السماء و مصرف
الامر کیف یشاء و بسم الله خیر الاسماء روایت از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت که آمدند نزد پدر من جماعتی و گفتند که فرموده
که هر چیزی را حدی است گفت پدر من که بلی بعد ازان ابی طلبیدند که ایشان
بخورند گفتند که یا ابی جعفر کوزه هم چیزی است ازان چیزها که حد دارد
گفت بلی گفتند حد او چیست گفت حد او اینست که آب بخوری و
هر دم آبی که بخوری حمد خدای بگوی و آب بخوری از نزدیک کوزه
بدرستی که شیطان از آنجا آب میخورد و بعد از آب خوردن بگوی
الحمد لله الذی سقانا ماء عذبا و لم یجعله ملحا اجاجا بذنوبنا در روایت
دیگر واقع است آن دعا که گذشت می باید خواند یا این دعا

دستها

الحمد لله الذی سقانی فاروانی و اعطانی فارضانی و عافانی فکفانی اللهم اجعلنی
ممن تسقیه فی المعاد من حوض محمد صلی الله علیه و آله و تسعده بمرافقته برحمتک
یا ارحم الراحمین روایت از عبد الله بن مسعود که گفت که رسول خدا
صلی الله علیه و آله به سه دم آب بخورد و پیش از هر دم بسم الله میگفت
و بعد از هر دم شکر میگفت خدای تعالی را روایت از انس که گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله نهی کرده است از آب خوردن ایستاده
گفتم که ایستاده طعام خوردن چونست آنحضرت گفت که ایستاده
طعام خوردن بدتر است از ایستاده آب خوردن در روایت دیگر
واقع است هم از انس که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله نهی کرده ایستاده
آب خوردن روایت که پرسیدند از امام جعفر صادق علیه السلام
که طعم آب چیست آنحضرت گفت که طعم آب طعم زندگانی است روایت
امام جعفر صادق علیه السلام باید که به سه دم آب بخورید و در هر دم
شکر گویید اول شکر گویید از برای آب خوردن و دوم بجهت راندن
شیطان و سیوم بجهت شفای آب در اندرون شما روایت

از ابن عباس که گفت که دیدم رسول خدا صلی الله علیه وآله که آب خورد
بدو دم روایتست که پرسیدند از موسی بن جعفر علیه السلام از حد
ظرفی که در آب میخورند آنحضرت گفت که حد او آنست که آب
نخورند از موضع شکسته اگر شکسته باشد بدرستی که جای نشستن
شیطانست پس وقتی که آب خوری بسم الله بگو و چون فارغ
شوی از آب خوردن حمد بگوی خدای تعالی را روایتست از عمر بن
قیس که گفت که رفتم نزد ابی جعفر علیه السلام بمدینه و در پیش آنحضرت
کوزه نهاده بود پس گفتم با آنحضرت که حد کوزه چیست گفت حد کوزه
آنست که آب بخوری از میان لب کوزه و بسم الله بگوی و هرگاه
کوزه را از دهن برداری حمد بگوی خدای تعالی را و بپرهیز از آب
خوردن از نزدیک دسته کوزه بدرستی که نشستنگاه شیطانست گفت
رسول خدا صلی الله علیه وآله که وقتی که بیفتد مگس در ظرف شما پس باید که
فرو برید تمام او را در ظرف بدرستی که در یک بال او درد است و در بال
دیگر شفا و مگس فرو می برد مقدم او را و بعد از ان او را بیرون

اندازید

اندازید فصل پنجم در آداب خلال کردن منقولست از کتاب
من لا یحضره الفقیه که گفت وهب بن عبد ربه که دیدم ابا عبد الله
علیه السلام که خلال میکرد پس نظر کردم باو حضرت امام علیه السلام
گفت که رسول خدا صلی الله علیه وآله خلال میکرد و دهن آنحضرت خوشبوی
بود بجهت خلال کردن و در روایت دیگر واقع است که حق مهمان
آنست که مهیا و آماده کنند او را خلال گفت ابو عبد الله علیه السلام
که آنچه بزبان آوری از میان دندانها فرو بر آنرا و آنچه بخلال
بیرون آوری بینداز آنرا روایتست از فضل بن یونس که گفت
پرسیدم امام موسی کاظم را علیه السلام از طریق خلال کردن آنحضرت گفت
که طریق خلال کردن آنست که بشکنی سر خلال را تا آنکه خونین نکند
گوشت بن دندانها را روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
که پس رفته کشیدن خوش بو میکند دهن را و خلال کردن زیاده میکند
روزی را روایتست از کتاب فردوس که گفت سعد بن معاذ که رسول خدا
صلی الله علیه وآله پاک کنید دهن خود را بخلال بدرستی که دهن شما مسکن

پردن

دو فرشته ایست که موکل ثنایایند و نیک و بد تمامی می نویسند و سیاهی
او دو فرشته است و دهن شماست و قلم ایشان خلال است و بعد ازین
چیز عاجز تر دو فرشته طعامی است که در میان دندانهای ماند روایت
از کتاب روضه که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که خلال کردن
بچوب گز درویشی می آورد روایت از کتاب طب الائمه که گفت امام
رضا علیه السلام که خلال مکنید بچوب انار و بچوب ریحان بدرستی که
در حرکت می آورند رگ جذام را روایت از امام رضا علیه السلام
که رسول خدا صلی الله علیه و آله خلال میکرد بهر چه میرسید مگر برگ درخت
خرما و نی گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که رحمت کناد خدای تعالی
از امت انگشانی را اگر خلال میکنند در وضو ساختن و بعد از
طعام خوردن روایت از امام موسی کاظم علیه السلام که گفت ندا
میکنند خلال کننده را از آسمان و میگویند اللهم بارک فی الخایلین والمتخللین
یعنی بار خدایا برکت ده انگشانی که در خانه ایشان سبز کیا شده و انگشتان
که خلال میکنند و سبز که بتراک مرد صالح است که دعا میکنند از برای

اهل خانه برکت دهم روایتست از امام موسی کاظم علیه السلام
که خلال را جبرئیل علیه السلام آورد برای حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
با مسواک و گواه از آسمان روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که خلال کنید بعد از
طعام بدرستی که خلال کردن بعد از طعام موجب صحت بدن و دندانهاست
و می افزاید روزی را منقولست از صحیفة الرضا که روایت کرده است
امام رضا علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که گفت امام حسین
علیه السلام که امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه می فرمود ما را که
بعد از خلال کردن آب بخوریم تا آنکه پس بار مضمضه کنیم روایت کرده است
محمد بن الحسن الدارمی که گفت که آنکسی که خلال کند بنی حاجت
او برآورده میشود هفت روز روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که خلال مکنید بنی و اگر ناچار باشد پوست نی را بکشید و
بعد از آن خلال کنید منقولست که منع کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله
از خلال کردن بچوب انار و گفت که این دو حرکت می آورند

رگ خوره دارد روایتست از امام موسی کاظم علیه السلام که گفت که
رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که خلال کنید بدرستیکه نیست
هیچ چیزی بدتر نزد فرشتها از این که ببینند در میان دندانهای
بنده طعام را روایتست از انس که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
که گفت که انکسی که استنجا کند باید که بعدد طاق استنجا کند پس
آنکسی که چنین کند نیکو کرده است وانکسی که چنین نکند باکی نیست
وانکسی که سرمه کشد باید که بعدد طاق سرمه کشد پس آنکسی که چنین
کند نیکو کرده است واگر چنین نکند باکی نیست وانکسی که طعام بخورد
وخلال کند انچه بیرون می آید از میان دندانها باید که نخورد واورا
آنچه بگردانیدن زبان بیرون آید باید که فرو برد انرا روایتست
از مصنف کتاب مکارم الاخلاق میگوید که انتخاب کردم از کتاب طب الائمه
چند فصلی که لایق بود باین باب والحاق کردم انرا باین موضع
بترتیبی که مذکور خواهد شد در بیان روایات که وارد شده است
در نان روایتست از امیر المومنین علی علیه السلام که گفت

اکرام کنید نان را بدرستی که خدای تعالی فرو فرستاده است
برای نان برکتها از آسمان وبیرون آورده است برای نان برکتها
از زمین پرسیدند از آنحضرت که چیست اکرام نان گفت که اکرام
نان آنست که نبرند آنرا بکارد و پا بر بالای او ننهند روایتست از
امیر المومنین علی علیه السلام که گفت که اکرام کنید نان را بدرستی که
خدای تعالی فرو فرستاده است از برای نان برکتها از آسمان
پرسیدند از آنحضرت که چیست اکرام نان که هرگاه نان حاضر شود
انتظار چیز دیگر نبود روایتست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله این دعا
میکرد که اللهم بارک لنا فی الخبز ولا تفرق بیننا وبینه یعنی بار خدایا
برکت ده ما را در نان وجدایی مکن میان ما ونان وآنحضرت میگفت
اگر نان نمی بود نمیتوانستیم نماز گزاردن وروزه داشتن وادای
نتوانستیم کرد آنچه خدای تعالی بر ما واجب گردانیده است روایتست از
امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که اکرام کنید نان را بدرستی که
مخلوق شده است در میان عرش وزمین ونیز گفت که بنای بدن آدمی

برنانست در بیان نان جو روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که قوت رسول خدا صلی الله علیه وآله از جو بود و حلوای آنحضرت
خرما و نان خورش او روغن زیتون بود روایتست از ابی الحسن
علیه السلام که گفت که فضل نان جو بر نان گندم همچو فضل ماست که اهل
بیتیم بر باقی مردمان و جمیع پیغمبران دعا کردند برای خورندهٔ نان جو
و طلب برکت کردند برای او و هر کسی که نان جو بخورد بیرون رود
از او هر دردی که در اندرون اوست و نان جو قوت پیغمبرانست علیهم السلام
و طعام نیکوست و نمیخواهد خدای تعالی که بگرداند قوت پیغمبران را علیهم السلام
قوت بدبختان روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که
اگر در چیزی دیگر غیر از جو شفا بیشتر می بود میگردانید خدای تعالی جو را قوت
پیغمبران علیهم السلام در بیان نان برنج روایتست از امام جعفر صادق
علیه السلام که هیچ چیز نفع دهنده تر از برنج نیست کسی که سل داشته
باشد بدرستی که برنج می کشد دردها را از اندرون و نیز گفت امام جعفر
صادق علیه السلام که خوب دوائیست برنج خشک است و در ریح

درد بی و معترف نیست روایت کرده است امام رضا از پدران خود علیهم السلام
که گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله که بهترین طعامهای دنیا و آخرت گوشت
و برنج است روایتست از ابی نافع و غیر او که گفت که یکی از ایمه علیهم السلام
که نیست چیزی نفع دهنده تر از برنج و نیست چیزی که ماند در شکم
از صباح تا شب مگر نان برنج در بیان نان گاورس روایتست از ابی عبیده
علیه السلام که گفت که نیست در گاورس ثقلی و گاورس باشد
نرم تر و فایده دهنده تر است در معده فضل در بیان فایده
انبار روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که بهترین شربتها
اهل بهشت آبست روایتست از ابی طیفور المتطبب که گفت که رفتم
نزد ابی الحسن [illegible] سلام و منع کردم او را از آب خوردن
ابو الحسن [illegible] السلام گفت که باکی نیست آب خوردن بدرستی
که آب هضم میکند طعام را در معده و می برد صفرا را و فرو می نشاند
غضب را و می افزاید عقل را و می نشاند حرارت را روایتست از یاسر
خادم که گفت که امام رضا علیه السلام فرمود که باکی نیست بسیار آب

خوردن بربالای طعام و بعد از ان آنحضرت هر دو دست خود را بجانب
هم آورد و گفت که اگر مردی آن مقدار آنحضرت هر دو طعام بخورد بر بالای
نیکو هضم نمی شود از طعام در شکم او در بیان آب زمزم روایت از امام
جعفر صادق علیه السلام که گفت که آب زمزم شفاست از هر دردی
و گفت که آب زمزم شفاست هر دردی را که آن آب را بجهت آن درد
بخورند در روایت دیگر واقع است که آب زمزم از هر دردی و امانست
از هر ترسی در بیان آب ناودان خانه کعبه روایت از ضارم که گفت که
که بیمار شد مردی از اصحاب ما تا آنکه نزدیک شد بمردن پس ملاقات
کردم با ابا عبد الله علیه السلام آنحضرت گفت ای ضارم چه شد حال
فلان کس که بیمار بود گفتم فدای تو گردم نزدیک شده است بمردن آنحضرت
گفت که اگر من بجای تو می بودم آب بام خانه الکعبه دادم که بخورد بیمارم
گفت بعد از آنکه حضرت امام علیه السلام فرمود که بآن بیمار آب ناودان
بده متوجه شدیم که آب ناودان پیدا بکنیم هر چند طلب کردیم نیافتیم
پس در وقت طلب کردن ابری پیدا شد و رعد و برق شد و باران

شفاست

بارید پس رفتم نزد بعضی از آنکسان که در مسجد حرام بودند و یکدرم
دادم و یک قدح آب ناودان گرفتم و آوردم و بآن بیمار دادم و از
پیش او دور شدم تا آنکه خورد این آب را بالتمام و خلاص شد از
بیماری در بیان آب باران گفت امیر المومنین علی علیه السلام که بیاشامید
آب باران را بدرستی که پاک میگرداند بدن را و دفع میکند بیماریها
و گفته است حضرت حق سبحانه و تعالی که و ینزل علیکم من السماء ماء لیطهرکم
به و یذهب عنکم رجز الشیطان و لیربط علی قلوبکم و یثبت به
الاقدام یعنی فرو فرستاد خدای تعالی از طرف آسمان تا پاک گرداند
شما را بدان آب از حدث و جنابت و ببرد از شما وسوسه شیطان را
و ببندد بر دلهای شما امیدواری بلطف حضرت باری و برای
آنکه ثابت و محکم گرداند بدان باران قدمهای شما را در معرکه جنگ
در بیان آب فرات روایت از خالد بن سدیر که گفت ابو عبد الله
علیه السلام فرمود که اگر من نزد شما می بودم هر روزی آمدم بفرات
و بآن آب غسل میکردم و میخوردم هر روز یک انار سوراء و سورا

نام موضعی است در عراق و عرب در بیان آب نیل مصر گفت
امیرالمومنین علی علیه السلام که آب نیل مصری میراند دلها را و میشوید
پسر خود را ابکل مصر بدرستی که بچارقی پیازد کسی در بیان آب برف گفت
امیرالمومنین علی علیه السلام که آب برف بریزید برکسی که تب داشته باشد
بدرستی که آب برف می نشاند حرارت تب را روایت از امام جعفر
صادق علیه السلام که گفت آب سرد می نشاند حرارت را و تسکین
میدهد صفرا را و هضم میکند طعام را در معده و می برد تب را روایت
از صحیفة الرضا که روایت کرده است امام رضا از پدران خود علیهم السلام
و ایشان روایت کرده از امیرالمومنین علی صلوات الله علیه که گفت
در تفسیر قول خدای تعالی ثم لتسئلن یومئذ عن النعیم که مراد از نعیم
خرمای تر و آب سرد است و معنی این آیت این است پس هر آینه
شما پرسیده خواهید شد در روز قیامت در وقت محاسبه از نعمتها
که خدای تعالی بشما داده است در دنیا روایت از امیرالمومنین علی علیه السلام
که گفت که هرگاه آب جوشیده فایده میدهد بهر چیزی را و هیچ ضرر

نمیرساند روایت از امیرالمومنین علی علیه السلام که گفت هرگاه حجام
کنید باید که بعد آب گرم بخورید بدرستی که می افزاید طراوت را
روی را و می برد الم و درد را از بدن آدمی روایت از امام رضا علیه السلام
که گفت که آب گرم وقتی که سخت جوش بزنند و او را از ظرفی بظرف
دیگر بریزند می برد تب را و قوت میدهد بساق و قدم را در بیان منع
کردن از بسیاری آب خوردن روایت از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که پرهیز از آب خوردن بسیار بدرستی که بسیار آب خوردن
ماده هر دردی است و اگر مردمان کم آب خورند هر آینه صحیح می باشد
بدنهای ایشان روایت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وقتی که چیزی
چربی میخورد کم آب بخورد پس کسی گفت بآنحضرت که یا رسول الله شما
کم آب میخورید آنحضرت گفت که کم آب خوردن گوارنده تر است طعام را
در بیان ایستاده آب خوردن روایت از امام محمد باقر علیه السلام
که گفت که ایستاده آب خوردن گوارنده تر و بهتر است روایت از
امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که ایستاده آب خوردن در روز

هضم میکنند طعام را و در شب زرد آب می شود و انکسی که در شب آب
بخورد و پس [illegible] بگوید علیک السلام من ماء زمزم و ماء الفرات ضرر
نکند او را آب خوردن در شب در بیان منع کردن از فرو بردن
آب بسیار بیکبار گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که بمکید آب را
و فرو مبرید آب بسیار را و گفت که او را دو بار یا سه بار می باید
خورد فصل ششم در بیان گوشتها و آنچه متعلق است بآن
روایت از صحیفة الرضا که روایت کرده است امام رضا از پدران خود
علیهم السلام که ذکر کرده شد نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله گوشت
و پیه آنحضرت که هر پاره گوشت و پیه که در معده واقع شود شفا می
آورد و می برد درد را روایت از امام رضا علیه السلام که گفت که
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که وقتی که طعام بپزید بسیار
کنید شوربا را بدرستی که شوربای گوشت هم حکم گوشت دارد
و بفرستید از برای همسایها و اگر گوشت نرسد بایشان شوربا را
بفرستید روایت از امیر المومنین علی علیه السلام که گفت که گوشت

بهترین طعامهای دنیا و آخرت است روایت از زراره که گفت
که طعام با گوشت خوردم با آبی جعفر علیه السلام چهارده روز در ماه شعبان
روایت کرده است جعفر بن محمد از پدران خود علیهم السلام که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که ما که جماعتی پیغمبرانیم دوست میداریم
گوشت را روایت از ادیم که گفت که گفتم با امام جعفر صادق که رسیده است
بمن که خدای تعالی دشمن میدارد دلی را که دوست میدارد گوشت را حضرت
امام علیه السلام گفت که مراد از دلی که دوست میدارد گوشت را
خانه ایست که در آن گوشت مردمان بخورند یعنی غیبت مردمان میکنند
در روایت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله دوست میداشت گوشت را
و گفت انکسی که چهل روز گوشت نخورد بد خلق می شود و انکسی که بد خلق
شود با او گوشت بدهید که بخورد و انکسی که پیه بخورد بیرون میرود درد
از بدن او بمقدار آن پیه که خورده است و گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که بهترین گوشتها گوشت بز است در بیان خوردن با
شیر روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که انکسی که ضعف

دل داشته باشد یا ضعف بدن باید که گوشت میش با شیر بخورد
منقولست از کتاب زهد امیر المومنین علی علیه السلام که گفت از
عقبة بن علقمه که رفتم نزد امیر المومنین علی علیه السلام و در پیش آنحضرت
دوغی ترشی بود که از غایت ترشی از بوی ترشی او و پاره نان خشکی بود گفتم
با امیر المومنین علی علیه السلام آیا میخوری این دوغ ترش و این
نان خشک را آنحضرت گفت بمن که یا ابا الجنوب رسول خدا صلی الله علیه و آله
میخورد نان خشک تر از این نان و می پوشید لباس درشت تر از این
لباس که من پوشیده ام و هرگاه من ازانچه کرده است رسول
خدا صلی الله علیه و سلم آنرا از ترس آنکه در روز قیامت باو نرسم
روایتست از امیر المومنین علی علیه السلام که گفت که پیغمبری از پیغمبران
شکایت کرد نزد خدای تعالی از ضعف و بی قوتی امت خود حضرت
حق سبحانه و تعالی فرمود بان پیغمبر که بگوی امت خود را که گوشت
با شیر بخورند چنین کردند پس ظاهر شد در بدن ایشان قوت در بیان
خوردن پیه روایتست از ابی الحسن علیه السلام که گفت که گوشت

پیه رویاند

پیه رویاند گوشت بدن را و آنکسی که یک لقمه پیه بخورد بیرون میرود
درد از اندرون او بقدر آن پیه که خورده است روایتست از
امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که هر از پیه که حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله فرموده است که آنکسی که یک لقمه پیه بخورد بیرون میرود
از اندرون او بقدر آن پیه که او است روایتست از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت زهر آلود کردند جهودان از برای حضرت پیغمبر صلعم
سردست گوسفند را و آنحضرت دوست میداشت سردست را
و مکروه میداشت سرون را روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که آنکسی که بر وی چهل روز بگذرد
و گوشت نخورد باید که قرض کند و گوشت بخرد و بخورد و بر خدای تعالی
لازم است که ادای قرض او بکند و بیند روایتست از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت که مردمان میگویند که آنکسی که سه روز گوشت
نخورد بد خلق میشود دروغ میگویند بلکه آنکسی که چهل روز گوشت
نخورد بد خلق میشود در بیان گوشت میش روایتست از سعد بن سعد

که گفت که گفتم بابی الحسن علیه السلام که اهل بیت من گوشت حبش
نمیخورند آنحضرت گفت چرا گفتم که میگویند که گوشت حبش درد حرکت
می آورد و صفرا و درد سر می آورد و حرکت می آورد درد و غار آنحضرت
گفت که یا معمر اگر حبش پلید است خدای تعالی که چیزی از حبش بهتر است
آنرا فدای حضرت اسمعیل میساخت در بیان گوشت گاو روایت است
از ابی عبد الله که گفت که گوشت گاو دوا است و روغن او شفا است
و شیر او دوا است روایت است از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که شوربای
گوشت گاو ببرد برص روایت است از ابی عبد الله علیه السلام
که گفت که شوربای گوشت گاو می برد برص را روایت است از ابا
جعفر که گفت که شکایت کردند بنی اسرائیل نزد حضرت موسی علیه السلام
از برص آنحضرت شکایت کرد نزد خدای تعالی از این مرض ایشان پس
وحی کرد خدای تعالی بحضرت موسی که بفرما ایشان را که گوشت گاو بخورند
با چغندر روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که در گوسفند
ده چیز است که نمی باید خورد پس سرگین و خون و مغز مهرهای پشت

واکردن

و اکردن و سپرز و غدد و ذکر و خصیتین و زهدان و فرج و رگ
گردن و نیز گفت امام جعفر صادق علیه السلام که ده چیز از مرده پاک است
شاخ و پشم و استخوان و دندان و نیز مایه و شیر و موی
و پشم و پر و تخم مرغ منقولست از کتاب فردوس که گفت معاذ که
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که بر شما باد که گوشت شتر بخورید
مگر مومنی که مخالف یهود باشد و یهود دشمن خدای تعالیست
در بیان گوشت شتر روایت است از ابراهیم اصفهانی که یکی از ائمه
فرمود که از تمامی اسلام دوست داشتن گوشت شتر است در بیان
گوشت قاق روایت است از ابی عبد الله علیه السلام که گفت سه چیز
خوب میکند بدن و گاه باشد که بکشد خوردن گوشت قاق که بدبو
شده و هر روز بحمام رفتن و جماع کردن بسیار زنان و زیاده کرده است
برین پس ابو اسحق در روایت خود جماع کردن در حال امتلا در بیان گوشت
مرغ خانگی روایت است از جابر بن عبد الله که گفت که رسول خدا صلعم
فرمود مالی ازینها که گوسفند نگاه دارند و درویشان را فرمود

که مرغ خانگی نگاه دارند در بیان گوشت کبک روایت از ابی الحسن
اول علیه السلام که گفت که گوشت کبک بدهید بکسی که تب داشته
باشد بدرستی که کبک قوت میدهد بر ساق و اوی برد تب را در بیان
گوشت قطی و قطعا نام مرغیست و در بعضی از مواضع آنرا سفرود
میگویند روایت از علی بن مهزیار که گفت که طعام میخوردم با ابو
جعفر علیه السلام پس قطا آوردند ابو جعفر علیه السلام گفت که این مرغ
مبارکیست و آنحضرت میداشت این مرغ و میگفت که کسی که یرقان
داشته باشد این را بریان کنید و باو بدهید که بخورد در بیان گوشت
حباری و حباری نام مرغیست روایت از ابی الحسن علیه السلام
که گفت که باکی نیست خوردن گوشت حباری بدرستی که نیکوست
از برای بواسیر و درد پشت و زیاده میکند قوت جماع را در بیان گوشت
دراج گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که آنکسی که دل او درد کند و غم
بسیار داشته باشد باید که گوشت دراج بخورد روایت از ابی
عبد الله علیه السلام که گفت که وقتی که غمگین و اندوهگین شوید دراج را

سبب او را باید که گوشت دراج بخورید بدرستی که گوشت دراج
می برد غم و اندوه را انشاء الله تعالی روایت از حضرت رسالت
پناهی صلی الله علیه و آله که گفت که آنکسی که میخواهد که خشم او کم شود
باید که گوشت دراج بخورد در بیان گوشت ماهی روایت از امام جعفر
صادق علیه السلام که گفت که خوردن ماهی سل می آورد و سل مرضیست
که بیکار ماند آدمی را روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
که خوردن ماهی تازه میگدازد بدن را روایت از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی که ماهی میخورد این دعا میخواند
اللهم بارک لنا فیه و ابدل لنا خیرا منه روایت از جعفری که گفت که نوشتم
بابی محمد کتابتی و شکایت کردم که مرا خون و صفرا غالب شده است
پس هرگاه حجامت میکنم صفرا غالب میشود و اگر تاخیری میکنم در
حجامت کردن خون ضرر میکند چه میفرمایی حضرت امام علیه السلام
نوشت پس که حجامت کن و در عقب حجامت ماهی تازه بخور پس
اعاده کردم این سوال را باز آنحضرت نوشت که حجامت و در عقب

ماهی تازه با آب و نمک بخور پس چنین کردم و صحت یافتم و بعد از آن
غذای من این بود در بیان ماهی سقنقور روایت از محمد بن اسحق که گفت
که نوشتم بابی محمد علیه السلام کتابتی و در آن پرسیدم از ماهی سقنقور
که داخل میکنند در دوای باه که قوت جماع زیاده میکند و چنگ دم دارد
که آیا جایز است که بخورند او را آنحضرت نوشت پس که اگر آن فلوس
دارد باکی نیست در بیان ملخ روایت از ابی جعفر علیه السلام که گفت که
امیر المومنین علی السلام میگفت که ملخ و ماهی حلال است و ماهی که غذا
بیرون حرام است روایت از ابی جعفر علیه السلام که ماهی و ملخ حلال است
در بیان افسون ملخ روایت از ابی الحسن علیه السلام که گفت چون ملخ
بسیار شود و ضرر رساند بر الکسره شوید و تکبیر بگوئید و گفت چنین
کردند ملخ رفت در بیان تخم مرغ روایت از علی بن محمد بن هاشم که گفت
که شکایت کردم نزد امام رضا علیه السلام از کم هضم شدن طعام حضرت
امام علیه السلام گفت که نه دو تخم مرغ بخور چنین کردم و فایده یافتم
از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که آنکسی که اگر او فرزند نشود

باید که بسیار تخم مرغ بخورد روایت از امیر المومنین علی علیه السلام که گفت
که پیغمبری از پیغمبران شکایت کرد نزد خدای تعالی از کمی نسل در امت خود
پس امر کرد خدای تعالی آن پیغمبر را که پیغمبر باید با امت خود که نان با تخم
مرغ بخورند در بیان هریسه روایت امام محمد باقر علیه السلام که رسول خدا صلعم
شکایت کرد نزد پروردگار خود از درد پشت حضرت حق سبحانه و تعالی
امر کرد که هریسه بخورد گفت حضرت حق سبحانه و تعالی که جبرئیل فرود آمد بمن
و امر کرد مرا بخوردن هریسه که پشت من محکم شود و من قوت عبادت
پروردگار رسید گفتم در بیان شلغم گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که چیزی
می بود که بر نماند کسی را از مردن شلغم می بود پرسیدند که یا رسول الله
شلغم چه چیز است آنحضرت گفت که آن دست که با شیر می پزند گفت امام
جعفر صادق علیه السلام بولید بن صبیح که چه طعام بر عیال خود میدهی
در زمستان ولید بن صبیح گفت گوشت میدهم حضرت امام علیه السلام
گفت که اگر گوشت نباشد چه میدهی گفت که روغن میدهم آنحضرت گفت
چرا کسب نمیدهی بدرستی که کسب زیاده قوت میدهد بدن را و مرا از

از کوکب مثلثه است و مثلثه طعامی است و طریق پختن او آنست که
یک بخش برنج و یک بخش نخود و باقلی و غیر آن از سکبه بند و همه را بکوبند
و شوربای می‌پزند و هر صباح بخورند حدیث کله روایت از علی بن
سلیمان که گفت که کله کوسفندی بخوردیم نزد امام رضا علیه السلام
پس نمکدان طلبید گفتم که سیر شدم آنحضرت گفت که اندکی نمکدان بخور
که هضم میکند کله را و نمکدان دوای کله است روایت امام جعفر صادق
علیه السلام که کله موضع ذبح است و نزدیکتر است بچراه و دورتر است
از ضرر حدیث کباب روایت از یونس بن بکر که گفت امام رضا علیه السلام
بمن که چیست ترا که رنگ تو زرد شده است گفتم که تب مرا زرد و ضعیف کرده
امام رضا علیه السلام گفت که گوشت بخور گوشت خوردم بعد از یک
هفته دید مرا و رنگ من بحال بود آنحضرت گفت بتو نگفتم که گوشت
بخور گفتم که غیر از گوشت چیزی دیگر نخوردم از آن زمان که فرمودی
که گوشت بخور پس گفت که چگونه خوردی گوشت را گفتم که پختم و خوردم
گفت کباب کن و بخور بعد از یک هفته مرا طلبید و رنگ وری من سرخ

آنحضرت

شده بود

شده بود پس گفت بمن که چنین می‌باید حدیث مرغ تخم مرغی که حلال است
گفت زراره که پرسیدم از ابی جعفر علیه السلام که کدام مرغ را میتوان
خورد و کدام را نمیتوان خورد حضرت امام گفت که بخور آن مرغی اگر بال
برهم میزند در پریدن و مخور مرغی را اگر بال برهم نزند و بال خود را راست
نگاه دارد در وقت پریدن گفتم که تخم مرغ یافت میشود در دشت‌ها
چه حکم دارد آنحضرت گفت که آن تخم مرغ که هر دو طرف یکسانست مخور و تخم
طرفین او مختلف باشد و یک طرف او باریک باشد از طرف دیگر بخور
گفتم که مرغ که در آب می‌باشد کدام حلال است و کدام حرام
آنحضرت گفت که آنکه چینه‌دان دارد حلال است و آنکه چینه‌دان ندارد
حرام است حدیث دیگر واقع شده است که اگر مرغ در حالت پریدن
بال زدن او بیشتر است از بال برهم نزدن و بال را راست نگاه داشتن
حلال است و اگر بال برهم نزدن او بیشتر است از بال برهم زدن
حرام است و میتوان خوردن از مرغی که در آب می‌باشد آن مرغ
که چینه‌دان و خار داشته باشد و میتوان خورد آنرا که نه چینه‌دان و نه خار

باشد در بیان اشکنه گفت امام جعفر صادق علیه السلام که بر شما باد که
بخورید بدرستی که نمی یابم چیزی که موافق‌تر باشد به معده از اشکنه روایت
از غیاث بن ابراهیم که گفت که بخورید پس اشکنه را و بخورید از گردو
بدرستی که برکت در پیراوست فصل هشتم در بیان شیر گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که هرگاه شیر در پیش شما نهند بخورید
و رد مکنید در بیان عسل روایت از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که رسول
خدا صلی الله علیه و آله دوست میداشت عسل را گفت ابو عبد الله
علیه السلام که بر شما باد که طلب شفا کنید از عسل و قرآن روایت از ابی عبد الله
که خوردن عسل شفاست از همه دردها بدرستی که خدای تعالی گفت
که یخرج من بطونها شراب مختلف الوانه فیه شفاء للناس یعنی بیرون
می آید از شکمهای زنبوران عسل با مرای بطریق لعاب عسل که مختلفست
رنگهای او زیرا که بعضی سفید است و بعضی زرد و بعضی سرخ و در آن
عسل شفاست هر دردها را روایت از ابو الحسن علیه السلام که گفت
که آنکسی که کم شود آب منی او نفع میدهد او را خوردن شیر با عسل

و در روایتی واقع است که نفع میدهد او را شیر روایت از ابی عبد الله
علیه السلام که گفت که هیچ چیز شفا نمیدهد هر دردها را مثل عسل روایت از کتاب فردوس
که گفت انس که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که آنکسی که در هر ماهی
یکبار عسل بخورد از این جهت که در قرآن واقع شده است که عسل شفا میدهد
خدای تعالی و عافیت میدهد او را از هفتاد و هفت درد روایت از انس
که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که آنکسی که میخواهد که قوت حافظه او زیاد
شود باید که عسل بخورد گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که خوب شربتی است
عسل قوت میدهد دل را و می برد خشکی سینه را روایت از صحیفة الرضا
که روایت کرده است امام رضا علیه السلام از پدران خود و ایشان روایت کرده‌اند
از امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه که گفت قرآن خواندن و عسل و شیر
زیاده میکند حافظه را و می برد بلغم را روایت از امام رضا علیه السلام
که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که اگر در چیزی شفا باشد در نیش حجام است
یا در شربت عسل روایت کرده است برقی که یکی از اصحاب گفت که رسید
بمن ریسمانی دادکه خورده شده بود و گفت که ببر این ریسمان را بگیر تا آنکه حاجت

کعبه را باین ریسمان بدوزند و من نمیخواستم که هم آن نجاو دهان زیرا که می قبر
ایشان را و میدانستم که این کار نخواهند کرد چون که رسیدم بمدینه رفتم نزد
ابی جعفر علیه السلام و گفتم فدای تو گردم زنی بمن ریسمان داده است
و حکایت کردم از برای آنحضرت آنچه آن زن گفته بود حضرت امام علیه السلام
گفت بهای این ریسمان عسل و زعفران بخر و بگیر اندکی از تربت امام
حسین علیه السلام و خمیر کن با آب باران و در وباره عسل بریز و بخش
کن بشیعیان ما و دوا کنند با آن بیماران خود را روایتست از امیر المؤمنین علی
علیه السلام که گفت در عسل شفایست از هر دردی و ضرری نیست در وی و کم
میکند بلغم را و جلا میدهد دلرا روایتست از امام رضا علیه السلام که گفت
که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که خدای تعالی گردانیده است
برکت را در عسل و در وی شفاست از دردها و دعای برکت کرده اند
هفتاد پیغمبر برای عسل روایتست از کتاب فردوس که گفت امیر المؤمنین علی
علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که پنج چیز می برد
فراموشی را و زیاده میکند حفظ را و می برد بلغم را مسواک کردن و روزه داشتن

و قرآن خواندن و عسل و شیر و دربیان خاک قبر امام حسین علیه السلام
روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت قبر امام حسین شفاست
از هر دردی و اگر جهت آن خاک را از جای بر بردارند که یک میل دور باشد
از قبر آنحضرت و میل یک بخش از سه بخش فرسخ است روایتست از ابی
عبد الله علیه السلام که گفت که خاک قبر امام حسین علیه السلام شفاست
از هر دردی پس چون بر میداری آن خاک را بگو بسم الله اللهم اجعله
رزقا واسعا و علما نافعا و شفاء من کل داء انک علی کل شیء قدیر روایتست
از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که خاک قبر امام حسین علیه السلام
مشکیست و مبارکست و آنکسی که بخورد آنرا از شیعیان ما شفا یابد
از دردی و آنکسی که بخورد آنرا از دشمنان ما میگدازد چنانکه دنبه میگدازد
اللهم انی اسالک بحق الملک الذی قبضها و بحق النبی الذی خزنها و بحق
الوصی الذی هو فیها ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل لی شفاء من
کل داء و عافیة من کل بلاء و امانا و امنا من کل خوف برحمتک یا ارحم
الراحمین و صلی الله علی محمد و آل محمد و میگوید اللهم انی اشهد ان

هذه التربة تربة ولیک صلی الله علیه وآله و شهد بها شفاء من کل
داء و امان من کل خوف لمن شئت من خلقک ولی رحمتک واشهد
ان کل ما قیل فیهم وفیها هو الحق من عندک وصدق المرسلون
روایت که پرسیدند از ابی عبد الله علیه السلام که بعضی مردمان
میگیرند از خاک قبر امام حسین علیه السلام و نفع میگیرند و بعضی می برند
و بعضی میگیرند و نفع نمی برند حضرت امام علیه السلام گفت که بحق خدا
که غیر از و خدای نیست که نمی گیرد کسی خاک قبر امام حسین علیه السلام بقصد
این نفع و به خدای تعالی اورا اگر انکه نفع می یابد روایت که پرسیدند
ابی عبد الله علیه السلام از کیفیت خوردن خاک قبر امام حسین علیه السلام
حضرت امام علیه السلام گفت که هرگاه که خواهید بخورید تربت امام حسین
را علیه السلام باید که بگیرید بمقدار یک نخود از تربت بسر انگشتان
و ببوسید آنرا و بر هر دو چشم خود بنهید و بمالید بر تمام اعضای
خود و بگوئید اللهم بحق هذه التربة وبحق من حل فیها وتولی فیها وبحق
ابیه وامه واخیه والائمة من ولده وبحق الملائکة الحافین الا جعلتها

شفاء من کل داء وبرءا من کل آفة وحرزا مما اخاف واحذر و بعد از آن
بخورید آن تربت را روایت از ابی عبد الله علیه السلام که میگفت
نزد خوردن تربت امام حسین علیه السلام که بسم الله و بالله اللهم
رب هذه التربة المبارکة الطاهرة ورب نور الذی انزل فیه ورب
الجسد الذی سکن فیه ورب الملائکة الموکلین اجعله لی شفاء
من داء کذا و کذا و جرعه از آب بعد از ان بخورد و میگفت که اللهم اجعله
رزقا واسعا وعلما نافعا وشفاء من کل داء وسقم انک علی کل شئ قدیر
روایت از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که در خاک قبر امام حسین علیه السلام
شفاست از هر دردی و او دوای اکبر است منقولست که پرسیدند از ابی
عبد الله علیه السلام که آیا حلال است خوردن گل ارمنی که میگیرند از برای
کسی که عضو او شکسته باشد و اسهال داشته باشد آنحضرت گفت که
باکی نیست خوردن او اما گل ذی القرنین و امام حسین بهتر است از
گل ارمنی روایت از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که گل حرام است
بچو گوشت خوک و کسی که گل بخورد و بمیرد و نماز نمیکنم بر و مگر گل قبر

امام حسین علیه السلام آنکسی که تربت امام حسین علیه السلام بخورد
بجهت میلی که بگل دارد چیزی بر وی نیست در بیان شکر روایت از امام جعفر
صادق علیه السلام که گفت که باکی نیست چیزی دوست تر نزد من از شکر
روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت در بیماری بعضی اصحاب
خود که جهانی خورد آن چیزی ما که بسیار گشت یکی از اصحاب گفت که فدایت
گردم آنچیز مبارک کدام است آنحضرت گفت که شکر کوفته گفتم کدام گفت شکر سلیمانی
روایت که شکایت کرد مردی نزد امام جعفر صادق علیه السلام از درد
آنحضرت گفت که هرگاه جائی در فراش خود دو پاره شکر بخور آن مرد گفت
چنین کردم پس خلاص شدم از درد روایت از علی بن یقطین که گفت که
شنیدم از ابو الحسن علیه السلام که میگفت آنکسی که دو پاره شکر بخورد
نزد خواب کردن شفائی یابد از هر دردی مگر مردن روایت از ابی الحسن
علیه السلام که گفت که اگر کسی هزار درهم داشته باشد و لیس بیست الا شکر
بخورد اسراف نکرده باشد روایت از ابی الحسن علیه السلام که گفت که می باید
گرفت از برای بیت ده درهم شکر و تربت می باید کرد با آب سرد و می باید

خوردن بر نهار روایت از ابی الحسن که گفت که سه چیز است که ضرر نمیکند
خورده از قی و نیشکر و سیب روایت از ابی الحسن علیه السلام که گفت
که نیشکر میکشاید سده ها و هیچ دردی در وی نیست در بیان خرما روایت
از امیر المؤمنین علی علیه السلام که گفت که خرما بخورید بر ریقی که در وی
شفاست از دردها روایت از محمد بن اسحاق که گفت که آنکسی که خرما بخورد
بجهت آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله با آن میل داشت ضرر نکند او را روایت از
ابی عبد الله علیه السلام که گفت که عجوه مادر خرماهاست و عجوه خرمائیست
که حضرت آدم علیه السلام از بهشت آورده است و عجوه نام خرمائیست
در مدینه روایت از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که عجوه از بهشت است
و در وی شفاست از سحر روایت از ابی عبد الله علیه السلام که آنکسی که هر روز
بر نهار هفت خرمای عجوه بخورد از خرماهای عالیه ضرر نرساند و هم سحر و
شیطان و عالیه نام موضعی است در مدینه روایت از ابی عبد الله
علیه السلام که گفت که آنکسی که هفت خرمای عجوه بخورد بکشد کرمها
که در اندرون اوست روایت از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت

کرانکسی که در صباح هفت خرمای عجوه بخورد ضرر نکند او را در ان روز سحر
ونه زهر روایت از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت که خانه که دران
خرما نباشد اهل خانه گرسنه اند روایت از ابن عباس که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و گفت که بخورید خرما را بر ناهار چه بدرستی میکشد
کرم معده را گفت پیغمبر صلی الله علیه و سلم که جبرئیل فرود آمد بسن و
آورد برنی را از بهشت و برنی نوعی است از خرماهای خوب گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که بخورانید که خرما بخورد زنان آبستن
دران ماه که میزایند چه بدرستی که فرزند او خوش خلق و پرهیزکار میشود گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که بر شما باد که خرمای برنی بخورید چه بدرستی که
می برد ماندگی را و خنکی را بر طرف میکند و سیر میگرداند که سینه را و درد
هفتاد و دو نوع مرض است منقولست از صحیفه الرضا که روایت کرده است
امام رضا علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه خرما میخورد هسته را
بر پشت دست خود می نهاد و بعد از ان می انداخت گفت امام
رضا علیه السلام که انکسی که بخورد خرمای برنی را بر ناهار بر طرف میشود

فالج او

فالج او روایت از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که بخورانید که زنان شما
خرمای برنی بخورند در وقت نفاس تا انکه فرزندان شما صاحب جمال
شوند روایت از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت که در خرمای
برنی نه خصلت است قوی میکند پشت را و قطع میکند شیطان را
و هضم میکند طعام را و خوشبو میکند دهن را و زیاده شنوائی میکند و او
بینائی را و نزدیک میگرداند بخدای تعالی و دور میگرداند از شیطان
و زیاده میکند قوت جماع را و می برد درد را روایت از حضرت پیغمبر صلعم
که گفت که هرگاه شیرینی نزد شما بنهند بخورید و رد مکنید او را روایت
که دوست ترین شیرینیها نزد آنحضرت شربت شیرین خنک بود گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که من دوست میدارم کسی را که دوست
میدارد خرما را روایت کرده است امام حسین علیه السلام از پدر خود
که گفت که رسول خدا وقتی که روزه میداشت روزه میگشود بخرما
در میان پالوده روایت که نزد امام حسین علیه السلام مردی پالوده را عیب
میکرد آنحضرت گفت که آرد گندم را با عسل و روغن خالص عیب میکنند

هیچ مسلمانی **فصل دوم** در میوه‌ها[ی بهشت] **روایت** از امالی شیخ ابی جعفر بن بابویه
که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله
وقتی که میرسید میوهٔ نوباوه‌ای میبوسید و بر چشم خود می‌نهاد و بعد از آن
میگفت اللهم کما اریتنا اولها فی عافیة فارنا آخرها فی عافیة
از ابن عباس که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر کسی که
میوه بخورد و ابتدا کند به بسم الله الرحمن الرحیم ضرر نکند آن میوه او را
و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که چون حضرت آدم علیه السلام
بیرون رفت از بهشت توشه داد خدای تعالی او را از میوه‌های بهشت
و تعلیم گفت او را صنعت هر چیزی پس میوه‌های شما از میوه‌های
بهشتست لیکن این میوه‌ها تغییر می‌یابد و میوه‌ها[ی] بهشت تغییر نمی‌یابد
در بیان انار **روایت** از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که نیست هیچ اناری مگر آنکه در او
دانه از انار بهشت هست پس هر گاه که دانه از انار بیفتد بردارید
هر جا که بیفتد و داخل نمیشود این دانه در معدهٔ مسلمانی مگر آنکه نورانی

میکند انه معده

میکند انه معده را احبل صباح **روایت** از امام جعفر صادق علیه السلام
انار بخورد در هر شب جمعه **روایت** امام جعفر صادق علیه السلام از
امیر المومنین علی صلوات الله علیه که گفت که بخورید انار را با پیه
او به درستی که پاک میکند معده را و هر دانه که از انار قرار گیرد در معدهٔ
مسلمانی نورانی میگرداند و معده را و دور میگرداند شیطان و
وسوسه را از او احبل صباح **روایت** که امیر المومنین علی علیه السلام هر گاه انار
میخورد در وعای در زیر انار می‌نهادند پرسیدند که چرا چنین میکنید گفت
که انار دانه‌ای از انار بهشت هست پس کسی گفت که یا امیر المومنین علی علیه السلام
یهودی و نصرانی و غیر ایشان از کافران انار میخورند پس
ایشان بهشت روند امیر المومنین علی علیه السلام گفت که هر گاه ایشان
انار میخورند خدای تعالی میفرستد فرشته را که آن دانه که از بهشت است
بردارد از انار تا ایشان نخورند آن دانه را و گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که پنج میوه از میوه‌های بهشت در دنیاست انار املسی و سیب سفاسفی
و انگور رازقی و خرمای مشان و مشان نوعیست از خرما **روایت** که سیب

کرده است

تعالی است روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت هر مؤمنی که بخورد
اناری را تمام می برد خدای تعالی وسوسه شیطان را از دل او چهل روز و کسی
سه انار بخورد خدای تعالی وسوسه شیطان را از دل او یکسال ببرد و کسی که
نکند و آنکسی که گناه نکند بهشت میرود روایت از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که انار بهترین میوه هاست و آنکسی که یک
انار بخورد در غضب می آورد شیطان را چهل صباح روایت که حضرت پیغمبر صلعم
هرگاه انار میخورد کسی را شریک خود نمی ساخت روایت کرده است امام جعفر صادق
علیه السلام از پدر خود و جد او روایت کرده است از علی بن الحسین علیهم السلام
که گفت که آنکسی که یک انار بخورد در روز جمعه بر ناشتا نورانی شود دل او
چهل صباح و دور شود از وسوسه شیطان عاصی نشود و آنکسی که عاصی
نشود به بهشت میرود روایت از مرجانه کنیز صفیه که گفت که دیدم امیرالمؤمنین
علی علیه السلام که انار میخورد و برمیچید هر دانه را که افتاده از انار روایت
از امیرالمؤمنین علی علیه السلام که گفت که شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله
که میگفت که آنکسی که یک انار را تمام بخورد و نورانی میگرداند خدای تعالی

دل او را چهل شب گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که آفرید خدای تعالی
آدم و خرما و انگور و انار را از یک گل روایت کرده است ابی سعید الخدری
از امام رضا علیه السلام و امام رضا روایت کرده است از پدران خود علیهم السلام
که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله که انار بخورید به درستی که دانه
اناری که واقع شود در معده نورانی میسازد دل او را و گنگ میگرداند
شیطان را روایت از امالی شیخ ابی جعفر طوسی که فرمایند
اطفال خود را که انار بخورند به درستی که زودتر بسخن در می آیند در بیان
بهی روایت از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت که بهی بخورید به درستی که
قوت میدهد دل او را و دلیر میکند بی دل را و در روایتی واقع شده است
که گفت حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله که بهی بخورید به درستی
که در وی سه خصلت است بر شما باد که کدام است آن سه خصلت آنحضرت
فرمود که قوت میدهد دل او و سخی میکند بخیل او و دلیر میگرداند
بی دل او و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که بهی بخورید و تحفه
بکنید که بهی میدهد بکسی که جلا میدهد چشم او را و پیدا میکند دوستی را در دل

وبفرمائید زنان آبستن را که بهی بخورند بدرستی که نیکو میکرداند فرزندان
شما را در روایتی واقع شده است که نیکو میکرداند خلق فرزندان شما
روایت از امیر المومنین علی علیه السلام که گفت که بهی قوت و حیات دست
و دلیر میکرداند بددل را روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
که هر کسی که بهی بخورد ظاهر کرداند خدای تعالی حکمت را بر زبان او وقبل صباح
گفت امام جعفر صادق علیه السلام که بوی بهی بوی پیغمبرانست علیهم السلام
روایت از انس مالک که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت که بخورید بهی را
بر ناشتا روایت از امام رضا علیه السلام که گفت که بهی آوردند از برای حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله آنحضرت زد دست خود را بر یک بهی و پاره کرد
آن بهی را و آنحضرت بسیار دوست میداشت بهی را پس خورد آنحضرت
بهی را و داد بآنکسانی که حاضر بودند از اصحاب و بعد از آن گفت که
بر شما باد که بهی بخورید بدرستی که جلا میدهد دل را و می برد اندوه دل را
روایت از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت که بر شما باد که بهی بخورید
بدرستی که بهی می افزاید عقل را روایت از امام جعفر صادق علیه السلام

که گفت که هر کسی که بهی بخورد بر ناشتا تازه و نیکو میشود روی او منقولست از کتاب
جامع ابی جعفر اشعری که گفت که امام جعفر صادق علیه السلام که خدای
تعالی نفرستاد پیغمبری مگر آنکه در هر دو دست یا در یک دست
او بهی بود و دیگر گفت که بوی پیغمبران علیهم السلام بوی بهی است
و بوی حور عین بوی مورد است و بوی فرشتها بوی گل سرخ و بنفشه
خدای تعالی پیغمبری نفرستاد مگر آنکه از او بوی بهی آمد روایت از امام محمد باقر
علیه السلام که بهی می برد غم و اندوه را روایت که امام جعفر صادق علیه السلام
نظر کرد به پسر خوب صورت پس گفت که میباید که پدر این بهی خورده باشد
و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که بهی بخورید بدرستی که جلا میدهد دل را
و نفرستاد خدای تعالی پیغمبری مگر آنکه داد با او از بهی بهشت پس زیاد
شد در پیغمبر قوت چهل مرد بجهت آن بهی و گفت حضرت پیغمبر صلعم
که بهی بخورید بدرستی که زیبا میکند رنگ را و می برد اندوه دل را و نیکو
میکرداند فرزندان را و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که بهی بخورد
سه روز بر ناشتا جلا پیدا میکند ذهن او و پر نور میشود اندرون او

از حکمت و علم و نگاه داشتن میشود از مکر شیطان و لشکر او

سیب روایت از سلیمان بن درستویه که گفت که رفتم نزد ابی عبد الله علیه السلام و در پیش آنحضرت سیب سبزی بود گفتم فدایت گردم چه چیز است این گفت ای سلیمان شب تب کرده بودم کسی فرستاد این سیب را برای من که بخورم تا فرو نشاند حرارت اندرون را و خنک کند و تب را ببرد و در روایتی واقع شده است که سیب فراموشی آورد بجهت آنکه در معده بسبب او چسبندگی و نرمی و رطوبتی پیدا میشود روایت کرده است موسی بن جعفر از پدران خود که فرمودند که ما که اهل بیت پیغمبریم مداوا میکنیم تب را اگر بریختن آب سرد و خوردن سیب و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که سیب بخورید بدرستی که قوت میدهد معده را روایت از امام رضا علیه السلام که گفت که سیب نفع میدهد چند چیز را سحر و زهر و دیوانگی و بلغمی که عارض میشود و هیچ چیز زود تر از سیب منفعت نمیدهد روایت از زیاد العبدی که گفت که رفتم بمدینه و با من برادر من بود که سیف نام داشت و از بینی مردمان خون بسیار

میرفت

میرفت و بعضی مردمان را دو روز چون میرفت از بینی وی میمردند پس گشتم برادر خود و خون از بینی برادر من روان شده بود و خون بسیار رفت پس رفتم نزد ابی عبد الله علیه السلام و گفتم حال برادر خود را بآنحضرت ابی عبد الله علیه السلام گفت که ای زیاد برادر خود را سیب بده که بخورد چون سیب خورد خون ایستاد و در بیان انجیر روایت از ابی ذر غفاری رحمه الله که گفت که هدیه آوردند از برای حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله طبق انجیری پس آنحضرت گفت باصحاب که انجیر بخورید پس اگر بگویم که میوه از بهشت فرود آمده است این میوه را میگفتم بجهت آنکه این میوه ایست که خسته ندارد پس بخورید بدرستی که می برد بواسیر را و نفع میدهد نقرس را روایت از امام رضا که گفت که انجیر می برد بوی دهن را و محکم میگرداند استخوان را و موی بر رویاند و با جو و انجیر احتیاج بدوای دیگر نیست در حدیثی واقع است که کسی که میخواهد که رقت پیدا کند دل او باید که مداومت نماید بخوردن انجیر روایت از کعب که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود

که بخورید انجیر تر و خشک را چه در حقیقت که زیاده میکند قوت جماع را و سست
بر میکند بواسیر را و نفع میدهد نقرس و ابرده را و ابرده علتی است که از
غلبهٔ سرما پیدا می شود در بیان انگور گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که حضرت نوح علیه السلام شکایت کرد بخدای تعالی از غم پس
وحی کرد خدای تعالی باو که انگور سیاه بخور بدرستی که غم را می برد روایتست
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که شکایت کرد پیغمبری از پیغمبران
بخدای تعالی از غم پس وحی آمد باو از جانب خدای تعالی که انگور بخورد
روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت دو چیز است که
بر دوست می باید خورد انگور و انار روایتست از کتاب فردوس که گفت
عایشه که رسول خدا صلی الله علیه و آله که بهترین میوهاست و بهترین خوردنیها
انگور گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که آفرید خدای تعالی درخت
خرما و انار و انگور را بخشی زیاده مانده بود از گل آدم علیه السلام روایتست
از صحیفة الرضا که گفت امیر المؤمنین علیه السلام که بخورید انگور را دانه دانه
بدرستی که گواراتر است گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که چهار

ست سن انگور و خربزه است گفت علی بن موسی الرضا علیه السلام
باین اسناد که امیر المؤمنین علی علیه السلام انگور با نان میخورد و نیز
روایت کرده است امام رضا علیه السلام باین اسناد که امیر المؤمنین
علی صلوات الله علیه فرمود که انگور و نان خورش و میوه و طعام و حلوای است
و گفت امام رضا علیه السلام که علی بن الحسین علیه السلام دوست میداشت
انگور را پس کنیزی از برای آنحضرت خوشهٔ انگور آورد و پیش
آنحضرت نهاد سایلی آمد و چیزی طلبید آنحضرت فرمود که آن انگور را
بسایل دادند پس رفت کنیزی که از آنحضرت فرزندی داشت و خرید
آن انگور را از آن سایل و آورد به پیش آنحضرت نهاد پس سایلی دیگر
آمد آنحضرت فرمود که آن انگور را بآن سایل دادند پس سه بار
چنین شد و در مرتبهٔ چهارم سایلی نیامد و حضرت امام علیه السلام
آن انگور را خورد در بیان امرود روایتست از امیر المؤمنین که علی علیه السلام گفت
که امرود دباغت میکند معده را و جلا میدهد دل او و تسکین میدهد
درد معده را باذن خدای تعالی روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام

که گفت که امرود پاک میکند معده را و قوت میدهد و بهی نیز قوت میدهد
معده را در بیان آلوی سیاه روایتست از زیاد القندی که گفت که رفتم
نزد امام رضا علیه السلام در وقتی که آلوی سیاه در پیش آنحضرت
ظرفی بود که در و آلوی سیاه بود و آنحضرت گفت که حرارت بر من غالب
شده است و آلوی سیاه می نشاند حرارت را و تسکین میدهد صفرا
و آلوی سیاه خشک تسکین میدهد خون را و درد را باذن خدای تعالی
در بیان مویز روایتست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت که کسی که هر روز
بر ناهار بیست و یک مویز سرخ بخورد بیمار نشود مگر بیماری موت
روایتست از امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه و آله که گفت که کسی که بیست
و یک مویز سرخ بخورد نه بیند در بدن خود چیزی مکروهی روایتست از امیر المؤمنین
علی علیه السلام که گفت که مویز قوت میدهد دل آدمی را و میبرد بیماری را
و می نشاند حرارت را و خوش بو میکند دهن را روایتست از امالی شیخ
ابو جعفر طوسی رحمة الله علیه که در روایتی وارد است که می برد بلغم را و خوش
بوی میگرداند نفس را روایتست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که

گفت بر شما باد که مویز بخورید که بدرستی که تسکین میدهد صفرا را و می برد بلغم را
و قوت میدهد بدن را و نیکو میگرداند خلق را و محکم میکند پی را و می برد
ماندگی را در بیان عناب گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که گفت که عناب
می برد تب را روایتست از ابی الخصیب که گفت که چشم من سفید شده بود
هیچ چیزی نمی دیدم شبی امیر المؤمنین علی را در خواب دیدم و گفتم که ای
سید من رسیده است بچشم من آنچه می بینی آنحضرت گفت که بگیر
عناب را و بکوب و در چشم بکش پس گرفتم عناب را و کوفتم با خسته او
و در چشم کشیدم پس تاریکی از چشم من رفت و چشم من صحت یافت و گفت
امام جعفر صادق علیه السلام که فضل عناب بر میوه های دیگر چون فضل ماست
بر باقی مردمان در بیان سنجد روایتست از صحیفه الرضا که گفت که روایت کرده
امام رضا از پدران خود علیهم السلام که گفت علی بن الحسین علیه السلام
که آمد رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه
و امیر المؤمنین علی تب داشت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که
یا علی سنجد بخور روایتست از بکر که گفت که شنیدم از ابی عبد الله علیه السلام

میگفت که در گوشت پخته میرویاند گوشت را و استخوان او میرویاند
استخوان را و پوست او میرویاند پوست را و با وجود این گرم میکند گرده را
و پاک میکند معده را و امین میگرداند از بواسیر و از حبس بول و قوت
میدهد ساق را و برطرف میکند جذام را باذن خدای تعالی فصل یازدهم
در بیان سبزیها روایت کرده‌اند که سبز کنید خوان طعام را بسبزیها و در روایت
واقع است که زینت دهید خوان طعام را بسبزیها بدرستی که دور
میکند شیطان را کاری که بسم الله بگوید روایت از ابی عبدالله علیه السلام
که گفت که هر چیزی را زینتی هست و زینت خوان سبزیست روایت از احمد
بن هرون که گفت که رفتم نزد امام رضا علیه السلام آنحضرت خوان طعام طلبید
و بر آن خوان سبزی نبود آنحضرت دست خود را از خوان کشید و گفت
ای غلام نمیدانی که من طعام نمیخورم بر خوانی که بر او سبزی نباشد برو و سبزی
بیار پس غلام رفت و سبزی آورد و بعد از آن آنحضرت دست دراز کرد
و طعام خورد و من هم با آنحضرت طعام خوردم در بیان کدو روایت از امام
جعفر صادق علیه السلام که گفت که کدو زیاده میکند قوت دماغ را

روایت از حسین بن علی علیهم السلام که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود که کدو بخورید بدرستی که اگر درختی بهتر از کدو می‌بود خدای آنرا
میرویانید برای برادرم یونس علیه السلام و هرگاه شوربائی
بپزید باید که کدوی بسیار بکنید بدرستی که کدو زیاده میکند قوت
دماغ و عقل را روایت از صحیفة الرضا که روایت کرده است امام رضا از
پدران خود علیهم السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که وقتی
که طعام بپزید کدو بسیار در طعام بکنید بدرستی که کدو خوشحال
میکند دل اندوهگین را روایت که خیاطی حضرت پیغمبر را صلی الله علیه و آله
دعوت کرد و از برای آنحضرت طعامی آورد که در او کدو با سرکه بود گفت
انس که دیدم آنحضرت که میخورد کدو را و میجست او را از کاسه و گفت
انس دوست داشتم کدو را از آن زمان که دیدم که آنحضرت او را دوست
گفت انس که رسول خدا صلی الله علیه و آله دوست میداشت کدو را و در بعضی
میجست از کاسه‌ها روایت که حضرت پیغمبر را صلی الله علیه و آله دعوت کردند و
از برای آنحضرت طعامی آوردند که در او کدو بود و آنحضرت میجست کدو را و

میخوردند کاسنی را روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که
انکسی که شب بروز آورده و در اندرون او هفت برگ کاسنی باشد ایمن
میشود از قولنج دران شب روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
که انکسی که میخواهد که مال و فرزند او بسیار شود باید که کاسنی بسیار
بخورد و بدرستی هر صباح ریخته میشود بر کاسنی قطره از بهشت پس هرکه
کاسنی بخورد بیمه میشفا میشد او و راوی گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که هیچ من منع میکرد و مارا از افشاندن کاسنی روایت از امام جعفر صادق
که انکسی که کاسنی بخورد ایمن شود از بلاها دران روز و دران شب روایت
از امام جعفر صادق که گفت که انکسی که هفت برگ کاسنی بخورد در روز جمعه
پیش از نماز میرود بهشت روایت از امام رضا که گفت که کاسنی شفاست
از هزار درد و نیست دردی در اندرون آدمی مگر آنکه کاسنی می برد او را روایت
که بعضی از خدمتکاران امام رضا علیه السلام تب و درد سر رسید
پس آنحضرت کاسنی طلبید و فرمود که کاسنی را بکیرید بکوبند و بر کاغذی
بمالند و بر روغن بنفشه بر دو بر بند و بر سر آنکس نهند و گفت که کار کرد

تب و درد سر میرود روایت از سیاری که یکی از ایمه گفت که کاسنی
بخورید به بیستی که زیاده میکند طراوت و تازگی روی و نیکو میکرده اند
فرزند را و او گرم و نرم است و کسی که کاسنی بخورد بسیار حاصل
میشود از و شهوت از کتاب فردوس که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
فرمود که کاسنی بخورد و خواب کند اثر نمیکند در و زهر و سحر و نزدیک
نمیشود او را مار و عقرب و هیچ گزنده روایت از انس که گفت که حضرت پیغمبر
صلی الله علیه وآله که کاسنی از بهشت است در بیان گندنا روایت از امام
محمد باقر علیه السلام که ما اهل بیتیم میخوریم سیر و پیاز و گندنا را روایت
از موسی بن جعفر علیه السلام که بکیر که گفت که شکایت کرد غلام ابی الحسن
علیه السلام از بهر که گفت که سه روز گندنا بخور چنین کردم خونی که از بهر
او می آمد ایستاد و صحت یافت روایت که امیر المؤمنین علی علیه السلام گندنا
با نمک نرم کوفته میخورد روایت از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که هر
چیزی را سرورست و سرور سبزیها گندنا است روایت از امام محمد باقر
علیه السلام که گفت که در گندنا چهار خصلت است می برد باد را و خوشبو

میکند و منی را قطع میکند بواسیر را و ایمن میکرداند کسی را از جذام
کسی اگر مداومت کند بخوردن آن روایت از موسی بن بکیر که گفت آمدم
نزد ابی الحسن علیه السلام آنحضرت گفت که رنگ زرد و تو زرد شده است
کندنا بخور کندنا خوردم صحت یافتم روایت از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که گفت که فضل کندنا بر باقی سبزیها مانند فضل نانست بر باقی چیزها
در بیان بادرنجبویه گفت امام جعفر صادق علیه السلام از پدران خود علیهم السلام
که گفت امیر المومنین علی علیه السلام که ذکر کردند بادرنج بویه تره پیغمبرست و نزد
پیغمبران که پیش از من بوده اند و من دوست میدارم او را و بخورم او را و در بهشت
روئیده است روایت از امیر المومنین علی که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله
دوست میداشت بادرنج بویه را روایت از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که
بادرنج بویه تره پیغمبران است علیهم السلام و در وی هشت خصلت است
گوارا میکند طعام را و میگشاید سده را و خوشبو میکند دهن را و اشتها
طعام می آورد و صاف میکند خون را و ایمن میکرداند از جذام و هر کاه
قرار گیرد در اندرون آدمی برطرف میکند درد ها را و زینت میدهد اهل

بهشت

بهشت را بادرنج بویه خوانهای طعام خود را گفت ابو عبد الله علیه السلام
که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که بادرنج بویه تره خوبست گویا
می بینم او را که در بهشت روئیده است و تره تیز کسترو بدی است
گویا که می بینم او را که در دوزخ روئیده است گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که گفت که آنکسی که در شب بادرنج بویه بخورد امر میکند خدای تعالی فرشتهها را
که بنویسند از برای حسنات تا صباح روایت که ایوب بن نوح
گفت که خبر داد مرا کسی که حاضر بود بر مایده امیر المومنین علی علیه السلام
که آنحضرت بادرنج بویه طلبید و گفت که من دوست میدارم که ابتدا بباد
رنج بویه کنم در طعام خوردن بدرستی که میگشاید سده را و اشتهای
طعام می آورد و می برد سل را و وقتی که افتتاح باو میکنم باکی ندارم از
طعامی که بعد از آن بخورم بدرستی که نمی ترسم از درد و تخمه بعد از آن آنحضرت
چون فارغ شد از طعام خوردن بادرنج بویه طلبید و خورد و دهن داد و گفت
که بادرنج بویه خوردن بعد از طعام گوارا میکند طعامی که پیش از وی خورده
باشند و اشتهای طعام می آورد و ثقل را می برد و خوشبو میکند دهن را

بود من در بیان خرفه روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که بر رویید است
بر روی زمین تره که فایده او بیشتر باشد و شریف تر باشد از خرفه و خرفه
تره حضرت فاطمه است علیها السلام روایت از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که بر شما باد که خرفه بخورید
بدرستی که اگر چیزی زیاده کند عقل را خرفه خواهد بود در بیان تره تیزک
روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که آنکسی که تره تیزک بخورد
در شب در حرکت می آید رگ جذام از بینی او روایت از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که خوردن تره تیزک در شب بوی خوش آورد در بیان کرفس روایت از امام حسن
بن علی علیه السلام که گفت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وصیت کرد که امیر المؤمنین
علی علیه السلام که کرفس بخورید بدرستی که کرفس تره الیاس و یوشع بن
نون است علیهم السلام گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که کرفس
تره پیغمبران است روایت که طعام خضر و الیاس علیهم السلام کرفس و
کماة است و کمات گیاهی است گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که عجوه
از بهشت است و دوا و شفا است از زهر و عجوه نوعی است از خرما و کمات

از نع

از نعمتهای خدای تعالی است و آب او شفاست چشم را در بیان سداب
روایت از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت که سداب نیکوست
از برای درد گوش روایت از امام رضا علیه السلام که گفت که سداب می افزاید
عقل را اما پیدا کننده میکند آب منی را منقول است از کتاب فردوس که گفت عایشه
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که آنکسی که سداب بخورد و بخواب
کند ایمن شود از درد و بلا و تختی و ذات الجنب در بیان چغندر گفت امام
رضا علیه السلام که بر شما باد که چغندر بخورید بدرستی که چغندر رویید است
در کنار بهشت و دوا و شفاست از دردها و محکم میکند پی ها را و فرو
می نشاند حرارت خون را و غلیظ میکند استخوان را و اگر دست
گناهکاران باو نمیرسید یک برگ از وی چنان میرسید که بپوشید مرد را
راوی میگوید که گفتم فدای تو گردم چغندر دوست ترین تره هاست
نزد من آنحضرت امام علیه السلام گفت حمد میگویم خدای تعالی را بر شناخت
تو و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که خوردن چغندر ایمن میسازد
از جذام روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که خدای تعالی

بیرون کرد از میوه جذام را بجهت خوردن چغندر روایت از امام رضا علیه السلام
که گفت که چغندر را به بیماران خورانید بدرستی که در و شفاست و هیچ
دردی و رنجی در وی نیست و خواب می آورد و چهار روایت از امام رضا علیه السلام
که گفت که چغندر میکند رگ جذام را و هیچ چیز نفع دهنده تر نیست
کسی را که علت برسام داشته باشد از برگ چغندر روایت از امام رضا علیه السلام
که گفت باید که خالی نباشد اندرون شما از طعام و آب کم بخورید و جماع مکنید
مگر که [illegible] باه بسیار نمود و خوب تره ایست در بیان شلغم روایت از
امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که بر شما باد که شلغم بخورید و در صباح
بخورید و پنهان دارید فایده آنرا اگر از کسی که چیزی او را باشد بان بدرستی
که هیچکس نیست مگر آنکه رگ جذام دارد و پس بر طرف سازید آن رگ را
بخوردن شلغم در بیان ترب منقولست از کتاب فردوس که روایت کرده است
ابن مسعود که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وقتی که ترب بخورید
و خواهید که دریابید بوی او را یاد کنید مرا در اول شکستن او منقولست
از کتاب فردوس که گفت حنان بن سدیر که با بی عبدالله علیه السلام

دادم من ترب و گفت بخورید بدرستیکه در وی سه خصلت است برگ او می برد
باد را و مغز او میراند بول را و بیخ او قطع میکند بلغم را روایت از امالی شیخ
ابو جعفر طوسی که گفت که امیر المؤمنین علی علیه السلام که بیخ ترب قطع میکند
بلغم را و هضم میکند طعام را و برگ او میراند بول را در بیان سیر روایت از امام
محمد باقر علیه السلام که گفت که ما اهل بیتیم سیر میخوریم و پیاز و کندنا
روایت که پرسیدند امام جعفر صادق علیه السلام از خوردن سیر گفت که
خوردن او باکی نیست کاهی که پخته باشد و لیکن اگر سیر بخورید باید که بمسجد
نروید منقولست از کتاب فردوس که روایت کرده است امیر المؤمنین علیه السلام
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که سیر بخورید و مداوا کنید باو
بدرستی که در و شفاست از هفتاد درد روایت از امیر المؤمنین علی علیه السلام
که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که یا علی سیر بخور و اگر نه من سخن
نمیکردم با فرشته هر آینه میخوردم روایت از امیر المؤمنین علی علیه السلام
که گفت نیکو نیست خوردن سیر مگر آنکه پخته باشد در بیان پیاز روایت از
امام باقر علیه السلام که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که

هرگاه در آئینه نظری بخورید پیاز آن شهر را بدرستی که دور میکند از شما وبا
روایت که پرسیدند امام جعفر صادق را علیه السلام از خوردن پیاز
آنحضرت گفت که باکی نیست خوردن پیاز وقتی که پخته باشد و باکی
نیست که دوا کنید به پیاز اما هرگاه که سیر بخورید بمسجد مروید روایت از
امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که پیاز می برد بلغم و دشواری و محکم
میکند اعصاب را و زیاده میکند طراوت و تازگی را و می برد تب را روایت
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که پیاز خوش بو میکند دهن را و محکم
پشت را و نازک می سازد پوست بدن را روایت از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت که پیاز خوشبو میکند دهن را و محکم میکند گوشت
و دندان را و زیاده میکند قوت جماع را در بیان کاهو گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که [illegible] باد که کاهو بخوری بدرستی که کم میکند خون را روایت
از امیر المؤمنین علی علیه السلام که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله
که کاهو بخورید بدرستی که خواب می آورد و هضم میکند طعام را در بیان
باقلی روایت [illegible] که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که طعام عیسی

[illegible]

علیه السلام باقلی بود تا محلی که باسمان بردند او را و چیزی نخورد تا آن وقت
منقولست از کتاب فردوس که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که باقلی
خورید که بخورد باید که با پوست او بخورد روایت از امام رضا علیه السلام
که بخورید باقلی را با پوست او بدرستی که پاک میکند معده را گفت امام
جعفر صادق علیه السلام که باقلی بخورید بدرستی که زیاده میکند مغز
ساقها را و قوت میدهد بر دماغ و خون را و نیز گفت که بخورید باقلی را با پوست
او بدرستی که پاک میکند معده را روایت از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که باقلی می برد درد را و دردی در او نیست در بیان بادنجان
گفت امام جعفر صادق علیه السلام که بادنجان نیکوست صفرا را و سودا را
گفت ابو الحسن سیوم علیه السلام بعضی خدمتکاران خود را که بسیار
بادنجان بخورید بدرستی که گرم است در وقت حرارت و سرد است در وقت
برودت و معتدل است در تمام اوقات و نیکوست در همه گفت
امام جعفر صادق علیه السلام که بر شما باد که بورانی بادنجان بخورید بدرستی
که دوا و شفاست و ایمن گرداند از برص بخورید بادنجانی که بروغن زیتون

پخته باشد منقولست از کتاب فردوس که گفت که رسول خدا صلی الله علیه وآله
که بادنجان بخورید بدرستی که دیدم درخت بادنجانی را در بهشت و گواهی
داد بخدای تعالی و به پیغمبری من و بولایت امیرالمؤمنین علی صلوات الله علیه
پس هر کسی که بادنجان بخورد بقصد آنکه درد است درد شود و هر کس بقصد
دوا بخورد روا شود روایتست از انس که گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله
که بسیار بخورید بادنجان را بدرستی که درخت بادنجان اول درختی است
که ایمان آورده است بخدای تعالی روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت بسیار بادنجان بخورید در وقت بریدن خرما بدرستی که دواست
از هر دردی و زیاده میکند تازگی و طراوت را و می افزاید آب پشت را
روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت شخصی که پیش علی بن
الحسین علیهم السلام بادنجان بود که بریان کرده بودند آنرا بروغن
زیتون و چشم آنحضرت درد میکرد و از آن بادنجان میخورد گفتم
بآنحضرت یا ابن رسول الله تو از این بادنجان میخوری و حال آنکه او گرم است
گفت بمن که خاموش باش بدرستی که پدرم روایت کرده است

از جدم حسین علیهم السلام که گفت که بادنجان از زمین نیکوییست و او [illegible]
از برای هر چیزی درمانست روایتست از داود بن فرقد که گفت که رفتم
نزد ابی عبدالله علیه السلام و در پیش آنحضرت گزر بود پس داد بمن
گزری و گفت بخور گفتم دندان ندارم گفت آیا کنیزی نداری گفتم دارم
گفت بفرما که بپزد گزر را برای تو و بخور بدرستی که گرم میکند گرده را
و محکم میکند ذکر را گفت امام جعفر صادق علیه السلام که گزر ایمن میگرداند
از قولنج و بواسیر و جماع را زیاده میکند در بیان خربزه منقولست از کتاب
فردوس که روایت کرده است امیرالمؤمنین علی علیه السلام که گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که خربزه بخورید بدرستی که آب او رحمتست
و شیرینی او شیرینی بهشت است در حدیث دیگر واقع است که خربزه را
از بهشت آوردند پس هر کسی که یک لقمه خربزه بخورد بنویسد خدای تعالی
از برای او هفتاد هزار حسنه و محو کند از نامه اعمال او هفتاد هزار گناه
و بلند میگرداند مرتبه او را هفتاد هزار درجه روایتست از موسی کاظم
علیه السلام که گفت که رسول خدا صلی الله علیه وآله خربزه را با شکر

نخورد و باشد ما بر نخورد گفت امام جعفر صادق علیه السلام که خوردن
خربزه از زمین نیکوست و هیچ درد و تلخی در وی نیست و برگفت امیر المؤمنین
علی علیه السلام که در خربزه ده خصلت است طعام است و آب است و میوه
و ریحان و نان خورش و شیرینی و اشنان و خطمی و نوره و دواست
یعنی خربزه کار اینها میکند و مراد باین که خربزه اشنان و خطمی است
آنست که پاک و ملایم می سازد اندرون آدمی را و خصوصیت از کتاب روضه
که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که خربزه بخورید بدرستی که در
ده خصلت جمع شده است از زمین نیکوست و در وی درد
و تلخی در وی نیست و طعام و آب و میوه و ریحان و اشنان و نان
خورش است و زیاده میکند قوت جماع را و پاک میکند مثانه را و بسیار میکند
بول را و درد پشت و کرده واقع است که میکند از اندریک مثانه را و در باب
خربزه این چند بیت منقولست از امام رضا علیه السلام عرب
ایدت لنا الایام بطیخة ۞ من خلل الارض و دار السلام ۞ تجمع اوصافی
عطاما و قد ۞ عددتها موصوفة بالنظام ۞ کذلک قال الطبیب

الجبنی

الجبنی ست محمد جعفری علیه السلام ست ماء و حلو و ریحانة فاکهة
حرض طعام ادام ست تنقی المثانة و تصفی الوجوه ست تطیب النکهة ثم
تمام شد یعنی بهدیه داده است روزگار خربزه را ما را از زمین دار الجنت
و در خربزه چند صفت بزرگ است و من می شمرم آن صفتها را نظم
و چنین گفته است شیخ الجبنی که چه صفت علیه السلام که خربزه آب و
شیرینی و ریحان و میوه و اشنان و طعام و نان خورش است و پاک
میکند مثانه را و صفا میدهد روها را و خوشبو میکند دهن را و روایت از
امام رضا علیه السلام که گفت که خربزه خوردن بر ناشتا فالج می آورد و در بیان
خیار و روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله
می خورد خیار را با نمک گفت امام جعفر صادق علیه السلام که وقتی که خواهید
که خیار بخورید از پایین او بخورید بدرستی که برکت در وی است و در بیان
سیاه دانه گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که در سیاه دانه شفاست
از همه دردی مگر مرگ و میگوید که گفت چگونه کنم با آن حضرت گفت که بگیرید
بگیر از آن دانه ها و در پارچه ببندید و بگذارید در آب شب و چون صباح شود

در سوراخ راست بینی دو قطره بچکان و در سوراخ چپ دو قطره و گفت
سعد که هر روز سیاه دانه تازه در آب می باید کرد روایت از امام جعفر
صادق علیه السلام که گفت که در سیاه دانه شفاست از هر درد
و رسول خدا صلی الله علیه و آله دوست میداشت سیاه دانه را گفتم
بحضرت امام علیه السلام که مردمان گمان می برند که آن دانه سیاه که
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله آنرا دوست میداشت سپند است
حضرت امام علیه السلام گفت که سپند نیست سیاه دانه است پس اگر
بیایم نزد اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله بگویم که بیارید پیش من دانه که
حضرت رسالت پناهی دوست میداشت او را هر آینه بیرون می
آورند برای من سیاه دانه را روایت از محمد بن فریح که گفت که گفتم
بابی عبد الله علیه السلام که اندرون من درد میکند و نفخ دارد آنحضرت گفت
که چرا سیاه دانه نمیخوری بدرستیکه در او شفاست از هر دردی روایت
که از فضل که گفت که شکایت کردم نزد ابی عبد الله علیه السلام که من در
بول کردن تشویش می یابم آنحضرت گفت که سیاه دانه بخور در شب

و در شب

روایت از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که در سیاه دانه شفاست از
هر دردی بدرستی که میخوریم او را بجهت تب و درد سر و درد چشم و درد
شکم و هر دردی که ما را عارض میشود و خدای تعالی شفا میدهد ما را از آن
درد بجهت خوردن سیاه دانه در بیان سپند گفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله که نروییده است از سپند هیچ شاخی و برگی و شکوفه
مگر آنکه فرشته موکل است با آنها تا آنکه برسد بکسی یا خشک شود و
بریزد بدرستی که اصل و شاخ او تعویذ است و دردانه او شفا است
از هفتاد و دو درد روایت از محمد بن الحکم که گفت که شکایت کرد پیغمبری
بخدای تعالی از بیدلی امت خود پس وحی کرد خدای تعالی باو
که بفرما امت خود را سیب بخورند در روایتی واقع است که بفرما امت
خود را که اسپند بخورند بدرستیکه زیاده میکند شجاعت را روایت
کرد اسپند امام جعفر صادق را علیه السلام از سپند و کندر حضرت
امام علیه السلام گفت که سپند پس حرکت نمی کند بیخ او در زمین و
بالا نمیرود شاخ او بآسمان مگر آنکه موکل ساخته است خدای تعالی

باد فرشته را تا آنکه خشک شود و بریزد یا بکسی برسد به پستان شیطان
دور میشود از هفتاد و سه بلای که دیوانه برای باشد که در و سپند است
و در سپند شفاست از هفتاد مرض که آسان ترین آن مرض جذام
باشد پس نگاه دارید سپند را و دوا کنید و بسیار بر گزیده پیغمبران
علیهم السلام از او طلب یاری میکرد مریم علیها السلام در هیچ وادی
نرود دیگر دود با آسمان از دود سپند و دود او دور میکند شیطان را
و دفع میکند آفت را پس باید که نگاه دارید او را فصل دوازدهم
در بیان حبوبات در بیان ماش روایت کرده که رسید بعضی از اصحاب امام
رضا علیه السلام از علاج بهق آنحضرت فرمود که آنکسی که بهق دارد
باید که شوربای از ماش بپزد و بخورد طعام او این باشد راوی
میگوید که من این مرض داشتم چند روز چنین کردم و عافیت یافتم
روایت از امام رضا علیه السلام که گفت که بگیر ماش تر را و بکوب
آنرا با پوست و بگیر آب آنرا و بر ناشتا بخور و طلا کن بر موضعی که بهق
دارد راوی میگوید که چنین کردم و عافیت یافتم   حلبه

گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که بر شما که حلبه بخورید اگر بدانند
امت من که چه فایده هست در حلبه البته آنرا بخرند و مداوا کنند
با او اگر چه بوزن او طلا باید داد در بیان نانخواه روایت که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله نانخواه و سعتر و سیاه دانه طلبید و خورد
و آنحضرت نانخواه میخورد و در وقت که خوردنی سخینه مانند گوشت مرغ
و ماست و طعام ثقیل میخورد و آنحضرت نانخواه را با نمک نیم کوفته
می آمیخت و پیش از طعام میخورد و میگفت که باکی ندارد هر که خوردن
هیچ چیز هرگاه خورد هم این ترکیب او میگفت که قوت میدهد معده را
و می برد بلغم را و ایمن می سازد از لقوه در بیان نخود روایت کرده که نزد امام جعفر
صادق علیه السلام ذکر کردند نخود را آنحضرت گفت که نیکوست از برای
درد پشت در بیان عدس روایت کرده است امام رضا علیه السلام
از پدران خود علیهم السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بود
در جای نماز خود که عبد الله بن تیهان نزد آنحضرت آمد و گفت با آنحضرت
که من با تو بسیار نشستم و چیزی بسیار از تو شنودم و هیچ وقت

پیدا نکرد دل من و هیچ آب از چشم من روان نشد پس گفت رسول
صلی الله علیه وآله که ای ابن تیهان بر تو باد که عدس بخوری بدرستی
که نرم دل را و روان میکند آب چشم را و می برد کبر را و عدس طعام
نیکانست منقولست از صحیفة الرضا که روایت کرده است امام رضا
علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که گفت حضرت پیغمبر صلعم
که بر شما باد که عدس بخورید بدرستی که مبارک است و پاکیزه است
و نرم میکند دل را و زود روان می سازد اشک چشم را و دعای برکت
کرده اند برای عدس هفتاد پیغمبر منقولست از کتاب فردوس که گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله که شکایت کرد پیغمبری از پیغمبران بخدای تعالی
از سختی دل قوم خود حضرت حق سبحانه وتعالی وحی کرد بآن پیغمبر در حالتی
که در جای نماز خود نشسته بود که بفرما قوم خود را که عدس بخورند که بدرستی
که نرم میکند دل را و میگرداند اشک و می برد کبر را و طعام نیکان است
منقولست از صحیفة الرضا که روایت کرده است امام رضا علیه السلام
از پدران خود علیهم السلام گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله بر شما باد

دردی

میسازد

که عدس

که عدس بخورید بدرستی که عدس مبارک و پاکیزه است و نرم میکند
دل را و بسیار میسازد اشک را و دعای برکت کرده اند برای
او هفتاد پیغمبر که آخر ایشان عیسی بن مریم علیهما السلام در بیان سنا
روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که رسول خدا صلعم
فرمود که بر شما باد که سنا بخورید و مداوا کنید بآن بدرستی که اگر چیزی
دفع میکرد مرگ را سنا می بود روایتست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
گفت که اگر بدانند مردمان فایده سنا را یک مثقال سنا را
بدو مثقال طلا بخرند و سنا ایمن میکرداند از بهق و برص و جذام
و دیوانگی و فالج و لقوه و گفت آنحضرت که بگیرید سنا را با مویز سرخ
که دانهای او را جدا کرده باشند و هلیله کابلی و هلیله زرد و سیاه و
وزن اینها همه برابر باشد و اینها را با هم ترکیب کنید و بر ناهار
مقدار یک درهم بخورید این ترکیب بهترین دواهاست در بیان
اسفیوش روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که کسی که
تب کند و بیاشامد در همان شب دو درهم اسفیوش باشد در امین

شود از برسام و ان مرض **فصل بیست و دوم** در بیان طعامهای دیگر از
در بیان پنیر و جوز گفت امام جعفر صادق علیه السلام که در پنیر و جوز
شفاست گاهی که با هم باشند و هرگاه جدا باشند هر یک دردیست
روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که پنیر بعد از طعام
هضم میکند طعام را و اشتهای طعام می آورد **روایتست** از امام جعفر
صادق علیه السلام که گفت که خوردن جوز در وقتی که هوا بسیار گرم باشد
در حرکت می آورد حرارت را در بدن و در تابستان گرم میکند گرده را
و دفع میکند خنکی را **در بیان نمک** گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله در وصیتی
که کرد امیر المؤمنین علی را علیه السلام که یا علی ابتدا کن بنمک در طعام
خوردن و ختم کن بآن بدرستی که در نمک شفاست از هفتاد درد که
از انجمله دیوانگی و جذام و برص و درد دندان و درد شکم و درد حلق است
روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که انگشتی که میباشد در اول
لقمه از طعام خود نمک برود جوش روی او **روایتست** که امام رضا
علیه السلام پرسید از اصحاب خود که کدام نان خورش بهتر است

بعضی گفتند

بعضی گفتند گوشت و بعضی گفتند روغن و بعضی گفتند روغن زیتون
حضرت امام گفت که نمک امام رضا علیه السلام گفت که بیرون رفتیم
از منزل خود در بستیم بموضعی که ما را بود و فراموش کرد غلام نمک را پس
نفع نیافتیم از هیچ خوردنی تا آنکه برگشتیم **روایتست** از کتاب فردوس که
روایت کرده است عایشه که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که کسی که
بخورد پیش از هر چیزی و بعد از هر چیزی دفع کند خدای تعالی از او سیصد
و سی نوع بلا را که آسان ترین آن بلا جذام باشد **روایتست** از انس
که گفت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که کسی که سرکه بخورد باشند
بر سر او فرشته ها و استغفار کنند از برای او تا وقتی که فارغ شود از سرکه
خوردن و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که نمک و آب و دیگ اسباب
خانه است که مردمان یکدیگر را بآن یاری کنند و منع او نشاید کرد
در بیان سرکه روایتست که رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد ام سلمه رفت نزد
آنحضرت نان باز آوردند آنحضرت گفت که آیا نزد شما نان خورشی هست
ام سلمه گفت که یا رسول الله نزد من بغیر سرکه چیزی نیست آنحضرت

گفت که خوب نان خورشی است سرکه و بی نان خورش نمیشوند اهل خانه که در آن
سرکه باشد روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که ما که
اهل بیتیم ابتدا به سرکه میکنیم در وقت طعام خوردن همچنانکه مردمان ابتدا
بنمک کنند بدرستی که سرکه قوت میدهد عقل را روایت از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت که خوب نان خورشی است سرکه که میشکند صفرا را
و زنده میکند دل را روایت از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که بر تو باد که سرکه انگوری بخوری بدرستی که هر کرمی که در اندرون
است میکشد و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که خوب نان خورشی است
سرکه بار خدایا برکت ده که بدرستی که نان خورش پیغمبران پیش
از من بوده اند روایت از صحیفة الرضا که امام رضا علیه السلام روایت
کرده است از پدران خود علیهم السلام و ایشان روایت کرده اند از
امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه گفت که بخورید سرکه انگور را
که بقصد سرکه انداخته باید و مخورید سرکه را که بقصد شراب انداخته
و بعد از آن سرکه ساخته اید در بیان آنکه روایت از امام جعفر

صادق

صادق علیه السلام که گفت حضرت یوسف علیه السلام وقتی که در زندان
محبوس بود شکایت کرد بخدای تعالی از نان تهی خوردن و طلب کرد از خدای تعالی
نان خورشی و نان خشک بسیار نزد او جمع شده بود پس خدای تعالی
فرمود که نان خشک را در ظرفی کند و آب و نمک بر رو بریزد حضرت یوسف
علیه السلام چنین کرد آبکامه شد و آنرا نان خورش خود ساخت
در بیان روغن زیتون منقولست از صحیفة الرضا که روایت کرده است
امام رضا علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که گفت که رسول خدا صلعم
که بر شما باد که روغن زیتون بخورید بدرستی که میگشاید [illegible]
و می برد بلغم را و محکم میکند پی را و می برد ماندگی را و نیکو میسازد
خلق را و خوشبو میکند نفس را و می برد غم را و گفت امام رضا علیه السلام
که خوب طعامی است روغن زیتون خوشبو میکند دهن را و می برد بلغم را
و صاف میسازد رنگ را و محکم میکند پی را و می برد درد را و می نشاند غضب را
و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در وصیتی که کرد امیر المؤمنین علی را
که یا علی روغن زیتون بخور و بمال بر بدن خود نزدیک او نمی شود شیطان

جمال و زینت روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت رسول خدا صلعم
فرمود که بخورید روغن زیتون را و بمالید بر بدن خود بدرستی که زیتون
از درخت مبارکی است و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که روغن
زیتون روغن نیکان و طعام ایشانست بیان صعتر و نانخواه و نمک
و جوز روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که چهار چیز است
که روشن میکند چشم را و فایده میکند و ضرر نمیکند کسی پرسید که آن چهار
چیز کدام است حضرت امام گفت که آن صعتر و نمک است هرگاه باهم
باشند و نانخواه و جوز است وقتی که باهم باشند آنکس که میگوید که
گفتم که هرگاه این چهار باهم جمع شوند چه فایده دارد آنحضرت گفت که نانخواه
و جوز می برند بواسیر و باد را و نیکو میکرداند رنگ را و اصلاح
میکند معده را و گرم میکند گرده را و صعتر و نمک می برند بادها را از دل
و میگشایند سده ها را و میسوزانند بلغم را و میرانند بول را و خوشبو
میکنند دهن را و نرم میکنند معده را و می برند بوی بد را از دهن و محکم
میکنند ذکر را خربزه روایتست از ابن عباس که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله

که فادو دوست هر روزی را و دو را میکند و ورم بهشت او را هیچ چیز مثل
انقا بعضی گفته اند که نعناع نانخواه است و بعضی گفته اند خردل است
و بعضی گفته اند که تخم تره تیزک است بیان سعد و سعد گیاهی است
خوشبو روایتست از ابراهیم بن نظام که گفت که همراه او زوالی گرفتند
و درد دهن من بالود و کرم بهم رسید تا انکه نجیبه شود در دهن من و بعد از ان
دهن مرا بر طرف کردند پس دندانهای من افتاد شبی در خواب دیدم امام
رضا علیه السلام و شکایت کردم بآنحضرت از بلای دندان آنحضرت گفت
که سعد بکار بر بدرستی که دندانها نیز بیرون می آید چون حضرت امام
متوجه خراسان شد خبر رسید بجانب ما خود بدانجا آمد پس استقبال کردم
آنحضرت را و بر او سلام کردم و حال خود را بر او عرض کردم و خوابی که
دیده بودم گفتم بر آنحضرت گفت که من در بیداری نیز میفرمایم که سعد
بکار بر پس بکار بردم و دندانهای من بیرون آمد بهمان طریق که بود
بیان اشنان روایتست که امام محمد باقر علیه السلام هرگاه
دست و روی خود را می شست با اشنان پاره از اشنان در دهن

خود میکرد و می جنبانید و میریخت و میگفت که ایشان چیزی بد است
بوی دهن می آورد و رنگ را زرد میکند و زانو را سست میکند
و من دوست میدارم او را در بیان تلخان گفت مروی با بی عبد الله
علیه السلام که فرزندی که ما را میشود بعضی از ایشان ضعیف و علت
ناک می باشند حضرت امام علیه السلام گفت که تلخان بدهید که بخورند بدرستیکه
که تلخان محکم میکند استخوان را و میرویاند گوشت را در حدیث از امالی شیخ
ابو جعفر طوسی رحمه الله که گفت علی بن الحسین علیهم السلام که کسی که تب
داشته باشد تلخان فشرده چهل بار بپاشند و از ظرفی بظرفی دیگر
بریزید و پس نوبت باو بدهید که بخورد بدرستی که تب گرم را می برد
و در عمل او وحی کرده است خدای تعالی در حدیث از امیر المومنین علی
علیه السلام که گفت فاضلترین چیزها روزه دار در سحر بخورد تلخان با خرما
گفت امام رضا علیه السلام که هرگاه بشوئید تلخان را هفت بار و
او را از ظرفی بظرفی بریزید تب را می برد و قوت میدهد ساق
و قدمها را و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که تلخان را هفت

بشوید

بشوئید و بعد از آن کسی که تب داشته باشد را آن مقدار بدهید که سیر
شود در حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که فاضلترین
چیزها کی که در سحر روزه دار بخورد تلخان و خرماست و نیز گفت که فرزندان
خود را تلخان بدهید در حال طفلی بدرستیکه تلخان میرویاند گوشت را
و محکم میکند استخوان را و نیز گفت که کسی که چهل روز تلخان بخورد پر قوت
میشود بازوهای او در بیان تلخان جو در حدیث که پرسید سیف تمار از ابی عبد الله
علیه السلام از علاج شخصی که بیمار بود گفت که تلخان جو را با آب بپاشید
و باو بدهید که بخورد بدرستیکه شفا می یابد انشاء الله و جو غذای بیماران است
سیف تمار گفت که تلخان یکبار دادم بآن بیمار و آن بیمار صحت یافت
در بیان تلخان کاورس در حدیث از ابن کثیر که گفت که اسهال داشتم
پس فرمود ابو عبد الله علیه السلام که بپاشید تلخان کاورس را با آب
بپزید و بخور چنان کردم اسهال برطرف شد و عافیت یافتم در بیان تلخان
سیب در حدیث از احمد بن بریده که گفت که هرگاه بگزد شخصی را ماری یا عقرب
تلخان سیب را با آب بپاشید و باو بدهید که بخورد   از این

بکیر که گفت که خون بمن رفت از پی من پس پرسیدم ابی عبد الله علیه السلام
از علاج او گفت که تلخان سیب را با آب بیامیز و بخور چنین کردم خون
ایستاد در بیان تلخان عدس روایت از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که تلخان عدس می برد تشنگی را و قوت میدهد معده را و در او
شفاست از هفتاد درد و می نشاند حرارت را و خنک میکند اندرون
روایت از امام جعفر صادق علیه السلام هرگاه بسفر میرفت
تلخان عدس از جهت خود میبرد و هرگاه خون غالب می شد بر جوانان
آنحضرت را میگفت که تلخان عدس را با آب بیامیزید و بخورید بدرستی که
تسکین میدهد خون را و می نشاند حرارت را روایت که کنیزک علی بن
مهزیار را خون حیض دایم می آمد و نمی ایستاد تا آنکه نزدیک شد بمردن
پس فرمود ابو جعفر علیه السلام که تلخان عدس را با آب بیامیزید
و بیاو بدهید که بخورد پس دادند باو و خون ایستاد در بیان شیر
روایت از امام حسن علیه السلام که گفت هرگاه حضرت پیغمبر صلعم
شیر میخورد میگفت اللهم بارک لنا فیه وزدنا منه یعنی بار خدایا برکت

ما را در شیر و زیاده گردان شیر را از برای ما و گفت رسول خدا
صلی الله علیه و آله که غذا و شیر بهتر از چیزهای دیگر روایت که رسول خدا
صلی الله علیه و آله هرگاه شیر میخورد مضمضه میکرد و میگفت که شیر را
چربی است منقولست که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که وقتی
را بیاشامید شیر مضمضه کنید بدرستی که شیر را چربی است روایت
کردی گفت با بی جعفر صادق علیه السلام که من شیر خوردم و ضرر کرد
مرا حضرت امام علیه السلام گفت که شیر ضرر نمیکند هرگز اما تو با شیر
چیزی دیگر خوردی و آن چیز ترا ضرر کرده است و تو گمان می بری که شیر
ترا ضرر کرده است روایت از امیر المومنین علی علیه السلام که گفت
که شیر گاو دواست روایت که پرسیدند از امیر المومنین علی علیه السلام
که آیا بول گاو را میتوان خورد امیر المومنین علی علیه السلام گفت اگر
واجب باشد که بآن مداوا کنند باکی نیست خوردن او را روایت
از جعفری که گفت که شنیدم از ابو الحسن که میگفت که بول شتر بهتر است
از شیر او و گردانیده است خدای تعالی شفا را در شیر شتر روایت

از یحیی بن عبد الله که گفت که طعام میخوردم با ابی عبد الله علیه السلام پس
چند پیاله حلوا آوردند و آنحضرت بدست خود اشارت کرد بجانب یکی
ازان پیالها و گفت که این ماست چکیده است که از شیر خرما ساخته اند
برای بیماری که نزد ماست هر کس میخواهد بخورد و هر کس نمیخواهد نخورد
روایت که پرسیدند از ابی عبد الله علیه السلام که آیا جایز است که بوله
خرما ده بخورند حضرت امام گفت که باکی نیست در بیان خاییدن مصطکی
منقولست از کتاب فردوس که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که زنان
آبستن را بخایید مصطکی بخورند بدرستیکه زیاد میکند عقل طفل او را و نیز
گفت حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله که نیست دودی که بلند بود
باسمان مگر دود مصطکی و در هیچ خانه دود نکنند مصطکی مگر آنکه دور شوند دیوان
ازان خانه روایت از امیر المومنین علی علیه السلام که گفت که خاییدن مصطکی
محکم میکند دندانها و می برد بلغم و بوی دهن را روایت از امام رضا
علیه السلام که گفت که بسیار مصطکی بخایید و نگاه دارید و دوست
میدارم خاییدن مصطکی را بدرستیکه می برد بلغم را و پاک میکند معده را

و محکم میکند عقل او را و می گوارانند طعام را روایت از امام رضا علیه السلام
که گفت که بدهید بزنان آبستن مصطکی را تا بخورند پس اگر در شکم
ایشان پسر باشد از آن پسر خوش فهم و دانا و دلیر میشود و اگر
دختر باشد خوش خلق و خوب صورت میشود و بزرگ شود سرین او
و عزیز میشود نزد شوهر خود در بیان شب طعام خوردن روایت از
امیر المومنین علی علیه السلام که گفت که پیغمبران طعام شب بعد از
نماز خفتن میخوردند پس مگذارید چیزی ناخوردن را بدرستیکه شب
چیزی ناخوردن خراب میکند بدن را و گفت رسول خدا صلعم
که آنکسی که ترک کند طعام خوردن شب را شب شنبه و شب یکشنبه
و دوشنبه پی در پی برود از و قوتی که چهل روز باز آن قوت نیاید
و گفت ابو الحسن علیه السلام که ترک مکن شب چیزی خوردن را و
نیکوست از برای جماع روایت از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که ترک مکنید شب چیزی خوردن را و اگرچه باشد انگشت نمک
زنید و بخورید روایت امام جعفر صادق علیه السلام که آنکسی که ترک کند

شب چیزی خوردن را در یکشب بی قوت شود رگی در بدن او که هرگز قوت
نیابد در بیان کماة کماة گیاهیست روایتست از امام رضا علیه السلام
که گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله که کماة از نعمتهای که خدای تعالی
فرستاده است به بنی اسرائیل و شفا میدهد چشم را و عجوه که نوعی است
از خرماهای خوب از بهشت است و در وی شفاست از هر درد در بیان خوردن
پیاز با تخم مرغ و غیر آن گفت ابوالحسن علیه السلام که آنکسی که تخم
مرغ و پیاز و روغن زیتون بخورد قوت جماع کردن او زیاده شود و اگر
گوشت با تخم مرغ بخورد او را فرزند بسیار شود روایتست که شخصی با
عبدالله علیه السلام گفت که فدا شوی کردم من کنیزان میخرم و میخواهم که تعلیم
کنی بمن چیزی که قوت بدهد مرا بر جماع حضرت امام علیه السلام گفت که بگیر
پیاز را و ریزه کن و بجوشان با روغن زیتون و تخم مرغ بگیر و بشکن در
کاسه و بر وی اندکی نمک بریز و بعد از آن تخم مرغ را بریز بر بالای پیاز و روغن
زیتون و اندکی بجوشان و بعد از آن بخور آن شخص گفت که چنین کردم
پس قادر شدم بر جماع کردن بکنیزان آن قدر که میخواستم در بیان

گوشت

گوشت قاق و پنیر و شکوفه خرما روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که سه چیز است که از جنس خوردنی نیست که لاغر میکند آدمی را
دو چیز است که فایده میدهد به همه چیز را و ضرر نمیکند هیچ چیز را اما آن
سه چیز است که از جنس خوردنی نیست و فربه میکند پوشیدن
کتان و بوی خوش بکار بردن و نوره کردن و آن سه چیز که از جنس
خوردنی است و لاغر میکند گوشت قاق و پنیر و شکوفه خرماست
در روایتی دیگر واقع است که جوز لاغر میکند در روایتی دیگر واقع شده
که گرده را لاغر میکند و آن دو چیز که نفع میدهد به همه چیز را و ضرر نمی
کند شکر و انار است **باب ششم** در آداب نکاح و آنچه متعلق است
بآن و درین باب ده فصل است و آنچه مذکور است درین باب
منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه مگر بعضی از روایات که ذکر
خواهیم کرد از کتاب من لا یحضره الفقیه نیست فصل اول در ترغیب
کردن بنکاح و در بیان زنان با عصمت و زن شوم روایتست از ابی جعفر
صادق علیه السلام که گفت که رسول خدا صلی الله علیه وآله که چه چیز

منع میکند مومن را از نکاح کردن پس اگر نکاح کند امید هست
که خدای تعالی روزی کند او را فرزندی که لا اله الا الله بگوید گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که آنکسی که نکاح کند نگاه داشته میشود
نصف دین او پس باید که پرهیزکاری کند جهت حفظ نصف دیگر
ونیز فرمود که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که نیست بنائی در
اسلام که دوستر باشد نزد خدای تعالی از نکاح وگفت رسول خدا
صلی الله علیه وآله که دوست میدارد که بر دین من باشد باید که عمل
کند بسنت من واز آن نکاح کردن است ونیز فرمود حضرت پیغمبر صلعم
که آنکسی که تواند نکاح کردن ونکند او از امت نیست ونیز فرمود
حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه وآله که طلب کنید روزی از خدای تعالی
بسبب نکاح روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که آنکسی که
ترک نکاح کند از ترس درویشی بدرستی که گمان بد دارد به پروردگار خود
زیرا که خدای تعالی فرموده است که ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله
یعنی آنهائی که نکاح میکنند اگر فقیر باشند خدای تعالی غنی میگرداند

ایشان را بفضل وکرم خود وگفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که ای
جوان نکاح کن و پرهیز از زنا بدرستی که زنا می برد ایمان را از دل تو
ونیز گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که نکاح کنید زنان را بدرستی
که بسبب ایشان مال پیدا میشود روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام
که امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود که فاضلترین جمع کردنی میان
دو چیز آنست که جمع کنند میان دو کس بنکاح تا خدای تعالی
جمع کند میان ایشان وگفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که
کای جوان نکاح کن و پرهیز از زنا بدرستی که من میخواهم که امت من
بیشتر باشند از امت پیغمبران دیگر در روز قیامت تا آنکه طفلی که از
شکم مادر افتاده باشد می آید خشمناک بر در بهشت پس خواهند باو که
لداخل بهشت آن طفل خواهد گفت در نمی آیم به بهشت تا آنکه پدر و مادر
من درآیند ونیز گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله دو رکعت نماز
که مرد کدخدا بگزارد فاضلتر است از عمل مرد عزب که تمام شب
بیدار باشد ونماز گزارد ودر روز روزه دارد ونیز گفت رسول خدا

صلی الله علیه وآله که بدترین مردمان عزبانند و نیز گفت حضرت پیغمبر صلعم
که ای گروه جوانان از شما آنکسی که استطاعت دارد که کدخدا شود
باید که نکاح کند و آنکسی که استطاعت ندارد باید که پیوسته
روزه دارد بدرستی که روزه داشتن شهوت را کم میکند روایتست
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که دو رکعت نماز مرد کدخدا بگزارد
فاضلتر است از هفتاد رکعت نماز که مرد عزب بگزارد و گفت ابوالحسن
علیه السلام که آمد مردی نزد پدر من پس گفت پدر من بآن مرد که کدخدایی
آن مرد گفت نه پدر من گفت که دوست نمیدارم که دنیا باشم
و شبی بروز آورم و مرا زنی نباشد و بعد ازان گفت که دو رکعت
نماز که مرد کدخدا بگزارد فاضلتر است از عمل مردی که تمام شب نماز کند
و روز روزه دارد و عزب باشد روایتست از ابوالحسن علیه السلام که گفت
که هرچند دوستی بنده بزنان بیشتر میشود ایمان او زیاده می شود
روایتست از ابوالحسن علیه السلام که گفت که بیشتر خیر در زنان می باشد
یعنی بسبب ایشان خیر بسیار میشود روایتست از ابوالحسن علیه السلام

که گفت که نکاح کنید و طلاق مکنید بدرستی که از طلاق عرش میلرزد
می آید و نیز گفت که نکاح کنید و طلاق مکنید بدرستی که خدای تعالی
دوست نمیدارد مردانی را که زنی خود را زود نکاح و طلاق میکنند
و زنانی را که زود طلب نکاح و طلاق میکنند روایتست از ابوالحسن علیه السلام
که گفت که نکاح کنید با اهل صلاح بدرستی که اخلاق زود سرایت
میکند روایتست از ابوالحسن که گفت که از اخلاق پیغمبران دوست داشتن
زنانست روایتست از ابوالحسن علیه السلام که گفت که سه چیز است
که حساب نمی طلبند از مومن در روز قیامت طعامی که بخورد و جامه را
که بپوشد و زن صالحه که یاری او را و نگاه دارد او را از فسق روایتست
از ابوالحسن علیه السلام که گفت که آنکسی که ترک نکاح کند از ترس درویشی
گمان بد دارد بپروردگار خود بدرستی که خدای تعالی میفرماید که ان یکونوا
فقراء یغنهم الله من فضله یعنی آنهایی که نکاح میکنند اگر درویش باشند
خدای تعالی غنی میگرداند ایشان را بفضل و کرم خود و گفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه وآله که آنکسی که میخواهد که ملاقات کند خدای تعالی را پاکیزه

پاک و پاکیزه باید که نکاح کند گفت علی بن الحسین علیه السلام که کسی که نکاح
کند برای رضای خدا و محبت صلهٔ خدای تعالی تاج پادشاهی بر سر او
نهند در روز قیامت روایت از حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله که کسی که
توانگر باشد و نکاح نکند از امت من نیست روایت کرده است محمد
بن حمران از پدر خود و پدر او روایت کرده است از امام جعفر صادق ع
که گفت که کسی که نکاح کند و قمر در عقرب باشد نیکویی نه بیند از آن نکاح
روایت که مکروه است نکاح کردن در محاق ماه و آن سه روز آخر ماه است
و گفت حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه واله که فاضلترین امت من
آن زنان اند که صباحت ایشان زیاده باشد و کابین ایشان کم روایت
از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که زنی مبارک آنست که کم باشد مونت
او و باسانی بزاید و زن شوم آنست که بسیار باشد مونت او و بدشواری
بزاید و گفت ابی عبد الله علیه السلام که شومی در سه چیز می باشد در
مرکب و زن و سرا اما زن شوم آنست که کابین او بسیار باشد و
بدشواری بزاید و اما مرکب شوم آنست که بسیار باشد و بد فعل باشد

و اما سرای شوم آنست که تنگ باشد و همسایهای بد داشته باشد
که زن مبارک آنست که کابین او کم باشد و زن شوم آنست که کابین
او بسیار باشد و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله نکاح کنید
زنانی کبود چشم بدستی که در ایشان برکت نیست و نیز گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله که شومی در زن و مرکب و سرای باشد
فصل دوم در بیان انواع زنان و اخلاق ایشان و بیان اخلاق نیک
زنان روایت از امام جعفر صادق علیه السلام و گفت زنان چهار نوع اند
یک نوع آنست که یک فرزند در کنار داشته باشد و دیگری در شکم و نوع
دیگر آنست که خیر بسیار داشته باشد و شوهر دوست باشد و نوع
دیگر آنست که خلق باشند با شوهر خود و نوع دیگر آنست که بدخلق باشد
روایت از معروف کرخی که گفت که گفتم با ابی عبد الله علیه السلام که زن من
فوت شده است و او موافق من بود و من قصد دارم که زنی دیگر
نکاح کنم حضرت امام علیه السلام گفت تامل کن در آن زنی که نفس تو
مخر اید و تو او را شریک میگردانی در مال خود و مطلع میگردانی بر دین

خود و بر سر او امانت خود پس اگر خوب باشد نکاح کن و اگر البته محتاج است
که نکاح کنی باید که آن زن بکر باشد و مشهور باشد به نیکی عربیه
شعر الا ان النساء خلقن شتی ــ فمنهن الغنیمة و الغرام
لصاحبه و منهن الظلام ــ فمن یظفر بصالحهن یظفر
و من یغبن فلیس له انتقام ــ یعنی بدرستی که زنان مخلوق شده‌اند
بچند نوع بعضی از ایشان فایده میرسانند و بعضی نقصان و بعضی از
ایشان مثل ماه نو اند وقتی که تجلی میکنند بر شوهر و بعضی از ایشان
سبب کدورت و ملالت شوهر خود میشوند و هرکسی که زن صالحه بنکاح خود
آورد ظفر یافت و هرکسی که زنی صالحه نیافت پس زیانی کرد که عوض ندارد
و زنان سه نوع اند یکی آنست که بسیار میزاید و دوست میدارد
شوهر خود را و یاری میدهد شوهر را در کار دنیا و آخرت و نافرمانی
نمیکند دوم زنی که نمیزاید و جمال ندارد و خوش خلق نیست و یاری نمیکند
شوهر خود را به نیکویی پس سیوم زنی بلند آوازی دخل کننده در چیزها
و لعن کننده که اندک نماید چیزی بسیار در نظر او و قبول نکند چیز اندک را

و گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که نکاح کن زنی که گشاده چشم و گندم
گون بزرگ سرین میانه بالا پس اگر زن باین صفت نکاح کنی و
خوش نیاید ترا کابین آن زن بر من است و در حدیث از امالی شیخ ابو جعفر
بن بابویه رحمه الله که گفت امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه که عقل زنان
در جمال ایشانست و جمال مردان در عقل ایشانست یعنی از زنان جمال
مطلوبست نه عقل و از مردان عقل مطلوبست نه جمال و روایتست
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله هرگاه میخواست که نکاح کند زنی اگر کسی
میفرستاد که آن زن را ببیند و میگفت با آن کس که بوی کن گردن او را
پس اگر گردن او خوشبو باشد آن زن خوشبوست و اگر پر گوشت
باشد قدم او بزرگست فرج و گفت علی بن الحسین علیهم السلام که
پنج چیز خصلتست که هر یکی از نهاند در و هیچ یک ناقص است و عقل
او کم میشود و دل او فارغ نیست از اندوه اول صحت بدن دوم فراغ
در روزی چهارم انس موافق کسی گفت که کیست انیس موافق
حضرت امام علیه السلام گفت که زن صالح و فرزند صالح و مصاحب

وسیم

صالح بخشم فراغت و راحت و این خصلتی است که جمعیت در وی
آن خصلتها و نیز گفت علی بن الحسین علیهم السلام که وقتی که خواهید
که نکاح کنید زنی را که باید که بپرسید از موی او چنانکه می پرسید از
روی او بدرستی که موی خوب نیز از اسباب جمالست و نیز گفت
علی بن الحسین علیهم السلام که بهترین زنان آنست که خوشبوی باشد
واگر طعام دهد بکسی بجا دهد و اگر امساک کند بجا امساک کند پس
زنی که این صفت داشته باشد از کارکنان خدای تعالیست
و آنکسی که کار خدای کند ناامید نشود و زحمت او و روایتست از امام جعفر
صادق علیه السلام که گفت که بهترین زنان آنست که اگر در غضب
شود یا در غضب آورند او را بگوید شوهر خود را که من دست تو ام
در خواب نمیکنم تا آنکه راضی شوی از من و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
با اصحاب که آیا خبر دهم شما را به بهترین زنان گفتند بلی یا رسول الله
آنحضرت گفت که بهترین زنان آنست که بسیار زاینده و دوست دارد
شوهر خود را و عفیفه و پرهیزکار باشد و عزیز باشد در میان

خویشان خود و تواضع و فرمان برداری نماید شوهر خود را و آراسته
کند خود را برای شوهر خود و نگاه دارد خود را از غیر شوهر خود و بشنود سخن
شوهر خود را و فرمان برداری کند و هرگاه شوهر با او خلوت کند
اطاعت نماید و فرمان برداری کند و نیز گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که فایده نمی برد مرد بعد از اسلام بچیزی که فاضلتر باشد از زن
مسلمان که خوشحال کند شوهر را هرگاه شوهر نظر کند با او و فرمان
برداری شوهر کند هرگاه او شوهر کاری بفرماید و جانب شوهر خود نگاه
دارد و حفظ نفس و مال شوهر خود کند هرگاه شوهر او غایب باشد
که مردی آمد نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و گفت که مرا زنی است هرگاه
بخانه میروم استقبال میکند مرا و وقتی که از خانه بیرون میروم مشایعت
میکند مرا و هرگاه مرا غمگین می بیند میگوید که بچه جهت غمگینی اگر جهت معاش
غمگینی بدرستی که غیر تو ضامن روزی تست و اگر بجهت آخرت غمگینی
زیاده گرداند خدای تعالی غم ترا پس حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
گفت با آن مرد که بشارت ده آن زن را به بهشت و بگو با او که تو یکی

از کارکنان خدای و نزد او هر روز اجر هفتاد شهید است روایت که
گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که خدای تعالی را کارکنان است و آن
زن کارکنی است از کارکنان خدای تعالی که او را نصف اجر شهیدانست
روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که زنان نیکوی اهل
دنیا بهترند از حور عین روایت از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که شجاعت در اهل خراسان و قوت جماع کردن در اهل بربرست
و سخاوت و حسد در عرب پس اختیار کنید از اینها کدام بهترند
برای فرزند روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که حیا ده بخش است
نه بخش در زنانست و یکی در مردان و هر گاه ختنه کرده شد زن یک جزو
از حیای او میرود و هر گاه نکاح کرده شد جزوی دیگر میرود و هر گاه ازاله
بکارت شد جزوی دیگر میرود و هر گاه فرزند زاید جزوی دیگر
میرود و پنج جزو از حیا باقی می ماند پس فسق و فجور کرد تمام حیای
او میرود و اگر پرهیزکاری کرد باقی می ماند از پنج جزو از حیا
منقولست از کتاب نوادر الحکمة که گفت امیر المومنین علی علیه السلام

دیگر کسی که میخواهد که کدخدا شود باید که نکاح کند زنی را که کوتاه بالا باشد
و میان دوشانهٔ او پهن باشد و گندم گون باشد اگر محبوب نشود از این
زن بر من است کابین او روایت از جابر که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله
که هر گاه زن نماز پنجگانه خود را بجا آورد و ماه رمضان روزه دارد و نگاه دارد
خود را از فسق و فرمان برداری شوهر کند بهشت میرود از هر در که
خواهد و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله هر زنی که یاری کند شوهر خود را
بر حج و جهاد و طلب علم بدهد خدای تعالی آن زن را ثواب زن
ایوب پیغمبر علیه السلام روایت از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله بهترین زنان امت من آنند زنانی
که شکل ایشان بهتر باشد و کابین ایشان کمتر باشد در بیان خلقهای
بد زنان روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که بدترین
دشمنان مومن بد زن است و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که هیچ ضعیف دینی ناقص عقل مثل زنان کسی از راه نمی برد و دیگر گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که زنان بد زبان باشند و عیبها را در پس بپوشید

عیب ایشان از نگاه داشتن ایشان در خانه و پوشیده زنانی
ایشان از انجا موشی و نیز گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که اگر زنان
نمی بودند همه کس بر بهشت میکردند خدای تعالی را البته روایتست از امیر المؤمنین
علی علیه السلام که گفت که در آخر الزمان و نزدیک بقیامت و آن
بدترین زمانهاست ظاهر میشوند زنانی که پوشیده رو نباشند
و برهنه باشند و اظهار زینت خود کنند و فتنه کنند و میل کنند
بشهوت و شتاب کنند بلذتها و حلال دانند چیزهای حرام را پس
ایشان دایم در جهنم خواهند بود منقولست از کتاب ریاض که گفت رسول
خدا صلی الله علیه و آله که زن بدشکل که او را فرزند شود بهترست
از زن خوش شکل که او را فرزند نشود و نیز گفت حضرت رسالت
پناهی صلی الله علیه و آله که بگذارید زن خوش شکل اگر فرزند نشود
او را و نکاح کنید زن بدشکل را اگر فرزند شود او را بدرستی که من
میخواهم که امت من بسیار شوند و اگر چه این بسیاری بفرزندی که از شکم
مادر افتاده باشد و نیز گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که زنی که

شکایت کند شوهر خود را بنفقه و هر چیزی که طاقت آن نداشته باشد
قبول نمیکند خدای تعالی توبه آن زن را اگر از گناهان و نیکوی او را
مگر آنکه توبه کند از این کار و طلب کند از شوهر خود چیزی که طاقت
او داشته باشد و نیز گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که اگر تمام آنچه
در زمین است از طلا و نقره زن بردارد و بخانه شوهر بیاورد و بعد از آن
سرزنش کند شوهر خود را روزی از روزها و بگوید که تو کیستی و این مالها
از منست باطل میشود اگر چه آن زن از جمله عابدترین مردمان باشد
مگر آنکه توبه کند و عذرخواهی شوهر خود کند و گفت سلمان فارسی که
شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله که میگفت که زنی منت نهد
بر شوهر خود بمال خود و بگوید بشوهر که تو از مال من میخوری اگر تصدق کند
تمام مال خود را در راه خدا قبول نمیکند خدای تعالی صدقه او را مگر آنکه
شوهر از او راضی شود روایتست از امیر المؤمنین علی علیه السلام که گفت که
شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله که میگفت که زنی که دور شود
از شوهر خود ظلم میکند و در روز قیامت او را با فرعون

و ملامت و قار روان وی می برند او را در ته دوزخ مکان گزید که کنند روایتست
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که شب بر جماعتی از زنان
وایستاد و نزد ایشان و گفت ای زنان ندیدم کم عقل تر و کم دین تر
از شما که ببرند عقلهای خداوندان عقل را بدرستی که دیدم که بیشترین
شما اهل دوزخند در روز قیامت پس طلب نزدیکی کنید بخدای تعالی
آنقدر که میتوانید پس گفت زنی از آن زنان که یا رسول الله کدام است
نقصان است دین و عقل ما آنحضرت گفت اما نقصان دین شما آنست
که حایض میشوید و در آن ایام نماز نمیکنید و روزه نمیدارید و اما
نقصان عقل شما از گواهی شما معلوم میشود به درستی که گواهی زن نصف
گواهی مرد است و نیز گفت پیغمبر صلی الله علیه و آله با اصحاب خود که آیا خبر
دهم شما را به بدترین زنان گفتند بلی یا رسول الله آنحضرت گفت که
بدترین زنان آنست که ذلیل و خوار باشد در میان اهل خود و بزرگی
کند بر شوهر خود و خود را عزیز دارد نزد شوهر و نفس زن [illegible] باشد
او را و کینه داشته باشد و پرهیزکاری نکند از خریده و اظهار زینت کند

شوهر زرد و دور باشد و پرهیزکاری غایبه خود را پیش شوهر خود و سخن شوهر را
نشنود و اطاعت و فرمان برداری شوهر نکند و هرگاه شوهر خلوت
کند با او نافرمانی کند مجملا که جبارهای بد فعل میکنند که سفور شوند
و قبول نکنند از شوهر خود عذر را و عفو نکنند گناه شوهر را روایتست
که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله ایستاده بود و خطبه میخواند در میان
گفت ای مردمان حذر کنید از نکاح کردن زنی که بد اصل باشد و اگرچه
خوش شکل باشد و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که زنی بد شکل
که فرزند بسیار زاییده باشد دوست ترست نزد من از زن خوش شکل
که فرزند نشود او را روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
وقتی که نکاح کند مردی زنی را بجهت مال یا جمال او هیچ کدام روزی آن مرد
نشود و اگر نکاح کند آن زن را بجهت دین او خدای تعالی روزی او کند
مال و جمال او را روایتست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در دعای خود
میگفت اللهم انی اعوذ بک من ولد یکون علی ربا و من مال یکون علی
ضیاعا و من زوجة تشیبنی قبل اوان مشیبی یعنی بار خدایا پناه بتو

بحوایم از فرزندی که نافرمانی کند و از مالی که نزد من باقی ماند چون
سرا و باغ و دکان و مانند و از زنی که پیر کرده اند مرا پیش از آنکه وقتی
پیری برسد منقولست از کتاب نوادر الحکمه که گفت حسین بن بشار
که نوشتم بابی الحسن علیه السلام که مرا خویشاوندی است و میخواهد
که من او را نکاح کنم و او بدخلق است حضرت امام گفت که نکاح مکن او را
اگر بدخلق باشد منقولست از کتاب روضة الواعظین که گفت امام جعفر
صادق علیه السلام که شکایت مردی نزد امیر المومنین علی علیه السلام
از زنان خود بر خواست و خطبه خواند پس گفت ای جماعت مردمان فرمان
برداری زنان مکنید در هیچ حال و ایمن مباشید بر مال خود و مال خود را
مگذارید با ایشان تدبیر کار عیالان کنید بدرستی که اگر زنان را
بگذارید با اختیار و اراده ایشان کارهای بد میکنند و در مهلکه می افتند
و دور میکنند از حکم شوهر بدرستیکه دیدیم که ورع و پرهیزکاری نیست
در ایشان وقتی که محتاج شوند بچیزی و صبر نیست ایشان را در وقت
شهوت و گردن کشی و نافرمانی لازم ایشانست کارهای بد میکنند

واگرچه پیر باشند و عجب و تکبر می باشد ایشان را و اگرچه عاجز شوند
شکر نمیکنند نعمت بسیار را هرگاه اندک چیزی ایشان را منع کرده
شود و فراموش میکنند نیکوئی را و فراموش نمیکنند بدی را و بیگاه میسازند
بدی خالف و بسیار بهتان میکنند و بسیار نافرمانی میکنند و گاه
شیطان میکنند پس نیکوئی کنید با ایشان بهر حال و بزبان خوش
با ایشان سخن کنید امید هست که ایشان افعال خود را نیکو سازند
فصل سیوم در بیان مانند بودن زن و شوهر بایکدیگر در اسلام
و غیر آن که ذکر شده اند در نکاح روایتست از حسین بن بشار که گفت که نوشتم
بابی جعفر علیه السلام بجهت مردی که دختر مارا میخواهست که نکاح کند
ابی جعفر نوشت بمن که آنکسی که میخواهد که دختر شما را نکاح کند پس اگر
خوشنود باشید از دین و امانت او پس نکاح کنید با او هر که باشد و اگر
و اگر نکاح نکنید فتنه و فساد میشود و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
که من آدمی مثل شمایم زن میخواهم از قوم شما و زن میدهم بشما مگر فاطمه را
بدرستیکه نکاح او از آسمان فرود آمد روایتست که نظر کرد رسول خدا

صلی الله علیه وآله بفرزندان علی و جعفر علیهم السلام که گفت که دختران ما
از پسران ما پست و پسران ما از دختران ما پست و در حدیث از امام
جعفر صادق علیه السلام که گفت که مومنان مثل یکدیگرند یعنی در نکاح ایمان
مرد و زن کافیست و نیز گفت امام جعفر علیه السلام که مردی که پرهیزگار
باشد و قادر باشد بر نفقه باو زن میتوان داد و در حدیث از حلبی که گفت
که امام رضا علیه السلام که نکاح مکنید زنی را که باشکارا زنا کند و نکاح
مکنید مردی که آشکارا زنا کند مگر آنکه بدانید که ایشان توبه کرده و در
حدیث از زراره که گفت که پرسیدم از ابی عبد الله علیه السلام که
از مرد و زن زنا کننده که واقع است در قول خدای که الزانی لا ینکح
الا زانیة او مشرکة والزانیة لا ینکحها الا زان او مشرک که کیست حضرت
امام گفت که مراد زنان و مردانند که مشهور باشند بزنا کردن و کسی که
اجرای حد زنا برو کرده باشد یا مشهور باشد بزنا که زن سزاوار نیست
کسی را که باو نکاح کند مگر آنکه معلوم شود که توبه کرده است و معنی آیت
اینست که مرد زنا کننده نکاح نمیکند مگر زن زنا کننده یا کافره را و

زن

زن زنا کننده را در نکاح در نیاورد مگر مرد زنا کننده یا کافر زیرا که حال
آنست که اهل زنا از اهل عفت مجتنب خواهند بود و جنسیت علت ضم است
و منافات سبب الفت منقولست از کتاب تهذیب الاحکام که آمد مردی
نزد امام حسن علیه السلام و مشورت کرد با آنحضرت بجهت نکاح کردن
دختر خود آنحضرت گفت که نکاح کن دختر خود را با مرد پرهیزکاری بدرستی
که اگر دوست دارد دختر ترا اکرام و تعظیم میکند او را و اگر دوست ندارد
ظلم نمیکند برو و گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله که کسی که نکاح کند دختر
نیکوکار خود را با مرد فاسقی پس قطع خویشاوندی کرده است میان خود
و دختر خود و گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله که کسی که شراب بخورد
بعد از آنکه خدای تعالی تصریح کرده بحرام بودن او سزاوار نیست
که باو نکاح کنند اگر از کسی زن بخواهد و در حدیث که نوشت علی بن اسحق
بابی جعفر علیه السلام بجهت دختران خود که مثل خود نمی یابم که دختران
خود را باو نکاح کنم آنحضرت در جواب او نوشت که نظر مکن در این بدرستی
که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که بیاید نزد شما کسی که خشنود باشید

از خلق او و طلب نکاح کند از شما پس نکاح کنید با او و اگر نکاح نکنید فتنه
و فساد و بزرگ پیدا می شود در تهذیب از سید ابی جعفر علیه السلام
از ابی بصیر که وقتی که نکاح کنید شما نکاح کنید ابی بصیر گفت که نمیدانم که
چه کار باید کرد آنحضرت گفت که هرگاه قصد نکاح کنید باید که دو رکعت نماز
و حمد بگوئید خدای تعالی را و بگوئید اللهم انی ارید ان اتزوج اللهم فقدر لی
من النساء احسنهن خلقا و خلقا و اعفهن فرجا و احفظهن لی فی نفسها
و مالی و اوسعهن رزقا و اعظمهن برکة و قیض لی منها ولدا طیبا تجعله
خلفا صالحا فی حیوتی و بعد موتی حدیث که چون حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
میخواست که خدیجه بنت خویلد را بنکاح خود در آورد ابو طالب اول خطبه نکاح
کرد خدیجه از پدر او و بعضی گفته اند از عم او و بعد از آن این خطبه خواند که
الحمد لله الذی جعلنا من زرع ابراهیم و ذریة اسمعیل و جعل لنا بیتا
محجوجا و حرما آمنا یجبی الیه ثمرات کل شیء و جعلنا الحکام علی الناس فی
بلدنا الذی نحن فیه ثم ان ابن اخی محمد بن عبد الله بن عبد المطلب
لا یوزن من قریش الا رجح و لا یقاس باحد منهم الا عظم عنه و ان

کان

وکان فی المال قلا فان المال رزق حائل و ظل زائل و له فی خدیجة رغبة و
لها فیه رغبة و الصداق ما سألتم عاجله و آجله من مالی و له خطر
عظیم و شان رفیع و لسان شافع جسیم پس نکاح کرد خدیجه را برای حضرت
رسالت پناهی صلی الله علیه و آله و سلم و آنحضرت روزی دیگر بخدیجه نزدیکی
کرد و معنی خطبه اینست که سپاس و ستایش مر خدای را که گردانید ما را
از فرزندان ابراهیم و ذریت اسمعیل و قرار داد برای ما خانه کعبه را
که مردمان حج میکنند و آفرید برای ما حرمی که جمع بر مردمان داوری
که ما در حکم باشیم پس پسر برادر من محمد بن عبد الله بن عبد المطلب را نسبت
بهر مردی از قریش که داده شود ترجیح دارد بر آنکس و قیاس بهر کسی
از قریش که کرده شود بزرگتر است از آنکس و اگرچه مال او کم است بدرستیکه
مال زائل است که زود بر طرف میشود و سایه ایست که زایل میشود و محمد را
رغبت و میلی است بخدیجه و خدیجه را نیز میلی است باو و کابین هرچه
شما میخواهید معجل و بعد از این از مال خود میدهم و محمد را بزرگی و جاه عظیم
و شان رفیع است و زبان شفاعت کننده بزرگیست   که چون

امام رضا علیه السلام میخواهست که نکاح کند دختر مامون را برای خود را
خطبه خواند که الحمد لله متمم النعمة برحمته والهادی الی شکره بمنه وصلی الله
علی محمد خیر خلقه الذی جمع فیه من الفضل ما فرقه فی الرسل قبله و
جعل تراثه الی من خصه بخلافته وسلم تسلیما وهذا امیر المؤمنین زوجنی
ابنته علی ما فرض الله تعالی للمسلمات علی المؤمنین من امساک بمعروف
او تسریح باحسان وبذلت لها من الصداق ما بذله رسول الله صلی الله
علیه وآله لازواجه وهو اثنتا عشرة اوقیة ونش علی تمام الخمسمائة
وقد نحلتها من مالی مائة الف درهم زوجتنی یا امیر المؤمنین قال بلی قال
قبلت ورضیت ومعنی خطبه اینست که سپاس وستایش مر خدای را
که تمام کرداننده نعمتهاست بفضل ورحمت خود وراه نماینده است
بسوی شکر خود بجود وبخشش ودرود بر محمد علیه السلام باد که بهترین خلق
خدای است که جمع کرده است خدای تعالی درو جمیع فضیلتها را که
پراگنده کرده است در پیغمبران که پیش از او بوده اند وگردانیده است
انکس را بخلافت او و بعد از آن حضرت امام علیه السلام گفت که مامون

نکاح کرد

نکاح کرد دختر خود را با من بر آنچیزی که واجب گردانیده است خدای تعالی
بر مردان مومن که بر زنان مسلمانان چنان سلوک کنند که آن
نیکو نگاه داشتن است یا طلاق دادن به نیکوئی وکابین کردم
این دختر را آنچه داد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بزنان خود و
او دوازده اوقیه وبیست درهم است که تمام او پانصد درهم
میشود واوقیه چهل درهم است ونش بیست درهم است ودادم
وادادم از مال خود صد هزار درهم با نکاح میکنی دختر خود را با من مامون
گفت بلی حضرت امام علیه السلام گفت که قبول کردم وراضی شدم و خطبه
که در وقت نکاح کردن خطبه که از امام رضا علیه السلام منقولست بخوانند
بجهت تیمن وتبرک وبجهت آنکه این خطبه جامع است آنچیزی که در خطبه
می باید وان خطبه اینست الحمد لله الذی حمد فی الکتاب نفسه وافتتح
بالحمد کتابه وجعل الحمد اول محل نعمته وآخر جزاء اهل طاعته وصلی الله
علی محمد خیر البریة وعلی آله ائمة الرحمة ومعادن الحکمة والحمد لله الذی کان نبأه
الصادق وکتابه الناطق ان من احق الاسباب بالصلوة واولی الامور

بالمصاهرة سببا ووجب نسبا وامرا اعقب غنی فقال جل ثناؤه وهو
الذی خلق من الماء بشرا فجعله نسبا وصهرا وکان ربک قدیرا وقال وانکحوا
الایامی منکم والصالحین من عبادکم وامائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله
من فضله والله واسع علیم ولو لم یکن فی المناکحة والمصاهرة آیة محکمة
منزلة ولا سنة متبعة لکان ما جعله فیه من بر القریب وتألف البعید
ما رغب فیه العاقل اللبیب وسارع الیه الموفق المصیب فاولی الناس
بالله من اتبع امره وانفذ حکمه وامضی قضاءه ورجا جزاءه ونحن نسأل الله
ان یعزم لنا ولکم علی اوفق الامور ثم ان فلان بن فلان قد عرفتم مروته
وعقله وصلاحه ونیته وفضله وقد احب شرکتکم وخطب کریمتکم فلانة
وبذل لها من الصداق کذا فشفعوا شافعکم وانکحوا خاطبکم فی یسر غیر
عسر اقول قولی هذا واستغفر الله لی ولکم   وترجمه خطبه اینست که سپاس
و ستایش مر خدای را که حمد گفت در کتاب خود نفس خود را و در اول کتاب
خود حمد آورد و کرد اینکه حمد را اول نعمت خود و آخر جزای اهل طاعت
خود و درود بر محمد باد که بهترین خلائق است و بر آل او که ائمه رحمت

ومعادن حکمت اند و سپاس و ستایش مر خدای را که وی واقع است
در خبر صادق و کتاب ناطق او چیزی که دلالت میکند برین که از جمله
سزاوارترین اسبابی که موجب پیوستن با کسی شود و بهترین امور
و پیش داشتن سببی است که موجب نسب شود و امریست
که از عقب او توانگری حاصل شود پس گفت خدای تعالی که وهو الذی
خلق من الماء بشرا فجعله نسبا وصهرا وکان ربک قدیرا یعنی خدای
تعالی است آفرید از آب حضرت آدم را علیه السلام یعنی آبی که از طینت
آدم بود آن تخمیر کرد یا خلق آدمی از آب منی پس کرد فرزند او را
خداوند نسب و پیوند یعنی آدمی را دو قسم کرد ذکور که نسبت نسب
بر ایشان بود و اناث که پیوند با ایشان وجود گیرد و هست آفریدگار تو
قادر و توانا بر هر چیز و نیز گفت حضرت حق سبحانه وتعالی که وانکحوا الایامی
منکم والصالحین من عبادکم وامائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله
والله واسع علیم یعنی نکاح در آرید بی زنان و بی شوهران را یعنی مردی
که زن ندارد و که صدا سازد و زنی که بی شوهر است بعقد کسی در آرید و دیگر

و دیگر نکاح کنید بیکسانرا از بندگان و کنیزان خود اگر باشند درویش و تنگدست غنی گرداند خدا تعالی ایشانرا از فضل و کرم خود خدای تعالی بخشایش او وسیع و بسیار است و دانا است بحال فقرا و اگر نمی بود در نکاح کردن و دامادی از کلام خدا یا سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله هر آینه عاقلی که توفیق یافته است برادر است رغبت و شتاب نمیکرد در چیزی که گرداننده است خدای تعالی سبب دوستی با خویشان و الفت با بیگانگان و آن چیز نکاح است پس بهترین مردمان نزد خدای تعالی آنکسی است که پیروی امر او نماید و اجرا و امضای حکم او نماید و امیدوار باشد بجزای او و ما سوال میکنیم از خدای تعالی که اراده کند برای ما و شما بهترین چیزها را پس فلان بن فلان یعنی نام او مرد که برای او نکاح میکنند و نام پدر او را بگوید کسی است که دانسته اید شما را مروت و عقل و صلاح و نیت و فضل او را ابد رستی که دوست داشته است که شریک شما باشد و خواسته است که نکاح کند زنی را از قوم شما فلانه که برزگوار است یعنی نام زنی که

نکاح میکنند بگوید و آنچه کرده است کابین او را این مبلغ و مبلغ را بگوید پس قبول شفاعت کنید از کسی که طلب شفاعت کند از شما و نکاح کنید بکسی که طلب نکاح کرده است از شما و میگویم آنچه مذکور شد و طلب آمرزش میکنم از خدای تعالی برای خود و برای شما و روایت کرده و ثقه که امام محمد تقی علیه السلام دختر مامون را نکاح میکرد و برای خود این خطبه خواند الحمد لله اقرارا بنعمته و لا اله الا الله اخلاصا لوحدانیته و صلی الله علی محمد سید بریته و علی الاصفیاء من عترته اما بعد فقد کان من فضل الله علی الانام ان اغناهم بالحلال عن الحرام فقال سبحانه و انکحوا الایامی منکم تا آخر آیه ثم ان محمد بن علی بن موسی یخطب ام الفضل ابنة عبد الله المامون و قد بذل لها من الصداق مهر جدته فاطمة بنت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و هو خمسمائة درهم جیاد فزوجته یا امیر المؤمنین بها الصداق المذکور قال المامون نعم قد زوجتک یا ابا جعفر ام الفضل ابنتی علی الصداق المذکور فهل قبلت النکاح قال ابو جعفر علیه السلام نعم قبلت النکاح و رغبت به و ترجمه خطبه اینست که سپاس

و سپاس میکنم خدای تعالی را جهت اقرار کردن نعمت
و میگویم که نیست معبودی بحق که سزاوار پرستش باشد مگر خدای
تعالی بجهت اعتقاد بوحدانیت و یگانگی او و درود بر محمد باد
که پیشوای و بهترین خلقانست و بر عترت او که برگزیدگان خدایند
اما بعد از حمد خدا و صلوات بر رسول و آل او بدرستی که از فضل
خدای تعالی بر خلقانست که غنی گردانیده است ایشانرا بسبب
حلال از حرام پس گفته است حق تعالی که وانکحوا الایامی تا آخر
آیه و ترجمهٔ این آیت در خطبهٔ سابق مذکور شد پس محمد بن علی بن
موسی نکاح میکند ام فضل را که دختر عبد الله مامون است و کابین
او کرده است مقدار کابین جدهٔ خود که فاطمه بنت محمد علیهم السلام
و کابین حضرت فاطمه علیها السلام پانصد درهم خالص بود آیا نکاح
میکنی ای مامون دختر خود را باین کابین مامون گفت بلی نکاح
کردم یا ابا جعفر دختر ام فضل را بکابین مذکور آیا قبول میکنی نکاح
را ابی جعفر گفت علیه السلام قبول کردم و راضی شدم باین نکاح

حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت آنکسی که نکاح کند زنی
و در خاطر او نباشد که کابین او بدهد کابین او را بدهد پس او نزد
خدای تعالی زناکننده است و گفت امیر المؤمنین علیه السلام که
سزاوارترین شرطها که وفا کنند بآن چیزیست که حلال شود
بآن جماع کردن و سنت محمدی صلی الله علیه و آله در کابین پانصد درهم است
پس آنکسی که زیاده کند بر سنت رد کرده شود بسنت پس اگر بدهد بزن از
پانصد درهم یک درهم یا زیاده و بعد از ان دخول کند بآن زن غیر چه
زن را اگر بعد از ان چیزی طلب نماید بدرستی که آنچه گرفته است از شوهر
بر سامان حاصل او نیست و هر چیزی که گردانیده است زن آنرا کابین خود
پس آنچیز دینست بر شوهر در حال حیات و بعد از مردن شوهر بازن
ورثه او را آنست که وارثان هم طلب نکنند آنچیزی اگر زن طلب نکرده است
در حال حیات خود و ذکر نکرده است آنرا دین بر شوهر خود و هر چیزی که
شوهر بزن داده است پیش از آنکه دخول کند بزن و زن راضی شده است
بآن کابین زن آنست و کرده است کابین سنت پانصد درهم حدیث

خدای تعالی واجب کرده است بر خود که هر مؤمنی که صد بار الله اکبر
بگوید و صد بار سبحان الله سبحان و صد بار لا اله الا الله و صد بار الحمد لله
بگوید و صد بار صلوات فرستد بر پیغمبر و آل او علیهم السلام و بعد از آن
بگوید که اللهم زوجنی من الحور العین تزویج کند خدای تعالی با و حوری
از حوران بهشت و بگردانند این تکبیر و تسبیح و تهلیل و تحمید و صلوات
را کابین آن حور وقتی که نکاح کند مردی دختر خود را نیکو نیست که از
کابین دختر خود بخورد روایت است از امالی شیخ ابو طالب که گفت امام زین
العابدین علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در محلی که نکاح کرد
حضرت فاطمه را علیها السلام با امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه این
خطبه خواند الحمد لله المحمود لنعمته المعبود لقدرته المطاع لسلطانه المرهوب من
عذابه المرغوب الیه فیما عنده النافذ امره فی السماء و الارض ثم ان الله
عز و جل امرنی ان ازوج فاطمة من علی فقد زوجته علی اربعمائة مثقال فضة
ان رضی بذلک علی و معنی خطبه اینست که سپاس و ستایش
مر خدای را که حمد کرده شده است بجهت نعمت او و پرستیده شده است

از جهت قدرت او و اطاعت کرده شده است بجهت سلطنت
او و ترسیده شده است از عذاب او و رغبت کرده شده است در آنچه نزد
اوست و جاریست امر و حکم او در آسمان و زمین پس بدرستیکه
خدای تعالی فرموده مرا که نکاح کنم فاطمه را با علی و من نکاح کردم او را
بچهارصد مثقال نقره اگر راضی شود باین علی بعد از خطبه خواندن طبق
خرما طلبید و گفت که غارت کنید طبق خرما را و در وقت غارت کردن
امیر المؤمنین علی علیه السلام در آمد حضرت رسول صلی الله علیه و آله گفت
که یا علی آیا دانستی که خدای تعالی فرموده مرا که نکاح کنم فاطمه را با تو و
نکاح کردم او را بچهارصد مثقال نقره اگر راضی شوی پس گفت امیر المؤمنین
علی علیه السلام که راضی شدم باین از خدا و رسول و پس گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله که جمع کناد خدای تعالی پریشانی شما را و نیک
بخت گرداند شما را و حاصل گرداند از شما فرزندان بسیار پاکیزه و گفت
رسول خدا صلی الله علیه و آله که نکاح کردم جحش را با زید بن حارثه و نکاح
کردم ضباعه بنت زبیر بن عبد المطلب را با مقداد تا آنکه جدا شدند که

نثر ریختن سنت از افعال شریف اسلام است روایتست از جابر انصاری
که گفت که چون تزویج کرد حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله حضرت فاطمه علیها السلام
با امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه آمدند جمع مردمان از قریش نزد حضرت
رسالت پناهی صلی الله علیه وآله وگفتند بآنحضرت که تو نکاح کردی
حضرت فاطمه را علیها السلام با امیر المؤمنین علی علیه السلام باندک
کابینی آنحضرت گفت که من نکاح نکردم بلکه خدای تعالی نکاح کرده است
در شب معراج نزد سدرة المنتهی و وحی کرد خدای تعالی بسدرة المنتهی
که نثار کن پس سدرة المنتهی نثار کرد در و جواهر بر حور العین و ایشان
بهدیه میدادند آن در و جواهر را و تفاخر میکردند بآن و میگفتند
که این نثار فاطمه بنت محمد است صلی الله علیه وآله پس چون شب زفاف
شد حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود که استر سفیدی آوردند و
دوته کرد قطیفه را و بر بالای استر انداخت و گفت بفاطمه علیها السلام که سوار
شو و فرمود سلمان رحمه الله که استر را بکشد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
میراند استر را پس در میان راه آنحضرت آوازی شنیدند چون متوجه شد

دید که جبرئیل علیه السلام با هفتاد هزار فرشته و میکائیل با هفتاد هزار
فرشته آمدند آنحضرت بایشان گفت که بچکار فرود آمدید بزمین ایشان
گفتند که آمدیم که حضرت فاطمه را نزد امیر المؤمنین علیه السلام بریم و جبرئیل
و میکائیل و فرشتها و حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله همه تکبیر میگفتند
در راه پس تکبیر گفتن در عروسی از آن شب مانده در میان مردم و سنت
شده روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که زفاف کنید در شب
و طعام بدهید وقت چاشت **فصل چهارم** در آداب زفاف و مباشرت
کردن و غیر اینها روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت ببعضی
اصحاب خود که هرگاه در شب عروسی بخانه خود بیاری روی او را بقبله
کن و دست بر پیشانی او بنه و بگو اللّهم بامانتک اخذتها و بکلماتک استحللت
فرجها فان قضیت لی منها ولدا فاجعله مبارکا سویا و لا تجعل للشیطان
فیه شرکا و لا نصیبا در روایتی دیگر واقع است که این دعا بخوانند اللّهم علی
کتابک تزوجتها و فی امانتک اخذتها تا آخر دعای که گذشت بخواند
از کتاب نجات که ائمه علیهم السلام فرمودند که هرگاه زفاف نزدیک شود

سنت است که امر کنی زن را که دو رکعت نماز سنت بگذارد و تو نیز
باش وقتی که زن بیاید نزد تو و سنت است که تو نیز دو رکعت
نماز بگذاری و حمد بگوی خدای تعالی را و صلوات بر نبی و آل او بفرست
و بگوی اللهم ارزقنی الفها و ودها و رضاها بی و ارضنی بها و اجمع بیننا باحسن
اجتماع و آنس ائتلاف فانک تحب الحلال و تکره الحرام و روایت است از
امام محمد باقر علیه السلام که گفت که وقتی خواهی مباشرت کنی بگو اللهم
ارزقنی ولدا و اجعله تقیا زکیا لیس فی خلقه زیادة و لا نقصان و
اجعل عاقبته الی خیر و بسم الله بگو نزد جماع کردن روایت از ابی سعید
خدری که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وصیت کرد علی بن ابی طالب
صلوات الله علیه و گفت یا علی هرگاه در آید عروس بخانه وقتی که نشیند
بفرما که بیرون کنند موزه او را و بشویند پاهای او را و آن آب را
ببر در سرای خود بریز تا نهایت سرا بدرستی که هرگاه چنین کنی بیرون
می برد خدای تعالی از سرای تو هفتاد هزار نوع درویشی را و داخل
میگرداند هفتاد نوع برکت را در سرای تو و فرو می فرستد بر تو هفتاد

هزار رحمت را و آن رحمت را میگردد بر بالای سر عروس تا آنکه فرود آید
برو و بر سر بچه برکت آن رحمت و بر هر گوشه از خانه تو و ایمن میشود عروس از
دیوانگی و جذام و برص مادام که درین خانه است و منع کن عروس را در آن
هفته که آورده ای او را بخانه خود از خوردن چهار چیز شیر و سرکه و گشنیز
تره و سیب ترش پس گفت امیرالمومنین علی علیه السلام که یا رسول الله
از جهت چه منع میکنم از خوردن این چهار چیز موجب این میشود که آن
زن از فرزند نشود و حصیر در کنج خانه بهتر است از زنی که نزاید پس گفت
امیرالمومنین علی صلوات الله علیه که یا رسول الله چه چیز است که منع میکنی
از سرکه خوردن آنحضرت فرمود که بجهت آنکه وقتی که زن حایض شود
در آن حالت سرکه خوردن تمامی پاک نمی شود از حیض هرگز و گشنیز
تیز پراکنده میکند خون حیض را و خون حیض در رحم شود بر آن زن بعد از آن
آنحضرت فرمود که یا علی جماع مکن بزن خود در اول ماه و در میان ماه
و در آخر ماه بدرستی که دیوانگی و جذام و جن زود راه می یابد
بر آن زن و بفرزند او یا علی جماعت مکن بزن خود

بعد از نشستن بدبختی که در ان وقت فرزندی حاصل شود احول خواهد
بود و شیطان خوشحال میکرد که آدمی احول شود یا علی سخن
مکن در وقت جماع کردن بدبختی که اگر در ان وقت فرزندی شود این
هیئت از انکه گنگ شود و باید نظر نکند بفرج زن خود و بپوشد چشم
خود را نزد جماع کردن بدبختی که نظر کردن در فرج زن کوری
می آورد در فرزند یا علی جماع مکن بزن خود بشهوت زن دیگر
بدبختی که می ترسم که اگر فرزندی حاصل شود مخنث و دیوانه باشد یا علی
آنکسی که جنب باشد در جامه خواب با زن خود باید قرآن نخواند بدبختی
که می ترسم آتشی فرود آید از آسمان و هر دو را بسوزاند یا علی جماع
مکن بزن خود مگر آنکه با تو خرقه باشد و با زن نیز خرقه باشد و
پاک میکنند هر دو خود را بیک خرقه بدبختی که این کار کردن سبب
دشمنی میشود میان زن و شوهر و میان ایشان طلاق و جدایی
میشود یا علی جماع مکن بزن خود ایستاده بدبختی که این کار
خر است و اگر فرزندی حاصل شود بول خود بر کرده جامه خواب

بجو

بجو خر که هر جا که رسد بول میکند یا علی جماع مکن بزن خود در شب
عید رمضان بدبختی که فرزندی که حاصل آید بدی بسیار از ان در وجود
خواهد آمد یا علی جماع بزن خود در شب عید قربان بدبختی که اگر فرزندی
حاصل شود شش انگشت خواهد بود یا چهار انگشت یا علی جماع مکن
بزن خود در زیر درخت میوه دار بدبختی که اگر فرزندی حاصل شود جلاد
خواهد بود یا سبب بار کشنده یا دانا با احوال مردم یا علی جماع مکن بزن
خود در برابر آفتاب و در روشنی او مگر آنکه پرده بیاویزی که بپوشد شما را از آفتاب
بدبختی که اگر فرزندی حاصل شود همیشه در سختی و درویشی خواهد بود تا بمیرد
یا علی جماع بزن خود در میان اذان و قامت بدبختی که اگر فرزند
حاصل شود حریص خواهد بود در خون ریختن یا علی وقتی که زن تو
آبستن شود جماع مکن با او مگر آنکه با وضو باشی بدبختی که اگر فرزندی
حاصل شود کور دل و بخیل خواهد بود یا علی جماع مکن بزن خود در نصف
شعبان بدبختی که اگر فرزندی حاصل شود شوم خواهد بود یا علی جماع
مکن بزن خود وقتی دو روز باقی مانده باشد از شعبان تا آخر ماه

بدبختی که اگر فرزندی حاصل شود تمغاچی یا یاری دهنده ظالمان و
کننده مردمان تنگ خواهد بود یا علی جماع مکن بزن خود در پشت
بام خانه بدبختی که اگر فرزندی حاصل شود منافق و زبان کار و اهل غیبت
خواهد بود یا علی وقتی که خواهی که بسفر روی جماع مکن بزن خود در آن
شب که بسفر میروی بدبختی که اگر فرزند حاصل شود مال خود در
خواهد کرد در غیر حق و خواند رسول خدا صلی الله علیه وآله این آیت را
که ان المبذرین کانوا اخوان الشیاطین یعنی بدبختی که اسرافان که ایشان
اسراف میکنند برادران شیطان اند یعنی مثل ایشانند در شرارت و اتلاف
مال یا علی جماع مکن بزن خود وقتی که سه روزه راه سفر کنی بدبختی که
اگر فرزندی حاصل شود یاری کننده ظالمان خواهد بود یا علی
بر تو باد که جماع کنی شب دوشنبه بدرستی که اگر فرزندی حاصل
شود حافظ قرآن خواهد بود و راضی خواهد بود بآنچه خدای تعالی روزی
او کرده است یا علی اگر جماع کنی بزن خود در شب سه شنبه خدای
تعالی فرزند بدهد بدرستی که شهادت روزی او خواهد بود بعد از انکه

ایمان

ایمان آورده باشد بخدا و رسول و خوشبوی خواهد بود و رحیم دل و بخشنده
خواهد بود و زبان او پاک خواهد بود از غیبت و دروغ و تهمت یا علی
اگر جماع کنی با اهل خود در شب پنجشنبه و فرزند حاصل شود بدرستی که
آن فرزند حاکمی از حاکمان عالم خواهد بود و اگر جماع کنی در روز پنجشنبه
نزد زوال آفتاب و فرزندی حاصل شود شیطان نزدیک نشود باو
تا پیر شود و خوش فهم باشد و روزی کند خدای تعالی او را سلامت
دین و دنیا یا علی اگر مجامعت کنی در شب جمعه و فرزندی حاصل
شود بدرستی که فصیح زبان آور و تیز فهم خواهد بود و اگر جماع کنی
بزن خود در روز جمعه بعد از عصر و فرزند حاصل شود بدرستی که مشهور
و معروف عالم خواهد بود و اگر جماع کنی در شب بعد از نماز خفتن
امید هست که آن زن را فرزندی شود که از ابدال باشد یا علی جماع
مکن بزن خود در اول ساعت از شب بدرستی که اگر فرزندی حاصل
شود ایمن نخواهد بود از انکه ساحر باشد و اختیار کند دنیا را بر آخرت
یا علی یاد گیر این وصیت را همچنانکه من یاد گرفتم از جبرئیل علیه السلام

روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که جماع مکن در اول ماه
و آخر ماه و در میانه که هر که چنین کند فرزندی حاصل شود آن فرزند پیش
از ولادت از شکم بیفتد و اگر در وقت ولادت متولد شود آن فرزند
دیوانه شود آیا نمی‌بینی که دیوانها در اول ماه و در میان ماه و آخر ماه دیوانگی
ایشان زیاده میشود روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که
مکروهست جماع کردن در وقت غروب آفتاب روایتست از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت که جماع مکنید در کشتی و رو بقبله و پشت بقبله و گفت
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که مکروهست که جماع کردن بعد از احتلام
پیش از غسل کردن و اگر جماع کند پیش از غسل و فرزند حاصل شود دیوانه
باشد باید که ملامت نکند مگر خود را و نیز گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
که هر کسی که جماع کند بزن خود در حال حیض و فرزند حاصل شود جذام یا برص
پیدا کند باید که ملامت نکند مگر خود را و نیز گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
که هر کسی که میخواهد که عمر او دراز شود و بسیار بماند در دنیا باید که اول صباح
چیزی بخورد و نعلین خوب بپوشد و کم قرض کند و مجامعت کم کند

روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که هر گاه مجامعت کنید شما
با اهل خود و پس از آنکه فارغ شوید از جماع بگذارید زن او دست از جماع باز دارد
پس اگر آن زن تنگی برسد میل خواهد کرد و آن زنگی و هر گاه که خواهید که مجامعت
کنند با اهل خود باید پیش از آنکه با یکدیگر بازی کنید بدرستی که از برای جماع کردن
بهتر است روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که لذت
زن زیاده است بر لذت مرد در جماع کردن نود و نه مرتبه ولیکن خدای تعالی
بر زنان حیا داده است بجهت آن خود را ضبط میکنند و نگاه میدارند و گفت
رسول خدا صلی الله که هر گاه زنی از جای خود برخیزد باید که نشیند مردی بجای
او تا آنکه خنک شود و نیز گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله وصیت کرد امیر المؤمنین
علی صلوات الله علیه و گفت یا علی سنت است طعام دادن در پنج وقت
در عروسی و در ولادت فرزند و در ختنه کردن و در سر خریدن و از حج آمدن
روایتست از انس که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله چون نکاح کرد حفصه
یا بعضی دیگر از زنان خود را طعامی داد برای زفاف و آن طعام خرما و کلخان
بود روایتست از انس که گفت که رفتم نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آنحضرت

طعامی میداد بجهت عروسی و در ان طعام نه نان بود و نه گوشت کسی گفت
که آن طعام چه چیز بود انس گفت که قطعها آوردند و اندر خته و بعد از ان
خرما و روغن آوردند و خوردند و حال آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله خرما
بسیار نداشت و گفت ابو قلابه که رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه نکاح
میکرد دختری بکری یک هفته نزد او می بود و هر گاه در نکاح خود در می آورد
زنی را که بکر نبود پس سه روز نزد او می بود روایتست از کتاب طب الائمه که گفت
مردی با بی جعفر علیه السلام که آیا مکروهست جماع کردن در وقتی از اوقات
و اگر چه حلال باشد آنحضرت گفت که بلی مکروهست جماع کردن از طلوع صبح
تا طلوع آفتاب و از غروب آفتاب تا غایب شدن شفق و در روزی
که آفتاب بگیرد و در شبی که ماه بگیرد و در روز و شب که بادهای سرخ
و زرد و سیاه بوزد و در روز و شبی که زلزله شده باشد روایتست
که یکشبی عادت کرده بود حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله نزد بعضی از زنان
خود بود پس آنحضرت مجامعت نکرد با آن زن در ان شب چون صباح
شد ان زن گفت با آنحضرت که یا رسول الله آیا کلفتی داشتی پس که

امشب نزد من نیامدی آنحضرت گفت نی و لیکن چون درین شب علامتی
ظاهر شد کراهیت داشتم که لذت گیرم درین شب و حال آنکه تغییر داده است
خدای تعالی چند قوم را بآنچه کرده اند چنانچه در کتاب خود گفته است
که وان یروا کسفا من السماء ساقطا یقولوا سحاب مرکوم فذرهم حتی یلاقوا
یومهم الذی فیه یصعقون یعنی و اگر ببینند پاره از آسمان افتاده آیند
بر سر ایشان گویند از بسیاری عناد و تکبر که این نه قطعه از آسمانست
بلکه این ابریست درهم بسته و بر هم پیچیده پس ای محمد دست بدار
از ایشان و حرب مکن با ایشان تا وقتی که ببینند معاینه آن روز را
که در ان روز هلاک شوند از نفخه اولی روایتست که شخصی پرسید از امام
جعفر صادق علیه السلام که آیا جایز است که نظر کند بنده بموی زنی
که مالک او باشد آنحضرت گفت بلی نظر بموی و ساق او میتواند کرد
روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که باکی نیست که نظر کند مرد بزن
خود و آن زن برهنه باشد روایتست از امیر المومنین علیه السلام
که گفت که سست است مرد را که مجامعت کند بزن خود در شب اول

ازماه رمضان بجهت آنکه خدای تعالی فرموده است که احل لکم لیلة الصیام
الرفث الی نسائکم یعنی حلال است شمارا در شب روزه مجامعت کردن
بزنان خود فصل پنجم در بیان حق شوهر بر زن و حق زن بر شوهر
اما بیان حق شوهر بر زن روایتست که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که هر کسی که صبر کند بر بدخلقی زن خود خدای تعالی باو آنقدر ثواب دهد
که بحضرت داود علیه السلام داده است بجهت بلای که باو رسیده
بود و آن زنی که صبر کند بر بدخلقی شوهر خود خدای تعالی باو دهد ثواب
آسیه بنت مزاحم که زن فرعون بود روایت کرده است ابن محبوب
از مالک بن عطیه و او روایت کرده است که گفت امام محمد باقر علیه السلام
که آمد زنی بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و گفت یا رسول الله چیست
حق شوهر بر زن آنحضرت فرمود که حق شوهر بر زن آنست که فرمان
شوهر خود کند و مخالفت شوهر نکند و چیزی از خانهٔ شوهر بکسی ندهد
مگر برخصت او و روزهٔ سنتی ندارد مگر برخصت او و منع نکند شوهر را
از نفس خود اگرچه بر بالای شتر باشد و بیرون نرود از خانه مگر برخصت

او و اگر بی رخصت شوهر بیرون رود از خانه لعنت میکنند او را فرشتهای
آسمان و زمین و فرشتهای غضب و رحمت تا آنکه بازگردد بخانهٔ خود
پس آن زن گفت یا رسول الله کیست که حق بیشتر دارد بر مرد آنحضرت
گفت که پدر و مادر باز آن زن پرسید که کیست که حق او بیشتر است
بر زن آنحضرت گفت که شوهر او باز آن زن گفت آیا آنقدر حقی که شوهر را
بر منست مرا هم بر او هست آنحضرت گفت که نی و صد یکی آن هم نیست
پس آن زن گفت که بحق آنکسی که ترا فرستاده است براستی که هرگز شوهر نخواهم
کرد و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر زنی که ایذا کند شوهر خود را
بزبان قبول نمیکند خدای تعالی توبه و عدل و عمل نیک او را تا آنکه راضی سازد
شوهر خود را و اگرچه روزها روزه دارد و شب عبادت کند و بنده آزاد
کند و اسبهای نیک بردم دهد که سوار شوند و جهاد کنند و با وجود
این کارها چون ایذای شوهر خود کند اول کسی که بدوزخ خواهد رفت او
خواهد بود و همچنین است حال مرد اگر ظلم کند بر زن خود و نیز گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر زنی که مدارا نکند بشوهر خود و تکلیف کند

اورا هر چیزی که قادر نباشد بر آن چیزی و طاقت نداشته باشد بر آن قبول
نمیکند خدای تعالی نیکوئی آن زن را و در روز قیامت که ملاقات کند
با خدای تعالی حضرت حق سبحانه و تعالی با او در مقام غضب خواهد بود
روایتست که نکاح کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله زنی را مردی بعد از آن
بعضی چیزها را از آن مرد در وجود آمد که آن زن کراهت داشت از آن
پس آن زن شکایت کرد نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله آنحضرت
گفت که جدا شوی از شوهر خود و باشی نزد خدای تعالی بدبوی
از جز مرده را روایتست که گفت که ابی عبد الله علیه السلام که هیچ زنی نیست
که از مال خود بنده آزاد کند و صدقه بدهد و بنده مدبر سازد و چیزی
بکسی بخشد و نذر کند مگر باذن شوهر خود اما در حج و زکوة و نیکوئی با پدر
و مادر و بخشش بخویشان حاجت باذن شوهر نیست روایتست از حضرت
رسالت پناهی صلی الله علیه و آله که گفت که حق زن بر مرد آنست
که چراغ روشن کند برای شوهر خود و طعام بپزد و چون شوهر بخانه
در آید استقبال کند او را و آب پیش او برد و بگوید بشوهر خود که خوش آمدی

و نگاه دارد دست شستن طشت و مندیل پیش او بیاورد و آب بر
دست او بریزد و منع نکند شوهر را از نفس خود مگر بجهت علتی
روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که قومی آمدند نزد رسول
خدا صلی الله علیه و آله که ای پیغمبر که مردمان بعضی سجده میکنند بعضی را آنحضرت
گفت که اگر من میفرمودم که کسی سجده کند کسی را میفرمودم که زن سجده کند
شوهر خود را و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که اگر زن یک پستان
خود را بپزد و دیگری را بریان کند برای شوهر خود هنوز ادا نکرده است
حق شوهر را و با وجود این اگر نافرمانی کند شوهر خود را یکچشم بر هم زدن
خواهد ماند در درک اسفل از دوزخ مگر آنکه توبه کند و باز گردد و گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که ادا نمیتواند زن حق خدای تعالی مگر آنکه
ادا کند حق شوهر را و روایتست از ابی جعفر که گفت که خدای تعالی واجب
گردانیده است بر مردان و زنان جهاد را اما جهاد مرد آنست
که ببخشد مال و خون خود را و سعی کند تا آنکه کشته شود در راه خدا و جهاد
زنان آنست که صبر کند بر ایذائی که از شوهر باو برسد و نیز گفت

ابو جعفر علیه السلام که مردی که نجات یافته باشد از عذاب خدای تعالی
کم است و زنی که نجات یافته باشد کمتر است و کمتر است لعل
از تکرار مبالغه است در کمی در حدیثی دیگر واقع است که جهاد
زن نیکوی کردن بشوهر است روایتست از ابی جعفر علیه السلام
که گفت که هر زنی که شب برود بگذرد و شوهر بر او خشمناک باشد بجهت
حقی که بر او دارد قبول نیست نماز آن زن تا آنکه خشنود شود شوهر
از او روایتست از ابی جعفر علیه السلام که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله
هر زنی که از خانه خود بیرون رود بی رخصت شوهر واجب نیست بر
شوهر نفقه بدهد او را تا آنکه باز گردد و نیز گفت ابو جعفر علیه السلام که هر
زنی که بوی خوش بکار برد برای غیر شوهر خود قبول نیست
نماز او تا آنکه غسل کند از آن بوی خوش چنانکه غسل میکند برای
جنابت و نیز گفت ابو جعفر علیه السلام که هر زنی که برود بغیر منزل
شوهر خود بی اذن او همیشه در لعنت خدا باشد تا آنکه باز گردد
بخانه خود روایتست از ابو جعفر علیه السلام که گفت که هر زنی که بگوید

بشوهر خود

بشوهر خود که من از تو هرگز نکوئی ندیدم باطل میشود عملهای او
روایتست از آن که گفت که مردی بیرون رفت که جهاد کند در راه خدا و وصیت
کرد بزن خود که از بالا خانه به پایین نیاید تا آمدن او و در پایین خانه
پدر آن زن می بود پس بیمار شد پدر آن زن و کس فرستاد نزد
رسول خدا صلی الله علیه و آله و رخصت طلبید از آنحضرت که بعیادت
پدر خود برود آنحضرت کس فرستاد نزد آن زن که می باید که بترسی از خدای
تعالی و فرمان برداری شوهر خود کنی روایتست از ابی جعفر علیه السلام
که گفت مردی از انصاریان در زمان حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله
بسفر بیرون رفت از خانه خود بجهت بعضی مهمات خود و گفت بزن خود که
از خانه بیرون نروی تا آمدن من بعد از آن پدر آن زن بیمار شد آن زن
کسی فرستاد بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و گفت که شوهر من
بسفر رفته است و فرموده است مرا که از منزل خود بیرون نروم تا او
باز گردد و پدر من بیمار شده است آیا رخصت میدهی مرا که بعیادت
پدر خود بروم آنحضرت گفت که نی در خانه خود بنشین و فرمان برداری

شوهر خود کفن پس دفن کردند چون آن زن را بعد از آنحضرت کسی در خواب دید
نزد آن زن و گفت که خدای تعالی امرزید ترا و پدر ترا بجهت آنکه اطاعت
و فرمان برداری شوهر خود کردی و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که بهترین شما آنکسانند که بهتر سلوک کنند با اهل خود و من بهترم از همه
کس با اهل و اما بیان حق شوهر و رعیت از ابی جعفر علیه السلام که گفت
رسول خدا صلی الله علیه و آله که وصیت کرد مرا جبرئیل علیه السلام بر رعایت
احوال زنان تا آنکه گمان بردم که سزاوار نیست طلاق دادن مگر آنکه عملی
قبیحی از و ظاهر شود و نیز گفت ابو جعفر که گفت که آنکسی که تحمل کند از زن خود
یک سخن درشت آزاد کند خدای تعالی او را از آتش دوزخ و البته او را
بهشت ببرد و بنویسد او را دویست هزار حسنه و محو کند از نامه اعمال
او دویست هزار گناه و بلند گرداند مرتبه او را دویست هزار درجه
و بنویسد بعدد هر مو که در بدن اوست عبادت یکسال و گفت که
پرسید اسحق بن عمار ابا عبد الله علیه السلام از حق زن بر شوهر آنحضرت
گفت که حق زن بر شوهر آنست که شوهر سیر کند او را و بپوشاند

بدن او را و اگر زن جاهلی و نادانی کند در گذرد از او و بدرستی که
حضرت ابراهیم علیه السلام شکایت کرد نزد خدای از بد خلقی ساره
پس خدای تعالی وحی کرد بحضرت ابراهیم علیه السلام و گفت مثل
زن مثل استخوان پهلوست اگر راست میکنی از هم میشکند و اگر بحال
خود میگذاری از او تمتع و فایده می بری اسحق بن عمار میگوید که گفتم
بابی عبد الله علیه السلام که کی گفته است این سخن را آنحضرت
در غضب شد و بعد از آن گفت بحق خدای که این سخن رسول خداست
صلی الله علیه و آله روایت از اسحق بن عمار که گفت که ابی عبد الله علیه السلام
را زنی بود که ایذا میکرد آنحضرت را آنحضرت در میگذرانید از او و گفت
رسول خدا صلی الله علیه و آله که هر بنده که کسب کند و نفقه کند بر
عیال خود بدهد خدای تعالی بعوض هر درمی که نفقه کند
هفتصد درم و نیز گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که بهترین مردمان
از امت من آنکسانند که درشتی نکنند با عیال خود و پیروی خاطر عیال
خود کنند و رحم کنند بر ایشان و ظلم نکنند و بعد از آن این آیت

خواند که الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض یعنی مردان
قیام کنندگانند بکارهای زنان و قایم بامور معیشت ایشانند بسبب
آنچیزی که تفضیل کرد خدای تعالی و افزونی داد بعضی از ایشان را که مردانند
بر بعضی دیگر که زنانند روایت است از امام محمد باقر علیه السلام که هرکسی که
زنی داشته باشد و آنقدر پوشش باو ندهد که عورت او پوشیده
شود و آنقدر طعام ندهد که پشت خود را راست تواند کرد یعنی آنقدر
طعام ندهد بزن که سیر شود واجب است بر امام که تفریق کند میان ایشان
بطلاق روایت است از ابی عبدالله علیه السلام که گفت در تفسیر قول خدای تعالی
که و من قدر علیه رزقه فلینفق مما آتیه الله که باید که نفقه کند بر
زن آنقدر که پشت خود را راست تواند کرد و پوششش بدهد
اگر چنین نکند باید که طلاق بدهد و معنی آیت اینست که هرکسی که تنگ
کرده شده است بر او روزی او یعنی تنگدست است باید که نفقه
کند از آنچه خدای تعالی باو داده است روایت است از ابی عبدالله که گفت
که چون این آیت که یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم نارا فرود آمد

شخصی از مسلمانان نشسته بود نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله در گریه شد
و گفت که من عاجزم از نگاه داشتن نفس خود چگونه نگاه دارم عیال
خود را پس [illegible] شد خشم ایشان نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
گفت که کافیست ترا که امر کنی اهل و عیال خود را بآنچه امر میکنی نفس خود را
و نهی کنی ایشان را از آنچه نهی میکنی از نفس خود و معنی آیت اینست
که ای گروهی گرایان اوره اید نگاه دارید نفسهای خود را بترک معاصی
و اهل و عیال خود را بموعظه و نصیحت از آتش دوزخ روایت است از ابی
عبدالله علیه السلام که گفت که آمد زنی نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
بجهت حاجتی گفت آنحضرت با آن زن که شاید تو از مسوفات باشی آن
زن گفت که یا رسول الله مسوفات کدام است آنحضرت گفت
زنانی را که میگویند که بخوانند شوهر ایشان را بجهت کاری و ایشان
تاخیر کنند در آن کار تا آنکه شوهر بخواب رود پس فرشتگان لعنت
میکنند بر آن زنان تا آنکه شوهر ایشان بیدار شود روایت است از
ابی عبدالله علیه السلام که گفت که رحمت کند خدای تعالی بنده را که

نیکوئی کند بزن خود بدرستی که خدای تعالی اختیار زن را بشوهر داده است
و گردانیده است شوهر را حاکم بر او و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که عیال مرد اسیر اویند و دوست‌ترین بندگان نزد خدای تعالی
آنکسانند که نیکوئی کنند با اسیران خود و گفت امام موسی کاظم علیه السلام
که عیال مرد اسیر اوست پس آنکسی که خدای تعالی باو نعمتی داده است باید که
کند توسعه بر اسیران خود را و اگر چنین نکند زود باشد که آن نعمت
برطرف میشود و روایت است که گفت خولی برسول خدا صلی الله علیه و آله
که من بوی خوش بکار می‌برم برای شوهر خود چون عروسان و می‌آرایم
و جامهٔ خواب او را و او پشت بجانب من میکند بعد از آن می‌آیم پیش روی
او رو میگرداند از من گمان برم که دشمن میدارد مرا چه میفرمائی
یا رسول الله آنحضرت گفت که بترس از خدا و فرمان برداری خود کن
آن زن گفت پس چیست حق من بر او آنحضرت گفت که حق تو بر او آنست
که اطعام کند ترا از آنچه خود میخورد و بپوشاند ترا از آنچه خود می
پوشد و طپانچه بر رو تو نزند و فریاد نکند در روی تو آن زن

گفت که چیست حق شوهر بر من آنحضرت گفت که حق شوهر بر تو آنست
که از خانه بیرون نروی بی رخصت او و روزه سنت نگیری بی اذن او
و تصدق نکنی از مال او مگر باذن او و اگر خواهد که مجامعت کند قبول
کنی و اگرچه بر بالای پشت شتر باشد و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که زن لعبت است پس آنکسی که زن بخواهد باید که نیکو نگاه دارد او را
و گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام بمحمد بن حنفیه که ای پسر من هرگاه
قوت پیدا کنی طاعت کنی خدای تعالی و اگر ضعیف و بی قوت میشوی
ضعیف شوی در معصیت و اگر است طاعت و قدرت داری [illegible]
بزن خود کارهای که تعلق بنفس او ندارد چون کارهای که تعلق است
بغیر آن مفرما بدرستی که جمال او بیشتر باقی می‌ماند و دل او نرم میشود
و حال آنکه او خود بهتر میشود بدرستی که زن حکم گل دارد و در نزاکت و کار
فرما نیست پس مدارا کن و بر حال و نیکو کن در صحبت را با او تا آنکه
نیکو شود عیش و زندگانی تو و روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که پرهیزکاری کنید و بترسید از خدای تعالی و جفا مکنید

ورزق و ضعیف یعنی یتیمان و زنان فصل ششم در بیان فرزندان
و آنچه متعلق است بایشان در بیان فضل فرزندان روایت است از سکونی که
گفت که یکی از دیگری آنحضرت گفت که آری باکی نیست چه دستی که پیدا کنم
مرا برادر من عبد الله روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که
از نعمتهای خدای تعالی است که فرزند داشته باشد بهشت به پدر خود روا
از امام جعفر علیه السلام که گفت که خدای تعالی وقتی که میخواهد که آدمی بیافریند
جمع میکنند تمام صورت آدمیان را و بعد از آن می آفریند او را پس شبیه
یکی از ایشان پس باید که نگوید کسی بفرزند خود که او بمن و هیچ یک از
پدران من نمی ماند روایت است که پرسید مردی از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که چیست مارا که پوشش میکنیم برای فرزندان خود چیزی را که پوشش
نمی کنند ایشان برای ما آنحضرت گفت که بجهت آنکه ایشان از شما حاصل
شده اند شما از ایشان و گفت شخصی بعلی بن الحسین علیهم السلام
که نیکوکارترین مردمانی بمادر خود و با دختری نمیخوری آنحضرت گفت که میترسم
که بگیرد دست من بچیزی که پیشی گرفته است چشمهای او بآن و من

عاصی شوم نزد مادر خود روایت است که پرسیدند از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که چرا یتیم کرد این خدای تعالی پیغمبر خود محمد رسول الله صلی الله علیه و آله
حضرت امام علیه السلام گفت که بجهت آنکه او را اطاعت و فرمان
برداری مخلوق واجب نباشد روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت مبارکباد گفت شخصی مردی را نزد امام حسین بن علی علیهم السلام
بجهت پسری که خدای تعالی بآن مرد داده بود باین طریق گفت
که مبارک باد ترا سوار پس گفت حسین بن علی علیهم السلام بآن شخص گفت که
فدای تو کردم چه بگویم آنحضرت گفت که بگو به چه را و شکر کن خدای تعالی
را مبارک گرداند خدای تعالی این پسر را برای تو و بمرتبه کمال برساند
و روزی کند ترا نیکوی او حضرت پیغمبر بپدری که با او طفلی بود که چه کسی
است این طفل آنمرد گفت که پسر منست آنحضرت گفت که برخوردار بسی
باد خدای تعالی ترا از او منقولست از کتاب نوادر الحکمة که گفت ابن عباس
که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که کسی که ببازار رود و بیاید و چیزی بخرد
و ببرد و ببرد برای عیال خود مثل آنست که صدقه برداشته باشد

وبرده باشد برای قومی که محتاج بوده باشند و باید که اول چیزی
اول بدختران بدهد پس هر کس که دختری را خوشحال سازد دختر خود را بهجت
که بنده آزاد کرده باشد از فرزندان اسمعیل علیه السلام و کریست بالعمیه
از ترس خدای تعالی و آنکسی که بگرید از ترس خدای تعالی بهشت می برد
حق تعالی او را از تو[?] کرده است عبد الله بن فضال که شنیدم از ابی
عبد الله یا از ابو جعفر علیهم السلام که میگفت که هرگاه پسر سه ساله شود
بگو باو که هفت بار لا اله الا الله بگوید و بعد از ان بگذار او را تا بسه
سال و هفت ماه و بیست روز برسد بعد از ان باو که هفت بار
بگوید محمد رسول الله و بعد از ان که چهار ساله شود پس بگو که هفت
بار بگوید صلی الله علی محمد و آل محمد و بعد از ان بگذار که پنج ساله
شود پس بپرس از و که دست راست و دست چپ تو کدام است
پس اگر دانست بگردان روی او را بقبله و بگو باو که سجده کند خدای
تعالی بعد از آن بگذار تا هفت ساله شود پس بگو باو که روی
و دو دستهای خود را بشوید پس هرگاه روی و دو دستهای خود را بشست

بگو باو که نماز بگزارد و بعد از ان بگذار تا نه ساله شود پس بیاموز باو
وضوء او بزن او را بجهت وضوء و بعد که نماز بگذارد بزن او را بجهت نماز
که بروان و هرگاه وضوء و نماز یاد گرفت می آمرزد خدای تعالی پدر و مادر او را
انشاء الله تعالی منقولست از کتاب ثعالبی که گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که از نیک بختی و سعادت مردانست که فرزند او شبیه باشد
باو در صورت و خلق و باقی صفات نیکو و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
که از نعمتهای حق تعالی است بر مرد که فرزند او شبیه باشد باو و از
ابی ابراهیم که گفت که پدر من گفت که مرد نیک بخت آنست که ببیند
تا انگه پیش فرزندی را که از و حاصل شده باشد و بعد از ان گفت
که نموده است خدای تعالی بمن فرزندی مرا و اشارت کرد بابو الحسن
علیه السلام و روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که بگذار فرزند خود را
که بازی کند تا هفت سال و هفت بیاموز او را تا هفت سال دیگر و با
نگاه دار او را تا هفت سال دیگر پس اگر صورت صلاح پیدا کرد نیکو
شد کار او و اگر پیدا نکرد چیزی نیست در و منقولست از کتاب ...

که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که بگذار طفل خود را تا شش
سال و بعد از ان او را بفرمای او را اگر چیزی بخواند شش سال دیگر
و بعد از ان تعلیم ادب کن او را بآداب خود پس اگر قبول کرد و تعلیم
آداب شد حال او و اگر قبول نکرد بگذار او را و گفت رسول خدا صلعم
که فرزند هفت سال سید است و هفت سال بنده است و هفت سال وزیر است
پس اگر اخلاق او نیکو شد در بیست و یک سالگی خوب و اگر نه بزن او را به پهلو
که تو معذوری نزد خدای تعالی روایت از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که گفت که ادب کردن شما فرزندان خود را بهتر است از صدقه دادن
هر روز به نیم صاع روایت از حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله
که گفت که اکرام کنید فرزندان خود را بهتر است از صدقه دادن و
نیکو گردانید ادب ایشان را تا آنکه خدای تعالی شما را بیامرزد روایت
از کتاب عیون الاخبار که گفت امام رضا علیه السلام که رسول خدا صلعم
گفت وقتی که فرزندان شما گوشت بخورند دست و دهن ایشان را بشوئید
که می بوید شیطان بوی گوشت را و ایذا می یابند ازان در [illegible]

معتبر

که نیکو کن ادب ایشان را روایت از امیر المؤمنین علی علیه السلام که گفت که
بگذارید طفل را هفت سال و تعلیم ادب کنید هفت سال و خدمت
بفرمایید هفت سال و تمام میشود قد او در بیست و سه سالگی و عقل او
در سی و پنج سالگی و بعد از ان تجربه حاصل میکند روایت از امام محمد باقر
علیه السلام که گفت جدا کنید خوابگاه پسران و زنان را وقتی که بعمر
ده سال شوند روایت از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت که نگاه دارید
فرزندان خود را از شیر زن زناکننده و زن دیوانه در پستی که شیر
سرایت میکند روایت از امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه که گفت
که هرگاه نظر کنی به پسری و ببینی که چشمهای او شیرین داشته باشد
و گشاده پیشانی باشد و رخسار او برآمده باشد و سلامت باشد [illegible]
و صورت او از عیب و بوستی که ختنه میکنند رها باشد پس امیدوار
باش از و بر که یمن و برکت تمام خواهد داشت و اگر بینی پسری
که چشمهای او در مغاک باشد و پیشانی او تنگ باشد و رخساره او
فرو رفته باشد و سر بینی او باریک باشد پس امید برکت و یمن از او

روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که قد میکشد در هر
سال مقدار چهار انگشت بانگشتان خود شش بلست کرده است امام
جعفر صادق علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که گفت که رسول خدا
صلی الله علیه واله جدا کنید خوابگاه طفلان خود را وقتی که ده ساله شوند
خواه هر دو پسر باشند و خواه هر دو دختر و خواه یک پسر باشد و دیگر
دختر روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که هرگاه دختر شش
ساله شود پسر او را بوسه مکنید و پسر هرگاه از هفت سال درگذشت
دایه بوسه نکنند زنان را از امام جعفر صادق که گفت امیر المؤمنین [illegible]
علیه السلام لمس کردن زن با دختر خود وقتی آن دختر شش ساله شود
نوعی است از زنا و این روایتست که پرسید احمد بن نعمان از امام جعفر
صادق علیه السلام که دختر شش ساله ایست که میان من و او خویشی
نیست و آن دختر با من می‌باشد آنحضرت گفت که او را در کنار خود مگیر
و بوسه مکن روایت کرده است ابن عمر که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
که جدا کنید خوابگاه فرزندان را وقتی که ایشان هفت ساله شوند

ده ساله و در روایتی شش ساله و امام زین العابدین علیه السلام تعلیم کلی از اصحاب
خود فرمودند که چون ترا فرزند نشود بجماع وقت این دعا بخوان بدرستی
که هر کس این دعا بخواند حق تعالی باو دهد هر آنچه خواهد از فرزند از مال
و دختر و پسر و صحت و دعا این است رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین
و اجعل لی من لدنک ولیا یرثنی فی حیاتی و یستغفر لی بعد وفاتی و اجعله خلقا
سویا و لا تجعل للشیطان فیه نصیبا اللهم انی استغفرک و اتوب الیک
انک انت الغفور الرحیم و کسی نزد امام جعفر صادق علیه السلام آمد و گفت
مرا فرزند نیست فرمودند که چون سجده باشی این دعا بخوان یا رب هب لی
من لدنک ذریة طیبة انک سمیع الدعاء رب لا تذرنی فردا و انت خیر
الوارثین و شخصی آمد نزد امام جعفر صادق علیه السلام گفت ای فرزند
رسول خدا مرا هفت دختر است و هیچ پسر نیست دعا کن که مرا پسری شود
فرمودند که چون خواهی که جماع کنی پیش پای زن بنشین یا دست راست
بر طرف راست ناف زن بنه و هفت بار سوره انا انزلناه بخوان و بعد از آن
جماع کن و چون زن آبستن شود و دانست که بچه در شکم او هست چنین دست

راست بر توقف راست ناف زن بنه و هفت نوبت ان ازلن تحواند
چنین کرد حق سبحانه و تعالی هفت پسر متوالی باو داد فصل ششم در عقیقه
یعنی دعوت جهة رسیدن فرزند و آنچه منقول است بدان امام جعفر صادق
فرمودند که هر کس در قیامت مرهونست بعقیقه خود و عقیقه از قرآن جمله
قرآن است و شخصی نزد آن حضرت آمد و گفت والله نمیدانم که عقیقه من کرده اند یا نه
پس ایشان امر فرمودند که عقیقه از جهت خود بکند و فرمودند که عقیقه لازم
است بر هر کس که غنی باشد و اگر فقیر باشد در آن وقت که غنی شود
اگر جوان شود بر او واجب نیست و اگر عقیقه کسی نکرده باشد
داد قربانی کند قربان از عقیقه او مجزیست و فرمودند که عقیقه یک گوسفند
نر بکشند و اگر زیادت شود دعوت کنند آنچه موجب است از قرآنی و از آن حضرت
سوال کردند از کیفیت عقیقه فرمودند که گوسفندی یا گاوی یا شتری
بکشند و بعد از آن نام فرزند بنهند و سر او بتراشند در روز هفتم و بمقدار
موی سر او طلا یا نقره بصدقه دهند و اگر فرزند پسری باشد آنچه
کشند نر باشد و اگر دختری باشد باید ماده باشد و فرمودند که

العلق یا دان فرزند داده بسر که خواهد بدهد و طعام می باید داد از گوشت
به مسلمانان و اگر زیاده از یک کس باشد فاضلتر است و بهتر است
و روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که وقتی که خواهی که ذبح
کنی عقیقه را بگو یا قوم انی بری مما تشرکون انی وجهت وجهی للذی
فطر السموات والارض حنیفا و ما انا من المشرکین ان صلوتی و نسکی
و محیای و مماتی لله رب العالمین لا شریک له و بذلک امرت و انا من
المسلمین اللهم منک و الیک بسم الله و الله اکبر اللهم تقبل من فلان
ابن فلان یعنی نام فرزند و پدر او را بگوید و بعد از آن ذبح کند مستحب است
از کتاب طب الائمه که گفت جعفر صادق علیه السلام که نام کنید فرزند
را در روز هفتم از ولادت او و سر او را بتراشید و نقره تصدق کنید
بوزن موی سر او و عقیقه کنید برای او گوسفندی نری و قطعه
آن گوسفند را و بپزید و بطلبید جماعتی مسلمانان را و اگر بپزید و تصدق
کنند که قیمت آن گوسفند را باکی نیست و نیرو و خیر در بن کمیابند
و باید که نخورند از آن عقیقه پدر و مادر آن فرزند و قطعه را جدا کنند

واگر دایه مادر پدر باشد و عیال او باشد از ان عقیقه چیزی باو
نخواهد داد پس اگر خواهید بخش نهید باان و شوروا و هیمه عقیقه
را بکر بمومنان روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که فرزند
که وقتی که متولد شد اذان بگویید در گوش راست او و اقامت بگویید
در گوش چپ او روایت امام جعفر صادق علیه السلام که هر که چهل روز گوشت
نخورد بد خلق میشود و هر کو بد خلق شود اذان بگویید در گوش او روایت
از کتاب اداب کرجع کرده است پدر من طول آمده عمره که گفت امام محمد
باقر علیه السلام که وقتی که متولد شود از برای شما فرزندی پس در روز
هفتم عقیقه کنید برای او گوسفندی نری و بدهید بدایه از عقیقه ران
گوسفند را و بمالید در کام آن فرزند آب فرات را و اذان بگویید در
گوش راست او و اقامت بگویید در گوش چپ او و نام نهید او را روز
هفتم و بتراشید سر او را و بوزن موی سر او تصدق کنید نقره یا طلا
بدرستی که خدای تعالی فرو می فرستد نام او را از آسمان پس هر گاه
عقیقه را ذبح میکنند بگویید بسم الله و بالله و الحمد لله والله اکبر ایمانا

بالله و ثناء علی رسول الله و شکر الرزق الله و عصمة بامر الله و معرفته بفضله
علینا اهل البیت پس اگر آن فرزند پسر باشد بگویید اللهم انت وهبت
لنا ذکرا و انت اعلم بما وهبت و منک ما اعطیت و لک ما صنعنا فتقبله
منا علی سنتک و سنة رسولک علیه و آله و اخسا عنا الشیطان
الرجیم لک سفکت الدماء لا شریک لک الحمد لله رب العالمین روایت
از ابی عبد الله علیه السلام از پدران خود که رسول خدا صلی الله علیه و آله
عقیقه کرد برای امام حسن و امام حسین علیهم السلام گوسفندی در روز
هفتم ولادت ایشان و قطعه قطعه کرد آن گوسفند را و شکست
استخوان او را و فرمود که بفرستید آن گوشت را با آب و نمک و بخورید
با نان و بدهید بهمسایها و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
روزی که فرزند متولد شود هفت چیز بجا آوردن سنت است
اول نام نهادن دوم سر تراشیدن سیم تصدق کردن بوزن موی
او طلا یا نقره اگر قدرت داشته باشد چهارم عقیقه کردن پنجم
مالیدن زعفران بر سر او مالیدن ششم ختنه کردن هفتم طعام دادن

همسایه‌ها را از آن عقیقه و نیز گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله حضرت
فاطمه علیها السلام که ای فاطمه سوراخ کن گوش حسن و حسین را علیهما السلام
بجهت مخالفت یهود را روایتست که رسول خدا صلی الله علیه و آله امر کرد
حضرت را علیه السلام که بتراشید امام حسن و امام حسین را علیهما السلام
در روز هفتم از ولادت ایشان و تصدق کنید بوزن موی سر ایشان
نقره را روایتست که حضرت پیغمبر اذان گفت در گوش امام حسن و امام حسین علیهما السلام
در روزی که متولد شدند روایتست از کتاب محاسن که هرگاه امام زین العابدین
علیه السلام بشارت میدادند بفرزندی نمی پرسید که آن پسر است
یا دختر تا آنکه می پرسید که آیا اعضای او درست و بی عیب است
پس اگر چنین می بود میگفت الحمد لله الذی لم یخلق منی شیئا مشوها
یعنی سپاس و ستایش مر خدای را که نیافرید از من چیزی قبیح روایتست که پرسیدند
از ابی عبد الله علیه السلام که سبب تراشیدن سر فرزند چیست
آنحضرت گفت که سبب اینست که پاک شود از موی رحم روایتست که پرسید
علی بن جعفر برادر خود موسی بن جعفر را علیهما السلام از فرزندی که ختنه

باشند سر او را در روز هفتم آنحضرت گفت که هرگاه هفت روز گذشت
لازم نیست که سر او را بتراشند منقولست از کتاب نوادر الحکمه که گفت
امام جعفر صادق علیه السلام که بمالید در کام فرزندان خود آب فرات
و تربت امام حسین علیه السلام در روزی که متولد شوند اگر آب فرات
یافت نشود آب باران بمالید روایت کرده است امام جعفر صادق
از پدران خود علیهم السلام که گفت امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه که
در کام فرزندان خود خرما بمالید در روزی که متولد شوند روایتست
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله خرما مالید در کام امام حسن و امام حسین
علیهما السلام در روزی که متولد شدند فصل ششم در بیان ختنه کردن
و آنچه متعلق است بآن روایتست از حضرت پیغمبر که گفت که ختنه کردن سنت است
مردان را و سبب زنان را بزرگواری میشود روایتست که نوشت عبد الله
بن جعفر حمیری با امام حسن عسکری علیه السلام که روایت کرده است
از امام جعفر صادق علیه السلام و امام موسی کاظم علیه السلام که ختنه
کنید فرزندان خود را در روز هفتم از ولادت ایشان تا پاک شوند

بدرستی که زمین فریاد می‌آید از بول کسی که ختنه نکرده باشد چهل
روز او بر زمین برسد و درست در شهر ما مسلمانی که نیکو داند ختنه کردن
و خوب تواند ختنه کرد در روز هفتم و نزد ما حجام یهودی است که نیکو داند
آیا جایز است که یهودی ختنه کند فرزندان مسلمانان را یا نه حضرت
علیه السلام در جواب او نوشت که ختنه کنند روز هفتم فرزندان خود را
و مخالفت سنت نکنند روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت هرگاه طفلی را ختنه کنند بگویند اللهم هذه سنتک و سنة
نبیک صلواتک علیه و آله اتباع منا لک و لنبیک بمشیتک و ارادتک
و قضایک لامر اردته و قضاء حتمته و امر انفذته فاذقته حر الحدید
فی ختانه و حجامته لامر انت اعرف به اللهم فطهره من الذنوب و زد
فی عمره و ادفع الآفات عن بدنه و الاوجاع عن جسمه و زده من الغنی
و ادفع عنه الفقر فانک تعلم و لا نعلم روایتست که موسی بن جعفر علیه السلام
اشارت کرد بامام رضا علیه السلام و گفت این فرزند من ختنه
کرده شده و پاک و پاکیزه بود و لیکن [illegible]

بجا آورده باشیم که پیروی دین ابراهیم علیه السلام کرده باشیم
روایتست از امام موسی کاظم علیه السلام که گفت که هر مردی که آن دعای که مذکور
شد خوانده باشد در وقت ختنه کردن فرزند خود باید که آن دعا را
بخواند بر آن فرزند پیش از آنکه آن فرزند محتلم شود پس اگر بخواند
آن دعا را آن فرزند از تیغ ایمن شود یعنی بتیغ کشته نشود و زخمی باو نرسد
روایتست از کتاب طب الائمه که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که ختنه
کنید فرزندان خود را روز هفتم ولادت ایشان بدرستی که پاکیزه تر است
و زودتر گوشت میرویاند و زمین نجس میشود ببول کسی که ختنه نکرده باشد
روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت سوراخ کردن گوش پسر
سنت است و ختنه کردن در روز هفتم سنت است و ختنه کردن زنان
موجب بهتر بودن ایشانست و سنت نیست و کدام چیز فاضلتر است از
[illegible] روایتست از کتاب تهذیب الاحکام که گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که آمدند جمیع زنان نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و در میان
زنی بود که او را ام حبیبه میگفتند و ختنه میکرد دختران را چون آن حضرت

او را دید گفت ای ام حبیبه آن عملی که میکردی حالا میکنی ام حبیب گفت
بلی یا رسول الله میکنم مگر آنکه حرام باشد و تو منع کنی مرا از آن حضرت
گفت که حرام نیست بلکه حلال است پس آنحضرت گفت که ای ام حبیبه
نزدیک شو پس تا تعلیم کنم تو را ختنه کردن دختران ام حبیبه نزدیک
آنحضرت رفت آنحضرت گفت ای ام حبیبه هر گاه ختنه کنی دختران
از بیخ مبر و اندکی ببر بدرستی که رو روشن و درخشنده میکند رو را و
و قدر او بیشتر میشود نزد شوهر و ام حبیبه را خواهری بود که او را عطیه میگفتند
و او مشاطه بود و زنان را آرایش میکرد چون ام حبیبه بازگشت
و رفت نزد خواهر خود خبر داد بخواهر خود آنچه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
گفته بود پس ام عطیه متوجه خدمت حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله
و خبر داد بآنحضرت آنچه خواهر گفته بود آنحضرت گفت که ام عطیه نزدیک
شو پس نزدیک آنحضرت آمد آنحضرت گفت که وقتی که آرایش کنی دختران
روی ایشان را بخرقه مشوی بدرستی که میبرد طراوت رو را فصل
در بیان خصلتهای بد که متعلق است بزنان روایت است که رسول خدا صلعم

هر گاه خواست که بجنگ رود زنان خود را طلبید و مشورت میکرد
با ایشان و خلاف سخن ایشان میکرد و روایت است که شکایت کرد یکی از
اصحاب امیر المومنین علی علیه السلام نزد آنحضرت از زنان خود
آنحضرت برخاست خطبه خواند پس گفت ای گروه مردمان فرمان
برداری زنان مکنید و در مصلحتی فتنه و در میکنند و از حکم شوهر خود سر پیچی
میکنند و در هیچ کاری نیست در ایشان وقتی که احتیاج شان بچیزی
و صبر نیست ایشان را در وقت شهوت و گردن کشی و نافرمانی لازم
ایشانست و اگرچه پیر باشند و عجب و تکبر می باشند ایشانرا
و اگرچه عاجز شوند شکر نمیکنند نعمت بسیار را هر گاه اندک چیزی از ایشان
منع کرده شود و فراموش میکنند نیکویی او و در خاطر میدارند بدی
و فراموش میکنند و بسیار بهتان میکنند و بسیار نافرمانی میکنند
و کار شیطان میکنند پس نیکویی کنید با ایشان بهر حال و بزبان
خوش با ایشان سخن کنید امید هست که افعال و کردار خود را نیکو سازند
و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمان برداری زن کردن پشیمانی

می آورد روایت که منع کرد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که زنان سوار شوند
بر اسب و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که لعنت کرده است
خدای تعالی بر زنانی که بر اسبها سوار میشوند و گفت امیرالمؤمنین علی علیه السلام
که سوار مکنید زنان را بر اسبها بدرستی که شهوت ایشان در حرکت
می آید روایت از کتاب اللباس که روایت کرده است ابی عبد الله از
پدر خود علیه السلام که ذکر کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله زنان را پس گفت
که پند دهید ایشان را به نیکوئی پیش از آنکه امر کنند ایشان شما را به بدی
و پناه جوئید بخدای تعالی از شر ایشان و برحذر باشید از زنان نیکو
روایت است از ابی جعفر علیه السلام که گفت مشورت مکنید با زنان در کارها
پنهانی و سر از خود را با ایشان مگوئید و فرمان برداری ایشان مکنید
و اگر چه خویش شما باشد بدرستی که زن وقتی که پیر شد خیر او میرود
تمام و باقی می ماند شر او و جمال او میرود و فحش زبان نمیشود او را و تیز
میشود زبان او و مرد هرگاه پیر شود میرود شر او تمام و باقی می
ماند خیر او و محکم میشود عقل در رای او و کم میشود جهل و نادانی او و گفت

امیرالمؤمنین علیه السلام که هر مردی که زن تدبیر کار او کند پس آن
مرد ملعون است و نیز گفت امیرالمؤمنین علی علیه السلام که در خلاف کردن
با زنان برکت است روایت کرده است ابی عبد الله علیه السلام
از پدران خود علیهم السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که کسی که
فرمان برداری زن خود کند خدای تعالی او را برو در دوزخ پرسیدند
آنحضرت که فرمان برداری زن کدام است آنحضرت گفت که زن رخصت
دهد که بحمام برود و بعروسی و عیدگاه و تعزیت برود و جامه تنک بپوشد
روایت از ابی جعفر علیه السلام که گفت که باید که بیرون نرود زن مگر با
جنازه و نرود نزد زنان شوهر دار و اگر پیش دختران بکر رود باکی
روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت رسول خدا که مگذارید
زنان را که بازی کنند و تعلیم مکنید بایشان خط نوشتن را و بفرمائید که چرخ
بریسند و تعلیم کنید ایشان را سوره نور و نیز گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که باید که نشیند زن برهنه پیش مردی که خصی کرده باشند او را و روایت
کرده است امام جعفر صادق علیه السلام از پدران خود علیهم السلام

که گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله که باید لمس نکند مردی مرد دیگر
مگر آنکه میان ایشان جامه بوده باشد و همچنین باید لمس نکند زنی زنی را
مگر آنکه میان ایشان جامه بوده باشد روایتست که لعنت کرده است
رسول خدا مخنثان را و فرموده است که بیرون کنید از خانهای خود
و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که باید که دو زن در یک
جامه خواب نخسپند که گفت که سائیدن زنان خود را بر یکدیگر مثل
غلام بارگی کردن مردانست پس هر زنی که چنین کند ادبش کنید
روایتست از حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه وآله که گفت که باید که
دو مرد در یک لحاف بخوابند مگر آنکه ضرورت باشد پس خواب کند هر یک
با زیر جامه خود و بعد از ان یک لحاف بپوشند و حکم دو زن همچنین است
باید که خواب نکند دختر با پدر خود و مادر با پسر خود در یک لحاف مستور
از کتاب محاسن که گفت ابی عبد الله علیه السلام که مراد از ما ظهر که در قول
خدای تعالی واقع است که قل انما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها وما بطن
رو و ساق و دست است و معنی آیت اینست که بگوای محمد که حرام کرده

پروردگار من گناهان را آنچه ظاهر است از ان و آنچه پنهانست روایت
از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که مراد از ما ظهر که واقع است در آیت
مذکور زینت ظاهر است که آن سرمه کشیدن و انگشتری در دست کردن
زنانرا در روایتی دیگر واقع است که آن انگشتری و دستینها است
و زینت آنچه ظاهر است از زینت و باید که ظاهر نکنند زنان زینت خود را
که آن گردن بند و گوشواره و بازو بند و خلخال است روایتست از ابی عبد الله
که گفت در تفسیر قول خدای تعالی که ولا یعصینک فی معروف که مراد از
معروف آنست که زنان در تعزیت گریبان پاره نکنند و طپانچه بر روی
خود نزنند و روی خود را نخراشند و وای و یلا نگفته باشند و بسر
قبر نروند و جامه سیاه نکنند و موی خود را پریشان نکنند روایتست از ابی
عبد الله علیه السلام که گفت که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود زنانرا
که در تعزیت نوحه نکنند و نخراشند رو و سینه خود را و ننشینند با مردان
در آن خانه روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه وآله
پرسید از اصحاب در حالی که امیر المومنین علی علیه السلام حاضر بود

زنان را چه چیز بهتر است هیچکس جوابی نگفت بعد از آن امیرالمومنین علی
بخانه آمد و بحضرت فاطمه علیها السلام گفت که رسول خدا صلی الله علیه وآله
این نوع سوال کرد و هیچکس جوابی نگفت حضرت فاطمه علیها السلام
گفت که زنان را بهتر آنست که مردان نامحرم ایشانرا نبینند و مردان نامحرم
ایشانرا نبینند بعد از آن امیرالمومنین علی صلوات الله علیه
نزد حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه وآله و عرض کرد با حضرت که
فاطمه چنین گفت آنحضرت فرمود که فاطمه از منست روایتست که گفت
ام سلمه که بودم نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله و میمونه زوجه آنحضرت
نیز نزد آنحضرت بود پس آمد ابن ام مکتوم و او مرد نابینا بود و این
بعد از آن بود که امر شده بود که زنان از مردان حجاب کنند حضرت
رسالت پناهی صلی الله علیه وآله گفت با که روی خود را بپوشید
گفتیم یا رسول الله این مرد نابیناست و نمی بیند ما را آنحضرت فرمود
که شما خود نابینا نیستید و می بینید او را **فصل دوم** در بیان چیزها
که در نکاح می باشد **روایتست** از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت

رسول

رسول خدا صلی الله علیه وآله باز گشت از جنگی و در آن جنگ بسیاری
از مسلمانان شهید شده بودند پس آنحضرت را استقبال کردند زنان
و احوال کسانی خود را می پرسیدند پس زنی نزدیک آنحضرت آمد گفت
یا رسول الله چه شد فلانکس آنحضرت گفت که او چه کسی تو بود زن
گفت که برادر من بود آنحضرت گفت که حمد بگو خدای تعالی را و بگو انا
لله و انا الیه راجعون بدرستی که او شهید شد پس آن زن چنین کرد و
بعد از آن گفت یا رسول الله فلانکس چه شد آنحضرت گفت او چه کس
تو بود آن زن گفت که شوهر من بود آنحضرت گفت حمد بگو خدای تعالی
را و بگو انا لله و انا الیه راجعون بدرستی که شهید شد پس آن زن
فریاد بر آورد و گفت که وای چه خوار و بیکس شدم حضرت رسالت
پناهی صلی الله علیه وآله گفت که گمان نمی بردم که زن بشوهر خود این مقدار
محبت داشته باشد تا این زن را دیدم و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
که نمازی که زن تنها بگذارد در خانه خود فاضلتر است از نمازی که با جماعت
بگذارد به بیست و پنج درجه روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام

گفت که خدای تعالی خاص کرد پیغمبران خود را باخلاق نیکو پس
امتحان کنید و بیازمایید نفس خود را پس اگر یافت شود در شما از آن
اخلاق حمد بگویید خدای تعالی را و میل کنید بزیاده کردن آن پس
ذکر کرد حضرت امام علیه السلام از اخلاق نیکو ده چیز را یقین و قناعت
و صبر و شکر و حلم و خوش خلقی و سخاوت و غیرت و شجاعت و مروت
روایت که مذکور شد نزد امام جعفر صادق که چه چیز شوم است آنحضرت
گفت که شومی در سه چیز می باشد زن و چهارپا و خانه اما زن
شوم آنست که کابین او بسیار باشد و فرمان برداری شوهر نکند
و اما چهارپای شوم آنست که بدفعل باشد و نگذارد که برو سوار شوند
و آزار کنند و اما خانه شوم آنست که تنگ باشد و همسایه‌های بد
داشته باشد روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت عیسی بن
مریم علیهم السلام که چون زن نمیخواهی حضرت عیسی علیه السلام گفت که چه
میکنم زن گفتند با آنحضرت که تا فرزندی حاصل کند برای تو گفت چه میکنم
فرزند را چه [illegible] که اگر زنده باشد فتنه میکند و اگر میرد اندوهگین میسازد

پدر و مادرم روایت کرده است زید بن علی از پدران خود علیهم السلام
که گروه [illegible] ل خدا صلی ا[illegible] علیه و آله جهاد و [illegible] لی گفت یا رسول الله
[illegible] زنان را از جهاد و ثواب او چیزی آنحضرت گفت زنان را از
وقت آبستن شدن تا زاییدن و از زاییدن تا از شیر باز کردن
فرزند ثواب است برابر ثواب کسی که مهیا شده باشد که جهاد کند در راه خدا
و اگر بمیرد در میان این ایشان را منزلت و ثواب شهید خواهد بود روایت
از امام محمد باقر علیه السلام که گفت علی بن الحسین علیهم السلام که بیشتر اهل بهشت
زنان ضعیف خواهند بود بجهت آنکه میداند خدای تعالی ضعف ایشان را پس
رحم کند بر ایشان و نیز گفت امام محمد باقر علیه السلام که گفت علی بن الحسین
علیهم السلام در وقت زاییدن زن میگفت که بیرون کنید زنان را از
خانه تا آنکه زنان [illegible] شوند بعورت طفل روایت کرده است
معاذ بن جبل که امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است از پدران
خود علیهم السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که کراهت دارد خدای
تعالی از شما امت من زیاده از بیست خصلت را و منع کرده است

شمار از آن خصلتها و آن خصلتها کار شبث کردن دست در نماز و نقصان
کردن در نماز و خنده کردن و نگاه به پستان و نظر کردن در پس اثنای در
و نظر کردن در فرج زنان زیرا که کوری می آورد و سخن کردن در وقت
جماع زیرا که گنگ می سازد کسی را و خواب کردن پیش از گزاردن
نماز خفتن و سخن کردن بعد از نماز خفتن و غسل کردن در زیر آسمان بی
لنگ و جماع کردن در زیر آسمان و در آمدن بجویهای آب بی لنگ زیرا که
در جویهای آب جماعتی از فرشتگان ساکنند و رفتن بحمام بی لنگ و
سخن کردن در میان اذان و اقامت در نماز صبح تا فارغ شدن از نماز و
در کشتی نشستن در محل طوفان و موج دریا و خواب کردن در بامی که محجر نداشته
باشد و تنها خوابیدن و جماع کردن بزن وقتی که حایض باشد پس اگر جماع
کند درین حال فرزندی که حاصل شود جذام یا برص داشته باشد
باید که ملامت نکند مگر خود را و جماع کردن بزن خود بعد از احتلام
و پیش از غسل اگر این کار بکند فرزندی که متولد شود جذام یا برص داشته
باشد باید که ملامت نکند مگر خود را و سخن کردن با کسی که جذام داشته

باشد مگر میان او و میان تو بمقدار یک گز فاصله باشد زیرا که آنحضرت فرموده
بگریزید از کسی که جذام داشته باشد چنانکه میگریزید از شیر و بول
کردن بر کنار جوی آب و حدث کردن در زیر درخت خرما و هر درختی
که میوه داشته باشد و ایستاده نعلین پوشیدن و در آمدن بخانه تاریک
بی چراغ و در آتش باد کردن بدهن در میان نماز و حسن از ابی عبد الله
علیه السلام که گفت که بیشترین اهل بهشت زنان ضعیف اند بجهت
آنکه خدای تعالی میداند ضعف ایشان را پس رحم کند بر ایشان روایتست
که گفت اسحق بن عمار که گفتم با بی عبد الله که آیا جایز است که نظر کند علاقه
کننده زنی بوده باشد بموی آن زن آنحضرت گفت بلی جایز است
که نظر کند بموی او و ساق او منقولست از کتاب مجمع البیان که گفت
امام جعفر صادق که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله رفت نزد فاطمه علیها السلام
و دید که فاطمه جامه از پشم شتر پوشیده است و بدست خود آرد میکند
بدست اش و شیر میدهد فرزند خود را پس حضرت پیغمبر چون حضرت
فاطمه را چنان دید در گریه شد و گفت که ای دختر من تعجیل کن در قبول

کردن تلخی دنیا تا آنکه بحلاوت و شیرینی آخرت برسی چه پستی کرده پیچ
فرو فرستاده است بر من این آیه ولسوف یعطیک ربک فترضی
یعنی زود باشد که بدهد بتو پروردگار تو در آخرت آنقدر چیزی که راضی
و خشنود شوی منقولست از کتاب که روایت کرده است محمد بن اسحق
که گفتم با امام رضا علیه السلام که آیا جایز است که مردی که خصی کرده باشند
برود نزد زنان وقت وضو و پریشان جهد و ببیند موی ایشان را آنحضرت
گفت جایز نیست روایتست که امیر المؤمنین علی علیه السلام سلام
میکرد بر زنان و کراهت میداشت که سلام کند بر زن جوان و میگفت
که میترسم که در شگفت آورد مرا صورت آن زن پس گناهی حاصل
شود مرا بیشتر از ثواب سلام کردن روایتست که پرسید ابی بصیر از
ابی عبد الله علیه السلام که آیا جایز است که مصافحه کند مرد با زنی
که محرم او نباشد آنحضرت گفت که جایز نیست مگر وقتی که جامه حایل
باشد روایتست که پرسید عمار ساباطی از ابی عبد الله علیه السلام
که زنان چگونه سلام کنند هرگاه درآیند نزد مردان آنحضرت گفت که زن

بگوید السلام علیکم روایت کرده است ابی عبد الله از امیر المؤمنین
علیهم السلام که گفت که مردی که موی او بسیار است شهوت او هم بسیار است
روایتست از محمد بن اسحق که گفت ابو جعفر که آیا میدانی که از چه جهت
کابین زنان چهار هزار درهم شده است گفتم نمیدانم گفت بجهت
آنکه ام حبیبه که دختر ابی سفیان است و در حبشه می بود چون حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله نکاح کرد او را نجاشی که حاکم حبش بود چهار هزار
درهم مهر او فرستاد پس از جهت است که مردمان کابین را
چهار هزار درهم میکنند اما اصل کابین دوازده اوقیه و نیم است
و هر اوقیه چهل درهم است روایتست از سکونی که امیر المؤمنین علی علیه السلام
میگذشت براهی دید که چهار پای سر بر چهار پای دیگر میکشند در
میان راه آنحضرت روی گردانید کسی گفت با آنحضرت که چرا چنین
کردی یا امیر المؤمنین علیه السلام آنحضرت گفت که سزاوار نیست
که این کار بکنند مگر در جائی که نبینند این را مردان و زنان روایتست
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که انگشتی که نظر کند بزنی و بر دارد

چشم خود را از آن زن بآسمان نگاه کند یا آنکه چشم خود را بر هم نهد
هنوز چشم باز نکرده باشد که خدای تعالی نکاح کند با و حور عین را در بهشت
امام جعفر صادق علیه السلام که نظر کردن اول مرتبه بزنان ضرری ندارد
و در مرتبه دوم حرام است و در مرتبه سیم موجب هلاک است
یعنی گناه عظیم دارد روایت از امام محمد باقر علیه السلام که گفت
که باکی نیست که نظر کند مرد بموی مادر و خواهر و دختر خود منقولست از صحیفة الرضا
که روایت کرده است امام رضا علیه السلام از پدران خود علیهم السلام
و ایشان روایت کرده اند از امیر المؤمنین علی علیه السلام که گفت که زن
ده عورتست هرگاه شوهر کرد یک عورت او پوشیده شد هرگاه فرزند آورد
او تمام پوشیده شد منقولست از کتاب محاسن که روایت کرده است
ابی عبد الله علیه السلام که گفت حضرت موسی علیه السلام که بار خدایا
کدام عمل فاضلتر و بهتر است نزد تو حضرت حق سبحانه و تعالی
فرمود که دوست داشتن اطفال بدرستی که من فرموده ام ایشان را
بر وجهی که اعتقاد دارند بوحدانیت و یکتائی من پس اگر بمیرانم

ایشان را می برم در بهشت برحمت خود منقولست از کتاب محاسن که گفت
امام جعفر صادق علیه السلام که بزرگترین گناهان سه چیز است کشتن
چارپای و ندادن کابین زن و مزد مزدور منقولست از کتاب نوادر الحکمه
که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که بسیار مکنید کابین زنان را تا
سبب دشمنی نشود و گفت ابی یعفور که گفتم با امام جعفر صادق علیه السلام
که میخواهم که نکاح کنم زنی را و مادر و پدر من میخواهند که من دیگری را
نکاح کنم آنحضرت گفت که نکاح کن آن زنی را اگر تو میخواهی و بگذار آن
زن را اگر چه مادر و پدر تو میخواهند روایت کرده است امام جعفر صادق
از پدران خود علیهم السلام که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله هر زنی را که
ببخشد کابین خود را بشوهر خود پیش از آنکه شوهر با او دخول کند بنویسد حق تعالی
از برای او بعدد هر دیناری ثواب آزادی بنده کسی گفت یا رسول الله
چگونه است بخشیدن کابین بعد از دخول گفت از روی محبت و الفت می باشد
روایت از حسین بن مختار که گفت که سلیمان رحمة الله نکاح کرد زن قال
ورعی را پس در آمد بخانه آن زن دید که در آن خانه فرشها انداخته اند

گفت که خانهٔ شما حرم کعبه است اگر زینت دهید روا دارد و انگشتری دید که
انگشتری‌ها در انگشت داشت گفت این کنیز از کیست گفتند از من گفت
گفت که کسی که کنیزی داشته باشد و دخول نکند با او و آن کنیز زنا کند
آن کنیز بر آن کس است و روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
کسی که کنیزی داشته باشد باید که هر چهل روز یکبار با او مجامعت کند و نیز
گفت که چون کسی که مجامعت کند مردی با کنیز خود و بعد از آن خواهد که مجامعت
کند با کنیز دیگر باید که وضو بسازد و نیز روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که مگذارید که شیر دهد زن ابله بی‌عقل
فرزند شما را بدرستی که شیر اثر میکند در طبیعت آن طفل و گفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله که مگذارید که شیر دهد زن ابله بی‌عقل فرزند شما را بدرستی که
فرزند پرورش می‌یابد بشیر او منقول است از کتاب فردوس که گفت عمرو بن
سلمه که حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله فرمود که خدای تعالی حیا را ده
بخش کرده است نه بخش بزنان داده است و یک بخش بمردان و اگر چنین
نمی‌بود می‌افتادند زنان در زیر مردان همچنانکه می‌افتد چهارپایان

ماده در زیر چهارپایان نر و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که زنان را از
وقت آبستن شدن تا زائیدن و از زائیدن تا از شیر باز کردن
فرزند ثواب هست بمانند ثواب آنکسی که مرابط شده باشد برای جهاد
کردن در راه خدای تعالی و اگر در میان این بمیرند ایشان را ثواب
شهید خواهد بود و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که مکشتن را رحم
هست بجز رحم زنان ولیکن رحم ایشان واژگونه است حضرت
رسالت پناهی صلی الله علیه و آله که هرگاه زن بزاید باید که اول چیزی
که بخورد خرمای زر باشد و اگر خرمای تر یافت نشود خرمای خشک بخورد
بدرستی که اگر چیزی بهتر از این می‌بود خدای تعالی آنرا بمریم علیها السلام
میداد در وقتی که زائید حضرت عیسی علیه السلام را روایت است از امیر المؤمنین
علی علیه السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که زنا مکنید
بدرستی که لذت زنا میبرد از زنان خود و بر هر کاری که بکنید تا آنکه بر شما کار
کنند زنان شما بدرستی که فلان قوم مردان ایشان زنا کردند پس زنان
ایشان نیز زنا کردند و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که حلال نیست

زن را خواب کردن تا آنکه عرض کند نفس خود را بر شوهر خود بایں طریق
که برهنه شود و برود با او در زیر لحاف و بچسپاند بدن خود را به بدن
او پس هرگاه چنین کرد عرض کرده است خود را بر شوهر خود روایت
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که هر مردی که جماع داده باشد
حرام کرده شده است خدای تعالی بر وی شبستان یعنی بهشت نخواهد رفت
و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که کسی که ببوسد پسری را بشهوت
خدای تعالی در روز قیامت از آتش در دهن او کند و گفت امیر المؤمنین
علی علیه السلام که گفت که مردی که غیبت کند که از روی شهوت باو
باشد خدای تعالی بدهد باو شهوت زنان روایت از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت که خدای کرداینده است شهوت مؤمنان را در پشت
ایشان و شهوت کافران را در روی ایشان روایت از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت که آنکسی که نکاح کند دختر نیکو کار خود را بکسی که شراب
میخورد بدرستی که قطع خویشاوندی کرده است میان خود و دختر خود
منقولست از کتاب فردوس که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که کودک

در دست زن صالح مجبز نیزه است در دست کسی پیاده جهاد کننده در
راه خدای تعالی و نیز گفت امام جعفر صادق که نفرستید زنان
خود را که خرج برسینند که بدرستی که بهترست ایشان را او شهر زینت
جهت دادن ایشان را روایت از انس که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که باید که هیچ کار نکنید شما تا آنکه مشورت کنید بمردی و اگر مردی نیابید
باید مشورت کنید بزنی و آنچه زن بگوید خلاف آن کنید بدرستی
که در مخالفت کردن زنان برکتست و نیز گفت حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و آله که خوب مشغولیست چرخ رشتن زن صالحه را و نیز
فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که حضرت ابراهیم علیه السلام غیرت
داشت و غیرت من زیاده است بر غیرت او و خدای تعالی خوار و ذلیل
کرداند مؤمنی را که غیرت ندارد روایت از امام محمد باقر علیه السلام
که گفت که غیرت زنان حسد است و حسد اصل کفرست بدرستی که زنان
هرگاه غیرت میکنند در غضب میشوند و هرگاه در غضب شدند کافر
میشوند مگر زنانی که مسلمان باشند روایت کرده است جابر که امام

باقر علیه السلام گفت بمن که خدای تعالی بر زنان غیرت نداده و غیرت را
مخصوص مردان کردانیده بجهت آنکه خدای تعالی حلال کردانیده بر مردان
چهار زن آزاد و از کنیزان آنچه مالک شوند و حلال نکرده است بر زنان
مگر یک شوهر پس اگر زنی نافرمانی کند با شوهر خود از روی غیرت نزد خدای
تعالی زناکننده است و غیرت میدارند زنان بد و نافرمانی شوهر
میکنند و اما زنان مومن غیرت ندارند و نافرمانی نمیکنند و در حدیث
از محمد بن اسمعیل بن بزیع که گفت که پرسیدم امام رضا را علیه السلام
از رو پوشیدن زنان از مردان که خصی کرده باشند ایشان را آنحضرت
گفت که این نوع مردان میرفتند نزد دختران ابو الحسن علیه السلام و ایشان
روی خود را نمی پوشیدند گفتم که این آزاد بودند گفت نی گفتم اگر آزاد باشند
زنان روی خود را از ایشان بپوشند گفت نی باب چهاردهم در بیان
آداب سفر و آنچه متعلق است بآن و درین باب هشت فصل است و اکثر
مذکورست درین باب منقولست از کتاب من لا یحضره الفقیه و از کتاب
مجموعه که از تصنیفات پدرست طول الله عمره فصل اول در بیان سفر کردن

و اوقاتی که سفر نیکوست و اوقاتی که سفر بدست روایت کرده است
عمر بن ابی المقدام از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که مذکورست
در حکمت آل داود که باید که عاقل سفر نکند مگر برای سه چیز برای توشه
آخرت و کار سازی معاش و لذت نفس در غیر حرام گفت رسول خدا
صلی الله علیه و آله که سفر کنید تا صحت یابید و جهاد کنید تا غنیمت بگیرید و حج
کنید تا غنی و مالدار شوید و گفت حضرت صلی الله علیه و آله که سفر کنید بدرستیکه
اگر مال حاصل نکنید از سفر عقل شما کامل خواهد شد روایتست از امیر المومنین
علی صلوات الله علیه و آله که سفر میزان قوم است یعنی مردم را بسفر میتوان
سنجید و نیک و بد ایشان را در سفر معلوم میتوان کرد روایتست از ابی
عبدالله علیه السلام که گفت هرگاه خدای تعالی خواهد که بنده را روزی دهد
در زمینی محتاج میگرداند او را بآن زمین روایتست از ابی عبدالله علیه السلام
گفت که کسی که خواهد که سفر کند باید که در روز شنبه سفر کند بدرستیکه
اگر سنگی دور شود از کوه در روز شنبه باز میگرداند خدای تعالی او را
بجای خود و کسی که حاجت او بر آورده نمیشود باید که طلب حاجت خود کند

در روز سه‌شنبه بدرستی که روز سه‌شنبه روزی است که نرم کرده است
خدای تعالی دران روز آهن را برای داود روایت کرده است ابراهیم
بن ابی یحیی مدائنی از ابی عبد الله علیه السلام که گفت باکی نیست در شب
جمعه بسفر رفتن از ابی جعفر علیه السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
سفر میکرد در روز پنجشنبه و گفت روز پنجشنبه روزیست که دوست میدارد
خدا و رسول او و فرشتگان این روز را روایتست از ابی بصیر که گفت که بود
روز نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله برای سفر کردن روز جمعه بود و آنحضرت
چون میخواست که سفر کند بجایی پنهان میداشت و چنان میکرد که دشمنان
گمان می بردند که بجانب دیگر میرود روایتست نوشته شد بعضی از بغداد بابی
بابو الحسن دوم علیه السلام که چونست سفر کردن در روز چهارشنبه حضرت
امام علیه السلام در جواب نوشت که هر کسی سفر کند روز چهارشنبه بجهت مخالفت
کسانی که فال بد میزنند در روز چهارشنبه را نحس میدارند نگاه داشته
شود از همه آفتی و عافیت یابد از هر بلایی و برآورد خدای تعالی حاجت
او را و گفت رسول خدا اگر بر شما بادگشت بیگیرید در سفر بدرستی که

روایتست

زمین در نوردیده میشود در شب و زود قطع مسافت میشود روایتست
از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که زمین در نوردیده می‌شود در آخر شب
روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که بیرون مروید روز جمعه بجهت حاجت
خود پس هرگاه روز شنبه شود و آفتاب برآید بیرون روید بجهت حاجت
خود روایتست که پرسید ابو ایوب خزاز از ابی جعفر علیه السلام از تفسیر
قول خدای تعالی فاذا قضیت الصلوة فانتشروا فی الارض وابتغوا
من فضل الله حضرت امام علیه السلام گفت که مراد از صلوة در آیه روز
جمعه است و مراد از انتشار روز شنبه است و معنی آیت اینست
که پس چون گذارده شود نماز جمعه پراکنده شوید در زمین برای مهمات
خود و بجویید از فضل خدای تعالی حاجتهای خود را روایتست از امام جعفر صادق
علیه السلام که پرهیز کنید از سفر کردن در روز سیم و چهارم و بیست و یکم
و بیست و پنجم ماه بدرستی که این ایام نحس است روایتست از امام جعفر
صادق علیه السلام که گفت بسفر روید و طلب حاجت مکنید در روز دوشنبه
منقولست از کتاب عیون الاخبار که روایت کرده است امام رضا

و ایشان روایت کرده‌اند از امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه که گفت که
روز شنبه روز مکر و فریب است و روز یکشنبه روز غرس و بنا است
و روز دوشنبه روز سفر و طلب حاجت است و روز سه‌شنبه روز
جنگ و خونریزی است و روز چهارشنبه روز شومیست و روزیست که
میکشند مردمان خود را از آن روز و روز پنجشنبه روز رفتن نزد امرا و حکام
و روز بر آوردن حاجتهاست و روز جمعه روز خطبه و نکاح است روایت
است از ابو ایوب خزاز که گفت که میخواستم که بسفر بروم پس آمدم که سلام کنم
بابی عبد الله علیه السلام آنحضرت گفت که گویا که شما میخواهید برکت
در روز دوشنبه گفتم گفت کدام روز شومتر است از روز دوشنبه
این روزیست که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله از دنیا رحلت
فرمود و در این روز وحی منقطع شد از ما باید که سفر نکنید در روز دوشنبه
و سفر کنید در روز سه‌شنبه روایت است از ابی عبد الله علیه السلام که گفت
که هر کسی که سفر کند یا نکاح کند و قمر در عقرب باشد نیکویی نبیند از
آن سفر و نکاح روایت است که گفت عبد الملک ابن اعین که گفتم بابی عبد الله

علیه السلام

علیه السلام که مبتلا شده‌ام بعلم نجوم پس اگر اراده حاجتی میکنم نظر میکنم
و طالع وقت را می‌بینم که طالع نیکست یا بد پس اگر بد است
ترک آن کار میکنم و در آن وقت بطلب حاجت نمیروم و اگر نیکست
بطلب آن حاجت میروم پس گفت ابو عبد الله ببین که عمل میکنی بآن گفتم
بلی گفت بسوزان کتابهای نجوم خود را روایت است که امیر المؤمنین علیه
السلام کراهت میداشت که کسی بسفر رود یا نکاح کند و قمر در محاق باشد
و محاق سه روز آخر ماه است روایت است از موسی بن جعفر علیهما السلام که گفت
که پنج چیز شوم است مسافر را در راه کلاغی که بانگ کند از جانب راست
او و پر افکنده کند خود را و گرگی که بانگ کند در روی او و بر پاهای خود نشسته
باشد و بانگ کند و بعد از آن خود را بلند و پست کند سه مرتبه و آهو
که از جانب راست مسافر بیاید و بجانب چپ رود و بومی که فریاد
کند و خر ماده که گوش یا دمش یا لب او بریده باشد پس کسیکه
که یکی از اینها پیش او بیاید و در خاطر او دغدغه پیدا شود
باید که بگوید اعتصمت بک یا رب من شر ما اجد فی نفسی فاعصمنی من

من ذلک وگفت هرکه این دعا را بخواند نگاه داشته میشود از مضا
اینها روایتست از حلبی که گفت که پرسیدم از ابی عبدالله علیه السلام
که آیا مکروه هست سفر کردن روزی از روزهائی که مردمان مکروه میدانند
آن روز را چون روز چهارشنبه وغیر آن حضرت امام علیه السلام گفت
که هرگاه خواهی که سفر کنی ابتدا کن بتصدق و آیة الکرسی بخوان وهرگاه
که بخواهی سفر کن روایتست از ابی عبدالله علیه السلام که گفت امام زین
العابدین علیه السلام که حج کنید و عمره بگذارید تا صحت یابد بدن
شما و فراخ شود روزی شما و کفایت کرده شود مونت شما و عیال
شما روایتست از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که اگر مردی پیاده حج
رود و سوره انا انزلناه بخواند از پیاده رفتن مشقت نیابد گفت
حضرت امام علیه السلام که آنکه سوره انا انزلناه بخواند در وقت
سوار شدن بچهارپا فرود آید از آن چهارپا سالم و آمرزیده
و نیز گفت که خواننده انا انزلناه که آن تربست چهارپا را از آهن
یعنی چهارپا عاجزاست در دست او و فرمود انداخته او را گفت

مزدی که بر وی سوار شده باشد و هفت نوبت بچه رفته باشد میگرداند
از چهارپایان بهشت و نیز گفت ابو جعفر علیه السلام که اگر چیزی پیشی گرفتی
قضا و قدر را هر آینه میگفتم که کسی انا انزلناه بخواند در وقت سفر کردن
یا از منزل خود بیرون رفتن زود باز میگردد بمنزل خود ان شاء الله
اصل دوم در ابتدا کردن سفر بصدقه وغیر آن در بیان صدقه دادن روایتست
از عبدالرحمن بن حجاج که گفت ابی عبدالله علیه السلام که وقتی که خواهی
که سفر کنی صدقه بده و بیرون رو هر روز که بخواهی روایتست که گفت
حماد بن عثمان که گفتم بابی عبدالله علیه السلام که آیا مکروه هست سفر کردن
در روزی از روزهائی که مکروه میدارند مردمان آن روز را چون روز چهارشنبه
وغیر آن آنحضرت گفت که صدقه بده و بعد از آن بیرون رو بسفر هرگاه
که خواهی و آیة الکرسی بخوان و حجامت کن هرگاه خواهی روایتست
از ابی عمیر که گفت که میدانستم علم نجوم را و طالع وقت را نظر
میکردم در آن هرگاه میخواستم کاری بکنم و دغدغه در خاطر من بهم
میشد پس حکایت کردم از این جهت نزد ابوالحسن موسی بن جعفر

علیهم السلام آنحضرت گفت که وقتی که واقع شود در خاطر تو دغدغه قصد زن کن
بر بول استیکی که بتو رسد روی بگردان کار بکن بدرستی که خدای تعالی
دفع میکند بدی را از تو منقولست از کتاب محاسن که عبد الله بن سلیمان
روایت کرده است از امام محمد باقر علیه السلام یا از امام جعفر صادق ع
که گفت پدر من وقتی که بسفر میرفت در روز چهارشنبه یا در روزی که مردمان
نمی‌ترسیدند سفر کردن دران روز بجهت بودن قمر در محاق و غیر آن صدقه
میداد و بعد از ان بیرون میرفت بسفر روایتست از محمد بن مسلم که گفت
ابی عبد الله علیه السلام که هر گاه خواهد کسی که بسفری رود برود ببرد
مال خود باید که طلب سلامت کند از خدای تعالی بصدقه دادن با آنچه
میسر شود در وقتی که سوار میشود و هر گاه بسلامت دارد خدای تعالی
او را و باز گردد از سفر باید که حمد گوید و شکر خدای تعالی بجا آورد و تصدق
کند با آنچه میسر شود روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت وقتی
که خواهی که سفر کنی پس طلب کن سلامتی را از پروردگار خود بصدقه دادن
با آنچه خواهش آید ترا و در وقت صدقه دادن بگو اللهم انی ارید سفر کذا وکذا

و انی قد اشتریت سلامتی فی سفری هذا [illegible] گفته است
که تعیین کن اینجا که میروی تعیین و مطلوبی که داری بکنی و صدقه را بده
که سلامتی داد بده و در وقتی که رسیدی بجای که مقصود تست نیز
صدقه بده بجهت شکر آنکه بمقصود رسیدی در بیان برداشتن عصا
منقولست از کتاب فردوس که روایت کرده است انس مالک که گفت
رسول خدا صلی الله علیه و آله که آیا عاجزید شما که بگیرید بدست خود
عصایی که در پایین او سر نیزه باشد که تکیه کنید بر وقتی که مانده شوید
و بیرون آورید باو آب را و دور کنید از راه چیزهایی را که موجب ایذا
میشوند و بکشید بآن گزندها را و جنگ کنید بآن با درندها و در پیش
خود بجانب قبله فرو برید در صحرا در وقت نماز گزاردن روایتست
از انس که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که برداشتن عصا
علامت و سنت پیغمبرانست روایتست از امام علیه السلام که گفت حضرت پیغمبر صلعم
که راه رفتن با عصا از تواضع است و نوشته میشود از برای او بهر گامی
که میدارد هزار حسنه و بلند میشود مرتبه او هزار درجه و گفت امیر المؤمنین

امیرالمومنین علی علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه واله فرمود که
انکسی که بیرون رود بسفری وبا او عصای بادام تلخ بوده باشد و این
آیه‌ها را بخواند که ولما توجه تلقاء مدین قال عسی ربی ان یهدینی سواء السبیل
ولما ورد ماء مدین وجد علیه امة من الناس یسقون ووجد من دونهم
امراتین تذودان قال ما خطبکما قالتا لا نسقی حتی یصدر الرعاء
وابونا شیخ کبیر فسقی لهما ثم تولی الی الظل فقال رب انی لما انزلت
الی من خیر فقیر فجاءته احدیهما تمشی علی استحیاء قالت ان ابی یدعوک
لیجزیک اجر ما سقیت لنا فلما جاءه وقص علیه القصص قال لا تخف
نجوت من القوم الظالمین قالت احدیهما یا ابت استاجره
ان خیر من استاجرت القوی الامین قال انی ارید ان انکحک احدی ابنتی
هاتین علی ان تاجرنی ثمانی حجج فان اتممت عشرا فمن عندک وما
ارید ان اشق علیک ستجدنی ان شاء الله من الصالحین قال ذلک
بینی وبینک ایما الاجلین قضیت فلا عدوان علی والله علی
ما نقول وکیل ایمن کرداند خدای تعالی او را از شر هر درنده که در راه باشد

ازدرد
درنده‌ی دیگر گزنده تا وقتی که باز گردد بمنزل خود و با او هفتاد و هفت فرشته
باشد که استغفار کنند از برای او تا آنکه باز گردد بمنزل خود و دیگر گفت
امیرالمومنین علی صلوات الله علیه که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه واله
فرمود که آنکسی که عصا بدست بگیرد دور شود از او هر دیوی و شیطان
نزدیک او نشود و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله که آنکسی که میخواهد که دور
شود برای او زمین در راه رفتن باید که عصای بادام تلخ بدست گیرد
در [illegible] تحت الحنک بستن بطرف دستار مشهور است از کتاب ثواب
الاعمال که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که من ضامنم کسی را که بیرون
آید از منزل خود و تحت الحنک بسته باشد بطرف دستار که بسلامت
باز گردد باهل خود در روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که آنکسی که بیرون
رود بسفری و تحت الحنک نه بندد بطرف دستار و برسد باو المی و
دردی که دوا نداشته باشد باید که ملامت نکند مگر خود را و روایت از
ابوالحسن علیه السلام که گفت که من ضامنم کسی را که رود بسفری و تحت
الحنک بسته باشد بطرف دستار که دزد باو نرسد و غرق نشود

وشنود فصل در بیان آنچه سنت است بجا آوردن در وقت
بیرون رفتن بسفر و دعا در رفتن بسفر گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
اگر کسی که بسفر میرود بگذارد برای اهل خود چیزی که فاضلتر است
از دو رکعت نماز و باید که بگوید در محل وداع کردن اللهم انی استودعک
الیوم نفسی و مالی و اهلی و ولدی و جیرانی و اهل حزانتی الشاهد
منا والغایب و جمیع ما انعمت به علی اللهم اجعلنا فی کنفک و منعک
و عیاذک و عز جارک و جل ثناؤک و امتنع عائذک و لا اله غیرک
توکلت علی الحی الذی لا یموت الحمد لله الذی لم یتخذ ولداً و لم یکن لنا
آخره الله اکبر کبیرا و الحمد لله الذی کثیرا و سبحان الله بکرة و اصیلا
که ابو جعفر علیه السلام چون میخواست که بسفری رود جمع میکرد عیالان خود را
در خانه و بعد از آن این دعای که گذشت میخواند روایت از صباح الحذا
که گفت که شنیدم از موسی بن جعفر علیه السلام که میگفت که هرگاه خواهید
که سفر کنید باید که بایستید بر در سرای خود برابر آنجایی که متوجه میباشید و
پس یکنوبت فاتحة الکتاب بخوانید و بجانب پیش خود بدمید و یک

نوبت دیگر

نوبت دیگر فاتحه بخوانید و بجانب راست بدمید و یک نوبت
دیگر فاتحه بخوانید و بجانب چپ بدمید و آیة الکرسی بهمین طریق
بخوانید و بعد از آن بگوئید اللهم احفظنی و احفظ ما معی و سلمنی و سلم ما معی و بلغنی
و سلمنی و سلم ما معی و بلغنی و بلغ ما معی ببلاغک الحسن بدرستی
که چون چنین کنید نگاه میدارد خدای تعالی شما را و آنچه با شماست
و بسلامت میدارد شما را و آنچه با شماست بمنزل که مقصود شماست
بعد از آن گفت موسی بن جعفر علیه السلام که ای صباح آیا ندیدی که نگاه
داشته شود مردی و آنچه با اوست بسلامت نباشد نگاه داشته
نشود و آن مرد بسلامت باشد و آنچه با اوست بسلامت نباشد
و او برسد بآنجایی که میخواهد و آنچه با اوست نرسد گفتم فدای تو گردم
بلی دیدم روایت که امام جعفر صادق علیه السلام وقتی که میخواست که بسفری
رود میگفت اللهم خل سبیلنا و احسن تسییرنا و اعظم عافیتنا روایت
از امام رضا علیه السلام که گفت که وقتی که بیرون میروی از منزل خود
در سفر یا در حضر بگو بسم الله آمنت بالله توکلت علی الله ما شاء الله لا حول

بالله

ولا قوة الا بالله پس اگر پیش آید ترا شیطان بزند فرشتها بر روی
او و گویند شیطان که ترا دستی نیست برو بجهت آنکه بسم الله گفت
و ایمان آورده است بخدای تعالی و توکل کرد برو و گفته است ما شاء الله
لا حول لا قوة الا بالله روایت است از ابی جعفر که گفت که آنکسی که بگوید در وقت
بیرون رفتن از منزل خود که اعوذ بالله مما عاذت منه ملائکة الله من
شر هذا الیوم و من شر الشیاطین و من شر من نصب لاولیاء الله و من
شر الجن والانس و من شر السباع والهوام و من شر رکوب المحارم
کلها اجیر نفسی بالله من کل شیء بیامرزد خدای تعالی او را و قبول کند
توبهٔ او را و کفایت کند مهمات او را و نگاه دارد او را از مکروهات
و از کردن فعلهای ناشایست و گفت انس بن مالک که رسول خدا
صلی الله علیه و آله هرگاه قصد سفر میکرد وقتی که برمیخواست از جای خود
میگفت اللهم بک انتشرت و الیک توجهت و بک اعتصمت انت
ثقتی و رجائی اللهم اکفنی ما اهمنی و ما لا اهتم له و ما انت اعلم به منی اللهم زودنی
التقوی و اغفر لی و وجهنی للخیر حیث ما توجهت و بعد از آن

بیرون میرفت بسفر روایت است که ابو عبد الله علیه السلام هرگاه که بسفر میرفت
میگفت اللهم احفظنی و احفظ ما معی و بلغنی و بلغ ما معی بلاغک الحسن بالله
استفتح و بالله استنجح و بمحمد صلی الله علیه و آله اتوجه اللهم سهل لی کل حزونة
و ذلل لی کل صعوبة و اعطنی من الخیر کله اکثر مما ارجو و اصرف عنی من الشر
اکثر مما احذر فی عافیة یا ارحم الراحمین و نیز میگفت اسال الله الذی بیده
مست عارق و جعل القوات الملائکة ان یهب لنا فی سفرنا امنا و ایمانا و سلا
و اسلاما و فقها و توفیقا و برکت و هدی و شکرا و عافیة و مغفرة عزها
لا لغیا و دنیا روایت است از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که آنکسی که در وقت
بیرون رفتن از منزل خود بگوید الله اکبر الله اکبر الله اکبر بسم الله دخلت
بسم الله خرجت علی الله توکلت و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
و صلی الله علی محمد و آله اللهم افتح لی وجهی هذا بخیر اللهم انی اعوذ بک
من نفسی و من شر غیری و من شر کل دابة انت اخذ بناصیتها
ان ربی علی صراط مستقیم خدای تعالی ضامنست که سلامت
دارد او را تا آنکه باز گردد بمنزل خود و نیز گفت که بعد از خواندن

گوید کو رشد بگوید توکلت علی الله ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله
اللهم انی اسالک خیر ما خرجت له و اعوذ بک من شر ما خرجت له و اللهم
اوسع علی من فضلک و اتمم علی من نعمتک و اجعل رغبتی فیما عندک
و توفنی فی سبیلک علی ملتک و ملة رسولک بعد از ان آیة الکرسی
و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخواند و بعد از ان
سه نوبت قل هو الله بخواند و بجانب پیش خود بدمد و یکنوبت دیگر
بخواند و بجانب پشت خود بدمد و سه نوبت دیگر بخواند و بجانب راست
خود بدمد و بعد از ان پس نوبت دیگر بخواند و بجانب چپ خود بدمد
و بعد از ان سه نوبت دیگر بخواند و بر بالای سر خود بدمد و بعد از ان
یکنوبت دیگر بخواند و بجانب پای خود بدمد و توکل کند بر خدای تعالی
تعویذی که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله میخواند وقتی که بسفر میرفت
و شب نزدیک بود یا ارض ربی و ربک الله اعوذ بالله من شرک
و شر ما فیک و شر ما یدب علیک و اعوذ بالله من اسد
و اسود و من شر الحیة و العقرب و من شر ساکن البلد و من والد و ما

وله اللهم رب السموات السبع و ما اظللن و رب الارضین السبع و ما اقللن
و رب الریاح و ما ذرین و رب الشیاطین و ما اضللن اسالک ان تصلی
علی محمد و آل محمد و اسالک خیر هذه اللیلة و خیر هذا الیوم و خیر هذا الشهر
و خیر هذه السنة و خیر هذا البلد و اهله و خیر هذه القریة و اهلها و خیر
ما فیها و اعوذ بالله من شرها و ما فیها و شر کل دابة ربی آخذ بناصیتها
ان ربی علی صراط مستقیم در بیان آنچه می باید گفت در وقت سوار شدن
روایتست امام جعفر صادق علیه السلام وقتی که پای خود را در رکاب
می نهاد میگفت اللهم سبحان الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین
و هفت نوبت سبحان الله و هفت نوبت الحمد لله و هفت نوبت لا اله
الا الله میگفت روایتست از اصبغ بن نباته که گفت که گرفتم رکاب
امیر المؤمنین علی علیه السلام وقتی که آنحضرت میخواست که سوار شود
پس آنحضرت سر خود را بر داشت و متوجه آسمان شد و تبسم کرد
گفتم یا امیر المؤمنین دیدم ترا که سر خود را برداشتی و تبسم کردی سبب
این چیست آنحضرت گفت ای اصبغ من گرفتم رکاب حضرت رسالت

بپای صلی الله علیه وآله بجنبانید تو گرفتی رکاب حمار پس آنحضرت خود را
برداشت و متوجه آسمان شد و تبسم کرد گفتم یا رسول الله سبب
آنچه بود آنحضرت گفت که یا علی هر کسی که سوار شود بر چهارپای که خدای
تعالی باو داده است و بعد از آن بخواند آیه السخره را که ان ربکم الله
الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش
یغشی اللیل والنهار یطلبه حثیثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره
الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین ادعوا ربکم تضرعا وخفیة
انه لا یحب المعتدین ولا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها وادعوه
خوفا وطمعا ان رحمة الله قریب من المحسنین و بعد از ان بگوید استغفر الله
الذی لا اله الا هو الحی القیوم واتوب الیه اللهم اغفر لی ذنوبی انه لا یغفر
الذنوب الا انت حضرت حق سبحانه وتعالی بگوید که ای فرشتگان
من ببینید بنده من را که آمرزد گناهان را غیر از من گواه باشید
که آمرزیدم گناهان او را و در روایت از امام رضا علیه السلام که گفت
رسول خدا صلی الله علیه وآله که وقتی که کسی سوار شود بر چهارپای و بسم الله

بگوید در عقب او سوار میشود و فرشته و نگاه میدارد او را تا آنکه فرود آید
بمنزل و اگر سوار شود و بسم الله نگوید شیطان در عقبی او سوار میشود
و میگوید باو که خوانندگی کن پس اگر بگوید که نمیتوانم گوید شیطان
بگوید باو که آرزو کن پس آنکس همیشه آرزوهای باطل کند تا وقت
فرود آمدن بمنزل و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که آنکسی که در وقت
سوار شدن بگوید بسم الله لا حول ولا قوة الا بالله والحمد لله الذی
سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین نگاه داشته شود او و چهارپای او تا وقت
فرود آمدن بمنزل از جمیع بلاها و در روایت دیگر آمده است که گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله که وقتی سوار شدن می باید گفت الحمد لله الذی هدانا
للاسلام وعلمنا القرآن ومن علینا بمحمد صلی الله علیه وآله سبحان
الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون والحمد لله
رب العالمین اللهم انت الحامل علی الظهر والمستعان علی الامر
وانت الصاحب فی السفر والخلیفة فی الاهل والمال والولد
اللهم انت عضدی وناصری وچون برانی چهارپای خود را بگو خرجت

بحول الله و قوته بغیر حول منی ولا قوت لکن بحول الله و قوته برئت الیک
یارب من الحول والقوة اللهم اسالک برکة سفری هذا و برکة اهله اللهم
انی اسالک من فضلک الواسع رزقا حلالا لا تسوقه الی و انا خافض فی
عافیته بقوتک و قدرتک اللهم انی سرت فی سفری هذا بلا ثقة
منی بغیرک ولا رجاء لسواک فارزقنی فی ذلک شکرک و عافیتک و وفقنی
لطاعتک و عبادتک حتی ترضی و بعد الرضا در بیان مشایعت کردن
روایت است که مشایعت کرد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله جعفر طیار را رحمة الله
علیه در وقتی که میفرستاد او را بجانب حبشه و آنحضرت این کلمات را
خواند در راه او و مناسبت این کلمات را تا در راه بسلامت باشد که اللهم الطف
به فی تیسیر کل عسیر فان تیسیر العسیر الیک یسیر اسالک الیسر
والمعافات فی الدنیا والاخرة روایت است که وداع کرد رسول خدا
صلی الله علیه و آله مردی را و گفت زودک الله التقوی و غفر ذنوبک
ولقاک الخیر حیث کنت روایت است که چون مشایعت کرد امیر المؤمنین
علی علیه السلام ابوذر غفاری را رحمة الله علیه مشایعت کرد

ابوذر را امام حسن و امام حسین و عقیل بن جعفر و عمار بن یاسر گفت
امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه که وداع کنید برادر خود را چه بدرستی
که ناچار است مسافر را که برود و برگردد اگر مشایعت کنید باز گردد پس
هر کدام سخنی گفتند در وقت وداع کردن پس گفت امام حسین علیه السلام
یا ابی ذر رحمت کند بر تو خدای تعالی ای ابوذر بدرستی که قوم خوار کردند ترا
بجهت آنکه باز داشتی از ایشان دین خود را و تابع ایشان نشدی
پس ایشان باز داشتند از تو دنیای خود را پس چه محتاجند ایشان
بآنچیزی که باز داشتی از ایشان و چه غنی و بی نیازی تو از آنچه باز
داشتند ایشان از تو پس ابوذر گفت که رحمت خدای بر شما باد ای اهل
بیت پیغمبر بدرستی که از خواری خود باکی ندارم و غمی ندارم و مرا
اندوهی نیست در دنیا غیر از شما بدرستی که هرگاه یاد میکنم شما را بسبب
شما یاد میکنم رسول خدا را صلی الله علیه و آله روایت است که رسول خدا در وقتی که وداع
میکرد مومنی را میگفت زودکم الله التقوی و وجهکم الی کل خیر و قضی
لکم کل حاجة و سلم لکم دینکم و دنیاکم و ردکم سالمین الی سالمین

از ابی جعفر علیه السلام که حضرت رسالت پناه صلعم هرگاه وداع میکرد مسافری را
میگفت و مسافر میگرفت دست او را بعد از آن میگفت احسن الله لک الصحابة
واکمل لک المعونة وسهل لک الحزونة وقرب لک البعید وکفاک المهم
وحفظ لک دینک وامانتک وخواتیم عملک ووجهک لکل خیر علیک
بتقوی الله استودع الله نفسک سر علی برکة الله عز وجل وداع گفت
که آنکسی که خواهد که وداع کند کسی را باید که بگوید استودع الله دینک
وامانتک وخواتیم عملک احسن الله لک الصحابة واعظم لک العافیة
وقضی لک الحاجة وزودک التقوی ووجهک لخیر ما توجهت ورزقک سالما غانما
منقولست از کتاب محاسن که گفت امام جعفر که وداع کرد رسول خدا صلعم
مردی را پس گفت با آن مرد که سلمک الله وغنمک فصل چهارم اخلاق نیکو
در سفر در بیان نیک صحبت داشتن در سفر و نگاه داشتن و طلب کردن
رفیق روایتست از ابی ربیع الشامی که گفت که بودیم نزد ابی عبد الله علیه السلام
در خانه و آن خانه پر بود از مردمان و خویشان آنحضرت پس گفت
آنحضرت که از شیعه ما نیست کسی که نیک صحبت ندارد با مصاحبان خود

و نیک همراهی

و نیک همراهی نکند با رفیقان خود و چیزی نخورد با آنکسی که با او چیزی نخورده
وخوش خلقی نکند با کسی که خوش خلقی کند با او روایتست از ابی عبد الله
که گفت پدر من که اعتباری ندارد آنکسی که قصد خانه کعبه دارد و در او
سه خصلت نباشد خلقی که خوش خلقی کند با یاران و حلمی که نگاه دارد
غضب او را و ورع و پرهیزکاری که نگاه دارد او را از چیزی که خدای تعالی
حرام گردانیده است روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت از مروت
نیست که خبر دهد کسی با چیزی که او را پیش آمده است در سفر از خیر و شر
روایتست از عمار بن مروان که گفت پس ابو عبد الله که وصیت میکنم
ترا بتقوی و پرهیزکاری و ادای امانت و راست گفتن و نیک صحبت
داشتن با آنکسی که مصاحبت کند بتو روایتست که گفت ابی بصیر که گفتم
با امام جعفر صادق که چونست اگر مردی بسفر بیرون رود که اندک مالی
داشته باشد با قومی که مال دار باشند پس ایشان بیرون آورند
توشه خود را و آن مرد قادر نباشد که بیرون آورد توشه مثل توشه
ایشان حضرت امام علیه السلام گفت که دوست نمیدارم که خوار

کرده‌اند مردی خود را باید که بسفر بیرون رود با کسی که مثل او باشد
در مال و روایتست از ابی جعفر علیه السلام که گفت که آنکسی که اختلاط کنی اگر قدرت
داری که تو با او نفقه بدهی چنین کن و روایتست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که گفت که اول رفیق پیدا کنید و بعد از آن سفر کنید و نیز گفت
حضرت رسالت پناه که دو کس که با یکدیگر مصاحبت میکنند آنکس که
ملایمت او بیشتر است با مصاحب خود ثواب او بیشتر است
و خدای تعالی او را بیشتر دوست میدارد و گفت امیر المؤمنین علی
صلوات الله علیه که مصاحبت مکن در سفر با کسی که ترا بهتر از خود نداند
بیجا که تو او را بهتر از خود میدانی و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
که سنت است که هرگاه قومی بیرون روند بسفر توشه خود را بیرون
آورند بدرستی که این بهتر است از برای ایشان و روایتست از ابی
عبدالله علیه السلام که گفت که مصاحبت کن با کسی که با او زینت
یابی و مصاحبت مکن با کسی که او بتو زینت یابد و روایتست از ابی عبدالله
علیه السلام که گفت که آنکسی که شب در خانه تنها باشد شیطان با او ست

و اگر دو کس باشند از جنس هم رسد با ایشان و اگر سه کس باشند با
یکدیگر انس میگیرند و گفت شهاب بن عبد ربه که گفتم با ابی عبدالله
که میدانی حال مرا و توانگری مرا و اینکه من چیزی بسیار نفقه میکنم برای برادران
مؤمن اما مصاحبت بکنم با جماعتی از برادران مؤمن در راه مکه و چیزی بسیار
برای ایشان صرف بکنم حضرت امام گفت که چنین مکن ای شهاب
بدرستی که اگر چیزی بسیار صرف کنی و ایشان چیزی بسیار صرف کنند
نقصان با ایشان میرسد و اگر ایشان چیزی بسیار صرف نکنند خوار
ساختی باید پس مصاحبت کن با کسانی که مانند تو باشند در توانگری و گفت
ابو جعفر علیه السلام که وقتی که خواهی که با کسی مصاحبت کنی مصاحبت کن
با کسی که مثل تو باشد در توانگری و مصاحبت مکن با کسی که معونت تو بر
او باشد بدرستی که این نوع مصاحبت موجب خواری مؤمن است
و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که بهترین مصاحبتها نزد خدای تعالی
آنست که چهار کس با یکدیگر مصاحبت کنند و قومی که زیاده از هفت باشند
بسیار شود آوازه و گفت و گوی ایشان و گفت امام جعفر صادق علیه السلام

که حق مسافر آنست که سه روز بایستند برای او مومنان وقتی که بیمار شود در راه
حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که هیچ نفقه دوست‌تر نیست نزد خدای تعالی از نفقه که نه بسیار باشد و نه کم
و دشمن میدارد خدای تعالی اسراف را مگر در حج و عمره و گفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله در سفری که هیچ مروت نیست مگر کسی که با خلق نیکو باشد و میانه
خود به سلوک کند در سفری باید مصاحبت و همراهی با کنند حدیث از
حلبی که گفت که پرسیدم امام جعفر صادق علیه السلام از قومی که مصاحبت کنند با یکدیگر
و در میان ایشان بعضی توانگر باشند و بعضی نباشند که با نفقه کنند توانگر بر غیر
توانگر حضرت امام علیه السلام گفت که بلی اگر خوشحال شود غیر توانگر باین نفقه
کردن و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که بهترین قوم آنکسی است که خدمت
ایشان کند در سفر حدیث از کتاب شرف النبی که از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
مروی است که اصحاب خود را در سفری که گوسفندی بکشید پس یکی از اصحاب گفت
که من این گوسفند را میکشم و دیگری گفت من پوست میکنم و دیگری گفت
من پاره پاره میکنم و دیگری گفت که من می‌پزم حضرت رسالت پناهی

صلی الله علیه و آله گفت که من هیزم جمع میکنم از برای شما اصحاب گفتند یا رسول
الله تو خود بنشین سید عالمیان و ما در این ما همه این خدمات بجا می‌آوریم
آنحضرت گفت که میدانم که شما میکنید این کارها را ولیکن خدای تعالی مکروه میدارد
از بنده خود که با یاران خود باشد و ایشان همه کاری کنند و او هیچ
کاری نکند پس آنحضرت برخاست و هیزم جمع میکرد برای ایشان
در بیان آداب سفر و مسافر حدیث که رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی که
سفر میکرد با خود شانه و مسواک و سرمه دانی برمیداشت حدیث که گفت
حماد بن عیسی از ابی عبدالله علیه السلام که گفت لقمان حکیم به پسر خود
گفت که چون سفر کنی با جماعتی بسیار مشورت کن با ایشان در کار خود و در کار
ایشان و بسیار تبسم کن در روی ایشان و توشه خود را با ایشان
بخش و وقتی که ترا طلب کنند قبول کن و هرگاه ایشان طلب یاری کنند
از تو یاری کن ایشان را و بسیار خاموش باش و بسیار نماز بگذار
و سخاوت کن با آنچه داری از چارپا و آب و توشه و وقتی که طلب
گواهی کنند از تو گواهی بده از برای ایشان و جهد کن در راستی و هرگاه

مشورت کنند با تو جهد کن که بر خلاف خیر اندیشی نیست در آن با ایشان
بگوی در جواب مشورت ایشان تا آنکه برخیزی و بنشینی و خواب
کنی و چیزی بخوری و نماز بگذاری و فکر و حکمت خود را در آن مشورت
بکار بری یعنی باید که تامل کنی در جواب دادن ایشان و زود جواب
ندهی بدرستی که آنکس که مشورت کند با او بر طرف کند خدای تعالی از وی
عقل و فکر و امانت او را و هرگاه ببینی که صاحبان تو پیاده روند تو
تو هم برو با ایشان و هرگاه ببینی که کاری میکنند تو هم با ایشان کاری
کار بکن و هرگاه ایشان تصدق کنند چیزی یا قرض دهند تو هم موافقت
کن با ایشان و بشنو سخن آنکسی که در سال از تو بزرگتر است و هرگاه ترا
کاری بفرمایند و چیزی از تو طلبند قبول کن و نی مگو بدرستی که نی گفتن
خوب و موجب سرزنش میشود و هرگاه راه را گم کنید در راه راست توقف
کنید و مشورت کنید هرگاه کسی تنها ببینید در راه و از راه مپرسید و طلب
راهنمایی از او مکنید بدرستی که مرد تنها در بیابان در شک می اندازد مردم را
و ممکن است که جاسوس دزدان باشد یا آنکه شیطان باشد که حیران

و سرگردان

و سرگردان کند شما را و هرگاه ببینید از دو مرد نیز اگر در راه ببینید مگر آنکه
ببینید و دانسته باشید از ایشان آن چیزی که من نمی بینم و میدانم یعنی مگر
آنکه از ایشان آثار صلاح ظاهر باشد بدرستی که عاقل وقتی که ببیند بچشم خود
چیزی را میداند حق را و کسی که حاضر است می بیند چیزی را که غایب نمی بیند
ای فرزند من هرگاه وقت نماز در آید تاخیر مکن بجهت چیزی و نماز بگذار و خود را
فارغ ساز بدرستی که نماز قرض است و نماز را بجماعت بگذار و اگرچه بر
بالای نیزه باشد و خواب مکن بر بالای چهارپای بدرستی که آن سبب او
زود جراحت میشود و این کار حکیمان نیست مگر آنکه در کجاوه باشی که توانی
دست و پای خود را دراز کردن پس هرگاه بمنزل نزدیک شوی از چهار
پای خود اول چهارپا را علف بده و بعد از آن خود چیزی بخور و هرگاه
خواهید که فرود آیید بر شما باد که در زمینی فرود آیید که رنگ او نیکوتر
باشد و خاک او نرم تر باشد و گیاه او بیشتر باشد از زمینهای دیگر
و هرگاه فرود آیی بمنزل دو رکعت نماز بگذار پیش از آنکه بنشینی و
هرگاه خواهی قضای حاجت روی دور شو از نظر مردم و هرگاه بار

کنی باید که در وقت نماز بگذاری و بعد از آن وداع کنی زمینی را که در او
نماز خوانده بودی و سلام کنی بر آن زمین و بر اهل آن زمین بدرستی که در
هر قطعه از زمین جمعی از فرشتگان ساکن‌اند و اگر قدرت داری
که طعام نخوری تا آنکه از طعام خود چیزی تصدق کنی چنین کن که بر تو باد
که قرآن بخوانی مادامی که سواری و بر تو باد که تسبیح بگویی مادام
که کاری میکرده باشی و بر تو باد که مادام که تشنه باشی و بپرهیز از آنکه از
اول شب تا آخر شب راه روی و بپرهیز که آواز خود را بلند کنی در وقت
راه رفتن و بیان سنت کردن توشه و مشورت کردن در سفر کردن روایتست
که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که از شرف مردانست که نیکو کند توشه
خود را وقتی که بیرون میرود بسفر و روایتست که علی بن الحسین علیهما السلام
وقتی که بمکه میرفت بجهت گذاردن حج و عمره توشه او بهترین توشها بود
و آن توشه بادام و شکر و بریان بود منقولست از کتاب محاسن
که گفت امام جعفر صادق علیه السلام از مروتست که خبر دهد
مرد بآنچه باو رسیده است از خیر و از شر و روایتست از امام جعفر صادق

علیه السلام که گفت رسول خدا از شرف مرد آنست که نیکو کند توشه
خود را وقتی که بیرون میرود بسفر و روایتست که بر خاست ابوذر رحمة الله علیه
نزد خانه کعبه و گفت من جندب بن سکنم پیش مردمان کرد و بیا
در آمدند ابوذر گفت که اگر شما خواهید که سفر کنید هر آینه توشه خود را مهیا
چیزی اگر صلاح شما در آن باشد آیا برای سفر آخرت توشه اگر صلاح
در آنست چرا مهیا نمی‌سازید پس مردی برخاست و گفت ای ابوذر
راه نمایی کن و بگو که این توشه کدام است ابوذر گفت که روزه دار روز
گرم باش تا که برای روز قیامت نفع آسان کند و حج بگذار تا آسان
شود مشکلات بزرگ پیش آید در وقت مردن و بعد از آن و دو رکعت نماز
بگذار در نیم شب برای وحشت و تنهایی در قبر و سخن خیر بگو و سخن بد
مگو و صدقه بده بمسکینان امید هست که نجات یابی روز قیامت
و آنچه حاصل کنی در دنیا دو حصه کن یک حصه صرف عیال خود کن و حصه
دیگر را صرف کن برای آخرت و آنچه در غیر اینها صرف کنی ضرر میکند ترا و
سخنانی که در دنیا میگویی می باید که از دو چیز بیرون نباشد یکی برای طلب

حلال باشد و دیگری برای آخرت و هرچه بر غیر این میگوئی ضرر میکند
و نفع نمیدهد بعد از ان ابوذر رحمة الله علیه گفت که هلاک و نجات
هر دو در روز قیامت دو چیز است که گفت لقمان به پسر خود که ای پسر من
دنیا دریایی بی پایان است و هلاک شدند در ان مردم بسیار پس
بگردان کشتی خود را در دنیا ایمان بخدای تعالی را و بگردان بادبان
ان کشتی را توکل بر خدای و بگردان توشه خود را تقوی و پرهیزگاری
پس اگر نجات یابی و خلاص شوی ازین دریا از رحمت خدای تعالی
خواهد بود و اگر هلاک شوی بگناهان تو خواهد بود ای پسر من سفر
کن با شتر و موزه و دستار و خیمه و مشک و ریسمان و درفش و بردار
با خود از دواها آنچه ضرور است و آنکسی که با تو باشد فایده دهد و موافقت
کن با مصاحبان در هر چیز مگر در گناه و در بعضی روایات آمده است
که سفر کن با اسپ خود و دیگر که ذکر میکردند مردمان جوانمردی را نزد
امام جعفر صادق علیه السلام پس گفت آنحضرت که گمان می‌برید شما که جوانمردی
بفسق و فجور می‌باشد چنین نیست بلکه جوانمردی و مروت طعام دادن

و بخشش است و نیکویی کردن به کس و ایذا ناکردن بکسی بعد از ان
گفت امام جعفر صادق علیه السلام که مروت چیست از مردمان گفتند نمیدانیم
آنحضرت گفت که بحق خدای که مروت آن نیست که خوان طعام بر در
سرای خود بنهد که هرکس خواهد بخورد و لیکن مروت دو نوع است
یکی در حضر و دیگری در سفر اما مروت در حضر قرآن خواندن است و دایم
بمسجد رفتن و سعی کردن و همراه دادن حاجت برادر مومن و نعمت دادن
بخادم خود به بهشتی که نعمت دادن بخادم خود شاد میسازد دوست را
و خوار میگرداند دشمن را و اما مروت در سفر بسیاری و خوبی توشه است
و دادن توشه بهر کس که با تو باشد و پنهان و پوشیده داشتن
آنچه دیدی از مصاحبان خود بعد از جدا شدن از ایشان و بسیار
مزاح کردن در چیزی که خدای تعالی را در غضب نیاورد و بعد از ان گفت امام
جعفر صادق علیه السلام که بحق آنکسی که فرستاد محمد را به پیغمبری که خدای
روزی میدهد بنده را بقدر مروت او و بدرستی که یاری میکند
خدای تعالی بنده خود را بقدر مشقت و رنج و صبر میدهد بقدر سختی بلا

فصل بیستم در نگاه داشتن متاع و استخاره کردن و طلب حاجت
کردن در بیان نگاه داشتن متاع روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که هر کسی که آیة الکرسی بخواند هر شب در سفر و بگوید اللهم اجعل مسیری
عبرا و صمتی تفکرا و کلامی ذکرا بسلامت ماند و آنچه با وست روایتست
از مسموعات سید تاج الدین ابو البرکات مشهدی که روایت کرده است
محمد بن عیسی از مردی که گفت که فرستادند برای ابو الحسن علی بن موسی الرضا
علیهم السلام از خراسان جامه و در میان آن جامه اندک خاکی بود پس
گفتم با آن کسی که جامه آورده بود که این چه چیز است آنکس گفت که خاک قبر امام حسین است
و گفت هر چیزی که بکسی فرستد و با او خاک امام حسین همراه باشد هیچ
آفت بآن چیز نرسد و محفوظ باشد باذن خدای تعالی روایتست از امام
جعفر صادق علیه السلام که آمد مردی و برادر نزد رسول خدا و گفتش یا رسول الله
ما میخواهیم که بشام برویم بجهت تجارت تعلیم کن ما را چیزی که همراه بگوییم
گوید که چون نماز حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود در سفر بعد از آنکه جا
گیرید در منزل خود و نماز خفتن بگذارید پس هرگاه بخسپید بپهلوی خود را

بر فراش

بر فراش بعد از آن نماز باید که تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بگویید و آن سی و
چهار بار تکبیر است و سی و سه بار الحمد لله و سی و سه بار سبحان الله
و بعد از آن آیة الکرسی بخوانید پس چون چنین کنید محفوظ باشید
از هر بلا پس ایشان بسفر رفتند و دزدان در عقب ایشان رفتند
تا آنکه ایشان فرود آمدند پس دزدان فرستادند بسوی ایشان که نظر
کند که ایشان در خواب‌اند یا بیدار آن کس آمد بجانب ایشان و یکی
از آن دو برادر پهلوی خود را بر فراش نهاده بود و آیت الکرسی خوانده
بود و تسبیح زهرا گفته بود دزد در گرد هر یک دیواری دید و هر چند در گرد
ایشان گشت هیچ چیز ندید مگر دو دیوار پس آن دزد باز گشت
و با صاحبان خود گفت که بحق خدا که ندیدم مگر دو دیوار و دزدان با آن مرد
گفتند که خوار و رسوا گرداند ترا خدای تعالی چه پستی که دروغ میگویی بلکه ترسیدی
و بد دل شدی و ترسیدی که چیزی که ایشان در خواب‌اند یا بیدار پس دزدان
خاسته شدند و رفتند و نظر کردند هیچ چیز ندیدند مگر دو دیوار پس گرد آن
دو دیوار گشتند هیچ آدمی ندیدند باز گشتند و بجای خود آمدند چون روز

شد دزدان آمدند نزد آن دو برادر و گفتند شما کجا بودید ایشان گفتند
که ما اینجا بودیم و بجای دیگر نبودیم و از شما دور نشدیم پس دزدان گفتند ما
آمدیم و در اینجا ندیدیم هر دو برادر خبر دهید ما را از قصه خود ایشان گفتند
که ما وقتی بیرون می‌آمدیم رفتیم نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و آنحضرت
تعلیم کرد ما را که آیة الکرسی و تسبیح زهرا در وقت خواب بخوانیم ما چنین
کردیم دزدان گفتند که برو بحق خدای که هرگز ما در عقب شما نخواهیم آمد و
قادر نخواهد شد هیچ دزدی بعد از آن آنحضرت آنچه فرموده بود خوانیده
در بیان استخاره از برای تجارت روایت که گفت عبد الرحمن بن سیابه
که رفتم سالی بجانب مکه و متاع من جامه کرباس بود و بازار جامه کساد بود
و رواج نداشت مصاحبان من گفتند که این متاع بمصر ببر یا بیمن و جای
دیگر آن بکوفه و من مختلف شد رای ایشان در این پس رفتم نزد امام موسی
کاظم علیه السلام بعد از رفتن سیم عید یک روز با آنحضرت خبر دادم
آنچه مصاحبان من گفته بودند گفتم فدای تو گردم چه میفرمائی تا همان کنم
آنحضرت گفت بمن که قرعه بزن میان مصر و یمن و بعد از آن کار خود را بخدا

بگذار

بگذار پس هر شهر که قرعه بنام آن بیاید متاع خود را آنجا گفتم فدای تو گردم
چگونه قرعه بزنم گفت بنویس بر یک کاغذ پاره بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انت الله الذی لا اله الا انت عالم الغیب و الشهادة انت العالم
و انا المتعلم فانظر لی فی ای الامرین خیر لی حتی اتوکل علیک فیه و اعمل
به و بعد از آن بنویس مصر ان شاء الله و بر کاغذ پاره دیگر بنویس یمن
ان شاء الله و بنویس در کاغذ دیگر آنچه در آن دو کاغذ پاره نوشته
و بعد از آن بنویس در این کاغذ پاره یحبس المتاع و لا یبعث الی بلد
منها و بعد از آن جمع کن کاغذ پاره‌ها را و بکسی بده که بپوشد کاغذ پاره‌ها
را پس هر کدام بیرون آید توکل کن بر خدای تعالی و بآن عمل کن
که خیر تو در آن خواهد بود ان شاء الله تعالی روایت از جعفر بن محمد بن علی
علیهم السلام که گفت علی بن الحسین هرگاه قصد میکرد که حج یا عمره بگذارد
یا بنده آزاد کند یا چیزی بخرد یا بفروشد وضو میساخت و دو رکعت
نماز استخاره میگزارد و در این دو رکعت فاتحه و سوره الرحمن و سوره
حشر میخواند چون فارغ می‌شد از نماز دویست نوبت میگفت

استغفر الله و بعد از ان قل هو الله احد و بعد از ان قل اعوذ برب
الفلق و قل اعوذ برب الناس بخواند بعد از ان بگوید حمت بامر علمته
فان کنت تعلم ان خیر لی فی دینی و دنیای و آخرتی منها قدره لی
وان کنت تعلم ان شرا لی فی دینی و دنیای و آخرتی فاصرف
عنی رب عزم لی علی رشدی وان کرهت ذلک و حبت نفسی بسم الله
الرحمن الرحیم ما شاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم حسبی الله
ونعم الوکیل و بعد از ان آن کار میکرد در نیت طلب کردن حاجت وقتی که خواست
که صباح متوجه کاری شوی و آفتاب بر آمده و سرخی آفتاب بر طرف
شده باشد دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول فاتحه و قل هو الله بخواند
و در رکعت دویم فاتحه و قل یا ایها الکافرون بخواند هر گاه سلام دهی بگو
انی غدوت التمس من فضلک کما امرتنی فارزقنی من فضلک رزقا حسنا
واسعا حلالا طیبا و اعطنی فیما اعطیتنی العافیة و قوة غدوت بغیر
حول منی ولا قوة ولکن بحولک و قوتک وابرا الیک من الحول والقوة
اللهم انی اسالک برکة هذا الیوم فبارک لی فی جمیع اموری یا ارحم الراحمین

وصلی الله

وصلی الله علی محمد و آله الطیبین و بر وقتی که بیمار زیر گلیم بگو اشهد ان
لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و یمیت وهو حی لا یموت
بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر و اشهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم انی
اسالک خیرها و خیر اهلها و اعوذ بک من شرها و شر اهلها اللهم انی
اعوذ بک ان ابغی او یبغی علی وان اظلم وان اظلم وان اعتدی او یعتدی
علی و اعوذ بک من ابلیس و جنوده و فسقة العرب والعجم حسبی الله
لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم و هر گاه خواهی چیزی
بخری بگو یا حی یا قیوم یا دایم یا رووف اسالک بقوتک و بعزتک
و بقدرتک و ما احاط به علمک ان تقسم لی من التجارة الیوم اعظمها رزقا و اوسعها
فضلا و خیرها لی عاقبة لانه لا خیر فیما لا عاقبة له و هر گاه خواهی که چهار
پایی بابند و بخری بگو اللهم ارزقنی اطولها حیوة و اکثرها منفعة و خیرها
عاقبة و چون چیزی بخری از متاع و غیر متاع تکبیر بگو و سه نوبت بگو
اللهم انی اشتریت التمس فیه من فضلک فاجعل لی فیه فضلا و سه بار بگو
اللهم انی اشتریت التمس فیه من رزقک فاجعل لی فیه رزقا این دعا که گزر

شده در ثواب حاج روایتست از امام جعفر صادق ع فصل ششم در آداب

راه رفتن و کراهیت تنهایی در سفر و دعاهای متفرقه که می باید خواند بیان

آداب راه رفتن روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که

در سفر شتاب کنید در راه رفتن بدرستی که بشتاب رفتن آسانست

مشقت سفر و دیر طرف میشود روایتست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله

رسید جماعتی که پیاده میرفتند آن جماعت شکایت کردند نزد آنحضرت

از مشقت راه رفتن آنحضرت فرمود شتاب بروید روایتست از ابی عبد الله

علیه السلام که گفت که شتاب رفتن می برد قدر و منزلت مومن را

روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که مشقت راه رفتن برابر

باز گشتن بیمارست و گفت حضرت پیغمبر که بشتاب رفتن می برد

قدر و زیبایی مرد را روایتست که پرسید معاویة بن عمار از ابی عبد الله

علیه السلام از حال مردی که قرض داشته باشد که آیا برود از جهت حج کردن

حضرت امام گفت که حج اسلام واجبست بر مسلمانان که طاقت پیاده

رفتن داشته باشد و بیشتر کسانی که حج میکردند با رسول خدا صلعم

پیاده بودند

پیاده بودند روایتست که گذشت رسول خدا صلی الله علیه و آله بموضعی که آنرا

کراع غمیم میگفتند به جماعتی شکایت کردند از تعب و ماندگی آنحضرت

گفت که محکم ببندید لنگ خود را بر بالای جامه پس چنین کردند آن

سختی و ماندگی رفت از ایشان روایت آمده است که حضرت پیغمبر صلع

دعا کرد برای ایشان و گفت که بر شما باد که بشتاب بروید و شبگیر

و در پاس اول شب مروید بدرستی که زمین در نوردیده میشود در شب

و گفت ابو بصیر که پرسیدم ابی عبد الله را علیه السلام از تفسیر قول

خدای تعالی که و لله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا

آنحضرت گفت که مراد نیست که پیاده برود و کسی که این مقدار چیزی داشته

باشد که تمام راه سوار شود گفتم اگر قدرت نداشته باشد بر پیاده

رفتن چه کند گفت بعضی از راه را پیاده برود و بعضی را سواره

گفتم که برین هم قادر نباشد چه کند گفت خدمت مردم بکند و با

ایشان برود و معنی آیت اینست که مر خدا راست بر مردمان

قصد کعبه هر که توانایی دارد که برود بسوی آن خانه روایتست از امام

جعفر صادق علیه السلام که گفت که آمدند جماعتی از اصحاب که پیاده میرفتند
نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و شکایت کردند از ماندگی آنحضرت گفت که
بر شما باد که شتاب بروید پس چنین کردند و رفت از ایشان ماندگی
روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که رفت رسول خدا صلعم
به وصفی که آنرا کراع غمیم میگفتند پس صف کشیدند جماعتی که پیاده
میرفتند و گفتند یا رسول الله دعا کن برای ما آنحضرت گفت اللهم اعطهم
اعطهم اجرهم و قوهم و بعد از آن گفت که اگر شما شتاب بروید سبک
میشود بدن شما و زود قطع راه میشود پس چنین کردند سبک شد بدن ایشان
روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود که سزاوار تر است که بجاده راه برود از پیاده و پابرهنه سزاوار
تر است که بجاده برود از کسی که کفش پوشیده باشد و نیز گفت که سزاوار
نیست که در کنار راه برود و روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که سزاوار نیست زنان را که در میان
راه بروند سزاوار است که در کنار راه بروند در بیان کراهیت تنهایی در سفر

مردمان

روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که آیا خبر دهم شما را که بدترین کیست گفتند بلی یا رسول الله آنحضرت گفت بدترین
مردمان آنکسی است که تنها سفر کند و بخیلی کند و بزند بنده خود را روایتست از ابی
عبد الله علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت یا امیر المؤمنین علی
علیه السلام که یا علی تنها بسفر مروید به درستی که شیطان با کسی است
که تنها و از دو کس دور است روایتست از امام موسی کاظم علیه السلام که گفت که
که لعنت کرده است رسول خدا سه کس را آنکه توشه خود را تنها بخورد
دوم کسی که در خانه تنها خواب کند سیم کسی که تنها سواره رود در بیابان روایتست
از اسمعیل جابر که گفت که بودم نزد امام جعفر صادق علیه السلام در مکه که آمد مردی
از مدینه نزد آنحضرت پس آنحضرت گفت با آن مرد که کی بود همراه تو در راه
آن شخص گفت که هیچکس همراه من نبود پس گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که اگر پیش از این ملاقات می بود میان من و تو هر آینه نیکو میکردم ادب
و اصلاح می آوردم کار ترا بعد از آن گفت که کسی که تنها باشد شیطان با او است
و اگر دو کس باشند دو شیطان با ایشان است و اگر سه کس باشند

مصاحب یکدیگر بودند شیطان با ایشان نیست و اگر چهار کس باشند رفیق نشد
دیگر حضرت امام موسی کاظم علیه السلام گفت کسی که به سفر رود باید که بگوید ما شاء الله
لا حول ولا قوة الا بالله اللهم آنس وحشتی واعنّا علی وحدتی وادّ غیبتی
دعای که می باید خواند کسی که گم کرده باشد روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که وقتی که راه گم کنی ندا کن و بگو یا صالح یا صالح ارشدنا الی الطریق یرحمکم الله
که صالح موکل راه است و حمزه موکل بحر است روایت است از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت وقتی که گمراه سازد غول شما را بانگ نماز بگوئید روایت است از ابی
الحمزه که گفت که بودم با امام محمد باقر علیه السلام در سفر پس گم شد اشتری از من
حضرت امام گفت که دو رکعت نماز بگذار پس بعد از آن بخوان این دعا را که اللهم رادّ
الضالة هادیا من الضلالة ردّ علیّ ضالتی فانها من فضلک و عطائک بعد از این دو رکعت
نماز گزاردم و این دعا خواندم آنحضرت گفت یا ابا حمزه سوار شو پس سوار شدم
با آنحضرت چون پاره راه رفتیم ناگاه سیاهی دیدیم در راه حضرت امام گفت یا ابا حمزه
این اشتر تست پس نگاه کردم اشتر من بود در بیان دعای که می باید خواند در
وقت فرود آمدن در منزل روایت است که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله

با امیر المؤمنین علی علیه السلام که یا علی هرگاه در سفر فرود آیی بمنزل بگو اللهم انزلنی
منزلا مبارکا وانت خیر المنزلین [illegible] دیگر آمده است که این سه نیز می باید خواند
که وایدنی کما ایدت به الصالحین وهب لی السلامة والعافیة فی کل وقت
وحین اعوذ بکلمات الله التامات کلها من شر ما خلق وذرأ وبرأ و بعد از آن
دو رکعت نماز بگذارد و بگو اللهم ارزقنا خیر هذه البقعة واعذنا من شرها اللهم اطعمنا
من جناها واعذنا من وباها وحببنا الی اهلها وحبب صالحی اهلها الینا و هرگاه
خواهی که کوچ کنی دو رکعت نماز بگذارد و طلب کن از خدای تعالی که نگاه دارد ترا
و وداع کن آن موضع را بدرستی که در هر موضع فرشتگان ساکنند السلام
علیکما و علی ملائکة الله الحافظین والسلام علینا و علی عباد الله الصالحین و رحمة الله
و برکاته در بیان دعای که می باید خواند در وقت باز گشتن از سفر روایت است که حضرت
پیغمبر صلعم چون باز گشت از جنگ خیبر گفت آیبون تائبون ان شاء الله
عابدون راکعون ساجدون لربنا حامدون اللهم لک الحمد علی حفظک ایای
فی سفری وحضری اللهم اجعل اوبتی هذه مبارکة میمونة مقرونة بتوبة
نصوحا توجب لی بها السعادة یا ارحم الراحمین در بیان دعای که می باید خواند

دو وقت در آمدن بشهری یا دهی حدیث که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
بامیر المومنین علی علیه السلام که یا علی هرگاه خواهی بشهری یا دهی در آیی
بگو در وقت دیدن آن شهر یا آن ده که اللهم انی اسئلک خیرها و اعوذ بک
من شرها اللهم حببنا الی اهلها و حبب صالحی اهلها الینا در بیان دعایی که می باید
وقت براه رفتن خواند حدیث از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که رسول خدا
صلی الله علیه و آله در سفر هرگاه از بلندی بنشیب میرفت تسبیح میگفت
و هرگاه از پستی به بلندی بر می آمد تکبیر میگفت و گفت رسول خدا
که بحق آن کسی که نفس ابو القاسم در ید قدرت اوست که هر کسی تهلیل
و تکبیر بگوید بر جای بلندی و نشیب تکبیر و تکبیر گوید هر چیزی که در پس اوست
از درخت و غیر آن تا انقطاع زمین در بیان آنچه می باید خواند در وقت
کشتی نشستن بسم الله الملک الرحمن و ما قدروا الله حق قدره اذ قالوا ما
انزل الله علی بشر من شیء قل من انزل الکتاب الذی جاء به موسی نورا
و هدی للناس تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا و علمتم ما لم تعلموا
انتم ولا اباؤکم قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون بسم الله مجریها و مرسیها

ان ربی لغفور رحیم

ان ربی لغفور رحیم در بیان دعایی که می باید خواند در وقتی که نشستن از پل
هرگاه بر پشتی جبل وقتی که پای خود در جبل نهی بگو بسم الله اللهم ادحر عنی الشیطان
الرجیم حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که بر بالای هر پشتی
شیطانی ساکن است پس هرگاه بر پشتی جبل بسم الله بگو تا شیطان
دور شود روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که وقتی که در سفر یا در بیابان
باشی و ترسی از جنی یا از آدمی بنه دست راست خود را بر میان سر خود
و بخوان با آواز بلند افغیر دین الله یبغون و له اسلم من فی السموات والارض
طوعا و کرها و الیه ترجعون در بیان آنچه می باید گفت بکسی که از حج یا غیر حج آمده
باشد روایت که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله میگفت بکسی که از حج می آمد که تقبل الله منک و اخلف
علیک نفقتک و غفر ذنبک و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که اگر کسی که دست در گردن حاجی غبار آلوده
کند و در بر گیرد او همچنانست که حجر الاسود در بر گرفته باشد روایت
از ائمه معصومین و اهل بیت طیبین علیهم السلام که وقتی که کسی از سفر بیاید

و بمنزل خود درآید سزاوار نیست که مشغول شود بچیزی تا آنکه غسل کند
و دو رکعت نماز بگزارد و سجده کند و صد بار شکر بگوید خدای تعالی
حدیث که چون جعفر طیار از سفر باز گشت از طایف در بر گرفت رسول خدا
صلی الله علیه و آله او را و بوسید میان دو چشم او را و گفت که نمیدانم که کدام
یک ازین دو چیز خوشحالی کنم با آمدن جعفر یا بفتح خیبر و اصحاب رسول
خدا مصافحه میکردند با یکدیگر هرگاه با هم میرسیدند و هرگاه یکی از ایشان
از سفری می آمد بدیدن او میرفتند و دست در گردن او میکردند
و در بر میگرفتند او را فصل ششم در بیان رعایت کردن چهار
پا و حقوق او بر صاحب او حدیث از ابی ذر رحمه الله که گفت که شنیدم که
رسول خدا صلی الله علیه و آله میگفت که چهار پا میگوید اللهم ارزقنی ملیک
صدق یشبعنی و یسقینی و لا یحملنی ما لا اطیق یعنی بارخدایا روزی کن مرا
صاحب راستی که سیر کند مرا و آب دهد و بار نکند آن مقدار که طاقت
نداشته باشم حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت هر کسی که چهار
پای بخرد چهار پا میگوید اللهم اجعله بی رحیما یعنی بارخدایا بگردان آنکسی را

که او خریده است بر من رحیم و نیز گفت چهار نگاه دارید حقی که بر صاحب است
وی را آورده میشود حاجتها و روزی بر خدای تعالی است حدیث کرده است
سکونی که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که خدای تبارک و تعالی دوست
میدارد که مدارا کند با چهار پا پس وقتی که سوار شود بر چهار پای لاغری
پایه که جسته شده باشد فرود آید تا بمنزل رسیدن پس اگر زمین خالی از گیاه
باشد بشتاب برود و اگر علف داشته باشد فرود آید در منزلها که در راه
می باشند تا بمنزل رسیدن و گفت امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه که
آنکسی که سفر کند و چهار پای داشته باشد وقتی که فرود آید علف بخشیدن
آن چهار پا را و گفت ابو جعفر علیه السلام که هرگاه در سفر برسید بزمین
خشکی که گیاه نداشته باشد بشتاب برود حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که آنکسی که چهار پای بخرد مرور است که سواری کند و بر صدقات
روزی آن چهار پا حکایت از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت که حق
چهار پای بر صاحب آنست که وقتی که فرود آید اول علف دهد او را
و وقتی که بآب برسد بگذارد که آب بخورد و چیزی بر روی او نزند در حدیث

که چهارپا تسبیح میگوید وحمد خدای تعالی را و توقف نکنید گاهی که بمنزل آیند
بر پشت چهارپا که بر او سوارند و رنگ نکنند و بار نکنید او زیاده از طاقت
او و نزنید او را زیاده از آنچه طاقت او است و در حدیث است از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که از نیک بختی مرد است نگاه داشتن چهارپایی که سوار شود و حاجت
خود و حاجت برادران مومن و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که زین مرکب
ملعون است برای زنان یعنی باید که زنان بر چهارپایی که زین داشته باشد
سوار نشوند و نیز گفت امام جعفر صادق علیه السلام که سواری تعویذ است
و نیز گفت که پرسید مردی از امام جعفر صادق که کی بزنم چهارپا را که سوار
باشم بر او آنحضرت گفت که وقتی که زدن او را که او نرود در زیر تو چنانکه
میرود آنجایی که می بیند او را و چیزی میبیند هند و در حدیث از امام جعفر صادق
که گفت که نزنید چهارپا را بجهت بسر در آمدن و مزنید او را بجهت رمیدن
بدرستی که او چیزی می بیند که شما نمی بینید و در حدیث از حضرت پیغمبر
که گفت که هرگاه چهارپا بسر در آید و بگوید آنکسی که بر او سوار است که
هلاک شدی آن چهارپا میگوید که هلاک شود کسی که عاصی تر است

نزد پروردگار

نزد پروردگار را و گفت امیرالمومنین علی علیه السلام که هرگز چهارپای من بسر
در نیامد کسی پرسید که چه سبب آنحضرت گفت بجهت آنکه هرگز در کشت
زراعت نراندم چهارپای خود را و نیز گفت امیرالمومنین علی صلوات الله علیه
که گفت که مزنید روی چهارپا را و لعنت مکنید ایشان را بدرستی که
خدای تعالی لعنت کرده است لعنت کننده چهارپا را و در حدیث از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت هرگاه لعنت کنید چهارپا را البته ایشان
هم لعنت میکنند شما را و نیز گفت حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله که منشینید
بر سر ران چهارپا و توقف مکنید بر پشت او گاهی که نرانید چهارپا را و نیز گفت
رسول خدا صلعم با امیرالمومنین علی علیه السلام که یا علی باید که سه کس بر یک
چهارپا سوار نشوند بدرستی که آنکه در میان سوار است ملعون است و گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر چیزی را حرمتی است و حرمت چهارپا
روی او است و در حدیث است از سکونی که حضرت رسالت پناهی صلعم دید
شتری را که زانوهای او را بسته بودند و بر آن شتر جهازی بود آنحضرت گفت
صاحب این شتر را بمروت دوست بدرستی که این شتر در روز قیامت

باد خصومت خواهد کرد و روایتست که حج کرد علی بن الحسین علیهم السلام
بر شتری ماده که داشت و بر روی آن شتر را تازیانه نزد روایتست از ام سلمه که
گفت که شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله که گفت که دور میشود دیو و شیطان
از قافله که بر چهارپایان خود جرس بسته باشند در باب روایات که واقع
شده در باب شتر روایتست که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که شتر
سرخ فربه بدبختی عمر او کوتاه تر است از عمر شتران دیگر و شتر سیاه
بد شکل فربه بدبختی که عمر او دراز تر است از عمر شتران دیگر و روایتست که منع کرد
رسول خدا صلی الله علیه و آله از گذشتن در میان قطار شتر کسی گفت
که سبب این چیست آنحضرت گفت که جهت آنکه هر قطاری شتر
که هست میان هر دو شتر شیطانیست و روایتست منع کرد رسول خدا صلی الله علیه
و آله از گذاشتن شتری که خوابست سوار باشد و از دوشیدن شیر او و از بار کردن
نان خورش بر او سوار شدن او و پیش از آنکه علف شبانه روز علف بدهند
او را در باب روایاتی که واقع شده است در باب اسپ و غیر آن روایتست
که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که همیشه با اسپ خیر است تا روز قیامت

و کسی نفقه کند بر اسپ در راه خدا چنانست که صدقه پنهان داده باشد
روایتست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر موی که بر پیشانی اسپ است دنبال
و دم او بد بختی که خیر در پیشانی اسپ است و یال خود گرم میشود و دم
او مگس ران اوست و نیز گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که مبارکی
و خیر بکی در اسپ سرخ است که مایل بسیاهی باشد و در اسپ سیاه آنست
که پیشانی او سفید باشد و مطلق الیمین باشد روایتست از امام رضا
علیه السلام که گفت که در سوراخ بینی هر چهارپایی شیطانیست پس هرگاه
خواهید لجام کنید او را باید که بسم الله بگوید و روایت کرده است ابو عبید
از امام محمد باقر علیه السلام که هر چهارپایی که دشوار باشد بر صاحب
لجام کردن او رمیده باشد باید که در گوش راست او بخواند أفغیر دین الله
یبغون وله أسلم من فی السموات والارض طوعا وکرها والیه ترجعون
و نیز بگوید اللهم سخرها و بارک لی فیها بحق محمد و آل محمد و سوره انا انزلناه
بخواند و نیز گفت امام محمد باقر علیه السلام که بهترین شتران نزد من شتر سرخ است
که رسول خدا صلی الله علیه و آله سوار میشد بر او و از گوش که نام او

یعفور بود فصل ششم در بیان چیزهای نادر که در سفر می باشد روایت که گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله با امیر المومنین علی علیه السلام که یا علی چون
سفر کنی در رودخانه فرود میا بدرستی که رودخانه خانه درنده و مار است
از کتاب محاسن که ذکر کرده مردی را نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله یکی از
اصحاب گفت او مرد نیکویی است جمعی از اصحاب گفتند یا رسول الله
او در راه با ما بود وقتی که فرود می آمدیم همیشه تهلیل میگفت تا آنکه کوچ
میکردیم چون کوچ میکردیم همیشه ذکر خدای تعالی میگفت تا فرود آمدیم حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که کدام یک از شما علف میداد شتر خود را
و طعام می پخت درین سفر آنجماعت گفتند که ما همه این کار میکردیم آنحضرت
گفت که همه شما بهترید از او روایت از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که رسول
خدا صلی الله علیه و آله بر شتری سوار بود پس ناگاه فرود آمد و
پنج سجده کرد چون سوار شد اصحاب گفتند یا رسول الله دیدیم ترا که کاری
کردی که هرگز نکرده بودی آنحضرت گفت بلی جبرئیل آمد و بشارتها داد از خدا
پس سجده شکر بجای آوردم برای هر بشارتی روایت از اسحق بن عمار که گفت

که بیرون رفتم با ابی عبد الله علیه السلام بسفری و آنحضرت با خود چیزی میگفت
بعد از آن رو بقبله کرد و سجده کرد و در سجده مکث بسیار کرد بعد از آن
دست بر روی خود مالید و سوار شد گفتم بآنحضرت که پدر و مادر من
فدای تو باد کاری کردی که هرگز از تو ندیده بودم آنحضرت گفت ای اسحق
بیاد آمد مرا نعمتی از نعمتهای که خدای تعالی بمن داده است پس دوست داشتم
که خوار گردانم نفس خود را بعد از آن گفت ای اسحق هر بنده که خدای
باو نعمتی بدهد و حق آن نعمت را بداند بدل و آشکارا حمد کند خدای
تعالی زیاده گرداند نعمت او را در دنیا و آخرت گفت حضرت پیغمبر
که وقتی بسفر روید و باز آیید از سفر و نزد اهل خود بیایید باید که هر چه
بیارید از برای ایشان و چیزی نیکو بیارید اگرچه سنگ باشد
و نیز گفت رسول خدا صلعم که وقتی که مانده شوید از راه رفتن باید شد
بروید گفت امام جعفر صادق علیه السلام که مضایقه مکنید در خریدن
چهار چیز قربانی و کفن و بنده و کرایه راه مکه روایت که گفت علی بن الحسین
علیهم السلام وقتی که خواهی بخری چیزی در رفع احتیاج باو می باشد

بخورد ضایقه مکن در بهار روایت از جابر بن عبدالله که گفت که منع کرد رسول خدا
صلی الله علیه و آله که مسافر شب تنها بخود نباید پس از آنکه خبر کند اهل خانه را
و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که سفر پاره ایست از عذاب پس
وقتی که سفر کنید باید که زود باز گردد با اهل خود گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که سفر کردن جست میکند قوت شما را و بد میکند خلق و کهنه
میکند جامه را گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که وقتی که راه را گم کنید
بدست و نیز گفت امام جعفر صادق علیه السلام که بر بالای هر تلی
پس هرگاه به پل برسی بسم الله بگو تا دور شود شیطان از تو روایت
که پرسید شخصی از امام رضا علیه السلام که آیا سوار میتوان شد بر زین
و لجام که در آن نقره باشد حضرت امام گفت اگر آن زین و لجام روانده
باشد میتوان نقره را کندن باکی نیست و اگر تمام نقره باشد نمیتوان
یا میتوان نقره را کندن سوار مشو گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که آنکسی که یاری کند مومنی مسافری را بر دارد خدای تعالی از و هفتاد و سه
اندوه را و پناه دهد خدای تعالی او را در دنیا از غم و اندوه و بر دارد از و

اندوه عظیم

اندوه عظیم را در روزی که در مانده باشند مردمان بنفس خود و از روایت
باشد روایت از یعقوب بن سالم که گفت گفتم با ابی عبدالله علیه السلام
که با من چند درهم هست که در آن سور تمامست و من احرام حج بسته ام
و آن درهمها را همیانی کرده ام و محکم بسته ام در میان خود آیا مضرت
ندارد حضرت امام گفت که باکی نیست آن درهمها نفقه تست و بعد از
لطف خدای تعالی اعتماد تو بر آنست روایت از ابی عبدالله علیه السلام
که وقتی که سفر کنید سفره بر دارید و نیکو کنید و در آن سفره روایت از نضر
خادم که گفت که نظر کرد ابو الحسن موسی بن جعفر علیهم السلام بسفره که بر او
حلقه های از روی بود پس گفت که بکنید این حلقه ها را و بجای آنها حلقه
از آهن بنهید بدرستیکه هرگاه حلقه سفره از آهن باشد نزدیک نمیشود
حشرات زمین آنچه در سفره است روایت از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که گفت که توشه مسافر حدی کردن و خواندن شعر است که در و فحش نباشد
منقولست از کتاب محاسن که روایت کرده است امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت رسول خدا صلعم که بپرهیزید از فرود آمدن در آخر شب در میان راه

و در میان رودخانه به درستی که راه کند درنده و مار است و نیز گفت امام
جعفر صادق علیه السلام که هرگاه مصاحبت کنی با جماعتی مگو با ایشان
که فرود آیند و آنجا فرو میایند به درستی که در میان ایشان کسی خواهد بود
کرده اند که بکجا فرو می باید آمدن و احتیاج بگفتن تو نیست باب
چهاردهم در بیان دعاها و آنچه متعلق باآن و درین باب پنج فصل است
مصنف کتاب میگوید که پیش من چند مجموعه است که جمع کرده است
و دران مجموعها دعاها بسیار خواستم که انتخاب کنم از آن مجموعها باب
مختصری که لایق باشد باین کتاب و جمع باشد دران باب دعاها
نیکو و آنچه متعلق است بدعا پس استخاره کردم بخدای تعالی
در جمع کردن این باب و بتوفیق خدای تعالی بابی انتخاب کردم
که جمع است دران آنچه میخواستم و میخواهم از خدای تعالی که توفیق
دهد که عمل کنم بآنچه درین باب است به درستی که خدای تعالی شنواست
و بفضل و کرم خود اجابت میکند فصل اول در فضیلت دعا و کیفیت
دعا خواندن در بیان روایاتی که واقع شده است در فضیلت دعا

روایت است که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که هیچ چیزی بزرگتر نیست
نزد خدای تعالی از دعا روایت کرده است حسان بن سدیر از پدر خود که گفت
که پرسیدم از امام محمد باقر علیه السلام که کدام عبادت فاضلتر و بهتر است
نزد خدای تعالی آنحضرت گفت که نیست چیزی بهتر نزد خدای از آنکه سوال کند
بنده و طلب کند آنچه را که نزد خدای تعالی است و نیست کسی بدترین نزد
خدای تعالی از کسی که تکبر کند از عبادت او و سوال نکند و طلب نکند آنچه را
که نزد خدای تعالی است روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که
کسی که سوال نکند از خدای تعالی و طلب نکند از فضل و کرم او محتاج شود
و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که دفع میکند بلا را دعا و نیز گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله که دعا سلاح مومن و ستون دین است و نور آسمان
و زمین است و نیز گفت رسول خدا که آیا دلالت کنم شما را که ایمن باشید از
دشمنان و پیوسته گردانند روزی شما را گفتند بلی یا رسول الله آنحضرت گفت
که دعا کنید و طلب حاجت خود کنید از پروردگار خود شب و روز به درستی که
سلاح مومن دعا است روایت است از امام حسین بن علی علیهما السلام که گفت که

رسول خدا صلی الله علیه وآله دستهای خود را بر سینه نهاد و می‌کرد دعا و تضرع
میکرد همچنانکه طلب طعام کند درویشی و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
که عاجزترین مردمان کسی است که عاجز باشد از دعا یعنی دعا نکند و بخیل
ترین مردمان کسی است که بخیلی کند بسلام و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
که هر مسلمانی که دعا کند و نباشد در آن دعا قطع رحم و طلب چیزی که موجب
گناه باشد میدهد خدای تعالی او را بسبب آن دعا یکی از سه خصلت یا آنکه دعا
او را زود مستجاب کند یا آنکه این دعا را ذخیره سازد برای او در آخرت یا آنکه دور گرداند
از و بدی مثل آن دعا روایت از امیر المؤمنین علی علیه السلام که چهار کس اند دعای
کسی ایشان که البته مستجاب میشود دعای نیکی که غائبی کند در حق غائب و مستجاب
نمیشود دعای بیهوده در حق خویش و گفت امیر المؤمنین که بهترین عملها نزد خدا
در زمین دعاست و فاضلترین عبادت پرهیزکاریست روایتست از عبدالله
بن سنان که گفت که دعا رد میکند قضا را بعد از آنکه آن قضا محکم شده باشد
پس بسیار دعا کن بدرستی که دعا کلید هر رحمت و سبب بر آمدن هر
حاجت و نمیرسد بنده بآنچه نزد خدای تعالی است مگر بدعا و هر کس

بسیار بکوبد در گشاده شود آن در برای او روایت کرده است عبدالله
بن میمون القداح که گفت ابی عبدالله علیه السلام که دعا معدن خانه اجابت است
همچنانکه ابر معدن خانه بارانست روایتست از ابی عبدالله علیه السلام
که گفت که هر بنده که بردارد دو دست خود را بسوی خدای تعالی شرم کند خدای تعالی
که خالی و تهی باز گرداند دست او را و باید که بدهد او را از فضل و رحمت خود آنچه
خواهد پس هرگاه دست بردارید و دعا کنید باید که باز نگردانید دست
خود را تا آنکه بمالید بر سر و روی خود روایتست از هشام بن سالم که گفت ابو عبدالله
علیه السلام آیا میدانید که کدام بلا بسیاری باشد و کدام بلا زود برطرف میشود گفتیم
نی آنحضرت گفت که هرگاه ملهم شوید بدعا کردن و بخاطر شما برسد که دعا باید
کرد در وقت که بلا متوجه شما شود پس بدانید که آن بلا زود برطرف میشود و هر که گفت
ابو عبدالله که وحی کرد خدای به داود علیه السلام و گفت که یاد کن مرا در خوشحالی
تا مستجاب گردانم دعای ترا در حالت سختی و نیز گفت ابو عبدالله که کسی که بترسد
از بلائی و پیش از آنکه آن بلا باو برسد دعا کند ننماید خدای تعالی آن بلا را
باو هرگز روایتست از ابی عبدالله علیه السلام و ابی جعفر که گفتند بحق خدای

گرو بنده که الحاح و مبالغه کند در دعا مستجاب گرداند خدای تعالی دعای او را
روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت هر انکس که نکو وضو بسازد و بعد از ان
دو رکعت نماز بگذارد و رکوع و سجود نیکو بجا آورد و بعد از ان سلام دهد و حمد و ثنا
بگوید خدای تعالی را و صلوات بفرستد بر رسول خدا و آل او و بعد از ان
حاجت خود را طلب کند از خدای تعالی پس طلب کرده است چیزی را در
محل خود و هر انکس طلب کند چیزی را در محل خود نا امید نشود روایتست از کتاب
فردوس که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که بلا معلق است میان آسمان و زمین
مثل قندیل پس هرگاه طلب کند بنده از خدای تعالی آن بلا را ازو و گفت
رسول خدا صلی الله علیه و آله که طلب کنید از خدای تعالی هر حاجت که دارید
تا آنکه بند نعلین خود را از خدای تعالی طلب کنید بدرستی که اگر خدای تعالی
چیزی را میسر نگرداند آن چیز میسر نشود و نیز گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که باید
که سوال کنید از پروردگار خود هر حاجتی که دارید تا آنکه بند نعلین شما وقتی که
گسسته شود از خدای تعالی طلب کنید و گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که گردانیده است خدای تعالی روزی مومنان را از جایی که ایشان گمان

نمی برند و این بجهت آنست که هرگاه بنده نمیداند که روزی او از کجاست بسیار
دعا میکند روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که انکس که خواهد
که مستجاب شود دعای او در حالت سختی باید که بسیار دعا کند در حالت
عافیت و خوشحالی روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت دعای پنهانی
برابری میکند بهفتاد دعای آشکارا روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که
خدای تعالی میداند آنچیزی را که بنده میخواهد وقتی که دعا میکند و لیکن خدای
تعالی دوست میدارد که بنده اظهار کند بسوی او حاجتهای خود را روایتست
از ابی عبد الله علیه السلام که گفت خدای تعالی اجابت نمیکند دعای کسی را
که دل او غافل باشد پس هرگاه دعا کنی متوجه بدل خود شو و یقین کن
که دعای تو مستجاب میشود روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که خدای
تعالی اجابت نمیکند دعای کسی که اگر دل او غافل باشد پس هرگاه دعا کنی
متوجه بدل خود شو و یقین کن که دعای تو مستجاب میشود روایتست از ابی
عبد الله علیه السلام که گفت که خدای تعالی کراهت میدارد که مردمان
مبالغه کنند در چیزی طلبیدن از یکدیگر و دوست میدارد که مبالغه کنند

در سوال کردن و بدرستی که خدای دوست میدارد که سوال کنند و طلب
نمایند چیزی که نزد اوست روایتست از امام رضا علیه السلام که گفت
باصحاب خود که بر شما باد که سلاح پیغمبران کدام است آنحضرت گفت که دعا
روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که دعا تیزتر است از سر
نیزه یعنی تاثیر دعا بیشتر است از تاثیر سر نیزه روایتست از حماد بن عیسی
که گفت که شنیدم از امام جعفر صادق علیه السلام که میگفت که دعا رد میکند
قضا را و گشاده میشود قضا بسبب دعا چنانکه گشاده میشود رشته اگرچه
آن محکم شده باشد روایتست از ابی الحسن علیهم السلام که گفت که بر شما باد
که دعا کنید بدرستی که دعا کردن و طلب کردن از خدای تعالی رد کند بلا را
و اگرچه آن بلا مقدر شده باشد و محکم شده باشد نزول آن بلا و موقوف
نباشد نزول آن بلا مگر باجرای آن حکم پس هرگاه دعا کنند و سوال کنند
از خدای تعالی بگرداند خدای تعالی آن بلا را و گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که بر تو باد که دعا کنی بدرستی که در دعا شفاست از هر دردی و نیز گفت امام جعفر
صادق علیه السلام که آنکسی که دعا کند پیش از فرود آمدن بلا مستجاب شود

دعای او در وقت فرود آمدن بلا و فرشتها میگویند که این آواز آشناست
و بسیار شنیده ایم و باز داشته نمیشود آواز او از آسمان و آنکسی که دعا
نکند پیش از فرود آمدن بلا مستجاب نمیشود دعای او در وقت فرود آمدن
بلا و میگویند فرشتها که این آواز نیست که شنیده ایم و گفت امام زین
العابدین علیه السلام که دعا بعد از نزول بلا فایده نمیدهد روایتست از امام
جعفر صادق علیه السلام که گفت که هرگاه دعا کنی متوجه بدل خود چنین بدان
که حاجت تو روا شده است و نیز گفت امام جعفر صادق علیه السلام که هر بنده
مومنی که مبالغه کند در طلب حاجت خود از خدای تعالی بر آورد خدای تعالی
حاجت او را و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که رحمت کند خدای تعالی
بنده را که طلب کند حاجت خود را از خدای تعالی و مبالغه نماید در دعا خواه دعای
او مستجاب شود و خواه نشود و آنحضرت خواند این آیت را که وادعوا
ربی عسی ان لا اکون بدعاء ربی شقیا یعنی میخوانم پروردگار خود را و می پرستم
شاید که نباشم بخواندن و پرستیدن پروردگار خود نا امید و بی بهره
و گفت امیر المومنین صلوات الله و سلامه که بنده که مبتلا باشد به بلائی

و اگر چه آن بلا بزرگ باشد سزاوارتر است بدعا کردن از بنده که دعا دوست
داشته باشد و ایمن باشد از بلا در بیان اوقاتی که امید اجابت دعاست
روایت کرده است زید شحام که گفت ابو عبد الله ع که چهار وقت دعا کنید
وقت وزیدن باد و وقت زوال آفتاب و وقت باران و وقت اول
بزمین رسیدن قطره خون مومنی که بناحق کشته شود بدرستی که درهای
آسمان گشوده میشود درین اوقات روایت است از ابی عبد الله علیه السلام
که گفت که دعا میشود در چهار وقت در نماز وتر و بعد از نماز صبح و ظهر و مغرب

مستجاب

روایت است از امیر المومنین علی علیه السلام که گفت که غنیمت دانید دعا
کردن را در چهار وقت وقت قرآن خواندن و وقت بانگ نماز گفتن و وقت
باریدن باران و وقت رسیدن لشکر اسلام بلشکر کفار برای جهاد
روایت است از ابی جعفر علیه السلام که گفت پدر من هرگاه حاجتی داشت
بخدای تعالی طلب آن حاجت وقت زوال و گفت ابی عبد الله علیه السلام
که گفت هرگاه رقت شود ترا باید که دعا کنید بدرستی که دل رقت پیدا
نمیکند مادام که خالص نشود روایت از معاویة بن عمار که گفت که ابی عبد الله

علیه السلام هرگاه حاجتی داشت طلب حاجت خود میکرد از خدای تعالی
وقت زوال پس هرگاه میخواست که طلب حاجت کند اول چیزی تصدق میکرد
و بوی خوش بکار می برد و بمسجد میرفت و بعد از آن دعا میکرد بجهت حاجت خود
روایت است از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که هرگاه بلرزد و در آید ترا از ترس
خدای تعالی و اشک بریزد چشمهایت پس درین وقت دعا کن روایت کرده است
ابی الصباح از ابی جعفر علیه السلام که گفت که خدای تعالی دوست میدارد از بندگان
مومن آن بنده مومن را که بسیار دعا کننده باشد پس دعا کنید در سحر تا برآمدن
آفتاب بدرستی که درین وقت درهای آسمان گشوده میشود و قسمت کرده میشود
روزی بندگان و برآورده میشود حاجتهای بزرگ روایت است از عمر بن اذینه که گفت که
شنیدم از ابی عبد الله علیه السلام که میگفت که در هر شب ساعتی است که اگر
دریابد بنده مسلمان آن ساعت را و نماز گزارد و دعا کند در آن ساعت مستجاب
میکرداند خدای تعالی آنرا پرسیدم که آن ساعت کدام است آنحضرت گفت
سدس اول از نصف آخر شب روایت کرده است از ابی اسحق که گفت
ابی عبد الله علیه السلام که هرگاه دعا کنید بجهت طلب چیزی از خدای تعالی

باید که کف دست خود را بجانب آسمان کند و هرگاه دعا کنید بجهت ترس
باید پشت دست خود را بجانب آسمان کند و گفت ابو عبد الله علیه السلام
که مراد از تبتل که در قول خدای تعالی واقع است و تبتل الیه تبتیلا انگشت گردانیدن در دعا
و با انگشت اشارت باید و معنی قول خدای و تبتل آنست که ببرید خود را از خلق و توجه
کن بسوی خدای تعالی بعبادت رسیدن کامل و هرگاه دعا کنید از روی تضرع
و زاری باید که اشارت کنید بانگشت خود و حرکت دهید انگشت را و دعا از
روی ابتهال آنست که هر دو دست خود را بردارید و بکشید و ابتهال زاری
کردن است با گریه روایت است که ابی عبد الله گفت که هر دو دست خود را بجانب آسمان
کرد و گفت که دعای که بجهت طلب چیزی باشد از خدای تعالی باین کیفیت می باید
و پشت دست خود را بجانب آسمان کن و گفت که دعای که بجهت ترس باشد
چنین می باید کرد و حرکت بجانب خود را انگشت خود است و بجانب
چپ و گفت دعای که از روی تضرع باشد اینچنین باید برد انگشت سبابه
خود را یکبار فرود آورد و یکبار دیگر و گفت دعای که از روی تبتل باشد چنین
می باید دو دست خود را برداشت برابر روی خود بسوی قبله و گفت که دعا از

بجانب

روی ابتهال

روی ابتهال باشد باین کیفیت می باید روایت است از عیرون بن خارجه که گفت که پرسیدم
ابی عبد الله علیه السلام از کیفیت دعا خواندن و دست برداشتن در دعا
دعا گفت که بر چهار وجه می باشد اگر دعا بجهت پناه جستن است گفت
که کف دست خود را بسوی قبله کن و اگر بجهت طلب رزق است بگشا هر دو دست خود را
و کف هر دو دست خود را بجانب آسمان کن و اگر تبتل است اشارت کن
بانگشت شهادت خود و اگر ابتهال است بردار هر دو دست خود را بلند تر از
از سر خود و همچنین کن در دعای تضرع **فواید** چیزهای که پیش از دعا بجا
بجای می باید آورد روایت است که گفت ابن مغیره که شنیدم از ابی عبد الله
علیه السلام که میگفت که هرگاه خواهید که سوال کنید از خدای تعالی حاجتی از حاجتها
دنیا و آخرت باید که ابتدا کنید بمدح و ثنای خدای تعالی و صلوات بر پیغمبر
و آل او و بعد از آن طلب حاجت خود کنید روایت کرده است محمد بن مسلم
از ابی عبد الله علیه السلام که گفت در کتاب امیر المومنین علی علیه السلام
واقع است که گفت که اول مدح خدای تعالی باید گفت و بعد از آن طلب
می باید کرد از خدای تعالی حاجت خود را پس وقتی که خواهی که دعا کنی طلب

کنی از خدای تعالی حاجت خود را تمجید کن خدای تعالی را یعنی بزرگی یاد کن و
بعد ازان دعا کن گفت محمد بن مسلم که پرسیدم که چگونه تمجید کنم ابو عبد الله
گفت که بگو یا من هو اقرب الی من حبل الورید یا من یحول بین المرء و قلبه یا
من هو بالمنظر الاعلی یا من لیس کمثله شیء روایت کرده است عثمان بن مغیره
از ابی عبد الله علیه السلام که گفت هرگاه خواهی که دعا کنی تمجید کن خدای تعالی
را و حمد و تسبیح و تهلیل و ثنا بگو خدای تعالی را و صلوات بفرست بر نبی و آل او
و بعد ازان طلب کن حاجت خود را تا خدای تعالی بر آورد روایت است از ابی عبد الله
علیه السلام که گفت که در وقتی که طلب حاجت کنند که هرگاه کسی طلب حاجت کند
باید که مدح و ثنا بگوید خدای تعالی را و بعد ازان طلب حاجت کند بدرستی
که هرگاه طلب حاجت کند از سلطانی آنقدر که میتواند سخنان میگوید که او را
خوش آید پس هرگاه خواهید که طلب حاجت کنید از خدای تعالی
تمجید کنید خدای تعالی را و مدح و ثنا گویید باین طریق که یا اجود من اعطی
یا خیر من سئل یا ارحم من استرحم یا واحد یا احد یا صمد یا من لم یلد و لم یولد
و لم یکن له کفوا احد یا من لم یتخذ صاحبة و لا ولدا یا من یفعل ما یشاء و یحکم

ما یرید و یقضی ما احب یا من یحول بین المرء و قلبه یا من هو بالمنظر الاعلی
یا من لیس کمثله شیء و هو السمیع العلیم و بسیار از نامهای خدای تعالی بگوید
بدرستی که نامهای حضرت حق تعالی بسیار است و صلوات بفرستد بر محمد
و آل او علیهم السلام و بگوید اللهم اوسع علی من رزقک الحلال ما اکف به وجهی
و اودی به عنی امانتی و اصل به رحمی و یکون عونا لی علی الحج و العمرة روایت
ابو عبد الله علیه السلام که مردی آمد به مسجد و دو رکعت نماز گزارد و بعد ازان طلب
کرد از خدای تعالی حاجت خود را پس گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که تعجیل
و شتاب کرد این بنده در طلب حاجت از پروردگار و مردی دیگر
آمد به مسجد و دو رکعت نماز گزارد و بعد ازان مدح و ثنای خدای تعالی
بجای آورد و صلوات فرستاد بر نبی و آل او علیهم السلام پس گفت
حضرت صلی الله علیه و آله با آن مرد که طلب کن حاجت خود را که خدای تعالی
بتو میدهد آنچه میخواهی روایت کرده است حرث بن ابی منصور از ابی
خالد که گفت ابی عبد الله علیه السلام که هرگاه چهل کس جمع شوند و دعا کنند
مستجاب کند خدای تعالی دعای ایشان را و اگر چهل کس نباشند چهار کس

ده بار دعا کنند مستجاب میشود دعای ایشان و اگر چهار کس هم نباشند
یک کس چهل بار دعا کند مستجاب گرداند حضرت حق سبحانه و تعالی
دعای او را روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که پدر من هرگاه که
چیزی حزین و اندوهگین میشد جمع میکرد اهل و عیال خود را و بعد از آن
دعا میکرد و ایشان آمین میگفتند روایتست از ابی عبد الله علیه السلام
که گفت که کسی دعا کند و کسی که آمین میگوید شریکند در دعا روایت کرده است
هشام بن سالم از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که دعا مستجاب نمیشود
تا آنکه صلوات نفرستد آن دعا میگردد بر بالای سر او و بالا نمیرود
پس وقتی که صلوات بفرستد بر پیغمبر صلی الله علیه و آله السلام آن دعا بالا میرود
روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که مردی آمد نزد حضرت پیغمبر صلعم
و گفت یا رسول الله [illegible] ثلث دعای خود را بلکه نصف دعای خود را
بلکه تمام دعای خود را برای تو حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله
فرمود که آن هنگام برآورده میشود حاجات دنیا و آخرت تو ابی بصیر
و ابی الحکم گفته‌اند که پرسیدیم از ابی عبد الله علیه السلام که چه معنی دارد

معنی آنکه گفت بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که میگردانم تمام دعای
خود را برای تو حضرت امام علیه السلام گفت که این معنی دارد که پیش از طلب
هر حاجتی صلوات میفرستم بر تو روایتست از ابی عبد الله که گفت رسول
خدا صلی الله علیه و آله که مگردانید مرا مثل قدحی که راکب همراه خود میدارد
پیوسته که هرگاه میخواهد پر آب میکند و هرگاه نمیخواهد فراموش میکند
و ذکر کنید مرا در اول و آخر و میان دعا روایتست از ابی عبد الله علیه السلام
که گفت که کسی را بخدای تعالی حاجت باشد باید که ابتدا کند بصلوات
بر محمد و آل او علیهم السلام و بعد از طلب حاجت خود کند و ختم کند بصلوات
بر محمد و آل او که کریمترست از آنکه قبول کند هر دو طرف را و قبول نکند میان را
جهت آنکه میان صلوات بر نبی و آل او و میان خدای تعالی هیچ حجاب
نمیشود و چون هیچ حجاب نشود قبول میکند خدای تعالی آنرا و اگر
قبول کرد هر دو طرف را دعا را نیز قبول میکند روایتست از ابی عبد الله
علیه السلام که گفت رسول خدا صلعم که هر قومی که جمع شوند در مجلسی و ذکر خدای
تعالی نکنند و صلوات نفرستند بر پیغمبر و آل او علیهم السلام و آن

مجلس حضرت و وبال میشود بر ایشان حدیث اگر کسی مستجاب میشود دعای او
روایتست از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که دعای پنج طایفه مستجاب میشود
دعای حاجی و دعای کسی که جهاد کند در راه خدا و دعای مریض پس تعرض
میکنید باو و دلتنگ مسازید او را و مرنجانید روایتست از ابی عبدالله علیه السلام
که گفت پدرم علیه السلام که دعای پنج کس مستجاب میشود دعای پادشاه
عادل و دعای مظلوم خدای تعالی بمظلوم میگوید که داد ترا ای ستانم
از ظالم اگر چه بعد از مدتی باشد و دعای فرزند صالح برای پدر خود
و دعای پدر صالح برای فرزند خود و دعای مومن برای برادر مومن
غایبانه و میگوید فرشته که موکل است بآن بنده که دعا میکند برادر مومن
که مر تراست مثل آن یعنی این دعا در حق تو نیز مستجابست روایتست
از کتاب فردوس که گفت حضرت پیغمبر صلعم که دعای سه طایفه مستجابست
و هیچ شک نیست در آن دعای پدر برای فرزند و دعای مظلوم
در حق ظالم و دعای مسافر و نیز گفت حضرت پیغمبر صلعم که کسب حلال کن
تا دعای تو مستجاب شود بدرستیکه مردی که یک لقمه حرام بخورد مستجاب

نشود

نمیشود دعای او تا چهل روز و شب روایت کرده فضل بن یسار از ابی جعفر
علیه السلام که نزدیکترین دعاها باجابت دعای مومن است برای برادر
مومن غایبانه روایت کرده است ابن سنان که گفت ابی عبدالله
علیه السلام که دعای مومن برای برادر مومن غایبانه پیوسته میسازد
روزی را و دفع میکند مکروه را روایتست از یحیی بن معاذ که گفت ابی جعفر
علیه السلام بمن که وقتی که حاجتی داشته باشی این دعا بخوان که اللهم
انت ولی نعمتی و انت القادر علی طلبتی و تعلم حاجتی فاسئلک بحق
محمد و آل محمد لما قضیتها لی من ضامنم که خدای تعالی حاجت او برآورد
روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که دعا کردن برای برادر مومن
غایبانه زیاده میکند روزی را و میگرداند بلا را و میگوید حضرت حق سبحانه
و تعالی بدعا کننده که تراست مثل اینت روایتست از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت حذر کنید از دعای مظلوم چه میرود بآسمان روایتست از امام
جعفر صادق علیه السلام که گفت که کسی که پیش از دعا چهل مومن را یاد کند
و نام یک یک را بگوید و برای ایشان دعا کند و بعد از آن دعا کند دعای

اللهم انت ولی نعمتی و انت القادر علی طلبتی و تعلم
حاجتی فاسئلک بحق محمد و آل محمد لما
قضیتها لی

او مستجاب میشود روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که هر کسی که
دعا کند برای برادر مؤمن غایبانه موکل سازد خدای تعالی بر دعا کننده
فرشته که بگوید که ترا دو برابر آنست که گفت مردی از اصحاب ابی عبدالله
که گفتم بابی عبدالله علیه السلام که روایت است در کتاب خدا یکی دلالت
میکند برانکه هرگاه دعا کنند مستجاب میشود و روایت دیگر دلالت میکند
برانکه که هرگاه چیزی نفقه کنند در راه خدای تعالی عوض میدهد حضرت امام
گفت که روایت کدام است گفتم یکی اینست که ادعونی استجب لکم یعنی بخوانید
مرا تا اجابت کنم دعای شما و من هر چند دعا کنم مستجاب نمیشود و آنحضرت
گفت که گمان بری که خدای تعالی وعده خود را خلاف میکند گفتم نه گفت
پس آنحضرت چرا دعای تو مستجاب نمیشود گفتم نمیدانم آنحضرت گفت که خبر دهم
ترا بانکسی که اطاعت کند و فرمان برداری خدای تعالی نماید بانچه امر کرده است
پس دعا کند بطریقی که دعا باید کرد مستجاب میگرداند حق تعالی دعای او را
گفتم طریق دعا کدام است گفت آنست که اول حمد و ثنا بگوید خدای تعالی
را و تمجید کنی و بزرگی یاد کنی حق تعالی را و ذکر کنی نعمتها را که بتو داده است

پس شکر آن نعمتها بجا آوری و صلوات بفرستی بر نبی و آل او و بعد از آن
ذکر کنی گناهان خود را و معترف شوی بگناه کاری خود و بعد از آن استغفار
کنی از گناهان و بعد از آنحضرت امام گفت که آیت دیگر کدام است گفتم آنست
که وما انفقتم من شیء فهو یخلفه یعنی آنچه نفقه میکنید از چیزی که شما راست در راه
خدا پس خدای تعالی عوض میدهد و من هر چند نفقه میکنم عوض نمی یابم آنحضرت
گفت که گمان تو اینست که خدای تعالی خلاف میکند گفتم نه گفت از چه سبب است
که نفقه میکنی و عوض نمی یابی گفت نمیدانم گفت اگر شما کسب مال کنید از وجه
حلال و صرف کنید در محل خود هر درمی که صرف کنید خدای تعالی عوض میدهد
روایت از سلمان فارسی رضی الله عنه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود که
شرم میدارد خدای تعالی که ناامید سازد بنده را اگر دراز کرده باشد
دستهای خود را بدعا و دستهای او را تهی باز گرداند **فصل دوم** در
بیان دعاهای برگزیده که تعلق بروز و شب دارد در بیان دعای که مخصوص است
بوقت صباح و شام روایت کرده است عبد الکریم بن عیینه از امام جعفر
صادق علیه السلام که گفت که هر کسی که ده بار بگوید لا اله وحده تا آنجا علی کل شی

وعده

پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از فرو رفتن آفتاب روایت کرده است
حفص بن البختری که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت نوح علیه السلام
در وقت صباح ده نوبت میگفت و در وقت شام ده نوبت اللهم انی
اشهدک انه ما اصبح و امسی بی من نعمة و عافیة فی دینی و دنیای فمنک
وحدک لا شریک لک لک الحمد و لک الشکر بها علی حتی ترضی و بعد الرضا و جهت
خواندن این دعا در هر صباح و شام حضرت حق سبحانه و تعالی حضرت نوح را
عبدا شکورا نامیده ایضا از مسمع بن عبد الملک کردین که گفت که نماز
صباح با ابی عبد الله علیه السلام نماز گزاردم هرگاه آنحضرت فارغ می شد
از نماز دست بر میداشت بسوی آسمان و میگفت اصبحنا و اصبح الملک
لله اللهم انا عبیدک و ابناء عبیدک اللهم احفظنا من حیث نحتفظ و من حیث
لا نحتفظ اللهم احرسنا من حیث نحترس و من حیث
لا نحترس اللهم استرنا من حیث نستتر و من حیث لا نستتر اللهم استرنا بالغنی
والعافیة اللهم ارزقنا العافیة و ارزقنا الشکر علی العافیة ایضا دعای که
می باید خواند در صباح وقتی که خوف و ترس باشد روایت که گفت ابی حمزه

سهل بن یعقوب که لقب او ابی نواس است که گفتم با ابی الحسن علیه السلام
بن محمد العسکری که ای سید و پیشوای من خبر داده است بمن
حسن بن عبد الله بن مطهر که روایت کرده است از سلیمان الدیلمی از پدر خود
که امام جعفر صادق علیه السلام گفت که در هر ماه کدام روزها سعد است
و کدام روزها نحس است و من میخواهم که عرض کنم تو را که حفظ کنی که آنچه بمن
رسیده است درین باب حضرت امام گفت که عرض کن چون عرض
کردم با آنحضرت و صحیح کردم گفت آنحضرت که ای سید و پیشوای من در
روزها موافق از شرور و مقاصد نیست بیشتر روزها نحس است
و در آن روزها خوفها هست و گاه هست که ضرورت میشود که توجه کنم بطلب
حاجت در آن روزهای نحس میخواهم که تعلیم کنی مرا چیزی که اگر در روزهای نحس
متوجه حاجت شوم ضرری بمن نرسد پس آنحضرت گفت بمن که ای سهل شیعیان
ما دوستان ما نگاه میدارد از جمیع بلاها که بروند بدوستی ما در میان دریاها
عمیق و صحراهای دور و بیابان میان درندها و گرگهای و دشمنان از دیو و آدم
هر آینه ایمن باشند از شر ایشان بدرستی که با ولی اعتماد کن بر خدای تعالی

وزر ودی اخلاص واعتقاد درست دارد به معصومین از اهل بیت طیبین
علیهم السلام و توبه کن بجا که خواهی و هر کار بخواهی بکن و گفت ای سهل در
صباح سه نوبت بگو اصبحت اللهم معتصما بذمامک المنیع الذی لا یطاول
ولا یحاول من شر کل غاشم وطارق من سایر من خلقت وما خلقت
من خلقک الصامت والناطق فی جنة من کل مخوف بلباس سابغة
ولاء اهل بیت نبیک محتجبا من کل قاصد لی اذیة بجدار حصین الاخلاص
فی الاعتراف بحقهم والتمسک بحبلهم مستوقنا ان الحق لهم ومعهم وفیهم وبهم
اوالی من والوا واجانب من جانبوا فصل علی محمد
وآل محمد فاعذنی اللهم بهم من شر کل ما اتقیه یا عظیم حجزت الاعادی
عنی ببدیع السموات والارض انا جعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا
فاغشیناهم فهم لا یبصرون و در شام سه نوبت این دعا را بخوان
و بجای اصبحت امسیت بگو به درستی که چون چنین کنی ایمن شوی از انچه
می ترسی پس هر گاه خواهی توجه کنی بکاری در روز نحس که خوف و ترس
داشته باشی از نحوست این روز پیش از توجه بان کار فاتحه و قل اعوذ

نحس

برب الفلق

برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی و انا انزلناه
و پنج آیت از آخر سوره آل عمران بخوان و این آیتها اینست لا یغرنک
تقلب الذین کفروا فی البلاد متاع قلیل ثم مأویهم جهنم وبئس المهاد لکن
الذین اتقوا ربهم لهم جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها نزلا من عند الله
وما عند الله خیر للابرار وان من اهل الکتاب لمن یؤمن بالله وما انزل الیکم
وما انزل الیهم خاشعین لله لا یشترون بآیات الله ثمنا قلیلا اولئک لهم
اجرهم عند ربهم ان الله سریع الحساب یا ایها الذین آمنوا اصبروا وصابروا
ورابطوا واتقوا الله لعلکم تفلحون و بعد از ان بگو اللهم بک یصول الصائل
وبقدرتک یطول الطائل ولا حول ولا قوة الا بالله لکل ذی حول الا بک ولا قوة
یمتازها ذو قوة الا منک بصفوتک من خلقک وخیرتک من بریتک محمد
نبیک وعترته وسلالته علیه وعلیهم السلام افضل علیهم واکفنی شر هذا الیوم
وضره وارزقنی خیره ویمنه واقض لی متصرفاتی بحسن العافیة وبلوغ المحبة
والظفر بالامنیة وکفایة الطاغیة المغویة وکل ذی قدرة لی علی اذیة
حتی اکون فی جنة وعصمة من کل بلاء ونقمة وابدلنی من المخاوف فیه

آمنا و من العوائق فیه یسر و ختم لا یصف فی عبادی من اراد و لا یکل الی طارق
من اذی العباد انک علی کل شیء قدیر و دو کلمات اینست اجیر نفسی و مالی
و ولدی و کل ما هو منی بالله الواحد الصمد الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد
و اجیر نفسی و مالی و ولدی و کل ما هو منی برب الفلق من شر ما خلق و من شر غاسق
اذا وقب و من شر النفاثات فی العقد و من شر حاسد اذا حسد و برب الناس
ملک الناس اله الناس من شر الوسواس الخناس الذی یوسوس فی صدور الناس
من الجنة و الناس و بالله الذی لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه سنة
و لا نوم له ما فی السموات و ما فی الارض من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه یعلم ما بین
ایدیهم و ما خلفهم و لا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء وسع کرسیه السموات و الارض
و لا یؤده حفظهما و هو العلی العظیم و منقولست از مسموعات سید تاج الدین
ابی البرکات که گفت امیر المومنین علی علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرمود که یا علی در عقب هر نماز فریضه آیة الکرسی بخوان بدرستی که این کار
نمیکند مگر پیغمبری یا صدیقی یا شهیدی دعای دیگر گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که کمترین دعائی که اکتفا توان کرد بآن بعد از نماز فریضه اینست

اللهم

اللهم صل علی محمد و آل محمد اللهم انا نسألک من کل خیر احاط به علمک و نعوذ بک
من کل شر احاط به علمک اللهم انا نسألک عافیتک فی اموری کلها و نعوذ بک
من خزی الدنیا و عذاب الآخرة دعای دیگر گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که جبرئیل فرود آمد به یوسف در وقتی که یوسف پیغامبر در زندان بود و گفت ای
یوسف بگو در عقب هر نماز فریضه اللهم اجعل لی فرجا و مخرجا و ارزقنی من
حیث احتسب و من حیث لا احتسب دعای دیگر که ابو جعفر علیه السلام
در عقب هر نماز میگفت اللهم اهدنی من عندک و افض علی من فضلک و انشر
و نیز میگفت الحمد لله عدد ما خلق الله و الحمد لله عدد کلماته و الحمد لله زنة عرشه و الحمد لله
رضا نفسه لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات
السبع و رب الارضین و ما بینهما و رب العرش العظیم اللهم انی اعوذ بک من
درک الشقاء و اعوذ بک من شماتة الاعداء و اعوذ بک من الفقر و الوقر و اعوذ بک
من سوء المنظر فی الاهل و المال و الولد و ده نوبت صلوات بفرستاد بر نبی
و آل او علیهم السلام باب دعاهای که می باید خواند در عقب نمازهای فریضه
در اخبار آمده است که هر کسی که تسبیح زهرا بگوید در عقب نماز فریضه پیش از آنکه

برگرداند بر پای خود، یعنی بیان کیفیت کند وقت نشستن بوده باشد
آمرزیده شود گناهان او و گفت امیرالمؤمنین بمردی از بنی سعد که آیا خبر دهم
ترا از حال خود و فاطمه علیها السلام آمرد گفت بلی آنحضرت گفت که فاطمه
آب میکشید بمشک تا آنکه اثر کرده بود تسمه مشک در سینه مبارک او و آرد
دست آس تا آنکه آبله کرده بود دستهای مبارک و جاروب میکرد خانه را
تا آنکه غبارآلوده شده بود جامههای مبارک او و آتش میکرد در زیر دیک
تا آنکه بوی دود میکرد جامههای مبارک او و بسبب این کارها تشویش
بسیاری بفاطمه علیها السلام رسید گفتم باو که اگر بروی نزد پدر خود و
طلب کنی از و خدمتکاری خلاص شوی ازین تشویشات فاطمه رفت نزد
آنحضرت [illegible] وقتی که نزد آنحضرت بزرگی بود شرم کرد و هیچ نگفت و برگشت
آنحضرت دانست که فاطمه بجهت حاجتی نزد او آمده بود پس آنحضرت روزی
بخانه ما آمد و ما در زیر جامه خواب خسبیده بودیم آنحضرت گفت السلام علیکم
جواب نگفتیم و شرم کردیم بجهت آنکه در زیر جامه خواب بودیم باز
آنحضرت گفت السلام علیکم ما جواب نگفتیم باز آنحضرت گفت السلام

علیکم ما جواب نگفتیم پس ترسیدیم که اگر جواب سلام نگوییم آنحضرت باز
گردد زیرا که عادت آنحضرت چنین بود که بجایی که میرفت سه بار سلام
میکرد اگر جواب میدادند درون میرفت و اگر جواب نمیدادند
درون نمیرفت باز میگشت پس گفتم علیک السلام یا رسول الله درآی
آنحضرت درآمد و بر سر بالین ما نشست و گفت ای فاطمه حاجت تو چه بود
دیروز نزد ما آمدی ترسیدم که اگر فاطمه جواب ندهد آنحضرت برخیزد و برود
پس سر خود را بیرون کردم از جامه خواب و گفتم بحق خدا که خبر دهم ترا یا
رسول الله از حاجت فاطمه بدرستی که فاطمه آب کشید بمشک تا آنکه تسمه
مشک اثر کرد در سینه او و آرد کرد بدست آس تا آنکه دست او آبله
کرد و جاروب کرد خانه خود را تا آنکه جامههای او غبارآلوده شد و آتش
کرد در زیر دیک تا آنکه جامههای او بوی دود گرفت پس گفتم باو که اگر بروی
نزد پدر خود و از آنحضرت خدمتکاری طلب کنی خلاص میشوی ازین
ازین تشویشات آنحضرت گفت که بیاموزم شما را چیزی که بهتر باشد
شما را از خدمتکار هرگاه خواهید که بخواب بکنید سی و چهار نوبت الله اکبر

وسی و سه نوبت الحمد لله و سی و سه نوبت سبحان الله بگوید پس فاطمه
سر خود را بیرون آورد و سه نوبت گفت که راضی و خشنود شدم از خدا
و رسول خدا از مسموعات سید ناصح الدین ابی البرکات
مشهدی که گفت ابو خالد قماط که شنیدم از امام جعفر صادق علیه السلام
که میگفت که تسبیح زهرا در عقب هر نماز فریضه دوست تر است نزد من از هزار
رکعت نافله در هر روز و گفت امام جعفر صادق که هر کس تسبیح فاطمه
زهرا در عقب هر نماز فریضه بگوید پیش از آنکه برگرداند پای خود را آمرزیده شود
و گفت امام موسی کاظم علیه السلام که مومن می باید که خالی نباشد از
پنج چیز مسواک و شانه و سجاده و تسبیح سی و چهار دانه و انگشتری عقیق
و گفت ابراهیم بن محمد الثقفی که رشته که تسبیح میگفت فاطمه زهرا علیها السلام
از پشم بود که تافته بود و از سی و چهار گره زده بود و بعده تکبیرات میگردانید
آن را بدست خود و تکبیر و تسبیح میگفت تا آنکه سید شهدا حمزه بن عبد المطلب
شهید شد پس حضرت فاطمه از تربت حمزه تسبیح ساخت و مردمان
نیز چنین کردند چون حضرت امام حسین علیه السلام شهید شد مردمان

تربت حمزه را که گذاشتند و از تربت امام حسین علیه السلام تسبیح ساختند
جهت فضیلت تربت امام حسین و گفته که روایت حسن بن محبوب
که پرسیده از ابی عبد الله علیه السلام که تسبیح تربت حمزه فاضل تر
و بهتر است یا تربت امام حسین علیه السلام آنحضرت گفت که تسبیحی که از تربت
امام حسین باشد تسبیح میگوید در دست کسی یا آنکه آنکس تسبیح گوید یا نه
که چون تحقیق هر گاه می جنبد از آسمان بر زمین می آید بجهت کاری میگویند
بآن فرشته را که تسبیح تربت امام حسین علیه السلام برای ما بهدیه بیار
و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که اگر کسی بخواهد که بیرون رود از دنیا
و پاک باشد از گناهان مانند طلای که در وی هیچ غش نباشد و هر کس از طلب
مظلمه و وبال نکند باید که در عقب فرایض یومیه دوازده نوبت قل هو الله احد
بخواند و بعد از آن دست خود را بردارد و بگوید اللهم انی اسئلک باسمک المکنون
المخزون الطاهر المطهر المبارک و اسئلک باسمک العظیم و سلطانک
القدیم یا واهب العطایا و یا مطلق الاساری و یا فکاک الرقاب من النار
اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تعتق رقبتی من النار و تخرجنی

من الدنیا آمنا و تدخلنی الجنة سالما و ان تقبل دعائی اوله فلاحا و اوسطه
نجاحا و آخره صلاحا انک انت علام الغیوب و گفت امیر المومنین
علی علیه السلام که این دعا گوهریست از بیت الاسرار که تعلیم کرده است
رسول صلی الله علیه و آله بمن فرموده است که تعلیم کن با امام حسن و امام حسین
علیهما السلام دعای دیگر منقول از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم است
که هر که در عقب هر نماز فریضه بخواند محفوظ شود نفس و همراه و مال
فرزند او و دعا اینست اللهم اغفر لی ما قدمت و ما اخرت و ما اسررت و ما
اعلنت و ما اسرفت علی نفسی و ما انت اعلم به منی اللهم انت المقدم
و انت المؤخر لا اله الا انت بعلمک الغیب و قدرتک علی الخلق اجمعین
ما علمت الحیوة خیرا لی فاحینی و توفنی اذا علمت الوفاة خیرا لی اللهم
انی اسئلک خشیتک فی السر و العلانیة و کلمة الحق فی الغضب و الرضا
و القصد فی الفقر و الغنا و اسئلک نعیما لا ینفد و قرة العین لا ینقطع و الرضا
بالقضاء و برد العیش بعد الموت و لذة النظر الی وجهک و شوقا الی
لقائک من غیر ضراء مضرة و لا فتنة مضلة اللهم زینا بزینة الایمان

و اجعلنا هداة مهتدین اللهم اهدنا فیمن هدیت اللهم انی اسئلک عزیمة الرشد
و الثبات فی الامور و الرشد و اسئلک شکر نعمتک و حسن عافیتک
و اداء حقک و اسئلک یا رب قلبا سلیما و لسانا صادقا و استغفرک
لما تعلم و اسئلک خیر ما تعلم و اعوذ بک من شر ما تعلم فانک تعلم و لا نعلم و انت
علام الغیوب دعای دیگر گفت امام جعفر صادق علیه السلام که هر که
بگوید این کلمات را عقب نماز فریضه محفوظ شود نفس و خانه و مال
قدیر الامور الیک تصیر یا من لیس کمثله شیء و هو السمیع البصیر و عیال
دعای که می باید خواند در هر صباح و شام روایتست که امام جعفر صادق
علیه السلام در هر صباح میگفت بسم الله و بالله و الی الله و من الله و فی الله
و فی سبیل الله و علی ملة رسول الله اللهم الیک اسلمت نفسی و الیک
فوضت امری و الیک وجهت وجهی و علیک توکلت یا رب العالمین
اللهم احفظنی بحفظ الایمان من بین یدی و من خلفی و عن یمینی و عن شمالی
و من فوقی و من تحتی لا اله الا انت لا قوة الا بالله اسئلک العفو
و العافیة من کل سوء فی الدنیا و الآخرة اللهم انی اعوذ بک من

عذاب القبر ومن ضیق القبر ومن ضغطة واعوذ بک من سطوات اللیل
والنهار اللهم رب الشهر الحرام ورب البیت الحرام ورب البلد الحرام
ورب الحل والحرام ابلغ محمد وآله عنی السلام اللهم انی اعوذ بدرعک
الحصینة واعوذ بجمعک ان تمیتنی غرقا او حرقا او شرقا او قودا او
صبرا او مسما او تردیا فی بئر او اکیل السبع او موت الفجاءة او بشیء من میتة
السوء لکن امتنی علی فراشی فی طاعتک وطاعة رسولک صلواتک علیه وآله
مصیبا للحق غیر مخطئ او فی الصف الذی نعت اهله فی کتابک کانهم بنیان
مرصوص مصیبا للحق غیر مخطئ اعیذ نفسی ودینی واهلی ومالی وولدی
وما رزقنی ربی الله الواحد الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له
کفوا احد اعیذ نفسی واهلی ومالی وولدی وما رزقنی ربی برب الفلق
من شر ما خلق ومن شر غاسق اذا وقب ومن شر النفاثات فی العقد
ومن شر حاسد اذا حسد اعیذ نفسی واهلی ومالی وولدی وما رزقنی
ربی برب الناس ملک الناس اله الناس من شر الوسواس الخناس
الذی یوسوس فی صدور الناس من الجنة والناس من فضلک و[illegible]

علی من

علی من جنبک وانزل علی من برکاتک دعای دیگر گفت حلقام ابن
ابی حلقام که آمدم نزد موسی علیه السلام و گفتم فدایت شوم بیاموز مرا دعای مختصری
که فایده دهد مرا در دنیا و آخرت آنحضرت گفت در عقب هر نماز صبح تا بر آمدن
آفتاب بگو سبحان الله العظیم وبحمده واستغفر الله واسئله من فضله گفت
حلقام که من درویش‌ترین اهل بیت خود بودم چون مداومت نمودم باین
دعا آوردند برای من میراث مردی که گمان نمی‌بردم که میان من و او
خویشاوندی بوده باشد و امروز من مالدارترم از اهل بیت خود و نیست
این مگر بجهت آن خبری که آموخته است بمن مولای من امام موسی کاظم علیه السلام
دعای دیگر بخوان در عقب نماز فریضه این دعا را اللهم انی اسئلک ان تصلی
علی محمد وآل محمد واسئلک من خیر ما ارجو ومن خیر ما لا ارجو واعوذ بک
من شر ما احذر و فاتحه و آیة الکرسی بخوان و این آیت را بخوان که شهد الله
انه لا اله الا هو والملائکة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم ان
الدین عند الله الاسلام وما اختلف الذین اوتوا الکتاب الا من بعد
ما جاءهم العلم بغیا بینهم ومن یکفر بآیات الله فان الله سریع الحساب و آیه

سجده را بخوان و بعد سجده اینست ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض
فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا
والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارک الله
رب العالمین ادعوا ربکم تضرعا وخفیة انه لا یحب المعتدین ولا تفسدوا
فی الارض بعد اصلاحها وادعوه خوفا وطمعا ان رحمت الله قریب من
المحسنین و سه بار بگو سبحان ربک رب العزة عما یصفون و سلام علی
المرسلین والحمد لله رب العالمین و سه بار بگو اللهم صل علی محمد و آل محمد
واجعل لی من امری فرجا و مخرجا وارزقنی من حیث احتسب و من
حیث لا احتسب یا رب محمد و آل محمد صل علی محمد و آل محمد و عجل فرج آل محمد
واعتق رقبتی من النار و نیز روایتست هر که این دعا را بخواند در عقب
هر نماز فریضه و مداومت نماید باین دعا آنقدر زنده کانی کند که ملول
شود از زندگی دعا اینست اللهم صل علی محمد و آل محمد اللهم ان رسولک
الصادق المصدق صلواتک علیه و آله قال انک قلت ما ترددت
فی شیء انا فاعله کترددی فی قبض روح عبدی المومن یکره الموت

واکره مسائه اللهم فصل علی محمد و آل محمد و عجل لاولیائک الفرج والنصر
والعافیة ولا تسوءنی فی نفسی ولا فلانا یعنی نام هر کسی را که خواهد بگوید
روایتست که محاسن خود را بگیرد بدست راست و
جانب خود را دراز کند بر وجهی که کف دست او بسوی آسمان باشد
و سه نوبت بگوید یا ذا الجلال والاکرام و صل علی محمد و آل محمد واجرنی
من النار بعد از آن دست راست را برداشته و کف دست را
بجانب آسمان کند و سه بار بگوید یا عزیز یا کریم یا غفور یا رحیم و بعد از آن
پشت هر دو دست بسوی آسمان کند و سه بار بگوید صل علی محمد و آل
محمد واجرنا من العذاب الالیم و بعد از آن فرود آورد هر دو دست را
و بگوید صل علی محمد و آل محمد و فقهنی فی الدین و حببنی الی المسلمین
واجعل لی لسان صدق فی الآخرین وارزقنی جنة للمتقین یا الله
یا الله یا الله اسئلک بحق من حقه علیک عظیم ان تصلی علی محمد
و آل محمد و ان تستعملنی بما عرفتنی من حقک و ان تبسط علی من حلال
رزقک   بسم الله الرحمن الرحیم حسبی الله الذی ...

وحسبی الله لآخرتی وحسبی الله لما اهمّنی وحسبی الله لمن بغی علی
وحسبی الله عند الموت وحسبی الله عند مسألة القبر وحسبی الله عند
المیزان وحسبی الله عند الصراط وحسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و
هو رب العرش العظیم   واین دعا از دعای مختصر است روایت است
که گفت حق تعالی بحضرت پیغمبر که یا محمد آنکس که خواهد که ثواب نماز او
مضاعف کرده شود باید که در عقب هر نماز فریضه سر و دست خود را
بردارد و بگوید یا مبدی الاسرار یا مبین الکتمان یا شارع الاحکام و یا را
عی الانعام و یا خالق الانعام و یا فارض الطاعة و یا ملزم الدین و یا موجب
التعبد اسئلک بحق تزکیة کل صلوة زکیتها و بحق من زکیتها بدان تجعل
صلواتی هذه زاکیة متقبلة تقبلها و تصیرک دینی بها زاکیا و ان تهب
قلبی حسن المحافظة علیها حتی تجعلنی من اهلها الذین ذکرتهم
فیها بالخشوع انت رب احد کلمة فلا اله الا انت فلک الحمد کله بکل
انت له ولی وانت رب التوحید کله فلا اله الا انت فلک التوحید
کله بکل توحید انت له ولی وانت رب التهلیل کل فلا اله الا انت

فلک التسبیح کله بکل تسبیح انت له ولی رب صل علی محمد و آل محمد فی صلوتی هذه
و تقبلها زاکیة متقبلة انک انت السمیع العلیم هر که این دعا بخواند ثواب
نماز او مضاعف نوشته شود در لوح محفوظ **روایت** کرده است محمد بن
مسلم که گفت امام محمد باقر یا امام جعفر صادق علیه السلام که دعا خواندن
در عقب نماز فریضه فاضلتر است در عقب نماز سنت چنانکه نماز فریضه فاضلتر است
از نماز سنت و گفت امام محمد باقر علیه السلام که دعا خواندن در عقب نماز فریضه
فاضلتر است از گزاردن سنت **روایت** کرده است ابو الحسن العسکری از پدران
خود علیهم السلام که گفت امیر المومنین علی علیه السلام که هر کسی که نماز فریضه
بگذارد خاصه از برای پیبر دعایی که در عقب نماز کند مستجاب شود
سجدهٔ شکر گفت اسحق بن عمار که گفت ابو عبدالله که موسی بن عمران علیه السلام
هر گاه نماز میگزارد بعد از نماز سجده میکرد و روی راست خود را بر زمین
می نهاد و روی چپ را نیز بر زمین می نهاد و گفت ابو جعفر علیه السلام که وحی
کرد خدای تعالی بموسی بن عمران علیه السلام که یا موسی دانی که چرا برگزیدم
ترا بسخن گفتن نه دیگری را موسی علیه السلام گفت نمیدانم ای پروردگار من

حق تعالی گفت ای موسی من بهشت باری کردم بندگان خدا را و تفحص و
و تجسس احوال ایشان کردم نیافتم در میان ایشان کسی که نفس او ذلیل
تر و شکسته تر باشد از برای من از تو بجهت این ترا برگزیدم ای موسی که
وقتی که نماز میگزاری می نهی روی خود بر خاک و گفت امام جعفر صادق ع
که وقتی که بنده سجده شکر کند و در سجده بگوید یارب یارب تا نفس او منقطع
شود حق تعالی میگوید لبیک ای بنده من چیست حاجت تو تا برآورم
و گفت مرازم که ابو عبد الله علیه السلام فرمود که سجده شکر واجبست بر هر
مسلمانی بدرستی که نماز تمام میشود بسجده شکر و خشنود میشود بسبب آن پروردگار
و خوشحال میشوند فرشتگان و بنده هرگاه نماز گزارد و بعد از آن سجده شکر
بجا آورد بر میدارد خدای تعالی حجاب را از میان آن بنده و فرشتگان میگوید
ای فرشتهای من نظر کنید به بنده من که بجا آورده است آنچه بر او واجب
گردانیده ام و وفا کرده است بعهد من و بعد از آن سجده شکر میکند بجهت
آن نعمت که باو داده ام چیست جزای این بنده فرشتگان میگویند
ای پروردگار من جزای او بهشت رحمت است باز خدای تعالی میگوید که دیگر

جزای او

جزای او فرشتها میگویند ای پروردگار ما جزای او بهشت است باز خدای تعالی
میگوید که دیگر جزای او چیست فرشتگان میگویند ای پروردگار ما جزای او
کفایت کردن مهمات اوست همچنین خدای تعالی میگوید بفرشتهای او
بنده چیست و فرشتگان جواب میگویند تا آنکه هیچ چیزی از خیر نماند بعد از آن
حق تعالی میگوید که ای فرشتگان من چیست جزای آن بنده فرشتگان
میگویند ای پروردگار ما غیر از اینها که گفتیم نمیدانیم خدای تعالی میگوید که جزای
آن بنده اینست که شکر کنم من او را همچنانکه شکر کرده است او مرا و
متوجه او شوم بفضل و رحمت خود بنمایم باو دیدار خود را یعنی او را انکشاف
تام حاصل شود و در [illegible] که امام زین العابدین علیه السلام در سجده شکر
میگفت اللهم ان کنت قد عصیتک فانی قد اطعتک فی احب الاشیاء
الیک وهو الایمان بک منا منک علی لا منا علیک وترکت معصیتک
فی ابغض الاشیاء الیک وهو ان ادعو لک ولدا او ادعو لک شریکا منا منک
علی لا منا منی علیک وعصیتک فی اشیاء علی غیر وجه مکابرة ولا معاندة
ولا استکبار عن عبادتک ولا جحود لربوبیتک ولکن اتبعت هوای

واسترلی شیطان بعد الحجة والبرهان فان تعذبنی فبذنوبی غیر ظالم وان
تغفرلی وترحمنی فبجودک یا ارحم الراحمین و گفت ابراهیم بن عبد الحمید
که گفت امام جعفر صادق علیه السلام هر گاه غمی و اندوهی بتو رسد
سجده شکر کن و چون سر از سجده برداری دست راست خود را بر موضع
سجده بنه و بعد ازان بردار دست راست خود را و بکش از بناگوش
چپ بالا و بگذران بر پیشانی و بجانب روی راست فرود آر پس باز این کار
بکن و هر بار بگو بسم الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم
اللهم اذهب عنی الهم والحزن و روایتست که اگر کسی در سجده شکر بگوید یا رباه یا
رب یا سیداه تا انکه نفس او منقطع شود خدای او را جواب دهد و گوید
که طلب کن از من حاجت خود را و روایتست که بعضی از ائمه معصومین
علیهم السلام در سجده شکر میگفتند که سجد لک یا رب طالب من ثوابک
سجده لک یا رب هارب من عقابک سجد لک یا رب خایف من
سخطک و بعد ازان میگفتند یا الله یا رباه یا الله یا رباه تا انکه نفس
منقطع میشد و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که گذشت رسول صلی

بردی

بردی و افرود در سجده بود و میگفت یا رب ماذا علیک ان ترضی کل من کان
لی عندی تبعة وان تغفرلی ذنوبی وان تدخلنی الجنة برحمتک فانما عفوک
عن الظالمین وانا من الظالمین فلیسعنی رحمتک یا ارحم الراحمین پس گفت
رسول خدا صلی الله علیه وآله بار دیگر بردار سر خود را که دعای تو مستجاب شد
بدرستی که دعا کردی بدعای پیغمبری که در زمان عاد بود تنبیه در دعاهایی که می باید
خواند در وقت خواب کردن و وقت بیدار شدن از خواب در بیان انچه باید
خواند در وقت خواب کردن گفت امام جعفر صادق علیه السلام که خدای تعالی
دشمن میدارد خواب کردن بسیار و فراغت بسیار را و نیز گفت که خواب
کردن بسیار می برد دین و دنیا را و نیز گفت که رسول خدا صلی الله علیه وآله
که خواب اول روز شومست و خواب نیمروز می افزاید نعمت را و خواب
بعد از عصر حماقت و نادانی می آورد و خواب میان شام و خفتن محروم میگرداند
بنده را از روزی و نیز گفت که کسی که وضو بسازد و بعد ازان جا کند در فراش
خود همچنانست که شب بروز آورده باشد در جای نماز خود و هر گاه
او بجای نماز او بیست پس اگر چنین کند همچنانست که همیشه در نماز باشد

وذکر خدای تعالی و نیز گفت که وقتی که نزد تو چراغ بیارند بگو اللهم اجعل
لنا نورا نمشی به فی الناس ولا تحرمنا نورک یوم نلقاک واجعل لنا نورا
انک نور لا اله الا انت و هرگاه چراغ بمیرد بگو اللهم اخسر عنا من الظلمات
الی النور و گفت محمد بن مسلم که ابو جعفر علیه السلام فرمود که چون کسی اراده
دست خود در بالین نهد در وقت خواب کردن باید که بگوید بسم الله
اللهم انی اسلمت نفسی الیک و وجهت وجهی الیک و فوضت امری الیک
و الجأت ظهری الیک توکلت علیک رهبة منک و رغبة الیک لا ملجأ
و لا منجا منک الا الیک آمنت بکتابک الذی انزلت و برسولک
الذی ارسلت و بعد از آن تسبیح زهرا بگوید و آنکسی که در خواب می ترسد
باید که وقت خواب کردن قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس
و آیت الکرسی بخواند و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که قل هو الله
و قل یا ایها الکافرون وقت خواب کردن بخوان هر سه که قل یا ایها الکافرون
امانست از شرک و قل هو الله نسبت پروردگارست و گفت امیر المؤمنین
علیه السلام که شنیدم که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در عقب هر نماز فریضه

بخواند

بخواند او را از دخول جنت هیچ مانعی نیست مگر موت پس مداومت نمیکند بر این
مگر صدیقی یا عابدی و آنکه آیت الکرسی بخواند وقتی که جا گیرد در فراش
خود بجهت خواب ایمن گرداند خدای تعالی او را و همسایه او را و همسایه همسایه او را
و خانهای گرد او را و گفت حضرت پیغمبر که آنکسی که قل هو الله بخواند
وقتی که جا کند در فراش خود بجهت خواب بیامرزد خدای تعالی پنجاه ساله
گناهان او را و روایت کرده است محمد بن مسلم که گفت امام محمد باقر را
یا امام جعفر صادق علیه السلام باید که کسی ترک نکند وقت خواب کردن خواندن
این دعا را اعیذ نفسی و ذریتی و اهل بیتی و مالی بکلمات الله التامات
من کل شیطان و هامة و من کل عین لامة بدرستی که این دعا را جبرئیل علیه السلام
تعویذ امام حسن و امام حسین علیهم السلام ساخت و گفت امام جعفر صادق
هر آنکسی که در وقت خواب کردن سه نوبت بگوید الحمد لله الذی علا فقهر و الحمد
لله الذی بطن فخبر و الحمد لله الذی ملک فقدر و الحمد لله الذی یحیی الموتی و یمیت
الاحیاء و هو علی کل شیء قدیر پاک شود از جمیع گناهان مثل آن روز که از مادر
زاییده شده است و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که آنکسی که سوره الهیکم

المسلمین بخواند وقت خواب کردن ایمن شود از عذاب قبر دیگر دعای که
می باید خواند کسی که می ترسد در شب گفت رسول خدا که اگر در شب ترسی ده
بار بگو اعوذ بالله بکلمات الله من غضبه و من عقابه و من شر عباده
و من همزات الشیاطین و ان یحضرون روایت است که برای ترسیدن در شب
آیة الکرسی بخواند و این آیت اذ یغشیکم النعاس امنة منه و ینزل علیکم
من السماء ماء لیطهرکم به و یذهب عنکم رجز الشیطان و لیربط علی قلوبکم و یثبت
به الاقدام و این آیت و جعلنا نومکم سباتا و جعلنا اللیل لباسا و جعلنا النهار
معاشا دیگر عملی که می باید کرد کسی که از دزد می ترسد گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام
که وقتی که تو می خواهی که خواب کنی باید که بر پهلوی راست خوابی و دست خود را
در زیر روی راست بنهی و بگویی بسم الله وضعت جنبی لله علی ملة ابراهیم
و دین محمد و ولایة من افترض طاعته ما شاء الله کان و ما لم یشاء لم یکن اشهد
ان الله علی کل شیء قدیر به درستی که آنکسی که این دعا را بخواند در محل خواب
کردن ایمن شود از دزد و از فرو افتادن خانه بر بالای او و استغفار کنند فرشتها
برای او و آنکسی که قل هو الله بخواند وقت خواب کردن پنجاه فرشته را موکل سازد

که نگاه دارند او را در آن شب و روایت است که آنکسی که از دزد می ترسد باید که وقت
خواب کردن بخواند این دو آیت را قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایاما تدعوا
فله الاسماء الحسنی و لا تجهر بصلوتک و لا تخافت بها و ابتغ بین ذلک سبیلا
و قل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی
من الذل و کبره تکبیرا دیگر دعای که باید خواند جهت آنکه محتلم نشود گفت
امام جعفر صادق علیه السلام که وقتی که بترسی از احتلام چون جا کنی در فراش
بگو اللهم انی اعوذ بک من الاحتلام و من سوء الاحلام و من ان یتلاعب
بی الشیطان فی الیقظة و المنام دیگر دعای که می باید خواند جهت خواب آمدن
کسی که خواب نمی آید هرگاه می ترسی از بیخوابی وقتی که جا کنی در فراش
خود بگو سبحان ذی الشان دائم السلطان عظیم البرهان کل یوم هو فی شان
و بعد از آن بگو یا مشبع البطون الجائعة و یا کاسی الجنوب العاریة و یا ساکن
العروق الضاربة و یا منوم العیون الساهرة سکن عروقی الضاربة
و ائذن لعینی نوما عاجلا و در روایتی دیگر واقع است که جهت بیخوابی آیة الکرسی
بخوانند و این که اذ یغشیکم النعاس امنة منه و ینزل علیکم من السماء ماء لیطهرکم

بوید هب خشکم زجر شیطان ولیربط علی قلوبکم و یثبت به الاقدام و این
آیت کرد و جعلنا نومکم سباتا و جعلنا اللیل لباسا و جعلنا النهار معاشا
دعایی که می باید خواند بجهت آنکه خانه یا دیوار بر سر کسی نیفتد روایت
که هرگاه بترسی که وقتی از خانه یا دیواری بر سر تو بیفتد این آیت را
وقت خواب کردن بخوان ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا و لئن
زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا دعایی که می باید خواند بجهت
بیدار شدن از خواب گفت ابو عبدالله علیه السلام که هر بنده که وقت
خواب کردن بخواند آخر سورة الکهف را که قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی
انما الهکم اله واحد فمن کان یرجو لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا و لا یشرک بعبادة
ربه احدا بیدار شود در هر ساعت که خواهد افسون عقرب و گزیدن
او گفت ابو جعفر علیه السلام که هر کی این کلمات را بخواند در شب من
ضامنم که او را عقرب و هیچ گزنده نگزد تا صباح و کلمات اینست اعوذ
بکلمات الله التامات التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر ما ذرا
و من شر ما برا و من شر کل دابة هو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط

مستقیم

مستقیم و روایتست که امام رضا علیه السلام وقتی که نظر میکرد بستاره که
تازیان میگویند که واقعست در پهلوی کی آن ستاره های بنات
نعش میگفت اللهم رب اسودین ابیه حتی آمنی شر کل عقرب و حیة
و گفت که هر که این دعا را سه بار بخواند در وقت که نظر کند بسوی آن
در آن شب عقرب و مار نگزد او را گفت اسحق عمار که گفتم بابی عبدالله
علیه السلام که من می ترسم از عقرب آنحضرت گفت که نظر کن به بنات
نعش که سه ستاره است و در پهلوی ستاره که در میان واقعست ستاره
خوردیست که عرب او را سها می گویند و ما اسلم میگوییم نظر کن در هر شب
بآن ستاره خورد و سه بار بگو اللهم رب اسلم صل علی محمد و آل محمد و عجل
فرجهم و سلمنا و گفت اسحق بن عمار که ترک کردم خواندن این دعا را در مدت
عمر یکبار و گزید مرا عقرب در آن شب دعایی که می باید خواند بجهت
بیدار شدن برای نماز شب گفت امام جعفر صادق علیه السلام که رسول
خدا صلی الله علیه و آله مر بود که کسی که خواهد که برای نماز شب برخیزد و بیدار شود
که خواب میکند باید که بگوید اللهم لا تؤمنی مکرک و لا تنسنی ذکرک و لا تجعلنی

من الغافلین اقوام صاعقه کند و گفته نیز نام برد آن ساعت از شب را اگر خواهد
که برخیزد جهت پرستش که هرگاه چنین کند خدای تعالی دو ملک موکل سازد با و فرشته
ها که بیدارش کنند او را از آن ساعت و روایتست که رسول خدا صلی الله علیه و آله
وقتی که میخواست که خواب کند مسواک میکرد و بعد از آن جامه خواب میرفت
و نیز روایتست که آنحضرت وقتی که میخواست که خواب کند بر پهلوی راست
میخوابید و دست راست خود را در زیر روی دست می نهاد و گفت ابو
عبدالله علیه السلام که رسول خدا فرمود که وقتی که خواهید که بجانب بروید در
فراش خود باید که بیفشانید کنار جامه خود را بر فراش خود چه نمیدانید شما
که چه چیز حادث شده است بر فراش بعد از آن بگوید اللهم ان امسکت نفسی
فی منامی فاغفر لها و ان ارسلتها فاحفظها بما تحفظ به عبادک الصالحین
و دعایی که باید خواند وقت بیدار شدن از خواب روایتست که ابو عبدالله
علیه السلام وقتی که بیدار شد در آخر شب بآواز بلند میگفت چنانکه اهل خانه
میشنیدند آواز او را که اللهم اعنی علی هول المطلع و وسع علی المضجع و ارزقنی
خیر ما قبل الموت و ارزقنی خیر ما بعد الموت و گفت ابو عبدالله علیه السلام که

رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه از خواب بیدار می شد سجده میکرد خدای
تعالی را و روایتست که حضرت پیغمبر وقتی که خواب میکرد چشمهای آنحضرت در
خواب بود و دل او بیدار و میگفت که دل من منتظر وحی است و روایتست
که وقتی که آنحضرت چیزی خوبی در خواب میدید میگفت که هو الله لا شریک
له و روایتست که آنحضرت بسیار خواب میدید هرچه در خواب میدید در
بیداری همان چیز واقع میشد و آنحضرت وقتی که بیدار میشد از خواب
میگفت سبحان الذی یحیی الموتی و هو علی کل شیء قدیر و هرگاه آنحضرت
از خواب برمیخاست برای نماز میگفت الحمد لله نور السموات والارض و الحمد
لله قیوم السموات والارض و الحمد لله رب السموات و الارض و من فیهن انت
الحق و قولک الحق و لقاؤک حق و الجنة حق و النار حق و الساعة حق اللهم
لک اسلمت و بک آمنت و علیک توکلت و الیک انبت و بک خاصمت
و الیک حاکمت فاغفر لی ما قدمت و ما اخرت و ما اسررت و اعلنت
انت الهی لا اله الا انت و بعد از آن مسواک میکرد پیش از وضو و گفت
امیر المؤمنین علی علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی که از خواب

پس از آن شد میگفت الحمد لله الذی بعثنی من مرقدی هذا و لو شاء لجعله ساکنا
الی یوم القیمة الحمد لله الذی جعل اللیل والنهار خلفة لمن اراد ان یذکر او اراد شکورا
الحمد لله الذی جعل اللیل لباسا والنوم سباتا وجعل النهار نشورا لا اله الا انت
سبحانک انی کنت من الظالمین الحمد لله الذی لا تجن منه البحور و لا تجن منه النجوم
و لا تکن منه القبور و لا یخفی علیه ما فی الصدور و گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که امیر المؤمنین علی علیه السلام فرموده که وقتی که از خواب بیدار شوید باید که
بگویید لا اله الا الله الحی القیوم و هو علی کل شیء قدیر سبحان رب النبیین و اله
المرسلین سبحان رب السموات السبع و ما فیهن و رب العرش العظیم والحمد
لله رب العالمین چون نشسته پیش از آنکه برخیزد باید که بگوید حسبی الرب
من العباد حسبی الذی هو حسبی منذ کنت حسبی الله و نعم الوکیل و در وقت
بیدار شدن از خواب می باید خواند الحمد لله الذی احیانی بعد ما اماتنی و الیه النشور
الحمد لله الذی رد علی روحی لاحمده و اعبده و وقتی که از خواب بیدار شوی چون نظر کنی
بسوی آسمان بگو یا نور النور یا مدبر الامور یا من علی التدبیر و یحیی العظام
و هی مقادیر یومی هذا الی السلامة و العافیة و بعد از آن این آیه از

سورهٔ آل عمران بخوان که ان فی خلق السموات والارض واختلاف اللیل
والنهار لآیات لاولی الالباب الذین یذکرون الله قیاما و قعودا و علی
جنوبهم و یتفکرون فی خلق السموات والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا
سبحانک فقنا عذاب النار ربنا انک من تدخل النار فقد اخزیته
و ما للظالمین من انصار ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان آمنوا
بربکم فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا و کفر عنا سیئاتنا و توفنا مع الابرار
ربنا و آتنا ما وعدتنا علی رسلک و لا تخزنا یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد
در بیان دعایی که باید خواند وقت بانگ کردن خروس گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که هر گاه که بانگ خروس بشنوی بگو سبوح قدوس رب الملائکة
والروح سبقت رحمتک غضبک لا اله الا انت سبحانک و بحمدک عملت
سوءا و ظلمت نفسی فاغفر لی انه لا یغفر الذنوب الا انت و نیز گفت
که پنج خصلت از خروس بیاموزید محافظت اوقات نماز و غیرت و سخاوت
و شجاعت و بسیار جماع کردن و نیز گفت که پنج خصلت از کلاغ بیاموزید
پنهانی داشتن جماع و پگاه رفتن به طلب روزی و حذر کردن دعایی

کرد در شب تا پاره خوانند روایتست که امام زین العابدین علیه السلام در شب
وقتی که مردمان آرامیده بودند و خواب میشدند این دعا را میخواندند الهی غارت
نجوم سماواتک ونامت عیون انامک وهدات اصوات عبادک وانعامک
وغلقت الملوک علیها ابوابها وطاف علیها حراسها واحتجبوا عمن یسالهم
حاجة او ینتجع منهم فایدة وانت الهی حی قیوم لا تاخذک سنة ولا نوم
ولا یشغلک شیء عن شیء ابواب سماواتک لمن دعاک مفتحات وخزاینک
غیر مغلقات وابواب رحمتک غیر محجوبات وفوایدک لمن سالها
غیر محظورات بل هی مبذولات انت الهی الکریم الذی لا ترد سایلا
من المومنین سالک ولا تحتجب عن احد منهم ارادک لا وعزتک وجلالک
لا تختزل حوایجهم دونک ولا یقضیها احد غیرک اللهم وقد ترانی ووقوفی
وذل مقامی بین یدیک وتعلم سریرتی وتطلع علی ما فی قلبی وما یصلح
به امر آخرتی ودنیای اللهم ان ذکرت الموت وهول المطلع والوقوف
بین یدیک نغصنی مطعمی ومشربی واغصنی بریقی واقلقنی عن وسادی
ومنعنی رقادی کیف ینام من یخاف بیات ملک الموت فی طوارق

الیل

اللیل وطوارق النهار کیف ینام العاقل وملک الموت لا ینام باللیل ولا
بالنهار ویطلب قبض روحه بالبیات او فی اناء الساعات بعد از آن
سجده میکرد و روی خود را بر خاک می نهاد و میگفت اسالک الروح والراحة
عند الموت والعفو حین القاک و گفت حضرت پیغمبر صلوات در وصیتی که کرد با امیر المومنین
یا علی نماز گزار در پارهٔ از شب و اگر چه بمقدار دوشیدن گوسفند باشد
و دعا کن در سحرها که رد نمیشود دعا تو بدرستی که خدای تعالی مدح کرده است
کسانی که دعا و استغفار میکنند در سحرها و فرموده است که والمستغفرین
بالاسحار دعای که در نماز وتر می باید خواند و گفت معروف بن خربوذ که امام
محمد باقر یا امام جعفر صادق علیهم السلام که در نماز وتر بگو لا اله الا الله الحلیم
الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان رب السموات السبع وما فیهن وما بینهن
ورب العرش العظیم اللهم انت الله نور السموات والارض وانت الله زین
السموات والارض وانت الله جمال السموات والارض وانت الله عماد
السموات والارض وانت الله صریخ المستصرخین وانت الله غیاث
المستغیثین وانت الله المفرج عن المکروبین وانت المروح عن المغمومین

وانت الله مجیب دعوة المضطرین وانت الله رب العالمین وانت الله الرحمن الرحیم
وانت الله کاشف السوء وانت الله بک منزل کل حاجة یا الله لیس یرد
غضبک الا حلمک ولا ینجی من عقابک الا رحمتک ولا ینجی منک الا التضرع
الیک فهب لی من لدنک رحمة تغنینی بها عن رحمة من سواک بالقدرة التی بها
احییت جمیع ما فی البلاد وبها تنشر میت العباد ولا تهلکنی غما حتی تغفر لی
وترحمنی وتعرفنی الاجابة فی دعای وارزقنی العافیة الی منتهی اجلی ولا تقل
عثرتی ولا تشمت بی عدوی ولا تمکنه من رقبتی اللهم ان رفعتنی فمن
ذا الذی یضعنی وان وضعتنی فمن ذا الذی یرفعنی وان اهلکتنی فمن
ذا الذی یحول بینک وبینی او یتعرض لک فی شیء من امری وقد علمت
ان لیس فی حکمک ظلم ولا فی نقمتک عجلة انما یعجل من یخاف الفوت وانما
یحتاج الی الظلم الضعیف وقد تعالیت عن ذلک یا الهی فلا تجعلنی للبلاء
ولا لنقمتک نصبا ومهلنی نفسی ونفسنی وقلنی عثرتی ولا تتبعنی ببلاء علی
اثر بلاء فقد تری ضعفی وقلة حیلتی استعیذ بک اللیلة فاعذنی واستجیر
بک من النار فاجرنی واسئلک الجنة فلا تحرمنی بعد از ان طلب کن

ازخدای تعالی

ازخدای تعالی انچه میخواهی وانشاد نوبت استغفر الله ربکم والعدد که میتوانی
استغفار کن واین نوع نیز استغفار کن اللهم انی استغفرک واتوب
الیک من مظالم کثیرة لعبادک عندی فایما عبد من عبیدک کانت له قبلی
مظلمة ظلمتها ایاه فی بدنه او فی عرضه او ماله لا استطیع اداءه ذلک
الیه ولا تحللها منه فارضه عنی بما شئت وکیف شئت وانی شئت
وهب لی ما تصنع بعذابی یا رب وقد وسعت رحمتک کل شیء وما علیک
یا رب ان تکرمنی برحمتک ولا تهنی بعذابک وما ینقصک یا رب ان تفعل بی
سالتک انت واجد لکل خیر اللهم ان استغفاری ایاک مع اصراری
للوم وان ترکی الاستغفار لک مع سعة رحمتک لعجز اللهم عجب انی
وانت غنی عنی ولکم تتبغض الیک وانا الیک فقیر فسبحان من اذا وعد
وفا ولی اذا توعد عفا روایت است که امام زین العابدین علیه السلام بعد از نماز شب
این دعا میخواند انا حیاتک الموجود فی کل مکان لعلک تسمع ندای فقد عظم
جرمی وقل حیائی مولای یا مولای ای الاهوال اتذکر وایها انسی ولو لم
یکن الا الموت لکفی کیف وما بعد الموت اعظم وادهی مولای یا مولای

اني مني والي مني اقول لك العتبى مرة بعد اخرى ثم لا تجد عندي صدقا
ولا وفاء فيا غوثاه ثم واغوثاه بك يا الله من هوى قد غلبني ومن عدو قد استكلب
علي ومن دنيا قد تزينت لي ومن نفس امارة بالسوء الا ما رحم ربي
مولاي يا مولاي ان كنت رحمت مثلي فارحمني وان كنت قبلت مثلي
فاقبلني يا قابل السحرة فاقبلني يا من لم ازل اتعرف منه الحسنى يا من يغذيني
بالنعم صباحا ومساء ارحمني يوم اتيك فردا شاخصا اليك بصري مقلدا
عملي قد تبرأ جميع الخلق مني نعم وابي وامي ومن كان له كدي وسعيي فان
لم ترحمني فمن يرحمني ومن يونس في القبر وحشتي ومن ينطق لساني اذا خلوت
بعملي وساءلتني عما انت اعلم به مني فان قلت نعم فاين المهرب من عدلك
وان قلت لم افعل قلت الم اكن الشاهد عليك فعفوك عفوك يا مولاي قبل
سرابيل القطران عفوك عفوك يا مولاي قبل ان تغل الايدي الى الاعناق
يا ارحم الراحمين وخير الغافرين دعا که در وقت خوابیدن بر پهلوی باید خواند
هرگاه دو رکعت سنت فجر بگذاری و سلام دهی بر پهلوی راست بخوابی و روی
بسمت خود را بر دست راست بنه و بگو استمسکت بعروة الله الوثقى التي لا

انفصام لها واعتصمت بحبل الله المتين واعوذ بالله من شر فسقة العرب
والعجم ومن شر فسقة الجن والانس ربي الله ربي الله ربي الله آمنت بالله
توكلت على الله الجأت ظهري الى الله فوضت امري الى الله اطلب حاجتي من الله
لا حول ولا قوة الا بالله ومن يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره
قد جعل الله لكل شيء قدرا حسبي الله ونعم الوكيل اللهم من اصبح وله حاجة الى
مخلوق فان حاجتي ورغبتي اليك وحدك لا شريك لك الحمد لرب الصباح
الحمد لفالق الاصباح الحمد لناشر الارواح الحمد لقاسم المعاش الحمد لجاعل
الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا ذلك تقدير العزيز العليم اللهم صل على محمد وآل محمد
واجعل في قلبي نورا وفي بصري نورا وعلى لساني نورا ومن بين يدي نورا
ومن خلفي نورا وعن يميني نورا وعن شمالي نورا ومن فوقي نورا ومن تحتي
نورا واعظم لي النور واجعل لي نورا واعظم لي النور واجعل لي نورا امشي
به في الناس ولا تحرمني نورك يوم القاك و بخوان آية الكرسي و قل اعوذ
برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و پنج آیه از سوره آل عمران كه
ان في خلق السموات والارض واختلاف الليل والنهار لآيات لاولي

الالباب الذین یذکرون الله قیاما وقعودا وعلی جنوبهم ویتفکرون فی خلق
السموات والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب النار
ربنا انک من تدخل النار فقد اخزیته وما للظالمین من انصار ربنا
اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان آمنوا بربکم فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا
وکفر عنا سیئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا علی رسلک
ولا تخزنا یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد وبعد از ان برخیزد و بنشیند و تسبیح
زهرا بگوید و صد بار صلوات بفرستد بر محمد و آل او علیهم السلام بدرستی که
روایت است که هر کی که صد بار صلوات بفرستد بر محمد و آل او علیهم السلام
بعد از نماز فجر و پیش از آنکه نماز صبح بگذارد نگاه دارد خدای تعالی روی
او را از آتش دوزخ و آنکسی که در ینوقت صد نوبت بگوید سبحان ربی
العظیم وبحمده استغفر الله ربی واتوب الیه بنا کند خدای تعالی برای او خانه
در بهشت و آنکسی که چهل نوبت قل هو الله بخواند حق تعالی بیامرزد او را و بعد از ان
بگوید اللهم افتح لی باب امر الذی فیه الیسر والعافیة اللهم یسر لی
و بصرنی مخرجه اللهم وان قضیت لاحد من خلقک علی مقدرة بسوء فخذه

علی من بین یدیه ومن خلفه وعن یمینه وعن شماله ومن تحت قدمیه ومن فوقه
[illegible] واکفنیه بما شئت و سه نوبت بگوید بسم الله الرحمن الرحیم ولا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم وبعد از ان سر بسجده [illegible] بگوید یا خیر المسئولین
ویا اجود المعطین صل علی محمد وال محمد واغفر لی وارحمنی وارزقنی وارزق
عیالی من فضلک انک ذو فضل عظیم و سنت است که دعا کند برای برادران مومن
در سجده و نام برد یکیک را و بگوید اللهم رب الفجر واللیالی العشر والشفع والوتر
واللیل اذا یسر ورب کل شیء واله کل شیء وملیک کل شیء وخالق کل شیء صل علی محمد
وآل محمد وافعل بی وبفلان وفلان یعنی نام برد برادران مومن را ما انت اهله
ولا تفعل بنا ما نحن اهله فانک اهل التقوی واهل المغفرة وبعد از ان متوجه
مسجد شود بدرستی که نماز فریضه در مسجد گزاردن فاضلتر است و بهتر از نماز
در خانه و منزل   فضیلت رفتن مسجد و کیفیت او و دعا خواندن در وقت
در آمدن مسجد گفت امام جعفر صادق که هر کی که بمسجد میرود و پا بر هر جای که
[illegible] برابر او آنچه در زیر قدم اوست تا هفتم طبقه از زمین و در توریت
مذکور است که بشارت ده بنور درخشنده در روز قیامت آنکسانی [illegible]

اسماء ابراهیل

که در تاریکی شب بمسجد میروند گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که حق تعالی
فرمود که خانهٔ من در زمین مسجدهاست روشن میسازند مسجدها اهل آسمان را چنانکه روشن
میکنند ستارهای زمین را اهل زمین را خوشحال کسانی که مسجدها خانه
ایشان باشد یعنی اکثر اوقات در مسجدها بسر برند و عبادت کنند
خوشحالی بنده که وضو کند در خانهٔ خود و بعد از ان زیارت کند مرا در خانهٔ
من یعنی بمسجد رود و بطاعت و عبادت مشغول شود بدرستی که لازم است
بر کسی که او را زیارت کنند که اکرام و تعظیم نماید زایر خود را و بشارت دهید
بنور درخشنده در روز قیامت کسانی را که در تاریکی شب بمسجد میروند
پس هرگاه خواهی بمسجد در آیی پای راست را پیش نه و بگو بسم الله
و بالله و الی الله و خیر الاسماء کلها لله توکلت علی الله و لا حول و لا قوة
الا بالله اللهم صل علی محمد و آل محمد و افتح لی باب رحمتک و توبتک و اغلق
عنی ابواب معصیتک و اجعلنی من زوارک و عمار مساجدک و ممن یناجیک
[illegible] النهار و من الذین هم فی صلوتهم خاشعون و ادحر عنی الشیطان
الرجیم و جنوده و ابلیس اجمعین و بعد از ان آیت الکرسی و قل اعوذ برب

الفلق

الفلق و قل اعوذ برب الناس بخوان و هفت بار سبحان الله و هفت بار
الحمد لله و هفت بار محمد صمد و هفت الله اکبر و هفت بار لا اله الا الله بگو و بعد از ان
اللهم لک الحمد علی ما هدیتنی و لک الحمد علی ما فضلتنی و لک الحمد علی ما شرفتنی
و لک الحمد علی کل بلاء حسن ابتلیتنی اللهم تقبل صلواتی و دعائی و طهر قلبی
و اشرح صدری و تب علی انک انت التواب الرحیم و چون بمسجد در آیی
پیش از آنکه بنشینی دو رکعت نماز کن تحیت مسجد بگزار و اگر دو رکعت فریضه گذاری
احتیاج بنماز تحیت مسجد نیست و دعائی که می باید خواند وقت توجه بقبله
اللهم الیک توجهت و رضاک طلبت و ثوابک ابتغیت و بک آمنت
و علیک توکلت اللهم صل علی محمد و آل محمد و افتح مسامع قلبی لذکرک
و ثبتنی علی دینک و لا تزغ قلبی بعد اذ هدیتنی و هب لی من لدنک
رحمة انک انت الوهاب آنچه می باید گفت نزد شنیدن بانگ نماز است
که هرگاه مؤذن الله اکبر بگوید تو نیز الله اکبر بگویی و هرگاه اشهد ان لا اله الا الله
و اشهد ان محمدا رسول الله بگوید بگو و انا اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان
محمدا رسول الله اکتفی بها عن کل من ابی و جحد و اعین بها من اقر و شهد

ودر روایتی دیگر واقع است که وقتی که موذن اشهد ان محمدا رسول الله بگوید
بگو صلی الله علیه وآله الطاهرین الطیبین اللهم اجعل برا ومودة آل محمد
فی قلبی مستقرا ودر علی الرزق و وقتی که بگوید که حی علی الصلوة حی علی الفلاح
بگو لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم و در روایتیست که انکسی که بانگ نماز بشنود
و بگوید آنچه موذن میگوید زیاده شود روزی او آنچه می باید خواند
وقت طلوع صبح چون صبح بدمد نظر کنی بسوی او متوجه آسمان شو وبگو
اللهم انت ربنا وولینا وصاحبنا فصل علی محمد وآل محمد وتفضل علینا بما
انت اهله وانقذنا مما نحن اهله اللهم بنعمتک تتم الصالحات فصل
علی محمد وآل محمد واتممها علینا بعد از ان سه بار بگو عایذا بالله من النار
بعد از ان بگو یا فالق من حیث لا اری ومخرجه من حیث اری صل علی محمد
وآل محمد واجعل اول یومنا هذا صلاحا واوسطه فلاحا وآخره نجاحا
وبعد از ان بگو الحمد لله فالق الاصباح سبحان الله رب المساء والصباح
اللهم صبح آل محمد ببرکة وعافیة وسرور وقرة عین ورزق واسع اللهم
صبحنی واهلی ببرکة وعافیة وسرور وقرة العین ورزق واسع اللهم انک

تنزل فی اللیل والنهار ما تشاء فانزل علی وعلی اهل بیتی من برکة السموات
والارض رزقا واسعا تغنینی به عن جمیع خلقک آنچه می باید گفت وقت
بانگ نماز صبح اللهم انی اسئلک باقبال نهارک وادبار لیلک وحضور صلواتک
واصوات دعاتک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تتوب علی انک انت
التواب الرحیم آنچه می باید گفت در میان بانگ نماز سجده کن وبگوی لا اله
الا انت ربی سجدت لک خاشعا ذلیلا فصل علی محمد وآل محمد واغفر لی
وارحمنی وتب علی انک انت التواب الرحیم که میان اذان واقامت
می باید خواند اللهم اجعل قلبی بارا ورزقی دارا واجعل لی عند قبر رسولک
صلوات الله علیه مستقرا وقرارا وگفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که دو ساعت
که گشوده میشود درهای آسمان و کم است که دعا رد شود در ان دو ساعت
یکی وقت بانگ نماز جهت نماز و دیگر در وقتی که صفها راست شود جهت
جهاد کردن در راه خدا آنچه می باید گفت بعد از سجده بگو سبحان من لا تبید
معالمه سبحان من لا ینسی من ذکره سبحان من لا یخیب سائله سبحان
من لیس له حاجب یغشی ولا بواب یرشی ولا ترجمان یناجی سبحان من

افتقار لنفسه الحسن الا محاده سبحان من خلق الموجودی سبحان من لا یزداد
علی کثرة العطاء الا کرما وجودا سبحان من هو هکذا لا هکذا غیره
فضیلت نماز گفت ابو عبد الله علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه وآله
فرمود که چون وقت نماز شود ندا میکند فرشته و میگوید ای مردمان بر
خیزید و بنشانید آتش گناهان که افروخته اید بنماز کردن و گفت ابو یحیی
که ابو عبد الله علیه السلام گفت بمن که نماز را در اول وقت بگذار بجو
نماز آنکسی که ترسد که دیگر میسر نشود او را نماز گزاردن یعنی بخشوع تمام گزارد
و نظر در موضع سجود کن پس اگر بدانی که کیست در جانب راست و چپ تو
بنیکو بجای آوری نماز را و بدانکه در پیش کسی نماز میکنی که می بیند ترا و تو
نمی بینی او را و گفت ابو عبد الله علیه السلام که نماز گزار را سه خصلت است
هرگاه برخیزد بنماز رحمت فرود می آید از آسمان بر سر او و فرشتگان گرد
او در می آیند از زیر قدم تا آسمان و فرشته ندا میکند و میگوید ای مصلی
اگر بدانی که با کی مناجات میکنی ترک نمیکنی نماز را و بر نمی گردی از نماز و نیز گفت
که کسی که دو رکعت نماز بگزارد و بداند آنچه میگوید در نماز یعنی دل او غافل

نباشد متوجه نماز باشد خدای تعالی جمیع گناهان او را بیامرزد و عفو
کند و گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود
که دو رکعت نمازی که سبک بگذارند با تفکر بهتر است از گزاردن نماز
یکشب بی تفکر و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که وقتی که بنده مشغول شود
بنماز متوجه شود خدای تعالی بوجه کریم خود باو و موکل کند باو فرشته
را که بگیرد قرآن او را از دهن آن بنده و اعراض بنده او را از نماز و متوجه
بوجه کریم خود و اگر بنده متوجه نماز شود تمام خود متوجه شود خدای بوجه
کریم خود و نماز او کامل شود نماز او با آسمان برده شود و اگر سهو کند در نماز
یا غافل شود یا مشغول بچیزی شود با آسمان برده نشود از نماز او آنقدر که سهو
کرده است و بدل غافل هیچ ثوابی نمیدهند و نیز گفت که در یافتن نماز
در اول وقت بهتر است مؤمن را از فرزند و مال و نیز گفت که فضیلت اول
وقت بر آخر وقت بمنزله فضیلت آخرت است بر دنیا در بیان فضیلت ذکر بعد از
نماز صبح گفت امام حسین علیه السلام که شنیدم از پدر خود علی بن ابی طالب
صلوات الله وسلامه علیه که میگفت که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که

هر مسلمانی که بنشیند در جایی که نماز صبح گزارده است و ذکر خدای تعالی گوید
تا بر آمدن آفتاب ثواب او برابر ثواب کسی باشد که حج گزارده باشد و
آمرزیده شود گناهان گذشته او و اگر بنشیند در جای نماز تا آنگه در آید ساعتی
که مکروه باشد در آن ساعت نماز گزاردن یعنی آفتاب بلند شود و بعد از آن
دو رکعت نماز بگزارد یا چهار رکعت بیامرزد خدای تعالی گناهان گذشته او
و ثواب او برابر ثواب کسی است که حج گزارده باشد و روایت کرده است
جابر که گفت ابو جعفر علیه السلام که رسول صلعم فرمود که خدای تعالی گفته است
که ای فرزند آدم که یاد کن مرا و ذکر گو بعد از طلوع صبح یکساعت و بعد از عصر
یکساعت تا بر آورم حاجتهای ترا ❁ آنچه مخصوص است بتعقیب نماز صبح چون
فارغ شوی از نماز صبح و سلام دهی سه بار بگو الله اکبر و بگو لا اله الا الله
الها واحدا و نحن له مسلمون لا اله الا الله لا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین
و لو کره الکافرون لا اله ربنا و رب آبائنا الاولین لا اله الا الله وحده
وحده وحده انجز وعده و نصر عبده و اعز جنده و غلب الاحزاب وحده فله
الملک وله الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء

قدیر

قدیر اللهم اهدنی لما اختلف فیه من الحق باذنک انک تهدی من تشاء الی
صراط مستقیم بعد از آن سه بار بگو استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم
ذو الجلال و الاکرام و اتوب الیه بعد از آن بگوی اللهم اهدنی من عندک
و افض علی من فضلک و انشر علی من رحمتک و انزل علی من برکاتک
سبحانک لا اله الا انت اغفر لی ذنوبی کلها جمیعا فانه لا یغفر الذنوب
کلها جمیعا الا انت و بعد از آن تسبیح زهرا علیها السلام بگو و آن سی و چهار
تکبیر و سی و سه بار الحمد لله و سی و سه بار سبحان الله اول تکبیر بگو و بعد از آن
الحمد لله و بعد از آن سبحان الله و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که تسبیح
فاطمه زهرا در عقب هر نماز فریضه دوستر است نزد من از هزار رکعت نافله در هر روز
و نیز گفت که کسی که تسبیح فاطمه زهرا بگوید در عقب نماز فریضه و بعد از آن لا اله
الا الله بگوید آمرزیده شود و بهتر آنست که مهیا کنند برای شمردن تسبیح فاطمه
زهرا تسبیحی از تربت امام حسین علیه السلام چه در حق که روایت است از امام
جعفر صادق علیه السلام که گفت که کسی که بگرداند تربت امام حسین را یکبار
و استغفار کند یا ذکر بگوید در گردش بنویسند آن یکبار را هفتاد بار و چه

گردن بر تربت امام حسین علیه السلام بر طرف میکند حجاب هفت آسمان را دعا
که بعد از نماز صبح می باید خواند و این دعائیست که روایت کرده است معاویة
بن عمار از ابی عبد الله علیه السلام و آن دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
وصلی الله علی محمد و اهل بیته الطاهرین الاخیار الاتقیاء الابرار الذین اذهب
الله عنهم الرجس وطهرهم تطهیرا و افوض امری الی الله وما توفیقی الا بالله علیه
توکلت ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شی
قدرا ما شاء الله کان حسبنا الله ونعم الوکیل و اعوذ بالله السمیع العلیم من
الشیطان الرجیم ومن همزات الشیاطین واعوذ بک رب ان یحضرون
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم الحمد لله رب العالمین کثیرا کما هو اهله
ومستحقه وکما ینبغی لکرم وجهه وعز جلاله علی ادبار اللیل واقبال النهار والحمد
لله الذی اذهب باللیل مظلما بقدرته وجاء بالنهار مبصرا برحمته خلقا جدیدا
ونحن فی عافیته وسلامته وستره وجمیل صنعه مرحبا بخلق الله الکریم الجدید
والیوم العتید والملکین الشهید مرحبا بکما من ملکین کریمین وحیاکما الله من
کاتبین حافظین اشهدا کما فاشهدا لی واکتبا شهادتی معکما حتی القی بها ربی

انی اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله
ارسله بالهدی ودین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون
وان الدین کما شرع وان الاسلام کما وصف والقول کما حدث وان الله
هو الحق والرسول حق والقرآن حق والموت حق والمسائلة منکر ونکیر
فی القبر حق والبعث حق والصراط حق والمیزان حق والجنة حق والنار حق
والساعة آتیة لا ریب فیها وان الله باعث من فی القبور فصل علی محمد وآل
محمد واکتب اللهم شهادتی عندک مع شهادة اولی العلم بک یا رب ومن
ابی ان یشهد لک بهذه الشهادة وزعم ان لک ندا او لک ولدا او لک صاحبة
او لک شریکا او معک خالقا او رازقا فانا بری منه لا اله الا انت تعالیت
عما یقول الظالمون علوا کبیرا فاکتب اللهم شهادتی مکان شهادته واحینی
علی ذلک وامتنی علی ذلک وابعثنی علیه وادخلنی برحمتک فی عبادک الصالحین
اللهم صل علی محمد وآل محمد وصبحنی منک صباحا صالحا مبارکا میمونا لا خازیا
ولا فاضحا اللهم صل علی محمد وآل محمد وصبحنی منک واجعل اول یومی هذا صلاحا
واوسطه فلاحا وآخره نجاحا واعوذ بک من یوم اوله فزع واوسطه

جئنی واحشره وجع الالم صل علی محمد و آل محمد وارزقنی خیر یومی هذا وخیر ما فیه
وخیر ما قبله وخیر ما بعده واعوذ بک من شره وما فیه وشر ما قبله وشر ما
بعده اللهم صل علی محمد و آله وافتح لی باب کل خیر فتحته علی احد من اهل الخیر
ولا تغلقه عنی ابدا واغلق عنی باب کل شر فتحته علی احد من اهل الشر
ولا تفتحه علی ابدا اللهم صل علی محمد و آله واجعلنی مع محمد و آل محمد فی کل موطن
ومشهد ومقام ومحل ومرتحل وفی کل شدة ورخاء وفی کل عافیة وبلاء اللهم
صل علی محمد و آل محمد واغفر لی مغفرة عزما جزما لا تغادر لی ذنبا ولا خطیئة ولا اثما
اللهم انی استغفرک من کل ذنب تبت الیک منه ثم عدت فیه واستغفرک
بما اعطیتک من نفسی ولم اف لک به واستغفرک لما اردت به وجهک فخالطه ما لیس
لک فصل علی محمد و آل محمد واغفر لی یا رب ولوالدی وما ولدا وما ولدت وما توالدوا
من المؤمنین والمؤمنات الاحیاء منهم والاموات ولاخواننا الذین سبقونا بالایمان
ولا تجعل فی قلوبنا غلا للذین آمنوا ربنا انک رؤف رحیم الحمد لله الذی قضی عنی
صلوة کانت علی المؤمنین کتابا موقوتا ولم یجعلنی من الغافلین بعد از آن
سه بار یا چهار بار بگوید عقیب نماز صبح پیش از آنکه سخن کند الحمد لله ملاء المیزان

مستعجل

ومنتهی الرضا وزنة العرش وسبحان الله ملاء المیزان ومنتهی الرضا وزنة العرش والله اکبر
ملاء المیزان ومنتهی الرضا وزنة العرش لا اله الا الله ملاء المیزان ومنتهی الرضا وزنة
العرش وبعد از آن بگو اللهم انی اسئلک مسئلة العبد الذلیل ان تصلی علی محمد و آل محمد
وان تغفر لنا ذنوبنا وتقضی لنا حوائجنا فی الدنیا والآخرة فی یسر منک
وعافیة تمام اذکاری که در عقب نماز صبح می باید گفت چون فارغ شوی از
نماز صبح صد بار قل هو الله احد بخوان وصد بار بگو استغفر الله واتوب الیه وصد بار بگو
لا اله الا الله الملک الحق المبین وصد بار بگو سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله
والله اکبر وصد بار ما شاء الله کان لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصد بار بگو
بسم الله الرحمن الرحیم لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصد بار بسئال الله
العافیة وصد بار بگو استجیر بالله من النار وصد بار بگو اسئل الله الجنة وصد بار بگو
اسئل الله الحور العین وصد بار بگو اللهم قد رضیت بقضائک وسلمت لامرک
فتفضل علی بالحسنی والغنی ما احییتنی وصد بار بگو اللهم اوسع علی فی رزقی وامدد لی
فی عمری واغفر لی ذنبی واجعلنی ممن تنتصر به لدینک و اگر میسر نشود
تا که صد بار بگوئی هر یک از این ذکرها را ده بار بگو وبعد از آن پانزده توبه

تعقیب

در میان

بگو لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله ایمانا و صدقا لا اله الا الله تعبدا و رقا
والقدکه میتوانی بگو سبحان الله العظیم و بحمده استغفر الله و اساله من فضله
بدرستی که هر که این تسبیح بگوید زیاد کند خدای تعالی روزی او را و گفت حضرت
پیغمبر صلعم بزنانی که از مکه بمدینه هجرت کرده بودند که بر شما باد که لازم کردانید
بر خود تسبیح و تهلیل و تقدیس را و غافل مشوید تا فراموش نکنید رحمت حق را
و بشمرید بانگشتان خود تسبیح و تهلیل و تقدیس را بدرستی که ان انگشتان
سوال خواهند کرد و ایشان بسخن در خواهند امد و گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که کسی که نماز صبح بگذارد و نشست کند بر جای نماز خود تا بر امدن
آفتاب و مشغول شود بدعا و ذکر زودتر روزی میرسد باو از انکه بکجاه سفر کند
بجهت روزی دعای انچه میباید خواند وقت بیرون امدن از مسجد وقتی که خواهی
که از مسجد بیرون ائی بگو اللهم دعوتنی فاجبت دعوتک و صلیت مکتوبتک
و انتشرت فی ارضک کما امرتنی فاسئلک من فضلک العمل بطاعتک و اجتناب
معصیتک و الکفاف من الرزق برحمتک دعای انچه میباید گفت در وقت
برخاستن از جای نماز چون فارغ شوی از نماز صبح و غیره بگو سبحان ربک

رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین بدرستی که
گفت امیر المومنین علی علیه السلام که هر کس که خواهد که ثوابش بسیار باشد باید که
اخر مجلس او این باشد سبحان ربک رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین
و الحمد لله رب العالمین بدرستی که انکسی که این را بگوید در حشر هر سخنی او را بعدد
هر سخنانی ثواب و حسنه ایست و در وقت بیرون امدن از مسجد پای چپ
پیش نهد و بگو اللهم صل علی محمد و آل محمد و افتح لی باب فضلک و رحمتک یا ارحم الراحمین
و جهد کن که سخن نکنی پیش از بر امدن افتاب و مشغول باشی بدعا و قران خواندن
بدرستی که انکسی که بنشیند بر جای نماز خود بعد از نماز صبح تا بر امدن و مشغول باشد
بدعا و ذکر نگاه دارد خدای تعالی او را از اتش دوزخ و گفت امیر المومنین علیه
و گفت امیر المومنین علی که بحق خدای که سبب ذکر گفتن بعد از نماز صبح تا بر امدن
افتاب زودتر روزی میرسد که سبب جهاد و گفت جابر که ابو جعفر فرمود
که شیطان پراکنده می سازد لشکر شب را از وقت فرو رفتن افتاب
تا وقت فرو رفتن شفق و لشکر روز را از وقت طلوع صبح تا بر امدن افتاب
و نیز فرمود که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که بسیار ذکر بگوئید

درین وقت بدرستی که این دو ساعت ساعت غفلت است و گفت امام
جعفر صادق علیه السلام که خواب صبح شوم است و بطرف میکند روزی را
و زرد و زشت میسازد رنگ آدمی را و تغیر میدهد و خواب صباح خواب
کسی است که شوم است بدرستی که خدای تعالی قسمت میکند روزی را از طلوع
صبح تا برآمدن آفتاب پس حذر کنید از خواب کردن درین وقت و گفت
امام محمد باقر علیه السلام که خواب اول روز نادانی می آورد و خواب نیمروز
می افزاید نعمت را و خواب بعد از عصر حماقت می آورد و خواب میان شام
و خفتن محروم میکند بنده را از روزی و گفت امام رضا که مراد از مقسمات
که در قول خدای تعالی واقعست که فالمقسمات امرا فرشتهایند که قسمت
میکنند روزی بنی آدم را از طلوع صبح تا طلوع آفتاب پس کسی که درین وقت
خواب کند محروم شود از روزی و گفت معمر بن خلاد که امام رضا علیه السلام
وقتی که در خراسان بود چون نماز صبح میکرد اردی نشست بر جای نماز خود تا طلوع
آفتاب و بعد از ان برای آنحضرت خریطهٔ می آوردند که در ان مسواکها
آنحضرت مسواک میکرد به یک یک از ان مسواکها و بعد از ان مصطکی می آورد

و میخایید مصطکی را و بعد از ان مصحف مطلبید و قرآن میخواند **فصل سیم**
در فضیلت ذکر و صلوات فرستادن بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و استغفار
کردن و گریه کردن **در** فضیلت تسبیح و تهلیل و تحمید و تکبیر گفت ابو عبد الله
علیه السلام که رسول خدا متوجه اصحاب شد و گفت که فرا گیرید سپری اصحاب
گفتند یا رسول الله فرا گیریم سپری از جهت دشمنی که نزدیک شده است
بآنحضرت گفت نی ولیکن بگیرید سپری که نگاه دارد شما را از آتش دوزخ
اصحاب گفتند آن سپر کدام است آنحضرت فرمود که گفتن این تسبیح است که
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و نیز گفت که رسول خدا صلعم
فرمود که بسیار بگویید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر بدرستی که می آیند
این تسبیحات در روز قیامت در پیش و پس این تسبیحات فرشتها خواهند
بود و مراد از باقیات صالحات که در قرآن واقعست این تسبیحات است
و گفت ابو بصیر که ابو عبد الله فرمود که رسول خدای صلی الله علیه و آله روزی
گفت با صحاب که آیا اگر جمع کنند آنچه نزد شماست از جامها و ظرفها و بعضی
را بر بالای بعضی نهند با سمان میرسد گفتند نی یا رسول الله آنحضرت ایا

دلالت کنم شمارا بر چیزی که اصل و بیخ او در زمین باشد و شاخ او در آسمان
گفتند بلی یا رسول الله آنحضرت گفت که وقتی که فارغ شوید از نماز فریضه سی و سه
بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر بدرستی که اصل این تسبیحات
در زمین است و شاخ ایشان در آسمان و آنکسی که این تسبیحات بگوید ایمن شود
از خراب شدن خانه و دیوار بر سر او و از سوختن و غرق شدن و در چاه
افتادن و خوردن درنده و مردن بیوقت و آمدن بلاها از آسمان در آن روز
و این تسبیحات باقیات صالحات است و روایت کرده است ابو عبدالله
از پدران خود علیهم السلام که رسول خدا فرمود صلی الله علیه و آله که چهار خصلت است
که هر که با او باشد خدای تعالی او را از اهل بهشت می نویسد گفتن لا اله
الا الله او را پناه خود سازد و گفتن الحمد لله وقتی که خدای تعالی نعمتی به او دهد
و استغفار کردن وقتی که گناهی بکند و گفتن انا لله و انا الیه راجعون چون
مصیبتی باو برسد و نیز روایت کرده است ابو عبدالله از پدران خود علیهم
السلام که آمدند جماعتی از فقرا نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و گفتند یا رسول الله
توانگران بندگان آزاد میکنند و ما نداریم و مال دارند [illegible] میکنند

و ما نداریم و مال دارند که جهاد میکنند و ما نداریم آنحضرت گفت که آنکسی که صد بار
الله اکبر بگوید ثواب او بیشتر است از ثواب کسی که صد شتر همراه خود ببرد
بجهت قربانی و آنکسی که صد بار الحمد لله بگوید ثواب او زیاده است از ثواب
کسی که صد اسپ با زین و لجام و رکاب به راه خدا دهد که جهاد کنند و آنکسی که صد بار
لا اله الا الله بگوید عمل او فاضلتر و بهتر است از عمل مردمان دیگر در آن روز
مگر عمل کسی که زیاده از صد بار بگوید پس این حدیث به توانگران رسید
و ایشان نیز چنین کردند باز فقرا آمدند نزد رسول خدای صلی الله علیه و آله
و گفتند یا رسول الله آنچه فرمودی به توانگران رسید ایشان نیز بجا آوردند
آنحضرت گفت توانگران فضل و بخشش خدای تعالی است هر که میخواهد میدهد
و گفت ابو عبدالله علیه السلام که گفتن سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله
و الله اکبر دوست تر است نزد من از آنچه برو آفتاب بر آن یعنی از همه چیز
حمد گفتن خدای را گفت ابو عبدالله علیه السلام که رسول خدا فرمود
صلی الله علیه و آله که خدای تعالی را در هر روز سیصد و شصت
نوبت بعدد رگهائی که در بدن آدمی است باین طریق که الحمد لله کثیرا علی کل حال

و در حدیث و قصعت که در شب نیز رسیده و شصت نوبت میگفتی
این حمد را و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله اول کسانی که به بهشت
میروند آنکسانند که بسیار حمد گفته اند خدای تعالی را در وقت خوشحالی
و تنگی و روایتست که پرسیدند از رسول خدا صلی الله علیه و آله که باغهای بهشت
در دنیا کدام است آنحضرت فرمود که مجلس ذکر است پس اول روز و آخر روز
مشغولی کنید بذکر خدای تعالی و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که شکر هر
نعمت و اگرچه آن نعمت بزرگ باشد آنست که حمد گویند خدای تعالی را
بر آن نعمت و نیز گفت که هر نعمتی که از خدای تعالی بر آن نعمت و نیز گفت
که هر نعمتی که از خدای تعالی به بنده مومن برسد و آن بنده حمد گوید خدای
را بر آن نعمت آن حمد فاضلتر خواهد بود از آن نعمت و وزن او زیاده
خواهد بود از آن نعمت در ترازوی اعمال و روایتست که اسپ ابا جعفر
گم شد در میان مکه و مدینه آنحضرت گفت که اگر باز گرداند خدای تعالی
این اسپ را بسوی من شکر گویم خدای تعالی را بآنچه حق شکر است
چون یافت اسپ را سه بار گفت الحمد لله رب العالمین و بعد از آن سه بار

گفت شکر او و گفت ابو حمزه که ابو جعفر فرمود که آیا خبر دهم ترا بمجدی که کفایت کند
ترا گفتم بلی گفت بگو اللهم لک الحمد بمحامدک کلها علی جمیع نعمک کلها حتی ینتهی الحمد
الی ما تحب و ترضی و گفت ابو عبد الله علیه السلام که هر کسی که در وقت
صباح چهار بار بگوید الحمد لله رب العالمین بدرستی که شکر آن روز بجا آورده است
و هر کسی که در وقت شام چهار بار بگوید الحمد لله رب العالمین بدرستی که شکر آن
شب را بجا آورده است و گفت زید شحام که ابو عبد الله علیه السلام گفت
که هر کسی که بگوید الحمد لله کما هو اهله آن فرشتها که ثواب می نویسند بگویند
که بار خدایا نمیدانیم که ثواب این حمد چیست تا بنویسیم حق تعالی بگوید
بنویسید آنچه بنده گفته است و بر منست ثواب آن و گفت ابو عبد الله
علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر کسی که بگوید الحمد لله
بمحامده کلها ما علمنا منها و ما لم نعلم علی کل حال حمدا یوازی نعمه و یکافی مزیده
[illegible] جمیع خلقه خدای تعالی بگوید که مبالغه کرده است بنده من
در رضای من و من میرسانم او را برضای او از بهشت و روایتست که ابو
بروی نزد ابی عبد الله علیه السلام و گفت فدا شوم کردم من بسیار بر

شدم بیاموز مرا دعای جامعی که فایده وبهره دنیا وآخرت آنحضرت فرمود بگو
خدای تعالی را درستی که وقتی حمد بگوئی حق تعالی هر نماز گزاری که هست
دعا میکند برای تو در وقتی که سمع الله لمن حمده میگوید وگفت امیر المومنین علی
علیه السلام که رسول خدا فرمود که در بدن آدمی سیصد وشصت رگ است
که حرکت میکنند وصد وشصت ساکنند که حرکت نمیکنند پس اگر ساکن شوند
آن رگها که حرکت میکنند یا حرکت کنند آن رگها که ساکن اند آدمی
هلاک شود روایتست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله هر روز وقت طلوع
آفتاب سیصد وشصت بار میگفت الحمد لله رب العالمین کثیرا طیبا علی کل
حال تحمید خدای تعالی یعنی بزرگی یاد کردن خدای تعالی گفت زراره
که گفتم بابی جعفر علیه السلام که کدام عمل دوست تر نزد من خدا را
وگفت ابو عبد الله علیه السلام که خدای تعالی تحمید میکند خود را در
هر روز وشب سه بار پس کسی که تحمید کند خدا را تو با تحمید [illegible]
خدای تعالی خود را پس اگر بدبخت باشد خدای تعالی او را نیکبخت
کرداند وگفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که هر دعائی پیش از آن

تحمید

به ثناست آن دعا ناتمام است اول تحمید وبعد از آن دعا کنید او میگوید
که گفتم کمترین آنچه کافیست در تحمید کدام است آنحضرت گفت بگو اللهم انت
الاول فلیس قبلک شیء وانت الآخر فلیس بعدک شیء وانت الظاهر فلیس
فوقک شیء وانت الباطن فلیس دونک شیء وانت العزیز الحکیم تسبیح
گفت یونس بن یعقوب که گفتم بابی عبد الله علیه السلام که کسی که صد بار سبحان الله
بگوید آیا داخل آن کسانی میشود که بسیار ذکر گفته اند خدای تعالی را آنحضرت
گفت بلی وگفت ابو جعفر علیه السلام که کسی که سبحان الله بگوید هزار بار
تعجب خلق کنند خدای تعالی از این تسبیح هر حرفی که او را زبانی ودو بال باشد
وتسبیح گوید خدای تعالی را برای آن کس در میان تسبیحان تا روز قیامت
ومثل اینست گفتن الحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر وگفت امیر المومنین
علی علیه السلام که تسبیح نصف ترازوی اعمال را پر میکند وحمد ترازوی اعمال
را پر میکند وتکبیر میان زمین وآسمانها را پر میکند ونیز گفت که کسی که سه بار
بگوید در وقت شام سبحان الله حین تمسون وحین تصبحون وله الحمد فی السموات
والارض وعشیا وحین تظهرون فوت نشود از او هیچ چیزی در آن شب

ودفع شود از و بدیها و آنکسی که بگوید این تسبیح را در وقت صباح فوت نشود
از و هیچ خیری در آن روز و تسبیح بدی با و نرسد. تهلیل گفت ابن
عباس که رسول خدای صلی الله علیه و آله فرمود که بهشت کلمه دوست
نزد خدای تعالی از گفتن لا اله الا الله و هر بنده که لا اله الا الله بگوید و در وقت
گفتن بکشد آواز خود را چون فارغ شود گناهان او بپاشد در زیر
قدمهای او چنانکه برگ درخت در زیر درخت می باشد و گفت سکونی
که روایت کرده است ابو عبد الله از پدران خود علیهم السلام که رسول
خدا صلی الله علیه و آله فرمود که بهترین عبادتها گفتن لا اله الا الله است
و منقولست از کتاب عیون الاخبار که گفت امام رضا علیه السلام که
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که خدای تعالی را ستونیست از یاقوت
سرخ که سر آن ستون در زیر عرش است و پایه او بر پشت ماهی است
که در زیر هفتم طبقه زمین است پس هرگاه بنده لا اله الا الله بگوید عرش در
حرکت می آید و آن ستون و ماهی نیز در حرکت می آیند پس خدای تعالی
میگوید که ساکن شو ای عرش من عرش میگوید که چگونه ساکن شوم

و تو نیامرزیدی گوینده لا اله الا الله را و گفت جابر که ابو طفیل روایت کرده است
که امیر المومنین علی علیه السلام گفت که هر بنده مسلمانی که لا اله الا الله بگوید بالا رود
این کلمه و بشکافد آسمانها را و هر گناهی از گناهان او که بگذرد محو کند آن
گناه را تا آنکه برسد به حسنات او و بر پا شود و گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که گفتن لا اله الا الله بهای بهشت است یعنی هر بنده چون لا اله الا الله بگوید
خدای تعالی بعوض آن او را بهشت می برد و منقولست از کتاب ثواب
الاعمال که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که تلقین کنید کلمه لا اله الا الله را
بکسانی که نزدیک شده اند بمردن بدرستی که کلمه لا اله الا الله میریزاند گناهان را اصحاب
گفتند یا رسول الله آنکسی در حالت صحت این کلمه بگوید گناهان او میریزد
آنحضرت گفت بلی گناهان او بیشتر میریزد بدرستی که گفتن لا اله الا الله انیس میباشد
مومن را در حال حیوة و در وقت مردن و در وقتی که بر انگیخته شود از قبر و گفت
ابو عبد الله علیه السلام که آنکسی که صد بار لا اله الا الله بگوید فاضلترین مردمان است
از روی عمل در آن روز مگر آنکسی که صد بار بگوید یا زیاده و گفت زید بن ارقم
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که کسی که لا اله الا الله بگوید از روی عمل

واخلاق جمیل بهشت میرود و خلاص او باین کلامیست که اگر چیزی که حرام
کرده است خدای تعالی نکند و گفت ابو سعید الخدری که رسول خدای
صلی الله علیه و آله فرموده که گفتم من و انبیائی که پیش از من بوده اند
کلامی که ثواب او بیشتر باشد از ثواب کلمهٔ لا اله الا الله و گفت ابو عمران
العجلی که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده که هر مومنی که لا اله الا الله بگوید
محو میکند این کلمه این گناهانی را که در نامهٔ اعمال او ثبت شده است
تا آنکه برسد بحسنات در زیر آن تکبیر و خبر او گفت ابو حمزه ثمالی که شنیدم
از امام زین العابدین علیه السلام که میگفت که آنکسی که صد بار تکبیر بگوید در
شبانگاه ثواب وی برابر ثواب آنکسی است که صد بنده آزاد کرده باشد
و گفت امام رضا علیه السلام که پدر من علیه السلام میگفت که آنکسی که لا حول
و لا قوة الا بالله بگوید بگرداند خدای تعالی از آن نود و نه بلا را از
بلاهای دنیا که آسانترین آن بلاها خناق است خناق مرضی است
که در حلق پیدا میشود و بجهت خون و سبب آن [illegible] میشود و گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که آنکسی که صباح بیرون رود از خانهٔ خود و بگوید

لا حول و لا قوة الا بالله توکلت علی الله بگویند آن دو فرشته که موکل او اند بگویند
که کفایت شده مهمات تو و محفوظ شدی و راه راست یافتی پس شیطان
بگوید که چگونه است حال من بعد از آنکه او محفوظ شده باشد و کفایت
شده باشد و راه یافته باشد و گفت ابو عبد الله علیه السلام که آنکسی که ده بار
بگوید یا الله یا الله خدای تعالی بگوید لبیک چیست حاجت تو و
آنکسی که ده بار بگوید یا رب یا رب حق تعالی بگوید لبیک چیست حاجت تو و
آنکسی که هفتاد بار بگوید ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله بگرداند خدای تعالی
از او هفتاد نوع بلا را که آسانترین آن خناق باشد و روایت کرده است
ابو عبد الله علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که آنکسی که در هر روزی
سی بار بگوید لا اله الا الله الملک الحق المبین توانگری باو رو آورد و درویشی
بشتابد و باز کنند بر وی در بهشت و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که خانها
و آن خانها که ذکر خدای تعالی بگویند و خانهای که در آن ذکر خدای تعالی نگویند مانند مرده
و مرده [illegible] که هر قومی که بنشینند و ذکر خدای تعالی بگویند فرشتها
در گرد ایشان فرا آیند و بپوشانند ایشان را رحمت خدای تعالی فرو آید

مطالعه شد

لا حول و لا قوة

برایشان آرامش و ذکر کنند ایشان را نزد فرشتها و روایتست که پرسید
مردی از رسول خدا صلی الله علیه و آله که کدام صنف از صنفهای اسلام
افضل یعنی مر آنحضرت گفت بآن کز زبان تو همیشه مشغول باشد بذکر خدای تعالی
و منقولست از امالی شیخ ابی جعفر بابویه که گفت امیرالمؤمنین علی علیه السلام
که رسول خدا فرمود که پیشی گیرید بباغ بهشت در دنیا اصحاب گفتند یا
رسول الله باغ بهشت در دنیا کدام است آنحضرت گفت که حلقه ذکر است
و منقولست از کتاب فردوس که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که افضل
ذکر بگوئید خدای تعالی را اکثار تا دیوانه بگویند و منقولست از امالی شیخ
ابی جعفر بن بابویه که صاعقه نمیرسد بکسی که ذکر خدای تعالی میگوید و منقولست
از کتاب محاسن که روایت کرده است یونس بن عبدالرحمن که گفت
یکی از ائمه علیهم السلام به پسر خود گفت ای پسر من حذر کن از مجلسها پس اگر
ببینی که قومی ذکر میگویند خدای تعالی را با ایشان بنشین بدرستی که اگر عالم
باشی فایده میدهد بتو علم تو و دانش تو زیاده میکرداند ایشان علم و دانش ترا
و اگر جاهل باشی ترا عالم میکردانند و شاید که خدای تعالی رحمت کند برایشان

و تو با ایشان باشی و بتو نیز آن رحمت برسد و هرگاه ببینی قومی را که ذکر خدای
تعالی نمیگویند با ایشان منشین بدرستی که اگر عالم باشی فایده نمیدهد ترا
علم و دانش تو و اگر جاهل باشی زیاده میکنند ایشان جهل و نادانی ترا و
شاید که خدای تعالی بر ایشان عقوبت کند و آن عقوبت بتو
نیز برسد و منقولست از کتاب روضه که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که هر قومی که بنشینند و ذکر خدای تعالی بگویند ندا کند فرشته از آسمان
که برخیزید که سیئات شما بحسنات مبدل شد و آمرزید خدای تعالی
همه شما را و هر جماعتی از اهل زمین که بنشینند و ذکر خدای تعالی بگویند بنشینند
جماعتی از فرشتهها و نیز گفت که هر قومی که بنشینند و ذکر خدای بگویند فرشتهها
در گرد ایشان در آیند و خدای تعالی بر ایشان رحمت کند و فرود آید برایشان
آرامش و ذکر کند خدای تعالی ایشان را نزد فرشتگان و روایتست که پرسیدند
از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که باغهای بهشت در دنیا کدام است
آنحضرت فرمود که مجلسهای ذکر است پس صباح و شام بروید بمجلسهای
ذکر و ذکر بگوئید خدای تعالی را و صلوات فرستادن بر نبی و آل او علیهم السلام

و گفت ابو بصیر که فرمود ابی عبد الله علیه السلام که وقتی که نام حضرت پیغمبر
بشنوی بسیار صلوات بفرستید بر او بدرستی که هر کس یک نوبت صلوات
بفرستد بر پیغمبر هزار نوبت صلوات بفرستد خدای تعالی بر آن کس
در میان هزار صف از فرشتهها و آن فرشتگان نیز صلوات بفرستند
و هر مخلوقی از مخلوقات خدای صلوات بفرستد بر آن کس بجهت صلوات
فرستادن خدای تعالی و فرشتهها بر او پس آن کسی که رغبت نکند در صلوات
فرستادن بر پیغمبر صلی الله علیه و آله جاهل و مغرور است و خدا و رسول
از او بیزارند و روایت کرده است امام جعفر صادق علیه السلام از پدر
خود که رسول خدای فرمود که من در روز قیامت حاضرم آنجا که سنجند
عملهای بندگان پس آن کسی که زیاده باشد سیئات او بر حسنات آورند
صلوات آنکه فرستاده او بر من تا آنکه زیاده شود حسنات او بر سیئات
او و گفت حارث بن اعور که امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود که هر حاجت
که هست نمیرسد باجابت تا آنکه صلوات بفرستد بر محمد و آل او علیهم السلام
و گفت ابو عبد الله علیه السلام که یافتم در بعضی از کتابها که آنکسی که صلوات

بفرستد بر پیغمبر خدای صلی الله علیه و آله خدای تعالی بنویسد برای او
صد حسنه و آن کسی که صلوات بفرستد بر محمد و اهل بیت او بنویسد خدای تعالی
برای او هزار حسنه و گفت رسول خدا که نزدیکترین مردمان بمن در روز
قیامت آن کسانند که بیشتر صلوات فرستاده اند بر من و بخیل کل بخیل
آن کس است که نام مرا او مذکور شود و صلوات نفرستد بر من و گفت
که هر کس از امت من یکبار صلوات بفرستد بر من از روی اخلاص و حضور
دل ده صلوات بفرستد خدای تعالی بر او و ده درجه بلند کند اندر مرتبه او را
و بنویسد برای او ده حسنه و محو کند از نامه اعمال او ده گناه و گفت امام
جعفر صادق علیه السلام که رسول خدا فرمود که بلند کنید آواز خود را در وقت
صلوات فرستادن بر من بدرستی که صلوات فرستادن باین طریق می برد
نفاق را   استغفار و گریه کردن روایت است جعفر بن محمد از
پدران خود علیهم السلام که گفت رسول خدای صلی الله علیه و آله که هر دردی
را دوائی هست و دوای گناه استغفار است و گفت امیر المؤمنین علی
علیه السلام که عجب است از کسی که نا امید شود از رحمت خدای تعالی با

وحال آنکه بار دیگری باشد که نجات دهد او را از عذاب خدای تع
پرسیده شد از آنحضرت که آن چیز کدام است فرمود که استغفار است و
منقولست از کتاب فردوس که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که بهترین
اوراد بهشت که دوست میدارد حق تعالی او را آواز خروس و آواز کسی که
قرآن میخواند و آواز کسانی که استغفار میکنند در سحرها و گفت ابو جعفر
علیه السلام که هر کسی که صد بار استغفر الله بگوید در شب وقت خواب کردن
بریزد گناهان او در آن شب چنانکه میریزد برگ درختان در وقت خزان
و صباح کند و هیچ گناه نداشته باشد و نیز گفت که هر کسی که هفتاد نوبت
استغفار کند بعد از عصر بیامرزد خدای تعالی هفتصد گناه او را و اگر او را در آن
روز پس اگر او را گناهی نباشد هفتصد گناه از گناهان پدر او بیامرزد
و اگر پدر او را گناه نباشد از گناهان مادر او بیامرزد و اگر مادر او را نیز گناه نباشد
از گناهان برادر او بیامرزد و اگر برادر او را نیز گناهی نباشد از گناهان
خواهر او بیامرزد و اگر خواهر او را نیز گناهی نباشد از گناهان خویشان او که
نزدیکتر باشند باو بیامرزد و گفت اسمعیل بن سهل که نوشتم بابی جعفر

دوم علیه السلام که تعلیم فرما چیزی که هر گاه بگویم آن را با شما باشم در دنیا و
آخرت پس آنحضرت بخط مبارک خود نوشت که بسیار سوره انا انزلناه بخوان
و بسیار استغفار کن و روایت کرده است امام جعفر صادق علیه السلام
از جد خود علیه السلام که گفت رسول خدای صلی الله علیه و آله که خوشا حال
کسی که یافت شود در روز قیامت در نامه اعمال او بعد از هر گناهی استغفار
و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که هر گاه بنده بسیار استغفار کند
بالا میرود نامه اعمال او درخشنده و نیز گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله
برنمیخواست از مجلسی و اگر چه اندکی نشسته بود تا آنکه استغفار میکرد بیست
و پنج نوبت و نیز گفت که کسی که توبه کند از گناه همچنانست که هرگز گناه نکرده باشد
و کسی که گناه کند و استغفار نکند و همچنان مصر باشد بر گناه کردن گویا که استهزا
میکند و نیز گفت که بنده وقتی که گناهی میکند خدای تعالی باو مهلتی بدهد
و او استغفار نکند از آن گناه خدای تعالی او را اندک اندک نزدیک میسازد
بهلاک و عذاب و نیز گفت که بود از جمله سوگندهای حضرت پیغمبر
لا و استغفر الله و نیز گفت که هر مومنی که گناه کند نویسند آن گناه را تا

پس اگر استغفار کرد از آن گناه آن گناه را نمی نویسند و نیز گفت که
خدای تعالی گناه مومن را میپاید و میپوشد بعد از هفت و سه سال
تمامی سال تا آنکه استغفار کند از آن گناه و خدای تعالی او را بیامرزد
و نیز گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله که استغفار کردن و گفتن لا اله
الا الله بهترین عبادتهاست زیرا که خدای تعالی گفته است که فاعلم انه
لا اله الا الله و استغفر لذنبک یعنی بدان که معبود بحق نیست الا الله که
و استغفار و طلب آمرزش کن برای گناه خود و روایت است که مردی نزد امیر
المومنین علی علیه السلام گفت استغفر الله آنحضرت گفت مادرت که نوحه کناد
عادت بر تو آیا میدانی که استغفار چیست که استغفار کردن درجه بزرگانست
و استغفار بر شش معنی میکند اول پشیمانی از گناه گذشته دوم قصد
کردن که آن گناه را هرگز نکند سیم رسانیدن حق مردم بایشان تا آنکه
ملاقات کنی خدای تعالی را و کسی را حقی نباشد بر تو چهارم قصد کردن
که هر فریضه که از تو فوت شده باشد ادا کنی پنجم قصد کردن که گوشتی
که روئیده است از حرام بگدازانی آنرا بحزن و اندوه تا آنکه بچسبد

پوست بدن آن بهیچ تو با استخوان و گوشت تازه پیدا شود ششم چشانیدن
بدن را الم و مشقت طاعت چنانکه چشانیدی او را حلاوت و شیرینی
معصیت پس بعد از آنکه این کارها کرده باشی استغفر الله بگو و روایت است
از کتاب روضة الواعظین که گفت امیر المومنین علی علیه السلام که در زمین دو
چیز است که سبب امانست از عذاب خدای تعالی یکی مانده است و دیگر
نزد شماست پس چنگ در زنید بآنچه نزد شماست اما آنکه نمانده است
رسول خداست صلی الله علیه و آله که باقی است نزد شماست استغفار است
و قول خدای تعالی دلالت میکند بر آنکه این دو چیز امانست از عذاب
زیرا که گفته است که وما کان الله لیعذبهم و انت فیهم و ما کان الله معذبهم و هم
یستغفرون یعنی نیست خدای تعالی که عذاب کند ایشان را در حال آنکه تو ای
محمد در میان ایشان باشی و نیست خدای تعالی که عذاب کند ایشان را
در حال آنکه ایشان استغفار میکنند و نیز گفت که نیست خیر در دنیا مگر در دو کس
یک مردی که گناه کرده باشد و تدارک و تلافی او کند بتوبه و دیگر کسی که
شتاب کند در خیرات و آنکس که توفیق توبه کردن یافت محروم نمیشود از

و اما باقی

از قبول توبه و آنکسی که توفیق استغفار یافت محروم نمیشود از آمرزش و مصدق
این سخن قول خدای تعالیست و من یعمل سوءا او یظلم نفسه ثم یستغفر الله
یجد الله غفورا رحیما یعنی و هر که بدی بکند که از آن ضرر بغیر برسد یا ستم کند
بر نفس خود پس استغفار و توبه کند بیابد خدای تعالی را آمرزنده گناهان و مهربان
و قول خدای تعالیست انما التوبة علی الله للذین یعملون السوء بجهالة ثم یتوبون
من قریب فاولئک یتوب الله علیهم و کان الله علیما حکیما یعنی جز این نیست
که قبول توبه بر خداست برای کسانی که میکنند بدی را از نادانی پس توبه میکنند
و باز گشت می نمایند بخدای تعالی از زمانی نزدیک یعنی پیش از مردن
پس آن گروه که توفیق توبه یافته اند بعد از گناه توبه دهد خدای تعالی ایشان را و بیامرزد
و رحمت کند بر ایشان و خدای تعالی داناست بتوبه ایشان و حکم کننده است
بانچه تایبست ایشان عقوبت نباشد و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که رسول
خدا هر روز هفتاد نوبت استغفار میکرد کسی پرسید که چگونه است استغفار
میکرد آنحضرت گفت که هفتاد بار استغفر الله میگفت و هفتاد بار اتوب الیه
میگفت و گفت حسن بن جارک که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر که در عقب هر نماز

و فریضه پیش از آنکه بر گرداند پای خود را یعنی بهمان کیفیت که در حالت تشهد
بوده نشسته باشد بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم ذو الجلال
و الاکرام و اتوب الیه خدای تعالی بیامرزد گناهان او را اگر چه گناهان
برابر کف دریا باشد و روایت است که کسی که این استغفار را هر روز بگوید
خدای تعالی بیامرزد چهل گناه کبیره او را گریستن منقولست از کتاب
روضه که گفت حضرت پیغمبر صلعم که هر چشمی که هست خواهد گریست در روز
قیامت مگر سه چشم چشمی که گریه کرده باشد در دنیا از ترس خدا و چشمی که نگاه
نکرده باشد چیزهائی را که خدای تعالی بر او حرام کرده است و چشمی که بیدار باشد
در راه خدا و منقولست از کتاب عیون الاخبار که گفت امام رضا علیه السلام
که کسی که یاد کند مصیبت ما را که اهل بیتیم و بگرید یا بگریاند نگرید چشم او در روزی
که چشمها گریان باشند یعنی در روز قیامت و منقولست از کتاب روضة
الواعظین که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که پنج کس بسیار گریه کرده اند
آدم و یعقوب و یوسف و فاطمه بنت محمد و امام زین العابدین علیهم السلام
اما آدم علیه السلام چندان گریست در فراق بهشت که چو بیاد روی

او بیمار شد از گریه و اما یعقوب علیه السلام چندان گریست در فراق
یوسف علیه السلام که نابینا شد و گفتند باو که تالله تفتؤ تذکر یوسف حتی تکون
حرضا او تکون من الهالکین یعنی بخدای که همیشه بیاد او زاری یاد کنی
تا وقتی که بیمار شوی بیماری مشرف بر موت یا باشی از جملهٔ هلاک شدگان
و اما یوسف علیه السلام چندان گریست در مفارقت یعقوب علیه السلام که بتنگ
آمدند اهل زندان از گریهٔ او و گفتند باو که یا روز گریه کن و شب خاموش
باش پس صلح کرد با اهل زندان بیکی ازین دو و اما فاطمه بنت محمد صلی الله علیه وآله
چندان گریست بجهت پدر خود صلوات الله که اهل مدینه بتنگ آمدند و گفتند باو که
اذیت کشیدیم از بسیاری گریهٔ تو ای فاطمه [illegible] میرفت از مدینه و در بیرون
بر سر قبر شهیدان و میگریست آنقدر که میخواست و بعد از آن باز میگشت
و بمنزل خود آمد و امام زین العابدین علیه السلام بیست سال یا چهل سال گریست
بجهت امام حسین علیه السلام و هرگاه طعامی نزد آنحضرت می آوردند بسیار
میگریست تا آنکه یکی از خدمتکاران آنحضرت گفت یا ابن رسول الله
فدایت شوم می ترسم که از گریه کردن هلاک شوی آنحضرت گفت انما

اشکو بثی و حزنی الی الله و اعلم من الله ما لا تعلمون یعنی جز این نیست که
شکایت میکنم غم و اندوه خود را بخدای تعالی نه بشما و نه بغیر شما زیرا که کس
بیکسان و چاره ساز بیچارگان اوست و میدانم از خدای تعالی آنچه شما نمیدانید
بدرستی که هرگاه یاد میکنم موضعی را که بنی فاطمه شهید شدند بی اختیار گریه ام می آید
مرا و گفت موسی علیه السلام که بار خدایا چیست جزای کسی که اشک فرو ریزد
چشمان او از ترس تو حق تعالی گفت ای موسی جزای او بهشت است که نگاه دارم روی
او را از آتش دوزخ و ایمن گردانم او را از هول روز قیامت و گفت امام جعفر
صادق علیه السلام که چون وفات حضرت امام حسن نزدیک شد آنحضرت
گریست کسی گفت یا ابن رسول الله چرا گریه میکنی و حال آنکه میدانی که جای تو
نزدیک رسول خدای خواهد بود و حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله در حق تو گفت
آنچه گفت و تو بیست نوبت پیاده حج کرده و قسمت کرده مال خود را دو حصه
سه نوبت تا آنکه نعلین خود را نیز بر دو هم داده ای آنحضرت گفت که گریه
دو چیز میکنم هول روز قیامت و فراق دوستان الله و گفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه وآله که هر کسی که گریه کند بجهت گناه خود تا آنکه فرو ریزد اشک

برمحاسن او حرام کرده خدای تعالی روی او را بر آتش دوزخ و نیز گفت
که اگر کسی اشک بیرون آید از چشمهای برابر سر مگسی از ترس خدای تعالی ایمن گرداند
خدای تعالی او را در روز قیامت و منقولست از کتاب زهد امام جعفر صادق
علیه السلام که وحی کرد خدای تعالی بموسی که بندگان من نزدیک نمیشوند بمن بچیزی که
دوست تر باشد نزد من از سه خصلت حضرت موسی علیه السلام گفت
بار خدایا آن سه خصلت کدام است حق تعالی فرمود که زهد در دنیا و پرهیزکاری
از معصیتها و گریستن از ترس من گفت موسی علیه السلام که ای پروردگار من
چیست جزای آنکسانی که این سه خصلت داشته باشند خدای تعالی
وحی کرد و گفت ای موسی اما زهاد در دنیا حکم میکنم که ایشان را بهشت بر
فرو اما آنهای که گریسته اند از ترس من جای ایشان را از شراب بهشت میدهم که نیکو
نباشد با ایشان کسی و اما پرهیزکاران از گناهان پس درستی که من تفتیش
نمیکنم مردمان را و تفتیش کسی نمیکنم با ایشان و گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که چندان گریست یحیی بن زکریا علیهما السلام که رفت گوشت روی او از آب چشم
و استخوانهای روی خود تا آنکه آب چشم بر آن خد بگذرد و پس پدر او گفت

یا ولدی گریه ای پسر من طلب کردم ترا از خدای تعالی تا آنکه چشم من بتو روشن
شود یحیی علیه السلام گفت ای پدر من بدرستی که بر بالای دوزخ پل العقبه است
که نمیتوانند گذشتن از آن پل مگر کسی که بسیار گریسته باشد از ترس خدای تعالی
و می ترسم که چون از آن پل حرام بگذرم مگر آنکه شوم پس گریست زکریا علیه السلام
چندانکه بیهوش شد و گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که گریستن چشمها
و ترسیدن دلها از رحمت خدای تعالی است پس وقتی که چشم شما
گریان شود و در دل شما ترسی پیدا شود غنیمت شمرید دعا را در آن وقت و اگر
یک بنده بگرید در میان امتی رحم کند خدای تعالی بر آن امت بجهت گریه او
نیز گفت که هرگاه ترا گریه نیاید خود را بداری بگریه بزور پس اگر اشک بیرون آید از چشم
تو برابر سر مگسی بسیار پسندیده است و گفت محمد بن مسلم که شنیدم از امام
جعفر علیه السلام که میگفت که هر چیزی که هست او را کیل و وزنی هست مگر آب چشم
بدرستی که وقتی که چشم اشک بریزد حرام کرده اند خدای تعالی آتش دوزخ
بر او پس اگر روان شود اشک بر رخسار بنده شکی نه چنید در معاش
و خواری نه بیند هرگز و یک قطره از اشک فرو می نشاند دریاهای آتش

و اگر مردی بگرید در میان امتی خدای تعالی بر آن امت رحمت کند و گفت
ابراهیم علیه السلام که بار خدایا چیست جزای آنکه تر شود روی او باشک چشم
او از ترس تو حق تعالی میگوید که جزای او آمرزش و خشنودی منست و گفت
ابو جعفر علیه السلام که دعا کنید نزد برخاستن موی از بدن از ترس خدا و
نزد روان شدن اشک و نزد باریدن باران و وقتی که آفتاب در میان
آسمان باشد تا وقتی که آفتاب میل کند بجهت آنکه درین ساعتها درهای
آسمان گشوده میشود و وزیدن بادهاست از فرشتها و درین ساعتها امید
اجابت دعاست از خدای تعالی و گفت که تضرع و زاری بنده و رحمت
خدای تعالی باهم می باشند وقتی که بنده بگرید کند خدای تعالی را پس اگر روان
شود اشک از چشم او رحمت فرو می آید و خوب است پس غنیمت دانید در وقت
طلب حاجت او بسیار دهد بنده آنچه را که طلب میکند از خدای تعالی بدرستی که
آنچه نزد خدای تعالی بیشتر است از آنچه شما خیال کنید و حقیر شمرده اند کارها چیز را
کردارید بدرستی که دوست ترین دوستان نزد خدای تعالی آنکس است که طلب
بیشتر کند و آنچه خواهد ... بسیار از خدای تعالی طلب کند و گفت امام

محمد باقر علیه السلام که رفتم نزد پدر خود امام زین العابدین علیه السلام و آنحضرت
رسیده بود در عبادت بجایی که هیچکس بآن مرتبه نرسیده بود پس
دیدم که رنگ آنحضرت زرد شده است از بیخوابی و خسته شده است گوشت
چشم او از گریه و پیشانی او ورم کرده است از بسیاری سجده و ساقها و قدمهای
او نیز ورم کرده است بجهت ایستادن در نماز بی اختیار در گریه شدم
چون دیدم پدر خود را باین حال بجهت آنکه مرا رحم آمد و آنحضرت در فکر بود
بعد از ساعتی متوجه من شد و گفت ای فرزند من بده پاره ازین ورقها که
عبادت امیر المؤمنین علی علیه السلام در آن نوشته است پس دادم آن
ورقها را و آنحضرت خواند از آن ورقها اندکی و بعد از آن گذاشت آن ورقها
بجهت آنکه دلتنگ شد و گفت که کی قوت دارد که بجا آورد عبادت علی
بن ابی طالب علیه السلام و روایتست که امام زین العابدین علیه السلام
وقتی که وضو میساخت زرد میشد رنگ او پس پرسیدند از او که چه چیز است
که ترا بهوش میگیرد اندا آنحضرت گفت که آیا میدانید نزد کسی که مهیا میشود
برای ایستادن پیش او و روایتست که امام موسی علیه السلام بگریست

از بهر خدای تعالی تا آنکه ترسید محاسن مبارک آنحضرت با آب چشم او و در پایان
خانه نماند استخاره گفت امام جعفر صادق علیه السلام که وقتی که خواهی که
کاری بکنی مشورت نکنی به پروردگار خود کسی پرسید از آنحضرت که چگونه مشورت
کنم به پروردگار خود آنحضرت گفت که صد بار بگو استخیر الله و بعد از ان مشورت
کن با مردمان به درستی که آنچه خیر تست خدای تعالی جاری میسازد بر زبان
آنکسی که ترا دوست میدارد منقولست از کتاب محاسن که گفت حلبی که او عبیده
فرمود که مشورت را چهار حد است پس آنکس که بداند آن حدها را نفع او از آن مشورت
بیشتر از ضرر خواهد بود آنکه اول آنکسی که با او مشورت میکنی باید که عاقل باشد دوم
آنکه می باید که آزاد و با دیانت باشد سیم آنکه می باید که دوست تو باشد
و با تو حق برادری داشته باشد چهارم آنکه مطلع کردانی او را بر سر خود تا
دانش او بان کار چون دانش تو باشد و بعد از ان آنحضرت بیان کرد فایده
این چهار حد را و گفت که به درستی که آنکسی که با او مشورت میکنی هرگاه عاقل باشد
فایده می یابی بمشورت کردن با او و هرگاه آزاد و با دیانت باشد جهد میکند
در نیک خواهی تو و هرگاه دوست تو باشد و با تو حق برادری داشته باشد

می پوشد سر ترا و هرگاه مطلع کردانی او را بر سر خود و علم و دانش او بان کار
مثل علم و دانش تو باشد بان کار تمام میشود مشورت تو و کامل میشود نیکخواهی
او برای تو و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که مشورت کن با مردم عاقل پرهیزکار
به درستی که امر نمیکند ترا مگر بخیر و بپرهیز از خلاف کردن سخن مردم عاقل پرهیزکار
به درستی که خلاف کردن با ایشان هم در دین بد است و هم در دنیا و گفت
که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که مشورت کردن با مردم عاقل نیکخواه مبارک
و راه راست یافتن و توفیق است از خدای تعالی پس وقتی که عاقل نیکخواه
اشارت کند ترا بکاری و کاری بفرماید ترا بپرهیز از خلاف کردن با او به درستی
که خلاف کردن با او موجب هلاکت است و گفت حسن جهم که بودیم نزد امام رضا
علیه السلام پس ذکر کردیم پدر آنحضرت را امام رضا علیه السلام گفت با عقل
چه من برابری میکرد عقل دیگران و با وجود این بسیار از اوقات مشورت
میکرد با غلام سیاهی از غلامان خود کسی گفت با آنحضرت که مشورت میکنی
با اینطور کسی آنحضرت گفت که گاه باشد که این کار بگشاید بر زبان او و گفت
امام رضا علیه السلام که گاهی غلامان سیاه اشارت میکردند پدر من

و کار عمارت باغ و بستان و آنحضرت عمل میکرد بسخن ایشان و گفت
امام جعفر صادق علیه السلام که کسی پرسید از رسول خدا صلی الله علیه و آله
که زیرکی و دانائی در کار کدام است آنحضرت گفت مشورت کردن با کسی که صاحب
رای و عقل باشد و پیروی سخن او کردن و نیز گفت که حضرت پیغمبر صلعم فرمود
در وصیتی که کرد با امیر المؤمنین علی علیه السلام که نیست پناهی محکم تر از مشورت
و نیست عقلی مثل مصلحت اندیشیدن و نیز گفت که قاصر ساختن چیزی را که پیش
از آنکه محکم کرده شد آنچیز را موجب فساد آنچیز میشود و گفت یحیی بن عمران الحلبی
که ابو عبد الله علیه السلام فرمود که مشورت را چند حد است بعضی
که هر که نداند حدهای او را ضرر آن مشورت بیشتر از فایده او خواهد بود اول کسی
با او مشورت میکنند می باید که عاقل باشد دوم می باید که آزاد و با دیانت
باشد سیوم می باید که دوست تو باشد و با تو حق برادری داشته باشد
چهارم می باید که مطلع گردانی او را بر سر خود تا دانش او با آن کار بجود دانش
تو باشد و بعد از آن بیان کرد فایده از چهار چیز را پس گفت آنکسی که
با او مشورت میکنی هرگاه عاقل باشد فایده می یابی از آن مشورت و هرگاه

آزاد و با دیانت

آزاد و با دیانت باشد جهد میکند در نیکخواهی تو و هرگاه دوست تو باشد
و با تو حق برادری داشته باشد می پوشد سر ترا و هرگاه مطلع گردانی او را
بر سر خود و دانش او با آن کار بجود دانش تو باشد با آن کار جهد خواهد کرد
در نیکخواهی تو و تمام خواهد شد مشورت تو و روایت کرده است عثمان
بن عیسی که گفت که گفتم با ابی عبد الله علیه السلام که کیست دوستترین خلق نزد
خدای تعالی آنحضرت گفت که آنکسی که بیشتر اطاعت و فرمان برداری
خدای تعالی کند گفتم دشمن ترین خلق نزد خدای تعالی کیست گفت آنکسی که تهمت
کند خدای تعالی را گفتم آیا کسی تهمت میکند خدای تعالی را گفت بلی آنکسی که استخاره کند
بخدای تعالی در استخاره او بر وجهی بیاید که خیر او در آن باشد و آن کراهت
داشته باشد از آن و خشم گیرد بر او تهمت کرده باشد خدای تعالی را
و گفت عمار بن عثمان که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که طریق استخاره
اینست که چون دو رکعت نماز سنت صبح بگذاری در سجده آخر رکعت دوم صد بار
استخیر الله بگوی و یکبار حمد بگوی خدای تعالی را و صلوات بر نبی و آل او
علیهم السلام و بعد از آن پنجاه نوبت استخیر الله بگوی و بعد از آن

حمد بگوی خدای تعالی را و صلوات بفرستی بر نبی و آل او علیهم السلام و تمام کنی
صد بار که یکبار بی نخواه و یکبار دیگر استخیر الله بعد از ان حمد بگوی خدای تعالی
و صلوات بفرستی بر نبی و آل او علیهم السلام و روایتست که پرسید محمد بن
خالد القسری ابا عبد الله علیه السلام از کیفیت استخاره آنحضرت گفت که صد بار
بگو استخیر الله و برحمته و روایتست که امیر المؤمنین علی علیه السلام جهت استخاره
دو رکعت نماز میگزارد و صد بار میگفت در عقب آن نماز استخیر الله و بعد از ان
میگفت اللهم انی قد هممت بامر قد علمته فان کنت تعلم انه خیر لی فی دینی و دنیای
و آخرتی فیسره لی و ان کنت تعلم انه شر لی فی دینی و دنیای
و آخرتی فاصرفه عنی کرهت نفسی ذلک ام احبت فانک تعلم و لا اعلم و انت
علام الغیوب و بعد از ان قصد آن بکند و آن کار را پیش بگیرد و روایتست
که مردی گفت بابی عبد الله علیه السلام که فدای تو گردم بسیار است که من
کاری پیش میگیرم و پشیمان میشوم از ان کار آنحضرت گفت که چرا استخاره
نمیکنی آن مرد گفت فدای تو گردم چگونه استخاره کنم آنحضرت گفت که وقتی که نماز
سنت صبح بگذاری چون دو دست خود را برداری برابر روی خود بگو اللهم

انک تعلم و لا اعلم و انت علام الغیوب فصل علی محمد و آل محمد و خر لی فی جمیع
ما عزمت به من اموری خیارا برکت و عافیة منقولست از کتاب تهذیب
الاحکام که گفت معاویة بن میسره که ابو عبد الله علیه السلام فرمود که بنده که
هفت بار استخاره کند بخدای تعالی با این استخاره برساند خدای تعالی
باو آنچه خیر او است و این استخاره اینست یا ابصر الناظرین و یا اسمع
السامعین و یا اسرع الحاسبین و یا ارحم الراحمین یا احکم الحاکمین
فصل علی محمد و اهل بیته و خر لی کذا و کذا یعنی حاجت و کاری که
دارد نام برد و بعد از ان سجده کند و صد بار در ان سجده بگوید استخیر الله
برحمته استقدر الله فی عافیة بقدرته و بعد از ان طلب حاجت خود کند
بدرستی که چون چنین کند آنچه خیر او است باو خواهد رسید بر حال و باید که
تهمت نکند پروردگار خود را در ان کار که پیش می آید خواه آن چه او خواسته باشد
و خواه نباشد نماز استخاره روایتست که پرسید حسین بن
جهم از ابی الحسن علیه السلام برای سفر کردن ابن اسباط و ابن
اسباط حاضر بود آنحضرت گفت چه اندیشه میکنی برای ابن اسباط

ابن جهم گفت که چه اندیشه میکنی برای ابن اسباط که خانه گرو کرده ام راه دریا و خشکی
تا مصر و خبر داریم باینکه راه خشکی بهتر است آنحضرت گفت که بمسجد برو و در غیر
وقت نماز فریضه دو رکعت نماز بکند و صد بار استخاره کن بخدای تعالی
و بعد از ان نظر کن که چه چیز در دل تو می افتد با آن عمل کن گفت ابن
جهم که نزد من راه خشکی او را بهتر است او حضرت گفت که نزد من هم بهتر است
و منقول است از کتاب محاسن که گفت جابر که امام محمد باقر علیه السلام فرمود که
امام زین العابدین علیه السلام هر گاه قصد میکرد که حج کند یا عمره بگزارد
یا چیزی بفروشد یا بخرد یا آزاد کند طهارت میکرد و بعد از ان
دو رکعت نماز استخاره میکرد و در ین دو رکعت سوره فاتحه و حشر الرحمن
و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله میخواند و بعد از ان
میگفت اللهم ان کان کذا و کذا یعنی ذکر میکرد آن کار که میخواست بکند
خیرا لی فی دینی و خیرا لی فی دنیای و آخرتی و عاجل امری و آجله فیسره لی
رب اعزم لی علی رشدی و ان کرهت ذلک فاته نفسی عن ناحیته و دوست
که ابو عبد الله علیه السلام وقتی که میخواست که بنده یا جاریه بخرد یا طلب

کند

کند حاجت سبک یا چیزی آنکه هفت باره استخاره میکرد بخدای تعالی
باین طریق که میگفت استخیر الله و اگر طلب امری بزرگ میکرد صد بار
استخاره میکرد بخدای تعالی و دیگر برای استخاره مرازم که ابو عبد الله
علیه السلام گفت که وقتی که اراده چیزی کنید باید که دو رکعت نماز بکند و بعد
و حمد و ثنای خدای تعالی بگوید و بعد از ان صلوات بفرستد بر نبی و آل او
علیهم السلام و بعد از ان بگوید اللهم ان کان هذا الامر خیرا لی فی دینی
و دنیای فیسره لی و قدره و ان کان الامر علی غیر ذلک فاصرفه عنی گفت
مرازم که پرسیدم از ابی عبد الله علیه السلام که چه چیز بخوانم در ین دو رکعت
آنحضرت گفت که هر چه میخواهی بخوان و اگر میخواهی قل هو الله احد و قل
یا ایها الکافرون بخوان روز دیگر برای استخاره گفت اسحق بن عمار که گفتم
بابی عبد الله علیه السلام که بسیار است که من قصد کاری میکنم بعضی میگویند
که این کار را بکن و بعضی میگویند مکن آنحضرت گفت که هرگاه چنین باشد دو رکعت
نماز بکنید و صد و یکبار استخاره کن بخدای تعالی و بعد از ان منتظر باش
که کدام یک از ین دو چیز میکنی پس آن بکن به راستی که خیر در آنست

انشاء الله تعالی ولیکن استخاره می باید کرد در طلب عافیت باشد بدرستی که
بسیار است از خیر آدمی در بریدن دست او و مردن او و مردن
فرزندان او و رفتن مال او و هم دیگر برای استخاره گفت هرون بن خارجه
که ابو عبد الله علیه السلام فرمود که هرگاه خواهی که کاری بکنی بگیر شش پاره
کاغذ و در سه رقعه بنویس بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم
لفلان بن فلانة افعل یعنی نام آن کس که میخواهد بآن کار بکند و نام مادر او
بنویس و در سه رقعه دیگر بنویس بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم
لفلان بن فلانة لا تفعل و بعد از آن این رقعه ها را در زیر جای نماز خود
بنه و بعد از آن دو رکعت نماز بگزار چون فارغ شوی از نماز سجده کن و در سجده
صد بار بگو استخیر الله برحمته خیرة فی عافیة و بعد از آن بنشین و بگو اللهم
خر لی فی جمیع اموری فی یسر منک و عافیة و بعد از آن دست بزن
بر رقعها و پراکنده ساز آنها را و بیرون آور آن رقعه ها را یک یک
پس اگر سه رقعه بیرون آمد پی در پی که در آن افعل نوشته است
آن کار را بکن و اگر سه رقعه بیرون آمد پی در پی که در آن لا تفعل نوشته است

آن کار را مکن و اگر یکی بیرون آمد که افعل نوشته است و یکی لا تفعل
بیرون آر از آن رقعه ها تا پنج و نظر کن که افعل بیشتر است یا لا تفعل
هر کدام بیشتر است بآن عمل کن و رقعه ششم را بگذار و بیرون میار
که احتیاج باو نیست و گفت ابو جعفر علیه السلام که هرگاه امام زین
العابدین علیه السلام میخواست که حج کند یا عمره بگذارد یا بنده آزاد کند
یا چیزی بخرد یا بفروشد طهارت میکرد و دو رکعت نماز استخاره
میگزارد و در این دو رکعت سوره الرحمن و حشر میخواند چون فارغ میشد
از نماز دویست نوبت میگفت استخیر الله و بعد از آن قل هو الله و قل
اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس میخواند و بعد از آن میگفت
اللهم انی قد هممت بامر قد علمته وان کنت تعلم انه خیر لی فی دینی ودنیای
وآخرتی فاقدره لی وان کنت تعلم انه شر لی فی دینی ودنیای
وآخرتی فاصرفه عنی رب اعزم علی رشدی وان کرهت او احبت
ذلک نفسی بسم الله الرحمن الرحیم ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله
حسبی الله ونعم الوکیل نعم المولی ونعم النصیر و بعد از آن میرفت و آن کار

میکند دیگر برای استخاره روایت کرده است محمد بن یعقوب از علی
بن محمد که بعضی از اصحاب پرسید از بعضی ائمه معصومین علیهم السلام که کسی که
خواهد که کاری بکند و کسی نیابد که با او مشورت کند چه کند حضرت گفت که
باید که مشورت کند با پروردگار خود آن شخص گفت که چگونه مشورت کند حضرت
گفت که قصد کن آن حاجت را در دل خود و دو رقعه بنویس و در یکی
لا بنویس و در دیگری نعم و هر کدام علیحده در میان اندک گلی پنهان
کن و بعد از آن دو رکعت نماز بگزار و آن هر دو گل در زیر دامن خود بنه
و بگو یا الله انی اشاورک فی امری هذا و انت خیر مستشار و مشیر فاشر
علی بما فیه خیر و صلاح و حسن عاقبة و بعد از آن دست دراز کن و یکی
بردار پس اگر در آن رقعه که بیرون آوردی نعم باشد بکن آن کار را و اگر لا باشد
مکن و همچنین مشورت کن با پروردگار خود دیگر برای استخاره گفت جابر
بن عبد الله که رسول خدا صلی الله علیه و آله آموخت ما را استخاره همچنانکه
آموخت ما را استخاره و سوره از قرآن و گفت که هرگاه خواهید که کاری
بکنید باید که دو رکعت نماز بگزارید و بعد از آن بگویید اللهم انی استخیرک

بعلمک

بعلمک و استقدرک بقدرتک و اسئلک من فضلک العظیم فانک تقدر و لا
اقدر و تعلم و لا اعلم و انت علام الغیوب اللهم ان کنت تعلم هذا الامر نسمیه
خیرا لی فی دینی و معاشی و عاقبة امری فاقدره لی و یسره و بارک لی
فیه و ان کنت تعلم انه شر لی فی دینی و معاشی و عاقبة امری فاصرفه
عنی و اصرفنی عنه و اقدر لی الخیر حیث ما کان و رضنی به و منقول است
از کتاب محاسن که گفت مسعدة بن صدقه که شنیدم از امام جعفر صادق
علیه السلام که میگفت که باید که بجای اللهم انی استخیرک بعلمک و استقدرک
بقدرتک علیه بجهت آنکه در این قول که اللهم استخیرک بعلمک و استقدرک
بقدرتک هم خیر و هم شر هست بلی هرگاه خیر طلب کنید خیر و شر را در قول خود در
آنچه شر طلب کرده اید مستجاب خواهد شد برای شما و لکن باید که بگویید اللهم
انی استخیرک برحمتک و استقدرک الخیر بقدرتک علیه انک عالم الغیب و الشهادة
الرحمن الرحیم فاسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد کما صلیت و آل ابراهیم
انک حمید مجید ان هذا الامر الذی ارید خیر لی فی دینی و دنیای و آخرتی
فیسره و ان کان غیر ذلک فاصرفه عنی و اصرفنی عنه و گفت مسعده که امام

علی ابراهیم

جعفر صادق علیه السلام فرمود که بعضی از پدران من علیهم السلام در وقت
استخاره میگفتند اللهم لک الحمد و بیدک الخیر کله اللهم انی استخیرک برحمتک
واستقدرک الخیر بقدرتک علیه انک تقدر ولا اقدر وتعلم ولا اعلم وانت
علام الغیوب اللهم فما کان من امر هو اقرب من طاعتک وابعد من معصیتک
وارضا لنفسک واقضی بحقک فیسره لی وان کان غیر ذلک فاصرفه عنی واصرفنی
عنه فانک لطیف لذلک والقادر علیه و گفت عمر بن حرب که ابو عبد الله
علیه السلام فرمود که چون خواهی که استخاره کنی دو رکعت نماز بگزار و بعد از آن
استخاره کن بخدای تعالی بحق خدا که استخاره میکند بخدای تعالی [illegible]
مگر آنکه خدای تعالی خیر میدهد او را البته و دیگر نماز برای فال گرفتن از مصحف
چون خواهی که فال گیری از مصحف نماز جعفر بگذار و نماز جعفر چهار رکعت
است هر دو رکعت بیک تشهد و یک سلام در رکعت اول یکبار فاتحه بخوان و یکبار
اذا زلزلت و بعد از آن پانزده بار بگو سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله
والله اکبر و بعد از آن رکوع کن و در رکوع ده بار بگو سبحان الله والحمد لله ولا اله
الا الله والله اکبر و بعد از آنکه سر برداری از رکوع همین تسبیح را ده بار بگو و بعد از آن

سجده کن

سجده کن و همین تسبیح را ده بار بگو و چون سر از سجده اول برداری همین
تسبیح را ده بار بگو و باز سجده کن و در سجده دوم نیز همین تسبیح را ده بار بگو
و بعد از آن سر از سجده دوم برداری همین تسبیح را ده بار بگو و در رکعت
دوم یکبار فاتحه بخوان و یکبار سوره والعادیات و در رکعت سیوم یکبار فاتحه
و یکبار سوره اذا جاء بخوان و در رکعت چهارم یکبار فاتحه و یکبار قل هو الله
بخوان و آن تسبیح که مذکور شد بهمان کیفیت که در رکعت اول خواندی در رکعت
دوم و سیوم و چهارم بگو سبحان من لبس العز والوقار سبحان من
تعطف بالمجد وتکرم به سبحان من لا ینبغی التسبیح الا له سبحان من
احصی کل شیء علمه سبحان ذی المن والنعم سبحان ذی القدرة والکرم
سبحان ذی العزة والفضل سبحان ذی القوة والطول اللهم انی اسألک
بمعاقد العز من عرشک ومنتهی الرحمة من کتابک وباسمک الاعظم وکلماتک
التامات التی تمت صدقا وعدلا ان تصلی علی محمد واهل بیته وان تفعل بی کذا وکذا
و چون فارغ شوی از نماز تسبیح زهرا علیها السلام بگو و بعد از آن
این دعا را بخوان یا من لا یخفی علیه اللغات ولا تتشابه علیه الاصوات

يا من هو كل يوم في شأن يا من لا يشغله شأن عن شأن يا مدبر الامور
يا باعث من في القبور يا محيي العظام وهي رميم يا بطّاش ذو البطش الشديد
يا فعال لما يريد يا رازق من يشاء بغير حساب يا رازق الجنين والطفل
الصغير ويا راحم الشيخ الكبير ويا جابر العظم الكسير ويا مدرك الهاربين
ويا غاية الطالبين يا من يعلم ما في الضمير وما تكن الصدور ويا رب الارباب
ويا سيد السادات واله الآلهة وجبار الجبابرة ومالك الدنيا والآخرة
يا مجير للسارقة النباتات يا مكرن عجم الثمار اسالك باسمك الذي لا يقوم له شيء
ولا تقوم له الارض ولا السماء واسالك باسمك الاعظم الذي تشقق من عظمتك و
اسالك بعظمتك التي تشققت من كبريائك واسالك بكبريائك التي
تشققت من كينونتك واسالك بكينونتك التي تشققت من جودك
واسالك بجودك الذي تشقق من عزك واسالك بعزك الذي تشقق من كرامتك
واسالك بكرمك الذي تشقق من رحمتك واسالك برحمتك التي تشققت
من رافتك واسالك برافتك التي تشققت من حلمك واسالك بحلمك
الذي تشقق من لطفك واسالك بلطفك الذي تشقق من قدرتك

واسالك باسمائك كلها واسالك باسمك المهيمن العزيز القدير على ما يشاء
من امرك يا من سمك السماء بغير عمد واقام الارض بغير سند وخلق الخلق
من غير حاجة اليهم الا افاضة لاحسانه ونعمته وابانة لحكمته واظهار القدرة
اشهد يا سيدي انك لم تانس باحد اعانهم لاجل وحشة لتفردك ولم تستعن
بغيرك على شيء من امرك اسالك بغناك عن خلقك وبحاجتهم اليك وفقرهم وفاقتهم
اليك ان تصلي على خيرتك من خلقك محمد واهل بيته الطيبين الراشدين
وان تجعل لعبدك الذليل بين يديك من امره فرجا ومخرجا يا سيدي
صل على محمد وال محمد وارزقني الخوف منك وخشيتك ايام حياتي سيدي
ارحم عبدك المرتهن بعمله يا سيدي انقذ عبدك الغريق في بحر الخطايا يا سيدي
ارحم عبدك المقر بذنبه وجرأته عليك يا سيدي الويل قد حل ان لم
ترحمني يا سيدي هذا مقام المستجير بعفوك من عقوبتك هذا مقام المسكين
المستكين هذا مقام الفقير البائس الحقير المحتاج الى ملك كريم يا وليتني من
الغفلة عما يراد بي يا سيدي هذا مقام المذنب المستجير بعفوك من عقوبتك
هذا مقام من انقطعت حيلته وخاب رجاؤه الا منك هذا مقام الاتقى

ان تيسر في مقام الطلب تشهد يا سيدي الخلق عبرتي يا مقيل العثرات
يا سيدي اعطني سؤلي سيدي ارحم بدني الضعيف وجلدي الرقيق
الذي لا يقوى لحر النار يا سيدي ارحم في فاقتي عبدك ابن
عبدك جئت بين يديك وفي قبضتك ناصيتي بالخروج من سلطانك
سيدي وليس لي بالنجاة ولا انتصار الا لديك وكيف لي بالرحمة
ولا انتصار الا من عندك يا الهي لا ملجأ ولا منجا لا تقنطني وبديع مزيد الفضل
وبك انزلت حاجتي واليك شكوت على نفسي بك استغثت في غفلتي وانقذني
برحمتك مما احضرت عليك سيدي يا ويلتا اين اهرب منك الخلائق
كلهم في قبضتك والنواصي كلها بيدك يا سيدي منك هربت ووقفت
بين يديك متضرعا اليك راجيا ما عندك لديك يا الهي وسيدي حاجتي التي
ان اعطيتنيها لم يضرني ما منعتني وان منعتنيها لم ينفعني ما اعطيتني اسألك
فكاك رقبتي من النار سيدي قد علمت وايقنت انك اله الخلق والملك
الحق الذي لا اله الا هو لا شريك له يا سيدي انا عبدك مقر لك بوحدانيتك
وبوجود ربوبيتك انت الله الذي خلقت خلقك بلا مثال ولا تعب

في المطلب

ولا نصب انت المعبود غيرك اسألك باسمك الذي تحشر به الموتى
الى المحشر يا من لا يقدر على ذلك احد غيره واسألك باسمك الذي تحيي به
العظام وهي رميم ان تغفر لي وترحمني وتعافيني وتعطيني وتكفيني يا من اشهد انه
لا يقدر على احد غيرك يا من امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون
يا من احاط بكل شيء علما واحصى كل شيء عددا اسألك ان تصلي على محمد وآل محمد عبدك
ورسولك ونبيك وخاصتك وصفيك وخيرتك من خلقك وامينك على وحيك
وموضع سرك ورسولك الذي ارسلته الى عبادك وجعلته رحمة للعالمين ونورا
استضاء به المؤمنون فبشر بالجزيل من ثوابك وانذر بالاليم من عقابك
اللهم فصل عليه بكل فضيلة من فضائله وبكل منقبة من مناقبه ومن كل حال من حالاته
وبكل موقف من مواقفه صلوة تكرم بها وجهه واعطه الدرجة والوسيلة والرفعة
والفضيلة الى غايتها اللهم صل على اهل بيته ائمة الهدى ومصابيح الدجى وامنائك
في خلقك واصفيائك في عبادك وحججك في ارضك ومنارك في بلادك
الصابرين على بلائك الطالبين رضاك الموفين بوعدك غير
شاكين ولا جاحدين في عبادك واوليائك وسلائل اوليائك وخزان

علیک الذین جعلتهم مصابیح الهدی و نور الدجی علیهم صلواتک و رحمتک و رضوانک
اللهم صل علی محمد و آل محمد و علم بشارتک فی عبادک الداعی الیک باذنک القائم
بامرک المؤدی عن رسولک صلی الله علیه و آله و سلم اللهم اذا اظهرته فانجز له ما
وعدته و سق الیه اصحابه و انصره و قو ناصریه و بلغه افضل امله و اعطه
و اعطه سؤله و جدد به عن محمد و اهل بیته بعد الذل الذی قد نزل بهم بعد
نبیک فصاروا مقتولین مطرودین مشردین خائفین غیر آمنین لقوا فی
جنبک الاذی ابتغاء مرضاتک و طاعتک و التکذیب فصبروا علی ما عابهم
فیک راضین بذلک مسلمین لک فی جمیع ما ورد علیهم و ما یرد الیهم اللهم عجل فرج
قائمهم بامرک و انصره و ینصر الذین غیروا و بدلوا و جدد به ما امتحی و بدل بعد نبیک
اللهم صل علی جمیع المرسلین و النبیین الذین بلغوا عنک الهدی و اعتقدوا لک
المواثیق بالطاعة اللهم صل علیهم و علی ارواحهم و اجسادهم و السلام علیهم
و رحمة الله و برکاته اللهم صل علی ملائکتک المقربین و اولی العزم من انبیائک
المرسلین و عبادک الصالحین اجمعین یا ارحم الراحمین و اعطنی سؤلی فی
دنیای و آخرتی یا ارحم الراحمین اللهم کما دعوتک لنفسی فعاجل الدنیا و آجل

الآخرة

الآخرة فاعط جمیع اهلی و اخوانی فیک و جمیع شیعة آل محمد المستضعفین
فی ارضک من عبادک الخائفین منک الذین صبروا علی الاذی و التکذیب
فیک و فی رسولک و اهل بیته علیهم السلام افضل ما یاملون و افضل ما امّهم یا ارحم
الراحمین اللهم ارحم غربتنا و احبنا الکئیب و اجمع بیننا و بینهم یا ارحم الراحمین
بعد از آن مصحف بردارد و قصد کند ظهور صاحب الزمان را در اول و در دو
دوم که فال میگیری نیز قصد کن و بعد از آن بگو اللهم ان کان فی قضائک
عن ولیک و حجتک فی خلقک فی عامنا و شهرنا هذا فاخرج لنا راس آیة
من کتابک نستدل بها علی ذلک و بعد از آن بگشا مصحف را و هفت
ورق بشمر و از پشت ورق هفتم ده سطر بشمر که بچه چیز می آید در سطر یازدهم
و بعد از آن همین کار کن برای خود به دستی که ظاهر میشود حاجت تو ان شاء الله
فرستنده از کتاب تهذیب الاحکام که گفت بسیع قمی که گفتم با بی عبدالله علیه السلام
که گاهی اراده چیزی میکنم و استخاره میکنم در آن چیز خدا رتو و توفیق نمی یابد
که من آن کار بکنم یا نکنم گفت ابی عبدالله گفت که وقتی که برخیزی با نماز
نماز و آن وقتی است که شیطان دور میشود از آدمی نظر کن هر چه اول بتو آن

[illegible]

[illegible]

چیزی در دل خود نگاه دارد و بگشا مصحف را و نظر کن باول چیزی که می‌بینی در مصحف
پس آن کار کن که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که انگشتری خود را بدر بیرون آرد
از خانه شود و بگرد انگشتری را و نگین را جانب کف دست کند و سورهٔ
انا انزلناه بخواند و بعد از آن بگوید آمنت بالله وحده لا شریک له آمنت
بسر آل محمد و علانیتهم نه چندان روز هیچ نکردی   نماز حاجت
سماعة بن مهران از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که وقتی که شما را خواهید
طلب مطلبید و چیزی میدهید و هرگاه حاجتی دارید بسلطان رشوت
میدهید دربانان سلطان را و چیزی بایشان پس ایشان اگر شما را
کار سختی پیش باید که رجوع کنید بخدای تعالی و طهارت کنید و چیزی بصدقه
بدهید و خواه کم باشد و خواه بسیار بعد از آن بمسجد بروید و دو
رکعت نماز بگذارید و حمد و ثنای حق تعالی بگویید و صلوات بر نبی اکرم
و اهل بیت او علیهم السلام و بعد از آن بگویید اللهم ان عافیتنی و احسانت
من کند و کند چنین تا آخر بر بعد که از آن می‌رسید بر بستهٔ که چون
چنین کنید خدای تعالی شما را نجات میدهد   نماز دیگر برای حاجت چون

از قل هو الله

چون حاجتی داشته باشی وقتی که نصف شب شود غسل کن و دو رکعت
نماز بگزارد و در هر رکعتی یکبار فاتحه و پانصد بار قل هو الله احد بخوان چون
و در رکعت دوم نیز و که چون فارغ شوی الله اکبر سورهٔ حشر را بخوان
کلا یستوی اصحاب النار و اصحاب الجنة تا آخر سوره و شش
آیه از اول سورهٔ حدید که بسم الله الرحمن الرحیم سبح لله ما فی السموات
والارض و هو العزیز الحکیم له ملک السموات والارض تا آنجا که و هو علیم بذات
الصدور و بعد از آن ایستاده هزار بار بگو ایاک نعبد و ایاک نستعین
و بعد از آن بکن رکوع و سجود کن و تشهد بخوان و ثنا بگو بر خدای تعالی
که حاجت تو بر آورده میشود و اگر حاجت تو بر آورده نشود مرتبه
دوم این کار بکن و اگر در مرتبه دوم نشود در مرتبهٔ سیم این کار بکن
دیگر برای حاجت از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که وقتی که
کرد دیگر حاجتی ضروری باشد بخدای تعالی روز چهارشنبه و پنجشنبه
و جمعه این سه روز را پی در پی روزه دار چون روز جمعه شود غسل کن
و جامهٔ پاکیزه نو بپوش و بعد از آن بر بلندترین بام سرای خود

بالا رو و در ان حال دو رکعت نماز بگذار و بعد از ان دست خود را بجانب آسمان
و بگو اللهم انی احللت بساحتک بمعرفتی بوحدانیتک و صمدانیتک
وانه لا قادر علی حاجتی غیرک و قد علمت یا رب انه کلما تظاهرت
نعمک علی اشتدت فاقتی الیک و قد طرقنی هم کذا و انت بکشفه
عالم غیر معلم واسع غیر متکلف فاسئلک باسمک الذی وضعته علی الجبال
فنسفت و علی السماء فانشقت و علی النجوم فانتثرت و علی الارض
فسطحت و اسئلک بالحق الذی جعلته عند محمد و عترته ان تصلی علی محمد و
آل محمد و ان تقضی حاجتی و ان تیسر لی عسیرها و تکفینی مهمها فان فعلت
فلک الحمد و ان لم تفعل فلک الحمد غیر جائر فی حکمک و لا متهم فی قضائک
و لا حایف فی عدلک و بعد از ان روی خود را بر زمین بنه و بگو اللهم
ان یونس بن متی عبدک دعاک فی بطن الحوت فاستجبت له و انا
عبدک ادعوک فاستجب و بعد از ان گفت ابی عبد الله علیه السلام
هر وقتی که مرا حاجتی باشد این عمل میکنم و این دعا میخوانم حاجت
من بر آورده میشود تا دیگر برای حاجت روایت از موسی بن جعفر علیه السلام

که گفت که هر گاه ترا کاری بزرگ پیش آید تصدق کن در ان روز بشصت
مسکین هر مسکینی نصفی پیمانه بپیمانه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله از
خرما یا گندم یا جو پس هر گاه شب شود غسل کن در ثلث آخر شب
و بعد از ان بپوش ادنی چیزی که می پوشند او را و لنگی ببند و بعد از ان
دو رکعت نماز بگذار در رکعت اول فاتحه و قل هو الله احد بخوان و در
رکعت دوم فاتحه و قل یا ایها الکافرون بخوان چون در رکعت آخر سجده
بنهی لا اله الا الله بگو و بپاکی و بزرگی یاد کن خدا را بعد از ان یاد کن
گناهان خود را و اقرار کن تمام گناهان خود آنچه دانی و بعد از ان
سر خود را از سجده بردار چون سر از سجده دوم نهی صد بار بگو اللهم انی
استخیرک بعلمک و بعد از ان بخوان خدای تعالی بآنچه میخواهی از نامهای
او و بعد از ان بگو یا کاین قبل کل شی یا مکون کل شی یا کاین بعد کل شی
افعل بی کذا و کذا یعنی حاجت خود را نام بر و هر گاه استخاره کنی هر دو
زانوی خود را بر زمین بنه و بردار لنگ خود را تا برهنه شود هر دو زانو
تو و لنگ از میان ران خود بگذار بدرستی که هر گاه چنین کنی امید دارم

کرده‌ای بر آورده شود حاجت تو ان شاء الله تعالی واشهدا لکن الصلوات
بر پیغمبر و آل او علیهم السلام بجا آ و دیگر برای حاجت روایت است از امام رضا
که گفت وقتی که اندوهی بکسی برساند ترا کاری دو رکعت نماز در رکعت اول فاتحه
و آیة الکرسی بخوان و در رکعت دوم فاتحه و انا انزلناه بخوان و بعد از آن
بگیر مصحف را و ببردار بر بالای سر خود و بگو اللهم بحق من ارسلته الیه
خلقک و بحق کل آیة فیه و بحق کل من مدحته فیه علیک و بحقک علیک
ولا نعرف احدا اعرف بحقک منک و ده بار بگو یا سیدی یا الله و ده
بار بگو بحق محمد و ده بار بگو بحق علی و ده بار بگو بحق فاطمه و تمام هریک از ائمه را
باین طریق ده بار بگو تا صاحب الزمان بدرستی که هرگاه چنین کنی و هنوز
از جای خود بر نخواسته باشی که خدای تعالی حاجت برآورد و دیگر برای حاجت
که گفت مقاتل بن مقاتل که گفتم بامام رضا علیه السلام که فدای تو گردم تعلیم
نما مرا سببی بجهت بر آمدن حاجت آنحضرت گفت که هرگاه ترا حاجتی روی دهد
با خدای تعالی غسل کن و جامه پاک بپوش و چیزی از بوی خوش
بکار و بجای رو که میان تو و آسمان حایلی نباشد و دو رکعت نماز بگزار

باین کیفیت که افتتاح کن نماز و یکبار فاتحه و قل هو الله بخوان الطریق نماز
تسبیح بگزار این نماز و فرق میان نماز تسبیح که او را نماز جعفر گذشت
و کیفیت گزاردن آن از پیش گذشت و میان این نماز آنست که درین نماز
قل هو الله احد پانزده بار می باید خواند بعد از فاتحه در رکوع و بعد از رکوع
و در سجود و بعد از سجود و در نماز تسبیح بعد از سوره پانزده بار تسبیح می باید
گفت و در رکوع ده بار تسبیح می باید گفت و همچنین بعد از رکوع و در سجود
و بعد از سجود ده بار تسبیح می باید گفت و بعد از نماز سجده کن و در سجده
بگو اللهم ان کل معبود من لدن عرشک الی قرار ارضک فهو باطل سواک
فانک انت الله الملک الحق المبین اقض لی حاجتی کذا و کذا الساعة الساعة
و مبالغه کن در هر چیزی که میخواهی چون حاجت ترا برآورده شود دو رکعت
نماز شکر بگزاری روایت کرده است هارون بن خارجه از ابی عبد الله علیه السلام
که گفت در بیان نماز شکر که وقتی که نعمتی بدهد خدای تعالی بتو دو رکعت نماز بگزار
در اول فاتحه و قل هو الله بخوان و در رکعت دوم فاتحه و قل یا ایها الکافرون
و در رکوع و سجود در رکعت اول بگو الحمد لله شکرا شکرا و حمدا در رکوع و سجود

رکعت دوم بگو الحمد لله الذی استجاب الدعائی و اعطانی مسألتی
از کتاب روضة الواعظین که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که عافیت
نعمتیست پنهانی که مردمان که غافل ازو و قدر او نمی‌دانند پس هرگاه
عافیت داری فراموش مکن ازو و هرگاه عافیت نداری یاد کن
او را و عافیت نعمتیست که عاجزند مردمان از شکر گفتن او
امام زین العابدین علیه السلام که کسی که الحمد لله بگوید بدرستی که بجا
آورده است شکر هر نعمتی که خدای تعالی باو داده است نماز عفو هرگاه
بیابی در نفس خود اندوهی درین وقت نماز عفو بگزار و این نماز دو رکعت است
در هر رکعتی یکبار فاتحه و انا انزلناه بخوان و بعد از قرائت پانزده نوبت
بخوان رب عفوک عفوک و بعد از ان رکوع کن و در رکوع ده نوبت بگو
همچنین او نماز کن این دو رکعت مثل نماز جعفر و طریق نماز جعفر از پیش گذشته
یعنی باین کیفیت بگزار که چون سر از رکوع برداری همین ده بار بگو
و در سجدهٔ اول و دوم نیز ده بار بگو و چون سر از اول و دوم برداری
همین ده بار بگو و رکعت دوم را نیز باین کیفیت بگزار نماز جهت وسوسه

گفت

نفس بر (...) از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که هر مومنی که چهل صباح
برو بگذرد و وسوسه در نفس او پیدا شود پس باید که دو رکعت نماز بگزارد و
پناه جوید بخدای تعالی از وسوسهٔ نفس پس جبرئیل علیه السلام فرود آمد
و گفت بگو لا حول و لا قوة الا بالله حضرت آدم علیه السلام این کلمه را و وسوسه
نفس ازو رفت پس گفت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که این است
که لا حول و لا قوة الا بالله یعنی جهت این نازل شده است از آسمان که امام محمد
باقر علیه السلام گفت که آمد مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله که شکایت
کرد از وسوسه نفس و از بسیاری قرض و درویشی پس گفت رسول خدا
با او که پس بگو توکلت علی الحی الذی لا یموت و الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن
له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا آن مرد تکرار کرد این
چند بار و اندک زمانی برآمد که نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت
یا رسول الله رفت از من وسوسه نفس و ادا شد قرض من و توانگر شدم
استغفار و طلب روزی آمده از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت که
وقتی که در معاش تو تنگی پیدا شود و در کار تو دشواری پدید آید عرض کن

یا آدم

بخدای تعالی حاجت خود را و نماز استغفار بگزار و این نماز دو رکعت است
باین کیفیت که تکبیر احرام بگو و در هر رکعتی فاتحه و انا انزلناه یکبار بخوان
و بعد از قراءت پانزده بار بگو استغفر الله و بعد از ان رکوع کن و ده بار
بگو استغفر الله و این نماز را بطریق نماز جعفر بکن تا خدای تعالی اصلاح
آورد جمیع کارهای ترا ان شاء الله تعالی نماز بجهت کفایت مهمات
مرویست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که چون ترا مهمی پیش آید
دو رکعت نماز بگزار و سلام بده و سجده کن و حمد و ثنای بگو خدای تعالی
را و صلوات بفرست بر نبی و آل او علیهم السلام و صد بار یا محمد یا جبرئیل
اکفیانی بما انا فیه فانکما کافیان احفظانی باذن الله فانکما حافظان
روایت کرده اند که هر که انا انزلناه را پنج بار بر قندی آبی بخواند و آن آب را بر جامه
خود بیفشاند و بپوشد فراخ روزی باشد تا آنگاه که آن جامه کهنه شود نماز
آنکسی که او را اندوه و غمی رسیده باشد یا او را حاجت باشد بخدای تعالی
روایت است از امام رضا علیه السلام که گفت که چون ترا غمی رسد یا حاجتی
داشته باشی بخدای تعالی دو رکعت نماز بگزار در هر رکعتی یکبار فاتحه و سیزده بار

انا انزلناه بخوان چون فارغ شوی از نماز سجده کن و بگو اللهم یا فارج الهم
و یا کاشف الغم و مجیب دعوة المضطرین و رحمن الدنیا و رحیم الآخرة صل علی
محمد و آل محمد و ارحمنی رحمة تطفئ بها عنی غضبک و سخطک و تغنینی بها عن رحمة
من سواک و بعد از ان روی راست خود را بر زمین بنه و بگو یا مذل کل جبار
و معز کل ذلیل و حقک بلغ المجهود منی فی امر کذا ففرج عنی و بعد از ان
پیشانی را بر زمین بنه و همین را بگو بدرستی که حق تعالی برطرف می‌کند غم و اندوه ترا
و بر می آورد حاجت ترا نماز برای رستگاری از شدت روایت از امیر المؤمنین
علی علیه السلام که گفت که چون ترا شدت پیش آید دو رکعت نماز بگزار در رکعت
اول فاتحه و هزار بار قل هو الله احد بخوان و در رکعت دوم فاتحه و یکبار قل هو الله
بخوان و بعد از ان تشهد بخوان و سلام بده و بخوان دعای فرج را و دعای فرج
اینست اللهم یا من لا تراه العیون و لا تخالطه الظنون یا من لا یصفه الواصفون
یا من لا یغیره الدهور یا من لا یخشی الدوائر یا من لا یذوق الموت یا من لا
یخشی الفوت یا من لا یضره الذنوب و لا تنقصه المغفرة یا من یعلم مثاقیل
الجبال و کیل البحور و عدد الامطار و ورق الاشجار و دبیب الذر و الانوار

عن سمائك والارض عن ارضها ولا يحجب عنك ماء قعره ولا جبل ما في وعره تعلم خائنة الاعين
وما تخفي الصدور وما اظلم عليه الليل واشرق عليه النهار اسالك باسمك المخزون
المكنون الذي في علم الغيب عندك الذي اختصصت به نفسك من اسمائك
استأثرت به فانك انت الله لا اله الا انت وحدك لا شريك لك الذي اذا دعيت
به اجبت واذا سئلت به اعطيت واسالك بحق انبيائك المرسلين وبحق
حملة عرشك وبحق ملائكتك المقربين وبحق جبرئيل وميكائيل واسرافيل وبحق
محمد وعترته صلواتك عليهم ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل خير عمري آخره
وخير عملي خواتيمها واسالك مغفرتك ورضوانك يا ارحم الراحمين
برای خلاصی از غم واندوه چون کسی را غم وکربی برسد باید که دو رکعت نماز
بگزارد وبعد دو دست بگیرد مصحف را وبلند بردارد وبگوید اللهم انی بما فيه
وفيه اسمك الاكبر واسمائك الحسنى وما يخاف ويرجى اسالك ان تصلي
على محمد وآل محمد وتقضي حاجتي وحاجت خود را نام برد دعا استغاثه بحضرت
فاطمه عليها السلام دو رکعت نماز بگزارد وبعد از آن سجده کن وصد بار
بگو یا فاطمه وبعد از آن روی راست بر زمین نه ومثل این بگو وبعد از آن

خود را بر زمین نه وصد وده بار بگو یا فاطمه ومثل وبعد از آن بگو یا آمنا من کل
شيء وكل شيء منك خائف حذرا اسالك ان تصلي على محمد وآل محمد وان
تعطيني امانا لنفسي واهلي ومالي وولدي حتى لا اخاف احدا ولا احذر
من شيء ابدا انك على كل شيء قدير احراز آب استغاثه چون خواهی که شب
خواب کنی بر بالای سر خود ظرفی پاکی بنه کرده آبی پاکی باشد وخرقه
پاکی بر سر آن آب بپوش هر گاه بیدار شوی در آخر شب برای نماز حاجت تمام
از آن آب سه جرعه وبعد از آن وضو کن با آنچه مانده باشد از آن آب
ومتوجه شو بقبله واذان واقامت بگو ودو رکعت نماز بگزار ودرین دو
رکعت آنچه میسر شود از قران بخوان چون فارغ شوی از قراءت رکوع
کن ودر رکوع وبیست وپنج بار بگو یا غیاث المستغیثین وبعد از آن سر خود از
رکوع بردار ومثل این بگو وبعد از آن سجده دوم کن ومثل این بگو و
بعد از آن بنشین ومثل این بگو وبعد از آن رکعت دوم نیز باین کیفیت
بجا آر وسلام بده پس هیچ درین نماز سیصد بار گفتی یا غیاث المستغیثین
وبعد از آن بردار سر خود را ومتوجه آسمان شو وصد بار بگو من عبده الذليل

الی مولی الجلیل و ذکر کن حاجت خود را بدرستی که زود حاجت تو برآورده
میشود ان شاء الله تعالی اما برای فریاد رسیدن روایت است از ابی
عبد الله علیه السلام که گفت که وقتی که شما را استغاثه باشد بخدای تعالی
باید کرد دو رکعت نماز بگزارید و بعد از آن سجده کنید و در سجده بگویند
یا محمد یا رسول الله یا علی یا ولی الله یا سید المؤمنین و المؤمنات
بکما استغیث الی الله یا محمد یا علی استغیث بکما یا غوثاه بالله و بمحمد و علی
و فاطمه و نام امام را اسم بگوید تا صاحب الزمان بگویند بکم اتوسل الی الله
جل و عز بدرستی که چون چنین کنی در ساعت بفریاد تو میرسند باذن خدای
تعالی روایت برای دفع شر و درویشی دو رکعت نماز نیکو بگزار و بعد از
نماز سجده کن و در سجده بگو یا ماجد یا واحد یا احد یا کریم اتوجه الیک بنبیک
نبی الرحمة یا رسول الله انی اتوجه الیک الی الله ربی و ربک و رب کل شیء
اسالک یا الله ان تصلی علی محمد و آل محمد و اسالک نفحة من نفحاتک و فتحا یسیرا
و رزقا واسعا الم به شعثی و تقضی به دینی و استعین بها علی عیالی روایت
برای دفع غم روایت از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که با کسی که

با او غم و سختی برسد باید که غسل کند و دو رکعت نماز بگزارد و بعد از آن بر
پهلو بخوابد و روی راست خود را بر دست راست خود نهد و بگوید یا معز
کل ذلیل و یا مذل کل عزیز و حقک لقد شق علی کذا و کذا یعنی نام برد
آن غم و سختی که با او رسیده است اما نماز بجهت طلب یاری برای دفع
دشمن روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که چون خواهی که دفع
دشمن کنی وضو بساز هر وقت که خواهی و بعد از آن دو رکعت نماز بگزار چون
فارغ شوی از نماز روی خود را بر زمین نه و بگو یا رباه تا آنکه نفس تو منقطع
شود و بعد از آن بگو یا من اهلک عادا الاولی و ثمود فما ابقی و قوم نوح
من قبل انهم کانوا هم اظلم و اطغی و المؤتفکة اهوی فغشیها ما غشی ان
کان فلان بن فلان یعنی نام آنکس که دشمن تو است و نام پدر او را بگو ظلما
فیما ارتکبنی به فاجعل علیه منک وعدا ولا تجعل لی فی علمک نصیبا یا اقرب الاقربین
نماز مظلوم بجهت دفع ظالمی که با او ظلم کرده است چون ظالمی ظلم کند
بر تو وضو بساز و دو رکعت نماز بگزار و سر خود را از زمین بردار بجانب
آسمان و بگشا دستهای خود را و بگو اللهم رب محمد و آل محمد صل علی محمد

وآل محمد واهلک عدوهم اللهم ان فلان بن فلان یعنی نام آن ظالم و
نام پدر او را بگو قد ظلمنی ولا احد من رسول الله غیرک فاستوف عنه
ظلامتی الساعة الساعة بحق من جعلت له علیک حقا وبحقک علیهم
الا فعلت ذلک یا مخوف الاحکام والاخذ یا مرهوب البطش یا مالک
الفضل جهت انتقام کشیدن از ظالم روایت از ابی عبد الله علیه السلام که
گفت هرگاه خواهی انتقام کشی از ظالم بجهت ظلمی که بر تو کرده است دعای
بد مکن بر ظالم بدرستی که مظلوم هرگاه همیشه بر ظالم دعای بد کند ظالم میشود
ولیکن هرگاه کسی ظلم کند بر تو غسل کن و دو رکعت نماز بگزار در جای که حائل
نباشد میان تو و آسمان چون فارغ شوی بگو اللهم ان فلان بن فلان
یعنی نام ظالم و پدر او را بگو ظلمنی ولیس لی احد اصول به غیرک فاستوف
ظلامتی الساعة الساعة بالاسم الذی سألک به المضطر فکشفت ما به من ضر
ومکنت له فی الارض وجعلته خلیفتک علی خلقک فاسألک ان تصلی علی محمد
وآل محمد وان تستوفی ظلامتی الساعة الساعة بدرستی که هرگاه چنین کنی
بی درنگ مقصود حاصل میشود نماز دیگر برای انتقام کشیدن از ظالم

روایت از یونس بن عمار که گفت که حکایت کردم نزد ابی عبد الله علیه السلام
از مردی که ایذا میکرد مرا پس گفت ابی عبد الله علیه السلام که دعای بد کن
او را گفتم که دعای بد کردم و اثر نکرد آنحضرت گفت که طریق بد کردن چنین
نیست بلکه از گناهان توبه کن و روزه بدار و نماز بگزار و تصدق کن و روزه
بدار و نماز بگزار و تصدیق کن پس هرگاه آخر شب شود وضو بساز و دو رکعت
نماز بگزار و بعد از سجده کن و در سجده بگو اللهم ان فلان بن فلان یعنی نام
او و نام ظالم و پدرش را بگو قد اذانی اللهم اسقم بدنه واقطع اثره وانقص
اجله واجعل له ذلک فی عامه هذا یونس بن عمار گفت که چنین کردم پس دیری
نشد که آنکس هلاک شد دیگر بجهت دفع دشواری روایت است از ابی عبد الله
که گفت که وقتی که بر تو دشوار شود بر تو کاری دو رکعت نماز بگزار وقت
زوال و در رکعت اول فاتحه و قل هو الله و انا فتحنا بخوان و در رکعت دوم
فاتحه و قل هو الله و الم نشرح بخوان این مجرب است دیگر برای دفع دشواری
برای دفع دشواری بجهت مهمات روایت است از حسین بن علی که گفت هرگاه
مهمی داشته باشی چهار رکعت نماز بگزار و نیکو بجا آر قنوتها و ارکان آن

نماز و در رکعت اول یکبار فاتحه بخوان و هفت بار حسبنا الله و نعم الوکیل
و در رکعت دوم یکبار فاتحه بخوان و هفت بار ما شاء الله لا حول و لا
قوة الا بالله ان ترن انا اقل منک مالا و ولدا و در رکعت سیم یکبار
فاتحه بخوان و هفت بار لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین
و در رکعت چهارم یکبار فاتحه بخوان و هفت بار و افوض امری الی الله ان الله
بصیر بالعباد و بعد از ان حاجت خود را طلب کن کسی که او را مصیبتی
پیش آمده باشد باید چهار رکعت نماز بگزارد و در هر رکعتی یکبار فاتحه بخواند
و هفت بار قل هو الله و یکبار آیة الکرسی و چون که سلام دهد بگوید صلی الله
علی النبی الامی و آله و بعد از ان تسبیح و تحمید و تهلیل بگوید پس هر کس که
چنین کند به درستی که خدای تعالی باد آنچه وعده کرده است با اهل مصیبت
دیگر جهت طلب روزی از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت جبرئیل
علیه السلام که جهت روزی دو رکعت نماز بگزارد و در رکعت اول فاتحه
بخوان و سه بار انا اعطینا و سه بار قل هو الله و در رکعت دوم
یکبار فاتحه بخوان و سه بار معوذتین بخوان دیگر جهت دفع

درویشی   از مبشر بن عبد العزیز که گفت که بودم نزد ابی عبد الله
علیه السلام که فقر را شکوه کردم به درستی من درویش و محتاجم بیاموز مرا چیزی
که از درویشی خلاص شوم ابی عبد الله علیه السلام گفت که روز چهارشنبه
و پنجشنبه و جمعه روزه بگیر چون چاشت روز جمعه شود زیارت کن رسول
خدا را بر بالای بام خانه خود یا در صحرای که ترا کسی نبیند و بعد از ان دو رکعت
نماز در آنجا بگزار و بعد از ان زانوهای خود را برهنه کن و بر زمین بنه و متوجه
قبله شو و دست راست خود را بر بالای دست چپ خود بنه و بگو اللهم انت
انت انقطع الرجاء الا منک و خابت الامال الا فیک یا ثقة من لا ثقة له لا ثقة
لی غیرک اجعل لی من امری فرجا و مخرجا و ارزقنی من حیث احتسب
و من حیث لا احتسب بعد از ان روی خود را بر زمین بنه و بگو
یا مغیث اجعل لی رزقا من فضلک پس هر گاه چنین کنی خدای تعالی روزی
شنبه تو روزی به درستی که هر گاه اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله
درویش میشدند آنحضرت میگفت که ای اهل بیت من نماز بگزارید نماز گزاردن
بسیار و از تکرار مبالغه است نماز بدرستی برای فقر رندوا این نماز

چهار رکعت است در رکعت اول یکبار فاتحه بخواند و ده بار ربنا
واجعلنا مسلمین لک ومن ذریتنا امة مسلمة لک وارنا مناسکنا وتب
علینا انک انت التواب الرحیم و در رکعت دوم یکبار فاتحه و ده بار بخواند
رب اجعلنی مقیم الصلوة ومن ذریتی ربنا وتقبل دعاء ربنا اغفر لی ولوالدی
وللمومنین یوم یقوم الحساب و در رکعت سیم یکبار فاتحه بخواند و ده بار
ربنا هب لنا من ازواجنا وذریاتنا قرة اعین واجعلنا للمتقین اماما
و در رکعت چهارم یکبار فاتحه بخواند و ده بار رب اوزعنی ان اشکر
نعمتک التی انعمت علی وعلی والدی وان اعمل صالحا ترضیه واصلح
لی فی ذریتی انی تبت الیک وانی من المسلمین پس چون سلام دهد
ده بار بگوید ربنا هب لنا من ازواجنا وذریاتنا قرة اعین واجعلنا
للمتقین اماما نماز فرزند برای پدر و مادر این نماز دو رکعت است
در رکعت اول یکبار فاتحه بخواند و ده بار رب اغفر لی ولوالدی
وللمومنین ولمن دخل بیتی للمومنین والمومنات پس چون
سلام دهد ده بار بگوید رب ارحمهما کما ربیانی صغیرا نماز دیگر برای

پدر و مادر و این نماز نیز دو رکعت نیز دو رکعتست در هر رکعتی یکبار
فاتحه بخواند و بیست بار بگوید رب ارحمهما کما ربیانی صغیرا چون
فارغ شوی از نماز سجده کن و همین آیت را ده بار در سجده این بخوان
دیگر نماز بجهت توانگری و این نماز دو رکعت است در هر رکعتی یکبار
فاتحه و ده بار قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء وتنزع الملک
ممن تشاء وتعز من وتذل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شیء قدیر
چون سلام دهد ده بار بگوید رب اغفر وارحم وانت خیر الراحمین
و ده بار بگوید اللهم صل علی محمد وآل محمد و بعد از ان سجده کند و در سجده
بگوید رب اغفر لی وهب لی ملکا لا ینبغی لاحد من بعدی انک انت الوهاب
نماز دیگری بجهت توانگری و این نماز نیز دو رکعت است در هر رکعتی
یکبار فاتحه بخواند و یازده بار سوره لایلاف و سلام دهد و بعد از سلام
ده بار صلوات بفرستد بر نبی و آل او علیهم السلام و بعد از ان سجده
کن و در سجده ده بار بگو اللهم اغننی بفضلک عن خلقک نماز دیگر بجهت ادای
قرض و این نماز چهار رکعت است در رکعت اول یکبار فاتحه بخواند و ده بار

قل هو الله و در رکعت دوم یکبار فاتحه بخواند و ده بار آیة الکرسی و ده بار
قل یا ایها الکافرون و ده بار امن الرسول تا آخر سوره بقره چون سلام
دهد ده بار بگوید سبحان الله الابدی الابد سبحان الله الواحد الاحد
سبحان الفرد الصمد سبحان الله الذی رفع السموات بغیر عمد المنفرد
بلا صاحبة و لا ولد و در رکعت سیم یکبار فاتحه بخواند و سه بار الهاکم التکاثر
و سه بار سوره والعصر و سه بار سوره انا اعطیناک و در رکعت چهارم یکبار
فاتحه بخواند و سه بار سوره انا انزلناه و سه بار اذا زلزلت چون فارغ شد
چون سجده کند و در سجده هفت بار بگوید اللهم انی اسئلك التیسیر فی کل
عسیر فان تیسیر العسیر علیك یسیر و بعد از آن سر خود را از سجده بر
دارد و ده بار بگوید فلله الحمد رب السموات و رب الارض رب العالمین و له الکبریاء
فی السموات و الارض و هو العزیز الحکیم جهت رفع گرسنگی روایتست از ابی
عبد الله علیه السلام که گفت که آنکه گرسنه باشد باید کرد دو رکعت
نماز بگزارد و بگوید یا رب فانی جایع بدرستی که چون چنین کند خدای تعالی
در ساعت باو طعام برساند روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که

دعای مرد غایبانه برای برادر مومن زیاده میکند روزی او و دفع میکند
بلا را روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که آمد حضرت فاطمه
نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله شکایت کرد از گرسنگی حضرت پیغمبر
فاطمه را گفت که بگو یا مشبع البطون الجائعة و یا رافع الوضعة لا تجع فاطمه
بنت محمد دیگر جهت زیاده شدن روزی روایتست که آمد مردی نزد حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و گفت یا رسول الله من عیال بسیار دارم
و قرض دارم و احوال من تنگی میکند دعایی بیاموز مرا که هرگاه
آن دعا را بخوانم خدای تعالی بقدر چیزی بمن بدهد که قرض خود را ادا کنم
و معاش عیالان من بکند پس رسول خدا فرمود که ای بنده خدا
وضوی نیکو بساز و بعد از آن دو رکعت نماز خود را بگزار و رکوع و سجود
را نیکو بجای آور و بعد از آن بگو یا ماجد یا واحد یا کریم اتوجه الیک
بمحمد نبیک نبی الرحمة یا محمد یا رسول الله انی اتوجه بك الی الله ربی و ربك
و رب کل شیء و اسئلك ان تصلی علی محمد و علی اهل بیته و اسئلك نفحة
کریمة من نفحاتك و فتحا یسیرا و رزقا واسعا الم به شعثی و اقضی به دینی

روایت صحیح به سند معتبر دیگر برای حاجت روایت است از ابی عبدالله علیه السلام
که گفت که وقتی که حاجتی داشته باشی چون ثلثی از شب بگذرد برخیز و نماز
بگذار و در رکعت اول فاتحه و سوره تبارک بخوان و در رکعت دوم فاتحه و
حم سجده بخوان و بعد از آن دعا کن و بگو یا رب قد نامت العیون و غارت
النجوم و انت الحی القیوم لا تاخذک سنة و لا نوم لن یواری منک
لیل داج و لا سماء ذات ابراج و لا ارض ذات مهاد و لا بحر لجی و لا ظلمات
بعضها فوق بعض یا صریخ الابرار و غیاث المستغیثین برحمتک
استغیثک فصل علی محمد و آل محمد و اقض لی حاجتی کذا و کذا یعنی حاجت خود
را نام برد و لا تردنی خائبا و لا محروما یا ارحم الراحمین حدیثی که این نماز
بجهت بر آوردن حاجتها مجرب است که دستگیری میکند نماز بجهت
دفع مهمی روایت است که گفت امام موسی کاظم علیه السلام که وقتی که ترا مهمی
پیش آید نماز بگذار از آنچه میخواهی چون فارغ شوی از نماز بر روی خود دست
برزمین بنه و سه بگو یا قوت کل ضعیف یا مذل کل جبار قد وحقک
بلغ المجهود منی ففرج عنی و بعد از آن روی راست خود را بنه و

و سه بار بگو اشهد ان کل معبود من دون عرشک الی قرار ارضک
باطل الا وجهک تعلم کربتی ففرج عنی و بعد از آن بنشین و سه بار استغفر
بگو پس بگو انت الله الذی القیوم العلی العظیم الخالق الباری المحیی الممیت المبدی
البدیع لک الکرم و لک الحمد و لک المن و لک الجود وحدک لا شریک لک
یا واحد یا احد یا صمد یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد کذلک
الله ربی و بعد از آن بگو صل علی محمد و آل محمد الصادقین و افعل بی کذا و کذا
نماز مظلوم برای ظالم چون کسی بر تو ظلم کند دو رکعت نماز بگذار و هر چه
از قرآن میخواهی در دو رکعت بخوان و صلوات بفرست بر محمد و آل
او علیهم السلام آنقدر که میتوانی و بعد از آن بگو اللهم ان لک یوما تنتقم فیه
للمظلوم من الظالم لکن هلعی و جزعی لا یبلغان بی الصبر علی اناتک و حلمک
و قد علمت ان فلانا یعنی نام او ظالم بگو ظلمنی و اعتدی علی بقوته علی
ضعفی فاسئلک یا رب العزة و قاسم الجبابرة و ناصر المظلومین ان تریه
قدرتک اقسمت علیک یا رب العزة الساعة الساعة دیگر برای
ظالم روایت است که گفت محمد بن حسن صفار که گفتم بیکی از ائمه که فلان ظلم میکند

برین حضرت گفت که نیکو وضو بساز و دو رکعت نماز بگزار و ثنا بگو خدای
تعالی را و صلوات بفرست بر محمد و آل او علیهم السلام و بعد از ان بگو اللهم
ان فلانا یعنی نام ظالم را بگو ظلمنی و بغی علی فابله بفقر لا تجبره و بسوء لا تسره
گفت که چنین کردم و آن ظالم بزمین پیدا کرده و در خبری دیگر آمده که
یکی از ائمه گرامی فرموده که وضو بساز و برو و دو رکعت نماز بگزارد
و بعد از ان بگوید اللهم انی اسالک باسمائک التی اذا دعیت
بها علی ابواب السماء انفتحت و اذا دعیت علی مضائق الارضین
للفرج انفرجت و اسالک باسمائک التی اذا دعیت بها علی ابواب
العسر للیسر تیسرت و اسالک باسمائک التی اذا دعیت بها علی القبور
انشرت صل علی محمد و آل محمد و اقلبنی بقضاء حاجتی را ذکر میگوید
که بحق خدای که آنحضرت هنوز از جای خود بر نخواسته تا اگر برآورده
می شد حاجت نماز دیگر بجهت مهمات رفع آن از امام صادق علیه السلام
که گفت که هرگاه مهمی داشته باشی دو رکعت نماز بگزار بهر کیفیت که خواهی
و بعد از نماز بگو اللهم اجعل رجائک فی قلبی و اقطع رجائی عمن سواک

حتی لا ارجو الا ایاک و لا اثق الا بک نماز بجهت طلب فرزند روایت است از امیر المؤمنین
علیه السلام که وقتی که فرزند بخواهی وضو نیکو بساز و دو رکعت
نماز بگزار و رکعات نماز را نیکو بجا آور و بعد از نماز سجده کن و در سجده
هفتاد بار بگو استغفر الله و بعد از ان با زن خود مجامعت کن و بگو
در وقت مجامعت کردن اللهم ان ترزقنی ولدا لاسمیه باسم نبیک
آنحضرت میگوید که کسی که چنین کند خدای تعالی او را فرزندی میدهد
بدرستی که من امر کردم ترا بوضو ساختن زیرا که خدای تعالی گفته است
و یحب المتطهرین یعنی خدای تعالی دوست میدارد پاکان را و امر کردم
بنماز گزاردن زیرا که رسول صلی الله علیه و آله گفته که نزدیکی بنده را بخدای تعالی
حاصل میشود وقتی است که در رکوع و سجود باشد و در هیچ وقت دیگر نشود
و امر کردم ترا باستغفار زیرا که خدای تعالی گفته است استغفروا
ربکم انه کان غفارا یرسل السماء علیکم مدرارا و یمددکم باموال و بنین یعنی
آمرزش طلبید از پروردگار خود بتوبه بدرستی که خدای آمرزنده توبه
کنندگانست و چون شما توبه کنید و استغفار نمایید بفرستد ابر را

بر شما باران بی دربی ومدد کند شما را باموال وپسران ونیز خدای تعالی
گفته است به پیغمبر خود ان استغفر لهم سبعین مرة فلن یغفر الله
لهم یعنی اگر آمرزش طلبی ایشان را هفتاد نوبت پس نمی آمرزد خدای تعالی
ایشانرا امر کردم ترا که زیاده از هفتاد نوبت استغفار کنی
نماز کسی که بترسد از ظالم روایت است که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که
وقتی که بترسی ودشته باشی از ظالمی غسل کن ودو رکعت نماز بگذار
وبرهنه کن زانوهای خود را وبنه نزدیک آنجای که سجده میکنی وصد بار
یا حی یا قیوم لا اله الا انت برحمتک استغیث فصل علی محمد وآل محمد و
اغثنی الساعة الساعة وبعد ازان بگو اسالک ان تصلی علی محمد وآل محمد
وان تلطف لی وان تغلب لی وان تمکر لی وان تخدع لی وان تکید لی وان
تکفینی مؤنة فلان یعنی نام آن ظالم را بگوید با مؤنته واین دعای است که
پیغمبر در روز احد خوانده است نماز حاجت بجهت کفایت مهمات روایت است از ابی
عبد الله علیه السلام الحسین ابن محمد النوفلی که گفت کار یکی را که او را حاجتی
باشد بخدای تعالی باید که غسل کند شب جمعه از نصف شب وبنهاد بجا

نماز خود ودو رکعت نماز بگزارد ودر رکعت اول فاتحه بخواند وچون ایاک نعبد
وایاک نستعین برسد صد بار بگوید ودو مرتبه صد تمام کند تا آخر
ودر هر یک از رکوع وسجود تسبیح بگوید هفت بار ودر رکعت دوم نیز
باین کیفیت بجای آورد وبعد ازان این دعا بخواند البته خدای تعالی
حاجت او را بر آورد هر چه باشد مگر قطع رحم دعا اینست اللهم ان
اطعتک فالمحمدة لک وان عصیتک فالحجة لک منک الروح
ومنک الفرج سبحان من انعم وشکر سبحان من قدر وغفر الهی
ان کنت قد عصیتک فانی قد اطعتک فی احب الاشیاء الیک
وهو الایمان بک لم اتخذ لک ولدا ولم ادع لک شریکا منا منک
به علی لا منا منی به علیک وقد عصیتک یا الهی علی غیر وجه المکابرة
ولا الخروج عن عبودیتک ولا الجحود لربوبیتک ولکن اطعت هوای
وازلنی الشیطان فلک الحجة علی والبیان فان تعذبنی فبذنوبی
غیر ظالم وان تغفر لی وترحمنی فانک جواد کریم یا کریم یا کریم بگوید تا انکه نفس
منقطع شود وبعد ازان بگوید یا آمنا من کل شیء وکل شیء منک

خالق خدا را سالک بامنک من کل شی وخوف کل شی منک ان تصلی
علی محمد وآله وان تعطینی امانا لنفسی واهلی وولدی وسایر ما انعمت
به علی حتی لا اخاف احدا ولا احذر من شی ابدا انک علی کل شی
قدیر حسبنا الله ونعم الوکیل یا کافی ابراهیم نمرود ویا کافی موسی فرعون
اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تکفینی شر من یخاف شره وبعد از ان
سجده کند وطلب نماید حاجت خود را از خدای تعالی وتضرع وزاری کند
بدرستی که روایت است که هر مومنی و مومنه که این نماز بگذارد واین دعا بخواند
از روی اخلاص گشاده میشود درهای آسمان جهت اجابت دعای
او دعای او مستجاب میشود ودر همان وقت یا در شب آینده مرجو باشد
واین اجابت از فضل خدای تعالی خواهد بود برما که اهل تسلیم بر مردمان
دیگر بجهت زیاده شدن فهم ونیکو شدن حافظه روایت کرده است
سدیر از امام محمد باقر وامام جعفر صادق علیه السلام که گفتند
که بنویس بزعفران فاتحه وآیت الکرسی وانا انزلناه ویس واذا
وقعت وسوره حشر وسبح لله وتبارک وقل هو الله ومعوذتین

بر ظرفی پاکی وبعد از ان او را بآب زمزم یا بآب باران یا بآبی پاکی
وبعد از ان در آب دو مثقال شیر بریزد ودو مثقال شکر ودو مثقال عسل
ودر زیر آسمان صبح ناشتا بر سر او بنه وبعد از ان در جمعه شب دو رکعت
نماز بگزارد در هر رکعتی یکبار فاتحه بخوان وپنجاه بار قل هو الله چون فارغ شود
از نماز آن آب را بیاشامد بدرستی که این نیکوست ومجربست برای حفظ
جهت حفظ قرآن چون خواهی که قرآن حفظ کنی چهار رکعت نماز بگزار
در روز جمعه یا در شب جمعه ودر رکعت اول فاتحه بخوان ویس ودر رکعت
دوم فاتحه بخوان وحم ودر رکعت سیم فاتحه بخوان وتنزیل ودر رکعت
چهارم فاتحه بخوان وتبارک چون سلام دهی حمد وثنا بگو خدای تعالی را
وصلوات بفرست بر نبی وآل وعلیهم السلام وصد بار استغفار کن پس بگو
این دعا را که اللهم ارحمنی بترک معاصیک ابدا ما ابقیتنی وارحمنی من ان اتکلف
طلب ما لا یعنینی وارزقنی حسن النظر فیما یرضیک عنی اللهم بدیع السموات
والارض ذو الجلال والاکرام والعزة التی لا ترام یا الله یا رحمن اسئلک
بجلالک وبنور وجهک ان تلزم حفظ کتابک المنزل علی رسولک

وقد رزقتنی ان اعوذ علی النجوی الذی رضیتک عنی اللهم بدیع السموات والارض
ذوالجلال والاکرام والعزة التی لا ترام یا الله یا رحمن اسئلک بجلالک
وبنور وجهک ان تنور بکتابک بصری وتطلق به لسانی وتفرج به قلبی
وتشرح به صدری وتستعمل به بدنی وتقوینی علی ذلک وتعیننی علیه فانه
لا یعین علی الخیر غیرک ولا یوفق له الا انت ولا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم خاصیت ختم شده و دعای اول روایت کرده است جابر
انصاری که حضرت پیغمبر آموخت این دعا را بامیرالمؤمنین علی علیه السلام
و حضرت فاطمه علیها السلام و گفت که هرگاه شما مصیبتی برسد یا بترسید
از جور سلطان یا چیزی شما را مکروه و ضرر برساند دو رکعت نماز بگزارید
و بردارید دستهای خود را بجانب آسمان و بگوئید یا عالم الغیب والسر
یا مطاع یا علیم یا الله یا هازم الاحزاب لمحمد یا کاید فرعون لموسی
یا منجی عیسی من ایدی الظلمة یا مخلص قوم نوح من الغرق یا راحم عبده
یعقوب یا کاشف ضر ایوب یا منجی ذا النون من الظلمات یا فاعل کل
خیر یا هادی الی کل خیر یا دال علی خیر یا آمرا بکل خیر یا خالق الخیرات انت الله

رغبت الیک فیما قد علمت وانت علام الغیوب اسالک ان تصلی
علی محمد وآل محمد و بعد از آن طلب کند حاجت خود را که مستجاب میشود
انشاء الله تعالی دیگر عملی که می باید کرد وقتی ماه را دیدن چون ماه نو به بیند
بانگشت شهادت دست راست بدست بنویسد محمد علی فاطمه الحسن
والحسین تا آخر دوازده امام و بنویسد قل هو الله احد تا آخر و بعد از آن
بگوید اللهم ان الناس اذا نظروا الی الهلال نظر بعضهم الی وجوه بعض و تبرک بعضهم
ببعض و انی نظرت الی اسمائک و اسم نبیک و وصیک و اولیائک
علیهم السلام و الی کتابک فاعطنی کل الذی احب ان تصرف عنی من شر
و زدنی من فضلک انک انت اهله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
نادرة مطلب رقعه
فایده دیگر آنکه چون باید نوشت در رقعه بنویسی بنویسد این کلمات را بقلمی
که سیاهی و غیر آن نداشته باشد در میان سطرهای کتابت یا رقعه
که بجهت حاجتی بکسی می نویسی تا اگر خالی نباشد هیچ سطری از آن رقعه
از حرفی از آن حروف و کلمات اینست محمد و علی و آنحضرت علیهم السلام
و ابو تراب بسم الله الرحمن الرحیم الملک الحق المبین ان الله مع الصابرین

فرجنا بها و رزقنا منها من حیث لا یحتسبون ان الله هو السمیع العلیم
واجعلنا وایاکم من الذین لا خوف علیهم ولا هم یحزنون اللهم انی اسئلک
بحق محمد وعلی وفاطمة والحسن والحسین تا آخر صلوات الله وسلامه علیهم
ان تصلی علی محمد وآله وان تیسر امری وتسهل وتعجل لی وترزقنی
خیره وتصرف عنی شره برحمتک یا ارحم الراحمین و حضرت امام جعفر از امیر المؤمنین علی
علیه السلام روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه وآله امر کرد مرا
که وقتی که ختم قرآن کنم این دعا بخوانم اللهم انی اسئلک اخبات
المخبتین واخلاص الموقنین ومرافقة الابرار واستحقاق حقایق الایمان والغنیمة
من کل بر والسلامة من کل اثم ووجوب رحمتک وعزایم مغفرتک والفوز
بالجنة والنجاة من النار ... در بیان دعائی در آداب دعای که وقتی که
خواهند برداشتن مصحف از امام ابو عبد الله وقتی که میخواهست که قرآن
بخوانند چون برمیداشت مصحف را این دعا میخواند اللهم انی اشهد ان هذا
کتابک المنزل من عندک علی رسولک محمد بن عبد الله وکلامک
الناطق علی لسان نبیک جعلته هادیا منک الی خلقک وحبلا متصلا

فیما بینک وبین عبادک اللهم انی نشرت عهدک وکتابک اللهم فاجعل نظری
فیه عبادة وقرائتی فیه فکرا وفکری فیه اعتبارا واجعلنی ممن اتعظ ببیان
مواعظک فیه واجتنب معاصیک ولا تطبع عند قرائتی علی قلبی ولا علی
سمعی ولا تجعل علی بصری غشاوة ولا تجعل قرائتی قراءة لا تدبر فیها بل
اجعلنی اتدبر آیاته واحکامه آخذا بشرایع دینک ولا تجعل نظری
فیه غفلة ولا قرائتی هذرا انک انت الرؤف الرحیم و دعائی که
کسی باید بخواند وقت فارغ شدن از قرائت قرآن چون فارغ شود
از قرائت قرآن بگو اللهم انی قد قرأت ما قضیت من کتابک الذی
انزلت علی نبیک الصادق فلک الحمد ربنا اللهم اجعلنی ممن یحل حلاله
ویحرم حرامه ویؤمن بمحکمه ومتشابهه واجعله لی انسا فی قبری وانسا فی
حشری واجعلنی ممن ترقیه بکل آیة قرأها درجة فی اعلی علیین آمین
رب العالمین و وقتی که بشنوی چیزی را از عزایم قرآن که در و سجده
واجب است بر تو باید که سجده کنی بی تکبیر و در آن سجده سنت است
که بگوئی لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله ایمانا وتصدیقا لا اله الا الله عبودیة

ورقالا چسنگی ولا چشکر ناجبه ولیل ضعیف خالف پستیج و بعد ازان
سر خود را بر دارد و تکبیر گوید گفت امام جعفر صادق علیه السلام که اگر کسی هفت
آیه از قران بخواند بر جای که خواهد و بعد ازان هفت بار گوید یا الله اگر دعا
کند بر سنگها شکافته شود اما دعای کردن این اسم اعظم خدا است روایت
در روایت است از معاذ بن جبل که گفت که نشسته بودم در پیش رسول خدا ناگاه عبد الله
بن سلام که او را طلب کرده بخدمت آنحضرت و جماعتی از صحابه نزد آنحضرت
بودند پس آمد عبد الله بن سلام نزد رسول خدا آنحضرت گفت که یا عبد الله
خبر ده مرا که آیا یافتی در توریت که آن ده کلمه که تعلیم کرد خدای تعالی حضرت
ابراهیم علیه السلام در روزی که آنحضرت را در آتش انداخته بودند گفت عبد الله
که یا رسول الله پدر و مادر من فدای تو باد آیا فرود آمد بر تو در باب این کلمات
در توریت و یافتم این کلمات را در توریت و این کلمات ده دعا است
کرد و اسم اعظم است پس گفت رسول خدا هر که خدای تعالی او را تعلیم کرد
این کلمات را موسی علیه السلام گفت که خدای تعالی تعلیم نکرد این کلمات را
بغیر ابراهیم خلیل الله پس گفت حضرت پیغمبر که چه یافتی از ثواب

این کلمات را در توریت عبد الله گفت که یا رسول الله که اجر ثواب و طاعت و
وقدرت دارد که بیان کند ثواب این کلمات الیکن نوشته یافتم در توریت
که هر بنده که خدای تعالی منت نهد بر وی و القا کند این کلمات را در دل او
ونگرداند نور را در بصر او و یقین را در دل او و بگشاید سینه او را برای ایمان
ونگرداند نوری از مجلس او تا عرش که بدرخشد و تفاخر کنند باو فرشتها
در هر روزی و بار و جاری گرداند خدای تعالی حکمت را بر زبان او و روزی
کند او را یاد گرفتن کتابی که نازل شده است از آسمان اگرچه شوق نداشته
باشد با آن و دور گرداند او را و دوری هم نزد محبت او در دلهای بندگان
خود و ایمن گرداند او را از عذاب قبر و از فتنه دجال و از ترس هول
روز قیامت و اندوهگین نشود و حشر کنند او را با شهیدان و کرام
کند او را در مرتبه او آنچه داده است پیغمبران علیهم السلام و کرم خود و بر
آن بنده وقتی که مردمان می ترسند بغیر روز قیامت و اندوهگین نشود
وقتی که مردمان اندوهگین شوند و نوشته شود او را نزد خدای تعالی صدیق
در است که و حشر کنند او را در روز قیامت دل او مطمئن و آرمیده باشد

واو از جمله کسانی بود که بپوشد خدای تعالی او را با حضرت ابراهیم علیه السلام
از حلهای بهشت و هر چه طلب کند خدای تعالی باین کلمات بدهد آن چیز را
باو و اگر سوگند خورد بخدای تعالی هر آینه راست شود سوگند آن
نزدیک شود بخدای تعالی در دار الجلال و او را ثواب هر شهیدی است
شهید شده باشد از آن زمان که خدای تعالی دنیا را آفریده است
تا قیامت حضرت عمر گفت که یا ابن سلام دار الجلال کدام است ابن سلام
گفت که دار الجلال عبارت از بهشت عدن است و جای عرش حضرت
حق تعالی است و آنکس که این کلمات بخواند در جوار خدای تعالی خواهد بود و گفت ابن
سلام که یا رسول الله تعلیم ما این کلمات او دست به بجایکه منت نهاده است
خدای تعالی بر حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله گفت که سجده کنید خدای تعالی
پس ایشان سجده کردند چون سر خود را از سجده برداشتند حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله گفت که بگو یا الله یا الله یا الله انت المرهوب منک
جمیع خلقک یا نور النور انت الذی احتجبت دون خلقک فلا یدرک
نورک نور یا الله یا الله یا الله انت الرفیع الذی ارتفعت فوق عرشک

من فوق سمائک فلا یصف عظمتک احد من خلقک یا نور النور قد استنار
بنورک اهل سمائک و استضاء بضوئک اهل ارضک یا الله یا الله یا الله
انت الذی لا اله غیرک تعالیت عن ان یکون لک شریک و تعظمت عن ان
یکون لک ولد و تکبرت عن ان یکون لک شبیه و تجبرت عن ان یکون
عن ان یکون لک ضد فانت الله المحمود بکل لسان و انت المعبود
فی کل مکان و انت المذکور فی کل آوان یا نور النور کل نور خامد بنورک
یا ملیک کل ملیک یفنی غیرک یا دائم کل حی یموت غیرک یا الله یا الله یا الله الرحمن
الرحیم ارحمنی رحمة تطفی بها غضبک و تحلنی بها دار کرامتک التی اسکنتها خیرتک
من خلقک یا ارحم الراحمین یا من اظهر الجمیل و ستر علی القبیح و یا من لم
یواخذ بالجریرة و لم یهتک الستر یا عظیم العفو یا حسن التجاوز یا واسع
المغفرة یا باسط الیدین بالرحمة یا صاحب کل نجوی یا مبتدیا بالنعم
یا منتهی کل شکوی یا کریم الصفح یا عظیم المن یا مفرج کل کربة یا مقیل العثرات
قبل استحقاقها یا رباه یا سیداه و یا املاه و یا غایتاه اسالک
یا الله یا الله یا الله ان لا تشوه خلقی فی النار و ان تغفر لی و لوالدی

برحمتک یا ارحم الراحمین وان تعطینی خیر الدنیا والآخرة انک علی کل شیء [illegible]
وصلی الله علی محمد وآله اجمعین اسئلک بک وبمحمد وعلی وفاطمة والحسن والحسین
والعباد وتا آخر ان تصلی علی محمد وآل محمد واسالک یا الله یا الله یا الله
ان لا تشوی خلقتی فی النار وان تفعل بی ما انت اهله ولا تفعل بی ما انا اهله
عبدالله بن سلام گفت یا رسول الله چیست ثواب آنکسی که این کلمات را
بگوید حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله گفت چه ثواب نمی توان بیان کرد
ثواب این کلمات را ابدا حتی که اگر جمع شوند فرشتهای هفت طبقه زمین
وآسمان وخواهند که ثواب این کلمات را بیان نمایند از هزار یکی را
بیان نمیتوانند کرد تا روز قیامت وبیان کرده است حضرت پیغمبر
برای این کلمات بسیاری در اینجا مقام ذکر او نیست بنابرین اختصار
کردیم بر ذکر مقصود که آن دعاست بجهت خوف تطویل در طلب حاجت
اگر کسی خواهد که بیرون رود از خانه خود بطلب باید که بگوید ویکبار دیگر بخواند
وبجانب راست خود بدمد وقت بیرون رفتن بسم الله وبالله
ولا حول ولا قوة الا بالله توکلت علی الله وسوره فاتحه ومعوذتین

وقل هو الله احد بخواند وبجانب راست خود بدمد ویکبار بخواند ودر
پشت خود بدمد ویکبار دیگر بجانب چپ خود بدمد ویکبار دیگر بخواند
وبر بالای سر خود بدمد وهر گاه که خواهد که باز گردد وبخانه خود آید در وقت
در آمدن بخانه خود باید که بگوید بسم الله وبالله اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله وبعد از آن سلام کند
بر اهل خود اگر در خانه کسی باشد واگر در خانه کسی نباشد بعد از شهادتین
بگوید السلام علی محمد بن عبدالله خاتم النبیین وآل الهادین المهدیین السلام
علینا وعلی عباد الله الصالحین ووقتی که بیمار اراده رود باید که بگوید اشهد ان
لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله وار جمله دعائی
که امیر المومنین بجهت حاجت میخوانده اینست لا اله الا الله وحده لا شریک له
الحلیم الکریم لا اله الا الله وحده لا شریک له العلی العظیم الحمد لله الذی بنعمته تتم
الصالحات یا من هو یا من هو هو یا من لیس له الا هو یا من لا هو
الا هو [illegible] دیگر که در طلب حاجت می باید خواند دعا است از ابی عبدالله
که گفت پدرم هرگاه حاجتی داشت سجده میکرد بی قرائت در رکوع و

و در سجده هفت بار بگوید یا ارحم الراحمین و هر مومنی که این کلمه را بگوید
حق تعالی میگوید که من ارحم الراحمینم حاجت خود را طلب کن از من
تا برآورم حاجت ترا دیگر که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
با امیرالمومنین علی علیه السلام که یا علی وقتی که بیرون میروی از منزل
خود بجهت حاجت آیة الکرسی بخوان هر آینه که حاجت تو برآورده
میشود ان شاء الله تعالی دیگر از امام جعفر صادق علیه السلام که هر که
بطلب حاجتی برود بی وضو برآورده نشود حاجت او و باید که علامت نکند مگر
خود را بجهت حاجت از کتاب عیون الاخبار که روایت کرده است امام رضا
از پدران خود و ایشان روایت کرده اند از امیرالمومنین علی علیه السلام
که وقتی که حاجتی داشته باشید باید که طلب آن حاجت کنید در صبح روز پنجشنبه
و وقتی که خواهید که بیرون روید از منزل خود آخر سوره آل عمران
بخوانید و آیة الکرسی و فاتحه و انا انزلناه نیز بخوانید هر آینه که در روز
پنجشنبه برآورده میشود حاجتهای دنیا و آخرت او آنچه می باید آورد
بجهت برآوردن مهمات دیگر از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که

وقتی که کسی اندوهی یا سختی برسد باید که برهنه کند هر دو زانو و هر دو دست
خود را تا مرفق و سینه خود را بر زمین بنهد و بعد از آن دعا کند دعا
دیگر برای مهمات دیگر که گفت امیرالمومنین علیه السلام هر زمان که خود را
که وقتی که پیش آید ترا کاری بزرگ [illegible] وضو کن و بردار هر
دو دست خود را و هفت بار بگو یا الله یا الله هر آینه که دعای تو مستجاب
میشود هر آینه که دعای تو مستجاب میشود دعای دیگر بجهت مهمات روایت
از ابوالحسن اول علیه السلام که گفت که هر کسی که او غمی داشته باشد برهنه کند سر
خود را بجانب آسمان و بعد از آن سه بار بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
بر خدای تعالی توکلم و امور خود را به خدا سپردم ان الله ... و دعایی که می باید بجهت ادای
قرض روایت کرده از حسین بن خالد که گفت که من سیصد هزار درهم قرض داشتم
و عیال داشتم و من چهارصد هزار درهم نزد مردم داشتم پس نگذاشتند
قرض خواهان مرا که از مردم بستانم و با ایشان بدهم وعده ادای
قرض ایشان رسید پس بیرون رفتم از منزل خود بطریق سیر و خواستم
که بروم بخدمت ابوالحسن علیه السلام و نتوانستم پس نوشتم باو عرضه داشتی

تو بیان کردم حال خود را آنحضرت نوشت بمن در کنار کتابت من که در عقب
هر نماز فریضه سه بار بگو اللهم انی اسئلک یا لا اله الا انت بحق لا اله الا
انت ان ترحمنی یا لا اله الا انت اللهم انی اسئلک یا لا اله الا انت بحق لا اله الا
انت ان ترحم عجزی یا لا اله الا انت اللهم انی اسئلک یا لا اله الا انت
بحق لا اله الا انت ان تعطینی یا لا اله الا انت بدرستی که حاجت
تو برآورده میشود انشاء الله تعالی حسین بن خالد گفت که مداومت کردم
باین دعا بحق خدای که زیاده از چهار ماه نگذشت تا آنچه من نزد مردم داشتم
بمن دادند و من قرض خود را ادا کردم و صد هزار درهم ماند از برای من
دعای بد کردن بر ظالم روایتست که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله
که وقتی که بترسی از کسی و خواهی که شر او را از خود دفع کنی طلب ماه نو کن چون تیر
ماه نو را ببینی بر پا بایست و اشارت کن بماه نو که گویا خطاب باو میکنی و بگو ایود
احدکم ان تکون له جنة من نخیل و اعناب تجری من تحتها الانهار له فیها
من کل الثمرات فاصابه الکبر وله ذریة ضعفاء فاصابها اعصار فیه
نار فاحترقت و وقتی که فاحترقت میگوئی اشارت کن بجانب خانه

آنکس که از وی ترسی و ایذا میکند ترا و بعد از آن سه بار بگو فاحترقت انگاه
اللهم اظلم بالبلاد [illegible] و ارمه بحجارة من سجیل و ظهرک ان یا جلیل
یا عالی یا عظیم و بعد از آن همین دعا را در شب [illegible] بگو اگر
با آن ظالم رسید آنچه تو خواستی [illegible] دوم نیز این کار
بکن و احتیاج نخواهد بود و بعد از [illegible] این کار کردن باذن خدا
دعای دیگر برای ظالم روایتست که آمده مردی نزد امام جعفر صادق علیه السلام
شکایت کرد از کسی که باو ظلم کرده حضرت امام گفت که بگو یا ناصر
المظلوم المبغی علیه ان کان فلان بن فلان یعنی نام ظالم و پدر او را بگو ظلمنی
و بغی علی فابتله بفقر لا یجبره و ببلاء لا یستره و هر کس باید که بخواند این دعا
بر ظالمی که برو ظلم کرده است البته برص در پیشانی او پیدا شود و بعد از آن
محتاج شود دعای دیگر بر ظالم چنانچه میروی نزد سلطان جابری بگو خیرک
بین عینیک و شرک تحت قدمیک و انا استعین بالله علیک
دعای دیگر بر ظالم گفت حضرت امام رضا علیه السلام چون خواهید که دعا کنید
بر دشمن باید که بگوید بگو اللهم اطرقه ببلیة لا اخت لها و ابح حریمه

یکفی من کل شیء ولا یکفی منه شیء صل علی محمد وآل محمد واکفنی مؤنته بلا موت
دعای دیگر بر ظالم چون بترسی از کسی بگو حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت
وهو رب العرش العظیم امتنعت بحول الله وقوته من حولهم وقوتهم وامتنعت برب
الفلق من شر ما خلق ماشاء الله لا قوة الا بالله دعا در طلب روزی
روایتست از امام رضا علیه السلام که گفت که شکایت کرد مردی نزد ابی عبد الله
از درویشی آنحضرت گفت هرگاه بانگ نماز بشنوی بگو آنچه مؤذن میگوید بدرستی
که چون چنین کنی غنی میشوی روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
که در طلب روزی این دعا باید خواند اللهم ان کان رزقی فی السماء فانزله
وان کان فی الارض فاظهره وان کان بعیدا فقربه وان کان قریبا فاعطنیه
وان کان قد اعطیته فبارک لی فیه وجنبنی عن المعاصی و[illegible] دعای که بجهت
ترس می باید خواند روایتست که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که وقتی
که در سفر باشی یا در بیابانی و بترسی از جنی یا از آدمی بنه دست
راست خود را بر سر خود و بآواز بلند بگو افغیر دین الله یبغون وله اسلم
من فی السموات والارض طوعا وکرها والیه ترجعون روایتست که این

آیت

آیت را می باید خواند در گوش چهارپایی که [illegible] او را لجام کشند
این دعا را نیز می باید خواند در گوش او که اللهم سخرها وبارک فیها بحق محمد
وآله و سوره انا انزلناه در [illegible] می باید خواند گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام
که پیر در بیابانی چهارپای من سرکشی کرد گفت بجهت آنحضرت گفت که
بجهت آنکه بر وی [illegible] ندانستند هرگز الا دعای که می باید خواند کسی که از
شیر می ترسد بر [illegible] او و گوسفند او روایتست از ابی عبد الله ع
که گفت که کسی که بترسد از شیر که ضرر رساند باو یا گوسفند او باید که بکشد
خطی بر گرد خود یا گوسفند خود و بگوید اللهم رب دانیال والجب ورب کل
اسد مستاسد احفظنی واحفظ علی غنمی روایتست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
گفت با میر المؤمنین علی علیه السلام که یا علی وقتی که بترسی از کاری بر تو دشوار شود
سه بار تکبیر بگو و بگو الله اکبر واعز وجل واعظم من کل شیء واکبر واعز
من خلقه واقدر اعوذ بالله من شر ما اخاف واحذر چون این کار کند خدا تعالی
از شر او نگاه دارد ان شاء الله تعالی آنچه می باید خواند کسی که از
عقرب یا از سگ می ترسد چون از دزد یا از سگی بترسی بگو قل [illegible]

آمنوا یغفروا للذین لا یرجون ایام الله لیجزی قوما بما کانوا یکسبون
واذا قرات القرآن جعلنا بینک وبین الذین لا یومنون بالآخرة حجابا
مستورا وجعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه وفی آذانهم وقرا وان یروا
کل آیة لا یومنون بها حتی اذا جاوک یجادلونک یقول الذین کفروا ان هذا
الا اساطیر الاولین دیگر آنکه حضرت پیغمبر دوست میداشت فال نیکو را
وکراهت میداشت فال بد را دیگر آنکه حضرت رسالت پناهی صلعم
گفت اگر کسی که چیز مکروهی ببیند وازان چیز فال بد گیرد باید که بگوید
اللهم لا یوتی الخیر الا انت ولا یدفع السیئات الا انت ولا حول ولا قوة
الا بک دعای دیگر بجهت ترس آنکه امام جعفر صادق علیه السلام
این دعا میخواند وقت در آمدن نزد منصور در حالتی که منصور در غضب
بود چون این میخواند غضبش تسکین می یافت یا عدتی عند شدتی
ویا غوثی عند کربتی احرسنی بعینک التی لا تنام واکفنی برکنک الذی لا یرام
الذی لا یضام در بیان آنچه باید خواند کسی که از دزد می ترسد باید که بخواند
بر حلقه و قفل در خانه خود قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء

الحسنی ولا تجهر بصلاتک ولا تخافت بها وابتغ بین ذلک سبیلا
وقل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی
من الذل وکبره تکبیرا اما آنچه تسکین میدهد غضب را روایتست از امام جعفر
صادق علیه السلام که گفت که هر کسی که در غضب شود پس اگر ایستاده
بود باید بنشیند به درستی که چون چنین کنی میرود از تو پلیدی شیطان
و اگر کسی غضب کند بر خویشان خود باید که مس کند او را تا تسکین یابد
غضب او دیگر آنکه گفت امام جعفر صادق علیه السلام که وقتی که در غضب شوید
بگوئید اللهم اذهب عنی غیظ قلبی واغفر لی ذنبی واجرنی من مضلات الفتن
اسالک رضاک واعوذ بک من سخطک اسالک جنتک واعوذ بک من نارک
اسالک الخیر کله واعوذ بک من الشر کله اللهم ثبتنی علی الهدی والصواب
واجعلنی راضیا مرضیا غیر ضال ولا مضل گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که حضرت حق تعالی فرمود که ای فرزند آدم یاد کن مرا در وقت غضب
تا یاد کنم ترا در وقت غضب خود و هلاک نکنم ترا در میان آنچه
هلاک کرده ام گفت ابو عبدالله علیه السلام که کسی که باز دارد غضب خود را

اندوه روز قیامت و آنکه جهت تسکین غضب صلوات بر نبی و آل او
علیهم السلام می باید فرستاد و نیز می باید گفت یذهب غیظ قلوبهم اللهم
اغفر ذنبی واذهب غیظ قلبی واجرنی من الشیطان الرجیم ولا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم آنچه می باید گفت جهت غم و اندوه و وسواس [illegible] که شکایت
کرد مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله از وحشت و تنهایی آنحضرت
گفت بسیار بگو سبحان ربی الملک القدوس رب الملائکة والروح خالق
السموات والارض فی العزة والجبروت آنمرد گفت این کلمات را و برد خدا از او تعالی
از وا اندوه و وحشت را از حضرت پیغمبر صلی که هر کس این دعا بخواند که اللهم
انی عبدک و ابن عبدک و ابن امتک ناصیتی بیدک ماض فی حکمک
عدل فی قضائک اسالک بکل اسم هو لک سمیت به نفسک او انزلته فی کتابک
او علمته احدا من خلقک او استاثرت به فی علم الغیب عندک ان
تجعل القرآن ربیع قلبی و نور صدری و جلاء حزنی و ذهاب همی ببرد خدای تعالی
غم و اندوه از دل او و بدل او کند اندوه او بخوشحالی آنچه می باید گفت
در دیدن اهل بلا اما که کسی که چون کسی را در بلای مبتلا است باید که

بگوید

بگوید الحمد لله الذی عافانی مما ابتلاه به ولو شاء فعل از ابی جعفر علیه السلام
که گفت که وقتی که ببینی مبتلای را پس سه بار بگو چنانکه آن مبتلا نشنود
الحمد لله الذی عافانی مما ابتلاه به ولو شاء فعل و هر کس این را بگوید هرگز به
او این بلا نرسد گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که هرگاه ببینید
اهل بلا را حمد بگویید خدای تعالی را چنانکه ایشان نشنوند به درستی که
از شنیدن این اندوهگین میشوند اما آنچه می باید گفت وقت دیدن
جنازه روایت است که علی بن الحسین علیهم السلام وقتی که میدید جنازه میگفت
الحمد لله الذی لم یجعلنی من السواد المخترم و نیز میگفت الحمد لله الذی تعزز
بالقدرة و قهر عباده بالموت اما آنچه می باید خواند وقتی که امر مشکلی
پیش کسی آید و خواند که ابوعبدالله گفت جد از آن مشکل خلاص میتوان شد
سزاوار است که وقتی که بخواند سوره و هر یک از سوره والشمس واللیل
هفت بار بخواند به درستی که چون چنین کند در خواب ببیند شخصی را که با او
تعلیم کند طریق خلاص شدن و نجات شدن یا فصلی از آن مشکل [illegible]
به دعاهایی که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله میخواند [illegible]

اسالک العافیة وشکر العافیة فی الدنیا والآخرة روایتست از کتاب
روضه که گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله که اگر کسی بر پیر یهودی یا نصرانی
یا مجوسی یا کسی اگر بر دین اسلام نباشد و بگوید الحمد لله فضلنی علیک
بالاسلام دیناً وبالقرآن کتاباً وبمحمد نبیاً وبعلی اماماً وبالمؤمنین اخواناً
جمع نکند خدای تعالی میان او و آن کافر در دوزخ یعنی او را بدوزخ نبرد بدا
بدانکه طلب چیزی کردن از خدای تعالی بطریق جزم می باید و جزم است
کسی طلب میکند و جزم کند در طلب کردن زیرا که حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه وآله فرموده است که لایقل احدکم اللهم اغفر لی ان شئت اللهم
ارحمنی ان شئت ولیعزم المسألة فانه لا مکره له یعنی نباید که بگوید کسی از شما که یا
خدایا بیامرز مرا اگر خواهی و رحم کن بر من اگر خواهی و باید جزم کند
در طلب کردن از خدای تعالی بدرستی که مکروه نیست نزد خدای تعالی
جزم کردن در طلب چیزی از خدای تعالی ودیگر آنکه مستجاب کرداند خدای تعالی
دعای کسی را باید که بگوید الحمد لله الذی بعزته تتم الصالحات وهرگاه دیر مستجاب
شود دعای او باید که بگوید الحمد لله علی کل حال ومکروه است که بگوید که دیر

مستجاب نشد دعای من و باید که دایم دعا کند و طلب کند از خدای تعالی
وملول نشود از دعا کردن زیرا که حضرت پیغمبر فرموده است که یستجاب
للعبد ما لم یعجل ویقول قد دعوت فلم یستجب لی یعنی مستجاب میشود
دعای بنده مادام که تعجیل و شتاب نکند و بگوید که دعا کردم و مستجاب نشد
دعای من و وقتی که از خدای تعالی حاجتی خواهی بگو اللهم انی اسالک یا مالک
الا علی الاکبر الاجل الاعظم الاکرم ان تفعل بی کذا وکذا بدرستی که
هرگاه این کلمات را بگویی حاجت تو روا شود اما آنچه می باید گفت کسی را
که در ورطه و مهلکه افتد آنست که رسول خدا صلی الله علیه وآله گفت با امیر المؤمنین
علی علیه السلام که وقتی که در ورطه افتی بگوی بسم الله الرحمن الرحیم ولا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم ایاک نعبد وایاک نستعین بدرستی هرگاه
این کلمات را بگوی خدای تعالی دفع میکند این بلا را اما اسم اعظم حق تعالی
روایتست که علی بن الحسین علیهما السلام که من طلب میکردم از خدای تعالی
یکسال در عقب هر نماز که تعلیم کند بمن اسم اعظم خود را پس روزی نماز صبح
گزاردم و خواب بر من غلبه کرد و من نشسته بودم چون چشم من بخواب

رفت دیدم که مردی پیش من استاده است و میگوید من که طلب کردی
از خدای تعالی که اسم اعظم را بتو تعلیم کند گفتم بلی گفت بگو اللهم انی اسئلک
باسمک الله الله الله الذی لا اله الا هو رب العرش العظیم و گفت علی بن
الحسین علیهم السلام که بحق خدای که برای هر حاجتی که باین کلمات
دعا کردم برآورده شد آن حاجت // آنچه می باید گفت در محل رعد
و صاعقه هرگاه آواز رعد بشنوی و صاعقه ببینی بگو اللهم لا تقتلنا بغضبک
و لا تهلکنا بعذابک و عافنا قبل ذلک // آنچه می باید گفت وقت باریدن
باران هرگاه باران ببارد بگو وقت باریدن صیبا هنیئا // آنچه می باید گفت
وقت وزیدن باد روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که وقتی که
باد می وزد بسیار تکبیر بگو و بگو اللهم انی اسئلک خیر ما جاءت به الریاح
و خیر ما فیها و اعوذ بک من شرها و شر ما فیها اللهم اجعلها علینا رحمة و
علی الکافرین عذابا و صلی الله علی محمد و آله // آنچه می باید گفت وقت
زراعت کردن گفت ابو جعفر علیه السلام که وقتی که خواهی که زراعت کنی
بکف بگیر مشتی از تخم و رو بقبله کن و سه بار بگو انتم تزرعونه ام نحن الزارعون

و بعد از آن سه بار بگو اللهم اجعله حبا مبارکا و ارزقنا فیه السلامة والتمام
و اجعله حبا متراکبا و لا تحرمنی خیر ما ابتغی و لا تفتنی بما منعتنی بحق محمد
صلی الله علیه و آله الطیبین و بعد از آن بپاش آن تخم را خدای تعالی
برکت دهد ان شاء الله و دعای که می باید خواند در تنهائی یا ارض ربی و ربک
الله اعوذ بالله من شرک و شر ما فیک و شر ما خلق فیک و من شر
ما یدب علیک اعوذ بالله من شر کل اسد و اسود و حیة و عقرب و من
ساکن البلد و من شر والد و ما ولد افغیر دین الله یبغون و له اسلم
من فی السموات و الارض طوعا و کرها و الیه ترجعون الحمد لله بنعمته و حسن
بلائه علینا اللهم صاحبنا فی السفر و افضل علینا فانه لا حول و لا قوة الا بالله
و بعد از آن سوره الهیکم التکاثر بخوان که چون چنین کنی ایذا نرسانند
بتو هیچ درنده و گزنده و اگر چه خواب کنی بر بالای مار باذن خدای تعالی
// آنچه می باید گفت وقت عطسه کردن روایت است از ابی عبد الله علیه السلام
که گفت که اگر کسی بشنود عطسه پس حمد و ثنا بگوید خدای تعالی را و صلوات
بفرستد بر محمد و اهل بیت او علیهم السلام او را درد دندان و درد چشم

نشنود هرگز و بعد از آن گفت که اگر کسی بشنود عطسه باید که ترک نکند حمد و ثنا
خدای تعالی را و صلوات بفرستد بر محمد و آل او علیهم السلام و اگر میان
او و میان آنکسی عطسه زده است دریا فاصله باشد روایت است از امیر المؤمنین
علی علیه السلام که گفت که اگر کسی که عطسه کند و بعد از عطسه بگوید الحمد لله
رب العالمین علی کل حال ما کان او را درد گوش و درد دندان نباشد
روایت است از ابی جعفر صادق علیه السلام که گفت که وقتی که کسی سه بار
عطسه کند دعا کن برای او و اگر زیاده از سه بار عطسه کند احتیاج
دعا کردن نیست روایت است از امیر المؤمنین علی علیه السلام که گفت رسول
خدا صلی الله علیه و آله که اگر دعا کنید برای برادر مومن وقتی که عطسه کند
طلب کند آن برادر مومن فردای قیامت از شما حق خود را و حکم خواهد
کرد خدای تعالی که حق برادر مومن به دهید گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که وقتی که عطسه کند مرد مسلمانی و بعد از آن بگوید الحمد لله رب العالمین
بجهت مرضی که داشته باشد فرشتها برای او میگویند الحمد لله رب
العالمین که او بگوید الحمد لله رب العالمین و جهت او بگوید فرشتها گویند

یغفر الله

یغفر الله لک روایت است از نسیم خادم امام حسن عسکری علیه السلام که گفت که
عطسه کرد صاحب الزمان علیه السلام بعد از آن که از ولادت او گذشته
بود عطسه کردم صاحب الزمان گفت یرحمک الله پس من خوشحال شدم باین
صاحب الزمان گفت که بشارت دهم ترا از عطسه کردن گفتم گفت بلی گفت که
عطسه از مردن امانست تا روز سیم روایت است از ابی عبدالله که گفت که عطسه کرد کسی نزد
ابی جعفر صادق علیه السلام که خوب چیزیست عطسه و در و در جهت بدن است
و سبب آن یاد میکند خدای تعالی او صلوات میفرستد بر نبی و آل
او علیه السلام پس گفتم محدثان عراق میگویند که صلوات بر نبی و آل او
نمی باید فرستاد در سه وقت بعد از عطسه کردن و در وقت ذبح کردن و
در وقت جماع کردن ابو جعفر علیه السلام گفت بار خدایا اگر محدثان دروغ
میگویند باید که نرسانی بایشان شفاعت محمد صلی الله علیه و آله را روایت است
از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که آنکسی که بگوید وقتی که بشنود عطسه
که الحمد لله علی کل ما کان من الدنیا والآخرة و صلی الله علی محمد و آله علی
او نرسد روایت است از ابی عبد الله علیه السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله

که اگر کسی پیش از عطسه کننده حمد بگوید خدای تعالی را او عافیت یابد از درد
دندان و درد پهلو روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت هرگاه
کسی عطسه کند و بعد از آن بگوید الحمد لله دو فرشته که موکل اویند بگویند
رب العالمین کثیرا لا شریک له اگر بنده این را بگوید آن دو فرشته بگویند
صلی الله علی محمد و اگر بنده این را نیز بگوید و علی آل محمد و اگر این نیز بگوید
آن دو فرشته بگویند یرحمک الله روایت است از امیر المؤمنین علی علیه السلام
در حدیث طویل که وقتی که عطسه کند کسی دعا کنید برای او پس اگر او بگوید یرحمکم الله
شما بگوئید یغفر الله لکم و یرحمکم بدرستیکه خدای تعالی گفته است و اذا حییتم
بتحیة فحیوا باحسن منها او ردوها یعنی وقتی که کسی دعا کند شما را پس دعا
کنید شما ایشان را بهتر از آن یا دعا کنید بهمان دعا روایت است از ابی عبد الله
بن ابی یعفور که گفت که حاضر بودم در مجلس ابی عبد الله علیه السلام که شخصی
عطسه کرد در آن مجلس آنحضرت گفتند یرحمک الله جماعتی از اصحاب که حاضر
بودند گفتند آمین پس آنحضرت عطسه کرد اصحاب شرمنده شدند و نخواستند
که دعا کنند برای آنحضرت پس گفت آنحضرت که بگوئید علی الله ذکرک روایت

از ائمه معصومین

از ائمه معصومین علیهم السلام که وقتی که عطسه کنی سزاوار نیست که نهی انگشت
شهادت بر پشت بینی خود و بگوی الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله
الطاهرین رغم انفی لله داخرا صاغرا غیر مستنکف و لا مستحسر وقتی
که عطسه کند دیگری یکبار یا دو بار یا سه بار بگو یرحمک الله پس اگر زیاده از
سه بار عطسه کند بگو شفاک الله و هرگاه مردی مومنی عطسه کند
بگو یرحمک الله و چون زنی عطسه کند بگو عافاک الله و چون طفلی عطسه کند
بگو زرعک الله و چون بیمار عطسه کند بگو شفاک الله و چون کافر ذمی عطسه کند
بگو هداک الله و اگر پیغمبری یا امامی عطسه کند بگو صلی الله علیک و وقتی که کسی عطسه کند
و دیگری دعا کند برای او باید که آنکس که عطسه کرده است رد کند و بگوید یغفر الله
لنا و لکم روایت کرده است ابو بصیر که ابی عبد الله گفت که بسیار عطسه کردن
ایمن میسازد صاحب عطسه را از پنج چیز جذام و باد که در سر و روی
پیدا میشود و فرو آمدن آب سیاه بچشم و سده دماغ و بیرون آمدن
موی زیادتی بر چشم روایت است که شخصی عطسه بسیار میکرد گفت ابو عبد الله
علیه السلام که اگر خواهی که کم شود عطسه تو روغن مرزنجوش را در دماغ خود

کی آن شخص گفت که چه مقدار گفت یکماه گفت پس پنج روز چنین کردم
و برفت علت از من بود که   ازابی عبدالله گفت که کسی که عطسه کند در
مرضی ایمن شود که من در آن مرض و گفت خمیازه کشیدن کار شیطانست
و عطسه زدن از جانب خدای تعالیست   ازابی عبدالله
علیه السلام که گفت رسول خدا صلی الله که وقتی که کسی سخنی بگوید و در میان
سخن گفتن کسی عطسه کند پس آن عطسه گواهست بر صدق آن سخن
و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که عطسه کردن چهار دلیل است
بر عافیت و راحت بدن او   در علاج فراموشی ذکر کرده است سکونی
ازابی عبدالله علیه السلام که گفت که وقتی که فراموش گرداند شیطان
از خاطر تو چیزی را پس دست خود را بر پیشانی خود و بگو اللهم انی اسئلک
یا مذکر الخیر و فاعله والامر بها ان تصلی علی محمد و آل محمد و تذکرنی ما انسانیه الشیطان

باب پانزدهم در آداب مریض و علاج او و آنچه متعلق است
بآن و درین باب پنج فصل است و آنچه مذکور هست درین باب اختیار
کرده شده است از کتاب طب الائمه و از کتاب ثواب که پدر من

جمع کرده است فصل اول در آداب مریض و عیادت کننده و علاج مرض
و در بیان ثواب مریض   ازابی عبدالله علیه السلام که رسول خدا
صلی الله علیه و آله گفت که تب پیک مرگ است و خبر از مرگ میدهد و
زندان خدای تعالیست در زمین و تب از شدت و حرارت تب
از دوزخ است و آنچه بمومن میرسد از دوزخ همین تب است گفت
که رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی که میدید جوششی در بدن خود پناه
میجست بخدای تعالی و تضرع و زاری میکرد بخدا از آن کسی گفت یا رسول الله
باکی نیست ازین جوشش آنحضرت گفت اگر خدای تعالی خواهد چیزی حقیر
را بزرگ میگرداند   ازابی عبدالله علیه السلام که گفت که هر رگ
و دردی و نکبتی که بکسی میرسد بجهت گناهی است که کرده است
و اینست معنی قول خدای تعالی که فرموده است در کتاب خود که وما اصابکم
من مصیبة فبما کسبت ایدیکم ویعفو عن کثیر یعنی آنچه بشما میرسد ای مردمان
از مصیبت و آفتی که در مال شما یا بدن شما یا اهل و عیال شما میرسد بسبب
آن چیزی است که کسب کرده است دستهای شما یعنی بسبب

گناهان تمامست و حال آنکه خدای تعالی عفو میکند و میگذرد از بسیاری
گناهان شما و بعد از آن گفت ابی عبد الله علیه السلام که اگر خدای تعالی
عفو میکند از گناهان شما پس تر بهتر است لذا که مواخذه میکند و سبب
آن بیشما تشویش میرساند بر عضوی حصه از بلا و خیر نیست در کسی که
مبتلای بلا نشود   کرده است محمد بن احمد از یوسف بن اسمعیل
که گفت یکی از ائمه علیه السلام که وقتی که مومن یک تب شود فرو میریزد
گناهان او همچنانکه برگ از درخت فرو میریزد و اگر صاحب فراش شود
ناله او تسبیح است و فریاد و فغان او تهلیل است و گردیدن او بر رو
همچنانست که شمشیر میزند در راه خدا و اگر متوجه عبادت خدای تعالی
شود در میان اصحاب خود آمرزیده میشود خوشا حال او و اگر بمیرد شهید
و اگر زنده بماند و گناه و محنت عافیت نزد ماست بهتر است از بیمار
از علی بن الحسین علیهم السلام که گفت که تب یک شب کفارت
یکساله گناه است بجهت آنکه الم آن تب میماند در بدن تا یکسال   از
ابی عبد الله علیه السلام که تب یک شب کفارت گناهانست که پیش از

تب کر

تب کرده است و بعد از آن تب خواهد کرد   از ابی عبد الله علیه السلام
که گفت که کسی که یک شب بیماری بکشد و صبر کند در آن بیماری و شکر خدا
بجای آورد شصت ساله گناه آن او آمرزیده میشود   که گفت امام محمد
باقر علیه السلام که بیداری یک شب بجهت دردی یا بیماری فاضلتر است
و اجر و ثواب بیشتر است از عبادت یکساله و تب دو شب برابری
میکند بعبادت شصت ساله و تب سه شب برابری میکند بعبادت
هفتاد ساله گفت ابو حمزه که گفتم که شاید آن بیمار بهفتاد سالگی نرسد
آنحضرت گفت آن ثواب از پدر و مادر او خواهد بود گفتم شاید پدر و مادر او بهفتاد
سالگی نرسند گفت آن ثواب از خویشان او خواهد بود گفتم اگر خویشان
او بهفتاد سالگی نرسند آن ثواب از که خواهد بود گفت از همسایهای
او   از امام رضا علیه السلام که بیماری پاک میکرداند مومن را از گناه
و نعمت است و کافر را عذاب و لعنت است و مومن را انقدر بیمار
میکشد که هیچ گناه او نماند   که گفت ابی عبد الله علیه السلام

که درد سر یک شب می برد همه گناهان سال را مگر گناه کبیره — از ابی ابراهیم
که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله که چهار را چهار خصلت است برداشته
میشود قلم از و یعنی گناهان او را نمی نویسند و امر میکند خدای تعالی فرشته را
که بنویسد برای او ثواب هر عملی که میکرد در ایام صحت خود و بیمار هر
عضوی بیرون می برد گناهان آن عضو را و اگر بمیرد آمرزیده شود
و اگر زنده بماند نیز آمرزیده میشود — که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که وقتی که بیمار شود مسلمانی می نویسد خدای تعالی برای او ثواب بهتر
از آنچه می نوشت در ایام صحت و میریزد گناهان او همچنانکه برگ از درخت
که گفت ابی عبدالله علیه السلام که وقتی که خدای تعالی دوست
میدارد بنده را نظر میکند بر او و هرگاه نظر کند با وی یکی از سه چیز میدهد
یا تب یا درد چشم یا درد سر — که گفت امام موسی کاظم که گفت که
وقتی که مؤمنی بیمار شود وحی میکند خدای تعالی بفرشتگان دست
چپ که نمی نویسید گناهان بنده مرا مادام که بیمار است و وحی میکند
بفرشتگان دست راست که بنویسید برای بنده مؤمن حسنات

ماند

که می نوشتند برای او در ایام صحت او — صبر در بیماری
از ابی جعفر علیه السلام که گفت رسول خدا صلعم که خدای تعالی میگوید که هرگاه
که مبتلا کنم بنده خود را به مرضی و او صبر کند و شکایت نکند نزد عیادت کنندگان
که بعیادت او حاضر میشوند بدل میکنم گوشت او را بگوشتی بهتر و پوست او
بپوستی بهتر و خون او را بخونی بهتر و اگر بمیرد رحمت میکنم بر او و اگر
صحت یابد هیچ گناهی نخواهد ماند بر او — از امام رضا علیه السلام
که گفت که بیماری پاک میگرداند مؤمن را از گناهان و رحمت است و کافر
را عذاب و بدبختی است — از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت که
مصیبتها میرسد به بنده تا آنکه هیچ گناهی بر وی نمی ماند — از ابی
عبدالله علیه السلام که گفت که عیادت کنید بیماران را و از ایشان
طلب دعا کنید بدرستیکه دعای ایشان برابری میکند بدعای
فرشتها و هر کسی بیمار شود شبی و در آن شب شکایت نکند
از آن بیماری بنویسد خدای تعالی برای او ثواب عبادت
شصت سال — از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که هر که

از بیماری آنست که بیمار بگوید که مبتلا شده‌ام بمرضی که هیچکس باو مبتلا نشده
یا بگوید که رسیده بمن مرضی که بهیچکس نرسیده و شکایت نیست
که بگوید که شب بیخوابی کشیده‌ام یا روز تب کشیده‌ام یا مانند این
سخنان   از امیر المؤمنین علی علیه السلام که گفت که بیماری اجر
و ثوابی ندارد ولیکن گناهان را میریزد اما ثواب بگفتن و عمل و فعل
بدست و پا میباشد خدای تعالی برد بجهت صدق نیت و اعتقاد
خالص بسیاری از بندگان خود را بهشت   عیادت کردن بیمار
که گفت حضرت پیغمبر صلعم که حق مسلمان بر مسلمان آنست که چون
ملاقات کند بروی سلام کند و هرگاه بیمار شود عیادت کند او را و چون
بمیرد در عقب جنازه او برود   که حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله
عیادت کرد همسایه خود را که یهودی بود گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
که عیادت کامل آنست که بنهد دست خود را بر بیمار و بپرسد از او که
چه حال داری و صباح چگونه بودی و در شب چگونه بودی و سلام کردن کامل آنست
که با مصافحه باشد   از ابی عبد الله علیه السلام که گفت سزاوار

آنست بیمار را که خبردار کند برادران مؤمن را از بیماری خود تا آنکه عیادت
کنند او را و ثواب یابد و ایشان نیز ثواب یابند کسی گفت که ایشان
ثواب می‌یابند و ایشان نیز ثواب یابند کسی گفت که چگونه ثواب
می‌یابد ابی عبد الله علیه السلام گفت که او ثواب می‌یابد بجهت آنکه
بر ایشان حسنات حاصل میکند پس نوشته میشود برای آن بیمار
ده حسنه و ده درجه مرتبه او بلند میشود و دفع میشود از او ده گناه و گفت
ابو عبد الله علیه السلام که سزاوار آنست که خویشان میت خبر کنند
برادران مؤمن آن میت را از مردن او تا آنکه ایشان حاضر شوند
بجنازه او و نماز گزارند بر او و طلب آمرزش کنند تا آنکه ایشان را ثواب
حاصل شود و برای میت طلب آمرزش شود   که گفت ابو الحسن
که امیر المؤمنین علی علیه السلام عیادت کرد صعصعة بن صوحان را پس
پس گفت ای صعصعه بر برادران مؤمن باینکه من عیادت کردم ترا
و نظر کن بنفس خود و تحقیق که امری رسیده است بتو باید که مشغول گرداند
ترا عیادت   از کتاب زهد امیر المؤمنین علی علیه السلام

حاصل

فخر مکن

و از کتاب جبایر که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که عیادت نیست
در درد چشم او عیادت نیست مثل اینکه پس روز از بیماری بگذرد و چون
سه روز از بیماری بگذرد یک روز در میان باد و روز و در میان عیادت کنند
و هرگاه بیماری بطول انجامید می‌باید که نهشت بیمار را با عیال خویش
که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که امیرالمومنین علی علیه السلام
فرمود که بزرگترین مردمان از روی اجر و ثواب نزد خدای تعالی
آنکسی است که وقتی که عیادت کند برادر مومن را کم نشیند نزد
او مگر بیمار خواهد که بنشیند و دوست دارد او را و بگوید بنشین
گفت امیرالمومنین علی علیه السلام که عیادت کامل آنست که آنکه کسی
عیادت میکند بنهد دست خود را بربالای دست بیمار یا بر پیشانی
او و زود برخیزد از پیش او بدرستی که عیادت احمقان دشوارتر است
از بیماری   از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که وقتی که
روز قیامت شود بیمار نه بنده را نزد حق تعالی پس خدای تعالی
حساب او کند با آسانی و بگوید که ای بنده مومن چه چیز منع کرد ترا

از عیادت

از عیادت کردن من وقتی که من بیمار شدم پس آن بنده بگوید بار خدایا
تو پروردگار منی و من بنده توام و تو حی و قیومی و غیر تو هیچ
بیماری و الی پس خدای تعالی بگوید که اگر کسی که عیادت کند مومنی را
بجهت رضای من پس عیادت کرده است مرا و بعد از آن خدای تعالی
بگوید با آن بنده که یا فلان بن فلان آیا می‌شناسی این بنده را بگوید
بلی می‌شناسم ای پروردگار من خدای تعالی بگوید که چرا عیادت
نکردی او را وقتی که بیمار شد بدرستی که اگر عیادت میکردی او را عیادت
میکردی مرا او و هر آینه می‌یافتی مرا نزد او و اگر از من طلب حاجت میکردی در آن وقت
حاجت ترا برمی‌آوردم گفت ابوالحسن علیه السلام که وقتی که بیمار شوید
باید مردمان بعیادت شما آیند اذن کنید که نزد شما بیایند بدرستی که
دعای یکی از ایشان مستجاب خواهد بود   که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
عیادت کرد سلمان فارسی را رحمة الله علیه و چون خواست که برخیزد
گفت یا سلمان کشف الله ضرک و غفر ذنبک و حفظک فی دینک و بدنک
الی منتهی اجلک یعنی ای سلمان بردارد خدای تعالی بیماری ترا و بیامرزد

کناهان ترا و کناه و درد دین و بدن ترا تا وقت رسیدن اجل تو
از امالی شیخ ابو جعفر طوسی بابویه که روایت کرده است امام جعفر صادق
علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله عیادت کرد سلمان فارسی را
پس گفت ای سلمان در بیماری سه خصلت است یاد خدای تعالی میکنی و دعای تو
درین حال مستجاب است و میگذارد بیماری بر تو هیچ گناه را برخوردار
دهد خدای تعالی ترا بصحت و عافیت تا وقت رسیدن اجل تو
از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت که عیادت سه بار می باشد و
و تعزیت رسانیدن یکبار   از ابی عبد الله علیه السلام
که گفت که هر مومنی که عیادت کند برادر مومن را وقت صبح مشایعت
میکنند او را هفتاد هزار فرشته پس وقتی که بنشیند نزد آن بیمار
خدای تعالی برو رحمت میکند و فرشتها برای او استغفار میکنند تا
و اگر در وقت شام عیادت کند خدای تعالی برو رحمت میکند و فرشتها برای
او استغفار میکنند تا صباح   از امام محمد باقر علیه السلام که گفت که
حضرت موسی در مناجات پروردگار خود گفت بار خدایا چیست ثواب

عیادت

عیادت بیمار حق تعالی فرمود که موکل میکنم فرشته را بانکسی که عیادت
کند بیمار را که همراه او باشد در قبر تا روز حشر   از امام جعفر صادق
علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر کسی عیادت
کند بیماری را ندا میکند فرشته از آسمان و میگوید ای فلان خوش باد ترا
و خوش باد رفتن تو   از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت که بزرگترین
شما از روی اجر و ثواب در عیادت کسی است که کم بنشیند نزد بیمار
و نیز گفت که وقتی که درآیند نزد بیمار بجهت عیادت باید که دعا کنند برای
او بدرستی که دعای بیمار مثل دعای فرشتهاست   که هر کسی که عیادت کند
بیمار را برای خدای او بیمار هرچه طلب کند از خدای تعالی در حق او مستجاب
شود   که پرسیدند امیر المومنین علی را از بیماری اطفال آنحضرت
فرمود که بیماری اطفال کفارت گناهان مادر و پدر ایشان است
از بعضی خدمتکاران آنحضرت و ما چند کس از خدمتکاران آنحضرت میرفتیم
که عیادت کنیم او را پس آنحضرت در میان راه برابر ما پیدا شد گفت کجا
میروید گفتیم بعیادت فلان میرویم گفت باستید پس ایستادیم گفت

یا بگی زنماسبی یا بی یا ترشی یا اندکی از بوی یا عود هست گفتم یا هیچ چیز
از بنها نیست گفت آیا مشاهده نمیکنید که بیمار خوشحال میشود هر چه از برای او می
برند علاج کردن بیمار که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که دوا کنید مرض را به سببی که حضرت حق سبحانه و تعالی هر دردی که فرستاد
شفای برای آن درد فرستاد گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که مردن
آدمی بگناه بیشتر است از مردن او باجل و زندگانی آدمی به نیکوی کردن
بیشتر است از زندگانی او بعمر که نمی باشد بیماری مگر از گناه
و آنچه عفو میکند خدای تعالی از بنده بیشتر از آنست که مواخذه میکند
دو کس بیمارند که یکی شخصی که خود را از بیماری نگاه دارد و دایم
پرهیز کند دوم بیماری که پرهیز نکند و چیزها درهم خورد گفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله که اجتناب کن از دوا مادام که بدن تو قوت درد
کشیدن دارد هرگاه که قوت درد کشیدن نداشته باشد دوا کن
از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که پیغمبری از پیغمبران بیمار شد
و گفت که دوا نمیکنم تا آنکه آن کس که بیمار ساخت مرا شفا دهد پس وحی کرد خدا

ملک معز

بآن پیغمبر که شفا نمیدهم ترا تا وقتی که دوا کنی بهر سببی که شفا از من است
وقتی که دوا کنی از امام رضا علیه السلام که گفت که اگر مردمان کم طعام
بخورند بیمار نمی‌شوند از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که نیست پرهیز
از چیزی ترک کردن آنچیز ولیکن پرهیز از چیزی کم کردن آنچیز است
از امام موسی کاظم علیه السلام که گفت که پرهیز کردن اصل دوا است
و معده خانهٔ درد است و خوردن بعد از آنچه عادت کرده است
از کتاب روضة الواعظین که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که آنکسی که بمیرد
بی وصیت کافر مرده باشد که سزاوار نیست مسلمانی را که شب
بروز آورد و وصیت نامهٔ او در زیر سر او نباشد که آنکسی که نیکو وصیت
نکند و تحمل کردن نقصانی در مروت و عقل او هست گفت امیر المومنین علی
علیه السلام که آنکسی که وصیت کند و در آن وصیت جور و ستم نکند و ضرر
نرساند کسی بجنانست که تصدق کرده است آنچیز در حال حیوة خود
گفت امام جعفر صادق علیه السلام که وصیت حق است بر هر مسلمانی
و بر او واجب است حق ادای او که آنکسی که وصیت نکند و چیزی

بعد شد از مال او و خویشاوندان او که میراث می‌برند از و خاتمه کار او معصیت است
فصل دویم در طلب شفا کردن بقرآن روایتست که گفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله که کسی که طلب شفا نکند بقرآن شفا نبیند پس خدای تعالی
او را گفت امام جعفر صادق علیه السلام که کسی که صد آیت از قرآن
بخواند از هر جا که خواهد و بعد از آن هفت بار بگوید یا الله پس اگر
دعا کند بر سنگ خارا آن سنگ شکافته شود از ابو الحسن علیه السلام
که گفت که هر گاه بترسی از چیزی صد آیت از قرآن بخوان از هر جا که خواهی
و بعد از آن سه بار بگو اللهم اکشف عنی البلاء از ابی ابراهیم
که هر کسی که طلب کفایت مهمی کند از مشرق تا مغرب باید که از قرآن
بکفایت آن مهم میشود وقتی که از روی صدق و یقین می‌باشد
از امام موسی کاظم علیه السلام که در قرآن شفاست از هر دردی

خواص سورتهای قرآن و آنچه در اخبار آمده در باب آن

از امام موسی کاظم علیه السلام که کسی که بیماری یا علتی داشته باشد
باید که هفت بار فاتحه بخواند در گریبان پس اگر آن علت تسکین نیابد هفتاد

بار بخواند البته که تسکین می‌یابد از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که هر که بخواند فاتحه هفت بار شفاست از هر دردی پس اگر هفتاد بار
فاتحه بخواند بر مریض که روح از بدن او مفارقت کرده باشد باز گرداند
خدای تعالی روح او را در بدن او از ابی عبد الله علیه السلام
که گفت که اگر هفتاد بار فاتحه بر مرده بخوانی و بعد از آن روح بازگردد
ببدن آن مرده عجب نیست از امام محمد باقر علیه السلام که گفت که
وقتی که علت یا بیماری داشته باشی و تو بترسی از آن بیماری بخوان سوره
انعام را بدرستی که نمیرسد بتو از آن علت مکروهی از امام محمد باقر
علیه السلام که گفت که وقتی که علت یا بیماری داشته باشی و تو بترسی
از آن بیماری بخوان سوره انعام را بدرستی که نمیرسد بتو از آن علت
مکروهی از امام محمد باقر علیه السلام که گفت که کسی که سوره نحل بخواند
در هر ماهی [illegible] ادا میشود قرض او در دنیا و ایمن میشود از هفتاد
نوع بلا که آسان ترین آن بلا دیوانگی و جذام و برص است
که [illegible] احتراز از شیطان و لشکر و اتباع او سوره نحل می‌باید خواند

از امام محمد باقر علیه السلام که آنکسی که سوره لقمان بخواند در هر شب
موکل سازد خدای تعالی فرشتهارا در ان شب که نگاه دارند او را از
شیطان و لشکر او تا صباح و اگر در روز بخواند نگاه دارند او را از
شیطان و لشکر او تا شب   از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که
هر چیزی را دلیست و دل قران یس است پس آنکسی که یس بخواند در
شب پیش از انکه بخواب کند موکل گرداند خدای تعالی هفتاد هزار فرشته
را که نگاه دارند او را از شیاطین و از جمیع آفتها و آنکسی که در روز بخواند
پیش از انکه از خانه خود بیرون رود و بجای رود خدای تعالی او را از
جمیع بلاها نگاه دارد و روزی دهد تا شب و اگر درین روز بمیرد او را خدای تعالی
به بهشت برد   که یس می باید که خوانند بجهت شرف دنیا و آخرت
و برای حفظ نفس و اهل بیت و مال از جمیع آفتها و بلاها   که آنکسی که
دیوانه شود یا بیهوش پس بر او بخوانند یا بنویسند و بشویند و باو
دهند تا بخورد و صحت می یابد و اگر با آب زعفران بنویسند بر ظرف
از شیشه بهتر است   از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که

آنکسی که سوره والصافات در هر روز جمعه بخواند همیشه محفوظ باشد از
جمیع آفتها و دفع شود از و هر بلیه که در دنیاست و روزی او گشاده شود
در دنیا و نگاه دارد خدای تعالی او را و مال و فرزندان او را از
شیطان رجیم و سلطان ظالم   که سوره والصافات می باید
خواند بجهت شرف و بزرگی و جاه و عزت در دنیا و آخرت   از
ابی عبد الله علیه السلام که گفت که آنکسی سوره ص بخواند در روز یا در شب
خدای تعالی اعطا کند باو بزرگی دنیا و آخرت و عزیز کند او را اگر چه بی
مال و بی خویش باشد و آنکسی که سوره طور بخواند جمع کند خدای تعالی او را
خیر دنیا و آخرت و آنکسی که سوره اذا وقعت بخواند در هر شب جمعه دوست
دارد خدای تعالی او را و همه مردمان را دوست او گرداند و نبیند هرگز در دنیا
هیچ بدی و تنگی و فقر و درویشی و آفتی از آفتها و این سوره در شان امیر المؤمنین
علی علیه السلام و فرزندان او نازل شده آنکسی که مداومت کند بخواندن
سوره حدید و مجادله در نماز فریضه ایمن شود او و اهل و مال او از بدی
و اهل او درویشی نرسد   از علی بن الحسین علیهم السلام که گفت که آنکسی که

سورهٔ ممتحنه بخواند در نماز واجبی و سنتی امتحان کند خدا تعالی دل او را به
ایمان یعنی دل و نور ایمان به بهره و روشن و پر نور گرداند چشم او را
و نه بیند فقر و درویشی او و فرزندان او کدام کسی که سورهٔ ممتحنه بخواند
در نماز عزیز و گرامی شود نزد مردمان و ستایش کنند او را و از ابی
عبد الله علیه السلام که گفت که آنکسی که سورهٔ قل اوحی بسیار بخواند هرگز
باو نرسد در دنیا بدی از جن و آنکسی که سورهٔ یا ایها المزمل بخواند در نماز خفتن
یا در آخر شب گواهی دهند شب و روز با این سورت بر نیکی او و
روز قیامت و خدای تعالی باو زندگانی خوش بدهد و او را نیک بمیراند
و آنکسی که سورهٔ والنازعات بخواند در او و خدای تعالی او را بهشت سیراب
و نیک بخت شود در دنیا هرگز که آنکسی که زهر بخورد یا بگزد او را جانوری
که زهر داشته باشد سورهٔ والسماء ذات البروج بر آب بخوانند و
باو دهند که بیاشامد ضرری باو نرسد ان شاء الله و آنکسی که سورهٔ انا انزلناه
در نماز فریضه بخواند ندا کند فرشته که ای بندهٔ خدای آمرزیده شد
گناهان گذشته پس از سر گیر عمل را و آنکسی که سورهٔ اذا زلزلت بخواند

در نمازها

در نمازهای سنتی هیچ آفتی باو نرسد از زلزله هرگز و نمیرد بازلزله
و صاعقه و هیچ آفتی از آفتهای دنیا و آنکسی که سورهٔ ویل لکل بخواند در
نمازهای فریضه درویشی نه بیند و روزی او زیاده شود و ایمن شود از
دردن بد و آنکسی که سورهٔ قل یا ایها الکافرون و قل هو الله بخواند در نماز
فریضه بیامرزد خدای تعالی او را و پدر و مادر او را و فرزندان او را
و اگر شقی و بدبخت باشد نام او محو شود از دیوان بدبختان و بنویسند
در دیوان نیک بختان و نیک بخت گرداند خدای تعالی او را در دنیا
و شفیع گرداند در روز قیامت از امام رضا علیه السلام که گفت که
رسول خدا صلی الله علیه و آله چون شما را درد سر شود یا درد دیگر بگشایید
هر دو دست خود را و فاتحه و قل هو الله و معوذتین بخوانید و بمالید هر دو
خود را بر روی خود بدرستی که چون چنین کنید برود آن درد از شما
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که خدای تعالی عوض فدک تسبیح
و قرآن برد از حضرت فاطمه علیها السلام ساخت پس هر کسی که دوست دارد
حضرت فاطمه را و فرزندان او را پس ... تسبیح شود هزار قل هو الله

بخوانند و بعد از ان بگوید بحق فاطمه علیها السلام که شفا ده مرا بدرستی که
چون چنین کند شب او بر طرف شود باذن خدای تعالی و کسی که او را حاجت
نصر الله در غار سنت باید بخواند و چون بخواند نصرت وی بر خدای تعالی
او را بر دشمنان   از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که اگر کسی را
شود با او بختی برسد و قل هو الله احد بخواند در ان بیماری و بختی بمیرد
در ان بیماری و بختی پس او از اهل دوزخ است و نیز گفت ابو عبد الله
که اگر کسی جای گیرد در فراش خود و بخواند یازده بار قل هو الله احد بخواند محفوظ
شود خانه او و خانهای که در حوالی او بیست خانه طلب شفا کردن بایتهای
قرآن در بیان آیتهای که مشتمل است بر تهلیل شفاست از جمیع مرضها
و آیتهای تهلیل اینست بسم الله الرحمن الرحیم والهکم اله واحد لا اله
الا هو الرحمن الرحیم الله لا اله الا هو الحی القیوم تا آخر هو الذی یصورکم
فی الارحام کیف یشاء لا اله الا هو العزیز الحکیم شهد الله انه تا آخر سریع
الحساب و اذا حییتم بتحیة فحیوا باحسن منها او ردوها ان الله کان علی کل شی
حسیبا الله لا اله الا هو لیجمعنکم الی یوم القیمة لا ریب فیه ومن اصدق

من الله حدیثا ذلکم الله ربکم لا اله الا هو خالق کل شی فاعبدوه و هو علی کل شی
وکیل اتبع ما اوحی الیک من ربک لا اله الا هو واعرض عن المشرکین
قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعا الذی له ملک السموات والارض
لا اله الا هو یحیی و یمیت فامنوا بالله ورسوله النبی الامی الذی یومن بالله
وکلماته واتبعوه لعلکم تهتدون وما امروا الا لیعبدوا الها واحدا لا اله الا هو
سبحانه عما یشرکون فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت
وهو رب العرش العظیم حتی اذا ادرکه الغرق قال امنت انه لا اله الا الذی
امنت به بنو اسرائیل وانا من المسلمین فان لم یستجیبوا لکم فاعلموا
انما انزل بعلم الله وان لا اله الا هو فهل انتم مسلمون قل هو ربی لا اله الا هو
علیه توکلت والیه متاب ینزل الملائکة بالروح من امره علی من یشاء
من عباده ان انذروا انه لا اله الا انا فاتقون وان تجهر بالقول فانه
یعلم السر واخفی الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی انا بالواد المقدس طوی
وانا اخترتک فاستمع لما یوحی اننی انا الله لا اله الا انا فاعبدنی
واقم الصلوة لذکری ان الساعة اتیة اکاد اخفیها لتجزی کل نفس بما تسعی

انما الهکم الله الذی لا اله الا هو وسع کل شیء علما وما ارسلنا من قبلک من
رسول الا یوحی الیه انه لا اله الا انا فاعبدون وذا النون اذ ذهب مغاضبا
فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت
سبحانک انی کنت من الظالمین فتعالی الله الملک الحق لا اله الا هو رب
العرش الکریم ویعلم ما یخفون وما یعلنون الله لا اله الا هو رب العرش العظیم
وهو الله لا اله الا هو له الحمد فی الاولی والآخرة وله الحکم والیه ترجعون
قل یا ایها الناس اذکروا نعمة الله علیکم هل من خالق غیر الله یرزقکم من
السماء والارض لا اله الا هو فانی تؤفکون انا کذلک نفعل بالمجرمین انهم کانوا
اذا قیل لهم لا اله الا الله یستکبرون ویقولون ائنا لتارکوا آلهتنا لشاعر
مجنون بل جاء بالحق وصدق المرسلین غافر الذنب وقابل التوب
شدید العقاب ذی الطول لا اله الا هو الیه المصیر ذلکم ربکم خالق کل شیء
لا اله الا هو فادعوه مخلصین له الدین الحمد لله رب العالمین رب السموات
والارض وما بینهما ان کنتم موقنین لا اله الا هو یحیی ویمیت ربکم ورب
آبائکم الاولین فانی لکم اذا جاءتهم ذکریهم فاعلم انه لا اله الا هو واستغفر

لذنبک وللمؤمنین والمؤمنات والله یعلم متقلبکم ومثواکم لو انزلنا هذا القرآن
علی جبل تا آخر سوره انما علی رسولنا البلاغ المبین لا اله الا هو فاتخذه
وکیلا از امام جعفر صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه وآله
گفت با امیر المؤمنین علیه السلام که یا علی ایمن میشوی از سوختن وقتی که
بگویی سبحان ربی لا اله الا انت علیه توکلت وانت رب العرش العظیم
یا علی ایمن میشوی که بگویی وقت قرائت القرآن جعلنا بینک وبین الذین
لا یؤمنون بالآخرة حجابا مستورا وجعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه
وفی آذانهم وقرا واذا ذکرت ربک فی القرآن وحده ولوا علی ادبارهم
نفورا یا علی ایمن میشوی از هر کسی که میترسی ازو وقتی که بگویی ما شاء الله
کان وما لم یشأ لم یکن اشهد ان الله علی کل شیء قدیر وان الله قد احاط
بکل شیء علما واحصی کل شیء عددا ولا حول ولا قوة الا بالله برای
تب و دردسر از ابی عبد الله علیه السلام که برای تب و دردسر
بنویس بر کاغذی و به بند بر بازوی راست کسی که تب و دردسر
داشته باشد فاتحه وقل هو الله ومعوذتین و آیة الکرسی را نیز بنویس

بسم الله الرحمن الرحیم اذهب الباس و اشفه یا شافی انه لا شفاء الا شفاؤک
شفاء لا یغادر سقما بحمدک الخیر انک علی کل شی قدیر و ننزل من القرآن ما هو
شفاء و رحمة للمؤمنین بسم الله الرحمن الرحیم قلنا یا نار کونی بردا و سلاما
علی ابراهیم کذلک صاحب کتابی هذا برحمتک یا ارحم الراحمین بسم الله
الرحمن الرحیم و له ما سکن فی اللیل و النهار و هو السمیع العلیم اسکن ایها الصداع
و الالم بعزة الله اسکن بقدرة الله اسکن بجلال الله اسکن بعظمة الله اسکن
بلا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم و ذا النون
اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا
انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له و نجیناه من الغم
و کذلک ننجی المؤمنین و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم حسبنا الله
و نعم الوکیل و صلی الله علی محمد و آله و سلم تسلیما   از برای تب و غیر آن
بجاربها   که شکایت کرد یکی از اصحاب نزد ابی عبدالله علیه السلام
از حرارت تب آنحضرت گفت که بگشای بند گریبان پیراهن را و سر
خود در گریبان کن و اذان و اقامت بگو و هفت بار فاتحه بخوان و کسی

گفت که چنین کردم و خلاص شدم و نیز از برای تب   از ابی عبدالله
علیه السلام که گفت که وقتی که ترا تب شود سر خود را در گریبان کن و اذان
و اقامت بگو و فاتحه و معوذتین و قل هو الله از هر یک سه بار بخوان
و بگو اعیذ نفسی بعزة الله و قدرة الله و عظمة الله و سلطان الله و جلال الله
و بجمع الله و برسول الله و بعترته صلی الله علیهم و بولایة امر الله من شر
ما اخاف و احذر اشهد ان الله علی کل شی قدیر و لا حول و لا قوة الا بالله
العلی العظیم و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اللهم اشفنی بشفائک و داونی
بدوائک و عافنی من بلائک   دیگر واقع شده که گفت ابو عبدالله
که سر خود را در گریبان کن و اذان و اقامت بگو و معوذتین سه بار
و قل هو الله سه بار و این آیه را بخوان لو انزلنا هذا القرآن تا آخر
سوره و بعد از آن بگو اعیذ نفسی بعزة الله تا آخر آن دعا که گذشت
کرده است عمر ابن عثمان که شکایت کرد مردی نزد ابی عبدالله
از تبی که بسیار مانده بود و بر طرف نمی شد آنحضرت فرمود که بنویس آیة الکرسی
بر ظرفی و بشوی آن را با اندکی آبی و بیاشام و نیز از برای تب

از ائمه معصومین علیهم السلام که گفت که کسیرا که از تربت امام حسین علیه السلام
در کن او را بآب و بنویس بر ظرفی از شیشه بقلم فولاد این آیتها
و این دعا را اگر سلام قولا من رب الرحیم حسبی الله و نعم الوکیل ط
ما انزلنا علیک القران لتشقی الا تذکرة لمن یخشی ان الله یمسک السموات
والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده
انه کان حلیما غفورا یرید الله ان یخفف عنکم الان خفف الله عنکم قلنا
یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم اردد عن فلان بن فلان یعنی
نام فلان بیمار و نام پدر او را بنویس الحر والبرد والبلغم وجمیع الهموم
والاسقام والاعراض والامراض والاوجاع والصداع طلسم طس [illegible]
حم عسق کذلک یوحی الیک والی الذین من قبلک الله العزیز الحکیم
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم والحمد لله رب العالمین والصلوة
علی محمد النبی واله الطاهرین یوم یا نزول الجبال ولا بزوال سل علی محمد
وال محمد وانزل کل ما بفلان بن فلان یعنی نام او و نام پدر او را بنویس
من مرض و سقم والم انک علی کل شی قدیر و حسبنا الله وحده وصلوته

علی سیدنا محمد النبی واله اجمعین بشوی این نوشته را و بده به بیمار تا بخورد
دیگر از برای تب بنویس این آیتها را بر کاغذی و به بند بر کسی که تب دارد
وان آیتها اینست وبالحق انزلناه وبالحق نزل انا ارسلناک الا مبشرا
ونذیرا وننزل من القران ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین وما محمد الا رسول
قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم ومن ینقلب
علی عقبیه و امنوا بما نزل علی محمد وهو الحق من ربهم کفر عنهم سیاتهم واصلح
بالهم ما کان محمد ابا احد من رجالکم ولکن رسول الله وخاتم النبیین وکان الله
بکل شی علیما محمد رسول الله والذین معه اشداء تا آنجا که ومثلهم فی الانجیل
ومبشرا برسول یاتی من بعدی اسمه احمد فلما جاءهم بالبینات قالوا هذا سحر
مبین ولو ان قرانا سیرت تا آنجا که جمیعا الملک لله الواحد القهار
بعد از آن بنویس بسم الله المکتوب علی ساق العرش از برای تب ربع
وتب ربع آنست که یک روز بگیرد و دو روز نگیرد و در روز چهارم
نیز بگیرد بنویس و به بند بر بازوی راست بیمار بسم الله الرحمن الرحیم
ولو ان قرانا تا آنجا جمیعا یا شافی یا کافی یا معافی وبالحق انزلناه وبالحق

تا آنجا بنویس که تب بربع دارد سوره الم نشرح و این دعا را که
لا باس لا باس بسم الناس اذهب الباس اشف انت الشافی لا شفاء الا
شفاؤک قال رب انی وهن العظم منی واشتعل الراس شیبا ولم اکن بدعائک
رب شقیا باسم فلان بن فلان یعنی نام بیمار و پدر او و بنویس از برای
تب لرزه بخوان این آیت الکریم مرج البحرین یلتقیان بینهما برزخ
لا یبغیان وجعل بینهما برزخا وحجرا محجورا یا نار کونی بردا وسلاما علی ابراهیم
الا ان حزب الله هم الغالبون ولقد سبقت کلمتنا لعبادنا
المرسلین انهم لهم المنصورون وان جندنا لهم الغالبون از برای تب
ربع از امام حسن زکی علیه السلام که گفت که بنویس بر دست
یا نار کونی بردا وسلاما علی ابراهیم و ببندد این نوشته را بر کسی که
تب میکند وقتی که او را تب بگیرد دیگر آیه‌ای است که بنویس
این آیت را بر کاغذی و بر بازوی او ببندد و آیت اینست قل ءالله
اذن لکم ام علی الله تفترون و ببندد بر بازوی او و بنویس لطط لطط
لطط و ببندد بر ساق جب و بگو عقدت علی اسم الله فی فلان یعنی بیمار

بر نام خدا است فلان یعنی نام آن کس را بگو و نیز از برای تب ربع بگو
الم تر الی ربک کیف مد الظل ولو شاء لجعله ساکنا ثم جعلنا الشمس علیه دلیلا
از برای درد سر و شقیقه   از ابی عبدالله علیه السلام که گفت بخوان
بجهت درد سر و شقیقه ولو ان قرانا تا آنجا که جمیعا تکاد السموات یتفطرن
منه وتنشق الارض وتخر الجبال هدا وجعلنا من بین ایدیهم تا آنجا که لا یبصرون
ویا ارض ابلعی ماءک ویا سماء اقلعی وغیض الماء وقضی الامر واستوت
علی الجودی وقیل بعدا للقوم الظالمین و نیز از برای درد سر و شقیقه بگو
فمن کان منکم مریضا او به اذی من راسه ففدیة من صیام او صدقة
او نسک ید الله فوق ایدیهم فمن نکث فانما ینکث علی نفسه وله ما سکن
فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم و نیز از برای درد
سر و شقیقه   که شکایت کرد مردی نزد امام جعفر صادق علیه السلام
از درد سر آنحضرت گفت که دست بر جبهه خود بر جایی که درد میکند
و آیة الکرسی و فاتحة الکتاب بخوان و بگو الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله
اکبر اجل واکبر مما اخاف و احذر و اعوذ بالله من عرق نعار و اعوذ بالله

من حرّ النار — از برای درد سر که گفت عمر بن حنظله که شکایت کردم
نزد ابی جعفر علیه السلام از درد سر آنحضرت گفت وقتی که ترا درد سر شود بنه
دست خود را بر میان سر خود و بگو لو کان معه آلهة کما یقولون اذا لابتغوا
الی ذی العرش سبیلا و اذا قیل لهم تعالوا الی ما انزل الله و الی الرسول
رایت المنافقین یصدّون عنک صدودا — از برای درد شقیقه
از امام رضا علیه السلام که گفت بگو بسم الله الرحمن الرحیم ربنا لا تزغ قلوبنا
بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب ربنا انک
جامع الناس لیوم لا ریب فیه ان الله لا یخلف المیعاد و بنویس این دعا
و بده بکسی که درد شقیقه دارد که با خود نگاه دارد اللهم انک لست باله استحدثناه
و لا برب یبید ذکره و لا معک شرکاء یقضون معک و لا کان قبلک
اله ندعوه و نتعوذ به و نتضرع الیه و ندعک لا اعانک علی خلقنا
احد فنشک فیه لا اله الا انت وحدک لا شریک لک عاف فلان یعنی نام کسی که
درد شقیقه دارد می باید نوشت صلی الله علی محمد و اهل بیته — از برای درد سر و غیر
آن از دردها — از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که اگر کسی که درد

سر یا درد دیگر داشته باشد باید که بنهد دست خود را بر آنجا که درد میکند
و بگوید اسکن سکنتک تا آخر که گذشت — از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وقتی که کسالت و گرانی عارض میشد
یا چشم میرسید یا درد سر میشد دست خود را میگشود و فاتحه و معوذتین
میخواند و بعد از آن می مالید دست خود را بر روی خود بر طرف میشد از آنحضرت
آن تشویش — که گفت عمر بن ابراهیم که شکایت کردم نزد امام رضا
علیه السلام که صفرا غالب شده است بر من و بسبب آن حالی میشود
مرا مثل جنون و درد سر غالب میشود حضرت امام گفت که بر تو باد
که بگیری آن گیاه را که بر درخت می پیچد و بکوبی و بنهی بر سر خود و دفعها
مرو ما نزد که بنهد بر سر طفلان خود بدرستی که فایده میرسد باذن خدای
عمر بن ابراهیم گفت که چنین کردم و تسکین یافت درد سر که گفت
امام رضا علیه السلام که از برای درد سر چنانکه بر سر می باید نهاد افسون کتبت
درد شقیقه بسم الله الرحمن الرحیم ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب
لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب و چون بخوانی درد شقیقه برطرف

نشود و بگیر یک نخود و نیم از نخودهای سفید و نرم بکوب و سه بار قل هو الله
بخوان بران و با آب بیامیز و بده بآنکسی که درد شقیقه دارد که بخورد
که شکایت کرد مردی از اهل مرو نزد ابی عبد الله علیه السلام از درد سر آنحضرت
گفت با من نزدیک من بیا آمد و نزدیک آنحضرت آمد آنحضرت دست
خود را بر سر او مالید و بعد از آن گفت ان الله یمسک السموات و الارض
تا آنجا که غفورا گفت معاویة بن عمار که شکایت کردم نزد ابی عبد الله
علیه السلام از بادی که در شقیقه من پیدا شده بود آنحضرت گفت که وقتی
فارغ شوی از نماز فریضه بنه انگشت شهادت دست راست خود را بر
میان هر دو چشم خود و هفت بار بگو یا حنان اشفنی و هر بار بگذران انگشت
خود را برابر روی راست خود و بعد از آن انگشت را بگذران برابر روی
چپ و بگو یا حنان اشفنی و بعد از آن بنه کف دست خود را بر میان سر
خود و بگو یا من سکن له ما فی اللیل و النهار و ما فی السموات و الارض صل علی
محمد و اهل بیته و سکن ما بی   از برای درد چشم   که گفت امیر المؤمنین
علی علیه السلام که وقتی که چشم شما درد کند باید که بخواند بر چشم شما آیة الکرسی

را و در دل خود بگذراند که شفا خواهد یافت بدرستی که خدای تعالی
صحت و عافیت میدهد انشاء الله   که هر کسی که هر روز بگوید
فجعلناه سمیعا بصیرا سالم میماند چشم او از آفات   که نظر کرد حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله بسلمان و دید که چشم سلمان درد میکند گفت که ای سلمان
مخور و بر جانب چپ خواب مکن و نیز از برای درد چشم سه بار این آیت بخوان
این دو آیت را اکر فکشفنا عنک غطاءک فبصرک الیوم حدید و لو نشاء لطمسنا
تا یبصرون و بعد از آن روی خود را الان آب بشوی و نیز از برای درد چشم
این آیت را که الله نور السموات و الارض مثل نوره تا آنجا که بکل شی علیم
بنویس بتربت امام حسین علیه السلام با آب زمزم بر جایی و بعد از آن
بشوی او را و در شیشه کن و میل در چشم بکش نیز از برای درد چشم
بخوان این آیه را که و ان یکاد الذین تا آخر آیه   از برای علاج
شب کوری   که گفت ابو یوسف المغضب که شکایت کردم نزد
ابی الحسن علیه السلام از شب کوری آنحضرت گفت که این آیه را
که الله نور السموات و الارض تا آنجا که و الله بکل شی علیم بر جام چند نوبت

بخوان و بعد از آن بشوی او را و در شیشه کن و میل در چشم بکش
ابو یوسف گفت که از آن آب صد میل در چشم خود کشیده بودم که چشم من
صحیح شد و شب کوری برطرف شد از برای درد گوش هفت بار بخوان
بر روغن یاسمین یا بنفشه این دو آیه را کأن لم یسمعها کأن فی اذنیه
وقرا ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئک کان عنه مسؤلا و بریزان
روغن را در گوش خود از برای درد دندان سه بار فاتحه را و سه بار
قل هو الله بگو یا ضرس یا الحار تسکین ام البارد تسکینن ام بسم الله
تسکینی اسکن سکنتک بالذی سکن له ما فی السموات و ما فی الارض
و هو السمیع العلیم قال من یحیی العظام تا آخر و هو بکل خلق علیم اخرج منها
فانک تخرج و نخرجهم منها اذ و ردهم ساهرون لخرج منها خائفا یترقب
و نیز از برای درد دندان بنویس این آیه را بر نان خشک و بده بر درد دندان
که درد میکند و آیه این است بسم الله لکل نبأ مستقر و سوف تعلمون
اتی امر الله فلا تستعجلوه و تعالی عما یشرکون فقلنا اضربوه ببعضها
کذلک یحیی الله الموتی و یریکم آیاته لعلکم تعقلون من یحیی العظام تا خلق علیم

از برای بستن

از برای بستن درد دندان بگیر میخی از آهن و فاتحه و معوذتین و قل هو الله
هر یک سه بار بخوان و بعد از آن این آیه را سه بار بخوان من یحیی العظام
و هی رمیم قل یحییها الذی انشأها اول مرة و هو بکل خلق علیم و بعد از آن
بگو یا ضرس فلان بن فلان یعنی نام آنکس که دندان او درد میکند و نام پدر او را
بگو اکنت الحار و البارد و انما الحار تسکین ام البارد تسکین و بعد از آن
این آیه را بخوان که وله ما سکن فی اللیل والنهار و هو السمیع العلیم و بعد از آن
سه دفعه بگو هذا الضرس من فلان بن فلان یعنی نام کسی که دندان او درد
میکند و نام پدر او را بگو و بعد از آن بگو بسم الله العظیم و بعد از آن آن میخ
را بر دیوار بکوب و بگو الصمد الصمد و نیز از برای درد دندان بگیر برگ
سبزی و بده و بس بر آن برگ سبز این آیت را الذی جعل لکم من الشجر
الاخضر نارا فاذا انتم منه توقدون و بده آن برگ سبز را بر آن دندان که درد میکند
و قدری چند بر رو و آن برگ سبز را چند از پس پشت خود در نگاه مکن به پس
پشت خود و بده سه کرت چون چنین کنی درد دندان تو تسکین یابد ان شاء الله
و نیز از برای درد دندان بخوان این آیه را که وله ما فی السموات و ما فی الارض

تا اخآء کر علی کل شئ قدیر آمن الرسول بما انزل تا آخر و بگو سه تربیه
ای الحقه لا تاکل ومی باید که هر کسی که میخواند این آیتها را و افسون میکند با وضو
باشد و در اندرون خانه در پیش در بایستد و اگر کسی درد دندان دارد
بیرون در بایستد بدرستی که درد تسکین می یابد از برای خون آمدن
از بینی بخوان این آیتها را منها خلقناکم وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم تارة اخری
یومئذ یتبعون الداعی لا عوج له وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا
همسا یا ارض ابلعی ماءک ویا سماء اقلعی وغیض الماء وقضی الامر واستوت
علی الجودی وقیل بعدا للقوم الظالمین ومن یتق الله یجعل له مخرجا ویرزقه
من حیث لا یحتسب ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره
قد جعل الله لکل شئ قدرا وجعلنا من بین ایدیهم تا لا یبصرون ونیز از برای
خون آمدن از بینی بنویس بر پیشانی کسی که خون از بینی او می آید بهمان
خون یا بزعفران این آیه که وقیل یا ارض ابلعی ماءک تا آخر آیت
که گذشت بدرستی که تسکین می یابد ان شاء الله از برای زکام
از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که گفت که زکام لشکریست از لشکرهای

خدای تعالی که میفرستد خدای تعالی او را بر درد پس می برد دردها را
از ابی عبد الله علیه السلام که گفت لعجب زکام بگیر اندکی شونیز
و بروغن بنفشه چرب کن و در وقت خواب بالطریق شامت برخود بردار
بدرستی که نافع است زکام را ان شاء الله تعالی از برای دفع وسوسه دل بگو
فاذا قرات القرآن فاستعذ بالله و تعوذ می خوان گفت امیر المومنین
علی علیه السلام که وقتی که شیطان وسوسه کند شما را باید که پناه جویید
بخدای تعالی و بگویید بزبان و دل خود آمنت بالله و رسوله مخلصا له الدین
افسون برای درد دل بخوان این آیتها را بیاشامد لئن انجیتنا من هذه
لنکونن من الشاکرین سیهزم الجمع ویولون الدبر بل الساعة موعدهم والساعة
ادهی وامر ان الله یمسک السموات تا آخر آیه که گذشت و نیز افسون
برای درد دل بخوان آیتها را با آب وبه بیاشامد کسی که درد دل دارد
و بنویس همین آیتها و به بند بر گردن تا نکس و آیتها اینست بسم الله الرحمن الرحیم
ربنا لا تزغ قلوبنا تا آخر لطول الهم و بنویس این آیه لئن انجیتنا من هذه لنکونن
من الشاکرین   از برای تنگی دل معده روزه هر روز دو بار المنشرح

بخوان یکبار صباح و یکبار نماز شام   که حکایت کرد مردی نزد
نزد ابی عبدالله علیه السلام از درد سینه آنحضرت گفت که طلب شفا کن
از قرآن بدرستی که خدای تعالی میگوید که فیه شفاء لما فی الصدور و رقی در
قرآن شفا هست از امراضی که در سینهای شماست از برای درد سینه
بخوان این آیه را که و اذ قتلتم نفسا فادارأتم فیها تا آنجا که لعلکم تعقلون
از برای درد شکم بنویس سوره اخلاص را و این آیه را که بسم الله
الرحمن الرحیم قل یحییها الذی انشأها تا آخر آیه و لو ان قرآنا سیرت تا جمیعا
و بر بند بر ناف کسی که درد شکم دارد و این آیها را بخوان بر ناف کسی که بسم الله الرحمن الرحیم
ما اصابکم من مصیبة فی الارض و لا فی انفسکم الا فی کتاب من قبل ان نبرأها
ان ذلک علی الله یسیر و ان خفتم الا تقسطوا تا آنجا که از پیش گذشت
که الا هو رب العرش الکریم لا اله الا الله وحده تا آنجا که و هو علی کل شیء قدیر
و نیز از برای درد چشم بخوان این آیها را که و ذا النون اذ ذهب مغاضبا
فظن ان لن نقدر علیه تا آنجا که و کذلک ننجی المؤمنین هفت بار فاتحه بخواند
بدرستی که این مجربست   برای درد شکم و نیز از برای درد شکم بخوان

این آیها که لئن انجیتنا من هذه لنکونن من الشاکرین ان الله بالناس لرؤف
رحیم و ننزل من القرآن تا آخر آیه   از برای درد پشت بخوان این آیه را که
شهد الله انه لا اله الا هو و الملائکة و اولو العلم قائما بالقسط تا سریع الحساب
از برای حبس بول دارد و بنویس بر ساق چپ او این آیها را که ففتحنا
ابواب السماء بماء منهمر تا آنجا که لمن کان کفر   از عمران که نوشتم با ابو الحسن
ثالث علیه السلام که فدای تو گردم نزد من یک مردی از دوستان تو است
و او حبس بول دارد و التماس میکند که دعائی برای او که خدای او را صحت
و عافیت کرامت کند و نام او نفیس خادم است پس ابوالحسن در جواب او نوشت
که کشف کند خدای تعالی از تو ضرر را و دفع کند از تو مکاره دنیا و آخرت
و مبالغه کرد آنکس که قرآن بخواند و طلب شفا کند بقرآن بدرستی که شفا
می یابد ان شاء الله تعالی   تعویذ از برای درد رحم بسم الله و بالله الذی
باذنه قامت السموات و الارض فان مریم بن عمران لم یضرها وجع الارحام
کذلک یشفی الله فلانة بنت فلان یعنی نام آنکس که درد رحم دارد و نام
مادر او را بنویس من وجع الارحام و من وجع عرق الارحام اسما ایها

فصل سیم در افسونها و تعویذها

بسم الله الحی القیوم بسم الله المستغاث بالله علی ما جری کان و علی
ما قدر کان اشهد ان الله علی کل شیء قدیر و ان الله قد احاط بکل شیء علما
کهیعص کهیعص [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم
محمد رسول الله والذین معه تا آخر سوره اسکنوا عزمت علی سامعة
الکلام لا اجابة بهذا الخاتم لعزائم الله الشداد التی تزهق الارواح والاجساد
ولا یبقی روح ولا فؤاد فی جسد یا بسم الله الذی قال للسموات والارض
ائتیا طوعا او کرها قالتا اتینا طائعین صل علی محمد النبی و آله الطاهرین بنویس
این تعویذ را و ببند بر کسی که درد رحم دارد و در بیان علاج کسی که بول میکند
در خواب از ائمه معصومین علیهم السلام که فرموده اند که از برای
کسی که بول کند در خواب بگیر مقداری از زعفران و دو مقدار از سعد و
چیزی نیست خوشبو و هر کدام را علیحده بکوب و سعد را ببیز بحریری
کو بنک باشند و بعد از آن هر دو را با شکر یکی بپز و معجون ساز
بعسلی که کف او را گرفته باشند و بعد از آن آنها بسیار برابر
فندق و بنویس بر جام فولاد این آیه را بزعفران که بسم الله الرحمن الرحیم

ان اله

ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما
من احد من بعده انه کان حلیما غفورا و چندان بنویس این آیه را که
بجام بر شود و بعد از آن باب خنک بشوی و بریز در ظرفی پاکی و نگاه دار
و دیگر کاغذی یا پوستی و بنویس بر آن کاغذ یا پوست بسم الله فاتحه
و قل هو الله را سه بار و معوذتین و آیة الکرسی را و آخر سوره حشر را
که لو انزلنا هذا القرآن علی جبل تا آخر سوره بنی اسرائیل که قل ادعوا الله
او ادعوا الرحمن ایاما تدعوا فله الاسماء الحسنی تا آخر سوره و بعد از آن بنویس
این آیه را که بسم الله الرحمن الرحیم ان الله یمسک السموات و تا آخر آیه که گذشت
و بنویس یا من هو کذا الا هکذا غیره امسک عن فلان بن فلان بعینه
نام آن کس و نام مادر او را بنویس یا مجید علیه من غلبة البول و ببند این
تعویذ را بر بازوی آن کس اگر جوان باشد و اگر پیر باشد ببند بر ران او
و بر بالای ذکر او و دیگر یک حب از آن حبها و حل کن با آن در ظرف نگاه داشته
بود و بده با آن کس که بیاشامد در وقت خواب کردن و باید که آن کس آب کم بخورد
بدرستیکه چون چنین کند میرود از آن غلبه بول ان شاء الله و یک تعویذ

از او و بعد از آنکه تشویش برطرف شود تا آنکه حبس بول نشود از برای
دشوار زاییدن بنویسد این آیه بسم الله و بالله محمد رسول الله
کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها اذا السماء انشقت تا آنجا که وتخلت
ولبثوا فی کهفهم ثلثمایة سنین وازدادوا تسعا اخرج باذن الله
من البطن الطیبة منها خلقناکم وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم تارة اخری اخرج یا
اخرج باذن الله وقدرته و باسمه الذی لا یضر مع اسمه داء فی الارض ولا فی
السماء وهو السمیع العلیم العزیز الوهاب کانهم یوم یرون ما یوعدون لم
یلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ فهل یهلک الا القوم الفاسقون اولم
یری الذین کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا
من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون انما امره اذا اراد تا آخر سوره
بسم الله الرحمن اذا جاء نصر الله والفتح تا آخر و اولات الاحمال
اجلهن ان یضعن حملهن و نیز از برای دشوار زاییدن هفت بار سوره
بر ورقی کرفان مع العسر یسرا ان مع العسر یسرا و یکبار بنویسد این
آیه را که بسم الله الرحمن الرحیم یا ایها الناس اتقوا ربکم ان زلزلة الساعة

ولا یرید بکم العسر ویهیئ لکم من امرکم مرفقا ویهیئ لکم من امرکم رشدا و علما
فقصد السبیل لیستوا اولم یری الذین کفروا ان السموات والارض کانتا
رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون که بنویسد
سوره انا انزلناه را و بشوید و در آب بدهد با آن زن که بخورد و از آن
آب بیفشانند بر فرج آن زن و نیز از برای دشوار زاییدن بنویسد بر کاغذی
اولم یری الذین تا آخر آیه که گذشت کما افلا یؤمنون وآیة لهم اللیل نسلخ
تا آنجا که مسلمون کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار و ببندد
بر میان آن زن و وقتی که آن فرزند متولد شود جدا کنند آن تعویذ را از آن
و در روایتی است که بخوانند سوره انا انزلناه را و افسون درد سپرز بخوان بر دست
کسی که درد سپرز دارد و سه بار سوره اذا جاء نصر الله و سه بار بخواند این آیه را
که ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکة الا تخافوا
ولا تحزنوا وابشروا بالجنة التی کنتم توعدون و بعد از آن بال هر دو دست او را
بر سر او هفت بار افسون دیگر برای درد سپرز بنویسد آن آیه را و به بندد
بر آن موضع ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان

امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا و این آیه انه من سلیمان وانه
بسم الله الرحمن الرحیم   از برای قولنج   کرده است ابراهیم بن یحیی از
ائمه معصومین علیهم السلام که گفت که برای قولنج بنویس بر لوح یا بر شانه
سوره فاتحه و قل هو الله و معوذتین و بعد از آن بنویس که اعوذ بوجه الله
الکریم و بعزة الله التی لا ترام و بقدرة الله التی لا یمتنع منها شیء من شر هذا
الوجع و من شر ما فیه و من شر ما اجد منه و بشوی بآب باران و بده که بیاشامد
کسی که قولنج دارد بر ناشتا وقت خواب کردن به درستی که نافع و مجرب است
ان شاء الله تعالی   از برای بجستن ناف و درد اندرون بخوان بر روغن این آیه‌ها
که بسم الله الرحمن الرحیم ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر و فجرنا الارض عیونا
فالتقی الماء علی امر قد قدر و حملناه علی ذات الواح و دسر ففتحنا علیهم
ابواب کل شیء یا اسم فلان بن فلان بحق نام آنکس بده که بجستن ناف دارد
و نام پدر او را بگو و بعد از آن بخوان این آیه را اولم یر الذین کفروا
تا آنجا که افلا یؤمنون و آنچه مذکور شد هفت بار بخوان در آب بعد از آن
روغن در درون بریزد وقتی که آب جسد گرم شود اکنون حال او را بر شکم کسی که بجستن

ناف دارد و بده از آن آب که بیاشامد تا شفا یابد ان شاء الله و نیز از
از برای بجستن ناف   از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که یک آیه
بخوان از برای کسی که بجستن ناف دارد این آیه‌ها را که اذا السماء انشقت
تا آنجا که فیها و تخلت   و اذ قالت امراة عمران تا آنجا که انت السمیع العلیم
و ننزل من القرآن تا آخر آیه   و نیز از برای بجستن ناف   از ائمه
معصومین علیهم السلام که گفتند که بخوان این آیه‌ها را که مذکور شد بر آب
و بده به آنکس که بجستن ناف دارد که بیاشامد و بعد از آن مال دست خود را
بر شکم و بگو یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر ثم السبیل یسره ان السموات
والارض کانتا رتقا ففتقناهما فاجاءها المخاض الی جذع النخلة والله اخرجکم
من بطون امهاتکم لا تعلمون شیئا کذلک اخرج ایها اللواء باذن الله عز و جل
از برای بواسیر   که شکایت کرد مردی نزد امام رضا علیه السلام
از بواسیر حضرت امام گفت که بنویس سوره یس با العسل و بشوی با آب
و بده که بیاشامد کسی که بواسیر دارد   از برای فالج و غیر آن   که گفت مردی
با ابی جعفر علیه السلام که من دختری دارم که گاهی بازوی او کج می‌شود تا انگشتی

حضرت امام گفت که در وقتی آن دختر حایض باشد قوت بگیرد و غسل سر از
باو بدهد که بخورد گفت ابو جعفر علیه السلام که بخوان بر کسی که عارضه دارد
یا قولنج یا ابرده یا بادی که از سطح آن درد ناچه شود سوره فاتحه و قل هو الله
و معوذتین بعد از آن بنویسد بر ساقه یا لوحی این دعا را که اعوذ بوجه الله
العظیم و عزته التی لا ترام و قدرته التی لا یمتنع منها شیء من شر هذا الوجع
و من شر ما فیه و من شر ما اجد فیه و بشوید آن را باب باران و بدهد بآن کس
که بیاشامد بر ناشتا و وقت خوابیدن بدرستی صحت می یابد ان شاء الله
و ابرده علتی است که از سردی و رطوبت پیدا میشود از برای حب
و حمل و کیموه بنویسد برایشان این دعا که بسم الله الرحمن الرحیم و مثل کلمة خبیثة
کشجرة خبیثة اجتثت من فوق الارض ما لها من قرار منها خلقناکم و
فیها نعیدکم و منها نخرجکم تارة اخری الله اکبر و انت لا تکبر الله تعالی
و انت لا تبقی والله علی کل شیء قدیر که اگر کسی که در ساقها و علتی بوده باشد
باید که بنویسد بر ساق او این آیت را که و لقد خلقنا السموات و الارض
و ما بینهما فی ستة ایام و ما مسنا من لغوب از برای بهق بنویسد

بر موضعی که بهق دارد این آیه ها که و ان من شیء الا عندنا خزائنه و ما ننزله
الا بقدر معلوم هل یسمعونکم اذ تدعون او ینفعونکم او یضرون از امام
رضا علیه السلام که خربزه بر ناشتا خوردن فالج می آورد از برای برص و جذام
بخواند بر آن کس و بنویسد و بر بندد بر آن کس این دعا را که بسم الله الرحمن الرحیم
یمحو الله ما یشاء و یثبت و عنده ام الکتاب الحمد لله فاطر السموات و الارض
جاعل الملائکة رسلا اولی اجنحة مثنی و ثلاث و رباع باسم فلان بن فلان
یعنی نام آن کس و نام مادر او را بنویسد که شکایت کرد مردی
نزد ابی عبد الله علیه السلام از برص آنحضرت فرمود با آنکه گل تربت امام حسین
علیه السلام را با آب باران بیامیزد و بخورد آنمرد گفت که چنین کردم و آن مرض برطرف شد
که مردی اندک برصی داشت ابو عبد الله علیه السلام فرمود که بنویس
سوره یس را با عسل بر جامی و بشوید و بیاشامد آنمرد گفت که چنین کردم و آن مرض
برطرف شد گفت امام موسی کاظم علیه السلام که شوربای گوشت گاو با تخمان
خشک می برد برص را که شکایت کرد یونس بن عمار نزد امام موسی
کاظم علیه السلام از برصی که در بدن او پیدا شده بود آنحضرت فرمود که

گر موی زهار تب کن و بکشب بگذار و بعد از آن بحمام گفت چنین کردم
در طرف شد الغرض از من   از برای ثولول که آن را بج میگویند بگیر دانگ
از نمک و بمال بر ثولول و پس یک بار بخوان بر این آیه را که و لو انزلنا هذا القرآن
علی جبل لرایته خاشعا متصدعا من خشیة الله و تلک الامثال نضربها للناس
لعلهم یتفکرون هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن
الرحیم هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز
الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء
الحسنی یسبح له ما فی السموات والارض و هو العزیز الحکیم تا آخر سوره و بعد از آن
چند از آن نمک که اندر شوربا کن که آتش در آن داشته باشد و زود برگرد و برست که بر طرف
میشود ثولول ان شاء الله و نیز از برای ثولول بخوان بر سه دانه جو این آیه
کمثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثت من فوق الارض ما لها من قرار و بگردان
آن سه دانه جو را بر ثولول و بعد از آن دفن کن آن سه دانه جو را در جایی
که نم داشته باشد در روز آخر ماه هر گاه متعفن شد آن دانها جو بر طرف
میشود ثولول و نیز از برای ثولول   که گفت مردی با امام رضا علیه السلام

بیاموز

بیاموز مرا چیزی که بر طرف کند ثولول را گفت آنحضرت که بگیر بعدد هر
ثولول هفت دانه جو و بخوان بر هر دانه هفت بار این آیها را که بسم الله الرحمن الرحیم
اذا وقعت الواقعة تا هباء منبثا و یسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی
نسفا فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا و لا امتا یومئذ یتبعون
الداعی لا عوج له و خشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا و
بعد از آن بمال هر دانه جو را بر ثولول و به بند آن دانهای جو را در
خرقه نو و سنگی در آن خرقه به بند و بعد از آن خرقه را در آبگانه بیا
انداز کن در روز چهارم باشد که ببینی که بر طرف میشود و سزاوار است
که در دو روز آخر ماه این کار بکنند از برای رگ انداختن بخوان این
آیت اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما
و بگیر انگشتی از انگشتهای خود بدست خود چنانکه او از رگ رود در آن
حال بگوید که رگ فلان را بجا انداختم از برای برون رشته که بنویسید
بر موضعی که رشته بیرون می آید وقت طلوع پیش از آنکه رشته
بیرون آید این آیه را که و یسئلونک عن الجبال تا آنجا که عوجا و لا امتا

وصبر لها الله بران موضع و نیز بنویسد این آیه را او کالذی مر علی قریة
وهی خاویة علی عروشها قال انی یحیی هذه الله بعد موتها فاماته الله
مائة عام ثم بعثه   از برای سحر بخوانند این آیه را بر کسی که سحر دارد که وما
لنا ان لا نتوکل علی ما اذیتمونا و علی الله فلیتوکل المتوکلون   از برای دفع
ترسیدن طفلان بخوانند بر طفلان سوره اذا زلزلت را و این آیه را
که فضربنا علی آذانهم تا آنجا که لما لبثوا عددا شهد الله انه لا اله الا هو تا آنجا که
سریع الحساب قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی
ولا تجهر بصلوتک ولا تخافت بها و ابتغ بین ذلک سبیلا و قل الحمد لله الذی
لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره
تکبیرا لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین
رؤف فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش
العظیم و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره   از برای چشم زخم
که گفت معمر بن خلاد که در خراسان در خدمت امام رضا علیه السلام
می بودم پس آنحضرت فرمود که از برای او بوی خوش بیارم و چون

آوردم

آوردم در عجب آورد او را آن بوی خوش و متوجه آن بوی خوش شد و گفت
پس کای معمر چشم زخم می باشد بنویس در رقعه سوره فاتحه و قل هو الله
و معوذتین و آیة الکرسی او بنه در غلاف شیشه بوی خوش   و نیز از
از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که چشم زخم می باشد و ایمن   چشم زخم
مباش از چشم خود بر نفس خود و از چشم خود بر دیگران پس هرگاه بترسی از چشم
کردن خود بر دیگری بر او سه بار بگو ما شاء الله لا قوة الا بالله العلی العظیم
گفت ابو عبدالله علیه السلام که دفع کردی که مبتلا شوید بجهت بیرون رفتن از منزل
خود بر وجهی که در عجب آورد شما را معوذتین بخوانید بدرستی که چشم زخم بر
شما را باذن خدای تعالی   از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که
اگر کسی که در عجب آورد او را چیزی از برادر مومن باید که دعای خیر و برکت
کند برای او بدرستی که چشم زخم می باشد و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که چشم کردن داخل میکرد اندر مرد را در قبر و شتر را در دیگ یعنی چشم کردن
اینقدر اثر دارد که می میراند آدمی را و سبب کشتن شتر میشود و گفت
حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله که افسون نمی باشد مگر از برای

وچشم کردنا   ازبرای دفع خواب بخوان این آیت را بر آب   ولما
جاء موسی لمیقاتنا وکلمه ربه قال رب ارنی انظر الیک قال لن ترانی
ولکن انظر الی الجبل فان استقر مکانه فسوف ترانی فلما تجلی ربه للجبل
جعله دکا وخر موسی صعقا فلما افاق قال سبحانک تبت الیک
وانا اول المؤمنین   وجای آن آب را بر سر و رو و دستهای خود
تا مرفق   ازبرای گریخته وگم شده   از امام رضا علیه السلام
که گفت که وقتی که بگریزد بنده از تو یا گم شود حیوانی یا متاعی از تو بگو
وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو ویعلم ما فی البر والبحر وما تسقط
من ورقة الا یعلمها ولا حبة الا فی ظلمات الارض ولا رطب ولا یابس
الا فی کتاب مبین وبعد از آن بگو اللهم انک تهدی من الضلالة وتنجی
من العمی وترد الضالة صل علی محمد وآله واغفر لی ورد ضالتی وصل علی محمد
وآله وسلم   ازبرای شفا از هر دردی   که گفت رسول الله صلی الله علیه وآله
که تعلیم کرد مرا جبرئیل علیه السلام دوائی که با وجود آن دوا احتیاج بهیچ
دوائی نیست یکی از اصحاب گفت یا رسول الله آن دوا کدام است

آنحضرت فرمود که بگیر آب باران را پیش از آنکه آن آب بر زمین برسد
بعد از آن آب را در ظرفی پاکی کن و بخوان بر آن آب هر یک از سوره فاتحه وقل هو الله
ومعوذتین را هفتاد بار و بعد از آن بیاشام از آن آب صباح یک قدح
وشام یک قدح وگفت آنحضرت که بحق آنکسی که فرستاد مرا بحق که چون
این کار کنی می برد خدای تعالی دردها را از بدن و استخوانها و مغزها و رگهای تو
ونیز ازبرای شفا از هر دردی بگیر هفت عدد سیاه دانه برابر هفت
عدس از تربت امام حسین علیه السلام وهفت قطره عسل و در آب کن
آنها را یا در روغن و بخوان بر آن آب و روغن سوره فاتحه وقل هو الله
ومعوذتین وآیة الکرسی واول سوره حدید را که اینست بسم الله الرحمن الرحیم
سبح لله ما فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم له ما فی السموات والارض
فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یعلم ما یلج فی الارض وما یخرج
منها وما ینزل من السماء وما یعرج فیها وهو معکم اینما کنتم والله بما تعملون
بصیر له ملک السموات والارض والی الله ترجع الامور وآخر سوره حشر را
که لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرایته خاشعا متصدعا من خشیة الله

تماست گفت ابوجعفر علیه السلام که [illegible] شفاست از هر دردی زیرا که خدای تعالی
گفته است ونزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین
یعنی فرو میفرستیم آنچیزی که آن شفاست بیماریها و بخشایش است
مر مؤمنان را که بدان نفع میگیرند و نیز گفته است که یخرج من بطونها
شراب مختلف الوانه فیه شفاء للناس یعنی بیرون می آید از شکمهای
زنبوران بطریق لعاب عسلی که خلاف یکدیگرند رنگهای او و در آن عسل
شفاست مردمان را و گفته است حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله الحبة السوداء
شفاء من کل داء الا السام یعنی سیاه دانه شفاست از هر دردی
مگر مرگ و ما که اهل بیتیم میگوییم که در بیرون کوفه قبریست که پناه می
جوید با او کسی که بیماری و تنگدستی داشته باشد مگر آنکه خدای تعالی
او را شفا میدهد و آن قبر حضرت امام حسین است علیه السلام

فصل

در طلب شفا کردن بصدقه روایت کرده است امام جعفر صادق علیه السلام
از پدران خود علیهم السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
که صدقه دادن دفع میکند مردن بد را و نیز گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله

که صدقه دادن و صله رحم معمور می سازد شهرها و زیاده میکند عمرها را   از امام
جعفر صادق علیه السلام که گفت که اگر کسی که صدقه بدهد در روزی یا شبی ایمن
شود از افتادن خانه یا دیوار بر سر او و از ضرر رسانیدن درنده و از مردن
بد در آن روز که صدقه داده است یا در آن شب که صدقه داده است
از ابی جعفر علیه السلام که گفت که نیکویی کردن و صدقه دادن
می برد درویشی را و زیاده میکند عمر و دفع میکند هفتاد نوع بلا را و مردن بد را
از معاذ بن مسلم که گفت که بودم نزد ابی عبدالله علیه السلام
گفت که دوا کنید بیماران خود را بصدقه باکی نیست اگر شما تصدق کنید
قوت روز خود را بدرستی که اگر خدای تعالی حکم کرده باشد ملک الموت
که قبض روح بنده بکند چون آن بنده تصدق کند خدای تعالی حکم کند
ملک الموت که تاخیر در قبض روح آن   از ابی عبدالله علیه السلام که گفت
که دوا کنید بیماران خود را بصدقه و نگاه دارید مالهای خود را بزکوة من
ضامنم از تلف شدن مالی که زکوة داده باشند خواه آن مال در دریا
باشد خواه در خشکی   از امام موسی کاظم علیه السلام که گفت که

صدقه دفع میکند قضای بد را از آسمان و طلب شفا کردن بصدقه و دعا
از داود بن زربی که گفت که مریض شدم در مدینه مرضی سخت پس ابو عبد الله
علیه السلام واقف شد از بیماری من و بمن نوشت که برسید خبر بیماری
تو بمن پس بخر یک صاع گندم و بر پشت بخواب و بریزان گندم را بر سینه
خود بر کف دست و بگو اللهم انی اسئلک باسمک الذی اذا سئلک
به المضطر کشفت ما به من ضر و مکنت له فی الارض و جعلته خلیفتک علی
خلقک ان تصلی علی محمد و آل محمد و تعافنی من علتی و بعد از ان راست
بنشین و جمع کن آن گندم را از گرد خود و همین دعا را بخوان و قسمت
کردن گفت داود که چنین کردم پس خلاص شدم از ان مرض و بسیار
کسان این کار کردند و فایده یافتند در طلب شفا کردن بدعا
که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که رد میکند قضا را مگر دعا گفت امام
جعفر صادق علیه السلام که دعا رد میکند قضا را بعد از آنکه حکم شده باشد
از ابو الحسن موسی علیه السلام که گفت که بر شما باد که دعا کنید
که بدرستی که دعا و طلب از خدای تعالی رد میکند بلا را و اگر چه آن بلا

مقدر شده باشد

مقدر شده باشد و حکم شده باشد بنزول آن بلا و موقوف نباشد
بنزول آن بلا مگر باجرای آن حکم پس هرگاه دعا کنند و طلب کنند از خدای تعالی
رد آن بلا را رد کند خدای تعالی آن بلا را   کرده است سلمان فارسی
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت که زیاده نمیکند عمر را مگر نیکوی و رد
نمیکند قضا را مگر دعا گفت امام محمد باقر علیه السلام که ای فرزند من اگر کسی
پنهان کند از مردمان بلا را ای اگر با آن بلا مبتلا شده باشد و شکایت
نکند نزد خدای تعالی از ان بلا واجبست بر خدای تعالی که او را عافیت دهد
از ان بلا   از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که اگر کسی پیش از نزول
بلا دعا کند مستجاب شود دعای او و وقتی که بلا نازل شود و فرشتها میگویند
که این آواز آشناست و دعای او محجوب نمیشود از آسمان و اگر کسی
پیش از نزول بلا دعا نکند مستجاب نمیشود دعای او و وقتی که بلا نازل شود
برد و فرشتگان میگویند که این آواز را نمی شناسیم   گفت
امام موسی کاظم علیه السلام که هر دردی را دوا هست کسی پرسید که دوا
هر درد کدام است آنحضرت فرمود که دوای هر درد دعاست و هر درد را

دعا غیبت پس وقتی که متوجه شود بیمار بدعا کردن خدای تعالی شفا میدهد او را
گفت امام موسی کاظم علیه السلام که فاضلترین دعاها صلوات است بر نبی
و آل او است علیهم السلام و بعد از آن دعا برای برادران مومن و بعد از آن
دعا برای خود با آنچه میخواهی و نزدیکی که بنده را بخدای تعالی حاصل میشود
در وقت سجده است در رنج و بیماری که عارض میشود گفت امام موسی کاظم
علیه السلام که دعا کردن فاضلتر است از قران خواندن زیرا که حضرت
حق سبحانه و تعالی فرموده است که قل ما یعبؤا بکم ربی لولا دعاءکم یعنی بگو ای محمد
با امتان خود که قدری نباشد شما را نزد پروردگار من اگر دعا نکنید بدرستی که
خدای تعالی تاخیر میکند اجابت دعای محزون را بجهت آنکه دعا کردن او را
و میگوید که آواز مومن را دوست میدارم که بشنوم و زود اجابت
میکند دعای منافق را و میگوید که نمیخواهم که آواز او را بشنوم
از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که آنکسی که بترسد از بلای که و پیش
از آنکه آن بلا باو برسد دعا کند نرساند خدای تعالی آن بلا را باو
هرگز   چاره از برای خود سنت است که کسی که بیمار شود مکرر این

دعا را بخواند لا اله الا الله یحیی و یمیت و هو حی لا یموت سبحان الله
رب العباد و البلاد و الحمد لله حمدا کثیرا طیبا مبارکا فیه علی کل حال و الله اکبر
کبیرا کبریاء ربنا و جلاله و قدرته بکل مکان اللهم ان کنت امرضتنی لقبض
روحی فی مرضی هذا فاجعل روحی فی ارواح من سبقت له منک الحسنی
و باعدنی من النار کما باعدت اولئک الذین سبقت لهم منک الحسنی
دیگر چاره را برای خود   از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که
چون بیمار شوی پس هر دو دست خود را بر جای درد میکنند و پس بگو
بگو الله الله ربی حقا لا اشرک به شیئا اللهم انت لها و لکل عظیمة
ففرجها عنی   دیگر چاره برای خود   از ابی عبد الله علیه السلام
که گفت که چون بیمار شوی پس دست خود را بر جای درد میکنند و پس بگو
بگو اللهم انی اسئلک بحق القران العظیم الذی نزل به الروح الامین و هو عندک
فی ام الکتاب علی حکیم ان تشفینی بشفائک و ان تداوینی بدوائک
و تعافینی من بلائک و صلی الله علی محمد و آله   دیگر چاره را برای خود
که حکایت کرد مردی نزد ابی عبد الله علیه السلام از درد

آنحضرت گفت باز دیگر بگو بسم الله و بعد ازان دست خود را بر
آنجا که درد میکند و هفت بار بگو اعوذ بعزة الله و اعوذ بجلال الله
و اعوذ بعظمة الله و اعوذ بجمع الله و اعوذ برسول الله و اعوذ باسماء الله
من شر ما احذر و من شر ما اخاف علی نفسی گفت تا بد چنین کردم
و شفا یافتم   دیگر علاج برای خود از ابی عبد الله علیه السلام
که گفت که چون بیمار شوی بنه دست خود را بر جای که درد میکند و بگو بسم الله
و بالله محمد رسول الله صلی الله علیه و آله لا حول و لا قوة الا بالله اللهم امسح عنی
ما اجد و بمال دست خود را بر موضعی که درد میکند سه بار   که بیمار
می باید خواند   گفت امام جعفر صادق علیه السلام که چون بیمار شوی
بگو بسم الله و بالله کم من نعمة الله عز و جل فی عرق ساکن بغیر ساکن علی
عبد شاکر و غیر شاکر پس بگیر محاسن خود را بدست راست خود بعد از ادای نماز
فریضه و سه بار بگو اللهم فرج کربی و عجل عافیتی و اکشف ضری و سعی کن که
در وقتی که این دعا میخوانی اشک از چشم تو بیاید   از ابی عبد الله
علیه السلام که گفت که بنه دست خود را بر سر بیمار و بگو بسم الله و بالله

و من الله و الی الله و ما شاء الله و لا حول و لا قوة الا بالله ابراهیم خلیل الله
موسی کلیم الله عیسی روح الله محمد رسول الله صلی الله علیه و آله من الارواح
و الاوجاع بسم الله بالله و عزائم الله لفلان بن فلان یعنی نام بیمار و نام
مادر او را بگو لا یقربه الاکل مسلم و اعیذه بکلمات الله التامات
کلها التی سال بها آدم فتاب علیه انه هو التواب الرحیم الا انزجرت
ایتها الارواح و الاوجاع باذن الله عز و جل لا اله الا الله الا له الخلق و الامر
تبارک الله رب العالمین و بعد ازان آیة الکرسی و سوره فاتحه و
قل هو الله و معوذتین و ده آیه از سوره یس بخوان و بعد ازان بگو
اللهم اشفه بشفائک و داوه بدوائک و عافه من بلائک و بحق محمد
و آله صلوات الله   دیگر که بیمار می باید خواند   که گفت امام جعفر
صادق علیه السلام که تب کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله پس جبرئیل آمد
آنحضرت و گفت بسم الله ارقیک و بسم الله اشفیک و بسم الله من کل داء
یعنیک بسم الله و الله شافیک بسم الله خذها فلتهنیک بسم الله الرحمن الرحیم
فلا اقسم بمواقع النجوم لتبرأن باذن الله   از مسموعات سید ناصح

الدین ابوالبرکات المشهدی رحمه الله که گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که تربت امام حسین شفاست از هر دردی پس هرگاه خواهی که تربت
امام حسین علیه السلام بخوری بگو بسم الله و بالله اللهم اجعل رزقا واسعا وعلما
نافعا من کل داء انک علی کل شیء قدیر   از امام جعفر صادق علیه السلام
که اگر کسی بیمار شود و دوا اول بیماری تربت امام حسین علیه السلام بخورد شفا
و بهبودی یابد او را از آن بیماری مگر آنکه آن مرض مرض موت باشد   دعایی
که بر بیمار باید خواند   از ابی جعفر علیه السلام که گفت که چون کسی بیمار شود
باید از اهل بیمار کسی که مشفق تر است باو نهد کف دست خود را بر دهان خود
سه بار بگوید بسم الله و سه بار بگوید بجلال الله و سه بار بگوید بکلمات الله
التامات و بعد از آن دست خود را بر سر و روی آن بیمار   دعای دیگر که بر
بیمار باید خواند   کرده است زراره که گفت امام محمد باقر علیه السلام که وقتی که
بعیادت بیماری بروی هفت بار بگو اعیذک بالله رب العرش العظیم
من کل عرق نعار و من شر حر النار   دعایی که باید خواند   فرمود
پدر فرزند را که بخواند وقتی که فرزند بیمار شود   حسین بن ابی نعیم

که شکایت کرد یکی از فرزندان ابی عبدالله را نزد آنحضرت گفت ای فرزند
بگو اللهم اشفنی بشفائک و داونی بدوائک و عافنی من بلائک فانی
عبدک و ابن عبدک   دعا از برای غیر فرزند   که حضرت پیغمبر صلعم
تعلیم کرد یکی از اصحاب خود را دعای جهت درد و گفت که بنهد دست را
بر جایی که درد میکند و بگوید بسم الله اعوذ بعزة الله وقدرته من شر ما اجد
از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که اگر کسی عیادت کند بیماری را
باید که بگوید اللهم اشف عبدک ینکی عدوا او یمشی لک الی الصلوة
که رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی که بعیادت بیماری میرفت میگفت
اذهب البأس رب الناس بیدک الشفاء لا کاشف البلاء الا انت   دعای
دیگر که حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله نزد بیمار میخواند اذهب البأس
رب الناس و اشف انت الشافی لا شفاء الا شفاؤک شفاء لا یغادر
سقما اللهم اصلح القلب والجسم و اکشف السقم و اجب الدعوة و گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که اگر کسی عیادت کند بیماری را که اجل او نرسیده
باشد و بگوید اسأل الله العظیم رب العرش العظیم ان یشفیک شفاه الله

ازان مرض که رسول خدا صلی الله علیه وآله رفت بعیادت بعضی از
اصحاب وانکسی که شکایت کرد نزد آنحضرت از بیماری آنحضرت تعلیم
بانکس افسونی که جبرئیل علیه السلام بآنحضرت آموخته بود و آنحضرت
افسون اینست بسم الله ارقیک بسم الله اشفیک من کل داء یؤذیک
ومن شر النفاثات فی العقد ومن شر حاسد اذا حسد دعای دیگر بنه
دست خود را بر دهان خود و سه بار بگو بسم الله جلال الله بعظمة الله
بکلمات الله التامات باسماء الحسنی وبعد ازان بنه دست خود را بر جای
کرده میکند و بگو سه بار بسم الله وبعد ازان هفت بار بگو اللهم امسح عنی عافنی
وچون خدا را علاج شفا ده بگو الحمد لله الذی خلقنی فهدانی واطعمنی وسقانی
وصح جسمی وشفانی الحمد والشکر دعا برای علت خنازیر که گفت
امام رضا علیه السلام که ازکردن کنیز ما خنازیر بیرون آمد کسی آمد وگفت
یا علی بگو آن کنیز را که بسیار بگوید یا رؤف یا رحیم یا رب یا رب یا سیدی
آن کنیز بسیار خواند این کلمات او شفا یافت دعا برای درد چشم
روایت کرده است محمد بن جعفر از پدر خود که گفت اکثر اوقات چشم من درد میکند

پس شکایت کردم نزد ابی عبدالله علیه السلام آنحضرت گفت که آیا بیاموزم
بتو دعایی که کفایه کند ترا در دنیا و آخرت ودرد چشم ترا ببرد گفتم بلی آنحضرت
گفت که در عقب نماز صبح ونماز شام بگو اللهم انی اسئلک بحق محمد وآل محمد ان تصلی
علی محمد وآل محمد وان تجعل النور فی بصری والبصیرة فی دینی والیقین فی قلبی
والاخلاص فی عملی والسلامة فی نفسی والسعة فی رزقی والشکر لک ابدا
ما ابقیتنی واقع است که گفت که هفت بار بخوان این دعا را که مذکور شد
در عقب نماز صبح پیش ازانکه برخیزی از جای خود بجز آنکه دعا بجهت بگوید
دشوار زائیدن که اگر زنی دشوار زاید سه بار بخوانید این دعا را
بر آبی وبه بدهید باو تا بیاشامد وبار دیگر از آن آب میان دو پستان وشکم آن زن
و در میان دو پستان و بر ریزید تا آنکه آن فرزند متولد شود باذن خدا
ودعا اینست بسم الله الذی لا اله الا هو الحلیم الکریم سبحان الله رب العرش العظیم
الحمد لله رب العالمین بسم الله الحلیم الکریم سبحان الله رب السموات ورب العرش العظیم
الحمد لله رب العالمین کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها کانهم یوم یرونها
ما یوعدون دعا بجهت دشوار آمدن بول که چون بول کسی دشوار آید

این دعا را بخواند که ربنا الله الذی فی السماء تقدس اللهم امرک فی السماء
والارض اللهم کما رحمتک فی السماء اجعل رحمتک فی الارض اغفر لنا حوبنا
وخطایانا انت رب الطیبین انزل رحمة من رحمتک وشفاء من شفائک
علی هذا الوجع شفا یابد دعا برای درد ناف که گفت ابو حمزه
که درد ناف داشتم پس شکایت کردم نزد ابی جعفر علیه السلام از آن درد
آنحضرت گفت که چون نماز بگزاری بعد از نماز یا جواد من اعطی یا خیر من سئل
ویا ارحم من استرحم ارحم ضعفی وقلة حیلتی واعفنی من وجعی ابو حمزه گفت که چنین
کردم وشفا یافتم از آن مرض دعا برای سنگ مثانه وفالج از امام
جعفر صادق علیه السلام که گفت که جهت دفع سنگ مثانه وفالج وقتی که نماز شب
بگزاری سجده کن ودر سجده بگو اللهم انی ادعوک دعاء الذلیل الفقیر العلیل ادعوک
دعاء من اشتدت فاقته وقلت حیلته وضعف عمله فلا یحیطن بی مکرک ولا
تثبت علی غضبک ولا تصغرنی الی الناس من ردک ولا تقنطنی من رحمتک
وطول الصبر علی البلاء اللهم لا طاقة لی ببلائک ولا غنی بی عن رحمتک و
هذا ابن حبیبک اتوجه الیک به فانه جعلته مفزعا للخائف واستودعته علم

ما سبق وعلم ما یکون فاکشف ضری وحطنی من هذه البلیة واغفر لی ما علمت
من رحمتک وعافیتک یا هو یا هو انقطع الرجاء الا منک طلب شفا
کردن بنماز نماز برای شفا از دردی وعلی الخصوص سلعه وسلعه که جهت
گرد بدن آدمی پیدا می شود مانند غدود و سر روز روزه بگیرد و در روز سیم
نزدیک بزوال غسل کن وچهار رکعت نماز بگزار ودرین چهار رکعت بخوان از قرآن
آنچه میسر شود وجهد کن در خضوع وخشوع وچون فارغ شوی از نماز چند از
جامهای خود دور کن وبرخرقه پاکی او به جانب راست روی خود در بر زمین
وبگو یا واحد یا ماجد یا کریم یا حنان یا قریب یا مجیب یا ارحم الراحمین صل
علی محمد وآل محمد واکشف ما بی من ضر ومعرة والبسنی العافیة فی الدنیا و
امنن علی بتمام النعمة واذهب ما بی فانه قد اذانی وغمنی گفت امام جعفر
صادق که وقتی که این نماز نفع عظیم دارد وخلاص شوی از آن علت که یقین کن
که این نماز نفع عظیم دارد برای جمیع بیماریها ابو اسامه از حضرت جعفر
که گفت که بنویس بزعفران بر ظرف پاکی این کلمات را اعوذ بکلمات
الله التامات واسمائه کلها عامة من شر السامة والهامة والعین اللامة ومن

شر حاسد اذا حسد و بنویس سورهٔ فاتحه و قل هو الله و معوذتین را و این هفت
آیه از سورهٔ البقره که الهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم ان فی خلق السموات
والارض واختلاف اللیل والنهار والفلک التی تجری فی البحر بما ینفع الناس
وما انزل الله من السماء من ماء فاحیا به الارض بعد موتها وبث فیها من کل
دابة وتصریف الریاح والسحاب المسخر بین السماء والارض لآیات لقوم یعقلون
و بنویس آیة الکرسی را و این چند آیت از سورهٔ البقره که آمن الرسول بما انزل
الیه تا آخر سوره و ده آیت از اول سورهٔ آل عمران بسم الله الرحمن الرحیم
الم الله لا اله الا هو الحی القیوم نزل علیک الکتاب بالحق مصدقا لما
بین یدیه وانزل التوریة والانجیل من قبل هدی للناس وانزل الفرقان
ان الذین کفروا بآیات الله لهم عذاب شدید والله عزیز ذو انتقام
ان الله لا یخفی علیه شیء فی الارض ولا فی السماء هو الذی یصورکم فی الارحام
کیف یشاء لا اله الا هو العزیز الحکیم هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات
محکمات هن ام الکتاب واخر متشابهات فاما الذین فی قلوبهم زیغ
فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة وابتغاء تاویله وما یعلم تاویله الا الله

والراسخون

والراسخون فی العلم یقولون آمنا به کل من عند ربنا وما یذکر الا اولوا الالباب
ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب
ربنا انک جامع الناس لیوم لا ریب فیه ان الله لا یخلف المیعاد ان الذین
کفروا لن تغنی عنهم اموالهم ولا اولادهم من الله شیئا واولئک هم وقود النار
کدأب آل فرعون والذین من قبلهم کذبوا بآیاتنا فاخذهم الله بذنوبهم والله
شدید العقاب و این چند آیت از آخر سورهٔ آل عمران که ان فی خلق السموات
والارض واختلاف اللیل والنهار لآیات لاولی الالباب الذین یذکرون الله
قیاما وقعودا وعلی جنوبهم ویتفکرون فی خلق السموات والارض ربنا ما خلقت
هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب النار ربنا انک من تدخل النار فقد اخزیته
وما للظالمین من انصار ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان آمنوا
بربکم فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وکفر عنا سیئاتنا وتوفنا مع الابرار
وآتنا ما وعدتنا علی رسلک ولا تخزنا یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد فاستجاب
لهم ربهم انی لا اضیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض فالذین هاجروا واخرجوا
من دیارهم واوذوا فی سبیلی وقاتلوا وقتلوا لاکفرن عنهم سیئاتهم ولادخلنهم

جنات تجری من تحتها الانهار نزلا من عند الله والله عنده حسن الثواب
لا یغرنک تقلب الذین کفروا فی البلاد متاع قلیل ثم ماویهم جهنم وبئس المهاد
لکن الذین اتقوا ربهم لهم جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها نزلا من
عند الله وما عند الله خیر للابرار وان من اهل الکتاب لمن یؤمن بالله وما
انزل الیکم وما انزل الیهم خاشعین لله لا یشترون بآیات الله ثمنا قلیلا اولئک
لهم اجرهم عند ربهم ان الله سریع الحساب یا ایها الذین آمنوا اصبروا وصابروا
ورابطوا واتقوا الله لعلکم تفلحون و آیه اول از سوره نسا که بسم الله الرحمن الرحیم
یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة وخلق منها زوجها وبث
منهما رجالا کثیرا ونساء واتقوا الله الذی تساءلون به والارحام ان الله کان
علیکم رقیبا و آیه اول از سوره مایده یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود احلت
لکم بهیمة الانعام الا ما یتلی علیکم غیر محلی الصید وانتم حرم ان الله یحکم ما یرید و آیت
اول از سوره انعام بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی خلق السموات والارض
وجعل الظلمات والنور ثم الذین کفروا بربهم یعدلون و آیت اول از سوره
اعراف که بسم الله الرحمن الرحیم المص کتاب انزل الیک فلا یکن فی صدرک

حرج منه

حرج منه لتنذر به وذکری للمؤمنین و این آیه ان ربکم الله الذی خلق السموات
والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا
والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین
و این آیت که قال موسی ما جئتم به السحر ان الله سیبطله ان الله لا یصلح عمل المفسدین
و این آیت که والق ما فی یمینک تلقف ما صنعوا انما صنعوا کید ساحر ولا یفلح الساحر حیث
اتی و دو آیت از اول سوره والصافات بسم الله الرحمن الرحیم والصافات
صفا فالزاجرات زجرا فالتالیات ذکرا ان الهکم لواحد رب السموات
والارض وما بینهما ورب المشارق انا زینا السماء الدنیا بزینة الکواکب وحفظا من کل
شیطان مارد لا یسمعون الی الملا الاعلی ویقذفون من کل جانب دحورا
ولهم عذاب واصب الا من خطف الخطفة فاتبعه شهاب ثاقب و بعد از آن
آن ظرف را بسیار بشوید و آن آب و شسته را بسازد و پس دم از آن آب
بیاشامد و مالد از آن آب بر سر و روی و تمام اعضای خود و بعد از آن دو رکعت نماز
بگذارد و طلب شفا کند از خدای تعالی و باید که سه روز این کار بکند حسان گفت که
تجربه کردیم این او بسیار تجربه کردیم و فایده یافتیم باذن خدای تعالی از برای نفس

کرده است اسماعیل بن محمد از عبد الله بن علی بن الحسین علیهم السلام که گفت که
جاریه حبشی عارض شد مرا تا آنکه ناامید شدند از من پس آمد نزد من
ابو عبد الله علیه السلام و دید که مادر من بسیار جزع میکند گفت مادر من که
وضو بسازد و دو رکعت نماز بگذارد و بعد از آن سجده کن و بگو در سجده
اللهم انت وهبته لی ولم یک شیئا فهبه لی هبة جدیدة پس مادر
من چنین کرد و من صحت یافتم مادر من هریسه پخته بود و من صباح از آن
هریسه خوردم   که گفت محمد بن الحسن الصفار که رفتیم نزد ابی عبد الله
علیه السلام و تب داشتم آنحضرت گفت که چرا مهموم گفتم فدای تو گردم
تب کرده ام گفت وقتی که تب کسی را بگیرد باید که در آید بخانه که در آن خانه
هیچکس نباشد و دو رکعت نماز بگذارد و بنهد طرف راست روی خود را
بر زمین و ده بار بگوید یا فاطمه بنت محمد اشفع لی الی الله فیما نزل بی در ساعت که
صحت می یابد ان شاء الله تعالی   و دیگر جهت تب دو رکعت نماز بگذارد
و در هر رکعتی سه بار سوره فاتحه بخواند و بعد از آن بگوید الا له الخلق
والامر تبارک الله رب العالمین و بعد از بوسیدن این دعا را بگو اللهم

الرحمن الرحیم

الرحمن الرحیم اللهم اشفع بنبیک محمد صلی الله علیه و آله یا محمد استشفع بک علی ربی
فی قضاء حاجتی و هو شفاء هذا المریض یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحیم یا
حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام برحمتک استغیث الآن خفف الله عنکم یرید الله
ان یخفف عنکم ذلک تخفیف من ربکم و رحمة و بشوید و بیاشامد هر که تب دارد
جهت درد سر دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی فاتحه یکبار بخواند و سه بار
قل هو الله و سه بار این آیت بخواند که رب انی وهن العظم منی واشتعل
الراس شیبا ولم اکن بدعائک رب شقیا   برای درد چشم دو رکعت نماز
بگذارد و در هر رکعتی فاتحه یکبار و سه بار قل هو الله بخواند و این آیت بخواند که
وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو و یعلم ما فی البر والبحر و ما تسقط من ورقة
الا یعلمها ولا حبة فی ظلمات الارض ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین
جهت برطرف شدن کوری   کرده است ابو حمزه ثمالی از ابو جعفر
علیه السلام که گذشت کوری از پیش حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله آنحضرت
گفت بآن کور که آرزو داری که بینا کند خدای تعالی ترا آن کور گفت بلی
یا رسول الله حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله گفت بآن کور که وضو

کاملی بسیار زود دو رکعت نماز بگزارد و بعد از آن بگوید اللهم انی اسئلک و ارغب الیک
و اتوجه بنبیک نبی الرحمة یا محمد انی اتوجه بک الی الله ربی و ربکم ان یرد علی
بصری ان تا بینا رفت و این کار کرد هنوز آنحضرت از مجلس برنخواسته بود
که آن شخص آمد و چشم او بینا شده بود   برای درد کردن دو رکعت نماز بگذارد
و در هر رکعتی فاتحه یکبار و پنج بار سورهٔ اذا زلزلت بخواند بجهت درد سینه
چهار رکعت نماز بگزارد در هر رکعت اول فاتحه یکبار بخواند و یکبار سورهٔ
الم نشرح بخوانند و در رکعت دوم یکبار فاتحه بخوانند و سه بار قل هو الله و در رکعت
سیم یکبار فاتحه و یکبار سورهٔ والضحی و در رکعت چهارم یکبار فاتحه بخوانند و بعد از
فاتحه بخوانند یعلم خائنة الاعین و ما تخفی الصدور   بجهت دفع قولنج دو رکعت نماز
بگزارد و در هر رکعتی فاتحه بخوانند و بعد از فاتحه بخوانند ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر
بجهت باز گشتن بنده که گریخته باشد دو رکعت نماز بگزارد و در هر رکعتی فاتحه
یکبار بخوانند و چهار آیت از اول سورهٔ حدید و آن آیتها اینست بسم الله الرحمن الرحیم
سبح لله ما فی السموات و الارض و هو العزیز الحکیم له ملک السموات و الارض
یحیی و یمیت و هو علی کل شیء قدیر هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن

و هو بکل شیء علیم الذی خلق السموات و الارض فی ستة ایام ثم استوی
علی العرش یعلم ما یلج فی الارض و ما یخرج منها و ما ینزل من السماء
و ما یعرج فیها و هو معکم اینما کنتم و الله بما تعملون بصیر و آخر سورهٔ
حشر بخوانند که لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرایته خاشعا متصدعا من
خشیة الله و تلک الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون هو الله الذی
لا اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان
الله عما یشرکون هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنی یسبح
له ما فی السموات و الارض و هو العزیز الحکیم و بعد از آن بگوید یا من
هذا الا هکذا اجیره اجعل الدنیا علی فلان یعنی نام گریخته بگوید اضیق
من مسک حتی یرد علی   بجهت درد سر دو رکعت نماز بگزارد در هر رکعتی یکبار
فاتحه بخوانند و این آیتها را که آمن الرسول بما انزل الیه من ربه و المؤمنون
کل آمن بالله و رسوله و ملائکته لا نفرق بین احد من رسله و قالوا سمعنا و اطعنا
غفرانک ربنا و الیک المصیر لا یکلف الله نفسا الا وسعها لها ما کسبت
و علیها ما اکتسبت ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطانا ربنا و لا تحمل

حملتنا اصراً کما حملته علی الذین من قبلنا و لا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا و
اغفر لنا وارحمنا انت مولانا فانصرنا علی القوم الکافرین   جهت لقوه
دو رکعت نماز بگزارد و بنهد دست خود را بر روی خود و حضرت پیغمبر را
شفیع خود سازد و بعد از آن پنج بار بگوید بسم الله احتج علیک یا وجع من
عین انس من عین جن احتج علیک بالذی اتخذ ابراهیم خلیلا
وکلم موسی تکلیما وخلق عیسی من روح القدس لما بان و طیبت کما طیبت
نار ابراهیم باذن الله   جهت بازگشتن گم شده   از امیر المؤمنین
علیه السلام که گفت کرده دو رکعت نماز گزارد و در هر رکعتی فاتحه و سوره یس بخواند
و چون فارغ شود از نماز دست خود را بردارد بجانب آسمان و بگوید اللهم راد
الضالة والهادی من الضلالة تصلی علی محمد و آل محمد واحفظ علی ضالتی واردد
یا ارحم الراحمین فانها من فضلک و عطایک یا عباد الله فی الارض و یا
سیاحة الله فی الارض ردوا علی ضالتی فانها من فضل الله و عطایه
از برای گم شده   از امیر المؤمنین علی علیه السلام که گفت این دعا را
می باید خواند که اللهم لا اله الا انت لک السموات ولک الارض وما بینهما

فاجعل

فاجعل الارض علی کذا یعنی نام گم شده را بگوید اضیق من جلد جمله حتی تلکنی
انک علی کل شیء قدیر   که گفت امام جعفر صادق علیه السلام از برای
بنده گریخته باشد بخوان این دعا را که اللهم السماء لک والارض لک وما
بینهما لک فاجعل ما بینهما اضیق علی فلان یعنی نام گریخته را بگو من جلد حتی
ترده علی وتظفرنی به و بنویس همین دعا را بر کاغذی و بر گرد این نوشته
آیة الکرسی بنویس و بعد از آن آن کاغذ را در زیر زمین کن در جایی که آن بنده
میخوابیده و بر بالای او چیزی گرانی نه   از برای گم شده و گریخته بنویس یا
بخوان این دعا را که اللهم انت جبار فی السماء و جبار فی الارض و ملک فی الارض
وآله فی السماء واله فی الارض تردّ الضالة وتهدی من الضلالة ردّ علی فلان یعنی نام
آن کسی که چیزی از او گم شده بگوید یا بنویس ضالته حفظ   کسی که تب داشته
باشد بنویس این دعا را پنج بار کاغذ بخلی باریک بر وجهی که ممکن نباشد
خواندن آن و هر پاره کاغذ در هم پیچ و هر دو را کن مانند فندق و به آن کس بخورد
آن کسی که تب داشته باشد هر روز یکی از این کاغذها و دعا اینست بسم الله
ذی العزة والکبریا والنور این نسخه مجرب است و شیخ حسن سمرقندی

واعتباری میکرد این نسخه را وعدا و مستحضر بود نوشتن این — دیگر بنویس
این دعا را برای تب بر سه پاره شکر بر یکپاره عقدت باذن الله و بر پاره
دیگر سعدت باذن الله و بر پاره سیم سکنت باذن الله و بده که در
صباح بر ناشتا بخورد کسی که تب میکند هر روز یک پاره را — دیگر بنویس برای
تب ربع تب بای کسی که تب میکند این دعا را که بسم الله یا حی القاهر
المستغیثة بالذی فی السماء عرشه و بالذی کلم موسی تکلیما و اتخذ ابراهیم
خلیلا و بعث محمدا بالحق فیا کلما خرجت من العظم الی اللحم و من اللحم الی الجلد و من الجلد
الی الارض فسکن فیها ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی محمد و آله و سلم کثیرا
دیگر برای تب بنویس این آیتها را و این دعا را بر کاغذ و به بندد آن کاغذ
را بر پیشانی و صفت کرده بزند آن ریسمانها را بر هر گرهی فاتحه بخواند و بعد از آن
بر بندد آن تعویذ را بر سر کسی که تب میکند و آنچه میباید نوشت اینست
بسم الله الرحمن الرحیم وبالحق انزلناه وبالحق نزل وننزل من القرآن ما هو شفاء
ورحمة للمؤمنین یا نار کونی بردا وسلاما علی ابراهیم وارادوا به کیدا فجعلناهم
من الاخسرین یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحمن یا رحمن اسکن بالقدرة الجبار

العظیم والقدرة الشان الکریم و معوذتین نیز بنویسد — دیگر بجهت تب
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که تب کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله
پس جبرئیل علیه السلام آمد و خواند این دعا را بر آنحضرت که بسم الله ارقیک
یا محمد بسم الله اشفیک بسم الله من کل داء یعنیک بسم الله و الله شافیک بسم الله
خذها فلتهنیک بسم الله الرحمن الرحیم فلا اقسم بمواقع النجوم چون تب کند بنویسد
این تعویذ را و به بندد شفا می یابد باذن خدای تعالی — از امام رضا علیه السلام که
گفت که کنیز من تب میکرد و آن کنیز را اقدر و تنزلی بود نزد ما پس کسی بخواب
آمد و گفت که بفرما آن کنیز را که بگوید یا ربّاه یا سیداه صل علی محمد و اهل بیته
واکشف عنی ما اجد فلان بن فلان نجاسن النار بحق هذه الدعوة
دیگر از برای تب — از امام رضا علیه السلام که گفت که از برای تب
بنویس بر کاغذی پس روز اول قل بسم الله الرحمن الرحیم لا تخف انک
انت الاعلی و در روز دوم بسم الله الرحمن الرحیم لا تخف نجوت من القوم
الظالمین و در روز سیم بسم الله الرحمن الرحیم الا له الخلق والامر تبارک
الله رب العالمین و کسی که تب میکند سه روز بخورد این کاغذها را هر روز یکی را

از برای تب نوبه این شکل را بر کاغذی و به بند بر گردن کسی که تب میکند بیاویزد

در بیان افسونها و تعویذها

از برای جمیع بیماریها از ائمه معصومین

و اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که گفته بنویس از برای تب
بر کاغذی این دعا را و به بند بر گردن کسی که تب دارد و دعا اینست اللهم انی اسئلک
اسئلک بعزتک و قدرتک و سلطانک و ما احاط به علمک ان تصلی علی محمد
و آل محمد و ان لا تسلط علی فلان بن فلان یعنی نام کسی که تب میکند و نام مادر
او را بنویسد شیئا مما خلقت بسوء و ارحم جلدة الرقیق و عظمه الدقیق من فورة
الحریق انت ربی یا ام ملدم یا آکلة اللحم و شاربة الدم حرا و بردا فانی حیثما
ان کنت امنت بالله العظیم ان لا تاکلی لفلان بن فلانه یعنی نام کسی که تب میکند
و نام مادر او را بنویسد لحما و لا تمصی دما و لا تنهکی عظما و لا تشوری علیه
لهبا و لا تهیجی علیه صداعا و انتقلی عن شعره و بشره و لحمه و دمه الی من زعم
ان مع الله الها آخر لا اله الا هو سبحانه و تعالی عما یشرکون و بنویسد
تمام کاغذ را برین کاغذ   برای تب خصوصا تبی که گاهی می آید و گاهی

نمی آید بنویس این دعا را بر کاغذی که اعیذه بالله استعاذ به موسی و ابراهیم
و محمد صلی الله علیه و آله من کل حمی و النافض و الغب و العتیق و الربع و الصداع
اللهم کما کلمت مریم بنت عمران بغیر عیسی فلا تقدر علی الانسان من بعده
الا و امره و الاوجاع الا بقدرتک فلا اقسم بما تبصرون و ما لا تبصرون انه لقول
رسول کریم احتمت علیک لما ترکته و لا تاخذه به بنده و بر آن کاغذ ابریسمان
که بجای ریسمان است و سه گره بزن آن ظرف را که بجانب جب است
و سوره قل هو الله و معوذتین بخوان و بعد از آن بگو اللهم اشف فلان بن
فلان یعنی نام کسی که تب میکند و نام مادر او را بگو من حمی یوم و یومین
و ثلثة ایام و حمی ربع فانک تفعل ما ترید و تحکم و انت علی کل شیء قدیر بسم الله
کتبت و بسم الله ختمت و علیک توکلت و هو رب العرش العظیم و لا حول و لا قوة
الا بالله العلی العظیم و بعد از آن به بندد آن تعویذ را بر گردن کسی که تب دارد
دیگر برای تب بگیر هفت نخ ریسمان که از پنبه رشته باشند و بخوان بر ریسمان
سوره فاتحه و قل هو الله و معوذتین و هفت گره بزن آن ریسمان را
و به بندد بر گردن کسی که تب میکند و بعضی گفته اند بر سر کسی این سوره ها

سلامی باید خواند دیگر بجهت تب که گفت حضرت پیغمبر که هرکس که او را
تب شود سه روز پی در پی غسل کند و در وقت غسل کردن بگوید بسم الله اللهم انی
اغتسلت التماس شفائک و تصدیقا لنبیک چون چنین کند خدای تعالی
شفا دهد دیگر برای تب از ابن عباس که گفت که رسول
تعلیم کرد ما را بجهت تمام دردها و تب و درد سر این دعا را و گفت که دست خود را
بنهید بر جای که درد میکند و بگویید بسم الله الکبیر اعوذ بسم الله العظیم من شر کل
عرق نعار و من شر حر النار و چون بردارید دست خود را از این موضع بگو بسم الله
و بسم الله و بالله محمد رسول الله اعوذ بالله و قدرته علی ما یشاء من شر ما
اجد حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله از برای حضرت فاطمه زهرا علیها السلام
و جماعتی مومنانی که بحق اقرار داشته یعنی شیعیان که هر مومنی که تب
شود بنویسد این حرز را و با خود نگاه دارد شفا یابد حرز اینست و له ما سکن
فی اللیل و النهار و هو السمیع العلیم یا ام ملدم ان کنت امنت بالله العظیم و رسوله
الکریم فلا تهشمی العظم و لا تاکل اللحم و لا تشربی الدم اخرجی من حامل الکتاب
هذا الی من لا یومن بالله العظیم و رسوله الکریم و آل محمد و علی و فاطمة و الحسن

والحسین از وشاد که گفت که آمد مردی نزد امام رضا علیه السلام
و گفت حضرت امام با آنمرد که چیست ترا که رنگ روی تو زرد است آنمرد گفت
که تب ربع چنین ساخته مرا حضرت امام دوات و قلم طلبید و نوشت
که بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله ابجد هوز حطی عن فلان بن فلان
یعنی نام آنمرد و نام مادر او را نوشت باذن الله و بعد از آن در پایین او نوشت
صورت خاتم سلیمان علیه السلام هفت بار و بعد از آن در هم پیچید آن کاغذ را
و گفت که ریسمانی بیاورید که آب باو نرسیده باشد و آب دهن نیز باو نرسیده
باشد پس ایشان ریسمانی بیاوردند پس آنحضرت آن کاغذ را بر آن ریسمان
و گره زد آن ریسمان را پس آن ریسمان را نزدیک دهن خود آورد و بر یک جانب
آن ریسمان چهار گره زد و بر جانب دیگر سه گره زد و بر هر گرهی سوره فاتحه
و قل هو الله و معوذتین و آیة الکرسی خواند و داد این تعویذ را بآن شخص که تب
ربع میکرد و گفت باو که بر بازوی راست خود ببند این تعویذ را و در
وقت بستن آیة الکرسی بخوان و صبر کن و جمع کن با این تعویذ
دیگر واقع است که بعد از ان در هم پیچید آن کاغذ را در ریسمانی

تری آورده‌اند گفت ریسمانی خشکی بیاورید آوردند پس میان ریسمان را گره زد
و بر جانب راست آن ریسمان چهار گره زد و بر جانب سه گره و بر سر گرهی
سورهٔ فاتحه و قل هو الله و معوذتین و آیة الکرسی بخواند و بعد از آن گفت
که بگیر این تعویذ را و بر بازوی راست خود ببند و جماع مکن با این تعویذ
دیگر برای تب ربع   که ابوذکریا حضرمی تب ربع میکرد
ابو الحسن علیه السلام نوشت باو که بنویس بر دست راست خود بسم الله جبرئیل
و بر دست چپ خود بسم الله میکائیل و بر پای راست خود بسم اسرافیل
و بر پای چپ خود بسم الله عزرائیل لا یرون فیها شمسا و لا زمهریرا
در میان هر دو شانه خود بسم الله العزیز الجبار   بنویس بر شانهٔ
راست آنکسی که تب میکند بسم الله جبرئیل و بر شانهٔ چپ آن بسم الله
میکائیل و نیز بر شانهٔ راست او بنویسد بسم الله اسرافیل و بر شانهٔ چپ او
لا یرون فیها شمسا و لا زمهریرا   و تب غب آنست که یکروز می‌آید
و یکروز نمی‌آید بگیر دو سه برگ درخت توت و بنویسد بر آن برگها نام
کسی که تب میکند برگی طیسوما بنویسد و برگ دیگر ابوما بنویسد و برگ دیگر

ابراسوما بنویسد بعد از آن برگها را بینداز در آب بسر دفع
دیگر واقع است که بنویسد بر یک برگ از آن برگها حوما و بر برگ او حوما و بر برگ
ابرحوما و بیندازد آن برگها را در آب و در روایتی دیگر واقع است که بنویسد بر
از آن برگها حوما و بر برگ دیگر طیسوما و بر برگ دیگر ابرسوما   از برای تب بخوید
سورهٔ فاتحه و این دعا را اگر مذکور میشود و به بندد بر بازوی راست کسی که تب
میکند دعا اینست بسم الله و بالله اعوذ بکلمات الله التامات کلها التی
لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر ما خلق و ذرأ و برأ و من شر السامة والهامة
والعامة واللامة و من شر الطوارق اللیل والنهار و من شر فساق العرب
والعجم و من شر فسقة الجن والانس و من شر الشیطان و شرکه و من شر
کل ذی شر و من شر کل دابة هو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم ربنا
علیک توکلنا والیک انبنا والیک یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم
وارادوا به کیدا فجعلناهم الاخسرین کونی بردا و سلاما علی فلان بن فلانه
یعنی نام کسی که تب میکند و نام مادر او را بنویسد و این آیتها را نیز بنویسد
ربنا لا تواخذنا ان نسینا او اخطانا ربنا و لا تحمل علینا اصرا کما حملته علی الذین

من قبلنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولانا
فانصرنا على القوم الكافرين حسبی الله لا اله الا هو فاتخذه وکیلا وتوکل علی الحی الذی
لا یموت وسبح بحمده وکفی به بذنوب عباده خبیرا بصیرا هوا این دعا را نیز بنویسد
که لا اله الا الله وحده لا شریک له صدق وعده ونصر عبده وهزم الاحزاب
وحده ما شاء الله لا قوة الا بالله کتب الله لاغلبن انا ورسلی ان الله
قوی عزیز الا ان حزب الله هم الغالبون ومن یعتصم بالله فقد هدی الی صراط
مستقیم وصلی الله علی محمد وآله الطیبین الطاهرین   برای جمیع دردها و
بعضی گفته اند این افسون مخصوص درد دندان است بنویسد و بخواند این دعا را
که بسم الله وبالله وصلی الله علی محمد وآله الطیبین وصنع الله الذی اتقن
کل شیء انه خبیر بما تفعلون اسکن ایها الوجع سکنتک بالذی سکن له ما فی
السموات وما فی الارض وهو العلی العظیم عزمت علیک ایها الوجع سکنتک
بالله الذی اتخذ ابراهیم خلیلا وکلم موسی تکلیما وخلق عیسی روح القدس
وبعث محمدا بالحق نبیا لما ذهب عن فلان بن فلان یعنی نام کسی که درد
دارد دندان او را بنویسد و بگوید الا اعده صحوة ولا تعوده الیه

قلنسوه

قلنسوه   که ملک نجاشی را درد سر بود کتابتی نوشت بحضرت پیغمبر
صلی الله علیه وآله وطلب علاج کرد آنحضرت فرستاد این حرز را ملک نجاشی
دوخت آن حرز را بر طاقیه خود درد سر او تسکین یافت حرز اینست بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله الملک الحق المبین شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة واولوا العلم
قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم بسم الله نور وحکمة وعظمة وقوة وبرهان وقدرة
وسلطان ورحمة یا من لا ینام لا اله الا الله ابراهیم خلیل الله لا اله الا الله
موسی کلیم الله لا اله الا الله عیسی روح الله وکلمته لا اله الا الله محمد رسول الله
وصفوته وصفیه صلی الله علی محمد وآله اسکن سکنتک بالذی سکن له ما فی السموات
والارض وبمن یسکن له ما فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم رضا حسیب السماء
والشیاطین الا الی الله تصیر الامور   دیگر از برای درد سر بنویسد این
آیتها را بر ورقی و به بندد آن ورقها را بر پیشانی و به بندد بر سر انگشتی که درد سر
دارد و آیتها اینست بسم الله الرحمن الرحیم الم الله لا اله الا هو الحی القیوم نزل
علیک الکتاب بالحق مصدقا لما بین یدیه وانزل التوریة والانجیل من
قبل هدی للناس وانزل الفرقان ان الذین کفروا بآیات الله لهم عذاب

[illegible] والله عزیز ذو انتقام ان الله لا یخفی علیه شیء فی الارض ولا فی السماء
هو الذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء لا اله الا الله هو العزیز الحکیم هو الذی
انزل علیک الکتاب منه آیات محکمات هن ام الکتاب و اخرج منهما ما هو تا
حمدوا از برای درد سر از ابی جعفر علیه السلام که گفت که بجهت درد سر
بنویسد این دعا را بر کاغذی و به بندد آن کاغذ را بر آن جانب سر که درد میکند
دعا اینست اللهم انک لست باله استحدثناه ولا برب یبید ذکره ولا معک
شرکاء تقضون معک ولا کان قبلک اله ندعوه ونعوذ به ونتضرع الیه و ندعک
ولا اعانک علی خلقنا من احد فنشک فیه لا اله الا انت وحدک لا شریک لک
عاف فلان یعنی نام کسی که درد سر دارد بنویسد وصلی الله علی محمد و آل محمد
و واقع است که از برای درد سر بنویسد این دعا را اسالک باسمک
الذی قام به عرشک علی الماء ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تشفی فلان بن فلان
یعنی نام آن کسی که درد سر دارد و نام مادر او را بنویسد من بصداع الشقیقه
نفر بنا علی اذانهم فی الکهف سنین عددا واسالک باسمک الذی به خلقت
آدم و تمت خلقه علیه السلام ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تشفی فلان یعنی نام

کسی که درد سر دارد بنویسد بنویسد این کلمات ابروتق بس اگر کسی
که درد شقیقه دارد و ضرو باشد آن ورق را بر سر خود به بندد و اگر زن باشد
در میان موی خود بنهد و کلمات اینست بسم الله الرحمن الرحیم من الارض
الی السماء وکان هبط جبرئیل فاستقبله الاجدع فقال این ترید قال اذهب
الی الانسان فاکل لحمه و عینه واشرب من دمه فقال بالله الذی لا اله
الا هو لا تذهب الی الانسان ولا تاکل لحمه و عینه ولا تشرب من دمه انا
الراقی والله الشافی وصلی الله علی محمد و آل محمد واهل بیته وسلم بگیر اندک
جبنه و ترکن آن بنهد او به بر چشم که درد میکند و بگوید عین الشمس فی لجة البحر یا
نار کونی بردا وسلاما علی ابراهیم دیگر از برای درد چشم که
گفت سلیمان بن عیسی که رفتم نزد ابی عبد الله علیه السلام دیدم که آنحضرت
درد چشمی صعبی دارد غمگین شدم و بیرون آمدم روزی دیگر رفتم نزد آنحضرت
دیدم که چشم آنحضرت هیچ دردی ندارد گفتم فدایت گردم دی در خدمت
شما بودم و تو درد چشم داشتی بحدی که من غمگین شدم و امروز نزد شما
آمدم هیچ اثری از آن درد چشم باقی نیست آیا بچیزی علاج کردی آنحضرت

گفت که نزد من تعویذی بود با آن علاج کردم گفتم آن تعویذ را بمن بنما سوی
بر آنحضرت نوشت این دعا را که اعوذ بعزة الله اعوذ بقدرة الله اعوذ
بقوة الله اعوذ بعظمة الله اعوذ بجلال الله اعوذ ببهاء الله اعوذ بجمع الله
اعوذ برسول الله علی ما اجد و ما اخاف علی عینی و اجده من وجع عینی
اللهم رب الطیبین فکشفنا عنک غطاءک فبصرک الیوم حدید فنظر نظرة
فی النجوم فقال انی سقیم و صورکم فاحسن صورکم و رزقکم من الطیبات
فتبارک الله رب العالمین یا علی یا کبیر یا عظیم یا جلیل یا منیع یا فرد
یا وتر رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین بسم الله الرحمن الرحیم
یا حی یا حلیم یا علی یا عظیم یا جلیل یا جمیل یا فرد یا وتر اسألک ان
تصلی علی محمد و آل محمد و اسألک ان لا تدعنی فی قبری فردا و انت خیر الوارثین
و ان کنت الو احد الصلوة فی قبری ما رفعت حاجة امین رب العالمین
از برای خون آمدن از بینی بگیرد بینی کسی را که خون می آید و بخواند
و بنویسد بر پیشانی او این کلمات را که یا من حمل الفیل من بیتک الحرام
اسکن دم فلان بن فلان یعنی نام کسی که از بینی او خون می آید و نام

و نام پدر او

و نام پدر او را بگوید و بنویسد یا آب خنک بریزد بر سر و پیشانی او بدرستی
که تسکین می یابد باذن خدای تعالی   از برای درد دندان
که روایت کرده است سکونی که گفت ابو عبد الله علیه السلام که امیر المؤمنین علی علیه السلام
گفت آنکس که درد دندان داشته باشد باید که بگیرد اندک خاکی را از موضع
سجود خود و بمالد آن خاک را بر آن موضع که درد میکند و بگوید بسم الله والشافی
الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم   از برای درد دندان
که گفت امام جعفر صادق علیه السلام در افسون درد دندان که بگیرد کارد
یا برگ درخت خرما و بمالد او را بر جانب که درد میکند و هفت بار بگوید بسم الله
الرحمن الرحیم بسم الله و بالله و محمد رسول رسول الله ابراهیم خلیل الله
اسکن بالذی سکن له ما فی السموات و الارض و ما فی اللیل و النهار باذنه و هو
علی کل شیء قدیر   که روایت است از ابن عباس که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که آنکس که درد دندان داشته باشد باید که بنهد انگشت خود را بر آن درد دندان
که درد میکند و هفت بار این آیت را بخواند هو الذی انشأکم و جعل لکم
السمع و الابصار و الافئدة قلیلا ما تشکرون   دیگر از برای درد دندان

درد دندان
جبرائیل علیه صلوات

که افسون کرد جبرئیل علیه السلام امام حسین را علیه السلام از درد که دندان
مبارک آنحضرت درد میکرد باین طریق که نهاد چوبی یا آهنی بر دندان آنحضرت
و هفت بار خواند این آیت را که بسم الله الرحمن الرحیم العجب کل العجب دودة
تکون فی الفم تاکل العظم و تنزل الدم انا الراقی والله الشافی والکافی
لا اله الا الله والحمد لله رب العالمین واذ قتلتم نفسا فادارأتم فیها والله مخرج
ما کنتم تکتمون فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحیی الله الموتی و یریکم آیاته لعلکم
تعقلون برای درد دندان که گفت مفضل بن عمر که رفتم نزد ابا
عبد الله علیه السلام و دندان من درد میکرد پس شکایت کردم
از درد دندان نزد آنحضرت آنحضرت گفت که نزد من بیا نزدیک آنحضرت رفتم
آنحضرت انگشت شهادت خود را نهاد بر آن دندان که درد میکرد و آهسته
چیزی خواند در حال درد دندان تسکین یافت پس گفت که ای مفضل درد
دندان تو تسکین یافت گفتم بلی آنحضرت تبسم کرد گفتم میخواهم که این افسون را
بمن بیاموزی آنحضرت گفت حضرت فاطمه علیها السلام نزدیک رسول خدا
صلی الله علیه و آله آمد و شکایت کرد از درد دندان حضرت رسالت پناهی

للمیه

صلی الله علیه و آله انگشت شهادت دست خود را نهاد بر آن دندان حضرت
فاطمه که درد میکرد و گفت که بسم الله و بالله و اسالک بعزتک و جلالک
و قدرتک علی کل شیء ان مریم لم تلد غیر عیسی روحک و کلمتک ان تکشف
ما تلقی فاطمة بنت خدیجة من الضر کله پس تسکین یافت درد دندان حضرت
فاطمه بمجرد آنکه تسکین یافت درد دندان تو و من زیاده نکنم چیزی برای دعا
از برای درد دندان که گفت عطا که شکایت کردم نزد
امام جعفر صادق علیه السلام از درد دندان حضرت امام گفت که بر آنجا که
درد میکند هفت بار بخوان این دعا را که بسم الله اسکن بقدرة الله الذی
خلقک فانه قادر مقتدر علیک و علی الجبال ان ثبتها و ثبتک فقر فیها الی فیک
امرد و صلی الله علی محمد و آله از برای درد دندان و شکم که آمد مردی نزد
امیر المومنین علی صلوات الله علیه و گفت یا امیر المومنین علی شکم من درد میکند
آنحضرت گفت که آیا زوجه داری اقرار کرد گفت بلی آنحضرت گفت که از مال زن خود
چیزی بطلب که زن بآن خوشحال شود و بآن چیز عسل بخر و روان عسل آب
باران بیامیز و بیاشام بدرستی که خدای تعالی شفا میدهد زیرا که فرموده است

در کتاب خود که ونزلنا من السماء ماء مبارکا یعنی فرو فرستادیم از جانب آسمان
آب مبارک یعنی آب بسیار نفع دهنده و نیز گفته است که یخرج من بطونها
شراب مختلف الوانه فیه شفاء للناس یعنی بیرون می‌آید از شکمهای زنبوران
بطریق لعاب عسل در خلاف یکدیگر در رنگهای آن عسل و در آن عسل شفاست
مردمان را و نیز گفته است فان طبن لکم عن شیء منه نفسا فکلوه هنیئا مریئا یعنی
پس اگر بخشند زنان شما چیزی از کابین شما بطیب نفس و خوش شدن پس بخورید
آن چیزی را که دهند و سازگار و خوشگوار است شما را پس هرگاه جمع شود برکت
و شفا و گوارندگی شفا امید به خدای تعالی است ان شاء الله تعالی امیر المؤمنین گفت الحمد لله
علی فرمود بجای آوردم و شفا یافتم برای درد پهلو که حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله گفت که وقتی که پهلوی شما درد کند سر انگشت که سه بار
دست خود را بمالید بر پهلوی خود و سه بار بگوید اعوذ بعزة الله وقدرته
علی ما اشتکی من شر ما اجد امام جعفر صادق علیه السلام گفت وقتی که پهلوی
تو درد کند بمال دست خود را بر آن پهلو که درد میکند و بگو بسم الله و بالله
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم امسح عنی ما اجد فی خاصرتی و بعد از آن

سه بار دست خود را بر آن پهلو بمال و بگو بسم الله جهت نفخی که در شکم پیدا شود
که گفت یونس بن یعقوب که گفتم با ابی عبد الله علیه السلام که فدایت شوم
در شکم من درد و نفخی پیدا شده و درد میکند آنحضرت گفت که بیکانکی یاد کن
خدای تعالی را گفتم که چگونه یاد کنم گفت بگو یا الله یا ربی یا رحمن یا رب الارباب
یا سید السادات اشفنی و عافنی من کل داء و سقم فانی عبدک و ابن
عبدک اتقلب فی قبضتک برای نفخ شکم و نفخی که در اندرون آدمی
پیدا شود چون شکم تو درد کند و نفخ پیدا کند بگو بسم الله اتخذ ابراهیم
خلیلا و کلم موسی تکلیما و بعث محمدا بالحق نبیا و بعد از آن سه بار بگو یا ریح
اخرجی باذن الله افسون برای علتی که در شکم آدمی پیدا شود از امام
موسی کاظم علیه السلام که گفت بنویسد بر کاغذی سوره فاتحه و قل هو الله احد
و معوذتین و بعد از آن این دعا را بنویسد که اعوذ بوجه الله العظیم و عزة الله
الذی لا ترام و قدرته التی لا یمتنع شیء من شر هذا الوجع و من شر ما فیه و من
شر ما احذر منه برای درد شکم و غیر آن از دردها بنهد دست خود را بر آن
موضع که درد میکند و هفت بار بگو اعوذ بعزة الله و جلاله من شر ما اجد

دوست است خود را بران موضع نهد و سه بار بگوید بسم الله   برای
زهیر شکم   که گفت عثمان بن عیسی که شکایت کرد نزد ابی الحسن علیه السلام
از اسهال که گفت که هر چند سعی میکنم بر طرف نمیشود حضرت امام علیه السلام گفت
که چون فارغ شوی از نماز شب بگو اللهم ما کان لی من خیر فمنک لا حمد لی فیه
فقد حمدتنیه لا عذر لی فیه اللهم انی اعوذ بک ان   حالا حد فیه او اخون ما لا عذر لی فیه
برای درد رحم   که زنی که درد رحم داشته باشد بخواند این دعا را چنانکه
کسی بشنود و بنویسد و با خود نگاه دارد شفا یابد دعا اینست بسم الله و بالله
الذی باذنه قامت السموات والارض فان مریم بنت عمران لم یغرها وجع
الارحام کذلک تشفی فلانة بنت فلان یعنی نام او و نام مادر او را بنویسد و بگوید
من وجع الارحام ومن وجع عرق الارحام اسلم اسلم بسم الله الحی القیوم بسم الله
المستغاث بالله علی ما هو کاین و علی ما قد کان و اشهد ان الله علی کل شیء قدیر
وان الله قد احاط بکل شیء علما کما
بسم الله الرحمن الرحیم محمد رسول الله والذین معه
اشداء علی الکفار رحماء بینهم تریهم رکعا سجدا یبتغون فضلا من الله و رضوانا

سیماهم فی وجوههم من اثر السجود ذلک مثلهم فی التوریة ومثلهم فی الانجیل
کزرع اخرج شطأه فآزره فاستغلظ فاستوی علی سوقه یعجب
الزراع لیغیظ بهم الکفار وعد الله الذین آمنوا وعملوا الصالحات منهم مغفرة واجرا
عظیما احتبسوا اعوست علی سابقة الکلام الاجابة بلطائفکم بعزائم الله الشداد التی
تزهق الارواح والاجساد ولا یبقی روح ولا فؤاد احتبس بسم الله الذی قال
للسموات والارض ائتیا طوعا او کرها قالتا اتینا طائعین وصلی الله علی محمد و آله
الطاهرین   بجهت خنازیر   که گفت امام رضا علیه السلام که از گردن
کنیزان ما خنازیر بیرون آمد شخصی آمد و گفت فقط کنیز ما که بگوید یا رئوف یا
رحیم یا رب یا سیدی بکرمیم پس آن کنیزان کلمات را گفت و شفا یافت
برای بول کردن در خواب بنویسد این را بر ورق و به بند بر انگشت هف هف
هد هد هف هف هاب هاب ا ا ا ا کف کف کف هف هف هف
هف هف مم مسعو لم قل هو الله احد الغالب من حیث ستحکم العدو والیس
شیخ لبنی آدم کالذی سجد لآدم الملائکة باذن الله انه کرعة بنت کرعة
وله فلان بن فلان ده ده ده صدوت صدوت لسوده سور و صفه صفه

ختمت بخاتم سلیمان بن داود لله رب العالمین   دیگر از برای بول
کردن در خواب و ترسیدن در خواب بنویسد این دعا را و با خود دارد
و بخواند تعویذ و دعا را دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم من محمد رسول الله
النبی العربی الامی الهاشمی المدنی الابطحی التهامی صلی الله علیه و آله الی من حضر الدار
من العمار اما بعد فان لنا و لکم فی الحق سعة فان یکن فاجرا مقتحما او داعی
حق مبتلا او من یؤذی الوالدان و یفزع الصبیان و یبکیهم و یبولهم علی الفراش
فلیمضوا الی اصحاب الاصنام و الی عبدة الاوثان و لیخلو عن اصحاب
القرآن و جوار الرحمن و محاذی الشیطان و عن ایامهم القرآن و صلی الله
علی محمد و آله علیهم السلام   از برای ترسیدن در خواب بنویسد و بخواند
این آیتها را که شهد الله انه لا اله الا هو و الملائکة و اولوا العلم قائما بالقسط
لا اله الا هو العزیز الحکیم ان الدین عند الله الاسلام و ما اختلف الذین اوتوا
الکتاب الا من بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم و من یکفر بآیات الله
فان الله سریع الحساب الله لا اله الا هو الحی القیوم تا و هو العلی العظیم قل
ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی و لا تجهر بصلوتک

و لا تخافت بها و ابتغ بین ذلک سبیلا و قل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم
یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا ان ربکم الله الذی
خلق السموات و الارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار
یطلبه حثیثا و الشمس و القمر و النجوم مسخرات بامره الا له الخلق و الامر تبارک الله
رب العالمین لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم
بالمؤمنین رؤف رحیم فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت
و هو رب العرش العظیم قل من یکلؤکم باللیل و النهار من الصباع و الجن و السحرة
و قل لله الواحد القهار الیوم تجزی کل نفس بما کسبت لا ظلم الیوم ان الله
سریع الحساب لمن الملک الیوم لله الواحد القهار   برای دشواری زاییدن
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که چون زنی دشوار زاید
بنویسد این دعا را بر ورقی و به بندد بر ران زن فرزند باسانی متولد
شود و دعا اینست اللهم فارج الهم و کاشف الغم و رحمن الدنیا و الآخرة
و رحیمهما ارحم فلانة بنت فلان یعنی نام آن زن و نام مادر او را بنویسد
رحمة تغنیها بها عن رحمة جمیع خلقک تفرج بها کربتها و تکشف بها غمها و تیسر

ولادتها وقضی بینهم بالحق وهم لا یظلمون وقیل الحمد لله رب العالمین

از برای دشوار زائیدن هر کار دشوار زاید زنی را یا جانوری دشوار

زاید باید که بخوانند بر وی یا خالق النفس من النفس و مخلص النفس من النفس

اخلصه بحولک وقوتک   از برای دشوار زائیدن بنویسد این شکل را

بر دو سفال که آب بآن نرسیده باشد و بنهد آن سفالها را در زیر پای

آن زن بدرستی که در حال فرزند متولد شود شکل اینست

	ط	د
	ه	ا
و	ز	ح

و واقع است که بنویسد این شکل را بر ورقی و به بندد بر ران

راست آن زن شکل اینست

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

و بنویسد این دعا را

و به بندد بر ران چپ زن منها خلقناکم وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم تارة اخری

یا خالق النفس من النفس و مخلص النفس من النفس فرج عنها پس آن

زن فرزند بی عیب و تمام اعضا بزاید ان شاء الله تعالی   از برای

دشوار زائیدن بنویسد بر پشت کیل این صورت او بر بالای کیل نشیند زن

که دشوار زاید بدرستی که چون چنین کند فرزند باسانی و زود متولد شود ان شاء الله

تعالی و قاعده نوشتن این صورت اینست که در سطر اول لفظ اثنین بنویسد

الصداع

و بعد از آن ثلثه را بنویسد و بعد از آن اربعه را در سطر دوم اول

ثلثه بنویسد و بعد از آن اثنین را بنویسد و از آن اربعه را تا غایت

بدینصورت اینست

اربعه	ثلثه	اثنین
اربعه	اثنین	ثلثه

برای رشته

باید که بکشد اندکی ابریشم از رشته انگشت بکارد یا مقراض ببرد و از آن ابریشم ریسمانی

بتابد و هفت گره بزند بر آن ریسمان و بر هر گرهی سه بار سوره فاتحه بخواند

بعد از آن سه بار این دعا را بخواند بر وی که بسم الله الاول الابد المحلی العدد

القریب لما بعد القاهر علی الوالد الغانی ان یولد المحی طیبا و عاد العزیز یا عاد

القوی بلا عدد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد یا خالق الخلیقه یا عالم السر والخفیه

یا من السموات بقدرته مرفوعة یا من الارض بعزته مدحوة یا من الجبال بارادته مرساة

یا منجی یونس صاحب الغرق من کل آفة و بلیة صلی الله علی محمد خیر خلقک و عافه

علم فلان بن فلانه یعنی نام کسی که رشته دارد و نام مادر او بگوید فشفاک وددو

بدوایک و عافه من بلائک انک قادر انک علی ما تشاء و انت ارحم الراحمین

و صلی الله علی محمد النبی و آله   برای درد چشم   از بعضی ائمه منقول است

واهل بیت طیبین و طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که بگیرد کاردی

مجرب

وبمالد بران موضع که ورم دیدا جهت درد و بگوید بسم الله ارقیک من الحد والحذر
ومن اثر العود ومن الحجر الملبود ومن العرق والعاثر ومن الورم الآخر ومن الطعام
وحره ومن الشراب وبرده بسم الله فتحت وبسم الله ختمت و بعد از آن فرو
برد آن کارد را در زمین   برای ثولول و آنرا زخ گویند   از امام رضا
علیه السلام که نظر کن باول ستاره که در وقت شام نمایان شود و بردار اندکی
خاکی و بمال بر ثولول و بگو بسم الله و بالله رایتنی ولم ارک یسود نظرک الله
یخفی اثرک ارنی تالیلی معک و باید که نیز نظر کند در آن ستاره   برای
کلف تیره که و سیاهی هست که در روی آدمی پیدا میشود خطی دور کلف
بکشد و در میان آن خط بنویسد این کلمات را که یوتا یوتا یرتاتا ادعی اصواتا
ودی تمر من السحاب صنع الله الذی اتقن کل شیء انه خبیر بما تفعلون   از
برای کلف بنویسد در صباح بر موضعی که کلف دارد وقتی که ناهار باشد ابخص
این کلمات را اکجر لقد مرلقد حتی تحت الطریقه   از برای کلف در صباح ناهار
بنویسد این کلمات را بر موضعی که کلف دارد قهر یه قهر ایه کسر من کروسن
سالا رخسک بالحق الملک القدوس   برای آبله طفلان این صورت را

بنویسد و به بندد بر بازوی کسی که آبله دارد و جهت کسی که آبله بیرون نمی آید و اگر
بیرون آمده باشد زیاده از آن بیرون نیاید   از برای آبله بنویسد این شکل
خیار و در خیار و به بر کسی که آبله دارد و شکل این است

۱۳	۲۳	۱۹	۴
۸	۱۱	۵	۵
۱۲	۷	۶	۲
۱	۱۳	۹	۳

برای عقرب   از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت هر کس بعد از وقت شام
این دعا را بخواند عقرب و مار او را نگزد بسم الله و بالله و صلی الله علی محمد و آله
اخذت العقارب والحیات کلها باذن الله تبارک و تعالی بافواهها
واذنابها وسماعها وابصارها واقواتها عنی وعمن احببت الی مخرة النهار
دیگر از برای عقرب و مار   از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که
هر کسی بخواند این دعا را مار و عقرب او را نگزد بسم الله و بالله و توکلت
علی الله ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره اللهم اجعلنی فی کنفک
وفی جوارک واجعلنی من حفظک واجعلنی فی امنک   دیگر برای مار و عقرب
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که آمدند جماعتی نزد حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله شکایت کردند از عقرب آنحضرت گفت که هفت بار در وقت
صباح و هفت بار در وقت شام بخوانید این دعا را اعوذ بکلمات الله التامات

کلمات التی لا یجاوزهن برّ ولا فاجر الذی لا یخفر جاره من شر ما ذرأ ومن شر
ما برأ ومن شر الشیطان وشرکه ومن شر کل دابة هو آخذ بناصیتها ان ربی
علی صراط مستقیم وگفت ابوجعفر علیه السلام که هرکه این دعا را در وقت شام
بگوید او را عقرب و هیچ گزنده تا صباح   حضرت سلیمان علیه السلام
برای گرفتن مار بسم الله الرحمن الرحیم خاتم سلیمان بن داود اخ اخ دعا که
ملائکه موسوما ره ادا و داقوی قرار هرم هیا بسم الله خاتم و با الله نخلقم
چون این افسون را سه بار بر مار بخوانند مار بایستد و دهان خود را باز کند
پس اگر خواهید گرفت او را در این وقت و هرگاه خواهی که مار بخانه نیاید بر منزل تو
بنویس این افسون را که بسم الله الرحمن الرحیم حجه حجه هور خاد هور بر چهار رقعه
و دفن کن آن رقعها را بر چهار کنج منزل خود   برای عقرب
که گفت اسحق بن عمار بابی عبدالله علیه السلام که من از عقرب می ترسیم
آنحضرت گفت که نظر کن بنات النعش و آن سه ستاره است و در پهلوی
ستاره میان ستاره خورد است که عرب او را سها میگویند و ما
اهل بیت اسم او را اسلم میگوییم پس هر شب در آن ستاره نیز نظر کن

و سه بار بگو اللهم رب اسلم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم و سلمنا اسحق بن عمار گفت که
ترک نکردم خواندن این دعا را در مدت عمر خود مگر یک شب و در آن شب عقرب مرا گزید
دیگر برای عقرب بنویسند این افسون را صباح روز پنجم اسفندارمذ ماه جلالی
که آخر زمستان میشود و اول نوروز سلطانیست و اسفندارمذ ماه قدیم در کل نصیب
که آفتاب در میزان باشد ماه در حالی که با وضو باشد و سخن نکنند تا آنکه
فارغ شود از نوشتن و آن نگاه دارد و آن نوشته را با خود دارد که چون
این کار کند عقرب نگزد او را و افسون این است بسم الله تحجه تحجه بر بنه طحه طحه
قطعا قطعا و این افسون را برای مار نیز روایت کرده اند   از حضرت
معصوم صلی الله علیه و آله که گفت که اگر کسی بنویسد این افسون را و بنهد در شکاف
دیوار خانه آن دیوار دو پاره شود و بشکند و گفت ابراهیم بن یحیی که گزید مرا
مار عاری پس افسون کرد مرا اسود بن یزید با این افسون و من خلاص شدم
کیک   که کاتبی آمدند بخدمت حضرت معصوم و شکایت
کردند از کیک آنحضرت فرمود که جا که بدو در فراش و جنبت خواب بگوید
ایها الاسود الوثاب الذی لا یبالی غلقا ولا بابا عزمت علیک بام الکتاب

افسون دیگر

ان لا تودینی ولا تحابی للذان تنقضی الیل و یجیء الصبح بما جاء به والذی تعرفه
الی ان یؤب الصبح بما آب   برای بنده گریخته باشد   از
امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که چون بنده گریخته باشد بنویسد این
دعا را بر ورقی که بسم الله الرحمن الرحیم فلان یعنی نام آن بنده را
مغلولة الی عنقه اذا اخرج یده لم یکد یریها ومن لم یجعل الله له نورا فما له من نور
و بعد از آن درهم پیچ آن ورق را و بنه در میان دو چوب و بعد از آن
چند از آن نوشته را در طاق خانه تاریکی آن بنده را تا آن جا می بود
برای علتی که در بیمار پیدا شود که پاره پشمی که آب باو رسیده باشد
و آفتاب او را نرسیده و بعد از آن هر گره که میزنی یکی از چهار قل
بخوان و هم بر پس از آن بنگ و الله عز و جل شفا دهد ببندد آن ریسمان را
بر کسی که علت دارد   برای سحر   از محمد بن عیسی که گفت که پرسیدم
از امام رضا علیه السلام که آیا سحر می باشد و ضرری دارد آنحضرت گفت بلی
می باشد و ساحران ضرر می رسانند باذن خدای تعالی پس هر کسی که سحر کنند او را
بر دارد دست خود را برابر روی خود و بخوان بر دست این کلمات الخ

برابر روی

اوخ بیده

رب العرش العظیم لا ذهبت   دردی که بر سر یکی از امام رضا
علیه السلام که آیا چشم زخم می باشد آنحضرت گفت بلی می باشد پس هر گاه
برسد بتو چشم زخمی بر دار دست خود را برابر روی خود و بخوان فاتحه و
قل هو الله و معوذتین بخوان و بمال هر دو دست خود را بر پیشانی خود بدرستی که
نفع میدهد باذن خدای تعالی   که نفعی برسید از ابی عبد الله علیه السلام
که اثر و خاصیتی هست معوذتین را حضرت امام علیه السلام گفت که لبید بن
اعصم الیهودی سحر کرد رسول خدا صلی الله علیه وآله پس آمد جبرئیل علیه السلام
بخدمت آنحضرت و این دو سوره را آورد پس آنحضرت ریسمانی که لبید در او
گره زده بود و طلبید امیر المؤمنین علی را علیه السلام و داد بامیر المؤمنین علی
آن ریسمان را و گفت برو در یا فروان و این دو سوره را بخوان و بعد از هر آیتی
بگشا گرهی از این ریسمان پس امیر المؤمنین علیه السلام رفت و این کار کرد
و بیرون آورد از چاه آنچیزی را که سحر کرده بود لبید پس سحر او باطل شد
از ابن عباس که گفت لبید بن اعصم الیهودی سحر کرد رسول خدا
صلی الله علیه وآله و نهان کرد سحر را در چاه ذروان پس بیمار شد حضرت پیغمبر

صلی الله علیه و آله پس آنحضرت در خواب بود که دو فرشته آمدند یکی
بر بالای سر آنحضرت نشست و دیگری پایین پاهای آنحضرت خبر دادند که
لبید سحر کرده است و در چاه ذروان در پوست شکوفه است و در زیر سنگی
کرده در چاه است پس آنحضرت بیدار شد و فرستاد امیر المؤمنین را علیه السلام
و زبیر و عمار را پس رفتند و کشیدند آب آن چاه را و آن سنگ را برداشتند
و بیرون آوردند آن پوست شکوفه را پس در آن موی سر آنحضرت بود و دندانه
از شانه آنحضرت نیز بود و آن موی یازده گره زده بودند و در آن گرهها سوزن زده
بودند پس آنها را برداشتند و بخدمت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله
آوردند پس جبرئیل فرود آمد و معوذتین آورد و خواند این دو سوره را
و هر آیتی که میخواند از این دو سوره گرهی از آن گرهها گشوده میشد چون
گرهها تمام گشوده شد رسول خدا صلی الله علیه و آله در ساعت و سبکی دید
برخاست و جبرئیل این کلمات را بسم الله ارقیک من کل شیء یؤذیک من
حاسد و عین والله یشفیک   برای سحر نیز بنویسد این آیت بر ورقی
و ببندد بر آنکه سحر کرده اند او را و قال ما جئتم به السحر ان الله سیبطله

ان الله لا یصلح عمل المفسدین فوقع الحق و بطل ما کانوا یعملون فغلبوا هنا
لک و انقلبوا صاغرین   دیگر حرز از برای سحر هفت بار بخوانند که سنشد
عضدک باخیک و نجعل لکما سلطانا فلا یصلون الیکما بآیاتنا انتما و من اتبعکما
الغالبون   از امام جعفر صادق علیه السلام که زنی گفت بحضرت
پیغمبر که من شوهری دارم و دوست نمیدارد مرا و من سحری کردم که دوست دارد
مرا حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت وای بر تو کاری کردی که لعنت میکنند
ترا فرشته های زمین و آسمان آن زن چون آن سخن شنید روز روزه میداشت
و در شب بعبادت مشغولی میکرد و سر خود را تراشید و پلاس پوشید بجهت علاج گناهی که
کرده بود پس خبر رسید برسول خدا صلی الله علیه و آله که این زن این کار کرد
آنحضرت گفت که اینها قبول نیست کسی گفت یا رسول الله چرا قبول نیست
آنحضرت گفت که بجهت آنکه شرک و سحر نزدیک بهم وضع اند تا شوهر که از او راضی گردد
پس شوهر را ابنا مرزد   برای چشم زخم روایت کرده است زراره
که گفت امام جعفر صادق علیه السلام گر کسی را چشم زخم رسیده باشد می باید
دمید در جانب راست یعنی چهار بار و در سوراخ چپ یعنی سه بار

کو بسم اللّه اذهب البأس رب الناس واشف انت الشافی لا یکشف البأس
الا انت از امام جعفر صادق علیه السلام که اگر چیزی سبقت میگرفت
بر چیزی که مقدر شده است چشم زخم می بود دیگر برای چشم زخم بخوان
سوره فاتحه را و بنویسد این دعا را که بسم اللّه اعیذ فلان بن فلان یعنی بنویسد
نام آنکس و نام مادر او را بکلمات اللّه التامات من شر ما خلق وذرأ
وبرأ ومن کل عین ناظرة واذن سامعة ولسان ناطق ان ربی علی صراط مستقیم
ومن شر الشیطان وعمل الشیطان وخیله ورجله وقال یا بنی لا تدخلوا من باب
واحد وادخلوا من ابواب متفرقة که گفت معمر بن خلاد که در خراسان
در خدمت امام رضا می بودم پس آنحضرت فرمود مرا که از برای او بوی خوشی
بیارم چون از برای آنحضرت آوردم در عجب آورد او را آن بوی خوش و متوجه
آن شد و گفت بمن که ای معمر چشم زخم می باشد بنویس در رقعه سوره فاتحه
وقل هو اللّه و معوذتین و آیة الکرسی و بند در غلاف شیشه بوی خوش
از ابی عبد اللّه علیه السلام که گفت که چشم زخم می باشد و ایمن مباش از چشم خود
بر خود و بر دیگران پس هرگاه تری از چشم کردن خود را یا دیگری را سه بار

بگو ما شاء اللّه

بگو ما شاء اللّه لا قوة الا باللّه العظیم ابو عبد اللّه علیه السلام که وقتی که
مهیا شوید از برای بیرون رفتن از منزل بر وجهی که در عجب آورد شما را باید که در
وقت بیرون رفتن معوذتین بخوانید بدرستی که ضرر نمیرسد شما را از چشم زخم
باذن خدای تعالی ابو عبد اللّه علیه السلام که آنکسی که در عجب آورد او را
چیزی از برادر مومن که دعای بخیر و برکت کند برای او بدرستی که چشم زخم می باشد
برای چشم زخم آنکسی که بنویسد این دعا را و با خود نگاه دارد چشم کار نکند
با و دعا اینست اللهم رب مستطر یابس و بحر یابس و لیل یابس و رطب یابس
رد العین عین العیان علیه و کبده و نحره و ماله فارجع البصر هل تری
من فطور ثم ارجع البصر کرتین ینقلب الیک البصر خاسئا و هو حسیر در بیان حرزها
از امیر المومنین علی علیه السلام که آنکسی که این حرز را بنویسد و با خود نگاه دارد
ایمن شود از بحرها و ماننده و از صرع و زهر و شر شیطان و شر سلطان الجائر
آدمی از دمی ترسد و از شر دزد و درنده و مار و عقرب و جمیع چیزها که
ایذا میرسانند بآدمی و در کتاب مهج الدعوات مذکور است که این حرز را
بیازوی راست میباید بست و حرز اینست بسم اللّه الرحمن الرحیم ای کوکب

ای کبوس ارسبس عطسطیج یا مصطرون فریالسون یاویا ساماریا طیالوس
عنطوس سعص سیاصعوس ید قطعوس للطغوس ۱۱۱ وماکنت بجانب الغربی
اذ قضینا الی موسی الامر وما کنت من الشاهدین اخرج لقوة الله منها
ایها اللعین بعزة رب العالمین اخرج وما کنت من المسجونین اخرج منها
فما یکون لک ان تتکبر فیها فاخرج انک من الصاغرین اخرج منها مذؤما
مدحورا ملعونا کما لعنا اصحاب السبت وکان امر الله مفعولا اخرج یاد الجزران
اخرج یا سورد یا سورا سوریا لا بسم المخزون یا طاردون طرعون هراعون
تبارک الله احسن الخالقین یا بیا یا بیا شرا بیا حنیا قیوما یا الاسم المکنون
علی جهة ابرائیل طرد و رعن صاحب هذا الکتاب کل جنی وجنیة وشیطان وشیطانة
وتابع وتابعة وساحر وساحرة وغول وغولة وکل متعبث یا بن ادم ولا
حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی سیدنا محمد واله اجمعین الطیبین
الطاهرین [illegible]
[illegible]
[illegible] در کتاب مهج الدعوات مذکور است

امام زین العابدین هر صباح و هر شام میخوانده این حرز بسم الله الرحمن الرحیم
بالله بسم الله [illegible] الجن والانس والشیاطین والسلاطین بسم الله وحرم [illegible]
بالله العزیز الاعز وبالله الکبیر الاکبر بسم الله الظاهر الباطن المکنون المخزون الذی
اقام به السموات والارض ثم استوی علی العرش بسم الله الرحمن الرحیم ووقع القول
علیهم بما ظلموا فهم لا ینطقون قال اخسؤا فیها ولا تکلمون وعنت الوجوه للحی القیوم
وقد خاب من حمل ظلما وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا وجعلنا علی
قلوبهم اکنة ان یفقهوه وفی اذانهم وقرا واذا ذکرت ربک فی القران وحده
ولوا علی ادبارهم نفورا واذا قرات القران جعلنا بینک وبین الذین لا یؤمنون
بالاخرة حجابا مستورا وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم
فهم لا یبصرون الیوم نختم علی افواههم وتکلمنا ایدیهم وتشهد ارجلهم بما کانوا یکسبون
لو انفقت ما فی الارض جمیعا ما الفت بین قلوبهم ولکن الله الف بینهم انه عزیز حکیم
وصلی الله علی محمد واله الطاهرین   از امام رضا علیه السلام که گفت که رقعة
الجیب تعویذیست برای همه چیز و آنکه این حرز را بنویسد و نگاه دارد در گریبان
جامه خود جمیع بلاها از او دفع شود و ایمن باشد از شر شیطان   بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

اعوذ بالرحمن الرحيم منك ان كنت تقيا قال اخسئوا فيها ولا تكلمون اخذت
بسمعك وبصرك بسمع الله وبصره واخذت بسلطانك بقوة الله وسلطانه الحاجز
بيني وبينك بالحجز الذي احتجز به انبياءه ورسله وبسترهم من فراعنة وسطواتهم جبرئيل
يميني وميكائيل يساري ومحمد امامي والله مطلع عليّ يحجزك عني ويحول بينك وبيني
بحوله وقوته حسبي الله ونعم الوكيل ما شاء الله كان وما لم يشأ لم يكن واعوذ بالله الكريم
من [illegible] ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم   دیگر از امیر المؤمنین علی
علیه السلام بسم الله وبالله رب اعتززت بك وتوكلت عليك وفوضت
امري اليك رب الحادث ضعف ركني الى قوة ركنك مستجيرا بك مستغفرا لك مستعينا
مستجيرا بك على ذوي التعزز علي والقهر لي والقوة على ضيمي والاقدام على
ظلمي يا رب اني في جوارك فانه لا يضام جارك رب فاقهر عني قاهري
بقوتك واوهن عني مستوهني بقوتك اقصم عني قاصمي بطشك
رب واعذني بعياذك بك امتنع عائذك رب وادخل على ذلك كله شركه(?)
ومن يتبرك [illegible] من المحفوظ لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم الذي
لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا

من كيده وحيلته في نفسه وحوله في تقلبه او قوة الى امره حتى تستوي الله عز وجل
فان حولي وقوتي وكل حيلتي بالله الواحد الاحد الصمد الذي لم يلد ولم
يولد ولم يكن له كفوا احد كل ذي ملك مملوك الله وكل مقتدر فقوة القدرة لله
وكل ظالم فلا محيص له من عدل الله كل مسلط فتاه بسطوة الله كل شيء في قبضة الله
خضع كل جبار في عظمة الله ذل كل عنيد لبطش الله استظهرت على كل عدو
وراث في حجر كل عات بالله ضربت باذن الله ضربت بيني وبين كل مترف
ذي سطوة وجبار ذي نخوة ومتسلط ذي قدرة وعات في مهلة ووال في
امرة وحاسد ذي نعمة وماكر ذي مكيدة وكل معان او معين على نقاية ذي
او حيلة موذية او سعاية مشية او غائلة مردية ولكل طاغ ذي كبرياء او معجب
ذي خيلاء على كل نفس حي كل واعددت للقوى وزيني منهم حجابا بآيات
كتابك منزل وحيك الذي لا يؤتى بسورة من مثله وهو الكتاب العلي العزيز
الجليل الذي لا يأتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه تنزيل من حكيم حميد ختم الله
على قلوبهم وعلى سمعهم وعلى ابصارهم غشاوة ولهم عذاب عظيم وصلى الله
على محمد وآله وسلم تسليما كثيرا   دیگر این حرز را بجهت [illegible]

وباخود نگاه دارد کسی که برتب میکند بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله النور بسم الله نور النور
نور علی نور بسم الله هو مدبر الامور بسم الله الذی خلق النور من النور الحمد
لله الذی خلق النور من النور وانزل النور علی الطور فی کتاب مسطور بقدر مقدور
علی نبی محبور الحمد لله الذی هو بالعز مذکور وبالفخر مشهور وعلی السراء والضراء
مشکور وصلی الله علی محمد وآله الطیبین این حرزیست که تعلیم کرده است
حضرت فاطمه علیها السلام بسلمان فارسی رحمه الله وگفت سلمان که آموختم
این حرز را بزیاده از هزار کس از اهل مکه و مدینه باذن خدای تعالی وچون
این کتاب محل ذکر حرزهای طویل نبود اختصار کردیم باین حرزهای مختصر

باب نوزدهم در بیان چیزهای نادر که درین کتابست و درین باب هشت
فصل است فصل اول در ذکر حقوقی که امام زین العابدین بیان فرموده است
روایت کرد اسماعیل بن فضل از ثابت بن دینار و او روایت کرده است
از سید عابدین علی بن الحسین علیهم السلام که گفت که حق خدای تعالی
بر تو آنست که بپرستی او را و او را شریک نگردانی با او چیزی را [illegible] وقتی که
این کار با خلاص کنی کفایت میکند دنیا و آخرت ترا و حق نفس تو آنست

که مشغول گردانی او را بطاعت خدای تعالی و حق زبان بر تو آنست که نگاه
داری او را از فحش گفتن و عادت دهی او را بگفتن سخنان خیر و ترک
کردن سخنان بیفایده و نیکوئی کردن بمردمان خوش گفتن با ایشان
گوش نگاه داری او را از شنیدن او   چشم آنست که نظر نکنی بر چیزی که
حرام بر تو دیدن او و بنظر عبرت نگاه کنی در چیزها   دست آنست که چیزی
که حلال نباشد برنگیری   پا آنست که نروی بسوی آنچه حلال نباشد
تا از صراط آسان بگذری و نلغزد پایت و در دوزخ نیفتی   شکم آنست
که حرام نخوری و از حلال زیاده از آنکه سیر شوی نخوری   فرج آنست که نگاه
داری او را از زنا و آنکه نظر نامحرم برو نیفتد   نماز آنست که بدانی
که در وقت نماز کردن نزد خدای تعالی ایستاده پس وقتی که دانستی این را که
که می ایستی در نماز بجو ایستادن کسی که خوار و حقیر و ترسنده و امیدوار باشد
و فروتنی و تضرع نماید و بزرگ دارد آنکسی را که پیش او ایستاده اند بسکون
و وقار و توجه میکنی بنماز بدل خود و ادا میکنی نماز را بشرایط و حقوق او
و حج آنست که بدانی که میروی نزد پروردگار خود و میگریزی بسوی او

و پناه مجوئی باو از گناه خود و بدانی که در حج قبول میشود توبهٔ تو و عمل میکنی که خدای
تعالی بر تو واجب کرده است . حق روزه آنست که بدانی که در روزه نگاه
می باید داشت زبان و چشم و گوش و فرج و شکم خود را از نامشروعات تا آنکه روزه
نگاه دارد ترا از آتش دوزخ پس اگر روزه نداری چنانکه حق تعالی خواسته ترا بدوزخ می برد
حق صدقه آنست که بدانی که صدقه ذخیرهٔ تو است نزد پروردگار تو و امانت
است نزد پروردگار تو که احتیاج بگواه نیست و بدانی که صدقه را پنهان دادن
ثواب بیشتر است از آشکارا دادن و بدانی که بصدقه دفع میشود بلاها و بیماریها
از تو در دنیا و دفع میشود از تو آتش دوزخ در آخرت   حق هدی آنست
که از برای خدا هدی و غرض تو آنست که باشد که رحمت خدا ببری و نجات
یابی در روزی که ملاقات میکنی پروردگار خود یعنی در روز قیامت
حق سلطان آنست که بدانی که تو عاجزی در دست او و او بر سیاست
که خواهد بتو میرساند پس واجب است بر تو که کاری نکنی که خشم گیرد سلطان بر تو
و خود را در هلاکت بیندازی و شریک باشی در بدی که از سلطان بتو
میرسد   حق معلم بر تو آنست که تعظیم کنی او را و با ادب باشی در مجلس

او و متوجه باشی باو و نیکو گوش کنی بسخنان او و نزد او آواز بلند نکنی
و اگر کسی چیزی از او سوال کند تو جواب نگوئی تا او جواب بگوید و در مجلس او
آهسته سخن گوئی و کسی را نزد او غیبت نکنی و وقتی که بدی او را نزد تو گفتند
منع کنی و بپوشی عیبهای او را و ظاهر کنی نیکوئی او را و ننشینی با دشمن
او و دشمنی نکنی با دوست او پس وقتی که چنین کنی گواهی میدهند فرشتها
که قصد تو از طلب علم رضای خدا است و نه رضای مردمان و حق آنکس که
سیاست میکند ترا بجهت ملک آنست که فرمان برداری او کنی و نافرمانی
او نکنی مگر در چیزی که خشم خدای تعالی گیرد بسبب آن بدرستی جایز نیست
و فرمان برداری مخلوق بر چیزی که خشم گیرد خدای تعالی بسبب آن
بدرستی که جایز نیست فرمان برداری مخلوق در چیزی که موجب نافرمانی
نافرمانی خالق شود حق رعیت بر سلطان آنست که بداند که ایشان
رعیت تو اند بجهت ضعف ایشان و قوت تو پس واجب است
که عدالت کنی با ایشان و نسبت بایشان مثل پدر مهربان باشی و شتاب
نکنی در عقوبت ایشان و شکر خدای تعالی بگوئی که ترا حاکم کرده است بر

ایشان حق آنهای که تعلیم علم از تو میگیرند از تو آنست که بدانی که خدای تعالی
گردانیده است ترا معلم ایشان در آنچه داده است این علم را بتو از خزاین خود
پس اگر نیکو تعلیم کنی مردمان را و خرق نکنی و درشتی نکنی با ایشان وقت
تعلیم زیاده گرداند خدای تعالی علم و دانائی ترا از فضل و کرم خود و اگر منع کنی
مردمان را از علم خود و درشتی کنی با ایشان در وقت تعلیم واجبست بر خدا
که ببرد علم و رونق او را از تو و بی اعتبار و خوار گرداند در نظر مردمان و حق
زوجه آنست بر تو که بدانی که خدای تعالی گردانیده است او را مونس و مصاحب
تو و بدانی که این نعمتی است که خدای تعالی بتو داده است پس باید که عزیز
و گرامی داری او را و مصاحبت کنی با او و اگرچه حق تو بر او بیشتر است
و اگر از روی نادانی کاری کند عفو کنی از و حق بنده بر تو آنست که بدانی که
آفریده است او را پروردگار تو و بنده و فرزند آدم است و بدانی که مالک
بودن تو او را بجهت آن نیست که او را آفریده ای بلکه خدای تعالی
او را آفریده و هیچ عضوی از اعضای او را تو ندادهٔ و روزی میدهی باو
ولیکن حضرت حق سبحانه و تعالی آفریده است او را و روزی میدهد او را

مسخر و بنده تو کرده و امین گردانیده است ترا بر او امانت گذاشته
ترا نزد او تا نیکوئی کند بتو پس نیکوئی با او همچنانکه خدای تعالی نیکو کرده است
بتو و اگر نخواهی او را بفروش و دیگر بخر و عذاب مکن او را بجهت آنکه بنده
خداست حق مادر بر تو آنست که بدانی که نگاه داشته است ترا در شکم خود بر
وجهی که نگاه کسی نمیدارد بان وجه کسی او را و داده است ترا از میوه دل خود چیزی
که کسی بکسی نمیدهد یعنی شیر داده است و نگاه داشته است ترا بتمام
اعضای خود و باکی نداشت اگر گرسنگی و تشنگی و سایه میکرد ترا و خواب
نمیکرد و نگاه میداشت ترا از گرما و سرما تا مونس و غمخوار باشی بدرستی
که نمیتوانی شکر او بجای آوردن مگر بتوفیق و یاری تعالی حق پدر بر تو آنست
که بدانی که او اصل تو است و اگر او نمی بود تو نمی بودی و هر چه در خود ببینی
پس هرگاه ببینی در نفس خود چیزی خوبی که خوش آید ترا بدانکه اصل و سبب
آن نعمت پدر است پس حمد و شکر بگوی مر خدای تعالی را بقدر آن نعمت
بر تو آنست که او از اصل تو حاصل شده است و خیر و شری که در دنیا از و
بوجود آید بتو نسبت میکنند و از تو سوال میکنند از حسن ادب و خدا

محمد بنده

شناختی او دنیاوی او بر طاعت و عبادت پس حق او کاری چنین نکو کار است

که تو ثواب می‌یابی بسبب احسان و نیکوی کردن و عذاب می‌یابی بسبب بدی

کردن و حق برادر بر تو آنست که بدانی که دست تو است و عزت و قوت با او

پس مکن او را آلت معصیت خدای تعالی و ظلم بر خلق خدای تعالی

بکند او را و مده نصیحت و یاری و نصیحت کن او را پس اگر اطاعت و فرمان برداری

خدای تعالی بکند زهی سعادت او را و اگر نکند خدای تعالی اکرام کند مرا محبت

که کردی   مولای که ترا آزاد کرده است بر تو آنست که بدانی که صرف

کرده است مال خود را بر تو و بیرون آورده است ترا از خواری و اندوه بندگی

بندگی و رسانیده است ترا بعزت و خرمی آزادی پس آزاد کرده بنده است

ترا از بندگی و خلاص ترا از زندان عبودیت و ترا مالک نفس تو کرده بنده است

و فارغ ساخته است ترا تا عبادت پروردگار خود کنی و بدانکه او نیز او را از زمان

خلق است در حال حیوة و ممات تو و واجب است بر تو که یاری کنی او را

بنفس خود و با آنچه محتاج است بتو حق مولا که او را آزاد کرده آنست

که بدانی که حق سبحانه و تعالی گردانیده است آزاد کردن او را وسیله

قرب بخود

قرب بخود و پناه تو از آتش دوزخ و نزدیکی در دنیا میراث بر دولت

از وی وقتی که نباشد او را خویشی و این عوض نفقه ایست که داده است

با او از مال خود و مزد تو در آخرت بهشت است حق کسی که نیکوی کرده باشد

بتو آنست که شکر او بگوی و ذکر کنی نیکوی او را و سعی کنی که مردمان نیکوی

او بگویند و از روی اخلاص برای او دعا کنی پس وقتی که چنین کنی شکر او

بجای آورده پنهان و آشکارا و اگر روزی قدرت یابی و توانائی که عوض

کنی نیکوی او را بکنی و حق مؤذن بر تو آنست که او یاد تو میدهد پروردگار

ترا و میخواند ترا و یاری میکند برادا کردن آنچه واجب کرده است

خدای تعالی بر تو پس شکر گوی مؤذن را از جهت آنکه چنان شکر نیکوی کسی که نیکو

کرده است بتو حق پیش نماز بر تو آنست که او سعی میکند در اصلاح میان

تو و خدای تعالی و او قرآن راست میکند از قبل تو و تو قرائت میکنی با او و او

دعا میکند بر تو و تو از برای او دعا میکنی و در روز قیامت صحت و فساد نماز

نمازی که با او گزارده و ادا کرده از وی می‌پرسند نه از تو پس اگر نقصانی

شود او معاقب خواهد بود نه تو و اگر آن نماز صحیح باشد تو شریک او خواهی

چنین

و ثواب آن نماز او را باشد و از ثواب تو ثواب خواهند داد بجهت این نماز نفس ترا
بنفس خود و نماز ترا بنماز خود پس شکر نیکوی او را بقدر این و حق همنشین
بر تو آنست که ملاطفت کنی با او و رعایت انصاف کنی در سخن کردن
با او و بر نخیزی از مجلس مگر باذن او و همنشین میتواند که چیزی بر خیزد و فراموش
کنی بدیهای او را و بخاطر نگاه داری وقتی که غایب باشد و اکرام و تعظیم
کنی او را وقتی که حاضر باشد یاری کنی او را وقتی که کسی او را ظلم کند و پیروی
عیب او نکنی پس اگر مطلع شوی بر عیب وی بپوشانی آنرا
و اگر بدانی که نصیحت قبول میکند در خلوت نصیحت کنی او را و در گذاری او را
در سخن و عفو کنی گناه او را و معاش نیک کنی با او و حقوق مصاحبت بر تو
که مصاحبت کنی با او به نیکوی و انصاف و اکرام کنی او را و آنچنانکه او اکرام
میکند ترا و نگذاری که پیشتر او اکرام و تعظیم کند ترا و اگر پیشتر تعظیم و اکرام
کند ترا عوض آنرا او را و از گناه کردن مهربان باشی با او و غضب نکنی او را
حق شریک تو آنست که اگر غایب باشد کفایت کنی مهمات او را و اگر حاضر
باشد رعایت جانب او کنی و حکم نکنی بحکم او و کاری نکنی برای خود

بی مشاورت او

بی مشاورت او و حفظ کنی مال او را و خیانت نکنی او را در جمیع امور او خواه
اندک و خواه بسیار بدرستی که برکت او را و برکت خدای تعالی بر شریکانست
مادام که خیانت در شرکت نکنند و حق مال بر تو آنست که او را حاصل
نکنی مگر از وجه حلال و صرف نکنی او را مگر بوجه حلال و مال خود را ندهی کسی
که ترا سپاس نمیکند و در راه خدای تعالی صرف میکنی و بخیلی نکنی که آخر
پشیمان خواهی شد حق آنکس که چیزی دارد بر ذمه تو آنست که اگر توانگر
باشی بدهی حق او را و اگر درویش باشی و چیزی نداشته باشی او را راضی
کنی او را بسخن خوش تا تلافی کنی و نیکوی کنی و حق آنکس که اختلاط دارد با تو
آنست که فریب ندهی او را و ناراستی نکنی و از خدا بترسی در کار او و حق آنکس که
دعوی کند بر تو آنست که اگر دعوی او حق باشد تو گواه او باشی بر نفس خود
و بر حق او ظلم نکنی و برد و تمام بدهی حق او را و اگر دعوی باطل باشد ملایمت
کنی با او و کاری نکنی که موجب خشم بود و زود شود بر تو و حق آنکس که دعوی
میکنی بر او آنست که اگر حق بجانب تو باشد طول ندهی آن دعوی را
و در هیچ و انکار حق او نکنی و اگر دعوی تو باطل باشد بترسی از خدا

تعالی و توبه کنی از دعوی را حق آنکسی که با تو مشورت میکند آنست
که اگر حق بجانب تو باشد اگر بدانی رای نیکو بگوی با او و اگر ندانی
راه نمای او را بکسی که رای نیکو داشته باشد حق آنکسی که با او مشورت میکنی
بر تو آنست که اگر او چیزی بگوید که موافق رای تو نباشد هم تهمت نسازی او را
و اگر موافق رای تو باشد حمد بگوی خدای را و حق آنکسی که طلب نصیحت
کنی او را از رحمت و مهربانی و ملایمت و حق آنکسی که نصیحت میکند آنست
که ملایمت و تواضع کنی با او و گوش کنی سخن او و پس اگر آنچه او میگوید بصواب
باشد و صلاح تو دران باشد حمد و ثنا بگو خدای تعالی و اگر صواب نباشد
و موافق رای تو نباشد مهربانی کنی و متهم نسازی او را و بدانی
و بدانی که او خطا کرده است و مواخذه نکنی او را باین خطا مگر آنکه مستحق
تهمت باشد پس اعتبار مکن بگفتن او را در هیچ حال و حق آنکسی که بسال
از تو بزرگ باشد که تعظیم او را بجهت آنکه بسال از تو بزرگتر است
بزرگ داری او را بجهت آنکه پیش از تو مسلمان بوده است و اگر
او با تو خصومت و نزاع کند تو برابری نکنی با او و تحمل کنی و در راه رفتن

سبقت

سبقت نگیری برو و در مجلسی برو ننشینی و او را نادان نگوئی و اگر او نادانی
کند تحمل کنی و اکرام و تعظیم کنی او را بجهت حق اسلام و بحرمت اسلام
حق آنکسی که بسال از تو خردتر است آنست که رحمت و مهربانی کنی با او
و در تعلیم کوشی و عفو کنی بی ادبی او را و بپوشی بدی او را و مدارا کنی با او و در تعلیم
کوشش یاری کنی و حق کسی که چیزی از تو مطالبه آنست که بدهی و شکر بگوئی
او را و بدانی قدر نعمت او را و اگر چیزی ندهد عذر بگوئی قبول کن عذر
او را حق آنکسی که خوشحال کرد ترا خدای تبارک و تعالی را و بعد ازان شکر او
حق آنکه بدی کند با تو آنست که عفو کنی ازو و اگر بدانی که عفو کردن ضرر میکند
انتقام میکشی ازو زیرا که حضرت حق سبحانه و تعالی فرموده است و من انتصر
بعد ظلمه فاولئک ما علیهم من سبیل یعنی هر که کینه کشد از ظالم بعد ازانکه
که آن ظلم و ستم کرده باشد برو پس آن گروه کینه کشان را گناهی نیست و
حق آنکسی که با تو هم مذهب باشد آنست که ضرر رسانی با ایشان و مهربان
باشی با ایشان و مرحمت نمائی و ملایمت کنی بر ایشان و الفت کنی با
ایشان و اصلاح ایشان کنی و شکر بگوئی نیکان ایشان را و باز داری

ایذا او از ایشان و دوست داری برای ایشان و اصلاح ایشان کنی و
دوست داری مر ایشان را برای خدای تعالی و نه پسندی برای ایشان
آنچه نه پسندی برای خود و پیران ایشان بمنزله پیران پدران خود
دانی و جوانان ایشان را بمنزله برادران خود دانی و پیرزنان ایشان
بمنزله مادران خود دانی و طفلان ایشان را بمنزله فرزندان خود دانی
و حق کافران ذمی بر تو آنست که قبول کنی از ایشان آنچه خدای
تعالی قبول کرده است از ایشان و ظلم نکنی بر ایشان هرگاه وفا کنند
بعهد خود فصل (در نهی) و در ذکر چیزهائی که منع فرموده است حضرت پیغمبر صلعم
از آن روایت کرده است حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از پدران
خود که گفت امیر المومنین علیه السلام که منع کرد رسول علیه السلام از چیزی
خوردن وقتی که جنب باشد کسی و گفت چیزی خوردن در این حالت
درویشی آرد   کردن چیدن ناخن بدندان و مسواک کردن در حمام
و از آب دهن در مسجد انداختن و از خوردن پس مانده موش
و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که مکروه بیند مسجد را راه   و اگر خواب

کراز بچه

از مسجد بگذری و در گفت نماز بگزاری بیرون و منع کرد از بول کردن در زیر
درخت میوه دار و در میان راه و از چیزی خوردن بدست چپ و تکیه کرده چیزی
خوردن و از کج کاری کردن قبرها و از نماز گزاردن در گورستان و گفت
وقتی که غسل کنید در جائی که خواهی داشته باشد و حایل نه انداخته باشد میان
آسمان و تو باید که بپوشد عورت خود را باید که آب نخورد از نزدیک دسته
کوزه و شکسته کوزه محل جمع شدن چرکست منع کرد در بول کردن
در آب ایستاده و منع کرد و در وقتی که یکپای نعلین
پوشیده و یکپای ناپوشیده منع کرد ایستاده نعلین در پای او پوشیدن
و از بول کردن برابر آفتاب که عورت او برهنه باشد   و هرگاه که بجا
رویه که غایط کنید اجتناب کنید از آنکه روی شما یا پشت شما با آفتاب
باشد و بقبله باشد منع کرد و از فریاد کردن وقتی که مصیبت باشد و از نوحه
کردن از مصیبت و از گوش کردن نوحه زنان و رقص زنان در عقب جنازه
و محو کردن چیزی از قرآن با آب دهن و از نوشتن چیزی از قرآن
با آب دهن و از خواب دروغ بستن و گفت آنکه خواب دروغ به بندد

رخدای تعالی تکلیف کند او را در روز قیامت که روان چوبی کند و زنده حال آنکه
محالست کردن دادن جوب را منع کرد از صورت حیوان ساختن و گفت
آنکسی که صورت حیوان بسازد تکلیف کند خدای تعالی او را که در روز قیامت
روح را در آن صورت بدمد حال آنکه نتوانند این کار کردن و منع کرد از
سوختن حیوانات با آتش و از دشنام دادن خروس بدرستی که خروس
بیدار میکند کسی را برای نماز و منع کرد که کسی دخل کند در چیزی که خریدن
برادر مومن خواهد که آن چیز را برای خود بخرد و از بسیار سخن کردن
در وقت جماع از جهت فرزند گنگ میشود و منع کرد که شب بگذارند خاک
روبه را در خانه خود بدرستی که آن محل نشستن شیطانست و گفت آنکسی که
شب را اندر دست او چرب باشد و بر سر پا دیوانگی از شیاطین باید
ملامت نکند مگر خود را و منع کرد از استنجا کردن بسرگین و استخوان
و بیرون رفتن زن از خانه بی رخصت شوهر پس اگر بیرون رود بی اذن شوهر
لعنت کنند او را هر فرشته که در آسمان باشد و هر چیزی که آن زن بران بگذرد
از جن و آدمی تا وقتی باز گردد بخانه خود و منع کرد که زینت کند زن برای غیر

شوهر خود پس اگر چنین کند بر خدای تعالی واجبست که او را بسوزاند
با آتش دوزخ منع کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله که زن برهنه بدن خود را
بزن برهنه دیگر رساند منع کرد که خبر دهد زنی بزنی دیگر از چیزی اگر
در خلوت میان او و شوهر او گذشته باشد منع کرد جماعت کردن
با زن خود رو بقبله منع کرد جماعت با زن خود در میان راهی که مردمان
می آیند و میروند پس آنکسی که این کار کند لعنت خدا و فرشتها و جمیع
مردمان بروباد منع کرد که مردی بگوید بمردی دیگر که خواهر خود را بمن نکاح کن
که من خواهر خود بتو نکاح میکنم منع کرد از رفتن نزد منجم و گفت آنکسی برود
نزد منجم و تصدیق کند سخنان او را بتحقیق و آنچه خدای تعالی فرستاده
بر پیغمبر خود صلی الله علیه و آله منع کرد از باختن نرد و شطرنج و از نواختن عود
و طنبور و شنیدن و غیبت کردن و از گوش کردن غیبت و از سخن چینی
کردن و گوش با آن و گفت سخن چین اصلا به بهشت نمیرود منع کرد از
رفتن بمهمانی فاسقان و از سوگند دروغ خوردن و گفت آنکسی که سوگند
دروغ بخورد بجهت آنکه چیزی را از مسلمانی تلف شود خدای تعالی

پرو غضب کند مگر آنکه توبه کند و بازگردد [illegible] از وی منع کرد نشستن
در مجلس شراب منع کرد کسی که با حلال خود بحمام رود و هر دو برهنه باشند
و گفت که حمام مروید مگر با لنگی منع کرد از نخالی که فایده آخرت در آن
نباشد و از دست بر و زدن و از چیزی خوردن در ظرف طلا و نقره
منع کرد مردان را از پوشیدن جامه ابریشمین و دیبا و کنجه اما پوشیدن
اینها بر زنان باکی نیست منع کرد فروختن خرما بمویز و مانند آن
و از فروختن و خریدن شراب و ساقی بودن و شراب آوردن و گفت
لعنت کرده است خدای تعالی شراب را و آنکه تاک نشاند بقصد
شراب و آنکس که انگور افشرد بجهت شراب و آنکس که شراب بخورد و آنکس
که ساقی میشود و آنکس که آن شراب میفروشد و آنکس که بهای او بخورد و آنکس
که بر میدارد شراب را جهت کسی که برد برای مردم و آنکس که برای او می برند و گفت
آنکس که شراب بخورد خدای تعالی قبول نکند نماز او تا چهل روز پس اگر
بمیرد و در شکم او چیزی باشد از شراب واجبست بر خدای تعالی
که بخوراند او را بدهد آب اهل دوزخ و آن چیزی که بیرون آید از

فرج زناکنندگان و جمع می شود در دوزخ و می خورد از آن اهل دوزخ و آنکه خمر
نشود و پوست تن ایشان و ابخره شکمهای ایشان است منع کرد از
سود خوردن و نوشتن قباله آن و گواهی ناحق دادن و گفت که خدای تعالی
لعنت کرده است کسی را که سود خورد و آنکس را که وکیل شود در سود گرفتن
و آنکس را که چیزی می نویسد بجهت و آنکس که گواهی میدهد برای سود منع
کرد آنکس که بگوید که میفروشم این متاع را به فلان مبلغ معین و چنین زیاد
کنند از آن مبلغ منع کرد کسی که گوید میفروشم این متاع بمبلغ چنین
بشرط آنکه متاع خود را بمن بمبلغ از آن کمتر بفروشی که گرفتن و ضمن چیزی که
که در تصرف او نباشد و از فروختن چیزی که او ضامن آن نباشد منع کرد
از مصافحه کردن با کافر و شعر خواندن در مسجد و از مسافر کردن برای کم
شده در مسجد و از بیرون آوردن شمشیر از غلاف در مسجد منع کرد از دراز
بر روی چهارپای و از نظر کردن بفرج برادر مومن و گفت آنکس که نظر کند
بفرج برادر مسلمان لعنت کنند او را هفتاد هزار فرشته منع کرد
از نظر کردن زن بفرج زن دیگر و از یاد کردن بدمزه طعام و آب را یا

کردن بر سر موضع سجده و از نماز گزاردن در گورستانها و در میان راه
و بر بالا داشتن و در رود خانه و در جایی که شتر می بندند و بر بالای در خانه
کعبه منع کرد و از کشتن زنبور عسل و از نهادن بر روی آن جا بر پا و سوگند
خوردن بغیر خدای تعالی و گفت آنکسی که بغیر خدای تعالی سوگند خورد خدای تعالی
او را بیزار است کرد از سوگند خوردن بسورتهای قرآن و گفت آنکسی که
سوگند بخورد بسورهٔ قرآن واجبست بر او که بعدد هر سوره کفارت کند
پس اگر آن کفارت را بدهد نکوکار کرده باشد و اگر نه بدهد فاسق باشد
منع کرد سوگند خوردن کسی بزندگان کسی و از نشستن جنب در مسجد
و از برهنه شدن در شب تا روز و از حجامت کردن در روز چهارشنبه
و از گفتن سخن در روز جمعه در وقتی که امام خطبه میخواند پس آنکسی که در این وقت
سخن میگوید نماز جمعه او درست نیست منع کرد انگشتری [illegible]
در انگشت کردن و از نقش کردن صورت حیوانی در انگشتری و از نماز
گزاردن در وقت بر آمدن آفتاب و فرو رفتن آفتاب و وقت استوی و از
روزه داشتن در شش روز روز عید قربان و عید رمضان و روز شک

نیت وجوب و ... از عید قربان وقتی که مسلمان باشد و از آب
خوردن چنانکه چهار پایان آب میخورند و گفت آب بخورید به دستی که
دستهای شما بهتر از ده ظرفهاست منع کرد آب دهن انداختن در چاهی
که از آنجا آب میخورند و از کار فرمودن مزدوری پیش از آنکه مزد او را تعیین کنند
منع کرد آنکه سه روز بگذرد برادر مومن را که یکدیگر را نبینند پس آنکسی که علاقه
نکند برادر مومن او سه روز بگذرد دوزخ اولیست یاد کرد از خرید و فروخت
کردن طلا بطلا بیشتر آنکه یکی زیاده بر دیگری منع کرد از مدح گفتن اهل دنیا را
و گفت خاک بر روی بلاحاوی اهل دنیا و گفت آنکسی که قیام نماید بظلمی از قبل
ظالمی یا آنکه یاری کند ظالمی را بر ظلم ملک الموت در وقت مردن بشارت
او را بلعنت خدای تعالی و با آتش دوزخ و گفت آنکسی که مدح گوید سلطان
ظالمی را و خوار رساند خود را بجهت طمعی که از او داشته باشد با آن ظالم در
دوزخ خواهد بود خدای تعالی فرموده لا ترکنوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار
یعنی میل مکنید بسوی ایشانی که ستم پیشه اند تا برسد شما را آتش دوزخ
و گفت آنکسی که عمل دهد ظالمی را و والی کرده شد او را با ظالم در دوزخ خواهد

نیت وجوب

بود با نان و هر کسی که تمامی کند از روی ریا از برای شنیدن مردم
خدای تعالی حکم کند که او بر دارد او بنا را او در روز قیامت از هفتم طبقه
زمین و آن بنا آتشی شود که شعله زند و بعد از ان طوق شود و او را
ببندد و در دوزخ و هیچ چیز نگاه ندارد او را تا آنکه به دوزخ برود و بر
مگر آنکه توبه کند کسی گفت یا رسول الله بنا بجهت ریا و شنیدن
مردم چگونه باشد آنحضرت گفت باین طریق بنا کند زیاده بر آنچه کفایت
او را بجهت آنکه تقوی جوید بر همسایهای خود و تفاخر و مباهات کند بر برادران
مومن خود و گفت که هر کسی که ظلم کند بر مزد و در مزد دادن باطل کند خدای تعالی
عمل او را و حرام کرداند خدای تعالی بروی بهشت و حال آنکه بوی بهشت را
بانصد ساله راه می شنوند و هر کسی که خیانت کند بهمسایگان بمقدار
یک شبر زمین بگرداند خدای تعالی آن زمین را اگر خیانت کرده است
طوق در گردن او از هفتم طبقه زمین تا آنکه ملاقات کند خدای تعالی را
در روز قیامت و آن طوق در گردن او باشد مگر آنکه توبه کند و آن
زمین بصاحبان باز دهد و هر کسی که بیاموزد قرآن را و بعد از آن فراموش کند

ملاقات کند

ملاقات کند خدای تعالی او را در روز قیامت و دستهای او بگردن
بسته باشند و مسلط گرداند بعد دهر آیتی ماری را با او باشد تا دوزخ مگر آنکه
خدای تعالی بکرم و لطف خود بیامرزد او را و گفت آنکه قرآن بخواند و بعد از ان
چیزی حرام بخورد یا آنکه اختیار کند بر قرآن خواندن دوستی دنیا
و زینت او را مستوجب غضب خدای تعالی است مگر توبه کند و اگر
بی توبه بمیرد قرآن با او خصومت کند در روز قیامت و حجت بگیرد
و دور نشود از و تا آنکه غالب شود برو و هر کسی که زنا کند بزنی که مسلمان
یا یهودی باشد یا نصرانی یا گبر باشد خواه زن آزاد باشد یا بنده
و معهر باشد یا آن کار توبه نکند بمیرد بگشاید خدا از قبر او سیصد
در از دوزخ و بیرون آیند از ان درها مارها و عقربها و اژدرها از آتش
و او میسوخته باشد تا روز قیامت شود و بیرون آید از قبر او متعاذ
شوند مردمان از بوی بدی که زنا کرده است در دنیا و امر کند خدای تعالی
که او را بدوزخ برند و گفت حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله
که بدرستی که خدای حرام کرده است بعضی چیزها را و تعیین کرده است

از برای من حرام خدای تعالی و غیرت هیچکس زیاده از غیرت خدای تعالی
و از غیرت خدای تعالیست که حرام گردانیده است کارهای بد را منع
کرده است از نگاه کردن در خانه همسایه بی اذن او و گفت آنکسی که
نظر کند بفرج برادر مسلمان یا فرج غیر حلال خود را داخل گرداند خدا او را
در دوزخ و رسوا کند مگر آنکه توبه کند و نیز گفت آنکسی که خشنود نباشد
بروزی که خدای تعالی باو داده است و آشکارا شکایت کند و صبر نکند
و طلب ثواب نکند هیچ حسنه و ثواب او را حاصل نشود و حق تعالی
با او در غضب خواهد بود در روز قیامت مگر آنکه توبه کند منع کرد از
تکبر در راه رفتن و گفت آنکسی که جامه بپوشد و تکبر کند در آن جامه
فرو برد خدای تعالی در دوزخ و همنشین قارون باشد بجهت آنکه
اول کسی که تکبر کرد قارون بود حضرت حق سبحانه و تعالی فرو برد او را
و آنکسی که مکر کند بسیار را بسکنه تا خدای تعالی در جبروت و گفت
رسول خدا صلی الله علیه و آله آنکسی که ظلم کند بزوجه خود باین طریق
که کابین او را ندهد پس زنا کرده است با آن زن و خدای تعالی

در روز قیامت بگوید باو که ای بنده من من پس بگیرد خدای تعالی
حسنات آن مرد و با آن زن دهد بقدر حق او پس اگر آن مرد را حسنات
نباشد برابر حق او بفرماید خدای تعالی او را بدوزخ برند بسبب آنکه
وفا نکرده است بعهد خدای تعالی منع کرد حضرت حق تعالی از پوشیدن
گواهی و گفت آنکسی که بپوشد گواهی خدای تعالی گوشت او را بخوراند
و بپیش میان مردمان در روز قیامت و خدای نیز نهی کرده است
از پوشیدن گواهی درین آیت که و لا تکتموا الشهادة و من یکتمها فانه
آثم قلبه یعنی مپوشید گواهی را و آنکسی که بپوشد گواهی را پس بدرستی که
او گناهکار است و دل او گناهکار است و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرموده است که گمان کسی که همسایه رنجانیده است و ایذا کرده همسایه
خود را حرام گرداند خدای تعالی او را بوی بهشت را و جای او جهنم باشد
و آنکسی که ضایع کند حق همسایه را پس او از امت من نیست و همیشه جبرئیل
وصیت میکرد مرا به نیکویی کردن همسایه تا آنکه گمان بردم که همسایه
میراث می برد از همسایه جبرئیل مرا وصیت کرد از نیکویی کردن بملوکان

تا آنگه که آن بردم که وقتی که تعیین خواهد بود از برای ازو از ایشان هر که
که آن وقت بر حد آن باز خواهد بود نصیحت کردم او را از سؤال کردن
تا آنگه که آن بود که او را نصیحت بر حسن سؤال کردن و نصیحت کردم بر گزاردن
نماز شب تا آنکه آن بردم که بهترین امت من آنکسی است که شب
خواب نکند و بعبادت مشغول کند و آنکسانی که بتجارت نظر کنند بر مسلمانی
کرده ویش باشد پس حقیر است پس حق تعالی او خدای تعالی
در روز قیامت نظر نکند باو مگر آنکه توبه کند و آنکسی که گدایی دارد حیله از
که فقیر باشد و اعتبار کرد از و ملاقات کند خدای تعالی را
در روز قیامت و خدای تعالی ازو خشنود باشد گفت رسول خدا صلعم
و آنکسی که عرض کند بکار بدی و او اجتناب کند از ترس خدای تعالی از آن کار
حرام گرداند خدای تعالی بر او آتش دوزخ را و ایمن شود از هول روز قیامت
و برساند باو آنچه وعده کرده است در کتاب خود درین آیت که و لمن
خاف مقام ربه ونهی النفس عن الهوی فان الجنة هی المأوی یعنی آنکسی که
بترسد از خدای تعالی او را بهشت دهند و بهشت عدن و بهشت نعیم

و آنکسی که عرض کنند بر او دنیا و آخرت را او اختیار کند دنیا و بگذارد آخرت را
ملاقات کند حضرت حق سبحانه و تعالی را در روز قیامت با او هیچ حسنه
و ثوابی نباشد که نگاه دارد او را از آتش دوزخ و آنکسی که اختیار آخرت کند و بگذارد
دنیا را خشنود شود خدای تعالی ازو و بپوشد گناهان او را و عفو کند و
آنکسی که بسیار نظر کند و چیزهای حرام پر کند خدای تعالی او را چشم او را
از آتش دوزخ در روز قیامت مگر آنکه توبه کند و باز گردد رسول خدا
صلی الله علیه و آله آنکسی که مصافحه کند زنی که نامحرم باشد بغضب خدای تعالی
گرفتار شود و آنکسی که در بر گیرد زنی نامحرم را او را با شیطان بند کنند
بزنجیری از آتش دوزخ و بیندازند در دوزخ و آنکسی که دروغ گوید با مسلمانی
در خرید و فروخت پس او از امت نیست پس حشر کنند او را در روز قیامت
با یهود بجهت آنکه یهودی دروغ گوترین مردمانند با مسلمانان منع
کرد حضرت رسالت صلی الله علیه و آله از آنکه متاع عاریت همسایه خانه
ندهند چون دیگ و طبق و مانند آن و گفت آنکسی که متاع خانه همسایه
منع کند خدای تعالی خیر خود را ازو در روز قیامت بگذارد با خودش برنج

فایده خواهد بود حال و دران روز . گفت حضرت پیغامبر صلی الله علیه وآله
هر زنی که ایذا کند شوهر خود را و برنجاند قبول نکند خدای تعالی توبهٔ
او و نماز و حسنات او را تا آنکه خشنود کرداند شوهر خود را و اگرچه این زن
تمام روزها روزه دارد و شبها بیداری کند و بطاعت مشغول گردد و
بنده ها آزاد کند و اسپهای خوب بدهد مردم که جهاد کنند و چون شوهر
از وی راضی نباشد در روز قیامت در میان جماعتی خواهد بود که اول
بدوزخ میروند و همچنین است حال مردی که اگر ظلم کند بر زن خود و
آنکسی که طپانچه زند بر روی مسلمانی را پراگنده کند خدای تعالی استخوانهای
او را در روز قیامت و حشر کند او را دست و گردن بسته و ببرند او را
بجهنم مگر آنکه توبه کند و آنکسی شب بگذراند و در دل کینه برادر مسلمان
داشته باشد حق تعالی آن شب بر وی در غضب باشد و صباح نیز در غضب باشد
مگر آنکه توبه کند و باز گردد منع کرد رسول صلی الله علیه وآله از غیبت
کردن و فرمود که اگر کسی غیبت کند برادر مسلمانی را باطل شود روزهٔ
او و بشکند وضوء او و در روز قیامت از دهن بوی باید بدتر از بوی

مردار

مرداری که متعفن می شوند از ان بو اهل عرصات و اگر بمیرد پیش از آنکه
توبه کند حلال دانسته آنچه را خدای تعالی حرام کرده است
حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه وآله که آنکسی که فرو خورد خشم او قادر
باشد بمقتضای خشم خود عمل کند بعوض دهد حضرت حق سبحانه و تعالی
بدو پاره ثواب شهیدی و آنکسی که غیبت برادر مومن بشنود و نیکوی کند
باین طریق که بر طرف کند آن غیبت را از و دفع کند خدای تعالی دو هزار
نوع بدی را در دنیا و آخرت را پس اگر بر طرف نکند آن غیبت را از
برادر مومن و قادر باشد بر آن گناه او اعضا در برابر گناه غیبت کننده
باشد و منع کرد حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه وآله از خیانت
کردن در امانت و گفت که آنکسی که کند در دنیا در امانت و باز ندهد
امانت الصاحب و بمیرد پس او مرده است بغیر دین من و در روز
خدای تعالی باو در غضب باشد حضرت پیغمبر صلی علیه وآله که آنکسی که
گواهی دروغ بدهد بیاویزند او را از زبان با منافقان در ته دوزخ و آنکسی که بخرد
چیزی را اگر خیانت کرده باشند و دانسته باشد که خیانت کرده اند

ازو دفع کند

بس او چو آنکسی است که خیانت کرده است و آنکس که نگاه دارد چیزی را از
حق برادر مسلمان ببرد خدای برکت از روزی او مگر آنکه توبه کند و حق
او را باو برساند و آنکس که بشنود چیزی را که نسبت به برادر مسلمان و فاش
کند او را پس گویا او کرده است آنچیز را که نسبت به برادر مسلمان و آنکس که
محتاج باشد و قرض طلبد از برادر مسلمان و او قادر باشد بر قرض دادن و ندهد
حرام کرده خدای تعالی باو بوی بهشت را و آنکس که صبر کند بر بدخلقی
زن خود و طمع ثواب کند بدهد خدای تعالی ثواب آنکسان که شکر
خدا بجای آورده اند و هر زنی که طاعت و مهربانی نکند شوهر خود و تکلیف
کند بر شوهر خود چیزی که قادر نباشد حق سبحانه و تعالی قبول نکند از آن زن
حسنه و نیکوئی او در روز قیامت باو در غضب باشد و آنکس که اکرام و تعظیم
کند برادر مؤمن را خدای اکرام کند او را و منع کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله
از پیش نماز کردن برای جماعتی بی اذن ایشان و گفت آنکسی که پیش
نمازی کند برای جماعتی باذن ایشان و ایشان راضی باشند به
پیش نمازی او و نیکو بجای آورد قیام و قرائت و رکوع و سجود را پس

ثواب او

ثواب او برابر تمام جماعت باشد و از ثواب ایشان هیچ کم نشود و گفت
حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله که آنکسی که برود و نزد خویشان چیزی
ببرد از برای ایشان بجهت صله رحم بدهد خدای تعالی باو ثواب صد
شهید و هر قدمی که بعدد هر قدمی چهل هزار حسنه محو کرده شود از نامه اعمال او
چهل هزار سیئه و بلند کرده شود مرتبه او را چهل هزار درجه و چنان باشد که
عبادت کرده باشد خدای تعالی را صد سال در حالی که صابر و طالب
ثواب باشد و آنکسی که بر آورد حاجت نابینائی را از حاجتهای دنیا و برود
از برای حاجت او تا برآورده شود نجات دهد خدا او را از نفاق و از
آتش دوزخ و بر آورد هفتاد حاجت او را از حاجتهای دنیا و همیشه
در رحمت خدای تعالی باشد تا آنگاه باز گردد و آنکسی که یک شبانه روز بیمار
کشد و شکایت نکند از آن بیماری نزد آنهائی که او را عیادت کنند
حشر کند خدای تعالی در روز قیامت او را با ابراهیم خلیل علیه السلام
و بگذرد از پل صراط مثل برق لامع و آنکسی که سعی کند از برای حاجت بیماری
خواه آن حاجت برآورده شود خواه نشود پاک شود از گناهان و بیرون

گناه نداشته باشد همچو آن روزی که از مادر متولد شده است پس گفت
مردی از انصار که یا رسول الله چه پدر و مادرم فدای تو باد پس اگر کسی
چهار از اهل و بیت او بوده باشد را ثواب او بیشتر است آنحضرت
گفت بلی و آنکسی که برادر مؤمن اندوهی از اندوهای دنیا ببرد خدای تعالی
از و هفتاد و دو اندوه از اندوهای آخرت را و هفتاد و دو اندوه از اندوه
دنیا را که آسان ترین آن اندوها درد اندرون باشد رسول خدا
صلی الله علیه و آله که آنکسی که تنها حق کسی را که او قادر باشد بر ادای آن
پس هر روز او را گناهی باشد برابر گناه عشاری و آنکسی که پیاویزد
تازیانه در میان خود و برد پیش سلطان ظالمی گرداند خدای تعالی
آن تازیانه را در روز قیامت اژدها از آتش که درازی او هفتاد گز باشد
و مسلط گرداند آن اژدها را بر او تا ببرد او را به دوزخ و آنکسی که به برادر مؤمن
نیکوئی کند به برادر مؤمن و منت نهد بر او و بسبب آن نیکوئی باطل
گرداند خدای تعالی عمل او را و عوض آن گناه بنویسند و سعی او را
قبول نکنند و بعد از آن گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که حق سبحانه

تعالی

تعالی فرموده است که حرام است بهشت بر کسی که منت نهد و بر بخیل و بر سخن چین
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که آنکسی که یک درهم به برادر مؤمن بدهد
او را ثواب آن هر روزی به نزد خدای تعالی برابر کوه احد از کوههای بهشت
و آنکسی که برساند صدقه از قبل کسی به محتاجی ثواب او برابر ثواب صاحب صدقه
چیزی و آنکسی نماز گزارد بر میتی هفتاد هزار فرشته را که در قبر مونس باشند
در تنهائی و استغفار کنند برای او تا روز حشر و آنکسی که بانگ نماز گوید
برای خدا بدهد خدای تعالی با او ثواب چهل هزار شهید و چهل هزار صدیق
و شفاعت کند چهل هزار گناهکار از امت من و بسبب شفاعت او بهشت
روند و وقتی که مؤذن بگوید اشهد ان لا اله الا الله صلوات فرستند
بر او هفتاد هزار فرشته و استغفار کنند برای او و در روز قیامت در سایه
عرش باشد تا فارغ شود خدای تعالی از حساب مردمان و چون اشهد
ان محمدا رسول الله بگوید چهل هزار فرشته ثواب او را بنویسند و آنکسی که
اهتمام کند جای گیرد در صف اول بجهت نماز جماعت و سعی کند که دریابد پیش نماز را
در تکبیر احرام و ایذای بمسلمانان نرسد از جهت خدای تعالی اقتدا

ثواب او بدهد که سوزنان را بسیار بدهد دنیا و آخرت و آنکسی که چیزی قومی کند
و احوال ایشان بیند از سبب ظلمی نکوید پیش پادشاه روز قیامت دست
و کردن بسته در صحرای عرصات پس اگر قیام نموده باشد با مؤمنان
موافق امر خدای تعالی رها کنند او را و اگر ظلم کرده باشد چندان زنند او را
در جهنم رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود که بخورید بدی او اگر چه
در نظر شما و بسیار بدانید نکوئی ما را و اگر چه بزرگ نماید در چشم شما بدرستی که
هیچ چیزی بزرگ نیست با استغفار بدرستی که هیچ گناه خورد نیست
با اصرار فصل ۴ در بیان حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله
که وصیت کرده اند امیر المؤمنین علی را علیه السلام کرده است
امام جعفر صادق علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که گفت که امیر المؤمنین
علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت بمن که یا علی وصیت میکنم
ترا پس حفظ کن این وصیت را که همیشه بتو خیر خواهد رسید مادام
که عمل کنی باین وصیت من آنکسی که فرو خورد خشم را و او قادر باشد
که بمقتضای خشم خود عمل کند ایمن کرداند خدای او را در روز قیامت

وصیت

و حظ کامل

و حظ کاملی یابد از ایمان خود آنکسی که نیکو وصیت نکند در وقت مردن
نقصان در مروت باشد و در روز قیامت بحکمی او را شفاعت نکنند
یا فاضلترین جهاد آنست که کسی صباح برخیزد و قصد ظلم نکند بکسی
آنکسی که مردمان از زبان او بترسند او از اهل دوزخ است
بدترین مردمان آنکسی است که مردمان اکرام کنند او را بجهت آنکه بدی
او بایشان نرسد بدترین مردمان آنست که آخرت خود را بدنیای خود
بفروشد و بدتر از او آنست که آخرت خود را بدنیای دیگری بفروشد
آنکسی که قبول نکند عذر کسی را که از گناه خود خواه صادق باشد
در آن عذر گفتن و خواه کاذب در نیابد شفاعت مرا خدای تعالی
دوست میدارد دروغ گفتن را برای مصلحت و دشمن میدارد راست
گفتن را که موجب فساد میشود آنکسی که ترک کند شراب خوردن را از
ترس خدای تعالی خدای تعالی او را شراب میدهد و حضرت رسالت
پناهی فرمود که بحق خدای که آنکسی که حافظ نفس خود کند خدای تعالی
او را می آمرزد امیر المؤمنین علی علیه السلام گفت یا رسول الله با وجود آنکه ترک کند

از ترس خدای تعالی حق تعالی او را از شراب بهشت بی بهره آنحضرت فرمود که
بلی بی بهره آنکسی که شراب بخورد بچنانکسی است که بت می پرستد
آنکسی که شراب بخورد خدای تعالی قبول نمیکند نماز او تا چهل روز پس
اگر در اثنای این چهل روز بمیرد کافر مرده است هر چیست کننده
که هست حرام است و آنچیزی که بسیار از و مست کنند اندکی از و نیز حرام
و نیز کردانیده است خدای تعالی همه گناهان را در خانه و کلید آن خانه
شراب خوردنست کسی که شراب بخورد میکند دربرو ساعتی
که دران ساعت خدای تعالی امی شناسد آنکسی که فایده نگرفت
از دین و دنیای خود خیری نیست ترا در مصاحبت او سزاوار نیست
که در مومن هشت خصلت نباشد تمکین و وقار وقت فتنه و آشوب و صبر
در بلا و شکر در عافیت و قناعت بآنچه خدای تعالی روزی او کرده است
و ظلم نکردن بدشمنان و تحمل نکردن بدوستان و بدن او در مشقت
باشد و مردمان از و در راحت دعای چهار کس رد نمی شود دعای
عادل و دعای پدر خود در حق فرزند و دعای مومن در حق برادر

شومن غاپانه و دعای مظلوم در حق ظالم و درستی که خدای تعالی میگوید مظلوم
که بعزت و جلال من که انتقام تو خواهم کشید از ظالم و اگر چه بعد از مدتی
باشد هشت کس اند که اگر اهانتی بایشان رسد باید که ملامت
نکنند مگر خود را کسی که نطلبیده باشند او را بمهمانی و برود کسی که بمنزل
کسی برود و حکم کند بر صاحب خانه و کسی که طمع نیکوی داشته باشد از
دشمنان خود و کسی که چیزی طلب کند از بخیلان و ناکسان و کسی که دخل کند
در میان دو کس و خواهد که مطلع شود بر ان سری که در میان ایشانست و
ایشان نخواهند که کسی مطلع شود بر ان سر و کسی که اعتبار نکرد از سلطان
و کسی که بنشیند در جایی که لایق آنجا نباشد و کسی که سخن کند بکسی که گوش
نکند سخن او را حرام است بهشت بر کسی که بی شرم باشد و سخن
فحش گوید و باکی نداشته باشد از آنچه میگوید و از آنچه مردم باو میگویند
خوشحال باشد کسی که عمر او دراز باشد و عمل او نیکو باشد و مزاح کردن
می برد آبروی او و دروغ گوی کم میبرد نور ترا و دور دار از خود دو خصلت را تنگدلی
و کاهلی بدرستی که اگر تنگدل شوی صبر نمیکنی بر حق او و اگر کاهل شوی

او نیکی نرسد   هر گناهی توبه دارد مگر بدخلقی هر بدخلقی که از گناهی توبه
هر گاه توبه کرد از گناه گناهی دیگر حاصل میشود او را بجهت بدخلقی
چهار کس‌اند که زود عقوبت می‌یابند کسی که با او احسان و نیکوی کرده باشند
و او در برابر بدی کند و کسی که با او دشمنی نکنی او با تو دشمنی کند و کسی که تو با او عهد
کرده باشی در چیزی و تو بعهد خود وفا کنی او وفا نکند بعهد خود و کسی که او قطع رحم
بجای آرد وی او و نسبت تو صله رحم بجا بیاورد   اگر کسی که مستولی شود
با دولتی راحت از او دور شود   دوازده خصلت است که سزاوار است
که مسلمان باشد وقت طعام خوردن چهار از آن خصلتها واجبست و چهار
سنت است و چهار ادب اما آن چهار که واجب است آنست که بداند
که آنچه میخورد حلال است یا حرام و بسم الله الرحمن الرحیم بگوید پیش از طعام
خوردن و شکر نعمت بگوید و راضی باشد بآنچه خدای تعالی باو داده است
و اما آن چهار که سنت است نشستن بر پای چپ و چیزی خوردن بسه انگشت
و چیزی خوردن از پیش خود و لیسیدن انگشتان و اما
آن چهار که ادب است سی لقمه خورد بر داشتن است و بسیار

خاییدن

خاییدن و کم نظر کردن در روی مردم در وقت طعام خوردن و شستن دستها
جوانی گفت دیدم بخواب [illegible] و گفت بود زنان
و او در [illegible] و صفت او را از [illegible]
دیدگان او [illegible] زعفران و مشک و بعد از آن گفت نوشته است که هشت بهشت
گفت لا اله الا الله الحی القیوم قد سعد من بدخلقی یعنی هر بدبختی که نیک
بخت است کسی که داخل میشود در آن گفت خدای تعالی که بعزت و جلال
من که نمیرد کسی که دائم شراب خورد و کسی که سخن چینی کند و کسی که دیوث
و بی غیرت باشد و کسی که مخنث باشد و کسی که قبر مردم میکشاید بجهت
کفن دزدیدن و کسی که متعاجر باشد و کسی که صله رحم بجا نیاورد و کسی که
نیکوید که نیکی چندی از پیش خداست   بحق خدای که کافر نشود کسی
کشنده مردمان بناحق و ساحر و دیوث و جماع کننده در دبر زنی که بر او
حرام باشد و جماع کننده بچهارپایان و کسی که جماع کند با کسی که محرمی او باشد
و کسی که سعی کند در فتنه و کسی که سلاح بفروشد بکافران حربی و کسی که
زکوة ندهد و کسی که مال داشته باشد و حج نکند و بمیرد و حج نکرده باشد

مهمانی نمی باشد مکروه است پنج وقت در وقت غروب و در وقت طلوع فجر
و در وقت خشم کردن و در وقت خبر دادن منزل و در وقتی آمدن کسی
ازین سه سزاوار نیست عاقل را که سفر کند مگر بجهت سه چیز کار
سازی بجهت معاش یا برای کار آخرت یا بجهت لذت در چیزی که
حرام نباشد   سه چیز است که از مکارم اخلاق است در دنیا و در
آخرت عفو کردن از آن کسی که ظلم کند بر تو و صله رحم بجا آوردن
با کسی که صله رحم کند از تو و حلم نمودن و در گذرانیدن از کسی که بی ادبی
کند نسبت بتو   دریابید و غنیمت دانید چهار چیز را پیش از چهار
چیز جوانی را پیش از پیری و صحت را پیش از بیماری و توانگری را
پیش از درویشی و زندگی را پیش از مردن   مکروه است از امت
نزد خدای تعالی کار عبث کردن در نماز و منت نهادن در صدقه و جنب
در مسجد رفتن و خنده کردن در گورستان و بر آمدن در بام خانها بجهت
نگاه کردن در سراهای مردم و نظر کردن در فرج زنان بجهت آنکه کوری
می آورد و سخن کردن در وقت جماع بجهت آنکه فرزند گنگ می شود و خواب

کردن میان

کردن میان نماز شام و خفتن بجهت آنکه محروم می سازد کسی را از روزیها
و غسل کردن بی لنگ در جایی که جایی نباشد میان آسمان و در جویها
بی لنگ بجهت آنکه در آب فرشتها ساکنند و رفتن بحمام بی لنگ و سخن
گفتن در میان اذان و اقامت در نماز صبح و در کشتی نشستن در وقت
طوفان و آشوب دریا و خواب کردن در بامی که محجر نداشته باشد و گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که کسی که خواب کند در بامی که محجر نداشته باشد
پس او خود را در معرض هلاک انداخته است و دور شده از حفظ و امان
خدای تعالی   مکروه است نزد حق تعالی از امت من خواب کردن در خانه
تنها و جماع کردن با زن خود در وقت حیض پس اگر این کار بکند و فرزندی
حاصل شود جذام یا برص داشته باشد باید که ملامت نکند مگر خود را و نیز مکروه است
سخن کردن با کسی که جذام داشته باشد مگر میان او و میان آنکس که جذام
دارد یک گز فاصله باشد و گفت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم
که بگریز از کسی که جذام دارد همچنانکه میگریزی از شیر و نیز مکروه است جماع کردن
با زن خود بعد از احتلام و پیش از غسل پس اگر چنین کند فرزند

حاصل شود دیوانه باشد باید که طهارت بکند مگر خود را. مکروهست
بول کردن بر کنار جوی آب روان و حدث کردن در زیر درختان که میوه
دهد و بول ایستاده و نعلین در پای کردن بوقت درآمدن بخانه تاریک بی چراغ
یا علی آفت بزرگ و فضایل مردانه کار دیگر است یا علی هر کی از خدای
تعالی بترسد همه چیز ازو می ترسند و هر کی از خدای تعالی نترسد همه چیز بترساند
خدای تعالی او را از همه چیز   نماز هشت کس قبول نیست بنده گریخته
باشد از صاحب خود تا وقتی که باز گردد و بیاید نزد صاحب و زنی
که نافرمان شوهر خود کند و شوهر از وی راضی نباشد و یا او غضب باشد
و کسی که زکوة ندهد و کسی که ترک وضو کند و زنی بالغ شده باشد و نماز گزارد
سربرهنه و کسی که پیش نمازی جماعتی کند که پیش نمازی او را خوش
نباشد و کسی که مست باشد و کسی که بول و غایط نگاه دارد و مشغول شود
بنماز   چهار چیز است که در هر که باشد بنا کند خدای تعالی از برای او خانه
در بهشت جاودان رحم کردن بر ضعیف و بر یتیم و شفقت و مهربانی کردن
به پدر و مادر و مدارا کردن و ملایمت کردن مملوک خود   اگر کسی که جا

اورد

خورده انجیر را که خدای تعالی بر وی واجب گردانیده است آن عابدترین مردمانست
و کسی که بپرهیزد از آنچه خدای تعالی حرام گردانیده است او پرهیزگارترین مردمانست
و کسی که قناعت کند بانچه خدای تعالی روزی او کرده است او توانگرترین مردمانست
و کسی که [illegible] خصلت [illegible] باشد او [illegible] مردمانست
[illegible] چهار چیزست که هیچ یک از امت من طاقت ندارند آن را بجای آورد
یعنی مضایقه نکردن با برادران مومن در مال خود و انصاف دادن نسبت به مردمان
در همه چیز و یاد کردن خدای تعالی در همه حال و یاد کردن خدای تعالی این نیست
که کسی بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر فقط اینست که هر گاه
کسی خود [illegible] فعل حرامی بکند یاد کند خدای تعالی را و بترسد از خدای تعالی و
ترک کند آن عمل را   [illegible] کسی که اگر از روی انصاف با ایشان عمل میکنی بتو
ظلم میکنند و ناکسی که زوجه تو و خدمتکار تو و [illegible] کسی که انصاف نمی یابند
از [illegible] کس آزاد از بنده و عالم از جاهل و قوی از ضعیف   هفت چیز است
که در هر که باشد ایمان او کامل است و در جای بهشت از برای او گشوده میشود
وضوی نیکوی کامل ساختن و نیکو گزاردن نماز و ادا کردن زکوة مال

و غرور خوردن خشم و نگاه داشتن زبان و استغفار کردن از گناه و صحبت
کردن با اهل خیر [illegible] لعنت کرده است حق سبحانه و تعالی سه
کس را یکی آنکه تنها بخورد زاد خود را و یکی آنکه تنها برود در بیابان و یکی آنکه
تنها خواب کند در خانه [illegible] سه چیز است که بیم آن هست که سبب دیوانگی
شود غایط کردن میان گورستان و راه رفتن بر زمین [illegible]
داشته باشد و یکپای دیگر برهنه باشد و تنها خواب کردن در خانه
تنها سه چیز است که نیکوست دروغ گفتن در آنها کید کردن با دشمن در
جنگ و وعده کردن با زوجه خود و اصلاح کردن در میان مردمان و سه چیز است
که می میراند دل را نشستن با مردم ناکس و نشستن با توانگران و سخن کردن
با زنان سه چیز است که از حقیقت ایمانست نفقه کردن در حالت درویشی
و تنگی و انصاف دادن نسبت بمردمان و تعلیم کردن علم بکسی که طلب علم کند
سه چیز است که هر که نباشد ناقص است عمل او پرهیزکاری که منع کند او را
از گناه کردن و خلقی که مدارا کند با مردمان و حلمی که تحمل کند از جاهلان
سه چیز است که سبب فرح مومن میشود در دنیا ملاقات کند با برادران

مومنین و روزه گشودن و نماز تهجد گزاردن در آخر شب سه چیز [illegible]
خصلت [illegible] و [illegible] تکبر [illegible] خصلت است که [illegible]
انسان [illegible] از خشم وقتی که [illegible] بحث [illegible] بودن و طول
امل و دوست داشتن [illegible] سه چیز است که موجب دفع
درجات است در آخرت و سه چیز است که موجب کفارت گناهانست و آخر
و سه چیز موجب هلاکت است و سه چیز موجب نجاتست اما آن سه چیز که
موجب دفع درجاتست وضوی کامل ساختن است در سرمای سخت و انتظار
نماز کشیدن بعد از نماز و شب و روز رفتن است بنماز جماعت اما آن سه چیز
که موجب کفارت گناهانست سلام کردنست هر کس را و طعام دادن
و نماز تهجد گزاردن وقتی که مردم در خواب باشند اما آن سه چیز که موجب هلاکت است
فرمان برداری نفس است و بخل و پیروی کردن آرزوی نفس و تکبر کردن
و اما آن سه چیز که موجب نجاتست ترس خدای تعالیست در نهان و آشکار
و صرف کردن مال باعتدال در وقت توانگری و درویشی و سخن راست
گفتن در حالت خشنودی و غضب سه چیز دادن جایز نیست بعد از آنکه

فرزند خود دعا در شب باشد و خیر و حرمت بعید از آنکه بالغ شده باشد
اگر دو سال باشد باید بجهت نیکویی کردن با پدر و مادر برود و اگر یک ساله
راه باید رفت بجهت صلهٔ رحم با خویشان برود اگر دو ثلث فرسخ باید رفت
بجهت عیادت بیمار برود اگر دو ثلث فرسخ باید رفت بجهت عقب جنازه
برود و کسی که ترا بطعام بطلبد اگر یک فرسخ باید رفت برود اگر یک میل و ثلث
فرسخ باید رفت برود بجهت ملاقات برادر مومن برای خدا برود و کسی که
اندوهگین باشد و ترا طلب کند اگر یک فرسخ و دو ثلث باید رفت برود اگر
دو فرسخ باید رفت یاری دادن مظلوم برود بر تو باد که همیشه استغفار کنی
مومن را سه علامت است نماز گزاردن و زکوة دادن و روزه داشتن
و کسی که بتکلف خود را بر چیزی میدارد سه علامت است ملق کردن کسی
وقتی که حاضر باشد نزد آنکس و غیبت کردن وقتی که غایب باشد و شادی
کردن بمصیبت کسی و ظالم را سه علامت است غلبه کردن بکسی که زبون
اوست و نافرمانی کردن نسبت بکسی که مرتبه زیاده از و باشد و یاری
کردن ظالمان را و اهل ریا را سه علامت است نشاط داشتن در خوشحالی

کردن

کردن در عبادت وقتی نزد مردم باشد و کاهل بودن در عبادت
وقتی که تنها باشد و دوست داشتن هر زمانی که ستایش کنند او را
در جمیع کارها و حقایق را ... در وقتی که تحسین کنند
و تقاعد و عهد کردن ... ده چیز است
که فراموشی می آورد خوردن سیب ترش و خوردن گشنیز و خوردن پنیر
و خوردن پس مانده موش و خواندن آنچه در قبرها می نویسند و مرکنند و راه
رفتن میان دو زن و انداختن شپش و حجامت کردن در مغاک سر و بول
کردن در آب ایستاده عیش در سه چیز است سرای گشاده و زن خوش شکل
و اسب باریک میان بحق خدا که کسی که تواضع و فروتنی کند از برای
باشد حضرت حق سبحانه و تعالی او را بیرون آورد و مرتبه او را بلند تر گرداند
از بزرگان نزد سلاطین آنکسی که نسبت کند بغیر پدر خود و او به غیر پدران خود
لعنت کند خدای تعالی او را و آنکسی که مزد مزدور ندهد لعنت خدای تعالی
او را و آنکسی که بدعتی احداث کند یا جا دهد اهل بدعت را لعنت خدا
بر او باشد کسی گفت یا رسول الله بدعت کدام است آنحضرت گفت خود

ناحق کردن . مومن آن کسی است که ایمن باشند مسلمانان از زبان و مال او
خون خود و مسلمان کسی است که مردمان از او بسلامت باشند . از زبان و دست او
و مهاجر کسی است که ترک گناهان کند . شدید العقاب ترین بندگان
کسی است که دین حق و دنیای او برای خصمان باشد . هر که فرمان برداری
زن خود کند خدای تعالی او را در روی در دوزخ افکند . امیر المؤمنین
علی علیه السلام گفت که فرمان زن کدام است آنحضرت گفت فرمان
برداری زن آنست که شوهر زن را اجازت دهد که بحمام و عروسی و تعزیت برود
و پوشیدن جامه‌های تنگ و خوب . حضرت حق سبحانه و تعالی
برده است بسبب اسلام نخوت و تکبر جاهلیت و تکبر و تفاخر کردن
به پدران بدرستی که مردمان همه فرزند آدم اند و آدم از خاک است و گرامی
ترین مردمان نزد خدای تعالی کسی است که تقوی و پرهیزکاری او بیشتر
باشد . حرام است بهای حیوانی که مرده باشد و بهای سگ و بهای
شراب و آنچیزی که زن زنا کنند و می ستانند بجهت زنانی که داده است
و آنچه منجم و رمال بجهت عملی که میکنند . آنکس که علم بیاموزد بجهت

جدال کردن با سفیهان یا با عالمان یا بجهت آنکه مردمان باو میل کنند
پس مقام او در آتش دوزخ است . وقتی که بنده بمیرد مردمان میگویند که چه
چیز بجا مانده است از او و فرشتگان میگویند که پیش از مردن چه عمل کرده است
دنیا زندان مومن است و بهشت کافر . وحی کرده است حضرت
خداوند سبحانه و تعالی به دنیا که خدمت کن کسی را که خدمت من کند و در مشقت
انداز کسی را که خدمت تو کند . اگر دنیا برابر بودی نزد خدا با پر مگسی
شربتی آب از دنیا بکافران نمیداد . نیست کسی از خلق اولین و آخرین
مگر آنکه روز قیامت خواهد گفت که کاشکی نمیداشتم
از مال دنیا بجز قوتی . بدترین مردمان آن کس است که راضی نباشد بقضای
خدای تعالی . ناله مومن که بیمار باشد تسبیح است و فریاد او تهلیل است
و خواب کردن او بر فراش عبادت است و گردیدن او از یک پهلو بپهلوی
دیگر جهاد است در راه خدا و اگر صحت یابد از بیماری از همه گناهان پاک
شود اگر بهدیه بیارند پاچه گوسفند قبول میکنم و اگر بطلبند مرا بطعام
که آن طعام سر پاچه گوسفندی باشد میروم . نیست بر زنان

نماز جمعه و نماز جماعت و بانگ نماز و اقامت و عیادت بیماران و در عقب جنازه
رفتن و تند رفتن میان صفا و مروه و دست برگرفتن حجر الاسود و سر تراشیدن
در حج و قاضی شدن و مشورت کردن با ایشان و ذبح کردن حیوانات
مگر بضرورت و بلند گفتن لبیک اللهم لبیک در حج و رفتن بزیارت
قبور و شنیدن خطبه و وکیل شدن در نکاح و بیرون رفتن از خانه
شوهر لعنت کنند او را خدای تعالی و جبرئیل و میکائیل و چیزی دادن از خانه
شوهر بی رخصت شوهر و شب گذرانیدن وقتی که شوهر با او در غضب
باشد اگرچه آن شوهر با او ظلم کرده باشد   اسلام برهنه است
و لباس او پوشش او حیاست و زینت او وفاست و مروت او عمل صالح است
و ستون او پرهیزکاری است و هر چیزی را اساس و بنیادیست و اساس
اسلام دوستی اهل بیت علیهم السلام   کج خلقی شوم است و فرمان
برداری زن ندامت و پشیمانی می آورد اگر شومی در چیزی می بود در زبان
زنان می بود نجات یافتند سبکباران که گناه ایشان کم است و علایق
و اسباب دنیوی ایشان کم است و گرانباران هلاک شدند که

که گناه ایشان

گناه ایشان بسیار است و علایق و اسباب دنیوی ایشان بسیار است   [illegible]
بر بنده [illegible] عملهای او [illegible] است   سه چیز است که زیاد میکند
حافظه را و می برد بلغم را شیر خوردن و مسواک کردن و قرآن خواندن   مسواک
کردن سنت پیغمبران است و پاک میکند دهن را و روشن میکند چشم را و خشنود میگرداند
پروردگار را و دفع میکند [illegible] و زیاد میکند [illegible] دهن را و محکم میگرداند لثه
بن دندان را و اشتهای طعام می آورد و می برد بلغم را و زیاد میکند حفظ را
و مضاعف میگرداند حسنات را و خوشحال میگرداند فرشتگان را
خواب کردن بر چهار نوع است بر پشت خوابیدن و این طریق خواب کردن
پیغمبران است و جانب راست خوابیدن و این طریق خواب کردن مؤمنان است
و جانب چپ خوابیدن این طریق خواب کردن کافران است و منافقان
و برو خوابیدن این طریق شیاطین است   حضرت حق سبحانه و تعالی
هر پیغمبری که فرستاد ذریت و فرزندان او را از پشت او کرد و
ذریت مرا از پشت تو و اگر تو نمی بودی مرا ذریت نمی بود   چهار چیز است
که از جمله چیزهایی است که میشکند پشت آدمی را فرمان برداری [illegible]

که او مانی خدای تعالی و خیانت کردن زنی که شوهر را فرقت و بر غایت [illegible]
او کند و [illegible] دیگری که هیچ علاج [illegible] حلال [illegible]
لازم باشد بودن [illegible] عبد المطلب [illegible] اسلام [illegible] سنت
نهاد که جاری کرده اند خدای تعالی آن سنت را در اسلام [illegible]
[illegible] پس فرستاد خدای تعالی این آیت که ولا تنکحوا ما نکح آباؤکم من النساء
یعنی نکنید و زنی نخواهید زنانی که نکاح کرده اند پدران شما [illegible]
یافت و خمس بیرون کرد از آن گنج و داد بمستحق پس خدای تعالی فرستاد
این آیت که واعلموا انما غنمتم من شیء فان لله خمسه وللرسول ولذی القربی
والیتامی والمساکین وابن السبیل ان کنتم آمنتم بالله وما انزلنا علی
عبدنا یوم الفرقان یوم التقی الجمعان والله علی کل شیء قدیر یعنی بدانید ای
مومنان که هر غنیمتی که گرفتید از کافران پس بدرستی که مر خدای راست
پنج یک او و مر رسول او و مر خویشان رسول را از اهل اسلام و یتیمان مسلمانان را
که فقیر باشند و درویشان از اهل اسلام و مسافران مسلمانان این خمس
بدهید اگر شما ایمان آورده اید بخدای تعالی و آنچه ما فرستادیم بر بنده خود

مانکح

که [illegible] آیات [illegible] جاهلیت [illegible] باطل کرد آن روز [illegible]
که [illegible] کرده [illegible] مسلمانان با کافران جهت جنگ و خدای تعالی [illegible]
[illegible] سقایة الحاج نام نهاد پس
خدای [illegible] سقایة الحاج و عمارة
المسجد الحرام کمن آمن بالله والیوم الآخر وجاهد فی سبیل الله لا یستوون
عند الله والله لا یهدی القوم الظالمین یعنی آیا میدارید آب دادن [illegible]
حاجیان را و عمارت کردند مسجد حرام را همچو آنکس که ایمان آورده اند بخدا و
جهاد کرده اند در راه خدا برابر نیستند این دو قوم نزد خدای و خدای راه
نمی نماید جماعت ظالمان و کافران را چهارم آنکه دیت قتل را صد شتر کرده بود
پس جاری کردانید حق تعالی این را در اسلام پنجم آنکه در طواف عدد معین
نبود تعیین کرد در میان قریش پس عبد المطلب از برای ایشان هفت
عدد تعیین کرد پس جاری کردانید خدای تعالی این را در اسلام
عبد المطلب قمار نباخت و بت نپرستید و نخورد آنچه را که ذبح میکردند
کافران بنام بتان خود و گفت که من بر دین پدر خود ابراهیم علیه السلام

بهترین مردمان از روی ایمان و بدترین ایشان [illegible] از روی یقین آن قوم اند
که بعد خیر الزمان ایمان آورده اند و نادیده باشند با وجود آنکه شرف ملازمت پیغمبر
صلی الله علیه و آله نرسیده اند صاحب الزمان غایب باشد [illegible] چیزی است
که سیاهی بسیار زود دل را [illegible] شنیدن [illegible] سفید کردن [illegible] طریق [illegible]
پیرهن خانه صاحب الیقین [illegible] نماز مکن در [illegible] گوشت
از [illegible] شتران خورده و نماز مکن در ذات الجیش و ذات الصلاصل و ضجنان
ذات الجیش نام موضعی است میان مکه و مدینه و ذات الصلاصل نام موضعی است
در راه مکه و ضجنان نیز نام موضعی است در راه مکه حلال است از لحم مرغ
آنچه طرف او باریک تر [illegible] باشد از طرف دیگر و حلال است از ماهی آنچه
فلوس دارد و حلال است از مرغ آنچه در وقت پریدن بالهای خود را بهم زند و حلال
از مرغ [illegible] باشد آنچه سنگدان یا خار دارد [illegible]
[illegible] دارد و هر مرغی که چنگال درنده دارد حرام است [illegible] دست بریدن
[illegible] بجهت دزدی [illegible] بجهت دزدی [illegible]
[illegible] هر مرد [illegible] زن [illegible] کنایت [illegible]

[illegible]

[illegible] که [illegible] حیض [illegible] وقت [illegible]
[illegible] پدر [illegible] خود [illegible] شوهر
خود [illegible] بجهت [illegible] سوم [illegible]
[illegible] روزه [illegible] وصال حرام است
سوم وصال آنست که روزه [illegible] متصل [illegible] افطار نکند و جایز
نیست [illegible] اگر هجرت کرده [illegible] از مکه به مدینه [illegible] خود [illegible]
وطن بسازند [illegible] نمی باید کشت پدر را بجهت آنکه پسر خود را کشته باشد
[illegible] کسی اگر دل او غافل باشد خواب کردن عالم فاضل تر است
از عبادت کردن عابد جاهل دو رکعت نماز که عالم بگذارد فاضل تر است از
هزار رکعت نماز که عابد جاهل بگذارد جایز نیست که زن روزه سنت دارد
بی رخصت شوهر خود و درست نیست که بگیرد [illegible] بی اذن مولای خود و همچنین [illegible]
نیست که مهمان روزه سنت بگیرد بی اذن صاحب منزل روزه [illegible]
در روز عید رمضان و عید قربان درست نیست و حرام است روزه [illegible]
وصال [illegible] روزه [illegible] حرام [illegible] روز [illegible] معصیت حرام است و نذر

روزه المعصیت آنست که نذر کند که اگر فلان معصیت قدرت یابم یک روزه
یا زیاده روزه بدارم فرض نیست روزه داشتن حرام است   روزه ناشکستن
سه خصلت در دنیا و سه خصلت در آخرت اما آن سه خصلت که در دنیاست
آنست که می برد صفا روی را و کوتاه میکند عمر را و قطع میکند روزی
را و اما آن سه خصلت که در آخرت است بدی حساب است و غضب خدای تعالی
و همیشه در دوزخ بودن   گناه سود خوردن برابر گناه هفتاد زنا است
کمترین آنها آنست که با مادر خود در خانه کعبه زنا کند   یک درهم از سود
که گناهی او زیاده است نزد خدای تعالی از هفتاد زنا کرده باشد
در خانه کعبه بر بالای حرم او باشد   هر کسی که نگاه دارد نیم دانگ زر زکوة
مال خود و او را ندهد بمستحق او مومن و مسلمان نیست و او را کرامت
نیست نزد خدای تعالی   هر کسی که زکوة ندهد طلب کند از خدای تعالی
در وقت مردن از روی حسرت که باز گردانند او را در دنیا تا آنکه زکوة بدهد
موید این سخن این آیت حتی اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون
لعلی اعمل صالحا فیما ترکت کلا انها کلمة هو قائلها ومن ورائهم برزخ الی یوم

یبعثون یعنی تا وقتی که بیاید این بیچارها مرگ بزاری بودند باز گردانید مرا
معاینه ببینند و آثار و عذاب مشاهده کنند بگریند از روی حسرت و بگویند
ای خداوند ما بار دیگر بازگردان ما را بدنیا تا یک عمل صالح بکنیم و آن چیزی که او را
گرد آورده‌اند که او را باز گرداند هر چیزی که درخواست منع است که حجت
غلبه حسرت میگویند و پیش ایشان چیزیست که مانع است از بازگشتن
گشتن ایشان و او قبر است و در آنجا خواهند بود تا روز حشر   کسی که
حج نکند و قدرت داشته باشد کافر است زیرا که حضرت حق سبحانه
و تعالی فرموده است که ولله علی الناس حج البیت من استطاع
الیه سبیلا و من کفر فان الله غنی عن العالمین یعنی مر خدای راست
بر مردمان قصد خانه کعبه هر که توانائی دارد که برود و هر که قبول نکند
واجب بودن حج را پس بدرستی که خدای تعالی بی نیاز است از همه
عالمیان   هر کسی که تاخیر کند در حج کردن و قدرت داشته باشد و حج
نکند و بمیرد بر انگیزاند خدای تعالی او را در روز قیامت یهودی یا نصرانی
صد قبر در میکند علما را که مقدر شده باشد   عذاب قبر زیاده میکند

نجوم در وقت طعام خوردن انگشتان را پاک کردن [illegible] سنت

از مصطفی [illegible] شفاعت خواهم کرد

چند جا [illegible] کرده باشند و شفاعت خواهم کرد در روز

[illegible] اگر زمان جاهلیت [illegible] ایشان را

[illegible] دو کس یکی [illegible] دیگری علیه السلام

که پدر آنحضرت بود و من نگفتم که دعای [illegible] در حق [illegible]

شده عقل چیزیست که سبب آن بهشت [illegible] و سبب او کار

میکنند که موجب خشنودی خدای تعالی میشود اول چیزی که خدای تعالی

آفریده است عقل است چون خدای تعالی عقل را آفرید گفت رو

بآن جانب کن عقل رو بآن جانب کرد بعد از آن گفت حضرت حق

سبحانه و تعالی که بعزت و جلال من که نیافریدم چیزی که دوستتر باشد

نزد من از تو بسبب تو قبول میکنم طاعت او بسبب تو می بخشم جزا

و بسبب تو ثواب و عقاب میکنم [illegible]

که خویشان محتاج باشند [illegible] شود [illegible] کردن [illegible]

ثواب او بیشتر است [illegible]

کردن چند خصلت است [illegible] روشن میکند چشم

[illegible] دماغ را [illegible]

[illegible] شیطان و خوشحال

[illegible]

[illegible] خوشتر است [illegible]

[illegible] کردن [illegible] چیزی نیست [illegible]

[illegible] چیزی نیست [illegible] کرم و چیزی نیست

[illegible] چیزی نیست [illegible]

[illegible] چیزی نیست [illegible] چیزی نیست [illegible]

[illegible] حرام [illegible]

[illegible] سبز [illegible]

[illegible] چهار چیز [illegible]

[illegible] مشابهت [illegible]

در خواص اسم امیر المؤمنین علی علیه السلام و گفت علی از رسول الله حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله که هر که خواهد که حق تعالی حسن خلق و حلم او بسیار شود و [illegible]
بشمرد خویشان خود و انصاف او بسیار باشد . وقتی که از اسب [illegible]
جمعی در کشتی نشسته باشد و خواهد که ایمن شوند از غرق [illegible]
باید که بخواند این آیتها را بسم الله الرحمن الرحیم وما قدروا الله حق قدره
والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات بیمینه سبحانه وتعالی
عما یشرکون بسم الله مجریها ومرسیها ان ربی لغفور رحیم . ایمن شود
از [illegible] وقتی که بخواند این آیتها را قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما
تدعوا فله الاسماء الحسنی ولا تجهر بصلاتک ولا تخافت بها وابتغ بین ذلک
سبیلا وقل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن
له ولی من الذل وکبره تکبیرا . ایمن شود [illegible]
خانها [illegible] ایشان [illegible] وقتی که بخواند این آیت ان الله یمسک
السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده
انه کان حلیما غفورا . ایمن شود [illegible] وقتی که [illegible]

[illegible] ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم [illegible]
[illegible] ایمن شود [illegible] وقتی که بخواند این آیتها را
ان ولیی الله الذی نزل الکتاب وهو یتولی الصالحین وما قدروا الله
حق قدره اذ قالوا ما انزل الله علی بشر من شیء قل من انزل الکتاب الذی
جاء به موسی نورا وهدی للناس تجعلونه قراطیس تبدونها وتخفون کثیرا وعلمتم
ما لم تعلموا انتم ولا اباؤکم قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون . اگر کسی [illegible]
[illegible] باید بخواند این آیت لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه
ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم فان تولوا فقل حسبی الله
لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم . وقتی که اسب سرکشی کند
[illegible] باید که بخواند [illegible] این آیت افغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی
السموات والارض طوعا وکرها والیه یرجعون . اگر کسی را [illegible]
باید که بنویسد [illegible] آیة الکرسی [illegible]
[illegible]
[illegible] ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض

بجهة سرکشی اسب

بجهة درد شکم

فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا والشمس
والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین
ادعوا ربکم تضرعا وخفیة انه لا یحب المعتدین ولا تفسدوا فی الارض بعد
اصلاحها وادعوه خوفا وطمعا ان رحمت الله قریب من المحسنین
حق فرزند بر پدر آنست که او را نام نیکو کند و ادب نیکو دهد و [illegible]
برای او تعیین کند و حق پدر بر فرزند آنست که پدر را بنام نخواند و در راه
پیش او نرود و پیش او ننشیند و دشنام نیست به بیگانه که پدر را دشنام
ندهد هر چیز از [illegible] کل [illegible]
[illegible] کردن [illegible] کرده است خدای تعالی پدر و مادر را اگر با حیات باشند
کردن فرزند شوند [illegible] لازم شود پدر و مادر را از نافرمانی
کردن فرزند [illegible] از نافرمانی کردن پدر
و مادر خود رحمت کند خدای تعالی پدر و مادری را که باعث شوند فرزند خود را
به نیکویی کردن با ایشان . آنکسی که نیکویی سازد پدر و مادر خود را
به پیشی گرفتن و نافرمانی کردن است با ایشان . آنکسی که رحمت کند [illegible]

برادر مسلمان [illegible]
خدای تعالی [illegible] . ناگاه کسی [illegible]
[illegible]
در روز قیامت هیچ درویشی سخت‌تر از جهل و هیچ مالی
نفع دهنده‌تر از عقل نیست و هیچ تنهایی بوحشت‌تر از عجب و تکبر
نیست و هیچ عقلی مانند تدبیر نیست و هیچ پرهیزکاری مانند بازایستادن
از حرام و گناه نیست و هیچ شرف و بزرگی چون حسن خلق نیست و هیچ عبادت
چون تفکر در مصنوعات خدای تعالی نیست . آفت سخن دروغ گفتن است و آفت
علم فراموشی است و آفت عبادت فتور است و آفت جمال تکبر است
و آفت حلم [illegible] است . [illegible] چیزها آنست که ضایع میکنند مال
و درویش می‌سازد کسی را چیزی خوردن و حالت سیری [illegible]
کردن [illegible] اجابت کردن [illegible]
[illegible] آنکسی که فراموش کند صلوات [illegible]
کرده است [illegible] . هر چیز از [illegible] کردن [illegible]

و گفت نگردن در هیچ حکم تقدیر نهادن کلاغ منقار خود را بر زمین [illegible]
چیزی و برهنه از جهت شیر بود آوردن و پیشتها تا مرفق در آستین [illegible]
پیشان [illegible] نزد من از چیزی [illegible] از مخلوق تا فرمان [illegible]
نزد خدای تعالی [illegible] گفت روز [illegible] اول کسی دوست دارد
خدای تعالی و رسول خدا را [illegible] کافر [illegible] انگشتری که
خدای تعالی فرستاده است انگشتری در دست [illegible]
فضیلت نزدیکان و مقربان خدای تعالی و رسول خدا [illegible]
[illegible] بکافر شده و بهشت [illegible] خدای تعالی فرستاده است و درین است [illegible]
علی علیه السلام گفت یا رسول الله از چه چیز بسازم حضرت رسالت
پناهی صلی الله علیه وآله فرمود که از عقیق سرخ بساز [illegible] عقیق سجاد
شده است [illegible] اول اقرار کرده است بوحدانیت حق سبحانه و تعالی
و به پیغمبری من و [illegible] بودن تو و امامت فرزندان تو و بهشت [illegible]
[illegible] حق تعالی نظر کرد به دنیا پس بر گزید مرا از دنیا
و تفضیل داد در مردان [illegible] نظر کرد به دنیا پس بر گزید ترا و تفضیل داد

کمی اهل حق

دیگر از فرزندان تو [illegible] بر گزید ایشان را [illegible]
دنیا و تفضیل کرد در مردان عالم [illegible] نظر کرد به دنیا [illegible]
علیهم السلام از دنیا و تفضیل کرد بر زنان عالم [illegible] نام ترا با نام خود در چند
موضع [illegible] یکی آنکه چون رسیدم به بیت المقدس
در [illegible] نوشته بود که لا اله الا الله محمد رسول الله ایدته
بوزیره و نصرته بوزیره [illegible] کردم [illegible] محمد [illegible] رسیدم
از جبرئیل علیه السلام که گفت وزیر تو علی بن ابی طالب علیه السلام
دیگر آنکه چون رسیدم به سدرة المنتهی نوشته یافتم که انی انا الله لا اله
الا انا وحدی محمد صفوتی من خلقی ایدته بوزیره و نصرته بوزیره پرسیدم
از جبرئیل علیه السلام که کیست وزیر من گفت علی بن ابی طالب علیه السلام
دیگر چون [illegible] از سدرة المنتهی در رسیدم بر عرش [illegible] یافتم بر ستونهای
عرش انا الله لا اله الا انا وحدی محمد حبیبی ایدته بوزیره و نصرته بوزیره
[illegible] از خدای تعالی که چند خصلت [illegible] قبول کرد حضرت
حق سبحانه و تعالی [illegible] آنکه اول کسی که از قبر [illegible] آید [illegible] تو باشی

دیگر اول کسی که بیرون آید [illegible] با من تو باشی دیگر اول کسی که پوشانیده شود از
حلهای بهشت با من [illegible] شود با من تو باشی و دیگر اول کسی که در علیین
ساکن شود با من تو باشی و علیین جایی است بر آسمان هفتم در زیر عرش و دیگر
اول کسی که بیاشامد از شراب بهشت با من تو باشی بعد از ان گفت
حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله سلمان فارسی رحمة الله علیه را که ای
سلمان در بیماری سه خصلت است یاد خدای تعالی میکنی و دعا مستجاب
میشود و گناهان تو تمام آمرزیده میشود و متمتع بر خود داری و ما دم را در حفظ خدای
تعالی بعافیت تا وقت رسیدن اجل بعد از ان حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
گفت با ابی ذر رحمة الله که ای ابا ذر پرهیز از چیزی طلب کردن از مخلوق چه
که طلب چیزی [illegible] احتیاج است در دنیا و موجب ذل [illegible]
در آخرت یا ابا ذر زندگانی خواهی کرد تنها و خواهی مرد تنها و خواهی
رفت بهشت تنها و نیک بخت خواهند شد بجهت تو قومی از
اهل عراق که قیام نمایند بغسل دادن تو و بکفن و دفن کردن یا
ابا ذر از کسی طلب مکن و اگر چیزی بتو رسد قبول کن هر چه باشد

بعد از ان

بعد از ان گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله باصحاب که آیا خبر دهم شما را به
بدترین شما گفتند بلی یا رسول الله آنحضرت فرمود که بدترین شما آنکسانند
که سخن چینی کنند و میان دوستان جدایی اندازند و عیب مردمان کنند

فصل چهارم در [illegible] پیغمبر صلی الله علیه و آله با ابن مسعود

رضی الله عنه روایت است از عبد الله ابن مسعود که گفت که روزی رفتیم من با
پنج کس از اصحاب بخدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و ما بسیار گرسنه
بودیم [illegible] از [illegible] که [illegible] چیزی نخورده بودیم
گفتیم یا رسول الله تا کی ما چنین اوقات خواهیم گذرانید و گرسنه خواهیم
بود آنحضرت گفت که [illegible] تا زنده باشم که [illegible]
کنید پس [illegible] خدای تعالی [illegible] که من خوانده ام آیاتی که خدا
تعالی فرستاده است [illegible] کتابهایی که فرستاده است بر پیغمبران
که پیش از من بوده اند پس یافتم در کتابها که کسی بهشت رود
[illegible] باشد یا ابن مسعود خدای تعالی فرموده است
[illegible]

خشنود مرو صبر کنندگان را و بشارت یعنی [illegible] ایشان کرد
چنانچه [illegible] خدای تعالی گفته است [illegible] اولئک یجزون الغرفة
بما صبروا یعنی این گروه صابران که جزای ایشان بهشت است
بهشت [illegible] گفته است انی جزیتهم الیوم بما صبروا
انهم هم الفائزون یعنی بدرستی که من جزا دادم ایشان را امروز بآنکه
صبر کردند بدرستی که ایشان رسیدگان اند [illegible] و نیز گفته است
وجزاهم بما صبروا جنة وحریرا یعنی جزا داد خدای تعالی ایشان را بسبب آنکه
صبر کردند بوستانی که میوه آن را بخورند و جامه ابریشم بهشت که بپوشند
و نیز گفته است که [illegible] اولئک یؤتون اجرهم مرتین بما صبروا یعنی آن گروه
که ایمان آورده بودند بکتاب خدای تعالی که پیش از قرآن نازل شده بود
و ایمان آوردند بقرآن جزا داده میشوند دو بار بسبب آنکه صبر کردند و ثابت
بودند بر ایمان خود و نیز گفته است خدای تعالی ام حسبتم ان تدخلوا الجنة
ولما یأتکم مثل الذین خلوا من قبلکم مستهم البأساء والضراء یعنی آیا پنداشتید
که شما ای مهاجران به بهشت میروید و حال آنکه نرسیده بشما مانند آنچه

که پیش از شما بودند یعنی مؤمنان و صدیقان و منافقان ایشان را سختی رسید
با ایشان سختی و بیماری تا که جنبانیده شدند و نیز گفته است ولنبلونکم بشیء
من الخوف والجوع ونقص من الاموال والانفس والثمرات وبشر الصابرین
یعنی هر آینه می آزمایم شما را بچیزی اندک از بیم دشمن و گرسنگی قحط و نقصان
یعنی زیانها که برسد [illegible] و آفات [illegible] و نقصان [illegible] بیماری ضعیف [illegible]
و نقصان میوه ها بآفات سماوی و ارضی یا بمرگ فرزندان که میوه دل اند
و بشارت ده صبر کنندگان را بهشت پس گفتم یا رسول الله صابران
کیستند آنحضرت فرمود که صابران آنها باشند که صبر کردند بر طاعت خدای
و باز ایستادند از معصیت و کسب کردند [illegible] حلال [illegible]
کردند وقت توانگری و درویشی و پرستش کردند [illegible]
شدند و حاجت ایشان برآورده شد [illegible] یا ابن مسعود صابران
آنها اند که زیور ایشان خشوع و وقار و سکینه و فکر باشد و علامت و عدل
[illegible] و تعلیم کنند از مردمان [illegible]
و [illegible] کنند [illegible] پرهیزکاری نمایند و احسان و نیکویی کنند [illegible]

دوم آنکه از خدا بترسد و دوستی و دشمنی ایشان برای خدا باشد و داد از
کنند و عدل نمایند در حکومت و اقامت شهادت کنند و یاری اهل
حق نمایند و عفو کنند از کسی که بایشان ظلم کرده است دیگر گفت یا ابن مسعود
صابران آنکسانند که چون مبتلا شوند بلای صبر کنند و چون نعمت
بایشان برسد شکر گویند و چون حکم کنند عدل نمایند و راستی کنند و هرگاه
سخن کنند راست گویند و چون عهد کنند بآن عهد وفا کنند و هرگاه
گناهی از ایشان در وجود آید استغفار کنند و هرگاه نیکوئی کنند خوشحال
شوند و چون سخن بیهوده نادانان بگویند بایشان سخن سخت نگویند
و ملایمت کنند و چون بگذرند بچیزی ناپسندیده تحمل نمایند و ملامت
کنند و صابران آنکسانند که شب را بروز می‌آورند برای پروردگار خود
سجده کنند و بر پای ایستند یعنی مشغول نماز شوند نمایند نماز و علم در این
سخنان نیکو شنوند دیگر گفت یا ابن مسعود بحق آنکسی که مرا بحق بخلق فرستاد
که این جماعت که مذکور شد صابرانند دیگر گفت آنکسی که گشاده است
خدای تعالی سینه او را برای قبول اسلام و انقیاد فرمان ملک

علام و متابعت سنت پیغمبر آخر الزمان صلوات الله و سلامه علیه چون کسی است که سینه
او از قبول حق تنگ است پس آن گشادگی سینه بروشنی معرفت از پروردگار
خود میرسد که هرگاه نور ایمان در دل درآید گشاده میشود دل و وسعت بهم میرساند
گفتم یا رسول الله آیا آن کس را علامتی هست فرمود که بلی علامتی
هست که میل نکند بدنیا که سرای غرور است و میل کند بآخرت که سرای خلود است
و مهیا باشد برای مردن پیش از رسیدن اجل یعنی کاری که در دوری جوید از
دنیا که نفع شود از روی او و یکدیگر دنیا بر اهل لعب و دیگر گفته است که خدای تعالی
فرموده است که لنبلونکم ایکم احسن عملاً یعنی دنیا و آخرت را بیافریدم تا
بیازمایم شما را و ظاهر شود که کدام از شما شکر میکند از روی عمل نیکی که کدام از شما
زهدش بیشتر است و در دنیا بدانید که دنیا سرای غرور است و سرای
کسی است که او را سرای نیست و جمع میکند دنیا را کسی که او را هیچ عقل
نیست و بیعقل ترین مردمان کسی است که طلب دنیا میکند زیرا که خدای تعالی
فرموده است اعلموا انما الحیوة الدنیا لعب و لهو و زینة و تفاخر
بینکم و تکاثر فی الاموال و الاولاد کمثل غیث اعجب الکفار نباته ثم یهیج

قرین مستغرق انکه بگویی خطاها و فی الاخرة عذاب شدید یعنی در آخرت ای طالبان
دنیا که زندگانی دنیا بازیچه و بیهوده و رنج کشیدن در طلب متاع دنیا چون
لعب و غفلت است در بازیهای جاهل و مفاخرت میان یکدیگر و زینت و جاه
و مباهات است بر بسیاری مال و فرزندان پس مثل دنیا در سرعت زوال
و زودی انتقال بچیزی است که بر زمین نشسته باشد و گیاهها که درخت
زود بر روید و سبز شود پس از روی خوبی شگفت آورده مر زارعان را خوش آید
باشند از باران پس خشک گرده یکی از آفات سماوی بازر [illegible] پس
آن گیاه زرد شده و بعد از آن درهم شکسته و ریزه ریزه شده و در آخرت
عذاب سختی است مر آنهائی که عمر در طلب دنیا کرده اند و از حق
فراموش کرده چنانکه گفته است خدای تعالی [illegible] دیگر گفته است
خدای تعالی بموسی که ای موسی هیچ زرقی نزد من بهتر از درویشی نیست یا موسی
هرگاه درویشی رو بتو آورد بگو خوش آمدی ای شعار صالحان و هرگاه توانگری
رو بتو آورد بگو گناهی کرده بودم که زود عقوبت آن بمن رسید [illegible]
مسعود دیگر خدای تعالی فرموده است ولولا ان یکون الناس امة

واحدة لجعلنا لمن یکفر بالرحمن لبیوتهم سقفا من فضة ومعارج علیها یظهرون
ولبیوتهم ابوابا وسررا علیها یتکئون وزخرفا وان کل ذلک لما متاع
الحیوة الدنیا والاخرة عند ربک للمتقین یعنی اگر نمی شد آنکه مردمان
یک گروه بر اختیار دنیا بر آخرت همه میگردانیم برای کسانی که ایمان
نمی آورند بخدای تعالی مر خانهای ایشان را سقفها از نقره و نردبانها
بر بام آن خانها بر آیند و خود در انجا نشینند و می ساختیم برای خانهای
ایشان از نقره درها و تختها که برای تکیه کنند و با وجود این ایشانرا
طلا هم دادیمی و چنین هم انچه یاد کرده شد که برخورداری از زندگانی
دنیا و نعمت آخرت نزد پروردگار تو مر پرهیزکاران راست که از دنیا و
متاع او اجتناب نموده اند دیگر گفته است من کان یرید العاجلة عجلنا
له فیها ما نشاء لمن نرید ثم جعلنا له جهنم یصلیها مذموما مدحورا ومن اراد الاخرة
وسعی لها سعیها وهو مؤمن فاولئک کان سعیهم مشکورا یعنی آنکسی که خواهد
نعمت این جهان بدهیم در دنیا آنچه خواهیم از نعمتها بآنکسی که خواهیم
از طالبان دنیا پس آماده کنیم برای او دوزخ را و آخرت پس در آید در

دوزخ در جاهی کرده شوم باشد و دور باشد از رحمت خداوند تعالی و دیگر
خواهد آخرت و سعی کند برای آخرت آنچه حق سعی باشد یعنی اعمالی نیکو
و حال آنکه او مومن باشد پس آن گروه که این صفت و شرط باشد که
طلب آخرت کنند و اعمال نیکو کنند و ایمان داشته باشند پس سعی
ایشان مقبول درگاه رسیده است نزد خدای تعالی یا ابن مسعود آنکه
بهشت های بهشت شتاب میکنند در خیرات و آنکه کسی که ترسید از دوزخ
ترک میکنند آرزوهای نفس را و آنکه اختیار مردن می برد که میکند لذتها
و آنکه زاهد و بی رغبت است در دنیا آسان میشود بر وی مصیبتها و دیگر خدای تعالی
فرموده است زین للناس حب الشهوات من النساء والبنین والقناطیر
المقنطرة من الذهب والفضة والخیل المسومة والانعام والحرث ذلک
متاع الحیوة الدنیا والله عنده حسن المآب یعنی زینت داده شد بر دل
مردمان دوستی آرزوهای نفس از زنان و پسران و خزینه های بسیار از نقره
و طلا و اسبهای خوب و دیگر چهارپایان از شتر و گاو و گوسفند و کشت زارها
و اینها که یاد کرده شد متاع زندگانی دنیاست و نزد خدای تعالی

بازگشت یا ابن مسعود بدرستی که [illegible]
[illegible] بود [illegible] از پوست شکم او
[illegible] گرفته بود [illegible]
[illegible] و اگر میخواهی خبر دهم ترا از حال نوح علیه السلام
بدرستی که نوح [illegible] نهصد و پنجاه سال چون صباح میشد میگفت
که شب نخواهم رسید و پوشش او از پشم بود و خوردنی او نان جو بود
و اگر میخواهی خبر دهم از احوال داود علیه السلام بیان کنم بدرستی که او خلیفه
خدا بود در روی زمین و لباس و پوشش او از پشم بود و خوردنی او
از نان جو بود و اگر میخواهی خبر دهم ترا از حال سلیمان علیه السلام با وجود آنکه
پادشاه روی زمین بود نان جو میخورد و نان میده بمردم میداد و
پوشش او از پشم بود و هر گاه شب میشد می بست دستهای خود را [بگردن]
و نماز میکرد تا صبح و اگر میخواهی نمونه از احوال ابراهیم خلیل علیه السلام ترا
بگویم بدرستی که لباس او از پشم بود و خوردنی او از نان جو بود و اگر میخواهی
خبر دهم ترا نمونه از احوال یحیی علیه السلام بدرستی که لباس او از

لیقعد با بود و خوردن آن نور که درخشان بوده و اگر تجلی خبر دهم نبوده جلال کی
علیه السلام هم هست که حال او عجیبه تر از همه بود که یک شخص که نان خورش
منکر ... و ... از معانی آنها نیست و لیس من اهلهم
... من یا بهای جهنم هست و جمیع من در عذاب است
و اگر کسی که بکرم میشود در بهشت آن ... است و ... در جهان من
کجا نیست که از زمین بر دیده و خورش بخورند در صباح و شام و هر چه
هست با وجود این نیست کسی در زمین غنی تر از من یا این نبوده
این همه را بشنیدند و غیر از آن شکر کنند که آن بود که همه را بشنید
که بجز خدای تعالی در جمیع احوال هست و حقیر می شمرد که بجز
خدای تعالی حقیر می شمرد و میل نمیکرد بجز الله تعالی
او را دوست نداشت که او دنیا است و حضرت حق سبحانه و
ثنا گفته است ایشان را در قرآن پس از برای نوح می گفته است
انه کان عبدا شکورا یعنی بدرستی که نوح بوده بنده ای که شکر
می گوید در همه حالی و از برای ابراهیم علیه السلام گفته است:

واتخذ الله ابراهیم خلیلا یعنی گرفت خدای تعالی ابراهیم را خلیل علیه السلام
و در حق داود علیه السلام گفته است انا جعلناک خلیفة فی الارض
یعنی ای داود ما گردانیدیم ترا خلیفه در زمین و از برای موسی علیه السلام گفته
که وکلم الله موسی تکلیما یعنی سخن گفت خدای تعالی با موسی سخن گفتنی بی واسطه
و نیز در حق موسی گفته است که وقربناه نجیا یعنی نزدیک گردانیدیم موسی را در درگاه
قرب در حالتی که راز گوینده بوده با ما و از برای یحیی علیه السلام گفته است
که وآتیناه الحکم صبیا یعنی دادیم ما یحیی را حکمت و فهم توریة در حالتی که کودک بود
و از برای عیسی گفته است که یا عیسی بن مریم اذکر نعمتی علیک وعلی
والدتک اذ ایدتک بروح القدس تکلم الناس فی المهد وکهلا واذ علمتک
الکتاب والحکمة والتوریة والانجیل واذ تخلق من الطین کهیئة الطیر فتکون
طیرا باذن الله وتبرئ الاکمه والابرص باذنی واذ تخرج الموتی باذنی
یعنی ای عیسی بن مریم یاد کن نعمت مرا که دادم ترا و مادر ترا وقتی که قوت
کردم ترا بجبرئیل علیه السلام و تو سخن میگویی با مردم از روی فصاحت
و بلاغت در گهواره و در پیری یکسان و دیگر یاد کن ای عیسی که چون

انهم غير متنوعه وغیرهما ولبعضها توریت وانجیل بود زاکرچه بهاری
ودیگری صورت مسیح عیسی بن مریم الصورت ... کاذکل بیاحت
بس میشود الصورت مرغ زنده بفرمان من و پرواز میکند بیرون می آورد
کور مادرزاد و پیس را درست میکنی و یاکرد به عجب می سازی
یکی را که بر ... من و جبت بیرون می آوری مرگانرا از قبرها
ایشان زنده میکنی بحکم من و از برای ما چنانکه گفته است انهم کانوا یسارعون
فی الخیرات ویدعوننا رغبا ورهبا وکانوا لنا خاشعین یعنی بدرستیکه
پیغمبران بودند که مشتاقبند در خیرات و میخواندند مارا از روی رغبت
بثواب و از جهت ترس از عقاب بودند مارا فرمان بردار و ابن
مسعود این نه را یافته که پیغمبران کشیده بجهت ان بود که ترسانیده
بود خدای تعالی ایشانرا در این قول که ان جهنم لموعدهم اجمعین لها
سبعة ابواب لکل باب منهم جزء مقسوم یعنی بدرستی که دوزخ
جای وعده کاه متابعان شیطانست همه ایشانرا و مر دوزخ را
هفت درهست و هر دری را از کمراهان بهره ایست قسمت کرده شده

و با این همه ترسانیده بود ایشانرا که وجیئ بالنبیین والشهداء وقضی بینهم
بالحق وهم لا یظلمون یعنی آورده شوند پیغمبران از برای حقوق امتان خود
و گواهان از برای حجت الله ... ایشان و حکم کرده شود میان خلایق
بعدل ... [illegible] ... ایشان ... [illegible] ... ثواب و
عقاب ... [illegible] ... دوزخ ... [illegible] ... که ... [illegible] ... و بهشت
برای کسی است که ترک کند زینت دنیا را که حلال باشد بر تو باد
که ... [illegible] ... و ترک کنی دنیا را ... [illegible] ... که ... [illegible]
تا ... [illegible] ... وحشت میکند
بر تو باد ای ابن مسعود دیگر گفته است که زود باشد که پیدا شود جماعتی
که نخورده باشند انواع طعامهای خوب و سوار نشده باشند بر اسبها
و زینت ... [illegible] ... خود را ... [illegible] ... زنان زینت ... [illegible] ... خود را
از برای ... [illegible] ... کرده باشند خود را ... [illegible] ... و لباس
بصورت ایشان ... [illegible] ... و ایشان منافقان این
امت اند کرده ... از ایشان شراب نخورده باشند و قاری ... باشند

بهر کم کنند نفس و تحصیل آرزو یعنی نفس را در بند افکنند و آرزوهای
نکشند و با تهشید مخصوص سرکوب باشند و فتح با نفس و آبکار
هیچ منکر نبوده باشند عذاب ایشان خواری در دنیا و آخرت که تمام جست
فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلوة واتبعوا الشهوات فسوف یلقون
غیا یعنی پس در رسید از پس ایشان فرزندان بد از بسیاری
غفلت ترک کردند نماز را و پیروی نفس کردند و پیروی آرزو قایم کردند
از انواع معاصی پس زود باشد که بد بینند سزای گمراهی را یا ابن مسعود
مثل ایشان مثل گیاهی است که سبزی و تازگی او نیکوست و طعم او بد است
سخن ایشان نیکوست و عمل ایشان بد است آیا ایشان فکر نمی کنند
در قرآن یا بر دلهای ایشان قفلها است یا ابن مسعود تو مگر نیست
کسی که نعم کند دنیا و در آخرت در دوزخ باشد همیدانند ظاهر حیوة دنیا را
و غافلند از آخرت بنا میکنند سراها و قصرهای محکم و زینت میکنند مسجدها را
بطلا میست میل ایشان مگر بدنیا و روی ایشان بدنیاست و اعتماد
کرده اند بر دنیا و شکم خود را خدای خود ساخته اند و از خدا غافلند و گوش

خدای ایشان تعالی به غفلت ایشان که تجربه کردن مثل ایشان تبعیت او
ابلیس است چنانچه فرمود وانتبعوا لهم یعنی از پس می کنند سبب یاد نگرفتن
حکم با جاوید خواسته بوده اند و چون سخت میکنند یعنی در حالی که بشتافت
بود ایشان به نیزه ای اندازه نیست و فرمان ایشان کردست خدای تعالی
افرأیت من اتخذ الهه هواه واضله الله علی علم وختم علی سمعه وقلبه وجعل علی بصره
غشاوة فمن یهدیه من بعد الله افلا تذکرون یعنی آیا چون می بینی که فرا گرفت
خدای خود را آرزوی خود یعنی فرمان بردار آرزوی خود کشت چنانکه فرمان
برداری خدا باید کرد و چون می بینی که گمراه ساخت خدای تعالی او را بجهت دانستن
که خدای تعالی است بر عاقبت آنکس و مهر نهاد بر گوش او که سخن نگوید و نشنود
و مهر نهاد بر دل او که تعقل آیات حق نکند و نهاد بر چشم او پوششی تا بنظر عبرت ننگرد
پس کیست که راه نماید این کس را بعد از فرو گذاشتن خدا او را آیا پند نمی گیرید
یعنی باید که پند بگیرید و متنبه شوید یا ابن مسعود نیست آنکس مگر منافق که گرفته است
دین خود را آرزوی خود و خدای خود را شکم خود یعنی پیروی آرزوی شکم کنند
چنانکه پیروی خدای تعالی و دین می باید کرد و هر چیزی که آرزو دارد از حلال

و در زمان بیاید قومی که مستند بانان و خدای تعالی فرموده است در شان ایشان که
(و فرحوا بالحیاة الدنیا وما الحیاة الدنیا فی الآخرة الا متاع) یعنی شاد
شدند اهل مکه بحیوة دنیا و آنچه از متاع دنیا بایشان داده اند و متاع دنیا
دنیا در جنب آخرت مگر چیزی اندک که ابقا و دوامی ندارد یا ابن مسعود بحق که
ایشان بازمان ایشان خواهد بود و شرف و بزرگی ایشان با علما و فقرا و همگی همت
ایشان مصروف این خواهد بود که شکم خود را پر کنند از طعام و این گروه بدترین
جماعتند و فتنه از ایشان بود و با ایشان باز خواهد گردید یا ابن مسعود خدای تعالی
فرموده است که افرایت ان متعناهم سنین ثم جاءهم ما کانوا یوعدون
ما اغنی عنهم ما کانوا یمتعون یعنی آیا دانستی که اگر برخوردار گردانیم ایشان را سالها
و زندگانی بخشیم پس بیاید بایشان آنچه وعده داده شده اند از عذاب
ما دفع نکند از ایشان عذاب را آنچه بآن برخوردار گردیده بودند یعنی
تمتع دنیا و نعیم دفع عذاب و مانع عقاب نخواهد بود یا ابن مسعود شکمهای
ایشان سیر خواهد شد و دلهای ایشان نمی ترسد یا ابن مسعود اسلام
بدا اول غریبا یعنی مسلمانان در اول زمان اسلام کم بودند و زود باشد

که غریب شود

که غریب خواهد شد چنانکه در اول بود پس خوشحال غریبانی که حاصلان بوده اند و علم
زمان اول اسلام و مسلمانی خواهند بود و بعد از ایشان جماعتی اند در زمان آخر باید که علم
نگیرند آن جماعت ... زمان باشند و حاضر نشود جنازه ایشان و عیادت
نکنند بیماران ایشان را زیرا که ایشان بظاهر طریق شما سلوک خواهند کرد
و دعوی اسلام خواهند کرد چنانکه شما دعوی میکنید و افعال ایشان مخالف افعال
شما خواهد بود پس ایشان خواهند مرد بغیر ملت اسلام پس ایشان نه از
امت من نیستند و من از ایشان بیزارم یا ابن مسعود باید که نترسد
کسی از غیر خدای تعالی بدرستیکه حق تعالی فرموده است که اینما تکونوا یدرککم
الموت ولو کنتم فی بروج مشیدة یعنی هر جا باشید در یابد شما را مرگ اگرچه
در حصارهای محکم باشید و نیز گفته است که یوم یقول المنافقون والمنافقات
للذین آمنوا انظرونا نقتبس من نورکم قیل ارجعوا وراءکم فالتمسوا نورا فضرب
بینهم بسور له باب باطنه فیه الرحمة وظاهره من قبله العذاب ینادونهم
الم نکن معکم قالوا بلی ولکنکم فتنتم انفسکم وتربصتم وارتبتم وغرتکم الامانی
حتی جاء امر الله وغرکم بالله الغرور فالیوم لا یؤخذ منکم فدیة ولا من الذین کفروا

[illegible] پس [illegible] کتاب [illegible] زبان

منافقان [illegible] اگر [illegible] منافقان [illegible]

[illegible] نوری

[illegible]

فهم این معنی کرده [illegible] تصور [illegible] که نور در عقب ایشان است [illegible] پس گفته

پس فرشته‌ها بحکم الهی بزنند میان منافقان و مومنان دیوار بزرگ

چون باره شهری که هر دو را دری باشد که مومنان چون در آیند از درون

آن دیوار که طرف منافقان است عذاب باشد یا که نزدیک دوزخ است

اما منافقان چون باز پس گردند و نور بجویند باز پیش روند مومنان

نشوند و دیوار [illegible] میان خود و ایشان [illegible] دیگر [illegible]

[illegible] که [illegible] بهشت [illegible] مومنان را [illegible]

مومنان [illegible] با شما در دنیا [illegible] و نماز [illegible] وقت نماز

روزه می داشتیم گویند مومنان که بلی ظاهرا با ما بودید و لیکن در [illegible]

نفسهای خود را بسبب نفاق و لذت معاصی [illegible] کشیدند

دنیا

و تا [illegible] حضرت [illegible] علیه السلام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] منافقان دوزخ بود و آتش [illegible] ایشان [illegible]

آتش یا ابن مسعود بر ایشان باد لعنت خدای تعالی از من و از جمیع پیغمبران

مرسل و فرشته‌های مقرب بر ایشان باد لعنت و غضب خدای تعالی و جزای

حساب در قیامت که حضرت [illegible] فرموده است لعن الذین کفروا

من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی بن مریم ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

کانوا لا یتناهون عن منکر فعلوه لبئس ما کانوا یفعلون تری کثیرا منهم یتولون

الذین کفروا لبئس ما قدمت لهم انفسهم ان سخط الله علیهم و فی العذاب هم خالدون

و لو کانوا یؤمنون بالله و النبی و ما انزل الیه ما اتخذوهم اولیاء و لکن کثیرا

منهم فاسقون یعنی لعنت کرده است خدای تعالی کافران از بنی اسرائیل

را که بر زبان داود و در انجیل بر زبان عیسی و این لعنت مر ایشان را بسبب

ان بود کناه عملی کرده‌اند و از حضرت بیکند شنیده و منع کرده‌اند بعضی بر بعض
بعضی از عمل زشت که میکردند بدرستی که بد چیزیست آنچه ایشان میکردند
و می بینی بسیاری از اهل کتاب را که از غایت حسد مسلمانان دوستی
میکنند با کافران هر آینه بد چیزیست آنچه ایشان میکردند و می بینی بسیاری
از پیش فرستاده برای ایشان نفسهای ایشان آنچه خشم گرفت خدای تعالی
بر ایشان و ایشان جاوید باشند در عذاب و اگر بودند ایمان
می آوردند بخدای تعالی و به پیغمبری خود و آنچه فرستاده است بآن
پیغمبر هر آینه نمی گرفتند دوستی با کافران ولیکن بسیار
از منافقان بیرون رفته‌اند از دایرهٔ اسلام یا ابن مسعود ظاهر میکنند
منافقان حرص و حسد را و قطع میکنند صلهٔ رحم را و ترک میکنند خیرات را
و خدای تعالی در شان ایشان گفته است والذین ینقضون عهد الله
من بعد میثاقه و یقطعون ما امر الله به ان یوصل و یفسدون فی الارض
اولئک لهم سوء الدار یعنی آنانکه میشکنند عهد خدای را که از ایشان
گرفته است پس از استواری آن و قطع کنند آنچه خدای تعالی

کفته است که

مگر آنرا به پیوندند که آن صلهٔ رحم است و فساد کنند در زمین بمخالفت
حق و متابعت نفس آن گروه مر ایشان راست لعنت و مر ایشان راست
بدی عاقبت در دنیا و آخرت و نیز فرموده است که مثل الذین حملوا
التوریة ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفارا یعنی مثل آنانکه حکم شد که بآن
تکلیف احکام توریت را بردارند پس بعد از آن شد آن بار را و بجز
خواندن توریت قناعت نمودند بانچه در وی بود عمل نکردند همچو مثل دراز
گوش است که بر دارد کتابها از علم یعنی هیچ نفعی برنمی‌دارد از برداشتن آن
و از آن نفعی ندارد یا ابن مسعود بر امت من زمانی که آنکسی که صبر کند
بر دین خود و نگاه دارد دین خود را در آن زمان مثل آنکسی است که بگیرد
آتش را بدست خود یا ابن مسعود عالمان و فقیهان آن زمان خاین
و فاسق و بدترین خلق خدا خواهند بود و آنکسانی که تابع ایشان شوند
و بیایند نزد ایشان و از ایشان چیزی فرا گیرند و دوست دارند
ایشان را و بنشینند با ایشان و مشاورت کنند با ایشان ایشان
نیز بدترین خلق خدا خواهند بود و خدای ایشان را نیز بدوزخ

شود و بدرد و ایشان گروه گنهکار که موحد باشند بود جای ایشان زودتر
بهر گاه ساکن شود زبانه آتش و فرو نشیند بر افروزد امر خدای تعالی
آتش را و هرگاه پخته شود یا سوخته شود پوست جلد
ایشان بدل کند خدای تعالی آن پوست را با پوستهای دیگر تا
بچشند عذاب را و چون در افکنده شوند در دوزخ بشنوند از دوزخ
آوازی خاسته آواز دراز کوهستی یعنی چون ایشان را در جوش آورد
و نزدیک باشد که پاره پاره شود دوزخ از خشم ایشان و هرگاه خواهند
که بیرون آیند از آتش باز گردانیده شوند در دوزخ و گفته شود ایشان را
که بچشید عذاب آتش دوزخ که سوزنده است و مر ایشان راست در دوزخ
ناله و ایشان در دوزخ نشنوند یعنی کران شوند یا ابن مسعود
این دعوی خواهند کرد که بر دین و سنت و شریعت منند و من
از ایشان بیزارم یا ابن مسعود منشینید با ایشان و خرید و فروخت
مکنید با ایشان در بازارها و با ایشان منشینید و آب ایشان
مدهید و به درستی که خدای تعالی فرموده است که من کان یرید الحیوة

الدنیا

الدنیا وزینتها نوف الیهم اعمالهم فیها وهم فیها لا یبخسون اولئک الذین
لیس لهم فی الآخرة الا النار وحبط ما صنعوا فیها وباطل ما کانوا یعملون یعنی کسی که
از هستی نیت خواهد زندگانی دنیا و زینت آن را بدهیم او را در مقابل عمل خود تمام
یا بگذاریم پاداش جزای عملهای ایشان را در دنیا از صحت بدن و دولت
و بسیاری مال و اولاد در دنیا از جزای اعمال ایشان چیزی کم نشود
این گروه آنانند که نباشد ایشان را در آخرت مگر آتش دوزخ و نیست گردد
آن کارهایی که در دنیا کرده اند و باطل است آن عملهایی که کردند در دنیا و نیز
خدای تعالی فرموده است که من کان یرید حرث الدنیا نؤته منها وما له
فی الآخرة من نصیب یعنی آنکه خواهد بعمل خود نیکی در دنیا و سعی کند در
حصول متاع دنیا بدهیم او را از دنیا آنچه نصیب او ست و نیست مر او را
در آخرت نصیب بهره یا ابن مسعود آنچه میرسد به امت من از
که گذشته اند دشمنی و جدال است و این جماعت ذلیل و خوار خواهند شد
در دنیا بحق آنکسی که فرستاد مرا بحق که خوار خواهد کرد خدای تعالی
ایشان را در دنیا بصورت بوزینه و خوک خواهد کرد در آخرت گفت

ابن مسعود گریه کرد رسول خدا صلی الله علیه واله و ما نیز گریستیم بجهت
آنحضرت و گفتیم یا رسول الله چه چیز ترا بگریه آورد آنحضرت گفت که رحم
برین مرغان باعث گریهٔ من شد بدرستی که خدای فرموده است
ولو تری اذ فزعوا فلا فوت واخذوا من مکان قریب یعنی اگر ببینی
هنگامی که بترسند یعنی فزع و ترس ایشان پس هیچ عذاب از ایشان فوت نشود
و گرفته شوند از جای نزدیک از روی زمین یعنی فرو برده شوند بزمین
یا ابن مسعود کسی که علم بیاموزد بجهت دنیا و اختیار کند دوستی دنیا
را بر آخرت او مستوجب غضب خدای تعالی شود و جای او در دوزخ
باشد با یهود و نصاری که ایمان نیاوردند بقرآن بدرستی که خدای تعالی
فرموده است که فلما جاءهم ما عرفوا کفروا به فلعنة الله علی الکافرین یعنی پس آن
وقت که آمد بر ایشان آنکس را که شناخته بودند که آن محمد است صلعم کافر شدند
و ایمان نیاوردند بجهت آنکه گمان ایشان آن بود که آنکس از بنی اسرائیل
خواهد بود چون اسمعیل بود ایمان نیاوردند پس لعنت خدای بر کافران باد
یا ابن مسعود آنکسی که قرآن بیاموزد بجهت دنیا و زینت او حرام کرده

خدای تع

خدای تعالی بهشت را بروی یا ابن مسعود آنکسی که علم بیاموزد و بدان عمل نکند
حشر کند خدای تعالی او را در روز قیامت نابینا و آنکسی که علم بیاموزد بجهت ریا
و برای آنکه مردم بشنوند و قصه او را از آن علم که مال دنیا حاصل شود ببرد خدای تع
برکت را از او و تنگ گرداند معیشت او را و او را بگذارد و بخودش و آنکسی را که
خدای تعالی و اگذارد هلاک شود بدرستی که خدای تعالی فرموده است
فمن کان یرجو لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا ولا یشرک بعبادة ربه احدا یعنی هر که
امیدوار لقای پروردگار خود دارد در آخرت باید که عملی صالح پسندیده بکند
و شریک نسازد در پرستش پروردگار خود هیچ احدی را یا ابن مسعود باید که همنشینان تو
نیکان باشند و برادران پرهیزکاران و زاهدان باشند بجهت آنکه خدای تعالی
فرموده است الاخلاء یومئذ بعضهم لبعض عدو الا المتقین یعنی دوستان
در روز قیامت بعضی دشمن باشند بعضی را مگر متقیان و پرهیزکاران یعنی
آنهایی که دوستان ایشان از برای دنیا باشد و بجهت معاونت
رفیق و معصیت بر هم دشمن شوند و آنهایی که محبت ایشان برای خدا باشد
دوستی ایشان بجا باشد یا ابن مسعود بدرستی که آنهایی که نیکی را امیدوار باشند

وهمه اینک میدانند پس ازین جهت مهر می نهد خدای بر دلهای
ایشان پس نخواهد بود در میان ایشان کسی که گواهی حق بدهد و قیام
نماید بعدل بدرستی که خدای تعالی گفته است که کونوا قوامین بالقسط
شهداء لله ولو علی انفسکم او الوالدین والاقربین یعنی ای گروه
مومنان قیام نمایند بعدل ادای شهادت کنند براستی اگرچه
بر نفس شما یا بر پدر و مادر و خویشان نزدیک شما باشد و گواهی نفس
خود آنست که اقرار کند بر حقی که در ذمه اوست یا ابن مسعود دوست
نیکو خواهند کرد با یکدیگر بمال و احسان که مردم کنند بدرستی که خدای
تعالی فرموده است که وما لاحد عنده من نعمة تجزی الا ابتغاء وجه ربه
الاعلی ولسوف یرضی یعنی نبود هیچکس را نزد او منتی که مکافات
کرده شود ولیکن این کار کرد برای رضای پروردگار خود و زود باشد
که خشنود شود و برسد بثواب یا ابن مسعود بر تو باد که بترسی از خدا آنچه
وادا کنی آنچه واجب گردانیده است خدای تعالی بر تو بدرستی که خدای تعالی
فرموده است که هو اهل التقوی واهل المغفرة یعنی خدای لایقست

سزاوار

سزاوار آنکه از وی بترسند و سزاوار آمرزیدن ترسندگان و نیز
گفته است که رضی الله عنهم ورضوا عنه ذلک لمن خشی ربه یعنی خشنود باشد
ایشان از خدای بجهت دادن ثواب و بهشت ایشان را و ثواب
بهشت مر آنکسی راست که بترسد از عقوبت پروردگار خود چیزی را
بدرستی که وعده خدا بثواب و عقاب حق است و در آن خلاف نبود
پس باید که فریب ندهد شما را زندگانی دنیا و باید که مغرور نسازد بعفو و کرم
خدا و شیطان فریبنده یا ابن مسعود حذر کن از دنیا و لذتها و آرزو و زینتهای
او و از حرام خوردن و از پوشیدن و از نگاه داشتن اسپها و زنان و طلا
و نقره و فرشهای پر طلا و نقره و از اسپان خوب و دیگر چهارپایان و از کشت زار
اینها که یاد کرده شد متاع زندگانی دنیاست از و فایده بتو نمیرسد و کار
بکن که از آن فایده بتو برسد بدرستی که خدای تعالی فرموده است لکل امرئ منهم
یومئذ شان یغنیه یعنی هر مردی را از اهل قیامت امروز کاریست که مشغول
میگرداند او را از همه دیگران یا ابن مسعود پرهیز از آنکه ترک کنی طاعت خدا را
و قصد معصیت کنی بجهت شفقت بر اهل بیت خود زیرا که خدای تعالی

پنجم سطر مکرر

فرموده است یا ایها الناس اتقوا ربکم واخشوا یوما لا یجزی والد عن ولده
ولا مولود هو جاز عن والده شیئا ان وعد الله حق فلا تغرنکم الحیوة الدنیا
ولا یغرنکم بالله الغرور یعنی ای مردمان بترسید از عقوبت پروردگار خود
و بترسید از آن روزی که دفع نکند عذاب را پدر از پسر خود و نه فرزند
تواند که باز دارد از پدر خود چیزی را بدرستی که وعده خدا بثواب و عقاب
حق است و در آن خلاف نخواهد بود پس باید که فریب نه دهد شما را زندگانی
دنیا و باید که شما را مغرور نسازد بعفو و کرم خدا و شیطان فریبنده یا ابن
مسعود حذر کن از دنیا و از لذتها و آرزوها و زینتهای او و از حرام خوردن
و از زنان و از نگاه داشتن اسپها و زنان و طلا و نقره و ظرفهای طلا و نقره
و از اسپان خوب و دیگر چهارپایان و از کشت زار اینها که یاد کرده شد
متاع زندگانی دنیاست و نزد خدای تعالیست نیکوی بازگشت و خدای تعالی
فرموده است که بگو ای محمد باصحاب خود که آیا خبر دهم شما را به بهترین از اینها
که گفته شد برای آنکسانی که متاع دنیا را ترک کردند بدرستی که نزد پروردگار
ایشان بوستانهاست که اندکی از آن بهتر از دنیا و آنچه در دست میرود

درزیر

در زیر قصرها و درختان آن بوستانها جویهای آب جاویدان باشند
متقیان در آن بوستانها و مر ایشان راست جفتها از حوره آدمی که پاکیزه اند
از نجاستها که زنان را می باشد در دنیا و مر ایشان راست خشنودی از خدای و این بهشت
و نعیم او بهتر است و خدای تعالی بیناست به بندگان و احوال ایشان یا ابن
مسعود فریفته مشو باین که خدای تعالی رحیم است و مغرور مشو بعمل صالح و مشغول مشو
عبادت خود یا ابن مسعود وقتی که قرآن بخوانند چون بر آیتی گذری که در او امر
و نهی باشد مکرر بخوان این آیت را و فکر کن در آن و عبرت بگیر و غافل مشو
از آن آیت و سهو مکن بدرستی که نهی کردن خدای تعالی دلالت میکند بر نیکوی
و عمل صالح بجای آوردن بدرستی که خدای تعالی فرموده است که فکیف
اذا جمعناهم لیوم لا ریب فیه و وفیت کل نفس ما کسبت و هم لا یظلمون
یعنی پس چگونه باشد حال ایشان آن هنگام که جمع کنیم ایشان را از برای
حساب روزی که هیچ شک نیست در وقوع آن و جزا داده میشود هر نفس را
تمام آنچه کسب کرده است و ایشان ستم کرده نشوند بنقصان حسنات
و زیادتی سیئات یا ابن مسعود هیچ گناهی را حقیر و خوار مدان و اجتناب

کن از گناهان کبیره بدرستی که بنده چون نظر کند در روز قیامت بگناهان خود
بریزد از چشمهای او خون بدرستی که خدای تعالی فرموده است
یوم تجد کل نفس ما عملت من خیر محضرا وما عملت من سوء تود لو ان بینها
وبینه امدا بعیدا یعنی روزی که بیابد هر کسی از عمل کنندگان آنچه کرده است
از نیکوی حاضر کرده شده نزدیک خود وآنچه کرده باشد از بدی دوست دارد
که باشد میان او ومیان عمل بد اندازه دوری یعنی مطلقا نخواهد که عمل خود را
ببیند یا ابن مسعود وقتی که بگویند بتو که بترس از خدای تعالی در غضب
مشو بدرستی که خدای تعالی فرموده است واذا قیل له اتق الله اخذته
العزة بالاثم فحسبه جهنم یعنی چون هر منافقی را که از خدای بترسد او را حمیت
جاهلیت بارتکاب گناه پس بسنده است مر او را جهنم یا ابن مسعود
کوتاه کن امید خود را در دنیا پس وقتی که صباح شود بگو که شب نخواهم رسید
وجازم باش بر مفارقت دنیا و دوست داری لقای حق تعالی او مکروه
مدان بدرستی که دوست میدارد خدای تعالی لقای کسی را که دوست
میدارد لقای او را و مکروه میدارد خدای تعالی کسی را که مکروه میدارد لقای

لقای کسی

او را یا ابن مسعود در چشمهاشان چو جویها جاری مکن بدرستی که خدای تعالی
گفته است الهیکم التکاثر یعنی مشغول کرد شما را بسیاری اسباب دنیا از
آخرت یعنی بسبب مشغول شدن بان چیزها که مذکور شد غافل میشوید از خدای
تعالی وعبادت او یا ابن مسعود بحق آنکسی که فرستاد مرا بحق که البته خواهد
آمد بر امت من زمانی که حلال دانند شراب را وشراب را نبیذ نام کنند
بر ایشان باد لعنت خدای و فرشتها و جمیع آدمیان ومن از ایشان
بیزارم و ایشان از من نیستند یا ابن مسعود سود گرفتن اگرچه برابر کجدی
باشد بدتر است نزد خدای تعالی از زنا کردن با مادر خود وشراب خوردن اندک
یا بسیار بدتر است نزد حق تعالی از سود خوردن بجهت آنکه شراب
کلید همه بدیهاست یا ابن مسعود این گروه که در آخر زمان خواهند
بود ظلم خواهند کرد بر نیکان و تحسین خواهند کرد بر فاسقان وفاجران
وحق نزد ایشان خواهد بود و باطل نزد ایشان حق خواهد بود اینها همه
از برای دنیاست و اینها میدانند که بر حق نیستند ولیکن بسیار است
شیطان برای ایشان عملهای ایشان را پس بازداشت ایشان را از

راه را است پس ایشان نمی یابند راه حق را ایشان خشنود شدند بزندگانی
و پسندیدند آنرا و آرام گرفتند بدان و خدای تعالی فرموده است که
کسانی که از آیات کتاب ما غافلند جای بودن ایشان دوزخ است
بجهت معاصی که کرده‌اند یا ابن مسعود خدای فرموده است که آنکسی که یاد من نکند
و یاد آخرت نکند و از عقاب من نترسد و برحمت من امیدوار نباشد
پس گمارم بر وی شیطان را و شیطان همنشین و مصاحب و دمساز او باشد
در دنیا و پیوسته بوسوسهٔ او مشغول [illegible] و بدرستی که باز میدارند
شیاطین همنشینان خود را از راه حق گمان می‌برند آنکسی که متابعت شیطان
میکند که بسبب پیروی شیطان کرده است راه راست می‌یابد تا وقتی
که بیاید نزد ما در حشر پس بگوید شیطان آنکسی که متابعت او کرده بود
و شیطان همنشین او بود که کاشکی میان من و تو دوری می‌بود بمقدار
که میان مشرق و مغرب است پس بد همنشینی بودی ای شیطان یا ابن
مسعود منافقان عیب میکنند آنکسی را که پیروی سنت من میکند و آنچه
واجب کردانیده است خدا بجای می‌آورد بدرستی که خدای تعالی

فرموده است که فاتخذتموهم سخریا حتی انسوکم ذکری وکنتم منهم تضحکون انی
جزیتهم الیوم بما صبروا انهم هم الفائزون یعنی گرفتید شما آنکسانرا که برو
حق میکنند باستهزا یعنی با ایشان باستهزا کردید تا وقتی که فراموش
کردانیدند شما را مشغولی بسخریت ایشان از یاد کردن من و بودید شما که
بر ایشان میخندیدید از روی تعظم و تکبر خود و تحقیر ایشان بدرستی که من جزا
میدهم ایشانرا برای صبر کردند از ایذا و آزاری که از شما بدیشان رسید
بدرستی که ایشان رستگارانند برادر خود یا ابن مسعود حذر کن از مستی
گناه بدرستی که گناه را مستی می‌باشد همچو مستی شراب بلکه مستی گناه سخت‌تر است
از مستی شراب بدرستی که خدای تعالی فرموده است که صم بکم عمی فهم
لا یرجعون یعنی منافقان کر و گنگ و کورند پس ایشان باز نمیگردند
از این صفتها و بر [illegible] وجه حشر خواهند کرد ایشانرا و نیز فرموده است
که انا جعلنا ما علی الارض زینة لها لنبلوهم ایهم احسن عملا و انا لجاعلون
ما علیها صعیدا جرزا یعنی بدرستی که ما کردانیده‌ایم آنچه بر زمین است
از معدنیات و نباتات و حیوانات زینت و آرایش مر اهل زمین را

تا بیازماییم که کدام از ایشان نیکوتر است از جهت عمل و بدرستی که
ما خواهیم گردانید آنچه را که بر روی زمین است از کوه و درخت و عمارتها
زمین هامون یعنی با خاک این عمارتها را خراب خواهیم ساخت ای دل این
صعید و بزینت ناپایدار او فریفته مشوید یا ابن مسعود دنیا ملعونست و کسی
که آرزو دارد که در دنیا باشد ملعونست و آنکسی که طلب دنیا کند و دوست دارد
دینار را نیز ملعونست و مصداق این سخن این آیت است که کل من علیها
فان و یبقی وجه ربک ذو الجلال و الاکرام یعنی هر کس که بر روی زمین است از صاحب
روح فانی و نیست خواهد شد و باقی می ماند ذات پروردگار تو که خداوند بزرگی
و عظمتست و خداوند گرامی ساختن بفضل و کرم خود هر کسرا که مستحق آن باشد
و این آیت نیز مصداق است باین سخن که کل شیء هالک الا وجهه یعنی همه چیز
فانیست مگر ذات خدای تعالی یا ابن مسعود هر عملی که میکنی از روی اخلاص
بکن بجهت آنکه حضرت حق سبحانه و تعالی فرموده است که قبول نمیکنم از
بندگان مگر عملی را که از روی اخلاص باشد بدرستی که خدای تعالی فرموده است
که و ما لاحد عنده من نعمة تجزی الا ابتغاء وجه ربه الاعلی و لسوف یرضی

یعنی نبود هیچکس را نزد او نعمتی که مکافات کرده شود ولیکن این کار برای رضای
پروردگار خود که بزرگتر است از همه چیز و زود باشد که خشنود کرده و برسد بثواب
که خدای تعالی وعده کرده است یا ابن مسعود بگذار نعمتهای دنیا و خوردن او را
و شربتها و گرم و سرد او را و آنچه خوب است از دنیا و لازم گردان بر نفس خود صبر کردن را
از نعمتها بدرستی که در آخرت از تو سوال خواهند کرد از نعمتها چنانکه خدای تعالی
فرموده است که ثم لتسئلن یومئذ عن النعیم یعنی هر آینه پرسیده شوید روز
قیامت بوقت محاسبه از نعمتهای که باو مشغول شدید یا ابن مسعود باید که
مشغول نگرداند ترا دنیا و آرزوهای او از طاعت و عبادت بدرستی که حق
سبحانه و تعالی فرموده است که افحسبتم انما خلقناکم عبثا و انکم الینا لا ترجعون
یعنی آیا می پندارید شما از بسیاری غفلت که ما شما را آفریدیم برای بازی
و گمان بردید که بسوی ما باز نگردید برای جزای عمل یعنی شما را برای عبادت
آفریدیم و جزای اعمال شما مقرر کردیم یا ابن مسعود وقتی که عمل خیر کنی و آن عمل
قربة الی الله نباشد پس امید ثواب مدار بر آن عمل از [illegible] بدرستی که
خدای تعالی فرموده است که فلا نقیم لهم یوم القیمة وزنا یعنی قامت نخواهیم

کردار عمل کسانی که عمل ایشان بصورت نیکو نماید و از برای خدا نباشد
روز قیامت ترا زور که بدان نسجند آن عملها را یا ابن مسعود وقتی که ج
کنند ترا مردمان و بگویند که تو روزه میداری و شب بعبادت مشغول
می نمایی و حال آنکه تو این کار نکنی خوشحال مشو زیرا که خدای تعالی فرموده است که
ولا تحسبن الذین یفرحون بما اتوا ویحبون ان یحمدوا بما لم یفعلوا فلا تحسبنهم بمفازة
من العذاب ولهم عذاب الیم یعنی مپندار ای محمد آنان که شادمان می باشند
بآنچه کردند از پوشیدن نعمت تو و دوست میدارند که ستوده شوند بآنچه
نکردند از اعمال نیکو که ایشان رستگار شوند از عذاب قیامت بلکه
و برای ایشان عذابی است دردناک در روز رستخیز خواهد بود یا ابن مسعود عمل صالح
و نیکویی بکن که نیکوکار و بدکار هر دو پشیمان خواهند بود در روز قیامت
اما نیکوکار خواهد گفت که کاشکی بیشتر نیکویی میکردم و اما بدکار خواهد گفت
که تقصیر کردم که نیکوی کردم و مصداق اینست قول خدای تعالی که ولا اقسم
بالنفس اللوامة یعنی سوگند یاد میکنم بنفس خود که سرزنش خواهد کرد خود را
بجهت تقصیر در نیکوی کردن یا ابن مسعود پیش فرست گناه را و تاخیر

و تاخیر مکن در توبه ولیکن پیش فرست توبه را و تاخیر کن در گناه کردن
و یعنی گناه مکن و اگر بکنی چنان مکن که بآن جهان ببری و توبه نکنی بلکه
درین جهان توبه کن بدرستی که خدای تعالی فرموده است که بل یرید
الانسان لیفجر امامه یعنی بلکه آدم میخواهد که دروغ گوید آنچه در پیش اوست
از حساب در آخرت یا ابن مسعود بپرهیز از آنکه از تو بدعتی بماند بدرستی
که کسی از آن بدعتی بماند یا و باز خواهد رسید گناه آنکس که عمل کند بآن بدعت
زیرا که خدای تعالی فرموده است که ونکتب ما قدموا وآثارهم یعنی مینویسیم
آنچه از پیش فرستاده اند از اعمال نیک و بد و مینویسیم آثاری که از ایشان
مانده است و نیز گفته است ینبؤا الانسان یومئذ بما قدم واخر
یعنی خبر کرده شود آدمی روز قیامت بآنچه فرستاده است از اعمال و آنچه
باز پس داشته است از احوال یا ابن مسعود میل مکن بدنیا و آرام مگیر
باو بجهت آنکه زود مفارقت خواهی کرد از دنیا بدرستی که خدای تعالی
فرموده است که واخرجناهم من جنات وعیون وزروع ونخل طلعها
هضیم یعنی بیرون می آوریم ایشان را از بوستانها و از چشمه سارها

وگشت از زاو خرما پستانهای که شکوفه درختان او لطیف و نازک است
یا ابن مسعود قرنهای گذشته را و پادشاهان ظالم را که بیشتر بوده است بیشتر
که خدای تعالی فرموده است که و عادا و ثمودا و اصحاب الرس و قرونا
بین ذلک کثیرا یعنی هلاک گردانیدیم قوم عاد را بسبب آنکه ایمان نیاوردند
بهود و هلاک گردانیدیم قوم ثمود را بجهت آنکه ایمان نیاوردند بصالح
پیغمبر علیه السلام و هلاک کردانیدیم اصحاب الرس که پیغمبر خود را در چاه انداختند
و کشتند و رس نام چاهیست و هلاک گردانیدیم اهل قرنهای بسیار را
که بودند میان قوم عاد و ثمود و اصحاب رس که جز خدای کسی ایشان را
نداند یا ابن مسعود گناه مکن پنهان و آشکارا صغیره و کبیره بدرستی که خدا تعالی
می‌بیند ترا هر جا که باشی و خدای تو با تو است پس اجتناب کن از گناه
یا ابن مسعود بترس از خدای تعالی پنهان و آشکارا در صحرا و دریا و شب
و روز بدرستی که خدای تعالی فرموده است که ما یکون من نجوی
ثلثة الا هو رابعهم و لا خمسة الا هو سادسهم و لا ادنی من ذلک و لا اکثر
الا هو معهم اینما کانوا یعنی نباشد از سه تن راز گوینده با هم مگر آنکه خدا تعالی

چهارم ایشانست و اطلاع دارد بر سخن ایشان و نه پنج راز گوینده سخن
مگر آنکه خدای تعالی ششم ایشانست و نه اقل و نه اکثر باشند از سه و
و نه پیشتر از پنج که راز گویند مگر آنکه خدا با ایشانست هر جا که باشند
در آسمان یا در زمین یا ابن مسعود شیطان را دشمن خود بدان بدرستی
که خدای تعالی فرموده است که ان الشیطان لکم عدو مبین فاتخذوه
عدوا یعنی بدرستی که شیطان مر شما را دشمن است ظاهر پس او را
پس فرا گیرید شما مر او را بدشمنی و از وی حذر نمایید در کارها و اعتماد
ننمایید و نیز در این آیت حکایت کرده است از شیطان که ثم لآتینهم
من بین ایدیهم و من خلفهم و عن ایمانهم و عن شمائلهم و لا تجد اکثرهم شاکرین
یعنی گفت شیطان که پس بیایم از پیش ایشان یعنی از امر آخرت و گویم که
بعث و حشر و بهشت و دوزخ نیست و از پس ایشان یعنی از جانب
دنیا و او را در چشم ایشان بیارایم و بیایم از جانب راست ایشان
یعنی از جهت حسنات و ایشان را در عجب و ریا اندازم و بیایم از جانب چپ ایشان
یعنی از جهت سیئات و آنرا در دل ایشان شیرین گردانم و نیابی تو ای خدا اکثر

پس فرزندان آدم را شکر گویند و خدای تعالی گفته است بشیطان که
قال الحق والحق اقول لاملأن جهنم منك وممن تبعك منهم اجمعين يعنى گفت
خدای تعالی که راستی از منست و راست میگویم که هر آینه پر کنم دوزخ را
از تو و از هر که پیروی تو کند از آدمیان و دیوان همه ایشان یا ابن
مسعود باید که حرام نخوری و حرام نپوشی و مال حرام نگیری و گناه نکنی
و عاصی نشوی بدرگاه خدای تعالی بجهت آنکه حق سبحانه و تعالی گفت
بشیطان که واستفزز من استطعت منهم بصوتك واجلب عليهم بخيلك
ورجلك وشاركهم في الاموال والاولاد وعدهم وما يعدهم الشيطان
الا غرورا يعنى بلغزان و از راه ببر از ذریه آدم ای شیطان هر که توانی لغزانیدن
از فرزندان آدم باواز خود یعنی خواندن بفساد و بر انگیزان با ایشان
سواران و پیادگان خود را یعنی دیوانی که یاری میدهند ترا در وسوسه جمع
کن و تسلط بر ایشان و شریک باش با ایشان در مالها تا از حرام جمع کنند
و در معصیت صرف نمایند و در فرزندان شریک شو تا از زنا حاصل کنند
و وعده ده ایشان را بچیزهای باطل چون انکار بهشت و دوزخ و وعده نمیدهد

شیطان ایشان را مگر بفریب یعنی خطا را در صورت ثواب می‌نماید و نیز خدای تعالی
فرموده است که فلا تغرنكم الحيوة الدنيا ولا يغرنكم بالله الغرور يعنى پس باید که
فریب ندهد شما را زندگانی دنیا یعنی متاع های دنیا فریب و نیز نفریبد شما را او فریب دهنده شود
و باید که بعفو نرساند شما را بکرم و عفو خدا شیطان فریبنده یا ابن مسعود
نزدیکی مکن بچیز حرام از مال و زنان بدرستیکه خدای تعالی فرموده است که ولمن
خاف مقام ربه جنتان یعنی کسی که بترسد از ایستادن در حضور خدای او بهشت است دو بهشت
بهشت عدن و بهشت نعیم یا ابن مسعود حسرت مکن دنیا را بر آخرت بسبب لذتها
و شهوتها بدرستیکه خدای تعالی فرموده است که فاما من طغى واثر الحيوة الدنيا فان
الجحيم هي المأوى يعنى پس آنکسی که از حد برده باشد و مرتکب معاصی شده باشد و بر
گزیده باشد زندگانی دنیا را و فراموش کرده باشد از آخرت پس بدرستیکه دوزخ
جای اوست و مراد ازین آیت آنست که دنیا و آنچه در وست ملعونست
مگر آنچه برای خدا باشد یا ابن مسعود خیانت مکن بمال کسی و خیانت مکن بامانت
بدرستیکه خدای تعالی امر کرده است که ان الله يأمركم ان تؤدوا الامانات
الى اهلها يعنى بدرستیکه خدای تعالی امر کرده است شما را که برسانید امانتها را

بصاحبان امانت یا ابن مسعود چیزی که ندیدی و نشنیدی مگوی و بر سخن که
خدای تعالی گفته است که و لا تقف ما لیس لک به علم ان السمع و البصر و الفؤاد
کل اولئک کان عنه مسئولا یعنی از پی مرو چیزی اگر نیست ترا بآن دانایی
تحقیق یعنی مانند آنکه بگوید پنداشتم و بگوید شنیدم و با چیزی که ندیدم بدرستی
که گوش و چشم و دل هر یک ازینها سوال خواهند کرد که چه شنیدی و چه دیدی
و چه دانستی و نیز گفته است که ستکتب شهادتهم و یسئلون یعنی زود باشد
که نوشته شود گواهی ایشان و پرسیده شوند روز قیامت از آن و نیز گفته
که اذ یتلقی المتلقیان عن الیمین و عن الشمال قعید ما یلفظ من قول الا لدیه رقیب
عتید یعنی یاد کن چون فرا گیرند دو فرشته فرا گیرنده اقوال و اعمال بندگان را
و نویسندگان دو فرشته که جانب راست و جانب چپ بنده نشسته اند و نگوید
بنده هیچ سخنی مگر آنکه نزد او نگاهبانی بوده آماده کرده الحال نویسنده و نیز گفته است
که نحن اقرب الیه من حبل الورید یعنی ما نزدیکتریم بآدم از رگ جان یعنی دانایم باقوال
و اعمال وی یا ابن مسعود غم روزی مخور بدرستی که خدای تعالی فرموده است
که و ما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها یعنی نیست هیچ جنبنده در زمین

مگر آنکه

مگر آنکه بر خدا نیست روزی ایشان و نیز گفته است که و فی السماء رزقکم و ما توعدون
یعنی روزی شما در آسمانست آنچه شما را وعده داده اند از ثواب بهشت
و نعیم آن در آسمانست و نیز گفته است که ان یمسسک الله بضر فلا کاشف له
الا هو و ان یمسسک بخیر فهو علی کل شیء قدیر یعنی اگر برساند خدای بتو محنتی
چون مرض و درویشی پس هیچ بازدارنده و برنده نیست آنرا مگر او و اگر برساند
بتو نیکویی چون توانگری و صحت پس او بر همه چیز ازینها تواناست یا ابن
مسعود بحق آن کسی که دوست دارم بحق که آنکسی که بگذارد تجارت دنیا را و متوجه
تجارت آخرت شود بدرستی که خدای تعالی نیز تجارت کند برای او بغیر تجارت
او و از تجارت او نفع بسیار رساند باو بدرستی که خدای تعالی فرموده است
که رجال لا تلهیهم تجارة و لا بیع عن ذکر الله و اقام الصلوة و ایتاء الزکوة یخافون
یوما تتقلب فیه القلوب و الابصار یعنی تسبیح میکنند مردانی که از غایت استغراق
در تسبیح و ذکر مشغول نمیسازد و باز نمیدارد ایشان را تجارت یعنی خرید
حتی کرایان سود یعنی و فروختن آن از ذکر خدای تعالی و از بپای داشتن
نماز و از دادن زکوة می ترسند این مردان با وجود این توجه از روزی

اگر بگردد دران روز دلها یعنی از هول متحیر و مضطرب شود و بگردد دران روز
دیدها او زهر طرفی بنگرد تا بهر چند گناه او از کجا باو می آید گفت ابن مسعود که پدر و
مادرم فدای تو باد یا رسول الله چگونه است تجارت آخرت فرمود که ذکر خدای تعالی
گفتن دایم باین طریق که سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر
پس اینست تجارت آخرت که سود میکند بدرستی که خدای تعالی فرموده است
یرجون تجارة لن تبور لیوفیهم اجورهم ویزیدهم من فضله یعنی امید میدارند
بدین عملها تجارتی که زیان باو نرسد در روز قیامت و این عملها کردند تا
خدای تعالی تمام یافتن برساند مزدهای کردار ایشان را و زیاده گرداند
حسنات ایشان را از فضل و بخشش خود یا ابن مسعود هر چیزی که می بینی
و دل تو دوست دارد او را پس صرف کن آن چیز را در راه خدا و اینست
تجارت آخرت زیرا که خدای تعالی گفته است که ما عندکم ینفد و ما عند الله
باق یعنی آنچه نزد شماست از اسباب دنیوی بر طرف شود و منقضی
گردد و آنچه نزد خداست از خزاین رحمت همیشه هست یا ابن مسعود وقتی
که بگویی لا اله الا الله و ندانی حق این کلمات را بدرستی که خدا رد قبول

نمیکند بگفتن لا اله الا الله رد میکند غضب خدای تعالی را از بندگان تا که
دنیای ایشان سالم باشد مادام که کار نکنند که موجب نقصان دین ایشان
باشد و گفتن لا اله الا الله میکنند باشند خدای تعالی میگوید که دروغ میگویند
صادق نیستید درین قول بدرستی که خدای تعالی گفته است که الیه یصعد
الکلم الطیب والعمل الصالح یرفعه یعنی بدرگاه قبول او بالا می رود سخنان پاک
عمل صالح برمیدارد سخنان پاک را بمحل قبول میرسد زیرا که قول بی عمل صالح قبول
نیست یا ابن مسعود دوست دار صالحان را بدرستی که مردمان در آخرت
با کسی می باشند که دوست داشته باشند ایشان را در دنیا پس اگر قادر نباشی
بر عمل صالح دوست دار علما را بدرستی که خدای تعالی فرموده است که و من یطع الله و الرسول
فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین
و حسن اولئک رفیقا یعنی آنکس که فرمان خدای را ببرند و فرمان بردار
رسول کنند پس آن گروه در روز قیامت با آن کسان باشند که انعام
کرده است خدای تعالی بایشان از پیغمبران و صدیقان و شهیدان
و صالحان و چه نیکو اند این جماعت همنشینان یا ابن مسعود بپرهیز

از آنکه شرک آوری بخدای تعالی یکچشم زدن و اگرچه اعضای ترا از یکدیگر
جدا کنند پاره پاره یا ترا از دار بیاویزند یا بسوزانند باتش بدرستی که
خدای تعالی فرموده است که والذین آمنوا بالله ورسوله اولئک هم الصدیقون
یعنی آنانکه ایمان آوردند بخدای و فرستادگان او آن گروه صدیقانند
یا ابن مسعود صبر کن و با کسانی باش که ذکر و تسبیح و تهلیل و حمد میگویند
خدای تعالی را و طاعت و عبادت خدای میکنند و میخوانند او را
روز و شب بدرستی که خدای تعالی گفته است که واصبر نفسک مع الذین ید
عون ربهم بالغداة والعشی یریدون وجهه ولا تعد عیناک عنهم یعنی شکیبایی
کن با آنانکه می ترسند پروردگار خود را بامداد و شبانگاه و میخواهند
رضای پروردگار خود را و باید که در نگذرد چشمهای تو از ایشان یعنی نظر از ایشان
بر مدار و بغیر ایشان التفات مکن و نیز گفته است که ما علیک من حسابهم
من شیء وما من حسابک علیهم من شیء فتطردهم فتکون من الظالمین
یعنی نیست بر تو از حساب اعمال آنکسانی که صبح و شام و ذکر میگویند
خدای تعالی را چیزی نیست از حساب عمل تو بر ایشان چیزی تا تو برانی

ایشان را باشی از ظالمان یا ابن مسعود اختیار کن بر ذکر خدای تعالی چیزی را بدرستی
که خدای تعالی فرموده است ولذکر الله اکبر یعنی هرآینه ذکر خدای تعالی بزرگتر است
از همه چیز و نیز گفته است که فاذکرونی اذکرکم واشکروا لی ولا تکفرون یعنی مرا یاد
کنید بعبادت تا من شما را یاد کنم بمغفرت و شکر کنید نعمتهای مرا و ناسپاسی
مکنید و نیز گفته است که واذا سألک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة الداع
اذا دعان یعنی چون از تو ای محمد بپرسند بندگان از معامله من با ایشان
در وقت دعا بگو من نزدیکم اجابت میکنم دعای خواننده را و حاجت او را روا
سازم وقتی که بخوانند مرا و گفته است ادعونی استجب لکم یعنی بخوانید مرا تا اجابت
کنم دعای شما را یا ابن مسعود بر تو باد که با سکینه و وقار باشی و خوش خلق و حلیم و پرهیزگار
و مسلمان و متقی و پاکیزه و نیکوکار و پاک و راست گوی و خاشع و متخشع
و درست و عاقل و صالح و صابر و شاکر و مومن و عادل و عابد و زاهد و رحیم
و عالم و فقیه و رحیم باشی بدرستی که خدای تعالی فرموده است که ان
ابراهیم لحلیم اواه منیب یعنی بدرستی که ابراهیم بردبار بود و آه زننده و غم
خورنده بر آدمیان رجوع کننده بحضرت عزت و نیز گفته است و عباد الرحمن

الذین یمشون علی الارض هونا واذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما والذین
یبیتون لربهم سجدا وقیاما یعنی بندگان خدای بزرگ رحمت آنانند که میروند
بروی زمین از روی تواضع و سکینه و وقار و بردبار و نیکوکار و چون خطاب
کنند با ایشان نادانان و سخن بد او با نسبت با ایشان گویند ایشان در جواب
سخن بگویند سالم از تعرض و اعراض کنند از مجادله و آنانند که شب بروز می
آرند برای پروردگار خود سجده کنند و برپای ایستند و نیز گفته است
واذا مروا باللغو مروا کراما یعنی چون بگذرند بچیزی ناپسندیده بگذرند بزرگانه
و پرهیزکاران و نیز گفته است والذین یقولون ربنا هب لنا من ازواجنا
وذریاتنا قرة اعین واجعلنا للمتقین اماما اولئک یجزون الغرفة بما
صبروا ویلقون فیها تحیة وسلاما خالدین فیها حسنت مستقرا ومقاما یعنی
و آنانکه میگویند ای پروردگار ما ببخش ما را از زنان ما و فرزندان ما که روشنی
دیدها بودگان فرزند صالح است و بگردان ما را برای پرهیزکاران
پیشوا یعنی ما را چندان پرهیزکار کن که شایسته امامت متقیان شویم
این گروه که مذکور شدند جزا داده شوند بغرفه بهشت که آن بلندتر

موضع

موضع از بهشت است بر آنچه صبر کردند بر مشقت دنیا و ترک لذات و یابند در بهشت
از درگاه باتحیة و سلامی از فرشتگان در حالیکه جاویدان باشند در بهشت و جای
بود و نیز گفته است قد افلح المؤمنون الذین هم فی صلاتهم خاشعون والذینهم
للزکوة فاعلون والذینهم لفروجهم حافظون الا علی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم
فانهم غیر ملومین فمن ابتغی وراء ذلک فاولئک هم العادون والذینهم لاماناتهم
وعهدهم راعون والذینهم علی صلواتهم یحافظون اولئک هم الوارثون الذین یرثون
الفردوس هم فیها خالدون یعنی بدرستی که بمقصود رسیدند و رستگار شدند
مؤمنان آنانکه در نماز خود ترسکار باشند و آنانکه ایشان از سخن باطل و کردار
ناشایسته اعراض کنند و آنانکه ایشان زکوة واجب از مال خود ادا کنند و آنانکه
ایشان فرجهای خود را نگاه دارند مگر بر زنان خود یا از آنکه مالک شده است دست
ایشان پس بدرستی که آنکسانی که نگاه دارند فرجهای خود را ملامت کرده شده
نیستند پس آنکسی که طلب کند برای مباشرت غیر زنان و کنیزان خود پس
آن گروه درگذرندگان از حلال و مرتکب حرام شوند و آنانکه مر امانتهای که نزد
ایشان باشد و مر عهدها اگر ببندند رعایت کنند نگاه دارند و آنانکه

نمازهای خود محافظت و مداومت نمایند این گروه وارثان اند که از روی استحقاق
میراث برنده شده و مراکز بلند ترین درجات بهشت ایشان در بهشت جاوید خواهند بود
چنانچه فرموده اولئک فی جنات مکرمون یعنی آن گروه که این صفتها دارند در بوستانها
در روز قیامت گرامی کرده شده بثواب ابدی و جزای سرمدی و نیز گفته است
که انما المؤمنون الذین اذا ذکر الله وجلت قلوبهم و اذا تلیت علیهم آیاته زادتهم
ایمانا و علی ربهم یتوکلون الذین یقیمون الصلوة و مما رزقناهم ینفقون اولئک
هم المؤمنون حقا لهم درجات عند ربهم و مغفرة و رزق کریم یعنی بجز این نیست
که مومنان آنانند که چون یاد کرده شود خدای نزد ایشان بترسد دلهای ایشان
از هیبت جلال خدا و از تقصیر اعمال خود در جنب افضال و افضال او و چون
خوانده شود بر ایشان آیتهای خدای زیاده کرده آن آیتها ایمان ایشانرا
و بر پروردگار خود توکل کنند نه بدنیا و اهل دنیا و این مومنان آنانند
که از روی اخلاص نماز بپای میدارند نماز را بشرائط و آداب و از آنچه روزی
داده ایم ایشانرا نفقه کنند آن گروه که صفت کرده شد ایشان مومنان اند بایمان
درست و راست مر ایشانراست مرتبها نزد آفریدگار ایشان و آمرزش

تقصیرات ایشانرا و روزی بزرگ یا ابن مسعود باید که شفقت بر زن و فرزند تو
باعث نشود که گناه و فعل حرام کنی بدرستی که خدای فرموده است
که یوم لا ینفع مال و لا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم یعنی روز قیامت
روزیست که نفع نه دهد و بکار نیاید مال و فرزندان هیچ احدی را مگر کسی اگر
بیاید نزد خدای بدل خالص از کفر و معصیت یا ابن مسعود بر تو باد که یاد کنی
خدای تعالی را و عمل صالح کنی بدرستی که خدای تعالی فرموده است که والباقیات
الصالحات خیر عند ربک ثوابا و خیر املا یعنی کارهای پاینده که ثمره آن ابد الآباد
باقی ماند بهتر است نزد پروردگار تو از جهت پاداش و بهتر است از جهت
امید یا ابن مسعود باید که نباشی از کسانی که امر میکنند مردمانرا بخیر و هم
نمیکنند مردمانرا بآن و خود غافلند از آن و نمیکنند آنرا بدرستی که خدای تعالی
فرموده است اتامرون الناس بالبر و تنسون انفسکم یعنی آیا میفرمائید
مردمانرا بنیکوئی و فراموش میکنید نفسهای خود را یعنی یاد کرد نمیکنید یا ابن
مسعود بر تو باد که نگاه داری زبان خود را بدرستی که خدای تعالی فرموده است
که الیوم نختم علی افواههم و تکلمنا ایدیهم و تشهد ارجلهم بما کانوا یکسبون یعنی امروز

مهر می نهیم بر دهنهای ایشان و سخن گویند با ما دستهای ایشان و گواهی
دهند پاهای ایشان بآنچه بودند کسب کردند یا ابن مسعود بر تو باد که عبادت
و نیکوی مسکوی و نیکی پنهان کنی بدرستی که خدای تعالی فرموده است
که یوم تبلی السرائر فما له من قوة ولا ناصر یعنی روزی که آشکار شود نهانها پس نیست
آدمی را هیچ توانائی تا از عذاب خدا باز دارد و نه یاری که بدو کاری و عذاب را دفع
کردند یا ابن مسعود بترس از روزی که برکنده شود نامهای اعمال بندگان و آشکارا
شود میزانها بدرستی که خدای تعالی فرموده است که و نضع الموازین القسط
لیوم القیمة فلا تظلم نفس شیئا و ان کان مثقال حبة من خردل اتینا بها و کفی بنا
حاسبین یعنی وضع کنیم ترازو برای عمل بجهت جزای روز رستخیز پس ستم
دیده نشود نفسی چیزی از حق خود یعنی از نیک و بد عمل نا سنجیده نگذارند
و اگر باشد عمل هم سنگ دانه از سپند آنکه خردترین دانهاست بیاریم
او را نزد ترازو حاضر سازیم او را سنجیم بجهت حساب کردن عملهای بندگان
یا ابن مسعود بترس از خدای تعالی و چنان سلوک کن که گویا می بینی او را
بدرستی که اگر تو نمی بینی او را او ترا می بیند زیرا که خدای تعالی فرموده است

من خشی الرحمن بالغیب وجاء بقلب منیب ادخلوها بسلام ذلک یوم الخلود یعنی هر که بترسد
از خدای پنهان و بیارد دل بازگشته بحق پس این کس و مثال او را گویند که درآئید بجنت
بایمنی و سلامت این روز روز سلامت و روز بقای جاودانست زیرا که در این
روز مرگ نیست یا ابن مسعود انصاف ده مردمان را از نفس خود و نصیحت کن مردمان را
و رحم کن بر ایشان پس هرگاه چنین باشی و اهل شهری مستوجب غضب خدای تعالی شوند
و تو در آن شهر باشی و خواهد خدای تعالی که بایشان عذاب فرستد نظر کند بسوی تو و رحم کند
بر ایشان بجهت تو و غضب نکند بدرستی که خدای تعالی فرموده است که و ما کان ربک
لیهلک القری بظلم و اهلها مصلحون یعنی نیست پروردگار تو که هلاک کند اهل دهها را
بظلم و حال آنکه اهل آن مواضع بصلاح آورده باشند در میان یکدیگر کارها را یا ابن
یا ابن مسعود بپرهیز از آنکه ظاهر کنی ترس خدا را و تواضع را در نظر مردم و حال آنکه تو
مصر باشی در پنهانی در گناه کردن بدرستی که خدای تعالی فرموده است که یعلم خائنة
الاعین و ما تخفی الصدور یعنی میداند خدا خیانت چشمها را و میداند آنچه پوشیده
ساخته است در سینها یعنی خدای تعالی مطلع است بر نظرها و بر اسرار
همه کس یا ابن مسعود باید که نباشی از آن کسی که دشواری سازند کارها را

بر مؤمنان و آسان میکنند بر نفس خود یعنی چیزها میفرمایند مردمان که نکنند و خود آن
عمل میکنند بدرستی که خدای تعالی فرموده است که لم تقولون ما لا تفعلون یعنی ای
کسانی که ایمان آورده اید چرا میگوئید آنچیزی را که نمیکنید یا ابن مسعود وقتی که
خواهی که عملی کنی آن عمل را از روی دانش و عقل کن و بپرهیز از آن کاری که گز
بانه پیرو دانش بدرستی که حق جل و علا فرموده است که ولا تکونوا کالتی نقضت
غزلها من بعد قوة انکاثا یعنی مباشید در عهد بستن مانند زنی که بشکافد و باز
کشاید ریسمان رشته خود را بعد از استحکام آن در محلی که ریسمان ها تاب داده است
و قوی و محکم شده است یا ابن مسعود بر تو باد که راست بگوئی و هرگز دروغ نگوئی
و انصاف بدهی مردمان را از نفس خود و نیکوئی کنی و بخوانی مردمان را بنیکوئی و صله
رحم بجای آوری و مکر نکنی بمردمان و وفا کنی بعهدی که مردمان کرده باشی بدرستی که
خدای تعالی فرموده است که ان الله یامر بالعدل والاحسان وایتاء ذی القربی
وینهی عن الفحشاء والمنکر والبغی یعظکم لعلکم تذکرون یعنی بدرستی که خدای تعالی
میفرماید براستی و بنیکوئی کردن و بچیزی دادن بخویشان و بدان نزدیک
و رسانیدن بایشان بانچه محتاج باشند و نهی میکند از عمل زشت و از فعلی که

انکار کنند

انکار کنند بر مباشران و از ستمکاری پند میدهد خدای تعالی شما را بامر و نهی
شاید که شما پند گیرید.

فصل پنجم

در وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله
ابوذر غفاری را رحمة الله علیه مصنف کتاب میگوید که گفته است پدرم حسن فضل
بن الحسن که این وصیت شیخ ابو الوفا عبد الجبار بن عبد الله المقری الرازی
و شیخ اجل حسن بن حسین بن حسن بابویه رضی الله عنهما و ایشان هر دو روایت
کرده اند که نوشت برای ما این وصیت را شیخ اجل ابو جعفر محمد بن حسن الطوسی
قدس الله روحه و خبر داد ما را بدین وصیت شیخ عالم حسین بن فتح الواعظ جرجانی
در مشهد امام رضا علیه السلام و گفت شیخ جرجانی که خبر داد مرا پدر من شیخ ابو جعفر
طوسی قدس الله روحه و شیخ ابو جعفر طوسی گفت که خبر داد مرا جماعتی از ابو المفضل
محمد بن عبد الله بن محمد بن المطلب الشیبانی و او گفت که خبر داد مرا ابو الحسن رجاء
بن یحیی العبرتائی الکاتب در سال سیصد و چهارده از هجرت و او گفت که خبر
داد مرا محمد بن حسن بن میمون و او گفت که خبر داد مرا عبد الله بن عبد الرحمن
الاصم از فضل بن یسار و او روایت کرده است از وهب بن عبد الله
الهنائی و او گفت که خبر داد مرا ابو الحرب بن ابی الاسود الدؤلی و او خبر داد

از پدر خود ابو الاسود گفت که در آمدم شهر ربذه پس رفتم نزد ابا ذر جندب
بن جناده رضی الله عنه پس خبر داد مرا ابوذر گفت که روزی رفتم بخدمت رسول
خدا صلی الله علیه وآله و آنحضرت در مسجد بود و هیچکس در مسجد نبود بغیر رسول خدا
صلی الله علیه وآله و امیر المؤمنین علی علیه السلام در پهلوی آنحضرت نشسته
بود پس غنیمت دانستم خلوت او را گفتم یا رسول الله پدر و مادرم فدای تو باد
وصیتی کن مرا که نفع دهد خدا بسبب آن مرا آن وصیت پس گفت حضرت پیغمبر صلعم که چنین کنم
ای اباذر گرامی میدارم ترا بدرستیکه این وصیت جامع جمیع چیزهاست پس اگر
حفظ کنی این وصیت را خواهد کامل باشد و کافی باشد ترا عبادت کن خدا را
آنچنان که گویا که تو می‌بینی او را پس بدرستیکه اگر تو نمی‌بینی او را او ترا می‌بیند
و بدانکه اول چیزی که واجب است شناختن خدای تعالی است بآن طریق
که پیش از همه چیز بود و هیچ پیش از او نبود و یگانه است و شریک ندارد
و هست همیشه بود و آفریننده آسمان و زمین و آنچه در آسمان و زمین است
و آنچه در میان آسمان و زمین است و نیکوکار و داناست و بر همه چیزها
قادر و توانا است و بعد از آن واجب است ایمان آوردن بمن و اقرار

کردن

کردن باین که خدا فرستاده مرا به پیغمبری فرستاد و بتمام خلقان که بشارت دهم مؤمنان
و مطیعان را به بهشت و رحمت خدای تعالی و بیم کنم کافران و عاصیان را از دوزخ
و غضب خدای تعالی و بخوانم همه کسان را به پرستش خدا و فرمان و توفیق آن و دلیل
ظاهر بر وجود آن و بعد از آن واجب است دوستی اهل بیت من آنچنان اهل
بیتی که دور کرده است خدای تعالی از ایشان هر چیزی را که منکر و ناشایسته است و معصوم
و پاک گردانیده است ایشان را از جمیع گناهان و بدان ای ابوذر که خدای تعالی
گردانیده اهل بیت مرا در میان امت من مانند کشتی نوح هر که در آن کشتی نشست
از طوفان نجات یافت و هر که از آن کشتی تخلف کرد غرق شد یعنی هر که پیروی
اهل بیت من کرد از ظلمت و تاریکی ضلالت و گمراهی نجات یافت و هر که پیروی
ایشان نکرد در وادی ضلالت و گمراهی ماند و هلاک شد و گردانیده است خدای تعالی
اهل بیت مرا مانند باب حطه در میان بنی اسرائیل که هر کی داخل شود در این باب
ایمن شود و حطه کلمه استغفار بنی اسرائیل بود و هر گاه ایشان این کلمه میگفتند
گناهان ایشان آمرزیده میشد و معنی این کلمه اینست که بیفکن از ما گناهان
یا اباذر حفظ کن آنچه وصیت کردم ترا تا سعادت یابی در دنیا و آخرت یا اباذر

دو نعمت است که بسیاری از مردمان زیان کنند در آن بجهت آنکه قدر آنرا نمیدانند
و آن دو نعمت صحت و فراغت است یا اباذر غنیمت دان پنج چیز را پیش از
پنج چیز جوانی را پیش از پیری و صحت را پیش از بیماری و توانگری را پیش از درویشی
و فراغت را پیش از مشغول شدن و زندگی را پیش از مردن یا اباذر بپرهیز از تاخیر
کردن در کارهای خود بامید آنکه زنده خواهم بود و خواهم کرد بدرستی که زندگی
امروز بجهت آنست که کار خود را بکنی و بجهت آن نیست که کاری خود را بعقب
چند از پس اگر روزی دیگر زنده باشی همچنان باش که امروز بودی و اگر روزی دیگر زنده
نباشی پشیمان نخواهی بود از آن کاری که کردی یا اباذر بسا کسانی که دریابند اول
روز را و بآخر آن روز نرسند بسیار کسانی که انتظار فردا برند و بفردا نرسند
یا اباذر اگر نظر کنی باجل و بعد رسیدن او هر آینه دشمن داری امید دنیا را و فریفته
ساختن او را یا اباذر همچنان باش در دنیا که گویا غریبی یا راه گذری و شمر خود را
از مردگان یا اباذر وقتی که دریابی صباح را مگو بنفس خود که تا شام خواهم بود
و چون دریابی شام را مگو تا صباح خواهم بود و غنیمت دان صحت را پیش از آنکه
بیمار شوی و غنیمت دان زندگانی را پیش از آنکه بمیری بدرستی که نمیدانی

که فردا صحت خواهی داشت یا نه و نمیدانی که زنده خواهی بود یا نه یا اباذر
آنکسانی که بمانند بعد از تو ستایش نخواهند کرد ترا بجهت آنکه گذاشته
و معذور نخواهد داشت ترا خدای تعالی بجهت مشغول شدن بدنیا اگر تقصیر در عمل تو
واقع شود یا اباذر صرفه کردن در عمر بیشتر باید از صرفه کردن در درهم و دینار
یعنی عمر خود را بعبث صرف مکن همچنانکه درهم و دینار را بعبث صرف نمیکنی یا
اباذر انتظار می برید شما مگر توانگری را که موجب طغیان میشود و درویشی را که موجب
فراموشی میشود و بیماری را که موجب فساد میشود و پیری را که سبب بیعقلی
میشود و مردن را که موجب مهیا شدن سفر آخرت میشود و دجال را ابد بدترین
دجال بد غایبی است که انتظار او می برید و قیامت است پس قیامت سخت تر و
تلخ تر و ناخوش تر است از همه چیز و بدترین مردمان نزد خدا روز قیامت عالمی است که نفع
نبرده باشد از علم خود یعنی بعلم خود عمل نکرده باشد و آنکسی که طلب علم کند بجهت
آنکه مردمان متوجه او شوند در دنیا بوی بهشت نیابد یا اباذر آنکسی که علم بیاموزد
بجهت آنکه فریب دهد مردم را در نیابد بوی بهشت یا اباذر وقتی که از تو بپرسند
ترا از چیزی را که ندانی بگو نمیدانم تا نجات یابی از گناه و فتوی مده بآنچه

نبینید تا آنجا بطلبی از عذاب خدای تعالی در روز قیامت یا اباذر خواهند
دید جماعتی از اهل بهشت جماعتی از اهل دوزخ پس خواهند گفت بایشان
که چه کار کردید که مستحق دوزخ شدید و حال آنکه ما مستحق بهشت شدیم
بجهت ادب و علمی است که از شما فرا گرفته ایم پس آن جماعت بگویند که ما
آنکه مستحق دوزخ شدیم که امر میکردیم شما را بخیر و خود بآن عمل نمیکردیم یا اباذر
بدرستی که حقوق حق سبحانه و تعالی بزرگتر است از آنکه بندگان بآن قیام توانند
نمود و نعمتهای حق تعالی از این بیشتر است که بندگان آن را شمار توانند نمود و لیکن صبح و شام
توبه کنید یا اباذر بدرستی که در دنیای عمر تو کوتاه است و عملهای تو نوشته میشوند
و نگاه میدارند و مرگ ناگهان میآید و آنکه تخم نیکی بکارد نیکی میدرود و آنکه تخم
بدی بکارد ندامت و پشیمانی حاصل میشود و هر که زراعت کند میدرود آنچه کشته است
و کسی که حرص ندارد بحظ خود میرسد و کسی که حرص دارد نمی یابد مگر آنچه را که مقدر شده است
از برای او و آنکسی نیکوئی کند خدا از برای او نیکوئی کند و آنکه نگاه دارد خود را از بدی کردن
خدای تعالی او را نگاه دارد از بدیها یا اباذر متقیان و پرهیزگاران بهترین مردمانند
و عالمان پیشوایانند و نشستن بایشان زیاده میکند دانش را بدرستی که

مؤمن می بیند گناه را مانند سنگ بزرگی بر بالای سر خود و می ترسد که آن سنگ
بر بالای او بیفتد و کافر می بیند گناه را مانند مگسی که نشیند بر بینی او و بپرد
باکی ندارد از گناه کردن یا اباذر بدرستی که خدای تعالی وقتی که خواهد به بنده خود
خیری بکند گناهان را در نظر او ثقیل و دشوار و هرگاه خواهد به بنده بدی کند
از خاطر او گناه را دور داشتن اعمال بد را یا اباذر نظر مکن بخوردی گناه و لیکن نظر کن
که کی را عاصی میشوی و نافرمانی میکنی یا اباذر وقتی که مؤمن گناه کند اضطراب
بهم میرساند مانند گنجشکی که در دام افتاده باشد یا اباذر کسی که موافق باشد قول او
با فعل او پس او نیکبخت است اما کسی که موافق نباشد قول او با فعل او [illegible]
کرده شود نفس او یا اباذر بدرستی که محروم میشوند مردمان از روزی بجهت گناه
کردن یا اباذر بگذار آنچیز را که ترا بکار نمی آید و مگوی چیزی را که فایده بتو
نرسد و محافظت کن زبان خود را همچنانکه محافظت میکنی زر خود را یا اباذر بدرستی که
خدا میخواهد در آورد قومی را به بهشت و انعام دهد از چیزی از نعمتهای بهشت بایشان
خواهد داد و گمان کنند و بالاتر از ایشان قومی باشند در درجات بلند از بهشت
پس چون نظر کنند آنجماعت بسوی آن قوم که در درجات بلندتر نشسته اند بشناسند ایشان را

و بگویند بار خدایا این برادران ما بودند که در دنیا با ما بودند پس بحق چه چیز ایشان را
تفضیل کردی بر ما و مرتبه ایشان را بلندتر کردی بنده را از مرتبه ما پس در جواب ایشان
بگویند که بجهت مهمات ایشان در دنیا گرسنه بودند وقتی که شما سیر بودید و
تشنه بودند وقتی که شما سیراب بودید و شب بر میخواستند وقتی که شما در خواب
بودید و میرفتند و شما در آسایش بودید یا اباذر گردانیده است خدای تعالی
روشنائی چشم مرا در نماز و دوست میدارم نماز را چنانکه دوست میدارد
گرسنه طعام را و تشنه آب را و گرسنه چون طعام خورد سیر شود و تشنه چون آب
خورد سیراب میشود و من سیر نمیشوم از نماز یا اباذر هرکسی که در میان روز دوازده
رکعت نماز سنتی بگذارد البته بهشت میرود یا اباذر مادام که تو در نمازی میکوبی در خانه
پادشاه جبار را و هرکسی که بکوبد بسیار در خانه پادشاه را البته در گشاده شود برای او
یا اباذر هر مومنی که برخیزد و مشغول شود بنماز ریخته شود بر دو نیکو بر او از زیر تا عرش
بسیار نور بر او شود و موکل شود بر او فرشته و منادی کند و بگوید ای فرزند آدم اگر
بدانی که چه مقدار نفع است ترا در نماز و بکه مناجات میکنی برنگردی از نماز و ترک
نکنی نماز گزاردن را یا اباذر خوشحال آنکسانی که علمها بردارند در روز قیامت

پیش از مردان

پیش از مردان دیگر بهشت روند و این جماعت آنکسانند که پیشتر از مردان
دیگر بمسجد روند و این جماعت آنکسانند در محبت الله و غیر محبتها یا اباذر نماز ستون
دین است و دین باو قایم است و صدقه محو میکند گناهان را و روزه سپر است
که نگاه میدارد کسی را از آتش دوزخ یا اباذر که نگاه میدارد کسی را از آتش دوزخ
یا اباذر تفاوت در میان درجات بهشت در بلندی و پستی آنقدری باشد
که تفاوت میان آسمان و زمین است بدرستی که بنده در بهشت در آید و بگشاید
چشم خود را و نظر کند بدرجه بلندتر از درجه خود پس بدرخشد نوری که ببرد روشنی
را از چشم او پس بترسد آن بنده بجهت این بگوید که چه چیز است این پس
بگویند که نوری برادر تست فلان پس آن بنده بگوید که ما با هم عمل میکردیم در دنیا
پس چرا مرتبه او زیاده است از مرتبه من پس بگویند که عمل او بیشتر بود
از عمل تو یا اباذر دنیا زندان مومن است و بهشت کافر و مومنی هیچ در دنیا نه
در دنیا مگر آنکه اندوهگین باشد و چگونه مومن اندوهگین نباشد و حال آنکه
حضرت حق سبحانه وعده داده است و نرسانیده است مومن را و گفته
هر کس که هست از دوزخ خواهد گذشت و نگفته است که مومن نخواهد گذشت

از دوزخ و میرسید مومن چار بینا و صحبتها و کارهای که در خشم آورد او را
و ظلم میکنند با او و او انتقام نمی کشد بجهت آنکه ثواب میخواهد از خدای تعالی
پس مومن در دنیا همیشه حزین و اندوهناکست تا وقتی که از دنیا برود
پس وقتی که مفارقت نماید از دنیا راحت می یابد و کرامت میرسد یا ابوذر
ثواب عبادت نزد خدای تعالی برابر ثواب بسیاری اندوه نیست یا ابوذر
آنکسی علمی داشته باشد که در گریه نیاورد او را از ترس خدای تعالی آن علم
نفع ندهد او را بدرستی که خدای تعالی ستایش کرده است علما را باین طریق
و گفته است کان الذین اوتوا العلم من قبله اذا یتلی علیهم یخرون للاذقان سجدا
و یقولون سبحان ربنا ان کان وعد ربنا لمفعولا و یخرون للاذقان یبکون
و یزیدهم خشوعا یعنی بدرستی که آنکسانی که داده شده است بایشان علم پیش از
نزول قرآن چون خوانده شود بر ایشان قرآن میافتند بر ذقنهای خود یعنی
برو میافتند در حالتی که سجده کنندگانند برای تعظیم امر خدای و میگویند
پروردگار ما از خلاف وعده بدرستی که هست وعده پروردگار ما کرده شده
یعنی واقع است و میافتند در رویهای خود یعنی سجده کنند بجهت متاثر

شدن

شدن از مواعظ قرآنی میگویند و زیاده کند شنیدن قرآن خضوع و فروتنی
و ترس ایشان را یا ابوذر آنکسی که قدرت داشته باشد که بگرید باید که بگرید و آنکسی که
قدرت نداشته باشد بر گریستن باید که خود را اندوهگین سازد و بر گریه دارد
بدرستی که دلی که سخت است دور است از خدای تعالی و لیکن نمیدانید یا ابا ذر
حق تعالی میگوید که در بنده جمع نمیکنم دو ترس را ترس دنیا و ترس آخرت و جمع نمیکنم
در بنده دو ایمنی را ایمنی دنیا و ایمنی آخرت وقتی که ایمن باشد از من در دنیا
و نترسد بترسانم او را در آخرت و وقتی که بترسد از من در دنیا ایمن میگردانم
او را در آخرت یا ابا ذر اگر کسی را عملی باشد مثل عمل هفتاد پیغمبر علیهم السلام حقیر
خواهد شمرد عمل خود را روز قیامت و خواهد ترسید که نجات نیابد از شر روز
قیامت یا ابا ذر عرضه کنند بر بنده گناهان او را در روز قیامت در میان جماعتی که آن
گناه کرده باشند پس آن بنده بگوید که در وقت آن گناه می ترسیدم از خدای تعالی
پس آمرزیده شود یا ابوذر بنده که عمل نیکو کند و اعتماد کند بر عمل خود و گناهان
صغیره کند تا وقت مردن حق تعالی برو غضب کند روز قیامت یا ابا ذر بدرستی که
بنده باشد و گناه کند و بسبب آن گناه بهشت رود ابوذر میگوید که گفتم

پدر و مادر من فدای تو باد یا رسول الله چگونه خواهد بود که کسی بسبب گناه بهشت
رود حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت باین طریق که گناهی بکند و بعد از آن
پشیمان شود و اشک بریزد چشمهای او و توبه کند از آن گناه و پناه جوید
بخدای تعالی پس خدای تعالی او را بهشت برد یا اباذر عاقل آنکسی است
که خوار گردد نفس خود را و عمل آخرت و بی عقل آنکسی است که پیروی آرزوی
نفس کند و تمنا کند از خدای تعالی مرادات نفس را یا اباذر اول چیزی که بر
طرف میشود از امت من امانت و ترس خدا است تا آنکه نزدیک شود
که هیچکس ترس خدا نداشته باشد یا اباذر بحق آنکسی که نفس محمد بید قدرت
اوست که اگر دنیا برابر پشه یا پر مگس اعتبار میداشت نزد خدای تعالی
هرگز هیچ کافری شربت آبی از دنیا نمیداد یا اباذر دنیا ملعونست و آنچه
در دنیاست نیز ملعونست مگر آنچیزی که صرف شود بجهت رضای خدا و نیست
چیزی دشمن تر نزد خدای تعالی از دنیا خلق کرد حق تعالی دنیا را و نظر نکرد بدنیا
و نخواهد کرد تا قیامت و نیست چیزی دوست تر نزد خدای تعالی
از ایمان آوردن بخدای و ترک کردن آنچیزی که امر کرده است بترک آن

اباذر

یا اباذر بدرستی که وحی کرده است خدای تعالی ببرادر من عیسی و گفته است
که ای عیسی دوست مدار دنیا را بدرستی که من دوست نمیدارم دنیا را و دوست
دار آخرت را بدرستی که آخرت سرای بازگشت است و بازگشت همه بآخرت
خواهد بود یا اباذر بدرستی که جبرئیل آورد نزد من خزانههای دنیا را بر استری
سفیدی پس گفت بمن که ای محمد این خزانههای دنیاست و اگر قبول کنی
این نقصان نمیشود در قرب و منزلت تو نزد خدای تعالی پس گفتم ای جبرئیل
که ای دوست من حاجتی نیست مرا بدنیا میخواهم که گاهی سیر باشم و شکر
بگویم خدا را و گاهی گرسنه باشم و از خدا تعالی چیزی بطلبم یا اباذر وقتی که
خدای تعالی خواهد که به بنده خود چیزی دهد از دانش میل میدهد او را در دین و بی
میل میسازد او را بدنیا و بینا میکرداند او را بعیبهای خودش یا اباذر هر بنده که ترک
کند دنیا را ثابت کرداند حق تعالی علم و حکمت را در دل او و ناطق سازد زبان
او را بعلم و حکمت و بینا کرداند او را بعیبهای دنیا و بدردهای دنیا و بیرون برد
او را از دنیا بسلامت بهشت یا اباذر وقتی که به بینی برادر من را که زاهد است
در دنیا یعنی ترک دنیا کرده است پس گوش کن از وآنچه میگوید بدرستی که هر چه

میگوید حق است ابوذر میگوید که گفتم یا رسول الله زاهدترین مردمان کیست
حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله فرمود که زاهدترین مردمان آنکسی است
که فراموش نکند اهل قبور را و در یاد مردن باشد و ترک کند زینت دنیا را و اختیار
کند آنچیزی را که باقی ماند و آن آخرت است بر آنچیز که فانی میشود و آن دنیاست
و نشمرد فردا را از باقی عمر خود و حساب نکند که فردا زنده خواهد بود و بشمرد خود را از
مردگان یا ابوذر خدای تعالی وحی نکرده است بمن که مال جمع کنم و لیکن وحی
کرده است بمن و گفته است که فسبح بحمد ربک وکن من الساجدین واعبد
ربک حتی یاتیک الیقین یعنی تسبیح بگو پروردگار خود را تسبیحی مقترن بحمد
یعنی بگو سبحان الله و بحمده و باش از نمازگذارندگان و عبادت و پرستش
کن پروردگار خود را تا وقتی که مرگ بتو برسد یا ابوذر لباس درشت می پوشم
و بر روی زمین می نشینم و می لیسم انگشتان خود را بعد از طعام خوردن و بر
دراز گوش برهنه سوار میشوم و کسی را ردیف خود می سازم پس هر که
سنت من بجای فرو گذارد از امت من نیست یا اباذر دوستی مال و شرف
بیشتر می برد دین مرد را از دو گرگ که عادت کرده باشند بدریدن گوسفند

از جای که

از جای که گوسفند می باشد و شب می برده باشند گوسفند را و چون
صباح شود هیچ باقی نماند از آن گوسفند گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله آنکسانی که
می ترسند از خدای تعالی و فروتنی و تواضع دارند و بسیار ذکر میگویند آیا
ایشان پیشتر بهشت خواهند رفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت
و لیکن درویشان که مسلمان باشند ایشان پیشتر خواهند رفت بهشت
بدرستی که درویشان قدم نهاده بر گردن مردم و خواهند رفت بهشت چون
بدر بهشت برسند خازنان بهشت بگویند بایشان که همچنان بجای خود
باشید تا آنکه حساب شما بکنند ایشان بگویند که چگونه حساب ما بکنند
بحق خدای که ما پادشاه نبودیم که ظلم و عدل کرده باشیم و مال نداشتیم
که نگاه داشته باشیم و صرف کرده باشیم و لیکن عبادت و پرستش
خدای تعالی میکردیم تا آنکه اجل ما رسید و حضرت حق سبحانه و تعالی خواند ما را
بسوی خود پس اجابت کردیم و قبول نمودیم دعوت پروردگار خود را
یا ابوذر دنیا میگرداند دلها و بدنها را و خدای تعالی سوال خواهد
کرد از کسانی که فراغت کرده باشند از وجه حلال پس چگونه خواهد بود

مشغول

حال آنکسانی که فراغت ها کرده باشند از وجه حرام چه بپرستی که من طلب کرده‌ام
از خدای تعالی که بگرداند روزی آنکسی را که دوست دارد مرا القدر که کفایت کند او را
و به بدیا که کسی که دشمن میدارد مرا مال و فرزند بسیار یا اباذر خوشحال آنکسی که ترک کرده است
دنیا را و رغبت کرده باخرت و بساط ایشان زمین است و فرش ایشان
خاکست و بوی خوش ایشان آبست مشغولند بکتاب حق بوده باان عمل میکنند
و ترک کرده‌اند دنیا را یا ابوذر کشت آخرت عمل صالحست و کشت دنیا مال و
پسر انست بدرستیکه پروردگار من خبر داد مرا و گفت که بعزت و جلال من که
درنمی یابند عابدان مرتبه گریه کنندگان را بدرستیکه من بنا کرده‌ام از
برای گریه کنندگان قصری در اعلا علیین که شریک نیست با ایشان در ان قصر
هیچکس گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله کدام از مومنان عاقل اند حضرت
رسالت پناهی صلی الله علیه و آله فرمود که عاقل آنکس که بیشتر یاد مردن کند
و بهتر مهیا باشد برای مرگ یا ابوذر وقتی که در آید نور در دل او دل او گشا
ده میشود و گفت ابوذر که گفتم پدر و مادرم فدای تو باد یا رسول الله علامت
این کدام است حضرت پیغمبر فرمود که علامت این بازگشتن است از کار فانی

متوجه شدن باخرت و دور شدن از دنیا که دار غرور است و مهیا شدن از برای مرگ
پیش از آمدن اجل یا اباذر بترس از خدای تعالی چنین میباش که گویا میبینی او را و
و بحیای مردم که حق ترسی از خدای تعالی بجهت آنکه مردمان ترا اکرام کنند یا اباذر باید که
در هر کاری نیت کنی حتی خواب کردن و چیزی خوردن یا اباذر باید که بزرگ باشد عظمت
و جلال خدا در پیش و در دل تو یا اباذر بدرستیکه خدای تعالی را فرشته‌ها است کدام
ایستاده‌اند از ترس خدای تعالی و سر خود را در زیر انداخته و سر خود را بالا نمیکنند
بر روی سر که اسرافیل صور بدمد در آخرت بگویند همه آن فرشته‌ها که بار خدایا
پرستش نکردیم ترا چنانکه سزاوار آنی یا اباذر اگر کسی را عمل هفتاد پیغمبر بوده
باشد اندکی شمرد عمل خود را در روز قیامت از سختی که پیش آید در ان روز و اگر
دلوی از دلیم و چون که از اندرون دوزخیان بیرون می آید بریزند در مشرق
هر آینه در جوش آید از ان کاسهای سر کسانی که در مغرب اند و چون آواز کند دوزخ
در روز قیامت هیچ فرشته مقربی و پیغمبری مرسلی نماند مگر آنکه بزانو در افتند
و بگویند که بار خدایا نفس مرا نگاه دار و هیچکس یاد کسی نکند و هم کسی در مانند بخود دوران
روز تا آنکه فراموش کند حضرت ابراهیم علیه السلام و اسحاق علیه السلام بگویند

بار خدایا همه خیل تو ابراهیم را فراموش مکن یا اباذر اگر شعاع از زنان بهشت نمایان شود
از آسمان در شب تاریک هر آینه روشن شود زمین از جهت او بهتر از روشن شدن زمین
بماه شب چهارده و بیابند خوشبوی او را تمام اهل زمین و اگر جامه از جامهای اهل بهشت
را بیاویزند روزی در دنیا بیهوش شود هر کسی که نظر کند در آن جامه و تاب دیدن آن نیارد
یا اباذر بلند مکن آواز خود را در وقت حضور جنازه و در وقت جنگ کردن با کافران
و در وقتی که کسی قرآن میخوانند یا ابوذر وقتی که در عقب جنازه بروی باید که در فکر
آخرت باشی و با خضوع و خشوع باشی و بدانکه تو هم باو لاحق خواهی شد
یا ابوذر بدانکه هر چیز که فاسد شد نمک دفع فساد او میکند و نمک که فاسد شد ضایع شد
هیچ چیز دفع فساد او نمیکند و بدانکه در شما دو خصلت است خنده کردن بی
تعجب و کاهلی کردن بی سهو یا اباذر دو رکعت نماز که کسی بگذارد از روی ایمان و تفکر
بهتر است از عبادت یک شب که دل او غافل باشد یا ابوذر سخن حق بر دل گران و تلخ است
و سخنان باطل بر دل سبک است یا ابوذر بسیار است که پیروی نفس یک ساعت
سبب اندوه بسیار میشود یا اباذر کسی کامل دانش وقتی پیدا میکند که حقیر داند
مردمان را نزد خدای تعالی در جنب وجود را حقیر تر داند از همه یا اباذر غیری نصیحت

ایمان تا چه میرسد مردمان نادان در دین و غافل در کار دنیا یا اباذر حساب کن گناهان
خود را پیش از آنکه در قیامت حساب کنند گناهان ترا بدرستی که این سبب
آسان حساب میشود در روز قیامت و مهیا باش از برای قیامت و طاعت
و عبادت کن بدرستی که روز قیامت اعمال بندگان را تمام عرض خواهند
کرد و هیچ پوشیده نخواهد ماند بر خدا چیزی یا اباذر شرم دار از خدای تعالی بتحقیق که من
که نفس من در قبضه قدرت اوست که وقتی که میروم بجای خلا کردن می پوشم
سر و بدن خود را بجامه بجهت آنکه شرم میدارم از کاتبان دو فرشته که با منند
یا اباذر آیا میخواهی که به بهشت روی گفت ابوذر که گفتم بلی یا رسول الله حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله گفت که کوتاه کن امید را از دنیا و مرگ را برابر خود ببین و شرم
دار از خدای تعالی آنچنانکه حق شرم است گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله همه ما شرم داریم
از خدای تعالی حضرت پیغمبر فرمود که شرم داشتن چنین نیست ولیکن شرم داشتن
از خدای تعالی آنست که فراموش نکنی اهل قبور را و پوسیدن ایشان را در قبر
و فراموش نکنی شکم را و آنچه میخوری از طعام و آب و بدانکه از حلال است یا
با حرام و آنکسی که خواهد بزرگی آخرت را باید که بگذارد زینت دنیا را بین و فکر کن

چنان باشی نزدیک معشوق بخدای تعالی کی که نیکوکار است اندک دعای کافیست
یا اباذر مثل آنکسی که دعا کند و عمل نیکو نداشته باشد مثل آنکسی است که تیر اندازد
و کمان او زه نداشته یا ابوذر بدرستیکه خدای تعالی باصلاح مرد می‌آورد بصلاحیت
صلاح بنده و فرزند او را و فرزند فرزند او را و نگاه میدارد او را در خانه و محله‌ها
که در حوالی او است مادام که آن بنده صالح در میان ایشان باشد یا ابوذر پروردگار
تو مباهات میکند با فرشتها بسه کس یکی مردی که در جایی باشد که هیچکس نباشد و اذان
و اقامت بگوید و بعد از آن نماز بگزارد پس بگوید خدای تعالی بفرشتها که نظر
کنید به بنده من که نماز میگذارد در جایی که هیچکس او را نمی‌بیند غیر از من پس فرود
آیند هفتاد هزار فرشته و او نماز کنند در عقب او و استغفار کنند برای او
از این روز تا روز دیگر و مباهات میکند بمردی که برخیزد در شب و نماز گذارد تنها
و بعد از سجده کند و بخواب رود در سجده پس بگوید خدای تعالی بفرشتها که نظر
کنید به بنده من که روح او نزد من است و بدن او در سجده است و دیگر مباهات
میکند بمردی که در میان گروهی بوده باشد که جهاد کنند با کافران پس آن
گروه بگریزند و او ایستاده باشد و جنگ کند تا آنکه کشته شود یا ابوذر هر مردی که

سجده کند

سجده کند بر موضعی از زمین گواهی دهد آن زمین برای او در روز قیامت
و هر منزلی که فرود آیند قومی در شب الا آنجا باشند چون صباح شود آن منزل صلوات
فرستند بر ایشان اگر عبادت کرده باشند و اگر ترک عبادت کرده باشند
لعنت کنند بر ایشان یا ابوذر نیست صباح و شامی مگر آنکه مواضع زمین ندا میکنند
بعضی ببعضی و میگویند ای همسایه آیا گذشته است بتو کسی که ذکر کرده است
خدای تعالی را یا بنده که پیشانی خود را بتو نهاده باشد و سجده کرده باشد
خدا را پس بعضی گویند بلی و بعضی گویند نه پس آنکه گوید آری آن موضع ببالد و خوش
شود و در میان موضع که بر سیده است و گشاده شود و بپندارد که آن موضع فضیلت
زیاده هست بر موضع دیگر یا اباذر بدرستیکه خدای تعالی چون آفرید زمین را
و آنچه در روی است از درختها نفع میرسانید زمین را بمردمان بود از درختها تا وقتی که
گفتند فاسقان بنی آدم اتخذ الله ولدا یعنی فرا گرفت خدای تعالی فرزندی یعنی
عزیر و مسیح پس چون گفتند این کلمه را زمین بلرزه آمد و آن فایده و منفعت
بر طرف شد یا ابوذر بدرستیکه چون مؤمنی میرد جبل و صباح سر و گریه یا ابوذر
وقتی که باشد بنده در بیابان و هیچکس نباشد پس وضو بسازد یا تیمم کند و

بعد از آن اذان و اقامت بگوید و نماز بگزارد در پس صف کشند فرشتها در عقب او
چندان صفی که هیچ طرف او نمایان نباشد و رکوع کنند آن فرشتها هرگاه رکوع
کند آن بنده و سجده کنند آن فرشتها وقتی که آن بنده سجده کند و آمین گویند
در وقتی که او دعا کند یا اباذر اگر کسی اقامت بگوید و اذان نگوید نگذارند
با او نماز فرشتها مگر دو فرشته که موکل اویند یا اباذر هیچ بنائی که ترک کند بنا و
زینت او را از برای خدا و بگذارد [illegible] او طاعت و عبادت [illegible] خدای
را ثواب [illegible] یا اباذر کسی که ذکر گوید در میان غافلان بسجو
انکسی است که جنگ کند با کافران و همراهان او تمام گریخته باشند یا ابوذر
نشستن با مردم صالح بهتر است از تنهائی و تنهائی بهتر است از خاموشی و از سخن
بد گفتن یا ابوذر طعام مخور با فاسقان یا ابوذر بده طعام خود را بکسی که دوست
میدارد ترا برای خدا یا ابوذر بدرستی که خدای تعالی عالم است بر مخفی هر کس
پس باید که کسی نترسد از خدا [illegible] بداند که چه میگوید یا ابوذر سخن زیاده مگو و اکتفا
کن در سخن گفتن بانچه حاجت تو بر آورده شود یا ابوذر همین بس است از برای
آنکه کسی را دروغگوی بگویند که هر چه بشنود بگوید یا اباذر نیست [illegible] تر

بنده و زبان یا ابوذر اکرام کردن خدای تعالی است اکرام کردن پیر کهنسال مسلمان
و اکرام کردن کسی که حافظ قرآن باشد و آن عمل کند و اکرام کردن سلطان عادل
یا ابوذر عمل خیری نیست کسی را که زبان خود را نگاه ندارد یا ابوذر عیب مکن
مردمان را و مدح مکو و طعنه مکن و ستیزه و جدل مکن با مردمان یا ابوذر دوری
بنده از خدای تعالی زیاده میشود مادام که بد باشد خلقش یا ابوذر سخن خیر گفتن
صدقه است و هر قدمی که می نهد برای نماز صدقه است یا ابوذر انکسی که اجابت
نماید و قبول کند سخن کسی را که بخواند او را بخدای تعالی و عمارت مساجد کند ثواب و
جزای او از خدای تعالی بهشت است ابوذر میگوید که گفتم که پدر و مادرم فدای تو باد یا رسول الله
چگونه عمارت مساجد کند آنحضرت فرمود باین طریق که آواز بلند نکند در مساجد
و شروع نکند در کاری باطل در مساجد و چیزی نخورد و نفروشد در مساجد و ترک
کند کاری بیکاری بیفایده را مادام که در مسجد باشد پس اگر چنین نکند که گفته شد
و عقاب کند او را در روز قیامت باید که ملامت نکند مگر خود را یا ابوذر
مادام که در مسجد نشسته ای خدای تعالی میدهد ترا بعدد هر نفسی درجه در بهشت
و صلوات میفرستند بر تو فرشتگان و نوشته میشود برای تو بعدد هر نفسی

که بسیار در سجده در پیش و محو میشود ده سیئه از نامه اعمال تو یا ابوذر هیچ میدانی آیت
که در شان چه کس فرود آمده است این آیت که اصبروا وصابروا ورابطوا واتقوا الله
لعلکم تفلحون گفت ابوذر که گفتم پدر و مادر من فدای تو باد یا رسول الله نمیدانم
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که در شان کسانی فرموده است که انتظار
نماز میکشند در عقب نمازی و معنی آیت اینست که ای گروه مومنان
صبر کنید بر ادای فرایض و شکیبایی نمایید و آماده باشید و بترسید از خدای
و پرهیزکاری کنید شاید که شما رستگار شوید یا ابوذر آنکه وضو را کامل بسازد در
وقتی که مشقتی باشد موجب کفارت گناهانست و بسیار رفتن در
مسجد حکم جهاد دارد یا ابوذر حضرت حق سبحانه و تعالی فرموده است که دوست ترین
مردمان نزد من آنکسانند که دوست دارند یکدیگر را برای من و متوجه باشد
دل ایشان بمساجد و استغفار کنند در سحرها این گروه اند که وقتی که بخواهم
اهل زمین را عقوبت کنم یاد میکنم ایشانرا و عقوبت نمیکنم اهل زمین را
یا ابوذر هر نشستن در مسجد بیفایده است مگر نشستن از برای قرآن خواندن
و ذکر خدای تعالی و پرسیدن مسایل علمی یا اباذر اهتمام تو باید به پرهیزکاری

می باید زیاده باشد از اهتمام تو بعمل بدرستی که هرگاه تقوی باشد اندک عملی بسیار است
و چون کم باشد عملی که مقبول خدای تعالی است بدرستی که خدای تعالی فرموده است
که انما یتقبل الله من المتقین یعنی جز این نیست که قبول میکند خدای تعالی عمل پرهیزگاران را
یا ابوذر متقی نمیشود کسی از متقیان مگر وقتی که حساب بطلبد از نفس خود سخت تر از حساب
طلبیدن شریک از شریک پس میداند که از کجاست خوردن و آشامیدن و پوشیدن
او آیا از وجه حلالست یا از حرام یا ابوذر آنکه پروا نداشته باشد که کسب
مال خود کند از ممر حلال یا حرام پروا ندارد خدای تعالی از بردن او بدوزخ یا ابوذر
که خواهد که بزرگترین مردمان باشد باید که پرهیزکاری نماید یا ابوذر دوست ترین
شما نزد خدای تعالی آنکسی است که بیشتر ذکر گوید خدای تعالی را و گرامی ترین شما
نزد خدای تعالی پرهیزکارترین شماست و آنکسی که خواهد که نجات او از عذاب
خدای تعالی بیشتر باشد باید که ترس او از حق تعالی بیشتر باشد یا ابوذر بدرستی که
متقیان آنکسانند که پرهیز میکنند از چیزی که پرهیز کردن او لازم نباشد از ترس
آنکه مبادا در شبهه افتد یا ابوذر آنکه فرمان بردار خدای تعالی کند پس بتحقیق که در
یاد خدای تعالیست و اگر چه نماز سنتی کم بگذارد و روزه سنتی کم بدارد و کم

قرآن بخوانند یا اباذر اصل دین ورع و پرهیزکاریست و سر دین طاعت و فرمان برداریست
یا اباذر پرهیزکار باش تا عابدترین مردمان باشی و بهترین کارهای شما پرهیزکاریست
یا اباذر فضیلت علم بیشتر است از فضیلت عبادت و بدانکه اگر شما نماز بگذارید
تا آنکه پشت شما مثل کمان خم شود و روزه بدارید تا آنکه بدن شما مثل زه کمان
باریک شود فایده نمیدهد شما را این نماز و روزه بی پرهیزکاری یا اباذر بدرستی
که اهل ورع و زهد در دنیا اولیای خدا اند البته یا اباذر هر کسی که سه با او نباشد
در روز قیامت از زیانکار است گفت ابوذر گفتم پدر و مادرم فدای تو باد
یا رسول الله سه چیز کدام است آنحضرت فرمود که پرهیزکاری که منع کند او را
از آنچیزی که حرام گردانیده است خدای تعالی آنرا و حلمی که عمل کند و رد کند از جهل
جاهلان به او و خلقی که مدارا کند با آن با مردمان یا اباذر اگر خواهی که باشی
قوی‌ترین مردمان توکل کن بر خدای تعالی و اگر خواهی که بزرگترین مردمان باشی
باید که اعتماد تو بر آنچیزی که در تحت تصرف خدای تعالی است بیشتر باشد از اعتماد
تو بر آنچیزی که در تحت تصرف تو است یا اباذر اگر همه مردمان عمل کنند بمضمون
این آیه کافیست ایشان را و آیه این است و من یتق الله یجعل له مخرجا و یرزقه

من حیث لا یحتسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره یعنی هر که بترسد
از خدای و مرتکب مناهی نشود بگرداند خدای تعالی برای او بیرون شد و خلاص یابد از
اندوه دنیا و آخرت و روزی دهد او را از جایی که گمان نبرد و در شمار نیاید و آنکه توکل
کند بر خدای و کار خود را بخدای گذارد بس کافیست خدا او را در کفایت مهمات
بدرستی که خدای تعالی رساننده است کار را بهر جا که خواهد یا اباذر حق تعالی گفته است
بعزت و جلال خود که هر کسی که اختیار کند آنچیزی را که من میخواهم و ترک کند آرزوی خود را
غنی گردانم نفس او را و چنان سازم که دل او در فکر آخرت باشد و من ضامن روزی او
گردانم آسمان و زمین او بر طرف کنم تنگی معاش او را و عوض گردانم او را بر وجهی که بهتر از
تجارت هر تاجری که داشته باشد یا اباذر اگر فرزند آدم بگریزد از روزی خود چنانکه
میگریزد از مردن هر آینه روزی با ایشان میرسد بایشان چنانکه مرگ بایشان
میرسد یا اباذر آیا بیاموزم ترا کلمه چند که فایده دهد ترا خدا بآن کلمات ابوذر
گفت که گفتم بلی یا رسول الله حضرت پیغمبر صلعم فرمود که محافظت کن رضای خدای تعالی
را تا محافظت کند خدای تعالی ترا و یاد خدا کن در وقت خوشحالی تا آنکه خدا ترا
یاد کند در وقت سختی و هر گاه چیزی خواهی از خدا بطلب و اگر خواهی که طلب

یاری کنی طلب کن از خدای تعالی بدرستی که آنچه واقع خواهد شد تا روز قیامت
نوشته شده است در لوح محفوظ پس اگر تمام خلق جهد کنند که نفع و فایده رسانند
بتو بچیزی که نوشته نشده است برای تو قادر نشوند بر آن و اگر جهد کنند که ضرر
رسانند بتو بچیزی که نوشته نشده است قادر نشوند بر آن پس اگر استطاعت
و قدرت داری که عملی کنی برای رضای خدا از روی یقین باشد بکن و اگر قدرت نداری صبر کن بدرستی که
در صبر کردن بر چیزهایی که مکروه است خیر بسیار است بدرستی که نصرت با صبر است
و فرج با اندوه است و با هر دشواری آسانیست یا ابوذر طلب غنا کن از
خدا تا ترا غنی گرداند خدا ترا گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله غنای که خدا بخشد
میدهد کدام است رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که آن مقدار چیزی که
در صباح و شام بخوری پس اگر کسی قناعت کند بآنچه خدای تعالی روزی او کرده است
او غنی ترین مردمانست یا ابوذر خدای تعالی گفته است که من قبول نمیکنم
سخن کسی را که دانا باشد ولیکن نظر در نیت و قصد او میکنم پس اگر نیت او
موافق رضای من است میگردانم خاموشی او را حمد و ثنای خود و اگر چه زبان
حمد نگوید یا ابوذر خدای نظر در صورتها و مالهای شما نمیکند بلکه نظر بدلها

علما

فضیلت

و عملهای شما میکند تقوی اینجاست و اشارت بسینه خود کرد یا ابوذر چهار
کم می‌باشد مگر در مومن خاموشی و آن بهترین عبادتهاست و تواضع از برای
خدا و ذکر حق تعالی در همه حال و مال اندک داشتن یا ابوذر قصد نیکویی کن
و اگر چه نیکویی نکنی تا آنکه ننویسند ترا از غافلان یا ابوذر هر کسی که نگاه دارد
فرج خود را از فسق و دهان و زبان خود را از حرام به بهشت رود گفت ابوذر که گفتم
یا رسول الله ما مواخذه میشویم بچیزی که بگوییم آنحضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله
فرمود که می اندازد مردمان را در دوزخ مگر زبان ایشان بدرستی که تو همیشه سالمی
مادام که خاموشی هرگاه سخن گفتی پس اگر سخن نیکو گفتی ثواب می نویسند
برای تو و اگر سخن بد گفتی گناه می نویسند برای تو یا اباذر بدرستی که کسی که سخن
بگوید در مجلس بجهت آنکه اهل آن مجلس بخندند بیندازند او را در دوزخ یا ابوذر
وای بر آنکسی که سخن دروغ بگوید بجهت آنکه مردمان بخندند وای بر او وای بر او
وای بر او یا اباذر آنکسی که خاموش باشد نجات می یابد پس اگر سخن بر تو باد
که راست بگویی و ناگاهی بیرون نمی‌رود از دهنت دروغ گفتن هرگز گفت
ابوذر که گفتم یا رسول الله چیست توبه کسی که دروغ گفته است حضرت فرمود

دروغ نگوید

صلی الله علیه وآله که استغفار و نماز پاک میشوید گناه او را یا ابوذر بپرهیز
از غیبت کردن بدرستیکه غیبت کردن بدتر است از زنا گفت ابوذر
که گفتم یا رسول الله پدر و مادرم فدایت شود غیبت چرا بدتر از زنا است آنحضرت
فرمود بجهت آنکه اگر کسی زنا کرده باشد و توبه کند توبه او را خدای تعالی
قبول میکند و اگر کسی غیبت کند خدای نمی آمرزد گناه او را تا آنکه کسی که او را
غیبت کرده است بحل نکند یا ابوذر دشنام دادن مسلمان را فسق است
و کشتن ایشان کفر است و غیبت کردن ایشان معصیت است و گرفتن مال
ایشان حرام است چنانکه کشتن ایشان حرام است گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله
غیبت کدام است آنحضرت فرمود که ذکر کردن برادر مومن بر وجهی که خوشش نیاید
او را گفتم یا رسول الله اگر آنچیز در او باشد غیبت است آنحضرت فرمود که بدان
ای عزیز که وقتی که بگوئی چیزی را که در مسلمان باشد و او را از گفتن آن بد آید غیبت است
و اگر بگوئی چیزی را که در او نباشد بهتان است یا اباذر آنکس که منع کند کسی را از
غیبت کردن برادر مسلمان واجب است بر خدای تعالی که آزاد کند او را
از آتش دوزخ یا ابوذر آنکس که غیبت کنند نزد او برادر مسلمان را و قدرت

ابوذر

داشته باشد که یاری کند آن برادر مسلمان را و منع کند از غیبت کردن او و او
کار بکند خدای تعالی یاری کند او را در دنیا و آخرت و اگر یاری نکند و فرو گذارد
و قدرت داشته باشد بر یاری کردن فرو گذارد خدای تعالی او را در دنیا و آخرت
یا ابوذر سخن چین به بهشت نمیرود یا ابوذر کسی که سخن چینی کند خلاصی نیابد از عذاب
خدای در آخرت یا ابوذر آنکسی که دو رو و دو زبان باشد در دنیا پس او دو زبان
خواهد بود در آتش دوزخ یعنی بعذاب و بیشتر خواهد بود یا ابوذر در مجالس
امانت باشد یعنی سخنان در مجلس گفته شود که در جای دیگر نباید گفت مگو
یا اباذر فاش کردن سر برادر مومن خیانت است پس اجتناب کن از آن
و اجتناب کن از رفتن بمجالس یا ابوذر عرض کرده میشود عملهای اهل دنیا
بر حق تعالی در روز دوشنبه و پنجشنبه پس آمرزیده میشود گناهان
بندگان مومن مگر گناه بنده مومن که میان او و مومن دیگر دشمنی باشد پس گوید
حق تعالی که بگذارید عمل این دو کس را تا وقتی که با یکدیگر صلح کنند یا ابوذر بپرهیز
از نادیدن برادر مومن بدرستیکه عمل ترا خدای تعالی قبول نمیکند مادام که دور
از برادر مومن یا اباذر منع کنم ترا از نادیدن برادر مومن اگر دور ضروری ناچار

باشد دوری بکن پس روز قیامت دوزخ سزاوارتر است باو یا اباذر آنکسی که دوست
دارد که مردمان او را تعظیم کنند و برخیزند از برای او پس جای او در دوزخ است
یا اباذر آنکسی که بمیرد و در دل او ذره تکبر باشد در نیابد بوی بهشت را
مگر توبه کند پس مردی گفت یا رسول الله خوش می آید مرا که بازیب و زینت
باشم تا آنکه دوست میدارم که علاقه تازیانه من و بند نعلین من نیکو باشد
آیا این تکبر است حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که چگونه می یابی
دل خود را گفت که می یابم دل خود را شناسای حق و آرمیده و مایل بحق
آنحضرت فرمود که این تکبر نیست تکبر آنست که ترک کنی حق را و بگذری
از حق و متوجه غیر حق شوی و نظر کنی بمردم و ناموس خود را بیشتر از عرض و ناموس
مردمان دانی و حرمت خون خود را زیاده از حرمت خون دیگران دانی یا اباذر
اکثر اهل دوزخ متکبران خواهند بود پس گفت یا رسول الله آیا برطرف میتوان
کرد تکبر را رسول خدا فرمود صلی الله علیه و آله بلی بسبب پوشیدن پشمینه و سوار
شدن بر درازگوش و دوشیدن گوسفند و نشستن با مسکینان تکبر
برطرف میشود یا اباذر آنکسی که متاع خود را که از بازار خریده است و بردارد بخانه

خود خلاص

خود خلاص میشود از تکبر نظر نکند خدای تعالی بسوی او در روز قیامت یا ابوذر لنگ مؤمن می
باید که تا نصف ساق او باشد و باکی نیست زیاده از این تا کعبین و آنکه بگذارد
بعضی از
یا ابوذر کسی که جامه کوتاه بپوشد و بدوزد کفش خود را و روی خود را بر خاک نهد
در وقت سجده پس بری است که خلاص میشود از تکبر یا ابوذر آنکسی که او را دو پیراهن باشد
باید که یکی را بپوشد و دیگری را به برادر مؤمن بدهد یا ابوذر زود باشد که پیدا شوند
مردمان از امت من که متولد شوند در میان نعمتها و غذای ایشان الوان نعمتها
باشد و همت ایشان خوردن طعامهای رنگ برنگ و شربتهای گوناگون باشد
و تعریف میکرده باشند این گروه بدترین امت منند یا اباذر آنکه قادر باشد
که لباسهای نیکو بپوشد و نپوشد بجهت تواضع حق تعالی و ذلیل و خوار گرداند
نفس خود را و صرف کند در غیر معصیت مالها که جمع کرده است و رحم کند بر [illegible]
که خوار و مسکین شده و مصاحبت کند با اهل علم و حکمت حق تعالی بدهد او را بهشت
یا ابوذر خوشحال کسی که با صلاح باشد باطن او و نیکو باشد ظاهر او و دور کرده باشد از
مردمان شر خود را یا اباذر خوشحال کسی که عمل کند بعلم خود و صرف کند مالی را که زیاده است
از معیشت او در راه خدا و نگاه دارد زبان خود را از گفتن سخنان بیفایده یا

طعامها و شربتها

یا ابوذر گاهی جامهٔ درشت بپوش و گاهی جامهٔ نازک و دایم جامهٔ نازک مپوش تا تکبر
بتو راه نیابد یا ابوذر در آخر زمان قومی پیدا میشوند که جامهٔ پشمینه بپوشند در
تابستان و زمستان بجهت آنکه مردمان بایشان اعتقاد کنند این گروه اند
که لعنت میکنند بر ایشان فرشتهای آسمان و زمین یا اباذر خبر دهم ترا که اهل بهشت
کیست گفتم بلی یا رسول الله حضرت پیغمبر گفت که اهل بهشت آنکسی است که ژولیده
موی و گرد آلوده باشد و جامهای کهنه می پوشیده باشد بجهت آنکه اهمیت
و عظمت نداشته باشد در نظر مردم و اگر سوگند خورد بخدا راست گرداند بسوگند خودش
گفت ابوذر رحمه الله که روزی رفتم نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و آنحضرت در مسجد
تنها نشسته بود خلوت را غنیمت دانستم پس آنحضرت گفت که یا ابوذر مسجد را تحیتی است
گفتم یا رسول الله تحیت مسجد کدامست آنحضرت فرمود که تحیت مسجد دو رکعت نماز است
بعد از آن متوجه رسول خدا شدم و گفتم یا رسول الله امر کردی مرا بنماز پس چیست
نماز آنحضرت فرمود که نماز چیزیست که خدا بهتر وضع کرده است پس آنکسی که میخواهد
کم میکند و آنکسی که میخواهد بسیار میکند گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله کدام عمل
از عملهای بنی آدم بهتر است نزد خدای تعالی آنحضرت فرمود که ایمان آوردن بخدا و

بعد ازان

و بعد از آن جهاد کردن در راه خدا گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله کدام مومن ایمان او
کامل تر است آنحضرت فرمود که ایمان آنکسی کامل تر است که خلق او بهتر است گفت
ابوذر که گفتم یا رسول الله کدام مومن فاضلتر است آنحضرت فرمود که آنکسی که سالم
باشند مسلمانان از دست و زبان او گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله دور بودن
از چه چیز بهتر است آنحضرت فرمود که دور بودن از بدی گفت ابوذر که گفتم که یا رسول الله
کدام وقت از شب بهتر است آنحضرت فرمود که نصف آخر شب گفت ابوذر
که گفتم یا رسول الله کدام نماز بهتر است آنحضرت فرمود که نمازی که قنوت او بیشتر
باشد گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله کدام صدقه فاضلتر است آنحضرت فرمود که
پنهان صدقه دادن کسی که مال اندک داشته باشد گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله
کدام روزه فاضلتر است آنحضرت گفت که روزه که واجب باشد گفتم که کدام آزاد کرده
فاضلتر است آنحضرت آنچه بهای او بیشتر است و نفیس تر و بهتر باشد گفت ابوذر
که گفتم یا رسول الله کدام جهاد فاضلتر است آنحضرت فرمود که جهاد آنکسی که اسب او را
پی کنند و خون او ریخته شود گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله کدام آیت
از آیتهای قرآن بزرگتر است آنحضرت فرمود که آیة الکرسی گفت ابوذر که گفتم یا

یا رسول الله صحف ابراهیم علیه السلام چه چیز بود آنحضرت فرمود که مثلها بود از جمله
آن مثلها اینست که ای پادشاه که مبتلا شده بباد غفلت بدرستیکه ترا نفرستادم
تا که جمع کنی دنیا را ولیکن فرستادم ترا که رد کنی از من دعای مظلوم را بدرستیکه
رد نمیکنم من دعای مظلوم را و اگرچه آن مظلوم کافر یا فاسق باشد و مثل دیگر اینست
که واجبست بر هر عاقل که در هر شان روزی و ساعتی مناجات کند با پروردگار خود
و ساعتی فکر کند در مصنوعات صانع تعالی و ساعتی حساب نفس خود کند در آنچه
گذشته است و در آنچه می آید و ساعتی مشغول شود بخوردن و آشامیدن از وجه
حلال و نیز واجب بر عاقل که سفر نکند مگر بجهت سه چیز برای توشه راه آخرت
و برای معاش و برای لذتی که حرام نباشد و نیز واجب است بر عاقل که بینا باشد
بزمان خود یعنی اوقات خود را عبث صرف نکند و متوجه باشد بکار خود و نگاه دارد
زبان خود را و کم سخن کردن را از جمله عمال داند سخن نکند مگر در چیزی که ضرورت باشد
گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله صحف موسی چه چیز بود آنحضرت فرمود که تمام چیزهایی
که مردمان باو عبرت میگرفتند و از جمله آنها اینست که عجبست از کسی که یقین
میداند که دوزخ هست و میخندد و عجب است از کسی که یقین [illegible]

وخوشحا

و خوشحالی میکند و عجبست از کسی که می بیند دنیا و گردش او را و نسبت باهل دنیا
و تغیرات او را و آرام و قرار میگیرد در دنیا و عجبست از کسی که یقین میداند
که حساب خواهد بود در روز قیامت و عمل نیکو نمیکند گفت ابوذر که گفتم یا
رسول الله آیا از آنچیزهای که خدای تعالی بتو فرستاده است در صحف ابراهیم و موسی علیهم السلام
هست آنحضرت فرمود که مضمون این آیتها است که قد افلح من تزکی و ذکر اسم
ربه فصلی بل تؤثرون الحیوة الدنیا والآخرة خیر و ابقی ان هذا لفی الصحف الاولی
صحف ابراهیم و موسی یعنی بدرستی که رستگاری یافت آنکه پاک شد از کفر و معصیت
و یاد کرد نام پروردگار خود را بدل و زبان پس نماز گزارد بلکه شما اختیار میکنید
زندگانی دنیا را و آخرت بهتر و پاینده تر است بدرستیکه این سخن در صحیفهای پیشین است
که قبل از قرآن نازل شده است که آن صحف ابراهیم و موسی است گفت ابوذر که گفتم
یا رسول الله وصیتی کن مرا آنحضرت گفت وصیت میکنم ترا بتقوی و پرهیزکاری بدرستی
که تقوی بهترین همه نیکوئیهاست گفتم یا رسول الله زیاده کن وصیت آنحضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت که ترس ورز از خدا و از ملامت کردن مردمان ترا گفتم یا
رسول الله زیاده کن وصیت را آنحضرت فرمود که باید که عیب نکنی مردمانرا بچیزی

گر آنچه دزد برده باشد و همین بس است در نادانی کسی که عیب مردم را باز میداند و عیب خود را
نمیداند گفت ابوذر که بعد از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بر سینه من زد و
گفت یا اباذر هیچ عقلی مانند تدبیر و هیچ پرهیزکاری مانند باز ایستادن
از حرام و هیچ شرفی مانند خوش خلقی فصل شانزدهم در اختیارات ایام برای
کارها که روایت است از امام ناطق امام جعفر صادق علیه السلام که روز اول از ماه
نیکوست از برای دیدن امرا و طلب کردن حاجتها و خرید و فروخت و زراعت
کردن و سفر کردن دوم ماه نیکوست برای سفر کردن و طلب کردن حاجتها سوم
ماه روزی بد است و برای هیچ کار خوب نیست چهارم ماه برای نکاح کردن نیکو است
و مکروه است سفر کردن درین روز پنجم ماه روز نحس است و بد است برای جمیع کارها
ششم ماه روز مبارک است و خوب است برای نکاح کردن و طلب حاجت کردن
هفتم ماه مبارک است و نیکوست برای جمیع کارها هشتم ماه نیکوست برای
هر حاجت بغیر سفر کردن که مکروه است درین روز نهم ماه روز مبارک است و نیکوست
هر چه اراده کند و آنکس که سفر کند درین روز مال بسیار خدا روزی او کند دهم
ماه نیکوست برای همه حاجتها بغیر رفتن نزد سلطان و آنکس که درین روز از سلطان

بگریزد

بگریزد گرفتار شود و آنکس که گم شود درین روز جوانی پیدا شود نیکوست
درین روز خرید و فروخت کردن و آنکس که بیمار شود درین روز صحت یابد یازدهم
نیکوست برای خرید و فروخت کردن و سفر و جمیع حاجتها بغیر از رفتن
نزد سلطان و درین روز پنهان شدن کسی نیکوست دوازدهم ماه روز مبارک است
پس طلب کنید درین روز حاجتها را و سعی کنید برای حاجتهای خود بدرستی
که درین روز حاجتها بر آورده میشود سیزدهم ماه روز نحس است و هیچ کار را
نشاید پس بپرهیزید درین روز جمیع کارها چهاردهم ماه نیکوست برای
هر حاجتی پس طلب کنید درین روز حاجتهای خود را بدرستی که حاجتها بر آورده میشود
پانزدهم ماه نحس است و بد است برای جمیع کارها شانزدهم نیکوست
پس طلب کنید درین آنچه میخواهید و نیکوست درین روز نکاح کردن و خرید و فروخت
و زراعت کردن و بنا نهادن و نزد سلطان رفتن بجهت حاجت بدرستی که درین
حاجتها بر آورده میشود هفدهم ماه روز مبارک است و نیکوست برای سفر کردن
و طلب حاجت کردن و آنکس که جنگ کند درین روز با دشمن غالب شود و بر دشمن
ظفر یابد بقدرت خدای تعالی هیجدهم ماه بد است و هیچ کار را نشاید کرد

نوزدهم ماه روز خوبست و نیکوست برای جمیع کارها و فرزند بمکتب دادن و متولد
شود مبارک باشد بیستم ماه روزی نیکوست و خوبست برای طلب حاجت
و سفر کردن و بنا نهادن و عروسی کردن و رفتن نزد سلطان بیست و یکم ماه
هیچ کار نشاید بیست و دوم ماه روزی مبارکست و نیکست برای خرید و فروخت
کردن و ملاقات سلطان کردن و صدقه دادن و سفر کردن بیست و سیم ماه
نیکوست خاصه برای نکاح و تجارت کردن و رفتن نزد سلطان بیست و چهارم
ماه روز نحس است و شومست هیچ کار نشاید بیست و پنجم ماه روز بدیست
حذر می باید کردن درین روز از همه کارها بیست و ششم ماه نیکوست برای
هر حاجتی بغیر نکاح کردن و سفر کردن و بر تنها باید که صدقه بدهید درین روز بدیر
نفع و فایده می باید بیست و هفتم ماه نیکوست برای جمیع حاجتها و کارها
و ملاقات کردن سلطان بیست و هشتم ماه میانه است و بیست و نهم
ماه روز مبارکست و نیکو برای جمیع کارها بغیر از کتابت که درین روز نکردست
و اگر کسی درین روز بیمار شود زود صحت می یابد و اگر کسی سفر کند درین روز منافع
بسیار یابد و برسد و اگر کسی که بنده او بگریزد درین روز یافته شود سیم ماه روزی

خوبست و نیکوست برای هر کاری از خرید و فروخت و زراعت و نکاح کردن
و اگر کسی بیمار شود درین روز صحت یابد و فرزندی که درین روز متولد شود حلیم
و مبارک و راستگوی و وفادار باشد در بیان آنچه می باید خواند در عقب
هر نماز و بعضی وقتی که مضطر شود آدمی و ضرورت باشد او را او جب کردن بکار
دیگر ازین روزها که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منع کرده است
از توجه کردن در کاری و آن دعا اینست لا حول و لا قوة الا بالله افتح بها کل
کربة لا حول و لا قوة الا بالله احل بها کل عقدة لا حول و لا قوة الا بالله بها کل
ظلمة لا حول و لا قوة الا بالله افتح کل باب لا حول و لا قوة الا بالله استعین بها
علی کل شدة و مصیبة لا حول و لا قوة الا بالله استعین بها علی کل امر نزل بی
لا حول و لا قوة الا بالله اعتصم بها من کل محذور اخاف لا حول و لا قوة الا بالله
استوجب بها العفو و العافیة و الرضا من الله لا حول و لا قوة الا بالله تفرق اعداء الله
و علیت حجة الله و بغی وجه الله لا حول و لا قوة الا بالله لا حول و لا قوة الا بالله
اللهم رب الارواح الفانیة و رب الاجساد البالیة و رب الشعور المتمعطة و رب الجلود
المتمزقة و رب العظام النخرة و رب الساعة القائمة اسالک یا رب ان تصلی علی محمد

والِ محمد وعلی اهل بیته الطاهرین وافضل ذلک بحق لطفک یا ذو الجلال والاکرام
آمین آمین امین رب العالمین فصل هفتم درخاتمهٔ کتاب چون افتتاح کردم
این کتاب را بخطبهٔ امیر المومنین و امام المتقین و یعسوب الموحدین وقاید الغر
المحجلین صلوات الله وسلامه علیه بجهت تیمن و تبرک و بجهت آنکه این خطبه
مشتمل بود بجمیع آداب و اخلاق خواستم که ختم کنم این کتاب را بخطبهٔ دیگر از امیر المومنین
علی علیه السلام که روش مومنان و صفات متقیان و پرهیزکاران از آن معلوم
میشود و بجهت آنکه این خطبه بهترین پیشوایانست از برای کسانی که پیروی او کنند
و بلیغ ترین موعظها و پندهاست برای کسانی که پند گیرند و ختم کردم کتاب خود را
باین خطبه پس گردید ختم کتاب من مشک بعد از حمد خدا و صلوات بر رسول
بدرستی که خدای تعالی آفرید خلق را و غنی و بی نیاز است از طاعت ایشان و ایمنست
از معصیت ایشان برای آنکه ضرر نمیرسد بخدای تعالی از معصیت آنکه نافرمانی کند
و نفع نمیرسد بخدای تعالی از طاعت آنکه فرمان برداری کند پس قسمت کرد میان
خلقان معیشت ایشان را و تعیین کرد از دنیا جای ایشان را پس متقیان
درین دنیا اهل فضل اند سخنان ایشان راست و صوابست و لباس ایشان

میانه است نه خوب و نه بد و راه رفتن ایشان طریق پوشیده اند چشمهای
از آنچه حرام کرده است حق سبحانه و تعالی بر ایشان و استماع میکنند
علمی را که نافع است ایشان را محنت و خوشحالی پیش ایشان یکسانست و اگر نبود
اجلی که خدای تعالی مقرر کرده است برای ایشان قرار نگرفتی روح ایشان
یک چشم بر هم زدن بجهت شوق و ثواب و ترس از عقاب بزرگست خدا
نزد ایشان پس خورد است آنچه جز حق تعالیست در نظر ایشان پس ایشان
گویا بهشت را می بینند و در بهشت متنعم میکنند و گویا دوزخ را می بینند
و در دوزخ معذب اند دلهای ایشان اندوهگین است و مردمان از بدیهای
ایشان ایمن اند و بدنهای ایشان ضعیف و لاغر است و حاجتهای ایشان یسیر
است و اندکست و نفسهای ایشان پاکست از معصیت و یاری کردن
ایشان در اسلام بسیار است صبر کرده اند در مشقت و زحمات دنیا اندک
تا راحت بسیار بیابند در آخرت میسر کرده است خدای تعالی با ایشان تجارتی
که سود کننده است میخواهد دنیا ایشان را و ایشان نمیخواهند دنیا را و دنیا مطلب
ایشان را و ایشان عاجز کرده اند دنیا را و اسیر کرد دنیا ایشان را و ایشان

بازخریده اند نفس های خود را از دنیا اما در شب قرآن میخوانند بتأنی کرده
و حزین و اندوهگین میسازند بقرآن خواندن نفسهای خود را و حاصل میکنند از
قرآن دوای درد خود را چون برسند بآیتی که در آن تشویقی باشد میل کنند بآن
بجهت طمع رحمت و نزدیک باشد که برآید جان ایشان از شوق آن رحمت
و گمان برند که آن رحمت پیش چشم ایشانست و چون برسند بآیتی که دلهای
خود را متوجه او سازند و گمان برند که آواز دوزخ و گردش آن در گوش ایشانست پس ایشان
برکوع روند و بزرگی یاد کنند پروردگار خود را و بر زمین نهند پیشانیها و دستها
و زانوها و انگشتان پای خود را و طلب کنند از خدا رهائی گردنهای خود را از آتش دوزخ
اما در روز حکیمان و دانایان و پرهیزکاران و نیکمردان باشند و ضعیف ساخته
باشد ایشان را ترس خدا که اگر کسی نظر کند بایشان گمان برد که ایشان بیمارند
و حال آنکه ایشان بیمار نباشند و گوید آنکس که نظر کند بایشان که ایشان دیوانه اند
و حال آنکه دیوانه ساخته باشد ایشان را امر عظیمی که آن غم آخرتست و راضی
نباشند از عملهای خود باندک و هرچند عمل خیر کنند در نظر ایشان نماید
و ایشان نفس خود را متهم سازند و گویند که عمل نیک نکردی و از عملها

فرودم

خود بترسند از آنچه گفته شود در حق ایشان و بگویند که ما داناتریم به نفس خود از
غیر و پروردگار ما داناتر است از ما بنفس ما ای خدا مگیر ما را بآنچه میگویند در حق ما
و بگردان ما را بهتر از آنچه گمان می برند و بیامرز گناهان ما را که ایشان نمیدانند بدرستیکه
دانای غیبهاست و پوشنده عیبها پس از علامات ایشان آنست که میبینی
ایشان را که قوت داشته باشند در دین و ضبط داشته باشند با وجود [illegible]
و ایمان ایشان از روی یقین باشد و حرص داشته باشند در علم و داشته باشند
در میانه روی کنند در غنی و توانگری و ترس داشته باشند در عبادت و در تنگی
نگاه دارند خود را در درویشی و صبر کنند در سختی و طلب حلال کنند و شادی کنند بجهت یافتن
راه راست و پرهیز کنند از طمع و عملهای نیکو کنند و ایشان بر ترس باشند شام
قصد ایشان شکر باشد و صباح قصد ایشان ذکر باشد شب بروز آورند
ترسان و صباح فرح داشته باشند ترس ایشان در شب بجهت غفلت باشد
و فرح ایشان در صباح بجهت فضل و رحمت باشد که بایشان رسیده است
و اگر صعب شمرد نفس ایشان بایشان چیزی را که مکروه میدارد فرمان برداری
نفس نکنند در آنچه دوست میدارد نفس آن و روشنی چشم ایشان در عملهاست

کرد برای آخرت است و رغبت ندارند در چیزی که باقی نمی ماند که آن امور دنیاست
جمع کرده اند حلم را با علم و قول را با عمل می بینی ایشان را که نزدیک است امید ایشان
و کم است لغزش ایشان و گناه ایشان و ترسناک است دل ایشان و قانع است
نفس ایشان و اندک است خورش ایشان آسانست کار ایشان محفوظ است
دین ایشان و مرده است شهوت ایشان و فرو خورده اند خشم را و آن
خوش است خوی ایشان و بسیار است خیر ایشان و صادق است قول ایشان و ایمن
اند مردمان از خیر ایشان و ایمنند از شر ایشان اگر در میان غافلان باشند
ذاکر نوشته میشوند از جمله ذاکران و اگر در میان ذاکران باشند ایشان نیز
ذاکر نوشته میشوند از جمله غافلان عفو کنند از کسی که ظلم کند
بر ایشان و چیز دهند بکسی که بایشان چیزی نه دهد و صله رحم بجای آورند نسبت
بکسی که قطع صله رحم کند از ایشان و دور باشند از سخنان فحش و ملایم باشند گفتار
ایشان و کارهای ناشایسته نکنند و نیکوئی کنند و متوجه خیر شوند و احترام
نمایند و در چیزهای که موجب اضطراب شود آرمیده و با وقار باشند و در مشقتها
متحمل و صبور باشند و در آسایش شاکر باشند ظلم نکنند بکسی که دشمنی کنند

با ایشان

با ایشان و بدی نکنند بکسی که دوست ندارد ایشان را و اعتراف کنند بحق پیش از آنکه
گواه گذرانیده شود بر ایشان و ضایع نکنند آنچه را که بنگاه داشتن آن داده اند
و فراموش نکنند چیزی را که بایشان بدهند و نخوانند مردمان را بلقبهای بد و شماتت
نکنند بمصیبتهای دشمنان و سعی کنند که در اول وقت نمازها بجای آورند و ادای
امانت کنند و دوری سازند از چیزهای بد و امر بمعروف و نهی از منکر بجای آورند
و دوری نمایند در چیزهای باطل و بیرون نروند از حق اگر خاموش باشند اندوهگین
نسازد ایشان را خاموشی و اگر سخن کنند خطا و ثواب نگویند و اگر بخندند بلند
نشود آواز ایشان و گوش ایشان قانع باشد بشنیدن چیزهای که برای شنیدن
آن مخلوق شده است گوشهای ایشان و سرکشی نکنند در حالت خشم و اندوهای
نفس و بخل بر ایشان غالب نشود و مصاحبت نکنند با مردمان بجهت آنکه
از ایشان چیزها بیاموزند و خاموش باشند بجهت آنکه بسلامت باشند
و چیزها بپرسند از مردمان بجهت آنکه ثواب حاصل آید ایشان را و نیکوئی
نکنند بجهت آنکه فخر کنند بر مردمان بلکه بجهت رضای خدا نیکوئی کنند
و تکلم ایشان همچنان نیکو بجهت آن نیست که فخر کنند بر مردمان و اگر ظلم

کنند بر ایشان صبر کنند تا خدای تعالی انتقام بکشد برای ایشان نفس ایشان در
مشقت باشند از ایشان و مردمان از ایشان در راحت باشند و در مشقت اندازند
نفس خود را برای آخرت و در راحت اندازند مردمان را از نفس خود و دوری کنند
از انکسی که بر هیزکاری و پاکیزه که دوارند و نزدیکی جویند بکسی که نزدیک باشد
بملایمت و رحم نباشد دوری کردن ایشان از انجماعت بجهت تکبر و بزرگی
و نزدیکی نمودن ایشان باین جماعت از روی مکر و فریب نیست پس راوی
میگوید که چون امیر المومنین علی علیه السلام این سخن را بیان فرمود همام بیهوش
شد و در ان بیهوشی جان را بحق تسلیم کرد پس گفت امیر المومنین علی علیه السلام
که بحق خدای که من ازین می ترسیدم که اول وصف نکردم صفات را برای
همام و بعد از ان آنحضرت گفت که اینچنین میکنند پندهای کامل با اهل آن پند
شخصی گفت که چیست حال تو یا امیر المومنین بجهت مردن همام امیر المومنین
علی صلوات الله علیه گفت با آن شخص که وای بر تو بدرستی که هر اجلی را
وقتی است که در نمیگذرد از ان وقت و سببی است که تجاوز نمیکند از ان سبب
پس مثل این سخنان مگو بدرستی که سعای این سخنان را از زبان تو میدهد



تمت کتاب میگوید که امنست آنچه اراده کردیم که جمع کنیم از سیرت حضرت
رسالت پناهی صلی الله علیه و آله و اولاد که روایت کرده شده است
از انحضرت و از حضرات ائمه معصومین و اهل بیت طیبین و طاهرین
صلوات الله و سلامه علیه و علیهم اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین

چون سخن اخبار سید از جمله باب	ختم شد والله اعلم بالصواب
قاریا بر من مکن قهر و عتاب	گر خطای رفته باشد در کتاب
آنکه خطای رفته را تصحیح کن	از کرم والله اعلم بالصواب

تمت الکتاب مکارم الاخلاق بعون ملک الوهاب فی التاریخ هژدهم جمید الثانی
سنه ۱۰۲۱ احرره بید الفقیر الحقیر حسن محمد ولد درویش محمد ساکن محلمجدیل غفر الله

۹۹۲
۴۹۹



